
گذرنامه
بهشت

بسم الله الرحمن الرحیم

گذرنامه بهشت: شرح موضوعی زیارت جامعه کبیره

نویسنده:

کاظم ارفع

ناشر چاپی:

پیام عدالت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵
گذرنامه بهشت: شرح موضوعی زیارت جامعه کبیره ۱۰
مشخصات کتاب ۱۰
اشاره ۱۰
سخن نخست ۱۸
حرف_ آ: ۲۴
۱. آفرینش شروع و ختمش به برکت وجود شماست: ۲۴
۲. آمرین به معروف و ناهین از منکرید: ۳۸
۳. آگاهی دهندگانید و جایگاه معرفت خداوندید ۷۲
۴. آمرزش گناهان به توسط شما شامل حالمان می گردد: ۸۳
۵. آموختن را باید از شما فرا گرفت: ۹۷
۵. هادیان راستین را تبعیت می کنند: ۱۰۷
حرف_ الف: ۱۰۸
۶. احسان، شیوه و منش شماست: ۱۰۸
۷. اخلاص و محبت به خدا را کانون و مرکزید: ۱۲۹
۸. اخلاق و تزکیه در پرتو ولایت شما خاندان سرانجام می گیرد: ۱۵۲
۹. استقامت در راه خدا و حفظ ایمان را باید از شما آموخت: ۱۶۴
۱۰. اطاعت از شما اطاعت از خداست: ۱۸۳
۱۱. احکامتان قطعی است: ۱۹۸
۱۲. اسماء شما چه شیرین است: ۲۰۹
۱۳. امنیت و سلامتی در تمسک به شماست: ۲۱۸
۱۴. انحراف در دشمنی و نپذیرفتن ولایت شماست. ۲۲۹
۱۵.اهل بیت نبوّت فقط شمایید: ۲۳۶
۱۶. ابواب ایمان هستید: ۲۴۹

حرف ـ ب : ---- ۲۶۱
۱۷. باب نجات امتید: ---- ۲۶۱
۱۸. باب پاسخگویی به ابتلائات و گرفتاری های مردمید: ---- ۲۷۳
۱۹. باطل شیوه مقصرین به حقوق شماست: ---- ۲۹۴
۲۰. بالاترین شأن و منزلت از آنِ شماست: ---- ۳۰۸
۲۱. بدعتها و خودرأیی ها را برچیدید و احکام و حدود قطعی الهی را نشر دادید: ---- ۳۱۹
۲۲. برکت در خانه ی شماست: ---- ۳۳۲
۲۳. بزرگی مقامتان تا کجاست؟! ---- ۳۴۵
۲۴. بقیه الله شما هستید: ---- ۳۵۸
۲۵. برهان و دلیل بر اثبات وجود پروردگارید و مورد تایید او هستید ---- ۳۶۶
۲۶. بیوت شما به اذن خدا بلند مرتبه گشت: ---- ۳۷۵
حرف - پ: ---- ۳۸۴
۲۷. پاداش بهشت در تبعیت از شماست و مخالفت با شما جزای جهنم دارد: ---- ۳۸۴
۲۸. پرهیزکاری و تقوا را نشانید: ---- ۳۹۴
۲۹. پناهگاه دوستان خود هستید: ---- ۴۰۵
حرف ـ ت: ---- ۴۱۱
۳۰. تبلیغ و دعوت به حکمت و اندرز خلق کار مدام شماست: ---- ۴۱۱
۳۱. تسلیم محض شما هستیم: ---- ۴۲۱
۳۳. توفیق راه یابی به خدا از طریق شماست: ---- ۴۳۷
حرف - ج: ---- ۴۴۵
۳۴. جحد و انکار شما مساوی با کفر و شرک است: ---- ۴۴۵
حرف - ح: ---- ۴۵۲
۳۵. حجت های خدایید: ---- ۴۵۲
۳۶. حاجات به وسیله شما برآورده می گردد: ---- ۴۶۴
حرف - خ: ---- ۴۷۶
۳۷. خُلق و خویتان در حد وصف ما نیست: ---- ۴۷۶

۳۸. خلیفه اللّهی برازنده شماست: ------ ۴۸۶
۳۹. خیر و خوبی ها را مرکزید: ------ ۴۹۹
۴۰. خزانه ی دانش و نهایت بردباری هستید: ------ ۵۱۲
حرف – د: ------ ۵۲۳
۴۱. دعا و مناجات با خدا را به ما آموختید: ------ ۵۲۳
۴۲. دشمنان مستحق نفرین و خزلانند: ------ ۵۳۶
۴۳. دولت کریمه از آنِ شماست: ------ ۵۴۵
حرف – ر: ------ ۵۵۶
۴۴. رحمت دائمی خدایید: ------ ۵۵۶
۴۵. رجعت شما مورد تصدیق ماست: ------ ۵۶۳
۴۶. راه رشد و تعالی در اجرای فرمان شماست: ------ ۵۷۶
۴۷. راه شما مسیر محکم و استوار است: ------ ۵۸۷
۴۸. رهبران سیاسی بندگان خدایید: ------ ۵۹۵
۴۹. رستگاری فقط در مکتب ولایی شماست: ------ ۶۰۵
حرف – ز: ------ ۶۱۲
۵۰. زائر شما و پناهنده به مقابر شماییم: ------ ۶۱۲
حرف – س: ------ ۶۲۶
۵۱. سلامتی و عافیت در دنیا و آخرت در گرو ولایت شماست: ------ ۶۲۶
۵۲. سنت الهی را استوار کردید: ------ ۶۴۱
۵۳. سرّ الهی را در سینه دارید: ------ ۶۵۱
حرف – ش: ------ ۶۶۰
۵۴. شجاعت شما مثال زدنی نیست! ------ ۶۶۰
۵۵. شفاعت جزو اصلی ترین کار شماست: ------ ۶۶۸
۵۶. شکر نعمت ولایت شما را چگونه بجا آوریم؟! ------ ۶۷۵
حرف – ص: ------ ۶۸۸
۵۷. صالحان را رهبرید: ------ ۶۸۸

۵۸. صلوات مستدام ما بر شما باد: ---------- ۶۹۸
حرف – ض: ---------- ۷۰۸
۵۹. ضلالت و گمراهی در جدایی از شماست: ---------- ۷۰۸
حرف – ط : ---------- ۷۱۵
۶۰. طریقت شماست که مصون از لغزش و فتنه است: ---------- ۷۱۵
حرف – ظ: ---------- ۷۲۴
۶۱. ظالمان حقوق شما مورد نفرت ما هستند: ---------- ۷۲۴
۶۲. ظهور و غلبه دین به دست شما انجام پذیرد: ---------- ۷۳۱
حرف – ع: ---------- ۷۴۱
۶۳. عاقبت بخیری در ولای شما امکان پذیر است: ---------- ۷۴۱
۶۴. علم و حلم را مخزیند: ---------- ۷۴۸
۶۵. عبادت و ارادت به خدا را شما به ما آموختید: ---------- ۷۶۲
۶۶. عترت پاک و ذریّه ی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستید: ---------- ۷۷۰
۶۷. عزّت و آزادگی در قبول ولایت شما محقق می شود: ---------- ۷۷۷
حرف – غ: ---------- ۷۸۵
۶۸. غم و غصه با ارتباط با شما برطرف می گردد: ---------- ۷۸۵
حرف – ف: ---------- ۷۹۶
۶۹. فرشتگان در اطراف شما در رفت و آمدند و در خدمت شمایند: ---------- ۷۹۶
حرف – ق: ---------- ۸۰۵
۷۰. قرآن را مترجم و مهبط وحی و حاملان کتاب خدایید: ---------- ۸۰۵
۷۱. قرب به خدا به وسیله شما امکان پذیر است: ---------- ۸۱۴
۷۲. قبولی اعمال در گرو دوستی و ولایت شماست: ---------- ۸۲۴
حرف – ک : ---------- ۸۳۴
۷۳. کامیابی ما در بودن با شما و در دیدارتان است: ---------- ۸۳۴
۷۴. کلامتان نور است: ---------- ۸۴۳
حرف – گ: ---------- ۸۵۴

۷۵. گل سرسبد آفرینشید: ۸۵۴
حرف – ل: ۸۶۴
۷۶. لعنت و غضب خدا برای انکار کنندگان ولایت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است: ۸۶۴
حرف – م: ۸۷۴
۷۷. معارف و معالم دین نزد شماست: ۸۷۴
۷۸. مقام محمود مختص شماست: ۸۸۲
حرف – ن : ۸۹۱
۷۹. نماز را برپا داشتید: ۸۹۱
۸۰. نور واحدید: ۹۰۵
حرف – واو: ۹۱۶
۸۱. ولایت شما و نقش کاربردی آن: ۹۱۶
حرف – هـ: ۹۲۶
۸۲. هلاکت برای دشمنانتان حتمی است : ۹۲۶
حرف – ی : ۹۳۳
۸۳. یاد شما هماره در زبان ذاکرانتان است: ۹۳۳
اسناد زیارت جامعه کبیره ۹۴۳
فهرست منابع تحقیق ۹۴۵
برگی از متن کتاب ۹۵۱
درباره مرکز ۹۵۲

گذرنامه بهشت: شرح موضوعی زیارت جامعه کبیره

مشخصات کتاب

عنوان قراردادی : زیارتنامه جامعه کبیره. فارسی - عربی. شرح

عنوان و نام پدیدآور : گذرنامه بهشت: شرح موضوعی زیارت جامعه کبیره/ سیدکاظم ارفع.

مشخصات نشر : تهران : پیام عدالت، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : [۵۲۷]ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۲-۲۹۹-۷

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : زیارتنامه جامعه کبیره -- نقد و تفسیر

شناسه افزوده : ارفع، سید کاظم، ۱۳۲۳ -

رده بندی کنگره : BP۲۷۱/۲۰۴۲۲/الف۴ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۷

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۲۳۷۶۲

ص: ۱

اشاره

سخن نخست

بسم الله الرّحمن الرّحیم

سخن نخست

در همین آغاز سخن با حدیث شروع می کنم تا خواننده گرامی بداند که موضوع از چه

قرار است:« قالَ الصَّادِقُ عَلیهِ السَّلام:راوِیَهٌ لِحَدیثِنا یَبثّ فِی النّاسِ و یُشَدِّدُ فِی قُلوُبِ

شِیعَتِنا اَفضَلُ مِن اَلفِ عابِدٍ.»(۱)

کسی که حدیث ما را در میان مردم نشر دهد و آن را در دل شیعیان ما استوار سازد از

هزار عابد برتر است.

بله موضوع از این قرار است که بناست به بهانه شرح موضوعی زیارت گرانقدر جامعه

کبیره که از امام هادی علیه السلام منقول است به یک سلسله احادیث ولائی بپردازیم و ثابت

کنیم که گذرنامه بهشت پذیرش ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام است.

تمام انسان هایی که معتقد به مبدء و معاد هستند قیامت و بهشت و دوزخ را قبول دارند

و در کتاب های آسمانی به صراحت به جهان آخرت پرداخته شده است

اینکه بهشت آفریده شده یا نه و اینکه در کجا مکان دارد بحث و نظرهای متفاوت

۱- بحار، ج ۲، ص ۱۴۵

وجود دارد ولی درباره ی واقعیت وجودی آن هیچ کس اختلاف ندارد.

خداوند وسعت بهشت را در پهنای آسمان ها و زمین بیان می فرماید:

«وَ سارَعُوا اِلی مَغفِرَهٍ مِن رَبِّکُم وَ جَنَهٍ عَرضُهَا السَّماواتُ و الَارضُ اُعِدَّت لِلمُتَقینَ»(۱)

به سوی آمرزش پروردگار خود و بهشتی بشتابید که پهنای آن آسمان ها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده شده است.

با اینکه قرآن شریف بارها به توصیف نعمت های بهشت پرداخته ولی در یک جا می فرماید:« فَلا تَعلَمُ نَفسٌ ما اُخفِیَ لَهُم مِن قُرَّهِ اَعیُنٍ جَزاءً بِما کانُوا یَعمَلوُنَ»(۲)

و هیچ کس از آن روشنی چشم خبر ندارد که به پاداش کارهایی که می کرده اند، برایشان اندوخته اند.

و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از قول پروردگار متعال نقل می کند:« اَعدَدتُ لِعِبادِیَ الصّالِحینَ ما لا عَینٌ رَأت و لا اُذُنٌ سَمِعَت، وَ لا خَطَرَ عَلی قَلبِ بَشَرٍ»(۳)

برای بندگان نیک کردار خود چیزهایی فراهم آورده ام که نه چشنمی دیده است و نه گوشی شنیده است و به ذهن هیچ بشری خطور نکرده است.

شرط اصلی برای ورود به بهشت که به طور مبسوط و طولانی در متن کتاب بدان پرداخته شده اعتقاد به دوازده امام معصوم منتخب خدا و رسول است و اگر کسی فاقد این گذرنامه باشد به بهشت راهش ندهند.

از جمله احادیث صحیحه و محکمی که دلالت بر این حقیقت می کند حدیث کعروف و مشهور سلسله الذهب است که شرط مصون ماندن از عذاب و جهنم را قبول ولایت عترت و امامان معصوم علیهم السلام بیان می نماید.

علت نام گرفتن به سلسله الذهب بدین جعت است که امام رضا علیه السلام از قول پدران

ص: ۱۰

۱- آل عمران / ۱۳۳

۲- سجده/ ۱۷

۳- کنزالعمال، ۶۹. ۴۳ و بحار، ج ۸، ص ۱۹۱

بزرگوارش تا امیرالمومنین علیه السلام نقل می کند که او می فرماید:

« سَمِعتُ رَسولَ الله صلی الله علیه و آله و سلم یَقولُ: سَمِعتُ جَبرئیلَ یَقولُ: سَمِعتُ الله جَلَّ جَلالُهُ

یَقولُ:« لا اِلهَ اِلاّ اللهُ» حِصنِی، فَمَن دَخَلَ حِصنِی اَمِنَ مِن عَذابِی. قالَ (الّراوی) فَلَمَّا

مَرَّتِ الرَّاحِلَهُ نادانا:بِشُروطِها وَ اَنا مِن شُروطِها»(۱)

از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: شنیدم جبرییل گفت: از خدای جل جلاله شنیدم

که فرمود:« لااله الاالله» دژ من است، پس هر که به دژ من درآید از عذاب من ایمن باشد.

راوی می گوید: چون شتر به راه افتاد امام رضا علیه السلام بانگ برآورد: آن شرایطی دارد و من یکی از شرایط آنم.

مشابه حدیث سلسله الذهب از نظر متن قبل از امام هشتم علیه السلام در زمان امام پنجم امام محمد باقر علیه السلام رخ داد.

« اِنَّ رَجُلًا اَتی أباجَعفَرٍ علیه السلام فَسَأَلَهُ عَنِ الحَدیثِ الَّذِی رُوِیَ عَن رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم

اَنَّهُ قالَ: مَن قالَ« لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ» دَخَلَ الجَنَّهَ، فَقالَ اَبُوجَعفَرٍ علیه السلام:اَلخَبَرُ حَقٌّ، فَوَلیٰ

الرَّجُلُ مُدبِراً، فَلَمَّا خَرَجَ اَمَرَ بِرَدِّهِ ثُمَ قالَ: یا هذا، اِنَّ لِ « لا اِلهَ اِلَّا اللهُ» شَروصاً، اُلا وَ اِنّی مِن شَروطِها»(۲)

مردی خدمت امام باقر علیه السلام آمد و از این حدیث پیامبر پرسید که فرموده است: هر

کس بگوید: خدایی جز الله نیست به بهشت می رود امام باقر علیه السلام فرمود:خبر درست

است. آن مرد بیرون رفت. امام باقر علیه السلام دستور داد او را برگردانند. چون برگشت به او

فرمود: ای مرد!«لا اله الا الله»شروطی دارد و آگاه باش که من یکی از آن شروط آن هستم.

تضمین بهشت از قول امام صادق علیه السلام از جانب پروردگار متعال:

۱- توحید صدوق، ص ۲۸

۲- بحار، ج ۳، ص ۱۳

«اِنَّ اللهَ تَبارَکَ و تَعالی ضَمنَ لِلمُومِنِ ضَماناً ...اِن هُوَ اَقَرَّ لَهُ بالرُّبوبیَّهِ وَ

لِمُحَمَدٍ صلی الله علیه و آله و سلم بِالنُّبُوَّهِ وَ لِعَلیٍّ بِالاِمامَهِ، وَ اَدَّی مَا افتَرَضَ عَلَیهِ اَن یُسکِنَهُ فِی جَوارِهِ»(۱)

خدای تبارک و تعالی به مومن تضمین داده است که... اگر به ربوبیّت او و پیامبری

محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامت علی علیه السلام اعتراف کند و فرایض او را به جا آورد وی را در جوار خود سکنا دهد.

همان گرامی یکی از گروه هایی را که خداوند سوگند یاد کرده محروم از بهشت

خواهد کرد« رادٌّ عَلی اِمامِ هُدیً» کسی که از فرمان امام هدایتگر سربرتابد می شمرد.

دوستان خواننده انشاءالله در وقت مناسب و با حوصله متن کتاب را مطالعه خواهید

نمود و ملاحظه خواهید کرد که چه روایات و احادیثی از شخص رسول الله صلی الله علی و آله و سلم و ائمه

طاهرین علیهم السلام به طور مکرر به چشم می خورد که همگی به این امر مهم دلالت دارند که

فقط و فقط گذرنامه بهشت پذیرش واقعی ولایت عترت و اهل بیت پیامبر و ائمه

طاهرین علیهم السلام است و غیر این طریق بیراهه رفتن و سر از دوزخ درآوردن است.خدای را

سپاس می گذاریم که مهر و علاقه خاندان عصمت و طهارت را به کام جانمان چشانید و

از حضرت او عاجزانه می خواهیم توفیق پیروی راستین از آن انوار طیّبه را نیز نصیب ما

فرماید و همان طور که حضرت صادق علیه السلام فرمودند برایشان زینت باشیم و نه اسباب

آزارشان.و همچنین از درگاه پروردگار مهربان در نهایت فقر تمنّا می کنیم بار پروردگارا

جایگاه موضوع مهم ولایت امامان معصوم علیهم السلام را در سطح گیتی گسترش ده تا زمینه

ظهور امام عصر ارواح العالمین له الفداء فراهم آید و بساط ظلم و نفاق و بی مهری ها

نسبت به معصومین علیهم السلام و شیعیان آن گرامیان برچیده گردد.

سالروز شهادت رییس مذهی حَقّه امام جعفر صادق علیه السلام

سال ۱۴۳۴

سید کاظم ارفع

ص: ۱۲

۱- توحید صدوق، ص ۱۹

حرف_ آ:

۱. آفرینش شروع و ختمش به برکت وجود شماست:

«بِکُم فَتَحَ اللهُ وَ بِکُم یَختِمُ وَ بِکُم یُنَزِّلُ الغَیثَ وَ بِکُم یُمسِکُ السَّماءَ اَن تَقَعَ عَلیَ الاَرضِ اِلّا بِاِذنِهِ»

به برکت شما خاندان خلقت آسمان ها و زمین و موجودات را به طور کلی آغاز کرد

و با شما ختم کند و به خاطر شما باران رحمتش را نازل می کند و به خاطر شما آسمان را

استوار ساخته تا مبادا بر روی زمین بیفتد و این همه به اجازه خودش هست.

در همین ابتدای سخن به عباراتی در زیارت شریف جامعه کبیره برمی خوریم که

نشانگر عظمت و بزرگی مقام و رتبه معصومین علیهم السلام است.

فتح و ختم عالم به برکت وجود این ذوات مقدسه بسیار جای تأمل و دقت دارد

وسعت منزلت این گرامیان تا اینجاست که هرآنچه خداوند بعد از خلقت انوار طیبه

چهارده معصوم علیهم السلام خلق فرموده طفیلی اند و طبق حدیث امام حسن عسکری علیه السلام سبقت

در خلقت این خاندان ثابت شده است.

« عَنِ الامام الحسن بن علی العَسکَری علیه السلام عَن آبائِهِ علیهم السلام عَن جابِربنِ عَبدِالله عَن

رَسولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم. لمّا خَلَقَ اللهُ آدَمَ وَ حَوّا تَبختَرَ فِی الجَنَّهِ وَ قالا: مَن احسَنُ مِنّا

فَبینما هُما کذلِکَ. اِذ هُما بِصورَهِ جارِیَهٍ لَم یَرَ مِثلها، لَها نُورٌ شَعشَعانِی یَکادُ یطِفی

الأبصار. قالا: یا رَبِّ ما هذِهِ؟ قال: صَوَرَهُ فاطِمه سیده نساء وُلدِکَ قال: ماهذا

التّاجُ عَلی رَأسِها قالَ: عَلِیٌّ بَعلُها قالَ: فَما القرطان قال: إبناها وَجَدَ ذلِکَ فِی

غامِضِ عِلمی قَبلَ أَن اَخلُقَکَ بِاَلفَی عامٍ»(۱)

امام حسن بن علی العسکری علیهما السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند از جابربن عبدالله

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: هنگامی که خداوند آدم و حوّا را خلق فرمود، در بهشت به خود

بالیدند و گفتند که چه کسی از نظر خلقت از ما زیباتر و بهتر است؟!

در همین لحظات چشمشان به صورت بانویی افتاد که مثلش را ندیده بودند. آن بانو

که چنان می درخشید که نورش چشم ها را می زد.

آدم و حوا گفتند بار پروردگارا این کیست؟ فرمود: این صورت فاطمه بزرگ بانوی

زنان از نسل توست. آدم یا حوا گفت: این تاجی که بر سر دارد چیست؟ فرمود: علیّ

شوهر اوست. گفت: دو گوشواره بر گوش او چیستند فرمود: دو فرزندش (حسن و

حسین علیهما السلام اند) البته این حقایق از جزو علوم پیچیده و غامض من است و مربوط یم شود

به دوهزار سال قبل از خلقت تو!

دو روایت دیگر از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که حکایت از سبقت در خلقت آن

حضرت بر کل مخلوقات می نماید:

«اَوَلُ ما خَلَقَ اللهُ نُورِی»(۲)

نخستین چیزی که خدا بیافرید نور من بود.

«اِنَّ اَوَّلَ ما خَلَقَ اللهُ عَزَوَجَلَّ أرواحُنا، فَأنطَقَها بِتَوحِیدِهِ وَ تَمجِیدِهِ، ثُمَّ خَلَقَ

المَلائِکَهَ»(۳)

نخستین موجودی که خداوند عزوجل بیافرید ارواح ما بود، پس آن ها را به توحید و تمجید خود گویا کرد،آن گاه فرشتگان را خلق فرمود.

عالم جلیل القدر شیخ صدوق در کتاب کمال الدین می نویسد: ابوحمزه گوید: از امام

ص: ۱۴

۱- فاطمه الزهرا علیها السلام مِنَ المهد اِلی اللَّحد، ص ۷۸ به نقل از عسقلانی در لسان المیزان، ج ۳، ص ۳۴۶

۲- بحار، ج ۱، ص ۹۷

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۲

سجاد علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«اِنَّ اللَه عَزَّوجَلَّ خَلَقَ مُحَمّداً وَ عَلِیّاً وَ الأحَد عَشَرَ مِن نُورِ عَظِمَتِهِ اَرواحاً فِی ضِیاءِ

نُورِهِ، یَعبُدونَهُ قَبلَ خَلقِ الخَلقِ یَسَبِّحُونَ اللَه عَزَّوَجَلَّ وَیُقَدِّسُونَهُ، وَ هُمُ الأئِمَّهُ

الهادِیَهِ مِن آلِ مَحمَّدٍ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِم اَجمَعِینَ»(۱)

همانا خدای متعال محمد و علی و یازده امام معصوم علیهم السلام را از نور عظمت خویش

آفرید که به صورت ارواحی در روشنی نورش پیش از آفرینش مخلوقات او را عبادت

می کردند و به تسبیح و تقدیس او مشغول بودند، و آنان امامان هدایتگر از آل محمد که

درود خداوند بر همه آنان باد هستند.

حدیثی را که جابر بن عبدالله در ذیل آیه ۱۱ سوره مبارکه آل عمران از رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند صراحت بیشتری دارد و جمله(بُکُم فَتَحَ اللهُ وَ بِکُم یَختِم) زیارت

جامعه را نسبت معصومین علیهم السلام بسیار رساتر تفهیم می کند.

جابر بن عبدالله در ذیل تفسیر فرمایش خدای متعال که می فرماید:« کُنتُم خَیرَ اُمَّهٍ

اُخرِجَت لِلنّاسِ تَامُرونَ بِالمَعروفِ» شما بهترین اُمتی بودید که به نفع انسان ها آفریده

شدید که امر به معروف می کنید، گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

« نخستین چیزی که خدای متعال آفرید نور من بود،که آن را از نور خود پدید آورد

و از جلال عظمت خویش جدا کرد.

پس نور من، شروع به طواف قدرت الهی نمود تا اینکه در طول هشتاد هزار سال به

جلال عظمت الهی رسید، آنگاه برای تعظیم خدا به سجده افتاد و از آن، نور علی علیه السلام

جدا گردید، پس نور من محیط بر عظمت الهی و نور علی علیه السلام محیط بر قدرت او بود.

آنگاه خدای متعال عرش، لوح، خورشید، روز،نور دیدگان، عقل و معرفت و

چشم های مردم و گوش ها و دل های آنان را از نور من آفرید و نور من از نور خدای

۱- القطره، ج ۲، ص ۲۵ به نقل از کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸ و بحار، ج ۲۵، ص ۱۵

سبحان جدا گردیده است.

پس ماییم اولین، آخرین، سابقین و ماییم تسبیح کنندگان و ماییم شفاعت کنندگان ما کلمۀ خدا هستیم، و ما خاصان و برگزیدگان اوییم، ما دوستان خداییم، ما خزنه داران وحی او و ما پرده داران و حاجیان غیب او هستیم، ما معدن تنزیلیم، و معنای تأویل نزد ماست و جبرئیل در خانه های ما فرود می آید و ما محل آمد و شد امر خدا و نهایت غیب او هستیم.

ما جایگاه قدس خدا ، چراغ های حکمت، کلیدهای رحمت، سرچشمه های نعمت باعث شرافت مردم و بزرگان پیشوایان امّت هستیم.

ما نوامیس عصر، دانشمندان دهر، سروران مردم، سیاستمداران جهان، کفایت کنندگان، فرمانداران، حامیان و ساقیان و راعیان و راه های نجات مردم هستیم. ما راه و سرچشمه سلسبیل و راه پایدار و مستقیم هستیم.

«مَن آمَنَ بِنا آمَنَ بِاللهِ، وَ مَن رَدَّ عَلَینا رَدَّ عَلیَ اللهِ، وَ مَن شَکَّ فِینا شَکَّ فِی اللهِ وَ مَن عَرَضنا عَرَّفَ اللهَ وَ مَن تَوَلیَّ عَنَّا تَولّی عَنِ اللهِ وَ مَن اَطاعَنا أطاعَ اللهَ»

کسی که به ما ایمان بیاورد به خدا ایمان آورده و کسی که ما را رد کند خدای را رد کرده است، کسی که در مورد ما تردید کند به خدا تردید نموده است، کسی که ما را بشناسد خدا را شناخته و کسی که از ما رویگردان باشد از خدا رویگردان شده است، کسی که از ما اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است.

« نَحنُ الوسیله اِلیَ اللهِ، وَ الوُصلَهُ اِلی رضوان اللهِ، وَ لَنا العِصمَهُ وَ الخِلافَهُ وَ الهِدایُهُ، وَ فِینَا النُّبُوَّهُ وَ الوِلایَهُ وَ الاِمامَهُ، وَ نَحنُ مَعدِنُ الحِکمَهِ وَ بابُ الرَّحمَهِ وَ شَجَرَهُ العِصمَهِ وَ نَحنُ کِلمَهُ التَّقوی وَ المَثَلُ الاَعلی وَ الحُجَّهُ العُظمی، وَ العُروَهُ الوُثقَی الَّتِی مَن تَمَسَّکَ بِهانَجا»(۱)

۱- بحار، ج ۲۵، ص ۲۲ و القطره، ج ۲، ص ۲۷

ما وسیله به سوی خدا و رساننده به رضوان او هستیم. عصمت، خلافت و هدایت از

آن ماست. نبوّت، ولایت و امامت در میان ماست.

ما معدن حکمت، باب رحمت، شجرهٔ عصمت هستیم. کلمهٔ تقوا و مثل اعلا، حجّت

کبری و عروه الوثقی که هر کس به آن چنگ زند نجات یابد ما هستیم.

جمله « بِکُم فَتَحَ اللهُ وَ بِکُم یَختِم» آنقدر جایگاهش رفیع است که به این آسانی ها

نمی توان از آن گذشت. جا دارد برای تأیید کلام نورانی امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه

باز هم نقل روایت شود تا بر باور خواننده عزیز و گرامی افزوده گردد که آری به وجود

آن ذوات مقدمه خداوند قادر مطلق فتح آفرینش و ختم آن نموده است و از آن بالاتر

اگر ایشان را خلق نمی فرمود افلاک و کائنات را خلق نمی کرد.

به این دو حدیث عنایت کنید:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«اَوَّلُ ما خَلَقَ اللهُ نُوری، ثُمَّ فَتَقَ مِنهُ نُورُ عَلِیٍّ(علیه السلام) فَلَم

نَزَل نَتَرَدَّدُ فِی النُّورِ حَتّی وَصَلنا حِجابُ العَظُمَهِ فِی ثَمانِینَ ألف ألف سَنَهٍ، ثُمَّ خَلَقَ

الخلائِقَ مِن نُورِنا، فَنَحن صَنائِعُ اللهِ وَ الخَلقُ بَعدُ لَنا صَنائِعُ»(۱)

نخستین آفریده ای که خدا متعال آفرید نور من بود، سپس از نور من، نور علی علیه السلام را

جدا ساخت. ما همواره در میان انوار در رفت و آمد بودیم تا اینکه پس از هشتاد هزار

سال به حجاب عظمت الهی رسیدیم. آنگاه خدای متعال موجودات دیگر را از نور ما

آفرید. بنابراین این ما آفریده و تربیت شده خداییم و موجودات پس از ما تربیت شدگان ما هستند.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:«خداوند متعال بود و چیزی با او نبود. پس نخستین

چیزی را که آفرید نور حبیبش محمّد صلی الله علیه و آله و سلم بود، و این امر چهارصد و بیست و چهار هزار

سال پیش از آفرینش آب، عرش، کرسی، آسمان ها، زمین، لوح، قلم، بهشت، دوزخ،

فرشتگان، حضرت آدم و حوّا بود.

ص: ۱۷

۱- بحار، ج ۳۳، ص ۵۸، بخشی از حدیث را علامه مجلسی از نهج البلاغه نقل کرده است

هنگامی که خداوند متعال نور پاک پیامبر ما محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را آفرید، آن نور

پاک هزار سال در پیشگاه خداوند احدیّت تسبیح الهی می گفت و حمد و ستایش خدا را می نمود.

خداوند متعال نیز به او نظر رحمت می کرد و می فرمود:

«یا عَبدِی! اَنتَ المُرادُ وَ المُرید، أنتَ خِیَرتِی مِن خَلقِی وَ عِزّتِی وَ جَلالِی

لَولاکَ ما خَلَقتُ الافلاکَ، مَن أحَبَّکَ أحبَبتُهُ وَ مَن اَبغَضَکَ أبغَضتُهُ»(۱)

ای بنده من! تو مراد و مرید من هستی، تویی برگزیدهٔ من از میان آفریدگانم. سوگند به

عزّت و جلالم! اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم. هر که تو را دوست بدارد من او را

دوست می دارم و هر که با تو دشمنی ورزد با او دشمنی می نمایم.

ابن عباس روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که دلالت بر«بِکُم فَتَحَ الله و

بِکُم یَختِم»دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: هنگامی که خدا متعال حضرت آدم علیه السلام را آفرید او را در

پیشگاه خود نگاه داشت. حضرت آدم علیه السلام عطسه ای نمود،خداوند به او الهام فرمود که

خدای را حمد و ستایش نماید(حضرت آدم علیه السلام پس از عطسه خدای را حمد و ستایش نمود)

پس خداوند فرمود: ای آدم! تو مرا حمد و ستایش نمودی،به عزّت و جلالم سوگند!

اگر نبودند دو نفر از بندگانم که می خواهم در آخر الزّمان بیافرینم تو را خلق نمی کردم

حضرت آدم علیه السلام گفت: پروردگارا! تو را به مقام و منزلت آنان در نزد خودت سوگند

می دهم! اسم آن ها را چیست؟

خدای متعال فرمود: ای آدم! نگاه کن به جانب عرش حضرت آدم علیه السلام نگاهی کرد

و دو سطر از نور دید: در سطر اول نوشته شده بود:

«لا اِلَهَ الاَّ الله، مُحمَّدٌ نَبیُّ الرَّحمَهِ وَ عَلِیٌّ مِفتاحُ الجَنَّهِ»

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۴۱ و بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۱۹۶

معبودی جز خدای نیست. محمد پیامبر رحمت و علی کلید بهشت است.

در سطر دوم نوشته شده بود:

«آلَیتُ عَلی نَفسِی اَن أرحَمَ مَن وَ الا هُما وَ اُعَذِّب ُمَن عاداهَما»(۱)

با خودم سوگند یاد کرده ام که هر کس آن دو شخصیت را دوست داشته باشد به او

رحم کنم و هر که با آن دو دشمنی کند او را عذاب و شکنجه نمایم.

صاحب الدُّرّالثمین در تفسیر کلام خداوند تبارک و تعالی «فَتَلَقی آدَمُ مِن رَبِّهِ

کَلَماتٍ» و آدم از پروردگار خود کلماتی آموخت «فَتابَ عَلَیهِ اِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ

الرَّحیمُ»(۲)خداوند او را بخشید، زیرا که وی توبه پذیر و مهربان است. می نویسد:

«اِنَّهُ رأی ساقَ العرشِ وَ أسماءَ النَّبیِّ وَ الأئِمَهَ عَلَیهِمُ السَّلامُ فَلَقَّنَهُ جِبرئیلُ قُل یا

حِمیدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، یا عالِی بِحَقِّ عَلِیٍّ، یا فاطِرُ بِحَقِّ فاطِمَه، یا مُحسِن بِحَقِّ الحَسَنِ

و الحُسَینِ وَ مِنکَ الاِحسانُ»(۳)

حضرت آدم علیه السلام نگاهی به ساق عرش و اسماء پیامبر و ائمه علیهما السلام کرد. جبرئیل برایش

نقل کرد که بگو: ای خدای ستوده به حق محمد و ای خدای عالی به حق علی و ای

خدای فاطر به حق فاطمه و ای خدای نیکوکار به حق حسن و حسین و از تو است احسان.

بِکُم فَتَحَ اللهُ وَ بِکُم یَختِم: معنای دیگری را که می توان توسط روایات از این جمله

زیارت جامعه کبیره دریافت کرد آغاز و انجام دین خدا و مطالب دیگر است به این سه

روایت توحه کنید:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«یا عَلیُّ اِنَّ بِنا خَتَمَ اللهُ الدِّینَ کَما بِنا فَتَحَهُ، وَ بِنا یُؤَلِّفُ

اللهُ بَینَ قُلوُبِکُم بَعدَ العَداوَهِ وَ البَغضاء»(۴)

ای علی! همانا خداوند به ما دین را ختم کرد همچنان که به ما آن را آغاز کرد و به

۱- قصص الانبیاء، ث ۵۲ و بحار، ج ۱۱، ص ۱۱۴

۲- بقره /۳۷

۳- بحار، ج ۴۴، ص ۲۴۵

۴- امالی مفید، ص ۹۱ و ۲۵۱

وسیله ماست که خداوند دل های شما را پس از کینه و دشمنی با هم به یکدیگر پیوند و

الفت می دهد.

همان گرامی در توصیف فتنه گران برای علی علیه السلام می فرماید:«در فتنه سرگردان هستند

تا آن که عدل و داد به سراغشان آید، عرض کردم: ای پیامبر خدا! عدل و داد از جانب

ماست یا دیگران؟ فرمود: البته از جانب ما، خداوند به وسیله ما می آغازد و به وسیله ما

پایان می دهد و خداوند به وسیله ما میان دل ها، پس از شرک، پیوند و الفت پدید می آورد»(۱)

و امام صادق علیه السلام فرمود:«بِنا یَبدَأُ البَلاءَ ثُمَ بِکُم، وَ بِنا یَبدَأ الرَّخاءَ ثُمَّ بِکُم، وَ الَّذِی

یُحلَفُ بِهِ لَیَنصِرَنَّ اللهُ بِکُم کَما انتَصترَ بِالحِجارَه»(۲)

بلا از ما شروع می شود و آن گاه از شما و آسایش و فراخی نیز از ما آغاز می شود و

سپس از شما. سوگند به آن که به او سوگند یاد می شود خداوند به دست شما پیروزی

می آورد و همچنان که سنگریزه ها(در داستان اصحاب فیل) پیروزی حاصل کردند.

۱- همان

۲- امالی طوسی، ص ۲۸۹

۲. آمرین به معروف و ناهین از منکرید:

«وَ اَمَرتُم بِالمَعروفِ وَ نَهَیتُم عَنِ المُنکَرِ»

شما گرامیان امر به معروف و نهی از منکر کردید

یکی از توقعات جدّی پروردگار از کسانی که صاحب امکانات از نظر قدرت و

حکومت می شوند بعد از برپایی نماز و پرداخت زکات امر به معروف و نهی از منکر است.

نظارت عمومی بر اوضاع و احوال جامعه یک تکلیف شرعی و عمومی است و کسی

از آن مستثنی نمی باشد و اگر همه به این وظیفه الهی درست عمل کنند بسیاری از

ناهنجاری های جامعه حل خواهد شد.

«الَّذینَ اِن مَکَّنّاهُم فِی الَارضِ اَقامُوا الصَّلوهَ وَ آتَوُ الزَّکاتَ وَ اَمَرُوا بِالمَعروُفِ

وَ نَهَو عَنِ المُنکَرِ وَ لِلّهِ عاقِبَهُ الأمُورِ»(۱)

آن هایی که اگر روی زمین به آنان اقتدار و تمکّن دهیم نماز به پا می دارند و زکات به

مستحقان می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت و پایان کار به دست

خداست.

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره اهمیت این فریضه بزرگ می فرمود:«فَرَضَ اللهُ...

و الَامرَ بَالمَعروفِ مَصلَحَهً لِلعَوامِّ»(۲)

و خداوند فرمان داد به خوبی ها و برای مصلحت عموم مردم امر به خوبی ها را واجب فرمود.

« فَمَن اَمَرَ بِالمَعروُفِ شَدَّ ظُهُورَ المُومِنینَ»(۳)

کسی که امر به معروف کند، مسلمانان را تقویت کرده است.

نقش امامان معصوم علیهم السلام در اجرای این دو وصل مهم کاربردی و جاوید بوده و هر

۱- حج/۴۱
۲- نهج البلاغه، حکمت ها ۲۵۲ و ۳۱
۳- همان

آنچه را امروزه به عنوان علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام در اختیار ماست به برکت امر به معروف و نهی از منکر این دودمان پاک است.

در زیارت ارزشمند وارث خطاب به حضرت سیدالشهداء علیه السلام عرض می کنیم:

«اَشهَدُ اَنَکَ قَد اَقَمتَ الصَّلوهَ وَ آتَیتَ الزَّکوهَ وَ اَمَرتَ بِالمَعروفِ وَ نَهَیتَ عَنِ المَنکَرِ وَ اَطَعتَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ حَتّی اَتیکَ الیَقینُ»(۱)

گواهی می دهم که ای حسین علیه السلام تو حقّاً نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی و به کارهای خوب امر فرمودی و از کارهای بد نهی کردی و خدا و رسولش را اطاعت کردی تا آنکه عمرت بسر آمد و به شهادت رسیدی.

مهم تر از عبارت زیارت وارث اعتراف خود آن حضرت است دربارهٔ علت و انگیزه قیامش و به پا خواستنش در برابر حکومت زمان.

«وَ اِنّی لَم اَخرُج أشَراً وَ لا بَطَراً وَ لا مُفسِداً وَ لا ظالِماً وَ اِنَّما خَرَجتُ لِطَلَبِ الاِصلاحِ فِی اُمَّهِ جدّی أریدُ اَن آمُرَ بِالمَعروفِ وَ اَنهی عنِ المُنکَرِ وَ أسِیرُ بِسِیرَهِ جَدِّی وَ اَبی عَلیِّ بنِ اَبیطالِبٍ»(۲)

این نهضت من نه برای سرکشی و طغیان و نه از روی هوای نفس، و انگیزهٔ شیطان است، نه منظور آن است که فساد کاری کنم و یا بر کسی ستمی روا دارم تنها آنچه مرا به این جنبش عظیم دعوت می کند آن است که کارهای امت جدم را اصلاح کنم و از فساد کاری جلوگیری نمایم و راه امر به معروف و نهی از منکر را در پیش گیرم و روش جدّ خود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پدر خود علی علیه السلام را دنبال کنم.

و در خطابی دیگر به مردم بی تفاوت و بیعت شکن می فرمود:

«اَلا تَرَونَ اَنَّ الحَقَّ لا یُعمَلُ بِهِ وَ اَنَّ الباطِلَ لا یُتَناهی عَنهُ»(۳)

آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی گردد!

۱- مفاتیح الجنان، محدث قمّی

۲- نهج الشهاده، ص ۲۶۵ و نفس المهموم، ص ۴۵

۳- همان

امام حسین علیه السلام تمام مراتب امر به معروف و نهی از منکر را طی کرد تا به مرتبه شهادت پیش رفت حالا تکلیف ما نیز چنین است که این دو اصل مهم را به هر طریق ممکن برای اصلاح خانواده و همسایگان و آحاد جامعه به اجرا درآوریم.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام طبقه بندی روشن و قابل دقتی را برای این امر مهم پیش روی ما نهاده است:

«اَیُهَا المُومِنونَ، اِنَهُ مَن رَأی عُدواناً یُعمَلُ بِهِ وَ مُنکَراً یُدعی اِلَیهِ فَأنکَرَهُ بِقَلبِهِ فَقَد سَلِمَ وَ بَرِیَ، وَ مَن أنکَرَهُ بِلِسانِهِ فَقَد اُجِرَ وَ هُوَ أفضَلُ مِن صاحِبِهِ وَ مَن أنکَرَهُ بِالسَّیفِ لِتَکونَ کَلِمَهُ اللهِ هِیَ العُلیا، وَ کَلِمَهُ الظّالِمِینَ هِیَ السُفلی فَذلِکَ الَّذی أصابَ سَبِیلَ الهُدی وَ قامَ عَلیَ الطّریقِ وَ نَوَّرَ فِی قَلبِهِ الیَقینُ»(۱)

ای مومنان! هرکس تجاوزی را از سوی کسی دید یا دعوت به زشتکاری و خلافی را مشاهده کرد و در دل خویش به آن اعتراض نمود، به سلامت رهد و وظیفه اش را انجام داده باشد و هر که با زبانش به آن اعتراض کند پاداش بیند و از آن اولی برتر است و هر کس با شمشیر به مبارزه با آن برخیزد تا کلمهٔ حق رو آید و کلمه باطل و ستمگران پست گردد، هموست که به راه راست رسیده و بر طریق حق شتافته و نور یقین را در دل خویش روشن کرده است.

شیوه امر به معروف و نهی از منکر رسول خدا و امامان معصوم علیهما السلام بسیار تاثیر گذار بود و گاهی با یک جمله افراد منحرف را منقلب می کردند و به راه راست هدایت می نمودند.

وقتی مردم مکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در تنگنا قرار دادند که ناچار سفری به شهر طائف کرد شاید اندکی از کینه توزی قریش بدور ماند و شاید برای اینکه مردم طائف را به دین

خود دعوت کند.

در شهر طایف سه تن را که از بزرگان شهر بودند به دین خدا خواند یکی از آن ها

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۳۰۵

گفت: اگر خدا تو را فرستاده باشد من جامه کعبه را دزدیده باشم! دیگری گفت: خدا جز تو کسی را نداشت که به پیغمبری بفرستد؟ سومی گفت با تو سخن نمی گویم چه اگر به راستی پیغمبر باشی بالاتر از آنی که بتوانم سخن تو را برگردانم و اگر هم دروغگو باشی روا نیست که با تو سخن بگویم.

آنگاه اوباش و مردم نادان را برانگیختند تا به دنبال آن بزرگوار افتادند و با فریاد و صداهای ناهنجار او را از شهر خود راندند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به ناچار از طائف بیرون آمده به تاکستان و باغات انگور بیرون شهر پناه برد و در آنجا لحظاتی چند با خدای خویش مناجات کرد و گفت پروردگارا به تو شکایت دارم از ضعف نیرو و کمی حیلت خود به تو شکایت دارم از آنچه را که مردم بر من روا می دارند، تو هستی ارحم الراحمین تو هستی ربّ مستضعفین. وضع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قدری دلخراش و جانکاه بود که عتبه و شیبه پسران ربیعه به حال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رقت کردند و غلام مسیحی خود را که عَدّاس نام داشت با طبقی انگور نزد آن حضرت فرستادند. محمد صلی الله علیه و آله و سلم هنگام خوردن انگور گفت:(بسم الله الرّحمن الرّحیم) عداس گفت مردم این شهر چنین کلامی نمی گویند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پرسید چه دینی داری و از کجایی؟ گفت: مسیحی و از مردم نینوا هستم، آن بزرگوار فرمود: از شهر مردم پرهیزکار یونس بن مَتی، عداس گفت تو یونس را از کجا می شناسی؟

گفت او پیامبر بود و من نیز پیامبر خدایم. عداس در همانجا به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مسلمان شد.(۱)

«امیرالمومنین علی علیه السلام هر روز صبح که می شد وارد بازار مسلمین می شد در حالی که تازیانه اش بر دوش بود اول بازار می ایستاد و می فرمود: ای اهل بازار و تجار ابتدا از خدا طلب خیر کنید و با آسان گیری بر مردم خیر و برکت را به کسب خود وارد کنید

شغل را به زینت حلم مزین نمایید، حتماً از دروغ و قسم پرهیز کنید از ظلم و بی انصافی

۱- بحار، ج ۱۹، ص ۲۲

اجتناب نمایید و به داد محرومین برسید و به هیچ وجه به ربا و معاملات ربوی نزدیک نشوید»(۱)

برای کارگزاران مملکتی می نوشت که قلم ها را کوتاه بگیرید خط ها را نزدیک هم

قرار دهید حرف و سخن های اضافی را حذف کنید. جداً مواظب باشید که در استفاده

از بیت المال مسلمین زیاده روی نکنید.(۲)

برای اطلاعات بیشتر به انواع امر به معروف و نهی از منکر امیرمومنان علیه السلام کافی است

به خطبه ها و نامه ها و حکمت های نهج البلاغه آن حضرت مراجعه کنید و ببینید که آن

گرامی در چه قالب هایی کارگزاران خود و همه مردم را به نیکی ها امر فرموده و از

بدی ها نهی نموده است و چه ظرایفی را در این رابطه به آن ها تذکر داده است.

یکی از درخشان ترین افتخارات حضرت زهرا علیها السلام در امر به معروف و نهی از منکر

دفاع او از حریم ولایت و امامت بود که در این راه جان خود و فرزند در رحم خود را فدا

نمود، حضرت زهرا علیها السلام اوّل مدافع حریم امامت بود.

سلمان می گوید چون شب می شد علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را بر الاغی سوار می کرد و دست

دو فرزندش حسن و حسین را می گرفت و بر در خانهٔ همه اهل جنگ بدر از مهاجرین و

انصار می برد و حضرت زهرا حق شوهر خویش را به آنان یادآوری کرد و از آن ها

خواست که او را یاری کنند و هیچ کس جواب مثبت نداد مگر صبح با سرهای تراشیده و

اسلحه در دست برای هم پیمانی با مرگ آماده شوند، هنگام صبح جز چهار نفر به پیمان

خود وفا نکردند!! راوی گوید: به سلمان گفتم آن چهار نفر چه کسانی بودند؟ پاسخ داد:

من، ابوذر، مقداد و زبیر.

ام سلمه می گوید: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دیدن فاطمه علیها السلام آمدم و حال آن

حضرت را پرسیدم، فاطمه علیها السلام در جواب فرمود:

«اَصبَحتُ بَینِ کَمَدٍ وَ کَربٍ ، فَقد النَّبِیِ وَ ظُلمَ الوَصِّیِ، هَتکَ وَ اللهِ حِجابَهُ»

ص: ۲۵

۱- بحار، ج ۴۱، ص ۱۰۴

۲- بحار، ج ۴۱، ص ۱۰۴

در حالی هستم میان اندوه و غم بسیار، فقدان پیامبر، ظلمی که نسبت به وصی او

انجام شده، به خدا سوگند پردهٔ حرمتش را دریدند.

حضرت زهرا علیها السلام در ادامه فرمودند:«مقام امامت و رهبریش را بر خلاف تنزیل کتاب

خدا و تأویلی که پیغمبر از آن فرمود از دستش ربوده و از او گرفتند و انگیزه ای نداشتند

جز کینه هایی که از جنگ بدر از او داشتند و انتقام هایی که بدین وسیله از جنگ احد

می خواستند بگیرند و آن کینه و انتقام ها را در دل های نفاق جویانهٔ خویش پنهان کرده بودند.

حضرت زهرا علیها السلام در سخنان پر شور و سرشار از حکمت و بلاغت دیگر خود

خطاب به زنانی که در روزهای آخر زندگی به عیادتش آمده بودند فرمود:

« وَ ما نَقَمُوا مِن اَبُوالحَسَنِ؟ نَقَمُوا وَ اللهِ مِنهُ نَکِیرُ سَیفِهِ وَ شِدَّهِ وَ طنِهِ وَ نِکالِ

وَقعَتِهِ وَ تَنَمُّرِهِ فِی ذاتِ اللهِ»

آخر اینان از علی علیه السلام چه عقده ای در دل داشتند؟! به خدا سوگند عقدهٔ اینها از وی

همان خشم و کینه ای بود که از شمشیر زدن ها و پایداری ها و مردانگی های او در میدان

جنگ و حمله های شجاعانهٔ او در راه خدا با دشمنان دین داشت.(۱)

نمونه ای از امر به معروف و نهی از منکر را از امام حسن مجتبی بخوانید:

امام علیه السلام در محلی به نام أبواء تنها مشغول نماز بود که زنی زیبا روی وارد شد.

هنگامی که امام علیه السلام نماز را به پایان رسانید فرمود: آیا حاجتی داری؟ عرض کرد آری

فرمود: حاجتت چیست؟ عرض کرد برخیز و از من کام بگیر!!

قال علیه السلام اِلَیکِ عَنِّی لا تحرِقنِی بِالنّارِ و نَفسِکِ»

فرمود: زود از من دور شو من و خودت را گرفتار آتش جهنم نکن.

او که خواست اصرار ورزد امام علیه السلام مشغول گریه شد و فرمود: وای بر تو از من دور

شود آن قدر جانکاه می گریست که زن نیز به گریه افتاد. در این بین ناگاه امام حسین علیه السلام .

۱- بحار، ج ۴۳، ص ۱۵۸ و کفایه الاثر، ص ۱۹۸

وارد شد و دید آن دو اشک می ریزند او نیز از گریهٔ برادر به گریه افتاد عده ای از

اصحاب وارد شدند. آن ها نیز از گریهٔ حسنین به گریه افتادند صدای ناله و اشک بلند بود

که زن فرصت را مناسب دید و از کنار جمعیت بیرون رفت و بعد مردم کم کم متفرق

شدند. ولی امام حسین علیه السلام تا موقعی که شخص امام حسن علیه السلام شرح ندادند از برادر

پرسش نفرمود. تا اینکه دو بزرگوار یک شب در محلی آرمیده بودند ناگاه امام

حسن علیه السلام از خواب بیدار شد و شروع به گریه کرد امام حسین علیه السلام عرض کرد: چه خوابی

دیدی؟ فرمود: تا زنده ام برای کسی نقل نکن سپس ادامه داد که در عالم رویا یوسف علیه السلام

را دیدم در خواب نیز گریستم حضرت یوسف در میان جمعیت مردم رو به من کرد و

گفت: ای برادر که پدر و مادرم فدایت باد چرا گریه می کنی گفتم؟ یاد داستان تو و همسر

عزیز مصر «زلیخا» و گرفتاریهایت، زندان رفتن و غم فراق پدرت یعقوب افتادم و

تعجب کردم که این همه مشکلات را تحمل کردی به این علت اشک ریختم.

بوسف گفت"ای حسن بن علی آیا از داستان خود با زن بَدوی در محل أبواء تعجب

نمی کنی.(۱)

از امام حسین علیه السلام همان ابتدای این فصل و از امر به معروف و نهی از منکرش اشاره

کردیم ولی باز به یکی از موارد امر به معروف و نهی از منکر حضرت در برابر معاویه و

طرفدارانش می پردازیم تا جمله جامعه کبیره که امام هادی علیه السلام درباره معصومین فرمود:

«وَ اَمَرتُم بِالمَعروفِ وَ نَهَیتُم عَنِ المُنکَرِ»

بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

موسی بن عقبه گفت: عده ای به معاویه خبر دادند که مردم مجذوب حسین بن

علی علیه السلام شده اند اگر او را یک بار به منبر بفرستی و خطبه ای بخواند به علت آنکه قدرت

تکلم ندارد و زبانش می گیرد مردم از او بریده و دیگر به او رو نخواهند آورد.

معاویه در پاسخ گفت: ولی گمان من غیر از این است اگر او سخن گوید در چشم

ص: ۲۷

۱- مناقب ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۱۴

مردم جلوهٔ بیشتری خواهد کرد و ما را هم رسوا می کند. بار دیگر عده ای اصرار کردند

که امام حسین علیه السلام صحبت کند که معاویه مجبور شد و از حسین علیه السلام خواست که به منبر

رود و با مردم صحبت کند

حضرت امام حسین علیه السلام بالای منبر قرار گرفت«فَحَمِدَ اللهَ وَ اَثنی عَلَیهِ ثُمَّ صَلّی

عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم فَسَمِعَ رَجُلًا تَقُوْل: مَن هذَا الذِی یَخطِبُ؟ فَقالَ الحُسَینَ علیها السلام نَحنُ

حِزبُ اللهِ الغالِبُون، وَ عِترَهُ رَسُولِ اللهِ الاَقرَبُونَ وَ اَهلُ بَیتِهِ الطَّیِّبُونَ وَ اَحَدُ التَّقَلین

الَّذِینَ جَعَلنا رَسُوْل اللهِ ثانِیَ کتاب اللهِ تَبارَکَ وَ تَعالی الَّذِی فِیهِ تَفصِیلُ کُلِّ شَیی ءٍ

لا یَاتِیهِ الباطِلُ مِن بَینِ یَدَیهِ وَ لا مِن خَلفِه وَ المُعَوَّلُ عَلَینا فِی تَفسِیرِهِ وَ لا یَبطِئُنا

تَأویلُه، بَل نَتَّبعُ حَقائِقُهُ»

ابتدا حمد و ثنای الهی را بجا آورد سپس بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درود فرستاد. در هنگام

سخن گفتن شنید که مردی می گوید: این کیست که سخن می گوید: امام علیه السلام فرمود: ما

حزب الله هستیم که پیروزیم، ما اهل بیت پاکیزه و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشیم و یکی

از ثقلین که پیامبر ما را در کنار کتاب خداوند تبارک و تعالی قرار داد، همان کتابی که

همه چیز را روشن نموده و باطل از پس و پیش به او راه ندارد، تفسیرش ما را یاری می کند

و تأویلش ما را از حرکت باز نمی دارد و از حقایقش تبعیت می کنیم. پس بیایید اطاعت ما

را کنید که اطاعت و فرمانبرداری از ما واجب است. زیرا اطاعت از ما قرین اطاعت خدا و

رسول او می باشد.

قال اللهُ عَزَّوَجَلَّ«أَطِیعُواْ اللّهَ وَأَطِیعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِی الأَمْرِ مِنکُمْ فَإِن

تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللّهِ وَالرَّسُولِ»(۱)

و قالَ:«وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَی الرَّسُولِ وَإِلَی أُوْلِی الأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِینَ یَسْتَنبِطُونَهُ

مِنْهُمْ وَلَوْلاَ فَضْلُ اللّهِ عَلَيْكَمْ وَرَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلاَّ قَلِيلًا»(۲)

۱- نسا، ۵۹و ۸۳

۲- نسا، ۵۹و ۸۳

خداوند عزوجل می فرماید: خدا را فرمان برید و پیغمبر و کاردان خویش را فرمان

برید و چون در چیزی اختلاف کردید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید آن را به

خدا و پیامبر ارجاع دهید و نیز می فرماید: اگر آن را به پیامبر و کاردان خویش رجوع

می کردند کسانی که کیفیت آن می جویند مطلب را از آن ها فرا می گرفتند اگر کرم خدا

و رحمت وی شامل نبود، جز اندکی، شیطان را پیروی می کردند.

سپس امام حسین علیه السلام فرمود: اینک شما را از فریب شیطان بر حذر می دارم که او بر

شما دشمنی آشکار است.

آری امام حسین علیه السلام آنقدر محکم و مستدل سخن گفت که معاویه به زبان

آمد و گفت:«حَسبُکَ یا اَبا عَبدِالله فَقَد اَبلَغتَ»

ای حسین بن علی بس است تو مطلب را رساندی و حرف خود را زدی!(۱)

و اما امام چهارم حضرت سجاد علیه السلام دوران امامت عجیبی را سپری کرد درست

موقعی که بنی امیه بر کل شهرهای اسلامی مسلط شده بودند و اختناق و خفقان بر همه جا

حاکم بود ولی در عین حال آن بزرگوار امر به معروف و نهی از منکر خود را در قالب

دعا به مردم رساند و آن هایی که لایق ارشاد و هدایت بودند می فهمیدند که حضرت به

اسم دعا در مقام اصلاح مردم و جامعه از بی بندباری ها و گناهان بزرگ و کوچک است.

و برای اثبات این ادعا کافی است فقط دعای هشتم صحیفه سجادیه مورد مطالعه و

دقت نظر قرار گیرد.

اَللَّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ هَیَجانِ الْحِرْصِ، وَ سَوْرَهِ الْغَضَبِ،وَ غَلَبَهِ الْحَسَدِ،

وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ، وَ قِلَّهِ الْقَناعَهِ، وَ شَکاسَهِ الخُلقِ, و اِلحاحِ الشَّهوه, و مَلَکهَ الحمیَّه,و

مُتابَعَهِ الْهَوی، وَ مُخالَفَهِ الْهُدی، وَ سِتَهِالْغَفْلَهِ، وَ تَعاطِی الْکُلْفَهِ، وَ ایثارِ الْباطِلِ عَلَی

الْحَقِّ، وَالْاِصْرارِ عَلَى الْمَاْثَمِ، وَاسْتِضْغارِ الْمَعْصِيَهِ، وَاسْتِكْبارِ الطّاعَهِ، وَ مُباهاهِ الْمُكْثِرينَ، وَالْاِزْرآءِ بِالْمُقِلّينَ، وَ سُوءِ الْوِلايَهِ لِمَنْ تَحْتَ اَيْدينا، وَ تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنِ

ص: ۲۹

۱- احتجاج، ج ۱، ص ۱۵۳

اصْطَنَعَ الْعارِفَهَ عِنْدَنا، اَوْ اَنْ نَعْضُدَ ظالِماً، اَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفاً

خداوندا به تو پناه می برم از هیجان حرص و تندی غضب و عصبانیت و مسلط شدن حسد و ضعف صبر و کمی قناعت و بداخلاقی و اصرار در شهوت رانی و تسلط حمیّت جاهلی و پیروی از هوای نفس و مخالفت با ارشاد و هدایت دیگران و خواب سنگین غفلت و خود را به زحمت و تکلّف انداختن و انتخاب باطل در برابر حق و اصرار بر معصیت و گناه و کوچک شمردن معصیت و بزرگ شمردن طاعت و غرور در عبادت.

خدایا به تو پناه می برم از فخر فروشی ثروتمندان و خوار شمردن فقرا و بدرفتاری نسبت به آنهایی که پایین دست ما هستند و حق شناسی نسبت به آن هایی که در حق ما لطف و مرحمتی داشته اند

الها به تو پناه می بریم! از اینکه بازو و مددکار ظالمی باشم و یا مظلومی را خوار کنیم.(۱)

و از هشدار و زنهار امام محمد باقر علیه السلام و به نوعی امر به معروف و نهی از منکر حضرت توجه کنیم که جابر جعفی شاگرد حضرت می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: من محزونم و قلبم مشغول! عرض کردم چرا محزونی و به چه چیز دلت مشغول است؟

فرمود:«یا جابر اِنَّهُ مَن دَخَلَ قَلبُهُ صافِی خالِصُ دِینِ اللهِ شَغَلَهُ عَمَّا سِواهُ»

ای جابر: هر کس در دلش دین خالص و دور از هر غل و غش داخل شود از غیر خدا تخلیه خواهد شد.

ای جابر: دنیا چیست جز یک مرکب سواری لباس و همسر اهل ایمان به ماندن در دنیا اطمینان ندارند و نگران وضع آخرتشان هستند.

اینها گوششان از ذکر خدا سنگین نیست چشمشان از رؤیت نور خدا به خاطر دیدن

زرق و برق دنیا نابینا نیست.(۲)

و از امام صادق علیه السالم در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و تشریح آن نکته هایی

۱- صحیفه سجادیه، دعای هشتم

۲- احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۱۷۴

نقل شده است. شخصی به نام مسعده بن صدقه می گوید: از امام علیه السلام سوال شد امر به معروف و نهی از منکر بر تمام مردم واجب است؟ فرمود: نه، عرض شد به چه علت؟ فرمود: امر به معروف واجب و نهی از منکر واجب است بر کسی که قدرت داشته باشد و او را اطاعت کنند و خود نیز خوب و بد را تمیز دهد نه بر شخص ناتوانی که خودش راه را نمی داند از کجا به کجا برود در این صورت مردم را از راه راست منحرف می کند. دلیل بر اینکه بر تمام مردم واجب نیست این آیه از قرآن است:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(۱)

باید گروهی در بین شما باشند تا مردم را به خوبی ها دعوت کنند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت بازدارند و آن ها خودشان رستگارانند.

در آیهٔ دیگر می فرماید:«وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ »(۲)

در این آیه خداوند نمی فرماید بر امت موسی و نفرموده بر تمام قوم او با اینکه گروه های مختلقی بودند. لفظ امت اطلاق بر یک نفر و بیشتر می شود چنانچه خداوند در این آیه امت را اطلاق بر یک نفرموده«اِنَّ اِبراهِيمَ كانَ اُمَّةً قانِتاً لِلّهِ»(۳)ابراهیم امت و مطیعی برای خدا بود.

در این که ما در تحت تسلط خلفاء جور هستیم کسی که متوجه این موضوع باشد اشکالی برای او ندارد از او می پذیرد و اگر مورد مواخذه خلفاء ستمگر قرار گرفت عذری ندارد.(۴)

و موسی بن جعفر علیه السلام اینگونه امر به معروف و نهی از منکر کرد: یک روز در شهر بغداد از کنار منزل بُشر حافی عبور می کرد صدای ساز و نواز از داخل منزل به گوش

می رسید. در این موقع کنیز بُشر برای ریختن خاکروبه از خانه خارج شد آن حضرت

ص: ۳۱

۱- آل عمران/ ۱۰۴

۲- اعراف/ ۱۵۰

۳- نحل/ ۱۲۰

۴- اربعین شیخ بهاء، ص ۱۰۶

فرمود: ای کنیز صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

جواب داد: البته بنده و برده کسی نیست و آزاد است. موسی بن جعفر علیه السلام فرمود راست می گویی اگر بنده می بود از مولای خود ترس داشت.

کنیز وارد منزل شد. بُشر بر سر سفرهٔ شراب نشسته بود علت تاخیر او را پرسید. جواب داد شخصی رد می شد از من سوال کرد صاحب این خانه عبد است یا آزاد. پاسخ دادم البته برده کسی نیست. گفت آری اگر بنده بود از آقای خود می ترسید. این سخن چنان در قلب بُشر تاثیر کرد که سر از پا نشناخت با پای برهنه از منزل خارج شده خود را به موسی بن جعفر علیه السلام رسانید، به دست آن حضرت توبه کرد و از گذشته خود پوزش خواسته با چشم گریان بازگشت.(۱)

نقل شده بُشر از آن روز اعمال زشت خود را ترک و از جمله زهاد زمان خویش شد و چون با پای برهنه به دنبال موسی بن جعفر علیه السلام دوید و با این حال توبه کرد او را حافی یعنی پا برهنه لقب دادند.

امر به معروف امام رضا علیه السلام به یار ویژه اش سلیمان جعفری از انواع امر به معروف مورد ابتلاء جامعه ماست.

او می گوید برای برخی کارها خدمت امام رضا علیه السلام بودم چون کارم انجام شد خواستم مرخص شوم امام علیه السلام فرمود: امشب نزد ما بمان. همراه امام به خانه او رفتم.

هنگام غروب بود غلامان حضرت مشغول بنایی بودند امام علیه السلام در میان آن ها غریبه ای دید پرسید: این کیست؟

عرض کردند: به ما کمک می کند و به او چیزی خواهیم داد. فرمود: مزدش را تعیین کرده اید؟

گفتند:نه! هر چه بدهیم می پذیرد. امام برآشفت و خشمگین شد. من به حضرت

عرض کردم: فدایت شوم خود را ناراحت نکنید. فرمود: من بارها به این ها گفته ام که

۱- روضات الجنان، ص ۲۳۲

هیچ کس را برای کاری نیاورید مگر آنکه قبلا مزدش را تعیین کنید و قرارداد ببندید.

کسی که بدون قرارداد و تعیین مزد کاری انجام دهد اگر سه برابر مزدش را بدهی باز

گمان می کند مزدش را کم داده ای. ولی اگر قرارداد ببندی و به مقدار معین شده بپردازی

از تو خشنود خواهد شد که طبق قرار عمل کرده ای و در این صورت اگر بیش از مقدار

تعیین شده چیزی به او بدهی هر چند کم و ناچیز باشد می فهمد که بیشتر پرداخته ای و

سپاسگزار خواهد بود.(۱)

و امام جواد علیه السلام اینگونه مانع عجب و غرور افراد می شود و امر به معروف و نهی از

منکر می کند:

مردی به محضرش شرفیاب شد در حالی که خیلی شاد و سرحال بود. امام علت

شادمانی را از او پرسید؟ عرض کرد ای پسر رسول خدا از پدرت شنیدم که می فرمود:

شایسته ترین روزی که انسان باید شادمان باشد روزی است که او را صدقات و نیکی به

نفع برادران دینی از جانب پروردگار نصیب شده باشد. امروز ده نفر از برادران دینی ام به

من مراجعه کردند همه بی بضاعت و گرفتار؛ آن ها را پذیرایی کردم و به هر یک مقداری

کمک نمودم از این جهت خوشحال هستم.

امام علیه السلام فرمود: به جان خودم سوگند که تو را این شادمانی شایسته است به شرط اینکه

آن عمل را نابود نکرده باشی و یا بعد از این نابود نکنی

عرض کرد چگونه از بین ببرم با اینکه از شیعیان خالص شما می باشم فرمود: هم

اکنون نابود کردی. پرسید با چه چیز؟ فرمود این آیه را بخوان«وَ لا تُبطِلُوا

صَدَقاتِکُم بِالمَنِّ وَ الأَذی»(۲)صدقه های خود را با منت نهادن و آزار کردن باطل نکنید!

عرض کرد من به آن هایی که کمک کردم نه منت گذاردم و نه آزاری رساندم.

فرمود: منظور هر نوع اذیتی است، در نظر تو آزردن آن هایی که کمک کرده ای مهم تر

است یا آزردن فرشتگانی که مأمور تو هستند و یا آزردن ما؟! جواب داد آزردن شما و

فرشتگان

ص: ۳۳

۱- فروع کافی، ج ۵،ص ۲۲۸

۲- بقره/ ۲۶۴

امام علیه السلام فرمود: به راستی مرا آزردی و صدقهٔ خود را باطل کردی! پرسید: با چه کاری؟ فرمود: با همین سخنت که گفتی چگونه باطل کنم در حالی که از شیعیان خالص شمایم. آیا می دانی شیعهٔ خالص ما کیست؟ با تعجب گفتم: نه فرمود: سلمان، ابوذر، مقداد و عمّار. تو خود را با چنین اشخاصی برابر دانستی آیا با این سخن فرشتگان و ما را نیازردی؟

عرض کرد:«اَستَغفِرُ الله وَ اَتوبُ اِلَیهِ» ای پسر رسول خدا چه بگویم؟

فرمود: بگو من از دوستان شمایم و دشمن دشمنانتان و دوست دوستانتان هستم

عرض کرد: همین را می گویم و همین طور نیز هستم و از آنچه گفتم که به واسطهٔ نپسندیدن خدا مورد پسند شما و فرشتگان نیز نبود توبه کردم.

امام جواد علیه السلام فرمود: اکنون ثواب های از بین رفتهٔ صدقات بازگشت نمود.(۱)

امام هادی علیه السلام با اشعار کوبنده اش چنان امر به معروف و نهی از منکر کرد که اشک قسی ترین شخص زمان خود را جاری کرد:

در مجلس بزم متوکل عباسی لعنه الله علیه چنین سرود:

« باتُوا عَلی قُلَلِ الاَجبالِ تَحرِسُهُم*** غُلبُ الرِّجالِ فَما اَغنَتهُم القُلَلُ

وَ استَنزَلوُا بَعدَ عِزٍّ عَن مَعاقِلِهِم*** فاوُ دِعُوا حُفَراً یا بِئسَ مانَزَلوُا

ناداهُم صارخٌ مِن بَعدِ دَفنِهِم*** اَینَ الَساوِرُ وَ التّیجان وَ الحُلَلُ

اَینَ الوُجُوهُ الَّتی کانَت مُنَعَّمَهَ*** مِن دُونِها تُضرَبُ الاَستارُ وَ الِکلَلُ

فَافضَحَ القَبرُ عَنهُم حِینَ سائَلهُم*** تِلکَ الوُجُوهُ عَلَیها الدَّودُ تَنتَقِلُ»

بر قلهٔ کوهسارها شب را به روز آوردند و مردان نیرومند از آنان پاسداری می کردند

ولی قلّه ها نتوانستند آنان را از خطر مرگ برهانند

پس از عزّت از جایگاه های امن به پایین کشیده شدند و در گودال های گور جان

ص: ۳۴

۱- کلمهٔ طیبه، ص ۲۶۴

دادند. گور چه منزل و آرامگاه ناپسندی است.

پس از آنکه دست بندها به خاک سپرده شدند فریادگری فریاد برآورد کجاست آن دستبندها و تاج ها و لباس های فاخر؟

کجاست آن چهره های به ناز و نعمت پرورده که به احترامشان پرده ها می آویختند

گور به جای ایشان پاسخ داد: بر آن چهره ها هم اکنون کرم ها راه می روند.

تأثیر کلام امام هادی علیه السلام چندان بود که متوکل به سختی گریست چنان که ریشش تر

شد و دیگر مجلسیان نیز گریستند و متوکل دستور داد بساط شراب را جمع کردند و

امام علیه السلام را با احترام به منزل بازگرداندند.(۱)

و این هم امر به معروف و نهی از منکر امام حسن عسکری علیه السلام که حقاً خواندنی است.

اسحاق کندی فیلسوف عراق بود. او به تالیف کتابی پرداخت که قرآن دارای تناقض

است و برای نوشتن آن چنان سرگرم و مشغول شد که از کنار مردم کناره گرفت و به تنهایی در

خانه خویش به ایم کار مباردت می ورزید تا اینکه یکی از شاگردان او به محضر امام

حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شد. امام به او فرمود: آیا در میان شما یک مرد رشید و

جوانمرد پیدا نمی شود که استاد شما را از این کاری که شروع کرده منصرف سازد؟!

عرض کرد: ما از شاگردان او هستیم چگونه می توانیم در این کار با کارهای دیگر بر

او اعتراض نماییم!

امام علیه السلام فرمود: آیا آنچه بگویم به او می رسانی؟

گفت: آری. فرمود: نزد او برو و با او اُنس بگیر و او را در کاری که می خواهد انجام

دهد یاری نما . آنگاه بگو سؤالی دارم آیا می توانم از شما بپرسم؟ به تو اجازهٔ سؤال

می دهد بگو: اگر گوینده قرآن نزد تو آید آیا احتمال می دهی که منظور او از گفتارش

معانی دیگری غیر از ان باشد که تو پنداشته ای؟ خواهد گفت: امکان دارد. چون او اگر به

مطلبی توجه کند می فهمد و درک می کند هنگامی که جواب مثبت داد بگو: از کجا

ص: ۳۵

۱- احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۴۵۴

اطمینان پیدا کردی که مراد و منظور قرآن همان است که تو می گویی؟!

شاید گوینده قرآن منظوری غیر از آنچه تو به آن رسیده ای داشته باشد و تو الفاظ و عبارات را در غیر معانی و مراد آن بکار می بری! آن مرد نزد اسحاق کندی رفت و به همان ترتیب با او مهربانی کرد تا سرانجام سوال را مطرح نمود کندی از او خواست که سوال خود را تکرار کند و به فکر فرو رفت و آن را بنا به لغت محتمل بر حسب اندیشه ممکن دانست.

شاگردش را سوگند داد که این سوال از کجا برای تو مطرح شد. شاگرد گفت: چیزی بود که به خاطرم رسید و سوال کردم. گفت: ممکن نیست تو و افرادی مانند تو به چنین سوالی راه یابید. بگو این سوال را از کجا آوردی؟

شاگرد گفت: ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام به من چنین فرمان داد.

کندی گفت: اینک درست گفتی. چنین سوالی جز از آن خاندان نمی تواند بود. آنگاه آنچه را در آن زمینه نوشته بود در آتش ریخت و سوزاند.(۱)

و این هم امر به معروف و نهی از منکر آخرین امام معصوم حجه بن الحسن العسکری آقا و ولی نعمتمان حضرت مهدی ارواح العالمین له الفداء

در شهر نجف کارگر حمامی بود که پدر پیری داشت و نسبت به خدمتگزاری او هیچ گونه کوتاهی نمی کرد. تا آنجا که برای او آب در مستراح می برد و منتظر می شد تا خارج شود و به مکانش برساند.

آری پیوسته ملازم خدمت او بود مگر در شب چهارشنبه که به مسجد سهله می رفت و در آن شب به واسطهٔ اعمال مسجد سهله و شب زنده داری در آنجا از خدمت معذور بود. ولی پس از مدتی ترک کرد و دیگر به آنجا نرفت.

از او پرسیدند چرا رفتن به مسجد سهله را ترک کردی؟ گفت: چهل شب چهارشنبه به آنجا رفتم. شب چهارشنبه چهلم رفتنم به تاخیر افتاد تا نزدیک غروب، در آن موقع

ص: ۳۶

۱- مناقب، ج ۴،ص ۴۲۴

تک و تنها بیرون رفتم و با همان وضع به مسیر خود ادامه دادم تا یک سوم راه باقی

ماند. کم کم ماهتاب مقداری از تاریکی شب را به روشنی تندیل کرد. در این هنگام

شخص عربی را دیدم بر اسبی سوار است و به طرف من می آید و در دل خود گفتم الان

برای من اتفاق ناگواری رخ خواهد داد. همین که به من رسید با زبان عرب بدوی شروع

به صحبت کرد. پرسید کجا می روی؟ گفتم مسجد سهله. فرمود: با تو چیز خوردنی

هست؟ جواب دادم نه. فرمود: دست خود را در جیب کن. گفتم: در آن چیزی نیست باز

آن سخن را با تندی تکرار کرد. من دست در جیب کردم مقداری کشمش یافتم که برای

کودک خود خرید بودم و از خاطرم رفته بود به او بدهم. آنگاه به من فرمود:

«اُوصِیکَ بِالعُودِ» سه مرتبه این عبارت را تکرار کرد(عود به زبان عرب بدوی پدر پیر

را می گویند) بعد از این سخن ناگهان از نظرم ناپدید شد. فهمیدم که او حضرت مهدی علیه السلام

بود و دانستم که آن گرامی راضی نیست ترک خدمت پدرم را حتی در شب های

چهارشنبه بنمایم. از این جهت دیگر به مسجد سهله نرفتم و این کار را ترک نمودم.(۱)

و در پایان این فصل یکی از سخنان مولایمان امام عصر علیه السلام را که حاوی امر به

معروف و نهی از منکر است به عنوان حسن ختام از نظر بگذرانیم و انشاءالله توفیق عمل

نیز پیدا کنیم:

«فَلیَعمَل کُلُّ مِنکُم بِما یُقَرِّب بِهِ مِن مَحَبَّتِنا وَ یَتَجَنَّبُ ما یُدنِیهِ مِن کِراهَتِنا وَ

سَخَطِنا»(۲)

به گونه ای عمل کنید که رفتارتان شما را به محبت ما نزدیک کند و کراهت و غضب

ما را از شما دور نماید.

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۲۴

۲- احجاج، ج ۲، ص ۳۲۴

۳. آگاهی دهندگانید و جایگاه معرفت خداوندید

السَّلامُ عَلی مَحالِّ مَعرِفَهِ اللهِ:

اینکه بالاترین مرتبه معرفت شناخت خداوند تبارک است برای هیچ انسان خداجوی شک نیست ولی جایگاهی که ما را زودتر و بهتر به معرفه الله می رساند جایگاه ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام است.

درباره بلند مرتبه بودن معرفه الله امیر المومنین علیه السلام می فرمود:

«مَن عَرَفَ اللَّهَ کَمُلَت مَعرَفَتُهُ»(۱)«مَعرِفَهُ اللهِ اَعلیَ المَعارِفِ»(۲)

هرکه خدا را شناخت معرفتش کامل گشت شناخت خدای سبحان بالاترین شناخت هاست.

بسیاری از مردم حتی دوستان اهل بیت به این جمله «محالِّ مَعرِفهِ الله» بودن چهارده معصوم علیهم السلام کمتر توجه می کنند و اگر از زبان آن بزرگواران بشنوند و یا بخوانند که چه منزلتی دارند خواهند دانست که این ذوات مقدسه تنها مرجع شناخت خداوند تبارک و تعالی به معنای واقعی و بدون هیچ شک و شبهه هستند.

طارق بن شهاب در اوصاف امام علیه السلام از امیر المومنین نقل کرده است که حضرت خطاب به او فرمود:«ای طارق، امام کلمهٔ پروردگار، حجت الهی، نور خداوند و حجاب حق تعالی است. امام جایگاهش بالاتر از همه و قلّه رفیع هدایت و را ه مستقیم هدایت است. کسی که آن ها بشناسد و دین خود را از آن ها بگیرد از آن ها محسوب شود.

خداوند تبارک و تعالی امامان را از نور عظمت خود آفریده و سرپرستی امور مملکت خود را به آن ها واگذار نموده است.آن ها سرّ پوشیدهٔ خداوند و اولیاء مقرّب پروردگار و امراو هستند که بین کاف و نون ظاهر گشته اند. بلکه آن ها خود کاف و نون

هستند. (لازم به توضیح است قبل از به اتمام رساندن روایت عرض شود که کاف و نون به

احتمال زیاد همان طور که مرحوم مستنبط در القطره اشاره دارد منظور آیه ۸۲ سورهٔ

۱- غرر الحکم، ۷۹۹۹-۹۸۶۴

۲- غرر الحکم، ۷۹۹۹-۹۸۶۴

مبارکه یس است«اِنَّما اَمرُهُ اِذا اَرادَ شَيَئاً اَن يَقولَ لَهُ كُن فَيَكون» همانا شأن خداوند

چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند و بگوید: باش: فوراً وجود پیدا می کند. امام

معصوم علیه السلام بین کاف کُن و ن فَیَکون است یعنی به اذن خدا اگر اراده کند هرچیز محقق

شود خواهد شد. چنانکه امام عصر روحی له الفداء فرموده است

«اِنَّ قُلوبَنا اَوعِیَه لِمَشِیَّهِ اللهِ اِذا شاءَ شِئنا وَ اِذا شِئنا شاءَ اللهُ تَعالی»

دل های ما اهل بیت ظرف مشیت الهی است. هر وقت او بخواهد ما می خواهیم و هر

زمان ما بخواهیم او نیز می خواهد.(۱)

امیر المومنین علی علیه السلام در پایان حدیث به طارق بن شهاب در اوصاف امام علیه السلام فرمود:

به سوی خدا مردم را دعوت می کنند و از جانب او می گویند و به فرمان او عمل می کنند

دانش انبیاء نسبت به دانش آن ها و اسراری که اوصیاء آموخته اند نسبت به اسرار ایشان و

عزّت اولیاء نسبت به عزّت آنان همانند قطره ای نسبت به دریا و ذره ای از دشت پهناور

است. آسمان و زمین نزد امام مثل دست او نسبت به کف دستش می باشد. ظاهر آن را از

باطنش و نیکوکار آن را از بدکردارش تشخیص می دهد و هر تر و خشک آن را می داند.(۲)

نتیجه می گیریم که امام علیه السلام مرکز شناخت خداست اگر کسی بخواهد خداشناسی

واقعی انجام شود و گرفتار شرک و نوعی بت پرستی نشود و به توحید ناب نایل شود باید از

مسیر اهل بیت علیهم السلام خارج نشود چون این بزرگواران هم واسطه فیض بین خلق با خدایند و

هم با علوم لَدنّی که اختیار دارند به آسانی ما را به معرفه الله می رسانند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف علم امیر المومنین علیه السلام و اینکه هر که از محضر او کسب

فیض کند عالم و آگاه به امور می شود فرمود:«اَعطَی اللهُ عَلِیّاً (علیه السلام) مِنَ الفَضلِ جزءاً

لَو قَسَّمَ عَلی اَهلِ الأرضِ لَوَ سِعهُم»(۳)

خداوند به حضرت علی علیه السلام به اندازه ای فضیلت بخشیده است که اگر بر اهل عالم

۱- القطره، ج ۱،ص ۲۳۸

۲- بحار الانوار، ج ۲۵، ث ۱۶۹

۳- مشارق الانوار، ص ۱۴۹

تقسیم شود همه را کفایت می کند

امیر المومنین علی علیه السلام که خود یکی از « محالّ معرفهُ الله » است در اولین خطبه اش در نهج البلاغه شریف ما را به شناخت پروردگار اینگونه دلالت می فرماید:

«اَوَّلُ الدِّینِ معرِفَتُهُ وَ کَمالُ مَعرفَتِهِ التَّصدِیقُ بِهِ وَ کَمالُ التَّصدِیقِ بِهِ تَوحِیدُهُ وَ کَمالُ تَوحِیدِهِ الاِخلاصُ لَهُ وَ کَمالُ الاِخلاصِ لَهُ نَفیُ الصِّفاتِ عَنهُ لِشَهادَهِ کُلِّ صِفَهٍ اَنَّها غَیرُ المُوصُوفِ وَ شَهادَهِ کُلِّ مَوصوفٍ اَنَّهُ غَیرُ الصُّفَهِ»(۱)

قدم اول در دین، شناخت پروردگار است و شناخت کامل او،درست باور کردن اوست و کمال درست باور کردن او یگانه دانستن اوست و کمال یگانه دانستند او اخلاص به اوست و کمال اخلاص به اود زدودن صفات از اوست؛ زیرا که هر صفتی گواه بر این است که با موصوف دو تاست و هر موصوفی گواهی دهد که غیر از صفت است

امام علی علیه السلام ما را توجه به این نکته می دهد که پروردگار متعال عین صفات کمالش می باشد و صفات کمالش عین صفات ذاتش در حالی که ما و مخلوقاتش اینگونه نیستیم صفات ما زاید بر ذات ما و عارض بر ماست و ما صفات را در گذشت زمان به دست می آوریم اگر رذایل باشد از هواپرستی و خواهش های نفسانی ما نشأت می گیرد و اگر صفات حمیده باشد با مبارزه با بوالهوسیها و کسانی که ما را دعوت به گناه می کنند در ما نهادینه می گردد.

پس فرق ما با خدا آن است که او صفاتش عین ذاتش هست و ما جدای از ذاتمان

بار دیگر جمله ای از امیر المومنین علی علیه السلام نقل کنیم تا جمله «محالِّ معرفهِ الله» بیشتر روشن شود

«اِنَّ أوَّلَ عِبادَهِ اللهِ مَعرِفَتُهُ وَ اژاَصلُ مَعرِفَتِهِ تَوحیدُهُ وَ نِظامُ تَوحِیدِهِ نَفیُ الصِّفاتِ

عَنهُ، لِشَهادَهِ العُقولِ أنَّ کُلَّ صِفَهٍ وَ مَوصوفٍ مَخلوقٌ وَ شَهادَهِ کُلِّ مَخلوقٍ اَنَّ لَهُ

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱

خالِقٌ»(۱)

همانا سرآغاز بندگی خدا، شناختن اوست و بنیاد شناخت او یگانه دانستنش و سامان

بخش رشتهٔ یگانگی او،نفی صفات از اوست. زیرا که خردها گواهند که هر صفت و

موصوفی آفریده است و هر آفریده ای گواهی دهعد که او را آفریدگاری است و بخوانید

دیدگاه صاحب اثر گرانقدر جامعه کبیره امام هادی علیه السلام را که فرمود:

«اِنَّ الخالِقَ لا یوصَفُ اّلّا بِما وَصفُ بِهِ نَفسَهُ، وَ اَنّی یوصَفُ الخالِقُ الَّذی اِلّا

بِما وَصَفَ بِهِ نَفسَهُ وَ اَنّی یوصَفُ الخالِقُ الَّذی تَعجُزُ الحَواسُّ اَن تُدرِکَهُ وَالَاوهامُ

اَن تَنالَهُ وَ الخَطَراتُ اَن تَحُدَّهُ وَ الَابصارُ عَنِ الِاخاطَهِ بِهِ؟!

جَلِّ عَمّا یَصِفُهُ الواصِفونَ وَ تَعالی عَمّا یَنعَتُهُ النّاعِتونَ»(۲)

آفریدگار جز آن گونه که خود خهویشتن را وصف کرده است وصف نمی شود.

چگونه وصف شود آفریدگاری که حواسّ از درک او ناتوانند و وهمها از رسیدن به او

درمانده اند و اندیشه ها از تعریف و تحدید او عاجزند و دیدگان از احاطهٔ بر او ناتوانند؟

برتر از وصف توصیفگران است و والاتر از نعمت نعمت گویان.

امامان معصوم علیهم السلام به ما می آموزند که به شناخت خدا به وجود خود خدا می توان

رسید. مثلا امام سجاد علیه السلام در قالب دعا عرض می کند:«بِکَ عَرَضتُکَ وَ اَنتَ دَلَلتَنی

عَلیکَ وَ دَ عَوتَنی اِلَیکَ وَ لَو لا اَنتَ لَم اَدرِ ما اَنتَ»(۳)

پروردگارا تو را به خودت شناختم و تو مرا به خودت رهنمون شدی و به سوی

خودت فرا خواندی. اگر تو نبودی من نمی دانستم که تو چیستی

و یا امام صادق علیه السلام برای راهنمایی ما می فرمود:

«مَن زَعَمَ اَنَّهُ یَعرِفُ اللهِ بِحجابٍ اَو بِصورَهٍ اَو بِمِثالٍ فَهُوَ مَشرِکٌ لِاَنَّ الحِجابَ

وَ المِثالَ وَ الصُّورَهَ غَیرُهُ وَ اِنَّما هُوَ واحِدٌ مَوَحِّدٌ، فَکَیفَ یُوَحُّدُ مَن زَعَمَ اَنَّهُ عَرَفَهُ

ص: ۴۱

۱- تحف العقول، ص ۶۱

۲- کشف الغمّه، ج ۳،ص ۱۷۶

۳- اقبال الاعمال،ج ۱، ص ۱۵۷

بِغَیرِهِ؟!

اِنَّما عَرَفَ اللهَ مَن عَرَفَهُ بِاللهِ فَمَن لَم یَعرِفهُ بِهِ فَلَیسَ یَعرِفُهُ اِنَّما یَعرِفَ غَیرَهُ...

لا یُدرِکُ مَخلوقٌ شَیئَاً الّا بِاللهِ وَ لا تُدرَکُ مَعرِفَهُ اللهِ اِلّا بِّاللهِ»(۱)

هر که خیال کند که خدا را به حجابی یا به صورتی یا به مثال و هیکلی می شناسد

مشرک است زیرا حجاب و مثال و صورت غیر اویند. او یکتا و یگانه است.

بنابر این چگونه قائل به یگانگی خداست کسی که می گوید او را به غیر او شناخته

است؟ خدا را فقط کسی شناخته که او را به خدا بشناسد. پس، کسی که خدا را به خدا

نشناسد او را نمی شناسد بلکه موجودی جز او را می شناسد... هیچ آفریده ای چیزی را

درک نمی کند مگر به سبب خدا و به شناخت خدا نتوان رسید مگر به خدا. یکبار از

امیر المومنین علیه السلام سؤال شد: پروردگارت را به چه شناختی؟ فرمود: به شناختی که او از

خودش به من داد. عرض شد: چگونه خودش را به تو شناساند؟

فرمود:«لا یُشبِهُهُ صورَهٌ و لا یُحَسُّ بَالحَواسِّ و لا یُقاسُ بالنّاسِ»(۲)

هیچ صورتی مانند او نیست و با حوّاس درک نمی شود و با مردم قیاس نمی گردد.

از همین چند روایت دستگیرمان شد که برای شناخت خداوند تبارک و تعالی راهی

جز این نداریم که سراغ اهل بیت علیهم السلام برویم و از راهنمایی های آن بزرگواران خدا را

آنگونه که هست بشناسیم از آنجایی ایشان محالّ و جایگاه معرفت خدا هستند بنابراین

دیگران بی شک اگر چه مدعی خداپرستی باشند قادر نیستند ما را در مسیر صحیح

خدا پرستی قرار دهند.

یکی از شاگردان و تربیت یافتگان مکتب امام صادق علیه السلام به نام منصور بن حازم

می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من با عده ای مناظره کردم و به آن ها گفتم

خداوند جل جلاله بزرگتر و ارجمندتر و گرامی تر از آن است که به آفریدگانش شناخته

شود بلکه بندگان به او شناخته می شوند. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «رَحِمَکَ اللهُ»

۱- توحید صدوق، ص ۱۴۳

۲- کافی، ج ۱،ص ۸۵

رحمت خدا بر تو باد.(۱)

مرحوم صدوق رضوان الله علیه بعد از آنکه روایاتی ازاین قبیل را نقل می کند می نویسد: سخن درست در این باره این است که گفته شود: ما خدا را به خدا می شناختیم، زیرا اگر او را به خردهای خود شناخته باشیم این خرده ها خود عطیهٔ الهی هستند اگر به واسطهٔ پیامبران و فرستادگان و حجت هایش او را شناخته باشیم این خدای عزوجل است که آن ها را برانگیخته و فرستاده و به عنوان حجت های خویش برگزیده است و اگر به واسطه خودشناسی به شناخت او رسید ه باشیم نفس های ما نیز آفریدهٔ اویند. بنابراین در هر صورت ما خدا را به خدا شناخته ایم.(۲)

۱- کافی، ج ۱، ص ۸۶

۲- توحید صدوق، ص ۲۹۰

۴. آمرزش گناهان به توسط شما شامل حالمان می گردد:

«اِنَّ بَینی وَ بَینَ اللهِ ذُنوباً لا یَاتِی عَلَیها اِلّا رِضاکُم ـ وَ ما خَصَّنابِهِ مِن وَلایَتِکُم

طِیباً لِخَلقِنا وَ طَهارَةً لِاَنفُسِنا وَ تَزکِیَةً لَنا وَ کَفّارَةً لِذُنُوبِنا:»

به راستی بین من و خدای بزرگ گناهانی است که بر ندارد جز رضای شما ـ و آنچه را

که مخصوص ما کرد از نعمت ولایت شما برای نیکویی فطرت و خلقت ما و پاکی

نفس های ما و پاکیزگی روح ما و کفاره گناهان ما بود.

ممکن است شخصی بگوید مگر خداوند نفرموده:« اُدعونِی اَستَجِب لَکُم» مرا

بخوانید تا شما را اجابت می کنم و یا به پیامبر نفرمود:« إِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی

قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»(۱)

هرگاه بندگان من سراغ مرا از تو گرفتند بگو من به آن ها نزدیک هستم. دعای دعا

کننده را استجابت می کنم. پس چه لزومی دارد که برای آمرزش گناهان از طریق خاندان

عصمت و طهارت وارد شویم؟ پاسخ این است که توبه کسانی که چهارده معصوم و یا

ائمه طاهرین را قبول ندارند و محروم از پذیرش ولایت آن بزرگواران هستند مورد قبول

واقع نمی شود و این رهنمودی است که خداوند در قرآن شریفش فرموده و از ما خواسته

برای رفتن به سوی پروردگار حالا برای هر کار و حاجتی و از جمله توبه از گناهان باید با

وسیله رفت و وسیله هم این بزرگواران هستند.

«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَةَ»(۲)

شما که ایمان دارید از خدا بترسید و با وسیله به سوی او بروید.

در تفسیر قمی در ذیل آیه آمده:«تَقَرَّبُوا اِلَیهِ بِالاِمامِ» منظور کلام خدا از وسیله

برای رفتن به سوی خدا وجود مبارک امام است.(۳)

ابن شهر آشوب نقل می کند که امیر المومنین علیه السلام در تفسیر آیه فرمود:«اَنَا وَسیلَتُهُ»(۴)

ص: ۴۴

۱- بقره / ۱۸۶

۲- مائده / ۳۵

۳- المیزان، ج ۵، ص ۳۶۲

۴- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۷۳

آن وسیله تقرّب به خداوند من هستم.

وقتی توبه آدم ابوالبشر علیه السلام با توسل به خمسه طیبه و بردن نام شریفشان که بر ساق

عرش نگاشته شده بود قبول می شود تکلیف بقیه مردم روشن است.(۱)

و بر همین اساس بود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: « نَحنُ الوَسیلَهُ اِلی اللهِ وَ الوُصلَهُ

اِلی رِضوانِ اللهِ»(۲)

ما هستیم وسیله به سوی خدا و رساننده به رضوان پروردگار

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرماید من می توانم واسطه بین شما و خالق باشم می فرماید:(نحن)

یعنی من و دودمان من و به صورت جمع گفتن حضرت حکایت از تایید این مطلب

می کند که مجموع چهارده معصوم رابط ما با خدایند.

محمد بن بابویه دعایی را از ائمه علیهم السلام نقل می کند که معروف به دعای توسل است.

بسیار جالب است که در پایان دعا دقیقا مطلبی را که بر آن تاکید داشتیم مورد توجه قرار

داده است.

«یا سادَتی وَمَوالِیَّ اِنّی تَوَجَّهْتُ بِکُمْ أَئِمَّتی وَعُدَّتی لِیَوْمِ فَقْری وَحاجَتی اِلَی

اللّهِ وَتَوَسَّلْتُ بِکُمْ اِلَی اللّهِ وَاسْتَشْفَعْتُ بِکُمْ إِلَی اللّهِ فَاشْفَعُوا لی عِنْدَ اللّهِ

وَاسْتَنْقِذُونی مِنْ ذُنُوبی عِنْدَ اللّهِ فَاِنَّکُمْ وَسیلَتی اِلَی اللّهِ وَبِحُبِّکُمْ وَبِقُرْبِکُمْ

أَرْجُو نَجاهً مِنَ اللّهِ فَکُونُوا عِنْدَ اللّهِ رَجآئی یا سادَتی یا أَوْلِیآءَ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِمْ

اَجْمَعینَ وَلَعَنَ اللّهُ أَعْدآءَ اللّهِ ظالِمیهِمْ مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْاخِرینَ امینَ رَبَّ

الْعالَمینَ»(۳)

ای سروران و مولایانم به شما پیشوایان و توشه های روز فقر و نیازم روی کردم تا

شما حاجتم را به خداوند تبارک و تعالی ارائه دهید و به سوی خدا با وجود شما توسل

جستم و شما را میانجی بین خود و پروردگار قرار دادم بنابراین نزد خداوند مرا

ص: ۴۵

۱- بحار، ج ۴۴، ص ۲۴۵ و ج ۲۵، ص ۲۲

۲- بحار، ج ۴۴، ص ۲۴۵ و ج ۲۵، ص ۲۲

۳- مفاتیح الجنان محدث قمی

میانجیگری کنید و مرا از گناهانی که مرتکب شده ام از عذاب خدا رهایی دهید زیرا که شما وسیله من نزد خداوند هستید و به عشق شما و نزدیک شدن به شما امید نجات از عذاب خدا را دارم پس نزد خداوند امید من باشید ای سروران من و ای اولیاء الهی که درود خداوند بر همه شما باد و لعنت و نفرین حق تعالی برای دشمنان خدا باشد همانهایی که از اولین تا آخرین در حق شما ظلم کردند. آمین ربّ العالمین.

و دعایی که شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه به عنوان دعای بعد از زیارت امام رضا علیه السلام در کتاب تحفه الزّائر آورده بعد از یک دوره استغفار از همه لغزش ها و خطا و توبه به درگاه الهی برای خود و والدین و برای همه آشنایان عرض می کنیم:

«يَا مَنْ يُسَمَّى بِالْغَفُورِ الرَّحِيمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ اشْكُرْ سَعْيِي وَ ارْحَمْ ضَرَاعَتِي وَ لا تَحْجُبْ صَوْتِي وَ لا تُخَيِّبْ مَسْئَلَتِي يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ أَبْلِغْ أَئِمَّتِي سَلامِي وَ دُعَائِي وَ شَفِّعْهُمْ فِي جَمِيعِ مَا سَئَلْتُكَ»(۱)

ای خدایی که به آمرزنده ی مهربان نامیده شده ای بر محمد و آل او درود فرست و توبه ام را بپذیر و عملم را پاکیزه کن و تلاشم را قبول کن و بر تضرع و زاریم به من رحم کن و صدایم را محجوب مکن و سوالم را بی پاسخ مگذار ای فریاد رسِ فریاد کنندگان و سلام و دعایم را به امامان معصوم علیهم السلام برسان و آن ها را در همه درخواستهایم به درگاهت شفیع و واسطه قرار ده.

ما برای توسل به ائمه اطهار علیهم السلام در جمیع موارد دلیل قرآنی داریم و از جمله برای پذیرش توبه از جانب خداوند به واسطه گری این خاندان مطهر نیز از قرآن بهره می گیریم.

در داستان خطای برادران یوسف علیه السلام و آن مشکلاتی که از روی حسادت برای یوسف به وجود آوردند بعد از همه ماجراها به پدر گفتند:«یا اَباتا اِستَغفِر لَنا ذُنوبَنا اِنّا

كَنّا خاطِئينَ» پدر جان! از خدا بخواه که ما را ببخشد چرا که مه خطاکار بوديم.

يعقوب نگفت به من چه مربوط، خودتان بايد مستقيم در خانه خدا استغفار كنيد تا

ص: ۴۶

۱- مفاتيح الجنان محدث قمی

خداوند شما را ببخشد. بدون درنگ گفت:«سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكَمْ رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ »(۱)بزودی از پروردگارم برای شما طلب آمرزش می کنم. زیرا که او بخشنده و مهربان است.

خداوند تبارک و تعالی درباره توبه پذیری اش به واسطه گری پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تصریح دارد:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِیُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِیمًا »(۲)

هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به فرمان پروردگار از وی اطاعت شود و اگر آن ها هنگام یکه به خود ستم نمودند پیش تو می آمدند و از خداوند طلب بخشش می نمودند پیامبر برای آن ها طلب بخشش می نمود در این موقع خداوند را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

در زیارت روز شنبه که مخصوص آن حضرت است عرض می کنیم:

«اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ جَاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً، إِلَهِی فَقَدْ أَتَیْتُ نَبِیَّکَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِی، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْلِی یَا سَیِّدَنَا أَتَوَجَّهُ بِکَ وَ بِأَهْلِ بَیْتِکَ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی رَبِّکَ وَ رَبِّی لِیَغْفِرَ لِی»(۳)

پروردگارا! تو خود فرموده ای اگر آن ها هنگامی که بر خود ستم می کنند به سراغ تو آمدند و آمرزش طلبیدند و خواستند که خداوند آن ها را عفو کند و پیامبر برایشان آمرزش طلبید حتما خداوند را توبه پذیر و بخشنده خواهند یافت. خدای من اینک آمدم نزد پیامبرت استغفار کنان، توبه کنان از گناهانم پس بر محمد و آل او درود فرست

و بیامرز مرا.

ص: ۴۷

۱- یوسف/ ۹۷ و ۹۸

۲- نساء / ۴۶

۳- مفاتیح الجنان محدث قمی

ای رسول خدا که سرور مایی به تو روی آورده ام و نیز به اهل بیت گرامت تا شما

واسطه من به سوی خدای متعال شوید که ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم حضرت باری تعالی پروردگار تو و

پروردگار من است به این امید که خداوند مرا مشمول عفو و آمرزش خویش قرار دهد.

اعتقاد ما بر این است که قبول نکردن امامت و ولایت امامان معصوم «ذَنبِ لا یُغفَر» است

(گناه نابخشودنی است)چون مساوی با شرك و کفر است و خداوند به صراحت فرموده

که هر که کافر و مشرك بمیرد جایی جز دوزخ ندارد و به ویژه اگر از ناصبی ها باشند و

بغض محمد و آل را در دل داشته باشند و همانند بنی امیه زندگی کنند و اعتقادات آن ها

را داشته باشند که متاسفانه در عصر ما کم نیستند کسانی که اُموی وار معتقدند و عمل

می کنند و یک اسلام دور از سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سیره اهل بیت گرام برنامه کار و

زندگی سیاسی و اجتماعی و خانوادگی آن هاست.

بی ولایتی ها حق عبور از پل صراط و عبور از آن به سوی بهشت را ندارند چون

جواز عبور قبول امامت و ولایت است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به علی علیه السلام فرمود:

« یا علیُّ إذا کانَ یَومَ القیامهِ أَقعُد أنا وَ أَنتَ و جِبرئیلَ علیَ الصِّراطِ فَلا تَجُوزُ علی الصِّراطِ إِلّا مَن کانت مَعَهُ بَراءَهٌ بِولایَتِکَ»(۱)

علی جان فردای قیامت که می شود من و تو و جبرئیل بر کنار پل صراط می نشینیم و

هیچ کس حق عبور ندارد مگر آنکه همراهش برات ولایت تو (که برگهٔ عبور

است) داشته باشد. ابن عباس می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم آیا بر گذر از جهنم

برگهٔ عبور لازم است؟ فرمود آری. عرض کردم: آن چیست؟

«لا اِلهَ اِلا الله، محمدٌ رسول الله، علیٌ ولی الله»(۲)

در جای دیگر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«مَعرِفَهُ آلِ محمدٍ صلی الله علیه و آله و سلم بَراءَهٌ مِنَ النّارِ وَ حُبُّ آلِ محمدٍ جَوازُ الصِّراطِ وَ الوِلایَهُ

ص: ۴۸

۱- بحار، ج ۸، ص ۷۰

۲- تاریخ بغداد،ج ۳، ص ۱۶۱

لِآلِ محمدٍ أمانٌ مِنَ العَذابِ»(۱)

معرفت به مقام والای آل محمد صل الله علیه و آله و سلم برات آزادی از آتش جهنم است و دوستی آن بزرگواران جواز عبور از پل صراط و ولایت آن سروران امان از عذاب الهی است.

و باز همان گرامی می فرمود:

«اِنَّ رَبّی عَزَّ وَجلَّ أقسِمُ بِعِزَّتِهِ اَنَّهُ لا یَجوزُ عَقَبَهَ الصِّراطِ اِلّا مَن مَهَهُ براءَهٌ بِوِلایَتِکَ وَ وِلایَهِ الأئِمَهِ مِن وُلدِکَ»(۲)

علی جان پروردگارم قسم به عزتش خورده که از عقبه صراط هیچ کس حق عبور ندارد مگر آنکه براتی از ولایت تو و ولایت امامان از فرزندان تو را همراه داشته باشد

با دوستی حیدر و اولاد او مرا*** کی خوف باشد ز مجازات محشرم

امروز در دلم چو بود مهر مرتضی*** در روز حشر عرش شود سایهٔ سرم

فردا چو سر زخاک برآرم من ای ودود*** دستم رسان به دامن آل پیامبرم

یا رب ز جرم و معصیتم در گذر که نیست*** غیر از امید عفو تو امید دیگرم

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمرزش از گناهان را برای شیعیان و دوستاران مولایمان علی علیه السلام وعده داده است:«یا عَلیُّ: قَد غَفَرلَکَ وَ لِذُرِّیَتِکَ وَ لِشِیعَتِکَ وَ مَحِبّی شیعَتِکَ»(۳)

ای علی: برای تو و فرزندانت و شیعیان تو و کسانی که شیعیان تو را دوست دارند آمرزش و مرحمت الهی منظور شده است.

اینکه در این فصل عرض کردم عدم پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام ذنب لا یغفر است صرفا از روی تعصب و احساسات نبود بلکه برای ادعای خود از این قبیل روایات را

۱- ینابیع الموده، ص ۲۲

۲- بحار، ج ۳۹، ص ۲۱۱

۳- تاریخ شیعه، ص ۳۷ و ص ۳۵

داریم: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«یا عَلیُّ اِنَّکَ سَتَقدِمُ علی اللهِ وَ شیعَتُکَ راضییّنَ مَرضییّنَ وَ یَقدِمُ علیهِ عَدوِّکَ غَضابِی مُقمَحینَ ثُم جَمَعَ علی یَدِهِ یُریهِم القِماحَ»(۱)

ای علی تو بر خدا وارد خواهی شد در حالی که شیعه تو از خدا راضی و خدا نیز از آن ها راضی است. و دشمن تو بر او در می آید در حالی که ناخشنود و خشمناک است و سر آن ها به علت تنگی غل و زنجیر در بالا قرار گرفته و یا به دهان آن ها لگام زده اند.

آنگاه پیامبر برای اینکه این حالت را نشان دهد دستش را در گردنش جمع کرد.

کسی که محروم از ولایت امیر المومنین علی علیه السلام باشد بی شک دنیا و آخرت حقیر و پست خواهد بود.

یک بار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بازوی علی علیه السلام را گرفت و به مردم خطاب کرد« هذا امیرُ البَرَهِ وَ قاتِلُ الکَفَرَهِ، مَنصورٌ مَن نَصَرَهُ، مَخذولٌ مَن خَذَلَهُ، ثُمَّ مَدَّبِها صَوتَهُ فَقالَ: اَنا مَدینَهُ العِلمِ وَ عَلیٌّ بابُها، فَمَن اَرادَ العِلمَ فَلیَاتِ البابَ»(۲)

این است امیر انسان های شایسته و قاتل کافران هر کس او را یاری کند یاری خواهد شد و هر کس او را حقیر شمارد حقیر و پست خواهد شد.

سپس صدای نازنین خود را بلند کرده فرمود: من شهر علمم و علی علیه السلام درب آن شهر است. بنابراین هر کس می خواهد به شهر علم من گام بگذارد بایستی از درب آن یعنی علی علیه السلام و قبول ولایتش وارد شود.

امام رضا علیه السلام از موسی بن جعفر، از جعفر بن محمد از محمد بن علی از علی بن الحسین از حسین بن علی از علی بن ابیطالب از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جبرئیل از میکاییل از اسرافیل از لوح از قلم نقل کرده اند که«یَقولُ اللهُ عزَّوَجلَّ «وَلایَهُ علیٍّ بن ابیطالبٍ حِصنی فَمَن دَخَل حِصنی اَمِنَ مِن عَذابی»(۳)ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام دژ محکم من

است پس هر کس داخل آن شود از عذاب من در امان خواهد بود (مفهوم این کلام این

است هر کس بی ولایت علی علیه السلام بمیرد گناهی را مرتکب شده که در امان از عذاب الهی

نخواهد بود)

ص:۵۰

۱- همان

۲- ینابیع الموده، ص ۳۹

۳- بحار، ج ۳۹، ص ۲۴۶

۵. آموختن را باید از شما فرا گرفت:

وَ دَعَوتُم اِلی سَبیلِهِ بِالحِکمَهِ وَ المَوعِظَهِ، وَ الدَّعوَهِ الحُسنی، السَّلامُ علی الدُّعاهِ

اِلی اللهِ وِ الَادِلّاءِ عَلی مَرضاتِ الله_ السَّلامُ عَلیَ الأئِمَهِ الدُّعاهِ وَ القادَهِ الهُداهِ:

شما اهل بیت مردم را به راه خدا با حکمت و موعظه دعوت می کنید شما صاحب

دعوت نیکوترید. سلام بر شما که داعیان به سوی خدایید و راهنمایان در طریق رضا و

خشنودی خدایید. سلام بر پیشوایان دعوت کننده و زمامداران هدایتگر

این بود چند جمله از زیارت گرانقدر جامعه کبیره از مجموع آن ها یاد گرفتیم اگر

دوست داشته باشیم چیزی بدانیم و به حقایق هستی دست یابیم کنار سفره اهل بیت علیهم السلام

بنشینیم و از طعام های معنوی آن ها نوش جان کنیم تا بیاموزیم آنچه را که برای دنیا و

برزخ و قیامت ما کارساز است.

پای سخن ایشان نشستن ثمرات فراوانی دارد چرا که آن ها هر چه می آموزند برگرفته

از مکتب وحی و خداوند تبارک و تعالی است و چیزی را برای هدایت بشر نمی گویند که

رضای پروردگار در آن نباشد. ضریب اطمینان هر انسان درس آموز مکتب اهل بیت

صد در صد است بر خلاف دیگران که حرف های یافته های ذهنی خود را می زنند که قطعاً

با خطا و لغزش همراه خواهد بود. چنانکه در طول تاریخ عمر بشر همچنان که کتاب های

آسمانی و به ویژه قرآن کریم انبیاء و اولیاء را از نوع خطا در گفتار و هدایت بشر مصون

دانسته و عصمت آن ها را در گرفتن وحی و کلام خدا و حفظ و نگهبانی از آن و درست

ابلاغ کردن و کم و زیاد نکردن آن خیلی شفاف بیان کرده اند.

برای آنکه باور کنیم که حتی پیامبر بزرگ اسلام که از همه انبیاء و اولیاء مقامی برتر

دارد و گل سر سبد آفرینش است اگر می خواست یک کلمه در امر تبلیغ و آموختن

انسان ها کم و یا زیاد کند با چنین تهدیدی روبرو بود:

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ،لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ، ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ، فَمَا

ص: ۵۱

مِنْكَمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ،وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ»(۱)

و اگر پیامبر بعضی سخن ها را به ما نسبت می داد او را به شدت می گرفتیم و سپس

رگ قلبش را قطع می کردیم و کسی از شما نمی توانست از مجازات او مانع شود و این

سخن یادآوری برای اهل تقواست.

یعنی اهل تقوا می دانند که خداوند با کسی تعارف ندارد حتی با پیامبر معصوم خود

بنابراین تردید به خود راه ندهید هرآنچه او و اهل بیت گرامیش که منصوب شده از جانب

خدایند برای ارشاد و آموختن انسان ها می گویند مطابق با خواست خدا و رضایت باری

تعالی است.

امتیازات شاگردی مکتب اهل بیت:

۱. سیر در صراط مستقیم الهی است:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ

ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ »(۲)

این راه راست من است. از آن پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی نکنید که شما را

از راه خدا منحرف می کند اینها سفارشات پروردگار به شماست. شاید پرهیزکار شوید

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در خطبهٔ غدیر یکی از مسایلی را که بیان کرد تفسیر صراط مستقیم

الهی و آیه فوق بود:

«مَعاشِرَ الناسِ، اِنَّ اللهَ قد اَمَرنی وَ نَهانی وَ قَد أَمرتُ عَلَیاً وَ نَهَیتُهُ، فَعِلمَ الأَمرَ وَ

النَّهیَ مِن رَبِّهِ عزَّوَجلَّ فَاسمَعوا لِاَمرهِ تَسلِموا وَ اَطیعُوهُ تَهتَدوا وَ انتَهُوا لِنَهیِهِ

تَرشُدوا وَ صَیِّروا اِلی مُرادِهِ وَ لا تَتَفَرَّقُ بِکُم السُّبُلُ عَن سَبیلِهِ. مَعاشِرَ النّاسِ اَنا

صِراطُ اللّهِ المُستَقیمِ الَّذی أَمَرَکُم بِاتِّباعِهِ ثُمَّ عَلیَّ مِن بَعدی ثُمَّ وُلدی مِن صُلبِهِ

۱- الحاقه/ ۴۴ تا ۴۸

۲- انعام/ ۱۵۳

اَئِمَهٌ یَهدونَ اِلیَ الحَقِّ وَ بِهِ یَعدِلونَ ثُمَّ قَرَأ اَلحَمدُ للهِ رَبِّ العالَمینَ»(۱)

ای مردم همانطور که خداوند یک سلسله اوامر و نواهی را به من داده همچنین به

علی بن ابی طالب اوامر و نواهی داده است.

علی علیه السلام کاملا به امر و نهی آگاه است بنابر این بشنوید امر او را و تسلیم او شوید و

اطاعت کنید وی را تا هدایت گردید. از آنچه شما را نهی می کند اجتناب نمایید تا در

نتیجه ارشاد شوید و بکوشید بر وفق مراد او عمل کنید و به راه های گوناگون نروید جز

راه علی بن ابی طالب علیه السلام

ای مردم،صراط مستقیم خدا من هستم که در قرآن خداوند شما را امر به پیروی از

آن نموده و بعد از من علی و سپس امامان از نسل اویند که شما را به سوی حق هدایت

می کنند سپس گفت:«اَلحمدُللهِ رَبِّ العالمین»

و نیز رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در ذیل این آیه:«إِنَّ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ وَکَانُوا شِیَعًا لَسْتَ

مِنْهُمْ فِی شَیْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَی اللَّهِ»(۲)

کسانی که دین خویش را پراکنده کردند و گروه گروه شدند کاری به آن ها نداری

کار ایشان فقط با خداست. فرمود:«سُتُفَرِّقُ اُمَّتی عَلی ثَلثِ وَ سَبعینَ فِرقَه کُلُّها فی

النّارِ اِلّا واحِدَهٌ وَ هِیَ الَّتی تَتَّبِعُ وَصیِّی عَلِیّاً»(۳)

امت من به هفتاد و سه فرقه متفرق خواهند شد همگی در آتشند مگر یک فرقه و آن

گروه ناجیه کسانی هستند که از جانشین من علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی می کنند.

۲. امتیاز دوم کسب فیض از کسانی است که اشراف علمی بر همه علوم دارند:

«فَاسْئَلوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ »(۴)

اگر نمی دانید و می خواهید به آگاهی برسید از اهل ذکر بپرسید.

عبدالله بن عجلان از امام باقر علیه السلام در تفسیر کلام خدا «فَاسئَلوا اَهلَ الذّکر اِن کُنتُم لا

۱- احتجاج، ج ۱، ص ۷۸

۲- انعام/ ۱۶۰

۳- تفسیر صافی، ص ۱۸۷

۴- نحل / ۴۳

تَعلَمون» روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«الذِّکرُ اَنا وَ الأئِمَّهُ اَهلَ الذِّکرِ»(۱)

مقصود از ذکر منم و اهل ذکر امامان علیهم السلام می باشند.

نکته دیگر در این امتیاز همان اشراف و احاطه علمی چهارده معصوم علیهم السلام است که

خداوند می فرماید:«وَ ما یَعلَمُ تَأویلَهُ اِلاَّ اللهُ و الرَّاسِخونَ فی العِلمِ وَ نَحنُ نَعلَمُ

تَأویلَهُ»(۲)

راسخون در علم و نیز آگاهان از تأویل آیات قرآن ما هستیم.

با این اوصاف می ارزد که در تمام عمر شاگردی مکتب این خاندان را کنیم و سراغ

غیر نرویم.

۳. از نیکوترین موعظه و دعوت بهره مند شدن است:

چرا نیکوترین است چون در بیان سلوک الی الله و اخلاقیات اهل مسامحه کاری و

تعارف نیستند. اهل بیت علیهم السلام هر چه را که صلاح انسان ها می دانستند بدون محافظه کاری

بیان کرده اند و بدین علت است که هر کس به سخنان گهربارشان گوش جان فرا دهد به

یقین فلاح و رستگاری از آنِ او خواهد بود.

ما صدها هزار حدیث نورانی از چهارده معصوم علیهم السلام در کتب روایی سراغ داریم که

همگی به اتفاق به عنوان یک ناصح دلسوز و کسانی که جز خیر بشر را نمی خواهند در

بیانات خود اظهار داشته اند.

به طور کلی مجموع مکارم اخلاق و رذایل را با بیاناتی رسا و گویا ابراز داشته اند و

برای ارشاد خلق خدا از هیچ مسئله مورد ابتلاء برای آحاد جامعه دریغ نکرده اند.

معصومین در امر موعظه و دعوت مردم به سوی حق تعالی اینگونه بودند که پیامبر

عظیم الشان علیهم السلام فرمود:«اَمّا عَلامَهُ النّاصِحِ فَاربَعَهٌ: یَقضی بِالحَقِّ وَ یُعطی الحَقَّ مِن

نَفسِهِ وَ یَرضی لِلنّاسِ ما یَرضاهُ لِنَفسِهِ وَ لا یَعتَدی عَلی اَحَدٍ»(۳)

ص: ۵۴

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۰

۲- بحار، ج ۲۳، ص ۱۹۹

۳- تحف العقول، ص ۲۰

نشانه شخص ناصح خیرخواه چهار چیز است: به حق قضاوت می کند و از خود به دیگران حق می دهد. برای مردم همان می پسندد که برای خود می پسندد و به حق هیچ کس دراز دستی نمی کند.

۴. به درس اخلاقی حضور می یابند که استاد جز رضای خدا نمی پسندد:

«وَ الاَدِ لاّءِ عَلی مَرضاتِ اللهِ» بسیار دیده شده افرادی تحت نام معلم اخلاق و مربی تهذیب نفس عوض آنکه مردم را به خدا دعوت کنند به خود دعوت می کنند و عوض آنکه کاری کنند که مستمع و شنونده را به تبعیت از فرمان خداوند تبارک و تعالی وادارند به تبعیت از خود می خوانند و دنبال مرید بازی هستند و ما این سبک را خیلی روشن در اکثر اهل تصوف و عرفان بازی های کاذب و دروغین مشاهده می کنیم.

امامان معصوم علیهم السلام هدفی جز جلب رضایت پروردگار و دلالت مردم به جایی که خداوند از آن ها راضی باشد ندارند و چون هود پیامبر علیه السلام چنین منطقی را داشتند:

«اُبَلِّغُکُم رِسالاتِ رَبِّی وَ اَنَا لَکُم ناصِحٌ اَمینٌ»(۱)

پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما نصیحت کننده ای امین و خیرخواه هستم.

امام صادق علیه السلام درباره جدش امیرالمومنین علیه السلام فرمود:

«اِنَّ عَلیّاً علیه السلام کانَ عَبداً ناصِحاً للهِ عَزَّ وَجَلَّ فَنَصَحَهُ، وَ أحَبَّ اللهَ عزَّوَجلَّ فَأحَبَهُ»(۲)

علی علیه السلام نصیحت کننده برای خداوند عزوجل بود و پروردگار هم خیرخواه او شد و خدای عزوجل را دوست می داشت و خدا هم دوستدار او گردید.

۱- تحف العقول، ص ۲۰

۲- کافی، ج ۸، ص ۱۴۶

۵. هادیان راستین را تبعیت می کنند:

السلامُ علیَ الاَئِمَهِ الدُّعاهِ وَ القادَهِ الهُداهِ.

این بزرگوار اولا در خط مقدم هدایت انسان ها هستند و مهم تر آنکه شایسته و بایسته چنین مقامی هستند و قرآن از ما خواسته که خود قضاوت کنیم برای تربیت خویش به چه کسانی مراجعه کنیم:

«أَفَمَنْ یَهْدِی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا یَهِدِّی إِلَّا أَنْ یُهْدَی فَمَا لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ »(۱)

آیا آن که به سوی حق هدایت می کند، برای پیروی سزاوارتر است یا آنکه خود هدایت نمی شود مگر آنکه هدایتش کنند؟! شما را چه می شود و چگونه قضاوت خواهید کرد.

در ذیل آیه امام باقر علیه السلام فرمود:«فَاَمّا مَن یَهدی اِلیَ الحَقِّ فَهُوَ محمَّدٌ و آلُ محمَّدٍ مِن بَعدِهِ وَ اَمّا مَن لا یَهدی فَهوَ مَن خالَفَ مِن قُرَیشٍ وَ غَیرِهِم اَهلَ بَیتِهِ مَن بَعدَهِ»(۲)

اما کسی که هدایت به سوی حق می کند محمد و آل محمد علیهم السلام هستند و اما کسی که هدایت نمی کند مخالفین اهل بیت از طایفه قریش و دنباله روهای آن ها هستند.

ص: ۵۶

۱- یونس / ۳۵

۲- تفسیر صافی، ص ۲۶۶

حرف_الف:

۶. احسان، شیوه و منش شماست:

وَ عاداتُکُم الاِحسانُ و سَجیَّتُکُمُ الکَرَم:

عادات شما احسان و سرشت شما با کرم آمیخته است.

احسان و کرم این خاندان زبانزد خاص و عام است، دوست و دشمن نمی توانند این سجایای اخلاقی وجود و کرم ایشان را انکار کنند.

در زیارت مخصوص امام عصر روحی له الفداء که روزهای جمعه وارد است خطاب به آن حضرت عرض می کنیم «وَ أَنْتَ یَا مَوْلایَ کَرِیمٌ مِنْ أَوْلادِ الْکِرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالضِّیَافَهِ وَ الْإِجَارَهِ فَأَضِفْنِی وَ أَجِرْنِی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْکَ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِکَ الطَّاهِرِینَ»(۱)

و تو ای مولای من کریمی از فرزندان کریم و ماموری به پذیرایی و پناه دادن پس مرا میهمان خویش کن و پناهم ده درود پروردگار بر تو و اهل بیت پاکیزه ات.

ابوجعفر مداینی می گوید: امام حسن و امام حسین و عبدالله بن جعفر علیهم السلام به سوی خانه خدا حرکت کردند در بین راه زاد و توشه خود را مفقود نمودند گرسنگی و تشنگی بر آنان غلبه کرد ناگاه در یکی از راه ها خیمه ای برافراشته دیدند که پیرزنی در کنار آن بود، به سوی آن خیمه آمده و از پیرزن آب خواستند.

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

پیرزن گفت: از این گوسفند کوچک شیر بدوشید و بخورید.

آن بزرگواران از شیر آن گوسفند خوردند آنگاه از پیرزن غذا خواستند.

پیرزن گفت: جز همان گوسفند چیز دیگری ندارم یکی از شما آن را ذبح نماید تا

برای شما غذا تهیه کنم.

یکی از ایشان گوسفند را سر برید پیرزن از گوشت آن برای آنان غذایی تهیه کرد و

آنان میل فرمودند. آنگاه در میان خیمه به خواب قیلوله رفتند. وقتی از خواب برخاستند

و عازم حرکت شدند به پیرزن گفتند:

«ما از قریش هستیم. می خواهیم به حج مشرف شویم وقتی مراسم حج پایان

پذیرفت و به مدینه بازگشتیم نزد ما بیا تا ما این پذیرایی تو را جبران کنیم.»

آن بزرگواران این بگفتند و به سوی مکه حرکت کردند. هنگامی کحه شوهر آن پیرزن

آمد و از جریان باخبر شد پیرزن را زد و او را آزرد.

چند روز گذشت. حال پیرزن بد شد و دچار فقر گردید. عازم مدینه شد و وارد شهر

گردید. وقتی امام حسن علیه السلام او را دید، دستور داد هزار گوسفند به او داده و هزار دینار به

وی عطا فرمود.آنگاه به همراه شخصی او را نزد امام حسین علیه السلام فرستاد. آن حضرت نیز

به همان تعداد گوسفند و طلا به او عطا فرمود. سپس به همراه شخصی نزد عبدالله بن

جعفر فرستاد. او نیز به همان اندازه به او عطا نمود.(۱)

روزی کنیزی شاخه گلی برای امام حسن علیه السلام هدیه آورد. امام حسن علیه السلام به او فرمود:

«أنتَ حُرَّةٌ لِوَجهِ اللهِ» تو در راه خدا آزاد هستی.

من به آن حضرت عرض کردم: به جهت یک شاخهٔ گل او را آزاد نمودی؟ امام

حسن علیه السلام فرمود: خداوند متعال ما را چنین تربیت نموده است آنجا که می فرماید:« وَ

إِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا »(۲)

هرگاه به شما تحیت گفته شد پاسخ آن را بهتر از آن بدهید و نیکوتر از هدیهٔ او

ص: ۵۸

۱- المناقب، ج ۴، ص ۱۴ و بحار، ج ۴۳، ص ۳۴۱ و کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۵۹

۲- نساء / ۸۶

آزادی او در راه خدا بود.(۱)

علامهٔ اربلی علیه الرحمه در کتاب کشف الغمه می نویسد:

از جمله ی کرم و بخشش امام حسن علیه السلام این بود که روزی شخصی خدمت حضرتش

شرفیاب شد و عرض حاجتی نمود.

امام حسن علیه السلام فرمود:

فلانی! حق درخواست تو نزد من بزرگ است و شناخت من به آنچه تو نیازمند آن

هستی پیش من بزرگ است دست من از رساندن آرزوی من که تو سزاوار آنی کوتاه در

حالی که بسیار در ذات حق تعالی اندک و در ملک من آن مقدار که برای شکر تو وفا

کند موجود نیست اگر آنچه را برای من میسر است بپذیری و از من زحمت فراهم

آوردن آن را برداری که بدون زحمت نیاز تو را برآوردم انجام می دهم؟!

گفت: ای فرزند رسول خدا! من همان عطای اندک را می پذیرم و برای عطیه و عنایت

تو سپاسگزارم و بر آنچه منع کنی عذرت را می پذیرم

امام حسن علیه السلام وکیل خود را خواست تا مقدار مصرفی خود را محاسبه کند او

محاسبه نمود و سیصد هزار درهم شد. حضرت فرمود:

مازاد از سیصد هزار درهم را بیاور. او پنجاه هزار درهم حاضر ساخت. فرمود: آن

پانصد دیناری که نزد تو بود چه کار کردی؟ گفت: نزد من است. فرمود:آن ها را نیز حاضر

کن. وکیل همه را حاضر نمود. امام حسن علیه السلام همه درهمها و دینارها را به آن مرد داد و

فرمود: کارگری بیاورد تا اینها را بردارد.

آن مرد دو نفر کارگر آورد تا آن دینارها و درهمها را بردارند. حضرت ردای مبارک خود را به عنوان اجرت به کارگران داد. غلامان حضرت گفتند: سوگند به خدا!

نزد ما حتی یک درهم، هم باقی نماند.

امام حسن علیه السلام فرمود:«لِکنِّی أرجو اَن یَکونَ لی عِندَاللهِ اَجرٌ عظیمٌ»(۲)

ص: ۵۹

۱- بحار،ج ۴۳، ص ۳۴۰

۲- کشف الغمه ، ج ۱، ص ۵۵۸

ولکن من از پیشگاه خدای متعال امید دارم که پاداش بزرگی داشته باشم.

مرحوم مستنبط در القطره می نویسد:شخصی نامه ای به امام حسین علیه السلام داد که حاجتش را نوشته بود. امام حسین علیه السلام فرمود:«حاجَتُکَ مَقضیَّهٌ » حاجت تو برآورده شد. به امام حسین علیه السلام گفته شد: ای فرزند رسول خدا! اگر به نامه اش توجه می فرمودید و به اندازهٔ نیازش پاسخ می دادید، بهتر نبود؟

امام حسین علیه السلام فرمود:«یَسألُنی اللهُ تعالی عَن ذُلِّ مَقامِهِ بَینَ یَدَیَّ حتّی اَقرَءُ رُقعَتَهُ» خداوند متعال از خواری او در برابرم بازخواست می کند تا این که نامه اش را بخوانم.(۱)

عبدالرحمن سلمی به فرزند حضرت سیدالشهدا سوره مبارکه حمد را آموخت.

وقتی فرزند حضرت سوره را برای پدر خواند امام علیه السلام هزار دینار با هزار حلّه به معلم او عطا فرمود و دهانش را از درّ پر کرد. بعضی گفتند چرا این همه عطا می کنی؟ امام علیه السلام فرمود: کجا این هدایا می تواند جبران تعلیم او را بنماید.(۲)

روزی عده ای مهمان امام سجاد علیه السلام بودند. یکی از غلامان عجله کرد و گوشت بریانی را که در تنور بود با سرعت آورد و از دستش افتاد و به سر یکی از فرزندان امام علیه السلام اصابت کرد و او را کشت.

امام سجاد علیه السلام سریع کنار فرزندش آمد و دید او مرده است. به غلام فرمود:«اَنتَ حُرٌّ اَما اِنَّکَ لم تَتَعَمَّدُه» تو آزادی. تو این کار را از روی عمد انجام ندادی. آنگاه به دفن و تجهیز فرزند خود پرداخت.(۳)

هنگامی که فرزدق شاعر توانای عرب آن اشعار زیبا را در حضور هشام بن عبدالملک در حق امام سجاد علیه السلام سرود.

یک بیت آن این بود:

هذا الَّذی تَعرِفُ البَطحاء وَطأته*** وَ البَیتُ یَعرِفُهُ وَ الحُلَّ وَ الحَرَمُ

ص: ۶۰

۱- القطره، ج ۲، ص ۵۱۰

۲- بحار، ج ۴۴، ص ۱۹۱

۳- بحار، ج ۴۶، ص ۹۹

این کسی است که سرزمین بطحاء او را می شناسد و خانه خدا حِلّ و حرم او را می شناسد. هشام از این مدیحه سرایی در خشم شده و فرزدق را زندانی کرد وقتی زندانش طول کشید، به امام علیه السالم شکوه نمود. حضرت دعا فرمود و او آزاد شد.

فرزدق گفت: خلیفه اسم مرا از دفترش پاک کرده و سهمیه مرا از بیت المال قطع نموده است. امام سجاد علیه السلام هزینه و مخارج چهل ساله اش را به او عطا نموده و آنگاه فرمود:«لَو عَلِمتُ أَنَّکَ تَحتاجُ اَکثَرُ مِنهُ لَأعطیتُکَ» اگر می دانستم که بیش از این نیاز داری به تو می بخشم. فرزدق پس از چهل سال از دنیا رفت.(۱)

جوانی از اهل شام در جلسه درس امام باقر علیه السلام زیاد حاضر می شد. روزی در محفل حضرتش گفت: سوگند به خدا! من به جهت محبت به شما در جلسهٔ شما حاضر نمی شوم، بلکه فقط به خاطر فصاحت و دانش شماست که در این محفل حاضر می شوم.

امام باقر علیه السلام تبسمی نمود و چیزی نفرمود.

چند روزی گذشت و خبری از جوان نشد. حضرت جویای حال آن جوان شد.

شخصی گفت: او بیمار است.

در این حین شخصی وارد شد و گفت: ای فرزند رسول خدا! جوان شامی که در مجلس شما زیاد حاضر می شد از دنیا رفت. او وصیت کرده که شما بر جنازه او نماز بخوانید.

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی او را غسل دادید بگذارید روی سریر باشد و کفن نکنید تا من بیایم. آنگاه حضرت برخاست و وضو گرفت و دو رکعت نماز خواند و دعا نمود.

سپس سر به سجده گذاشته و سجده را طول داد. بعد برخاست و ردای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر تن کرد و نعلین بر پا نمود و به سوی او رفت. وارد خانه شد آنگاه وارد اتاقی شد که

او را غسل می دادند. او را غسل داده روی سریر گذاشته بودند. حضرت با نامش او را صدا زد و فرمود: ای فلانی! ناگاه آن جوان پاسخ داده و لبیک گفت و سر بلند کرد و

۱- راط مستقیم ، ج ۲، ص ۱۸۱

نشست. حضرت شربت خاصی را خواست و به او خورانید. آنگاه پرسید بر تو چه گذشت؟

گفت: تردیدی ندارم که قبض روح شدم. وقتی روح از بدنم خارج شد صدای دلنشینی را شنیدم که تا حال نیکوتر از آن نشنیده ام که گفتند:

«ردّوا اِلَیهِ روحَهُ فَاِنَّ محمدبن عَلیٍّ قد سَألناهُ» روح او را بازگردانید زیرا محمدبن علی او را از ما خواسته است.(۱)

مردی به نام عبدی محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شد. آن روز امام صادق علیه السلام دو لباس نخی بر تن داشت. همسر عبدی به بیماری سختی مبتلا شده بود. بیماری او چنان شدید بود که دیگر از حیات و زنده ماندن او ناامید شده بودند. عبدی جریان همسرش را به محضر امام صادق علیه السلام رسانید.

امام صادق علیه السلام لختی سر به پایین انداخت. آنگاه سر بلند کرد و فرمود:

من دعا کردم و خدا او را شفا داد. نزد او برگرد وقتی بازگردی می بینی مشغول خوردن نبات و شیرینی است.

عبدی نزد همسرش بازگشت. دید همان گونه است که حضرت فرموده بود ازاو جریان را پرسید؟ همسرش گفت: آقای بزرگواری که دو لباس نخی بر تن داشت وارد خانه شد و فرمود:«یا مَلَکُ المَوتِ! أَلَستُ اُمِرتَ لَنا باسَّمعِ و الطّاعَهِ؟» ای ملک الموت! مگر تو مامور نیستی که از ما بشنوی و اطاعت کنی؟ پاسخ داد: آری.

فرمود: دستور می دهم که قبض روح او را بیست سال به تاخیر بیانداز! آن شخص با ملک الموت از خانه خارج شده و همان موقع حال من بهبود یافت.(۲)

حماد بن عیسی می گوید: محضر باصفای امام کاظم علیه السلام شرفیاب شدم. عرض کردم:

قربانت گردم از خداوند بخواه که برای من خانه، زن، فرزند، خادم مرحمت فرماید و

زیارت خانه خدا را در عنایت فرماید.

ص: ۶۲

۱- القطره، ح ۲، ص ۵۶۰ به نقل از الثاقب فی المناقب، ص ۳۶۹

۲- صراط مستقیم، ج ۲، ص ۱۸۵ و بحار، ج ۴۷، ص ۱۱۵

امام کاظم علیه السلام دعا کرد و فرمود:«اَللهُمَّ صلِّ علی محمدٍ و آلِ محمدٍ وَ ارزُقهُ داراً وَ زَوجَهً وَ وَلَداً و خادماً و الحَجُّ خَمِسینَ سَنَهً» خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست و بر حمّاد، خانه،زن، فرزند،خانه و پنجاه سال توفیق زیات بیت الله الحرام عنایت کن

حمّاد گوید: وقتی حضرت پنجاه سال حج را شراط نمود، فهمیدم که بیش از پنجاه سال موفق به زیارت خانه خدا نخواهم شد.

حمّاد می افزاید: پس از آن دعا من تا کنون چهل و هشت سال به سفر حج رفته ام و این خانه من است که خداوند روزی نمود و آن همسر من است که پشت پرده هم اکنون سخن مرا می شنود و این فرزندم و این هم خدمتکارم که همه اینها را خداوند به برکت دعای امام کاظم علیه السلام به من ارزانی داشته است.

او پس از نقل این جریان،دو مرتبهٔ دیگر به حج مشرف شد و پنجاه مرتبه کامل شد.

آنگاه برای سفر دیگری آماده شد و به سوی حج حرکت کرد. او در این سفر با ابوالعباس نوفلی قصیر همسفر شد. وقتی به محل احرام رسیدند حمّاد وارد خانه شد تا غسل کند. آب رودخانه زیاد شد و او را غرق نمود و پیش از انجام پنجاه و یکمین مراسم حج از دنیا رفت. خداوند او و پدرش را رحمت کند وی از اهل جهینه بود و تا زمان امام رضا علیه السلام زندگی کرد و در سال دویست و نه هجری از دنیا رفت.(۱)

«امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام در روز عرفه تمام اموال خود را بین مستمندان تقسیم کرد. فضل بن سهل گفت این غرامت است؟ امام رضا علیه السلام فرمود: بلکه غنیمت است و بعد ادامه دادند چیزی را که به توسط آن اجر و کرامت طلب می کنی غرامت نیست.»(۲)

محمد بن سهل می گوید: ساکن مکه شده بودم. یک بار به مدینه سفر کردم و به

خدمت امام جواد علیه السلام رفتم. می خواستم از امام لباسی تقاضا کنم اما تا وقت خداحافظی

۱- اختصاص، ص ۲۰۲ و بحار، ج ۴۸، ص ۱۸۰

۲- مناقب، ج ۴، ص ۳۶۱

نشد که خواهش خود را بگویم با خود فکر کردم که توسط نامه از حضرت تقاضا کنم و همین کار را کردم و بعد به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتم و با خود قرار گذاشتم که دو رکعت نماز بخوانم و صد بار از خدای متعال خیر و صلاح بطلبم اگر به قلبم الهام شد که نامه را برای امام علیه السلام بفرستم می فرستم وگرنه نامه را پاره کنم. چنان کردم و به قلبم گذشت که نامه را نفرستم. نامه را پاره کردم و به سوی مکه رهسپار شدم. در این حال شخصی را دیدم دستمالی در دست و لباسی در آن دارد و میان کاروان مرا می جوید. به من رسید و گفت: مولایت این لباس را برایت فرستاده است. وقتی دستمال را باز کردم دیدم در دست لباس است. شخصی به نام احمد بن محمد می گوید قضای الهی سبب شد که بعد از فوت محمد بن سهل من او را با این لباس ها کفن کنم.(۱)

در یکی از روزها شخصی گریه کنان به حضور امام هادی علیه السلام شرفیاب شد. در حالی که اعضای بدنش از ترس می لرزید به امام علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! حاکم فرزند مرا متهم به پیروی از شما کرده و دستگیر نموده است. اینک او را به یکی از پاسبانان خود سپرده و دستور داده که او را از بالای فلان کوه پرتاب کرده و در زیر همان کوه دفنش کنند.

امام هادی علیه السلام فرمود: چه می خواهی؟ عرض کرد آقا!آنچه یک پدر مهربان نسبت به فرزندش می خواهد. فرمود:«اِذهَب، فَاِنَّ اِبنَکَ یَأتیکَ غداً اِذا اَمسَیتَ وَ یَخبُرَکَ بِالعَجبِ مِن اِفتِراقه»

برو، فردا به هنگام شب فرزندت می آید. در مورد جدایی خویش خبر شگفت انگیزی را به تو خواهد رساند.

آن شخص با خوشحالی از حضور امام هادی علیه السلام مرخص شد. فردا در واپسین

لحظات روز، فرزندش در بهترین حال و زیباترین قیافه آمد. وی از دیدن فرزندش

خوشحال شد و گفت: فرزندم! بگو ببینم چه شده است؟

۱- بحار، ج ۵۰، ص ۴۴

گفت: پدرجان فلان پاسبان مرا دستگیر نموده و پای فلان کوه برد و ما از دیشب تا حال آنجا بودیم. او ماموریت داشت که امشب را در آنجا بمانیم و فردا صبح مرا به بالای کوه برده و از آنجا به قبری که در پایین کوه کنده شده بود پرت نماید. برای این ماموریت چند نفر مامور به جهت حفظ من گماشته بودند. من شروع به گریه کردم ناگاه یک گروه ده نفره با چهره های زیبا سر رسیدند. آنان لباس های پاک و تمیز بر تن کرده و با عطرهای خوش بود خود را خوش بو نموده بودند که من تا حال همانند آنان را ندیده بودم. من آن ها را می دیدم ولی مامورین حکومت آن ها را نمی دیدند آن ها رو به من کرده و گفتند چرا گریه می کنی این همه گریه و بی صبری برای چیست؟ گفتم مگر این قبر آماده و این کوه بلند را نمی بینید؟ مگر نمی بینید که این ماموران بی رحم می خواهند مرا از بالای این کوه به آن قبر پرتاب نموده و در آنجا دفنم کنند؟

آن ها گفتند: چرا می بینیم اگر ما آن فردی را که می خواهد تو را از بالای کوه پرت کند به جای تو از کوه پرت نماییم می توانی خادم حرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شوی؟

گفتم: آری سوگند به خدا در این حال آنان برخاسته و به سوی پاسبان رفتند و او را گرفتند و به سوی کوه کشیدند. او فریاد می زد ولی ماموران از همکارانش صدای او را نمی شنیدند و متوجه نبودند آنان او را به بالای کوه برده و از آنجا پرتاب نمودند. آن پاسبان قطعه قطعه شد و به پای کوه رسید یارانش متوجه شده و به سویش دویدند و گریه و ضجه نمودند و دست از من برداشتند.

من برخاستم و آن ده نفر مرا از دست آنان نجات داده و همین الآن نزد تو آوردند هم اکنون آنان بیرون ایستاده و منتظر من هستند تا به کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفته و به خدمتگزاری آن حرم باصفا مشغول شوم.

پدرش برخاست و به نزد امام هادی علیه السلام آمد و جریان را گزارش داد امام هادی علیه السلام

لبخندی زد و به آن شخص فرمود:«اِنَّهُم لا یَعلَمونَ ما نَعلَمُ» آنچه را که ما می دانیم

ص:۶۵

آنان نمی دانند.(۱)

جعفربن محمد بن موسی می گوید:من در سامّراء کنار خیابانی نشسته بودم. امام

حسن عسکری علیه السلام در حالی که سوار بر مرکبی بود از آنجا عبور فرمود. من علاقهٔ زیادی

داشتم که دارای فرزندی باشم با خود گفتم: آیا می شود من هم دارای فرزندی باشم؟!

در این حال که امام علیه السلام از کنار من عبور می کرد با سر مبارکش اشاره فرمود: آری. با

خود گفتم:آیا پسر می شود؟

امام علیه السلام با سر مبارکش اشاره نمود: نه. پس از آن همسرم حامله شد و برای من

دختری به دنیا آورد.(۲)

در شهر همدان طایفه ای معروف به بنی راشد زندگی می کردند همه آنان شیعه بودند.

احمد بن فارس ادیب می گوید: از یکی از آن ها پرسیدم چطور شد که از میان مردم

همدان فقط شما شیعه شدید؟!

پیرمردی از آن جمع گفت: جدّ ما سالی به حج مشرف شد. پس از بازگشت از سفر از

اهل کاروان جدا شده مسیر زیادی را طی کرده تا این که خسته می شود تا کمی بخوابد اما

خوابش به طول می انجامد وقتی گرمای آفتاب آزارش می دهد بیدار می شود. این

شخص می گوید: نه راهی را می دیدم و نه جای پایی. توکل به خدا کرده و گفتم : به هر

طرف که او بخواهد حرکت می کنم. اندکی راه رفتم ناگاه به منطقه ای سبز و خرم رسیدم.

گویی به تازگی باران باریده بود خاک معطری داشت از دور خانه ای دیدم به طرف آن

خانه رفتم دو نفر خادم سفید پوست دیدم به آن ها سلام کردم آن ها با استقبال و گرمی به

من گفتند بنشین که خداوند برای تو خیر خواسته است. آن ها داخل شدند و برای ورود

من اجازه گرفتند. وارد خانه شدم جوان زیبایی را وسط خانه دیدم. چهرهٔ او همچون ماه

در تاریکی می درخشید. بالای سرش شمشیر بلندی از سقف آویزان بود که بر

او سلام کردم. او با مهربانی و بهترین لحن پاسخ داد و سپس فرمود: آیا مرا می شناسی؟

۱- الثاقب فی المناقب، ص ۵۳۳

۲- بحار، ج ۵، ص ۲۶۸

عرض کردم: نه سوگند به خدا!

آن بزرگوار خودش را چنین معرفی فرمود:

«اَنا القائِمُ مِن آلِ محمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم اَنا أخرُج آخرالزّٰمان بِهذا السِّیف _ وَ اَشارَ اِلَیه _ فَاَملَا الاَرضَ عَدلاً کَما مُلِئَت جَوراً»

من قائم از آن محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم چنان کسی که در آخر الزمان با همین شمشیر اشاره ای به شمشیر نمود قیام می کنم و زمین را که انباشته از ظلم و جور است از عدل و داد پر می نمایم.

وقتی این سخن زیبا را شنیدم و او را شناختم خود را به پاهای مبارکش انداخته و صورت به خاک پای مبارکش ساییدم. فرمود:

این کار را مکن. سرت را بالا بگیر! تو فلانی از شهری که در ارتفاعات بلندی واقع شده به نام همدان. عرض کردم: آری ای مولای من! وقتی به شهرم رسیدم مژده آنچه را که خداوند به من عنایت و ارزانی داشته به آن ها می رسانم.

در این هنگام حضرت به آن خادم اشاره کرد. او دست مرا گرفت و کیسه پولی به من داد و با هم از خدمت حضرتش مرخص شدیم. چند قدمی با من راه رفت. وقتی نگاه کردم دیدم سایه بانها درختان و منارهٔ مسجد پیداست. او گفت: آیا شهر را می شناسی؟ گفتم نزدیک شهر ما همدان است که (اسدآباد) نام دارد. اینجا شبیه آنجاست.

گفت«اینجا اسدآباد است برو که راه یافتی.

وقتی برگشتم کسی را ندیدم. وارد اسد آباد شدم به کیسه نگاه کردم دیدم حدود پنجاه دینار است. حرکت کرده وارد همدان شدم وقتی به خانه ام رسیدم همهٔ خانواده ام را جمع کرده و آنچه را که خداوند به من عنایت فرموده بود به آنان مژده دادم. و تا

زمانی که آن سکه ها را داشتیم همواره در خیر و نیکی بودیم.[1]

۱- کمال الدین،ج ۲، ص ۴۵۳ و بحار، ج ۵۲،ص ۴۰

۷. اخلاص و محبت به خدا را کانون و مرکزید:

«وَ التّامینَ فِی مَحَبَّهِ اللهِ وَ المُخلِصینَ فی تَوحیدِ اللهِ»

خدا دوستی و اخلاص در مسیر پروردگار که همه خیرات و برکات معنوی و نورانی را برای سعادت و نیکبختی انسان ها در دنیا و آخرت تضمین می کند کانون و مرکزش فقط و فقط در بیوت محمد و آل علیهم السلام یافت می شود و اگر غیر از چهارده معصوم در بین علماء ربانی و صمدانی افرادی را می شناسیم در عشق به خدا و خلوص منازلی را طی کرده و به درجات بالای عرفان و معرفت رسیدند به برکت اتصال و ارتباط با این خاندان مطهر علیهم السلام بوده است.

خوب است قبل از ورود به بحث محبت کامله و اخلاص جامعه اهل بیت علیهم السلام به خداوند تبارک و تعالی مقداری درباره اهمیت خدا دوستی و اخلاص برای عموم مردم صحبت شود.

«الَّذینَ آمَنوا اَشَدُّ حُباً لِلهِ»(۱)اهل ایمان سخت و شدید خدا را دوست می دارند.

اگر کسی شیرینی دوست داشتن خدا را به کام جانش بچشاند حاضر نیست این شیرینی را با هیچ چیز دیگر معاوضه کند.

گر جذبۀ محبت آتش به دل فروزد*** برگ هوس توان سوخت ترک هوا توان کرد

راه رسیدن به این مرتبه تخلیه دل از محبت غیر اوست و کامل تر عرض کنم اگر هر که را دوست می دارم بدین خاطر است محبوب اصلیم او را دوست می دارد و از او راضی است.

اینجاست که خدا به کمک بنده اش می آید به ویژه وقتی می بیند دل را از محبت غیر او تخلیه کرده است.

«یا عیسی اِنّی اِذا اِطَّلَعتُ عَلی قَلبِ عَبدٍ فَلَم اَجِدُ فیهِ حُبُّ الدُّنیا وَ الآخِرَهِ مَلَئَتهُ

ص: ۶۸

۱- بقره/ ۱۶۵

حُبِّی»(۱)

ای عیسی: هرگاه باخبر شوم در دل بنده ام محبت دنیا و آخرت وجود ندارد آن را از

محبت خود پر می سازم.

دل سرا پرده محبت اوست*** دیده آیینه دار طلعت اوست

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دعا می کند:«اَللّهمَّ اجعَل حُبُّکَ اَحَبَّ الاَشیاءِ عِندی، وَ القطَعَ عَنِّی

حاجاتُ الدُّنیا بِالشَّوقِ الی لِقائِکَ»(۲)

پروردگارا عشق و محبت خود را از همه چیز برای من محبوب تر قرار بده و ترس از

خودت را ترسناک ترین چیزها نزد من کن. توفیقم ده تا از نیازهای دنیا دل بریده و به

دیدارت شوق پیدا کنم.

ارتباط نزدیکی بین محبت و اخلاص هست و آن قرب را بین این دو آن وقت

می توان حس کرد که دوستی پروردگار بی شائبه و بدون هیچ درخواست مادی و معنوی

باشد. درچنین صورت است که در نیت و عمل و بعد از عمل غیر خدا دخالتی ندارند و

کار فقط برای خدا انجام می گیرد و اخلاص مصداق پیدا می کند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«اَفضَلُ النّاسِ مَن عَشَقَ العِبادَهَ فَعانَقَها وَ اَحَبَّها بِقَلبِهِ»(۳)

با فضیلت ترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد و همچون عاشقی که دست در

گردن محبوب می اندازد با آن دست به گردن باشد و از صمیم قلب آن را دوست بدارد.

امام صادق علیه السلام می فرمود:«وَ لکِنِّی اعبُدَهُ لَهُ عزَّوَجَلَّ و هِیَ عِبادَه الآحرارِ»(۴)

اما من خدا را بندگی می کنم چون دوستش دارم و این است عبادت آزادگان.

در حدیث قدسی آمده به شعیب علیه السلام خطاب رسید چرا اینقدر به درگاه ما گریه می کنی

درحالی که سوی چشم ها را از دست داده بود و خداوند شفایش بخشیده بود اگر از

شوق رفتن به بهشت است ما قول می دهیم که تو اهل بهشت هستی و اگر از ترس رفتن به دوزخ است باز ما قول می دهیم که تو اهل دوزخ نیستی؟! عرض کرد پروردگار نه از

۱- بحار، ج ۷۳، ص ۱۵۸

۲- همان

۳- سرّالصلوه، ص ۱۱۹

۴- همان

شوق بهشت است و نه از ترس دوزخ بلکه اشک من اشک ذوق و عشق است چون

دوستت دارم به درگاهت می گریم«فَاَوحی اللهُ اِلیهِ:یا شُعَیبُ اِن یَکُ ذلکَ حَقّاً

فَهَنیئاً لکَ لِقائی یا شُعیبُ ولذلکَ أحدَمتُکَ موسی بنِ عِمرانَ کِلیمی»(۱)

پس خداوند به او وحی فرمود: ای شعیب، اگر به راستی چنین است پس لقای من

گوارای تو باد ای شعیب و از این رو کلیم خود موسی بن عمران را خدمتگزار تو کردم

رواق منظر چشم من آشیانه توست*** کرم نما و فرود آ که خانه خانهٔ توست

به تن مقصرم از دولت ملازمتت*** ولی خلاصهٔ جان خاک آشیانهٔ توست

من آن نیم که دهم نقد جان به هر شوخی*** در خزانه به مهر تو و نشانهٔ توست

نازل ترین مرتبه اخلاص را امام صادق علیه السلام اینگونه بیان فرمود:

«اَدنی حَدُّ الاِخلاصِ بَذلَ العَبدِ طاقَتَهُ ثُمَّ لا یَجعَل لِعَمَلِهِ عِندَاللهِ قَدراً»(۲)

کم ترین مرتبه اخلاص آن است که سالک به قدر استطاعت در مقام طاعت و بندگی

کوشش کند و برای عمل خود از پروردگار توقع اجر و پاداش نداشته باشد و مرتبه کمال

اخلاص در به دست آوردن رضای محبوب تجلی می کند به همین جهت هیچگونه توقع

پاداش و اجر و مزدی از پروردگار ندارد.

در روایت است که «اِنَّ اللهَ یَتَجَلّی لِلمومِنینَ فی الجَنَّهِ فَیَقولُ لَهم سَلنی: فَیَقولونَ

رِضاکَ یا رَبَّنا»(۳)

همان هنگام که خداوند بر مومنین در بهشت تجلی می کند به آن ها می فرماید:

خواستهٔ خود را از من تقاضا کنید؟ می گویند خدایا ما فقط رضای تو را می خواهیم.

بستگی دل به غیر دوست زیان است*** بستن با دوست سود هر دو جهان است

۱- کنزالعمال/ ۳۵۵۸۰

۲- مصباح الشریعه، ص ۳۳۵

۳- جامع السعادات، ج ۳،ص ۲۰۵

سود و زیان نیست در معامله عشق*** عاشق صادق بری ز سود و زیان است

بعد از این مقدمه بهتر می توان به جمله جامعه کبیره رسید و آن را درک کرد وقتی خطاب به خاندان عصمت و طهارت عرض می کنیم:«وَ التّامّینَ فی مَحَبَّهِ اللهِ وَ المُخلِصینَ فی تَوحیدِ اللهِ.» شما کامل کنندگان در دوستی خدا و مخلصان در توحید اویید.

روش خدا دوستی و اخلاص در راه او را چهارده معصوم علیهم السلام هم در گفتار و هم در لحن مناجات هایشان و هم در سیره و کردارشان به ما خیلی شفاف و روشن آموخته اند.

مثل همیشه از نخستین معصوم رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آغاز می کنیم.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«أحِبُّو اللهَ مِن کُلِّ قلوبِکُم»(۱)

خدا را با تمام دل هایتان و تمام وجود دوست بدارید.

و در مناجات و دعا می گفت:

« اَللهمَّ اِنِّی أسألُکَ حُبُّکَ و حُبَّ مَن یُحِبُّکَ، و العَمَلَ الَّذی یُبَلِّغُنی حُبَّکَ

اللهمَّ اجعَل حُبَّکَ اَحَبَّ اِلَیَّ مِن نَفسی وَ اَهلی وَ مِنَ الماءِ البارِدِ» همان

خدایا! از تو می خواهم محبت خود و محبت آن کس که تو را دوست دارد و کاری که مرا به محبت خود می رساند عطایم فرمایی. بارخدایا! محبت خود را در دل من محبوب تر گردان از محبت به خودم و خانواده ام و از آب خنک و گوارا

و درباره اخلاص فرمود:«اِذا عَمِلتَ عَمَلاً فَاعمَل للهِ خالِصاً لِاَنَّهُ لا یَقبَلُ مِن عِبادِهِ الاَعمالَ اِلاّ ما کانَ خالِصاً»(۲)

هرگاه کاری کردی، آن را تنها برای خدا انجام ده زیرا او تنها اعمال خالص بندگانش را می پذیرد.

خداوند به رسول صلی الله علیه و آله و سلم امر می کند که خود نیز کارهایش را برای خدا انجام دهد:

ص: ۷۱

۱- کنزالعمال / ۴۴۱۴۷-۳۷۱۸

۲- بحار، ج ۱۳، ص ۲۱

«قُلْ إِنِّی أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّینَ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِینَ»(۱)

بگو: من مأمورم که خدا را بندگی کنم و دین را برای او خالص گردانم. و مأمورم تا اینکه اول مسلمان باشم.

در زیارت روز شنبه خطاب به آن حضرت عرض می کنیم:«وَ عَبَدتَ اللهَ مُخلِصاً حتّی اَتیکَ الیَقینَ »(۲) ای رسول خدا! خدا را تا هنگام مرگ خالصانه بندگی کردی

و از امیرالمومنین علی علیه السلام در خدا دوستی این کلام نقل شده :«اِذا أکرَمَ اللهُ عَبداً شَغَلَهُ بِمَحَبَّتِهِ»(۳) هرگاه خداوند بنده ای را گرامی بدارد دل او را به محبت خود مشغول می کند.

برای شناخت نوع عشق و محبت مولایمان علی علیه السلام به پروردگار متعالی به دعای صباح آن حضرت و مناجات های او در مسجد کوفه و دعای کمیل و سایر نیایش های او باید مراجعه کرد.

«اَنتَ عایَهُ مَطلوبی وَ مُنایَ فی مُنقَلَبی وَ مَثوایَ الهی کَیفَ تَطرُدُ مِسکیناً اِلتَجاً اِلیکَ »(۴) تویی نهایت مطلوب و تمناهای من در رفت و آمد دائمی ام. معبودم چگونه میرانی بیچاره اس را که پناه به سویت آورده است؟!

«مَولایَ یا مَولایَ اِرحَمنی بِرَحمَتِکَ وَ ارضَ عَنّی بِجودِکَ وَ کَرَمِکَ وَ فَضلِکَ یا ذَالجودِ وَ الاِحسانِ وَ الطَّولِ وَ الاِمتِنانِ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحمینَ »(۵)

آقای من ای مولای من با رحمتت به من رحم کن و از من راضی شو به جود و کرم و فضلت ای کسی که صاحب جود و احسان و عطای دائمی و امتنان هستی با رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

این قسمت پایانی مناجات حضرت در مسجد کوفه بود برای آنکه حال نیایش و

۱- زمر/ ۱۱ و ۱۲

۲- غررالحکم/ ۴۰۸۰

۳- مفاتیح الجنان محدث قمی دعای صباح

۴- همان

۵- همان

لحن مناجات آن بزرگوار را بیشتر دریافت کنیم باید از اول که با «اَللهمَّ اِنِّی اَسئَلُکَ الاَمانَ» شروع می شود دقت کرد تا دید که مولایمان علی علیه السلام چقدر صمیمی و عاجزانه با خدای بزرگ خویش رابطه داشته است. در پایان دعای صباح منسوب به حضرت ذکر سجده آن گرامی عجیب است.

«إِلَهِی قَلْبِی مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِی مَعْیُوبٌ وَ عَقْلِی مَغْلُوبٌ وَ هَوَائِی غَالِبٌ وَ طَاعَتِی قَلِیلٌ وَ مَعْصِیَتِی کَثِیرٌ وَ لِسَانِی مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ فَکَیْفَ حِیلَتِی یَا سَتَّارَ الْعُیُوبِ وَ یَا عَلامَ الْغُیُوبِ وَ یَا کَاشِفَ الْکُرُوبِ اِغْفِرْ ذُنُوبِی کُلَّهَا بِحُرْمَهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ یَا غَفَّارُ یَا غَفَّارُ یَا غَفَّارُ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.»(۱)

معبودم دلم پوشیده است و جانم معیوب و عقلم مغلوب و هوسم غالب و طاعتم کم و نافرمانیم بسیار و زبانم اقرارکننده ی به گناهان پس چگونه است چاره من و چه باید بکنم ای بسیار پرده پوش بر عیب ها و ای بسیار دانای به غیب ها و ای برکنار زننده ی غم ها بیامرز همه لغزش هایم را به حرمت محمد و آل محمد ای آمرزش پیشه ای آمرزش پیشه ای آمرزش پیشه به حق رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

در دعایی که برای کمیل بن زیاد خواند امام علیه السلام سراسر با خدای خود نجوا می کند و عشق و اخلاص خود را در حد اعلا و اوج عرفانی در یک جمله خلاصه می کند« یا الهی و سَیِّدی و رَبّی صَبَرتُ علی عَذابِکَ فَکَیفَ اَصبِرُ عَلی فِراقِکَ» ای خدای من و آقا و پروردگارم اگر بر عذاب تو صبر کردم چگونه بر فراق و جدایی از او صبر کنم.

بر فرض که مرا در آتش اندازی آنجا هم فریاد برمی آورم که تو پناهگاه منی و محبوب دل منی«یا غیاثَ المُستَغیثین یا حَبیبَ قُلوبِ الصّادِقین»

این حالت را ما در رأس همه در رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بعد امیر المومنی و حضرت زهرا و

امام حسن و امام حسین و همین طور نه فرزند امام و معصوم امام حسین علیه السلام سراغ داریم.

که اگر بخواهیم به همه آن ها بپردازیم باید یک کتاب مستقل درباره حال نیایش و ابراز

ص: ۷۳

۱- فاتیح الجنان محدث قمی

عشق و اخلاص چهارده معصوم علیهم السلام به درگاه الهی بنویسیم.

ولی در این نوشته به یکی دو مورد از لحن مناجات امام حسین و فرزندش

زین العابدین علیهم السلام بسنده می کنیم تا در این رهگذر جمله زیارت جامع کبیره «وَ التّامین

فی مَحَبَّةِ الله و المُخلِصین فی تَوحیدِ الله» به اختصار مورد توجه قرار گیرد. «اللهمَّ

اِنّی اَرغَبُ الیکَ وَ اَشهَدُ بِالرُّبوبیَّةِ لَکَ مُقِرّاً بانَّکَ رَبّی » حسین بن علی علیه السلام در

دعای عرفه عرض می کند. خدایا من به طور جدّ میل به سویت دارم و گواهی می دهم به

مقام پروردگارت و اقرار می کنم که تو خدای منی.

« وَ أنا اَشهَدُ یا الهی بِحَقیقَةِ ایمانی وِ عَقدِ عَزَماتِ یَقینی وَ خالِصِ صَریحِ

تَوحیدی»

خدای من شهادت می دهم به حقیقت ایمانم و بنای محکم تصمیماتِ یقینم و

یکتا پرستی خالصانه ام

« اللهمَّ اجعَلنی اَخشاکَ کَأَنّی اَراک... اللهمَّ اجعَل غِنایَ بی نَفسی وَ الیَقینَ فی

قَلبی وَ الاِخلاصَ فی عَمَلی»

خدایا قرارم ده طوری فقط از تو بترسم که گویی می بینمت... خدایا قرار ده بی نیازیم

را در خودم و یقین در دلم و اخلاص در کارهایم.

امام حسین علیه السلام در این دعا عشق و اخلاص خود را به اوج می رساند در آن فرازهایی

که پی در پی می گوید:« اَنتَ الَّذی... وَ اَنا الَّذی» و باید در ژرفای عبارات فرو رفت تا

فهمید مولا اباعبدالله علیه السلام تا چه حد محو در معبود شده و عاشقانه با حضرت دوست

نجوا می کند.

و بعد می گوید:« اَللهمَّ هَذا ثَنائی عَلَیکَ مُمَجِّداً و اِخلاصی لِذِکرِکَ مَوَحِّداً »

خدایا این است ثنای من بر تو تمجید کنان و بی آلایش کردنم یاد و ذکرت را در حالی که فقط تو را می پرستم. و اما فرزند عزیزش امام زین العابدین علیه السلام که اکثر دعاها و مناجات ها غیر از صحیفه کامله سجادیه از آن گرامی است در این وادی غوغایی برپا

ص: ۷۴

کرده که هر اهل دلی را واله و سرگردان می کند که کدام را انتخاب کند دعای سحرهای ماه مبارک رمضانش را و یا مناجات های پانزده گانه اش را و یا دعاهای روزهای هفته و غیره.

«وَ انا یا سَیِّدی عائِذٌ بِفَضلِکَ هارِبٌ مِنکَ الیکَ»

و من ای آقای من پناهنده ام به فضل و کرمت گریزان از عذابت هستم بخودت

«لِاَنَّکَ یا رَبِّ خَیرُ السّاتِرینَ وَ اَحکَمُ الحاکمینَ وَ اَکرَمُ الاَکرمینَ سَتّار الُعیوبِ غَفّارُ الذُّنوبِ»

زیرا که تو ای خدای من بهترین پوشاننده عیوب و نقایص ما و بهترین قضاوت کننده و کریم ترین کریمان و پوشاننده عیب ها و آمرزندهٔ گناهان هستی.

«یا حَلیمُ یا کریمُ یا حَیُّ با قیّومِ یا غافِرَ الذَنبِ یا قابِلَ التَّوبَ یا عَظیمَ المَنِّ یا قدیمَ الاِحسانِ»

ای بردبار ای کریم ای زنده ی نیرو بخش ای بخشنده گناه ای پذیرنده ی توبه ای صاحب منّت بزرگ و ای دیرینه احسان.

«فَاستَنقِذنی وَ بِرَحمَتِکَ فَخَصِلنی یا مُحسِنُ یا مُجمِلُ یا مُنعِمُ یا مَفضِل»

پس نجاتم ده و برحمتت خلاصیم ده ای نیکوکار ای زیباکار و ای نعمت بخش و ای فضیلت دهنده

او نیز مثل پدر بزرگوارش به شور دعا می رسد اَنا الَّذی هایش شروع می شد و یک یک نعمت ها و تفضّلات الهی را برای خویشتن بازگو می کند تا آنجا که می گوید:

« وَ عَلَیکَ یا واحِدی عَکَفَت هِمَّتی وَ فیما عِندَکَ اِنبَسَطَت رَغبَتی وَ لَکَ خالِصُ رَجائی وَ خوفی وَ بِکَ آنِسَت مَحَبَّتی... یا مَولایِ بِذِکرِکَ عاش قَلبی وَ بِمُناجاتِکَ

بَرَّدتُ اَلَمَ الخَوفِ عَنِّی»

و بر تو ای یگانه ام پیوسته روی آورده و تمام همّتم و میلم برای رسیدن به آنچه نزد

توست و برای توست امید و بیم خالصانه ام و با تو دلم زیسته و خو گرفته و با راز و نیاز با

ص: ۷۵

تو سوز ترس را در وجودم خنک کرده ام.

در مناجات خمس عشره اش عرض می کند:

«اِلهی ظَلِّل علی ذُنوبی غَنامَ رَحمَتِکَ وَ اَرسِل علی عِیوبی سَحابَ رَأفَتِکَ »

معبودم بیانداز بر گناهانم سایه سفید رحمتت را و بفرست بر عیب هایم ابرهای

مهربانی هایت را

«یا مَن اِذا سَئَلَهُ عَبدٌ اَعطاهُ وَ اِذا اَمَّلَ ما عِندَهُ بلَّغَهُ وَ اِذا اَقبَلَ عَلَیهِ قَرَّبَهُ وَ

اَدناهُ»

ای آنکه اگر بنده ای از او چیزی بخواهد دهدش و اگر آرزو کند آنچه را که در پیش

اوست به آرزویش رساندش و اگر روی آورد به او بنده اش را نزدیک و نزدیک تر کند.

«وَ اِلیکَ شَوقی وَ فی مَحَبَّتِکَ وَ لَهی وَ اِلی هَواکَ صَبابَتی وَ رِضاک بَغیَتی وَ

رؤیتُکَ حاجَتی وَ جوارک طَلَبی وَ قُربُکَ عایَهُ سُولی وَ فی مُناجاتِکَ رَوحی وَ

راحَتی و عِندَکَ دَواءُ عِلَّتی وَ شِفاءُ غُلَّتی»

معبودا دلم مشتاق به توست و شیفتگیم به عشق توست و به دلدادگیت تمایل یافتم و

رضایت تو مطلوب من است و دیدارت آرزویم و جوار تو بودن خواسته ام و نزدیکی به

تو درخواستم و در مناجات با توست که زندگی و راحتی دارم و دوای دردم نزد توست

و درمانم نیز«اِلهی مَن ذَالّذی داقَ حَلاوَهَ مَحَبَّتِکَ فَرامَ مِنکَ بَدَلاً وَ مَن ذَالّذی

آنِسَ بِقُربِکَ فَابتَغی عَنکَ حِولاً»

خدای من کیست که شیرینی عشق تو را بچشد و دیگری را برگزیند و کیست که به

نزدیکی با تو انس گیرد و از تو روی برگرداند و سراغ دیگری برود.

«یا مَلاذَ الّائِذینَ وَ یا مَعاذَ العائِذینَ وَ یا مُنجیَ الهالکینَ وَ یا عاصِمَ البائِسینَ

و یا راحِمَ المِساکینَ و یا مُجیبَ المُضطَرِّینَ... وَ اَن تُنزِلَ عَلینا مِن سَکینَتِکَ و اَن تُغَشِّیَ وَجوهَنا باَنوارِ مَحَبَّتِکَ»

ص: ۷۶

ای خدا ای پناهگاه پنهان شوندگان و ای پناه پناهندگان و ای نجات دهندهٔ هلاک

شوندگان و ای بازدارنده ی بینوایان و ای رحم کننده ی دردمندان و ای پاسخ دهنده

ناچاران... از تو می خواهم که فرود آری بر ما آرامش را و صورت هایمان را به تورهای

محبتت بپوشانی

در دعای روز یکشنبه از همان حضرت می خوانیم:

«بِکَ اَستَجیرُ یا ذَالعَفوِ وَ الرِّضوانِ مِنَ الظُّلمِ و العُدوانِ و غِیَرِالزَّمانِ و تَواتُر

الاَحزانِ»

خدایا به تو پناه می برم ای صاحب عفو و رضوان از اینکه کسی بر من ظلم و دشمنی

کند و به تو پناه می برم از تغییرات زمانه و گرفتاری های پی در پی

در روز دوشنبه عرض می کنیم:

«اللهمَّ اجعَل اَوَّلَ یَومی هذا صَلاحاً و اَوسَطَهُ فلاحاً و آخِرَهُ نَجاحاً و اَعوذُ بِکَ

مِن یَومٍ اَوَّلَهُ فَزَعٌ و اَوسَطُهُ جَزَعٌ وَ آخِرُهُ وَجَعٌ»

معبودا اول امروزم را صلاح و سعادت و میانش را رستگاری و پایانش را موفقیت

قرار ده و به تو پناه می برم از روزی که اولش بی تابی و میانه اش جزع و آه و ناله و پایانش

درد باشد.

در روز سه شنبه عرض می کنیم:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ جُنْدِکَ فَإِنَّ جُنْدَکَ هُمُ الْغَالِبُونَ وَ اجْعَلْنِی مِنْ حِزْبِکَ فَإِنَّ

حِزْبَکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَوْلِیَائِکَ فَإِنَّ أَوْلِیَاءَکَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ

یَحْزَنُونَ»

خدایا مرا جزو سپاهیانت قرار ده زیرا سپاه تو اند که پیروزند و مرا جزو حزبت قرار

ده زیرا حزب تواند که رستگارند و مرا جزو دوستانت قرار ده زیرا که دوستان تواند که

نه ترسی دارند و نه اندوهگین می شوند.

و در روز چهارشنبه عرض می کنیم:

ص: ۷۷

«اللَّهُمَّ اقْضِ لِی فِی الْأَرْبَعَاءِ أَرْبَعا اجْعَلْ قُوَّتِی فِی طَاعَتِکَ وَ نَشَاطِی فِی عِبَادَتِکَ وَ رَغْبَتِی فِی ثَوَابِکَ وَ زُهْدِی فِیمَا یُوجِبُ لِی أَلِیمَ عِقَابِکَ إِنَّکَ لَطِیفٌ لِمَا یشَاءُ»

خدایا برآور برایم روز چهارشنبه چهار حاجت را. نیرویم را در بندگیت، نشاطم را در عبادتت، میلم را در کسب ثوابت و زهدم را در چیزهایی که عذاب دردناک را شامل حالم می کند ای معبودی که آنچه را بخواهی لطیف و ملایمی.

و در روز پنجشنبه عرض می کنیم:

«وَ ارْزُقْنِی خَیْرَهُ وَ خَیْرَ مَا فِیهِ وَ خَیْرَ مَا بَعْدَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّی شَرَّهُ وَ شَرَّ مَا فِیهِ وَ شَرَّ مَا بَعْدَهُ»

پروردگارا روزیم کن خیر این روز را و خیر آنچه در آن و بعد آن اتفاق می افتد و دور کن از من شرّ این روز و شرّ آنچه در آن و بعد آن اتفاق می افتد.

و در روز جمعه عرض می کنیم:

«صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَتْبَاعِهِ وَ شِیعَتِهِ وَ احْشُرْنِی فِی زُمْرَتِهِ وَ وَفِّقْنِی لِأَدَاءِ فَرْضِ الْجُمُعَاتِ»

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا جزو تابعین و شیعیان حضرتش قرار ده و مرا جزو گروه آن حضرت محشور کن و توفیقم ده تا آنچه را جمعه ها لازم دانسته ای بجا آورم.

و بالاخره امام سجاد علیه السلام در فرازی از دعاهای روز شنبه چنین گفت:

«وَ تَمْنَحَنِی السَّلامَةَ فِی دِینِی وَ نَفْسِی وَ لا تُوحِشَ بِی أَهْلَ أُنْسِی وَ تُتِمَّ إِحْسَانَکَ فِیمَا بَقِیَ مِنْ عُمْرِی کَمَا أَحْسَنْتَ فِیمَا مَضَی مِنْهُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ»

الها بی دریغ سلامتی در دین و جانم را به من عطا کن و آنان که با من در انس اند باعث

وحشتم نشوند و احسانت را در باقیمانده از عمرم کامل فرما همان طور که در گذشته ی

از عمرم لطف تو شامل حالم بوده ای مهربان ترین مهربانان

ابن عباس از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برای هر روز ماه مبارک رمضان دعای کوتاهی نقل می کند دراین فصل به خطاب پایانی دعاهای این ماه عزیز و نورانی عنایت کنید:

«یا عافیاً عَنِ المُجرمینَ،یا اَرحمَ الراحمینَ، یا اَجودَ الاَجوَدینَ، یا اَبصَرَ النّاظِرینَ، یا مُنتَهی رَغبَةَ الّراغِبینَ، یا هادیَ المُضِلّینَ، یا مَلجَأً الآمِلینَ، یا اَمَلَ المُشتاقینَ»

ای عفو کننده مجرمان ای مهربانترین مهربانان ای سخی ترین سخاوتمندان ای بیناترین بینندگان ای پایان میل عشق عاشقان ای هدایتگر گمراهان ای پناهگاه امیدواران ای آرزوی مشتاقان.

ص: ۷۹

۸. اخلاق و تزکیه در پرتو ولایت شما خاندان سرانجام می گیرد:

«وَ ما خَصَّنا بِهِ مِن وِلایَتِکُم طیباً لَخِلقِنا وَ طَهارَةً لِاَنفُسِنا وَ تَزکیَةً لَنا»

دو نکته مهم در این فراز از زیارت جامعه کبیره به چشم می خورد که هر دو در هم آمیخته است یکی طیب ولادت و خلقت و دیگری تزکیه نفس.

لازم به توضیح است که تا پاکیزه گی در خلقت و سرشت انسان نباشد موفق به تزکیه نفس نخواهد شد و این طهارت هم حاصل نمی گردد مگر در پرتو ولایت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

بی جهت نبود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«یا علیُّ لا یُحِبُکَ اِلّا ظاهِرُ الوِلادَهِ وَ لا یُبغِضُکَ اِلّا خَبیثُ الوِلادَهِ »(۱)

ای علی!کسی که تو را دوست می دارد ولادتش پاکیزه است و کسی که بغض تو را در دل دارد حتما ولاتش آلوده و خبیث است.

و یا امام صادق علیه السلام چرا فرمود:«طوبی لِمَن کانَت اَمُّهُ عَفیفَةٌ»(۲)

خوشا بر احوال کسی که مادرش صاحب عفت و طهارت است.

طیب خلقت است که انسان لایق قبول ولایت می کند و اقدام به تزکیه نفس می نماید

و نیز در باب پاکیزگی خلقت و ولادت که ثمره اش پذیرش ولایت است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«مَن اَحَبَّنا اهلَ البَیتِ فَلیَحمِدُ اللهَ علی اَوَّلِ النِّعَمِ قیلَ و ما اَوَّلُ النِّعَمِ قالَ طیبُ الوِلادَهِ و لا یُحِبُّنا الّا مَن طابَت وِلادَتُهُ »

هرکس که اهل بیت را دوست دارد خداوند تبارک و تعالی را به اولین نعمتی که به او نتضّل فرموده سپاسگزاری کند عرض کردند اولین نعمت چیست؟فرمود:پاکیزگی

ولادت و کسی ما را دوست ندارد مگر آنکه ولادتی پاکیزه داشته باشد.

و در جای دیگر فرمود:

ص: ۸۰

۱- ینابیع المودّه، ص ۷۶

۲- بحار، ج ۳، ص ۷۹

«یا علیُّ مَن اَحَبَّنی و اَحَبَّکَ و اَحَبَّ الأئمَّهَ مِن وُلدِکَ فَلیَحمِدُ اللهَ علی طیبِ

مَولِدِهِ »(۱)

علی جان هرکس مرا دوست بدارد و همچنین تو و امامان از نسل تو را دوست بدارد

خدا را به خاطر طیب ولادتش سپاسگزار باشد.

ابی ذر غفاری که آشکارا ولای علی علیه السلام را به مردم یادآوری می کرد پیرامون

خانه های مردم مدینه با صدای بلند بانگ می زد که:

«اَدَّبُوا أولادکُم علی حُبِّ علیٍّ و مَن اَبی فَانظُروا فی شَأنِ اُمِّهِ»(۲)

آیین زندگانی را براساس حب و دوستی علی علیه السلام به فرزندان خود تعلیم دهید آنکه

از این کار خودداری ورزد درباره مادرش مطالعه به عمل آورید (یعنی حق دارید در

طهارت مَولد چنین فردی تردید کنید)

حالا سوال اینجاست چگونه ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام عامل تزکیه ما می گردد؟

پاسخ این است که لازمه دوستی واقعی نسبت به این خاندان حرف شنوی و عمل به

دستورات اخلاقی و انسانی ایشان است. دوستی که در آن تبعیت نباشد بی محتوا و

غیرواقعی است مگر می شود کسی عاشق باشد اما حرف و سخن معشوق را نادیده بگیرد

و بدان بی اعتنا باشد.

درباره عشق به خداوند تبارک و تعالی خداوند به مردم می آموزد اگر راست

می گویید که خدا را دوست می دارید باید از دستورات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پیروی کنید.

«قُلْ إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ وَیَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

رَحِیمٌ »(۳)

بگو اگر خدا را دوست می دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان

شما را بیامرزد که خدا آمرزگار و رحیم است.

مرحوم کلینی در کافی در ذیل همین آیه حدیثی را از امام صادق علیه السلام نقل می کند که

۱- بحار، ج ۲۷،ص ۱۴۶

۲- تاریخ شیعه، ص ۴۸

۳- آل عمران/ ۳۱

«مَن سَرَّهُ اَن یَعلَمَ اَنَّ اللهَ یُحِبُّهُ فَلیَعمل بِطاعَهِ اللهِ و لِیَتَّبِعنا اَلَم تَسمَع قَولَ اللهِ

عزوجلَّ لِنَبیِّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قُل اِن کنتُم تُحِبونَ اللهَ فاتَّبِعونی یَحبِبکَمُ اللهُ و یَغفِر لَکُم ذُنوبَکُم

و اللهِ لا یُطیعُ اللهَ عَبدٌ اَبَداً اِلاّ أَدخَلَ اللهُ عَلَیهِ فی طاعَتِهِ اَتباعَنا و لا وَ اللهِ یَتبَعُنا

عَبدٌ اَبَداً الاّ أَحَبَهُ اللهُ وَ لا و اللهِ لا یَدَعُ اَحَداً اِتّبا عَنا اَبَداً الاّ اَبغَضَنا و لا و اللهِ لا

یَبغَضُنا اَحَدٌ اِلاّ عَصَی اللهُ و مَن ماتَ عاصیاً للهِ أجزاهُ اللهُ و اَکَبَّهُ علی وَجهِهِ فی

النّارِ»(۱)

هر کس علاقه مند است که بداند خدا او را دوست دارد باید عمل به دستورات الهی کند و

از ما اهل بیت پیامبر پیروی نماید. آیا شنیده ای کلام خدا را که خطاب به پیامبرش فرمود:

«بگو اگر خدا را دوست می دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان

شما را بیامرزد که خدا آمرزگار و رحیم است». به خدا سوگند از ناحیه هیچ بنده ای

اطاعت خدا و عبادت او انجام نمی گیرد مگر آنکه پیروی از ما نیز به آن ضمیمه شود و

به خدا سوگند هیچ بنده ای از ما پیروی نمی کند مگر آنکه خداوند او را دوست می دارد

و به خدا سوگند هیچ کس نیست که بی اعتنا از پیروی ما باشد مگر آنکه بغض ما را در

دل داشته باشد و هر کس که بغض بما داشته باشد مرتکب عصیان بر خدا شده و هرکس

در این حالت عصیان که معصیت بر خداست بمیرد خداوند او را زبون می کند و با

صورت او را در آتش خواهد انداخت.

نتیجه این شد تزکیه و تطهیر از رذایل و اخلاقی نشان پیروی از اهلی بیت علیهم السلام است و مهر

تایید بر اینکه دوستی و ارادت به این خاندان صادقانه است.

و از کلام امام صادق علیه السلام بهره بردیم که لازمه محبوب شدن نزد پروردگار تبعیت از سیره

و رفتار اهل بیت علیهم السلام و عمل به دستورات آن گرامیان است.

پس سرّ تزکیه در ولایت نهفته و تزکیه جز با تقوا و ورع و کارهای ریاضتی و

صرف نظر کردن از بسیاری از دیدنی ها و شنیدنی ها و خوردنی های شبه ناک امکان پذیر

نیست.

ص: ۸۲

۱- تفسیر صافی، ص ۸۷

«قَد اَفلَحَ مَن تَزَکّی»(۱) رستگار شد هر که خود را تزکیه کرد.

هر موجودی از موجودات جهان آفرینش خاصیتی دارند گاه نفیس و گاه خسیس

گاه لطیف و پاکیزه و گاه کثیف و آلوده نفس انسان از این مجموعه بیرون نیست.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یکی از کارها مهم خود را اختصاص به تزکیه انسان ها قرار

داد و این ماموریتی بود که خداوند بر عهده او گذاشته بود.

«تَیلوُا عَلَیهِم اَیاتِهِ وَ یُزَّکیهِم»(۲) آیه های اهلی را برای مردم بخواند و تزکیه شان

نماید.

و یا در سوره ای دیگر می فرماید:«كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ

آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيكُمْ»(۳)

چنانچه برای شما پیغمبری از خودتان فرستادیم که آیه های ما بر شما می خواند و

پاکتان می کند و باز از باب دلسوزی می فرماید که اگر اقدام به تزکیه خویش کردید

سودش نصیب خود شما می شود.«وَ مَن تَزَکیّ فَاِنَّما یَتَزَکی لِنَفسِه»

هر کس خود را تزکیه کند برای خویش است و سودش به خودش می رسد

پذیرش ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام دل را صفا می بخشد و زمینه را آماده می کند

که افراد اقدام به تزکیه نفس کنند و بار دیگر تکرار می کنم که منهای ولایت امکان ندارد

کسی موفق به تطیهر نفس شود چون بزرگ ترین رذیله ای که باعث آلودگی نفس و

خباثت آن می شود محرومیت از ولایت آل الله علیهم السلام است.

آنانی که بدون مراجعه به این ذوات مقدسه می خواهند تزکیه نفس کنند باید سراغ

کسانی بروند که با فریب خلق منصب اهل بیت را تصاحب کرده اند و این خود بزرگترین

رذیله است پس کسی که گرفتار بزرگترین رذیله اخلاقی و اعتقادی است چگونه می تواند

مریدان خود را صفای باطن بخشد.

ذات نایافته از هستی بخش*** کی تواند که شود هستی بخش

ص: ۸۳

۱- اعلی / ۱۴

۲- جمعه/ ۲

۳- بقره / ۱۵۱

از کوزه همان برون تراوند که در اوست»

حداقل در عصر خودمان شاهد و ناظر احکام و فتواهای عجیب و غریب مفتی های

دور از ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام هستیم که چگونه حلال خدا را حرام و حرام خدا را

حلال اعلام می دارند و حتی برای جان انسان ها احترام قایل نیستند و از اسلام فقط

اسمش را یدک می کشند و متاسفانه چنان چهره زشت و خشنی از اسلام به دنیا نشان

داده و می دهند که هر غیر مسلمانی را از گرایش به اسلام بیزار می کنند.

در حالی صاحبان ولایت یعنی چهارده معصوم علیهم السلام کانون مهر و محبتند و همه مردم

را به هم زیستی مسالمت آمیز دعوت می کنند و برای تزکیه و تطهیر ارواح انسان ها هزاران

دستورالعمل اخلاقی و عقلانی دارند و این حقیقت چیزی نیست که بر مردم عالم

پوشیده باشد چون به اندازه کافی به ویژه در قرن اخیر کتاب های حدیثی اهل بیت علیهم السلام در

اکثر کشورهای اسلامی در دسترس قرار گرفته و اتمام حجت شده است.

برای تایید ادعایی که گذشت به این آیه و تفسیرش توسط امام سجاد علیه السلام خوب دقت

کنید:

«اِنَّ الذینَ یشتَرونِ بِعَهدِ اللّه وَ اَیمانِهِم ثَمَناً قَلیلاً اولِئِکَ لا خَلاقَ لَهُم فی

الآخِرَهِ وَ لا یُکَلمُهُمُ اللّهُ وَ لا یَنظُرُ اِلَیهِم یَومَ القیامَهِ و لا یُزَکّیهم و لَهُم عذابٌ اَلیم»(۱)

«عَن اَبی حمزَهِ الثُّمالی عَن عَلیِّ بنِ الحسین علیه السلام قالَ ثَلثهٌ لا یَکَلِّمُهُمُ اللهُ یَومَ

القیامهِ و لا یَنظُرُ اِلیهِم و لا یُزَکِّیهِم و لهم عَذابُ اَلیمٌ، مَن جَحَدَ اِماماً مِنَ اللهِ

اَوادَّ عی اماماً مِن غَیرِاللهِ اوزَعَمَ أن لِفُلانٍ و فُلانٍ فی الِاسلامِ نَصیباً»(۲)

ابی حمزه ثمالی از امام سجاد علی بن الحسین علیه السلام نقل می کند که فرمود: سه کسند که

خداوند در قیامت با آن ها سخن نگوید و هرگز به ایشان نظر ننماید و آنان را پاکیزه

۱- آل عمران/ ۷۷

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۸

نگرداند و برای آن ها عذابی دردناك خواهد بود.

اول کسی که امام معصوم و منصوب از جانب خدا را انکار کند.

دوم کسی به دروغ ادعای امامت کند

سوم شخصی که فکر کند برای فلان و فلان(غاصبین حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم) نصیبی از اسلام بوده است.

اهل ولا و آنانکه سر سپرده خاندان عصمت و طهارت هستند باید توجه داشته باشند که اگر به گناهان کبیره روی آورند و در مقام توبه و تطهیر خویش برنیایند در مرور زمان کارشان بجایی می رسد که بین ایشان و این خانواده قطع ارتباط خواهد شد.

و مسئله تزکیه آنقدر مهم است که هیچ شیعه و دوستدار اهل بیت نباید از آن غافل باشد انسان های معمولی که جای خود دارند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گل سر سبد آفرینش وقتی آیه شریفه« وَقَفَ ثُمَّ قال:«اللهمَّ آتِ نَفسی تقواها، اَنتَ وَلیُّها و مولاها وَ زَکِّها اَنتَ خَیرٌ مَن زکّاها»(۱)

درنگ می کرد و سپس می گفت: خدایا! نفس مرا تقوا عطا فرما که تو سرپرست و مولای آنی، آن را پاك و تزکیه فرما که برای تزکیه آن تو بهترینی

پس معلوم می شود تزکیه نفس نخست با درخواست و التماس به پیشگاه الهی به دست می آید و بعد با همت و مداومت در ترك گناه و شبهات

نمی شود که جمع بین اضداد کرد هم انسان هرچه دلش خواست از اعمال نامشروع انجام دهد و بعد مدعی باشد نفسی پاکیزه دارد

باید در این مرتبه ریاضت کشید حتی از بسیاری از چیزهای مباح صرف نظر کرد تا دل مصفّا شود و لایق پاکیزگی نفس گردد.

۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۶

۹. استقامت در راه خدا و حفظ ایمان را باید از شما آموخت:

وَ صَبَرتُم علی ما اَصابَکُم فی جَنبهِ

و در راه خدا استقامت داشتید و شکیبا بودید در آنچه به شما وارد گشت.

استقامت و شکیبایی در راه حق و فضیلت را مثل سایر فضایل اخلاقی باید از

معصومین علیهم السلام آموخت چرا که آن عزیزان سراسر زندگیشان در سختی و رنج گذشت

موارد صبر بیشتر صبر در بلا و صبر در طاعت و بندگی و صبر در ترک گناه و معصیت

مطرح می شود از آیات شریفه قرآن و روایات نیز چنین استفاده ای می شود.

همه موارد سه گانه را ما در خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام سراغ داریم

امام رضا علیه السلام به صراحت به این نکته اشاره دارند:

«لا یَکونُ المومنُ مومناً حتّی تکونَ فیهِ ثلاثُ خِصالٍ : سُنَّهٌ مِن رَبِّهِ وَ سُنَّهٌ مِن

نَبیِّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ سُنَّهٌ ولیِّهِ علیه السلام فَأَمّا السُنَهُ مِن ربِّهِ فَکِتمانُ الّسِرِّ و اَمَّا السُّنَّهُ مِن

نَبیِّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَمُداراهُ النّاسِ و اَمّا السُّنَّهُ مِن وَلیِّهِ فَالصَّبرُ فی البأساءِ و الضَّرّاءِ»(۱)

مومن تا سه خصلت در او نباشد مومن نیست. روشی از پروردگارش روشی از

پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم و روشی از ولی خدا علیه السلام اما روش پروردگار، نهفتن راز و روش پیامبر

خدا صلی الله علیه و آله و سلم ملایمت با مردم و روش ولی خدا شکیبایی در تنگنا و سختی است.

ائمه طاهرین علیهم السلام به ما آموخته اند که باید در برابر سختی ها صبوری کرد تا آبدیده شده

و مقامات معنوی و درجات بهشتی را در پی داشته باشد.

«وَالصَّابِرِینَ فِی الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَ حِینَ الْبَأْسِ أُولَئِکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَ

أُولَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»(۲)

و صابرین در هنگام رنج و سختی به حقیقت راستگویان هستند و آن ها پرهیزکارانند.

امام باقر علیه السلام می فرمود:«المومنَ اَصلَبُ مِنَ الجَبَلِ و الجَبَلُ یُستَقَلَّ مِنهُ و المومنُ

لا یُستَقِلٌّ مِن دینهِ شَیی ءُ»(۳)

۱- تحف العقول ، ص ۴۴۲

۲- بقره / ۱۷۷

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۴۱

مومن از کوه سخت تر است از کوه کم می شود اما از دین مومن چیزی کاسته نمی گردد.

و اما صبر معصومین را از زبان خودشان بخوانیم:

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:«فَصَبَرتُ و فی قَذیً و فی الحَلقِ شَجا»(۱)

صبر کردم مانند کسی که به چشمش خار رفته و در گلویش استخوان مانده.

«فَصَبَرتُ علی طولِ المُدَّهِ و شِدَّهِ المِحنَهِ»(۲)

من در تمام این مدت صبر کردم (مدت خلفای ثلاث)و با سختی و غم همراه بودم.

صبر و استقامت امیرالمومنین علی علیه السلام یکی از عوامل بزرگ پیشرفت اسلام و سرکوب دشمنان و کسانی که مانع ترقی و تعالی این آیین بودند برای همگان از دوست و دشمن جای انکار ندارد.

استقامت مولای متقیان اَبُ الأئمه علیهم السلام را می توان به سه بخش تقسیم کرد.

استقامت از طلوع اسلام تا رحلت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به مدت ۲۳ سال استقامت و شکیبایی آن حضرت پس از رحلت پیامبر و غصب خلافت و سکوت و خون دل خوردن حضرت که خلاصه آنچه را که بر سر حضرتش آمده در خطبه سوم نهج البلاغه بازگو فرموده است به مدت ۲۵ سال. استقامت و صبر علی علیه السلام پس از اصرار مردم به قبول خلافت و امیری بر خلق و تشکیل حکومت و تحمیل جنگ های سه گانه جمل، صفین و نهروان به مدت حدود ۵ سال و دقیقا چهار سال و نه ماه.

بررسی و پژوهش تاریخ این دوران پنجاه و سه سال زندگانی امیر المومنین علی علیه السلام به خوبی نشان می دهد که اگر استقامت و پایداری و مجاهدت های آن گرامی نبود در همان روزهای نخستین شروع اسلام این مکتب جوان و نو پا را از پای در می آورنئ.

در تمام جنگ ها علی علیه السلام سپر بلای حوادث بود و با صف شکنی هایش و از پای

درآوردن یلان و قدرتمندان عرب فتح و پیروزی را برای مسلمانان قطعی می کرد.

ص: ۸۷

۱- نهج البلاغه، خطبه ۳

۲- نهج البلاغه، خطبه ۳

جوانمردی علی علیه السلام به این بود که مثل بعضی ها از جنگ فرار نمی کرد. و حتی زرهش پشت نداشت یعنی هرگز از میدان رزم نمی گریزد و پشت به دشمن نمی کند.

جنگ های معروف مثل جنگ بدر و اَحد و خندق و حُنین و خیبر امثال عمروبن عَبدِوَد، شیبه و عبیده و عتبه و طلحه بن ابی طلحه و مرحِب خیبری را به خاک انداخت و عامل اصلی در پیروزی در جنگ ها به نفع اسلام شد.

در جنگ خیبر وقتی مرحبِ خیبری را کشت یهودیان به درون قلعه پناه بردند و در را بستند. علی علیه السلام پشت در آمد و آن را که بیست تن می بستند یک تنه گشود و از جا کند و بر خندق قلعه یهودیان گذاشت و مسلمانان به عنوان یک پل از آن گذشتند و قلعه یورش بردند و پیروز شدند.(۱)

رنج آورترین دوران استقامت و شکیبایی علی علیه السلام را باید دوران ۲۵ ساله سکوتش معرفی کرد زیرا که مامور به صبر بود و نمی خواست با جنگ و خونریزی اسلام نو پا صدمه ببیند بر همین اساس با اوضاع زمانه می ساخت برای امری مهم تر و آن بقاء اسلام بود. بعد هم که مردم در آن ۲۵ سال سرخورده شده بودند و به در خانه حضرت هجوم آوردند و حضرت را مجبور به قبول حکومت ظاهری نمودند مخالفت خناسان و منافقان شروع شد و همان طور که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پیش بینی کرده بود سه جنگ را گروه قاسطین و مارقین ناکسین یعنی همان اصحاب جمل و صفین و نهروان و خوارج بر حضرت تحمیل کردند و امام علیه السلام مجبور شد در برابر این جریان های انحرافی مقاومت کند تا اسلام عزیز به دور از افراط و تفریط به نسل های آینده منتقل گردد.

همسر گرامش حضرت زهرا علیها السلام نیز برای گرفتن حق مسلم خود استقامت کرد اگر چه مثل حق شوهرش غصب نمودند.

فاطمه زهرا علیها السلام پس از غصب سرزمین فدک به دادخواهی و مبارزه برای گرفتن حق

مسلم خویش برخاست و خطبه محکم و مستدلی را در مسجد خواند و دولت وقت را

۱- بحار، ج ۲۱، ص ۱۶

استیضاح کرد و باعث شد مجلس خلیفه متشنج شود و افکار عمومی به نفع حضرت

زهرا علیها السلام رای دهد ولی رهبری زمان در بن بست قرار گرفت و با ارعاب و سرکوب مردم

و پاسخ های بی محتوا جواب رد به حضرت زهرا علیها السلام داد و آن گرامی به خاطر این کار او

تا آخر عمر با او حرف نزد و همیشه از او روی برمی گرداند.(۱)

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خود می نویسد از علی بن فاروقی مدرس

غربی بغداد پرسیدم: فاطمه راست می گفت؟ گفت آری! گفتم اگر راست می گفت چرا

فدک را به او برنگرداندند؟ وی با لبخندی پاسخ داد

«لَو اعطاها الیَومَ فَدَکَ بِمُجَرّدِ دَعواها لَجَأت الیهِ غَداً و ادَّعَت لِزَوجِها

الخِلافَهَ»(۲)

اگر آن روز فدک را به او می دادند فردا خلافت شوهر خود را ادعا می کرد!

و بعد این پدر و مادرِ والا مقام فرزندانش هر کدام به سهم خود با استقامت و

شکیبایی با سختی های زمانه دست و پنجه نرم کردند و همه را برای رضای خدا تحمل

نمودند و از جد بزرگوارشان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آموختن. رمز پیروزی در شکیبایی است

چنانکه آن حضرت از جانب پروردگار مامور به استقامت بود.

«فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ »(۳)

پس همانگونه که دستور یافته ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده نیز چنین کند

همان بزرگواری که مامور به استقامت بود می فرمود:«اِن تَستَقیموا تُفلِحوا»(۴)

اگر استقامت کنید رستگار می شوید.

حالا به چند نمونه از استقامت دوستان اهل بیت و آنانی که محضر آن بزرگواران

شاگردی کردند دقت کنید و ببینید چه مشکلاتی را متحمل شدند تا میراث محمد و آل

محمد به سلامت به دست ما برسد.

۱- شرح ابن الحدید، ج ۶، ص ۴۶

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۸۴

۳- هود/ ۱۱۲

۴- کنز العمال/ ۵۴۷۹

میثم بن یحیی تمّار رضوان الله تعالی علیه از یاران مخصوص امیرالمومنین علی علیه السلام بود. او و عمر بن حمق و محمد بن ابی بکر و اویس قرنی از حواریون آن حضرت بودند.

امیر المومنین فراخور استعداد میثم به او علم آموخته بود او را ربانی امت می نامید.

یکبار به ابن عباس گفت: هرچه می خواهی از تفسیر قرآن از من بپرس که تنزیل آن را برای امیرالمومنین قرائت کردم و تأویل آن را هم به من آموخت. ابن عباس از همراهش خواست کاغذ و قلم بیاورد و شروع به نوشتن کرد و روایت شده که چون فرمان بدار آویختن او صادر شد با بانگ بلند فریاد زد ای مردم هر کس می خواهد حدیث سرّ از امیر المومنین علیه السلام بشنود نزد من آید پس مردم گرد او جمع شدند و او به حدیث گفتن عجائب شروع کرد.

میثم جزو زاهدان زمان خویش بود چنانکه پوست بر تنش خشک شده بود.

یک روز امیر المومنین به او فرمود: ای میثم تو را پس از من دستگیر کنند و به دار آویخته می شوی از دهان و بینی تو خون روان شود چنانکه محاسن تو را خضاب کند و بعد حربه ای بر پیکرت می زنند و به شهادت خواهی رسید. در انتظار آن روز باش و آنجا که در آن آویخته شوی بر در خانه عمروبن حریث است و تو یکی از ده نفر هستی که مصلوب گردند و دار تو از آن ها کوتاه تر و تو بر زمین نزدیک تر باشی و من آن درخت خرما که تو را بر آن آویزان می کنند به تو نشان خواهم داد.پس از دو روز امیر المومنین علیه السلام آن درخت را به او نشان داد.

میثم پیوسته نزدیک آن درخت می آمد نماز می گذاشت و می گفت چه فرخنده نخلی من برای تو آفریده شدم و تو برای من روئیدی و پس از شهادت علی علیه السلام میثم نیز بارها کنار آن درخت می آمد و نماز می گذاشت

عبیدالله بن زیاد میثم را دستگیر کرد و به همان درخت آویزان کرد مردم بر دور او

جمع شدند میثم بالای دار شروع کرد به نقل فضایل اهل بیت علیهم السلام به ابن زیاد خبر رسید

که این شخص شما را رسوا کرد عبیدالله گفت او را لگام بندید! میثم اول کسی بود که در

ص: ۹۰

اسلام بر دهانش لگام زدند و بالاخره همان طور که مولایش فرموده بود با ضربتی او را به شهادت رساندند و این حادثه ده روز قبل از ورود امام حسین علیه السلام به سرزمین عراق بود.(۱)

رشید هَجَری دومین مرد استقامت در ولایت بود که در این راه به شهادت رسید هَجَر نام دیگر بحر بن کنونی است بحرینی ها از روزهای نخست قبول اسلام جزو یاوران و دوستداران اهل بیت علیهم السلام بودند. رشید از محضر امیر المومنین علی علیه السلام علم بلایا و منایا آموخت و گاهی علمش را ظاهر می ساخت و می گفت: فلان شخص به مرگ چنین و چنان می میرد و فلانی به کشته شدن چنین و چنان. مثلا خبر شهادت حبیب بن مظاهر را از قبل داده بود.

عبیدالله بن زیاد لعنه الله علیه در جستجوی رشید هَجَری بود و او بالاجبار خود را مخفی کرد که یک روز از مخفیگاهش بیرون آمد و به در خانه مردی به نام «اَبواَراکَه» نشسته بود که صاحب خانه سخت ترسید و به او پرخاش کرد و گفت وای برتو که مرا به کشتن دادی و فرزندانم را یتیم کردی! رشید گفت مگر چه شده؟ گفت:اینها تو را تعقیب می کنند تو آمدی در خانه من و مردم تو را دیدند و به این زیاد گزارش می دهند. رشید گفت هیچ کس مرا ندید گفت مرا مسخره می کنی او را گرفت و بازوهای او را بست و در خانه محبوس کرد و در را بر او بست و بعد سراغ آن عده ای رفت که احتمال می داد او را دیده اند از آن ها پرسش کرد پیرمردی در خانه من آمده بود گفتند ما کسی را ندیدیم او سوالش را تکرار کرد همه گفتند ندیدیم پس خاموش شد و باز ترسید دیگران دیده باشند به مجلس ابن زیاد رفت تا تجسّس کند و ببیند سخنی از رشید در میان هست و اگر آگاه باشند در خانه او رفته است وی را به آن ها تحویل دهد.

به ابن زیاد سلام کرد و نزد او نشست و آهسته با هم سخن می گفتند در این لحظه

دید رشید سوار بر مرکب به طرف مجلس ابن زیاد می آید تا چشمش بر او افتاد روی در

۱- نفس الهموم، ص ۶۰ و ۶۱

هم کشید و مرگ را در مقابل چشم خود دید. رشید از مرکبش پیاده شد بر اهل مجلس سلام کرد زیاد برخاست و او را احترام کرد و گفت چگونه آمدی؟ توضیح داد و بعد از مدتی استراحت رفت. اَبواَراکَه به ابن زیاد گفت این پیرمرد که بود گفت یکی از برادران ما از مردم شام است به زیارت ما آمده است. اَبواَراکَه از مجلس پسر زیاد خارج شد و به خانه رفت دید رشید همان طور که او را بسته بود حضور دارد.اَبواراکه گفت حالا که تو این علم را داری باید آزادت کنم و هر وقت خواستی به خانه من رفت و آمد کن.

یک بار امیر المومنین علیه السلام به رشید فرمود: صبر تو چگونه است وقتی این حرامزاده که بنی امیه او را به خود ملحق کرده اند تو را بطلبد و دست و پای و زبان تو را ببرد گفت یا امیر المومنین سرانجام بهشت است. حضرت فرمود تو در دنیا و آخرت با من خواهی بود.

دختر رشید نقل می کند بالاخره ابن زیاد از مخفیگاه پدرم مطلع شد و مامورینش را سوی او فرستاد تا از امیر المومنین علی علیه السلام بیزاری جوید. پدرم امتناع کرد ابن زیاد او را دست بسته در مجلس خود حاضر نمود وگفت دوست داری تو را به چه نوع بکشم.

رشید گفت مولایم علی علیه السلام فرموده بود که تو از من می خواهی که از امیرالمومنین علی علیه السلام بیزاری جویم و من امتناع می کنم پس دست و پای و زبانم را قطع می کنی گفت به خدا قسم که کاری می کنم که حرف مولایت دروغ شود! گفت: دست و پایش را قطع کنید و زبان وی را نبرید او را برداشتند تا بیرون برند با قدرت دردها را تحمل می کرد مردم بیرون دارالاماره دورش جمع شدند گفت کاغذ و قلم آورید تا برای شما بگویم آنچه تا روز قیامت واقع شود پسر زیاد عصبانی شد و گفت زبانش را نیز قطع کنید و به این ترتیب پیش بینی مولایش درست در آمد و به شهادت رسید.(۱)

شهید دیگر مسیر ولایت حُجربن عُدَی است. درباره نوع شهادتش محدث قمی

رضوان الله تعالی علیه چنین می نویسد: ابن زیاد روز جمعه خطبه می خواند و خطبه را

ص: ۹۲

۱- نفس المهموم، ص ۶۳ و ۶۴

طولانی کرد و نماز تاخیر افتاد. حُجربن عُدی گفت: الصَّلاه ابن زیاد اعتنا نکرد همچنان به خطبه خواندن ادامه داد و چون وقت نماز می گذشت مشتی ریگ برداشت و به نماز ایستاد. مردم با او ایستادند. ابن زیاد از منبر پایین آمد تا با مردم نماز گزارد و بعد برای معاویه داستان را نوشت و بسیار از حجر بدگویی کرد معاویه در پاسخ نوشت او را به زنجیر بند کن و سوی من بفرست. ابن زیاد حجر را دستگیر کرد قوم و دوستان حجر ممانعت کردند حجر گفت چنین نکنید. او را به زنجیر بستند و سوی معاویه فرستادند و معاویه بی درنگ گفت او را از کاخ بیرون برید و گردنش را بزنید. به مامورین می گفت بگذارید دو رکعت نماز بگذارم گفتند نماز بگذار اما دو رکعت نماز مختصر و کوتاه. حجر گفت اگر نه آن بود که می پنداشتید از مرگ می ترسم نماز را طولانی می کردم به اقوام خود که آنجا بودند گفت بند و زنجیر را از من برندارید و خون های مرا نشویید که من فردا معاویه را بر سر شاهراه قیامت ملاقات می کنم.(۱)

مرد دیگری که جزو حواریون مولایمان علی علیه السلام بود عمروبن الحمق رضوان الله تعالی علیه بود او نیز به جرم ارادت به امیر المومنین علی علیه السلام تحت تعقیب معاویه علیه اللعنه و العذاب قرار گرفت. او وقتی مطلع شد قصد دستگیریش را دارند به همسرش گفت من به نقطه نامعلومی می روم چون همین روزهاست که به خانه ما خواهند آمد تا مرا دستگیر کنند.

سر به کوهساران گذاشت مامورین معاویه به خانه اش حمله ور شدند اثری از او نیافتند.

معاویه دستور داده بود اگر او را نیافتید همسرش را گروگان گرفت به زندان اندازید تا خود را معرفی کند. همین کار را کردند همسر به زندان افتاد و زندگی ازهم پاشید هر روز که از زندان می گذشت سک خط به دیوار زندان می کشید حدود هفتصد خط به دیوار زندان

کشید یک روز درب زندان باز شد احتمال داد یا برگه زندانی او را آورده اند و یا آنکه

خبر دیگری اتفاق افتاده ناگهان یکی از مامورین سر بریده ی شوهرش عمروبن حَمق را در

۱- نفس المهموم، ص ۷۲

دامنش انداخت. فهمید که او را بالاخره یافته و به شهادت رسانده اند معاویه گفته بود اگر

عکس العمل تندی نشان داد او را نزد من آورید. همسر عمرو گفت ای معاویه خداوند

نابودت کند همان طور که شوهرم را از من گرفتی و شروع کرد به لعن و نفرین معاویه و

دودمان او. مامورین او را نزد معاویه بردند در مقابل معاویه هم بدون ترس و واهمه بر

معاویه و دودمانش لعنت فرستاد. معاویه گفت او را از کاخ بیرونش کنید. همسر عمروبن

حمق از کاخ سبز معاویه بیرون می رفت و همچنان بر معاویه و دودمان او نفرین می کرد

معاویه گفت شاید بتواند از راه تطمیع او را ساکت کند به یکی از مامورین خود کیسه

زری داد تا به دست او برسانند. همین که کیسه زر را به دست او دادند آن را محکم بر سر

مامور معاویه کوبید و گفت: برو به اربابت بگو ای ملعون با حبس و زندان من و کشتن

شوهرم و بر باد دادن زندگیم نتوانستی مهر و ولای علی علیه السلام را از دل من بیرون کنی. حالا

می خواهی با مقداری از زخارف دنیا چنین کنی نه ما دست از ولای آن بزرگوار برنخواهیم داشت.

امیر المومنین علیه السلام در حق عمروبن حمق فرمود:«اللهمَّ نَوِّر قَلبَهُ و اَهدِهِ اِلی صراطٍ

مُستَقیمٍ» خدایا دل عمرو را نورانی کن و او را به راه راست هدایت فرما. و نیز به او

فرمود: ای کاش در شیعه ی من صد نفر مانند او بود.(۱)

در نامه حضرت سیدالشهداء علیه السلام به معاویه حضرت نوشت ای معاویه آیا تو کشنده

عمروبن حمق نیستی همان کسی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مصاحب بود آن بنده ی پارسا که

عبادت وی را فرسوده کرده بود.

کمیل بن زیاد نخعی که دعای شب های جمعه امیر المومنین علیه السلام به نام او ثبت شده

از دوستان نزدیک علی علیه السلام بود و امیر المومنین کشتن وی را خبر داده بود.

کمیل بن زیاد نُهَیکَ نخعی هجده ساله بود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رحلت فرمود. او

مردی شریف و ثقه و امین و از روسای شیعه بود و در جنگ صفین در رکاب علی علیه السلام بود.

ص: ۹۴

۱- نفس المهموم، ص ۷۴

یک روز شخصی به نام هیثم بن اسود نزد حجاج یوسف رفت حجاج از او پرسید کمیل در چه کار است؟ او گفت پیری سالخورده و خانه نشین است. گفت او را بیاورید حجاج او را بدید و گفت من دوست داشتم تو را نیکوکار ببینم کمیل گفت از عمر من اندک مانده است. هرچه می خواهی حکم کن که وعده گاه نزد خدای تعالی است و امیرالمومنین مرا خبر داده است تو مرا می کشی حجاج گفت آری تو از جمله کسانی هستی که عثمان را کشتند گردن او را زدند آری پیرمرد نود ساله را کشتند که خود می گفت عثمان به من سیلی زده بود خواستم او را قصاص کنم او تسلیم شد اما من او را عفو کردم و قصاص نکردم آری قنبر غلام امیر المومنین علیه السلام نیز به جرم ولای علی علیه السلام و خدمت به آن حضرت به دست حجاج شهید شد.(۱)

۱- نفس المهموم، ص ۷۵

۱۰. اطاعت از شما اطاعت از خداست:

«فَاِنّی لَکُم مُطیعٌ مَن اَطاعَکم فقد اَطاعَ اللهَ و مَن عَصاکُم فقد عَصَی الله»

به تحقیق که من مطیع شمایم. هرکس شما را اطاعت کند بی شک خدا را اطاعت کرده و هر که نافرمانی شما نماید نافرمانی پروردگار را نموده است.

این حقیقت برگرفته از قرآن کریم است به این دلیل که اطاعت خدا و رسول و اولی الامر در موازات هم قرار گرفته است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»(۱)

شما که ایمان دارید، خدا را فرمان برید و پیغمبر و اولی الامر خویش را فرمان برید.

سوال اینجاست که آیا این اولی الامری که اطاعتشان واجب است باید هم سنخ خدا و رسول باشند یا هر کس و ناکسی را می توان اولی الامر نامید؟!

شک نیست افراد ظالم و غاصب و لااُبالی در گفتار و کردار نمی توانند صاحب چنین مقام والایی باشند.

ابن بابویه از جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند: وقتی آیه «یا اَیُّها الَّذینَ آمَنوا اَطیعوا اللهَ و اطیعو الرَّسولَ و اولی الاَمرِ منکُم » بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد گفتم ای رسول الله خدا و رسول را شناختیم اولو الامر که خداوند اطاعتشان را همراه اطاعت تو قرار داده چه کسانی هستند؟ فرمود: ای جابر آنان جانشینان منند و پیشوایان مسلمین پس از من اول ایشان علی بن ابی طالب است و پس از وی حسن و حسین و علی بن الحسین و فرزند علی بن الحسین محمد که در تورات به باقر معروف است و تو وی را خواهی دید، وقتی دیدی سلام مرا به او برسان و سپس صادق جعفربن محمد و بعد موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و بعد

همنام و هم کنیه من که حجت خدا و بقیه او در روی زمین و نزد بندگان است و فرزند

حسن بن علی که خداوند به دست وی مشرق و مغرب زمین را خواهد گشود و کسی

ص: ۹۶

۱- نساء/ ۵۹

است که از شیعیان و دوستان خود پنهان خواهد شد به امامت وی کسی پابرجا نخواهد ماند مگر آنکس که خدا قلبش را به ایمان آزموده باشد.

جابر می گوید: پرسیدم ای رسول خدا آیا شیعه در غیبت او از وی استفاده خواهد برد؟

فرمود: به خدا سوگند به کسی که مرا به پیامبری فرستاده از نور وی روشنایی می گیرند و از ولایت وی در غیبتش منتفع می شوند مانند استفاده مردم از خورشید گرچه ابر آن را پوشانده باشد ای جابر این اسرار مخفی خداوند است و از غیر اهلش پنهان ساز.(۱)

حسین بن ابی العلاء می گوید در محضر امام صادق علیه السلام متذکر شدم که اعتقاد ما دربارهٔ پیشوایان دین آن است که اطاعتشان واجب است حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

«نِعَم، هُمُ الَّذینَ قالَ اللّهُ تَعالی: اَطیعوا اللّهَ و اطیعو الرَّسولَ و اولی الاَمرِ منکُم»(۲)

بلی امامان همان کسانی هستند که خداوند درباره ایشان فرموده:«اَطیعوا اللّهَ و اطیعو الرَّسولَ و اولی الاَمرِ منکُم »

ابوبصیر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند آیه«اَطیعوا اللّهَ و اطیعو الرَّسولَ و اولی الاَمرِ منکُم » در حق علی بن ابی طالب نازل شد. من گفتم: عده ای هستند به ما می گویند چه مانع داشت که اسم علی و اهل بیت را در قرآن ببرند؟ فرمود به آن ها بگو«اِنَّ اللهَ اَنزَلَ عَلی رَسولٍ الصَّلوهَ و لَم یُسِمَّ ثَلاثاً و با اَربَعاً حتَّی کانَ رَسولُ الله صلی الله علیه و آله و سلم هُوَ الَّذی فَسَّرَ ذلکَ لَهُم» خداوند نماز را به رسولش فرستاد و نامی از سه یا چهار رکعتی بودن آن نبرد تا آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را تفسیر نمود.

حج نازل شد و نفرموده بود هفت بار طواف کنید تا آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را تفسیر

نمود و خدا آیه اَطیعوا اللَه و اطیعو... را فرستاد که در حق علی و حسن و حسین علیهم السلام

نازل شده بود و پیامبر درباره علی علیه السلام فرمود:«مَن کُنتُ مَولاهُ فَعَلیٌّ مَولاهُ» هر آنکس

۱- تفسیر برهان،ج ۱، ص ۳۸۱

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۷

را من مولا هستم علی هم مولای اوست. فرمود:«اُوصیکَم بِکتابِ اللهِ و اَهلَ بیتی اِنِّی سَاَلتُ اللهَ اَن لا یُفَرِّقَ بَینَهُما حَتّی یورِدَ هُما عَلَّی الحَوضَ فَأعطانی ذلکَ»

شما را به کتاب خدا و اهل بیت خود توصیه می کنم که من از خدا خواسته ام که بین آن دو جدایی نیندازد تا در بهشت بر لب حوض کوثر آن دو به من برسند و خداوند این خواسته را به من داد.

و فرمود:«پس به ایشان چیزی نیاموزید که از شما داناترند ایشان شما را از کاشانه سعادت و راه یابی بدر نمی برند و شما را به آستانه گمراهی نخواهند کشاند. و اگر رسول خدا سکوت فرمود و اهل بیت خود را معرفی نکرده بود آل عباس و آل عقیل و آل فلان! ادعاها می کردند ولیکن خداوند متعال در قرآن فرمود:

«اِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرِّجسَ اَهلَ البَیتِ وَ یُطَهِّرَکُم تَطهیراً» تاویل این آیه علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام هستند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در آغوش گرفت در خانه ی ام سلمه و زیر عبای خود نشاند و فرمود خداوندا برای هر پیامبری اهل بیتی بوده است اینان اهل بیت من هستند ام سلمه گفت: آیا من اهل بیت تو نیستم؟ فرمود:تو رو بخیر اما ثقل و اهل بیت من اینان هستند.(۱)

فَاِنِّی لِکُم مطیعٌ مَن اطاعَکُم فقد اَطاعَ اللهَ وَ مَن عَصاکُم فقد عَصَی اللهَ: جای این ضرب المثل هست که اول برادری خود را ثابت کنیم بعد ادعای ارث کنیم البته خودم را می گویم انشاءالله خوانندگان گرامی این طور نیستند به راستی همان طور که در زیارت جامعه عرض می کنیم ما مطیع دستورات چهارده معصوم علیهم السلام هستیم و اعتراف ما به حق است؟! یا اینکه فقط عبارات زیارت ارزشمند جامعه را مرور می کنیم؟!

باید در عمل نشان دهیم که ما ارادتمند و مطیع اهل بیتیم و الا حرف زدن آسان است.

یک نگرشی به سبک زندگی هایمان کنیم از نظر نوع درآمدها و ساخت و ساز منزل ها و

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱،ص ۲۵۱

اُنتخاب همسرها و برگزاری مراسم های جشن و شادمانی هایمان و حتی عزاداری و سوگواری هایمان و تعلیم و تربیت فرزندانمان و مسایل اجتماعی و سیاسی موجود در کشورهای اسلامی آیا واقعا همان گونه است که این بزرگواران فرموده اند و در همان چهارچوب تعیین شده ی از ناحیه ایشان عمل می کنیم یا هیچ وجه شباهتی با سیره و رفتار و گفتار آن انوار طیبه نداریم و یا اگر بخواهیم حمل به صحت کنیم شباهتمان بسیار کمرنگ است.

امام هادی علیه السلام که عبارات گرانقدر جامعه کبیره از دهان مبارکشان خارج شده و به لطف پروردگار به دست ما رسیده اراده نکرده بودند که شیعیان فقط این زیارت را بخوانند بلکه کلاس درس برقرار کرده اند و مثل مدرسه که استاد از شاگرد می خواهد به خواسته ها و دستوراتش عمل کند تا نمره ی خوب بگیرد از ما خواسته است که ضمن قرائت این عبارت های پرمغز و جامع در زندگی روز و شب ما در خانه و مراکز آموزشی و بازار و اداره کشورمان نقش داشته و نمونه های عینی آن محسوس شود.

وقتی ما می گوییم«فَاِّنی لَکُم مُطیعٌ» من در برابر خواسته ها و گفته هایتان مطیع هستم این را باید در عمل نشان دهیم.

امیر المومنین علی علیه السلام می فرمود:« اِنَّکُم اِلی اِعرابِ الأعمالِ اَحوَجَ مِنکُم اِلی اِعرابِ الأقوالِ»(۱)

بی گمان شما به آشکار ساختن اعمال نیازمندترید تا به آشکار ساختن گفته ها.

حضرت می خواهد بفرماید شما به انجام درست و صحیح اعمال نیازمندترید تا درست و فصیح ادا کردن سخنان و الفاظ.

ممکن است بعضی از ما حتی جامعه کبیره را با صوت حسن و زیبا بخوانیم و حال

خوشی هم در هنگام خواندن داشته باشیم اما در مقام عمل به فرمان های آن پاک

سرشتان معصوم نافرمان و سرکش باشیم.

ص: ۹۹

۱- غررالحکم / ۳۸۲۸

باز امیر المومنین علی علیه السلام می فرماید:«بِحُسنِ العَمَلِ تُجنی ثَمَرَهُ العِلمِ لا بَحُسنِ القَولِ»(۱) با نیکویی اعمال است که میوه دانش چیده می شود نه با زیبایی گفتار

امامان معصوم علیهم السلام از ما می خواهند عمل و رفتارمان به گونه ای باشد که باعث جذب غیر شیعه شود و سبب زینت آن خانواده باشیم و در غیر این صورت آن می شود که امام صادق علیه السلام رئیس مذهب شیعه می فرماید:

«قَوْمٌ یَزْعُمُونَ أَنِّی إِمَامُهُمْ وَ اللَّهِ مَا أَنَا لَهُمْ بِإِمَامٍ لَعَنَهُمُ اللَّهُ کُلَّمَا سَتَرْتُ سِتْراً هَتَکُوهُ أَقُولُ: کَذَا وَ کَذَا فَیَقُولُونَ: إِنَّمَا یَعْنِی کَذَا وَ کَذَا إِنَّمَا أَنَا إِمَامُ مَنْ أَطَاعَنِی»(۲)

گروهی می گویند که من امام آن ها هستم به خدا قسم که من امام آن ها نیستم. خدا لعنتشان کند هرچه من پرده پوشی می کنم آنان پرده دری می کنند من می گویم چنین و چنان آنان می گویند: مقصودش فلان و بهمان است. من در حقیقت امام کسی هستم که اطاعتم کند.

در جای دیگر همان گرامی فرمود:

«اِنَّما شیعَهُ علیٍّ مَن عَفَّ بَطنُهُ و فَرجُهُ و اشتَدَّ جِهادُهُ و عمِلَ لِخالِقِهِ و رَجا ثوابَهُ و خافَ عِقابَهُ فِاذارَ إیتَ اولئک شیعَهُ جَعفَرٍ»(۳)

در حقیقت شیعه علی علیه السلام کسی است که عفت شکم و غریزه جنسی دارد سختکوش است برای خداوند خویش کار می کند به پاداش او امید دارد و از کیفرش بیمناک است هر گاه چنین افرادی را دیدی بدان که آنان شیعه جعفرند.

ملاحظه شد که توقع ائمه طاهرین علیهم السلام از ما اطاعت از آن هاست و اگر نتوانیم حداقل جلوی شکم و غریزه جنسی خود را بگیریم و از هر لقمه حرام و شبه ناک استفاده کنیم و برای اشباع غریزه جنسی از هر طریق اقدام نماییم بی شک از جرگه و زمره شیعیان

آن ذوات مقدسه خارج شده ایم مگر آنکه خیلی سریع توبه کنیم و به تقوا پاکدامنی

روی آوریم آنگاه است که مورد تایید ایشان قرار خواهیم گرفت جد بزرگوارشان

۱- غرر الحکم / ۴۲۹۶

۲- بحار، ج ۲، ص ۸۰

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۳۳

رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم معیار تشیع را پیروی و تبعیت از آثار و اعمال معصومین علیهم السلام قرار داده

است:«اِنَّ شیعَتَنا مَن شَیَّعنا و اتَّبَعَ اَثارَنا و اقتَدی بِاَعمالِنا»(۱)

شیعه ما کسی است که از ما پیروی کند و پا جای پای ما بگذارد و به کردار ما اقتدا

نماید. خیلی صریح و روشن سخن بگویم این جمعیت شیعه که به زندگی غربی و ماشینی

درآمیخته اند در لقمه حرام و حلال را مخلوط کرده در پوشش زنانشان رعایت حجاب

نمی کنند مجالس عروسی و خانه هایشان شبی نیست که گناه در آن انجام نگیرد نسبت به

حقوق همسایه و اقوام و دادوستد های خود کارهای غیرشرعی انجام می دهند آیا

می توانند ادعا کنند که طبق فرمایش رسول مکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آثار آن ها تبعیت کرده و به

اعمال آن بزرگواران اقتدا کرده اند؟!

عزیزان خواننده خوب می دانند خدا و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام با کسی فامیل نیستند و

سر شوخی با کسی ندارند آن ها از ما فقط اطاعت و عمل به فرمایشاتشان را می خواهند

مبادا این نوع شعارها باورمان شود که یک علی دارم و با یک حسین دارم چه غم دارم

نماز نخوانم، روزه نگیرم، ربا بگیرم، تجاوز به حقوق دیگران بنمایم مقدسات اسلام را

به مسخره بگیریم بعد امید به لطف و عنایت آن بزرگواران داشته باشم

وقتی امام صادق می فرماید من از کسانی که نماز را سبک بشمارند شفاعت نمی کنم

به طریق اولی از بی نماز شفاعت نخواهد کرد. امید کاذب چیز خوبی نیست بلکه یک

خودفریبی است.

امام سجاد علیه السلام از این حالت به خدا پناه می برد و می گفت:«اَعوذُبِکَ مِن دُعاءٍ

مَحجوبٍ و رجاءٍ مَکذوبٍ»(۲)

خداوندا به تو پناه می برم از دعایی که بالا نرود و همچنین از امید دروغین!

۱- تفسیر امام حسن عسگری علیه السلام، ص ۲۰۷

۲- بحار، ج ۹۴، ص ۱۵۶

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:« لا تَکُن مِمَّن یَرجوا الآخِرَهَ بِغَیرِ العَمَلِ»(۱)

از جمله کسانی که بدون عمل و بی جهت امید به آخرت دارند نباش!

همان بزرگوار فرمود:« من در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و در کنار من عترتم در اطراف حوض کوثر قرار می گیریم هر کس می خواهد به ما ملحق شود باید به گفته های ما متمسک گردد و آن طور که ما عمل می کنیم عمل کند.(۲)

دقت دارید که در این فراز از زیارت جامعه کبیره عرض کردیم که «فَانّی لَکُم مِطیعٌ مَن اَطاعَکَم فقد اَطاعَ الله و مَن عَصاکُم فقد عَصی اللهِ» بسیار خوب پس اطاعت این خاندان مساوی با اطاعت خداست و نافرمانی آن ها نافرمانی خدا. حالا جای نقل پیام امام محمد باقر علیه السلام به جابربن یزید جعفی است که ملاحظه کنیم ائمه ما با کسی تعارف ندارند و دوست و شیعه واقعی خود را معرفی کرده و آب پاکی را روی دست ما ریخته که بیخود به خویشتن وعده های دروغین ندهیم.

«یا جابر: بَلِّغ شیعَتی عَنّی السَّلامُ و اعلَمهُم اَنَّهُ لا قِرابَهَ بَیننا و بَینَ اللهِ عَزَّوجلَّ و لا یَتَقَرَّبُ اِلیهِ اِلّا بِالطاعَهِ»

ای جابر: سلام مرا به شیعیانم برسان و به آن ها آگاهی بده که ما اهل بیت با خداوند تبارک و تعالی خویشاوند نیستیم و هیچ کس به او نزدیک نمی شود مگر به انجام طاعات و دستورات او.

«یا جابرُ: مَن اَطاعَ اللهَ و اَحَبَّنا فَهُوَ ولیُّنا و مَن عَصَی اللهَ لَم یَنفَعهُ حُبُّنا»(۳)

ای جابر:کسی که اطاعت پروردگار را بنماید و ما را دوست بدارد او به راستی دوست ماست ولی کسی که نافرمانی خداوند را کند دوستی ما برایش نفعی نخواهد داشت!!

شاید در این ماجرا بعضی از گویندگان مذهبی بی تقصیر نباشد بدان علت که معمولا

ص: ۱۰۲

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۲

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۵،ص ۶۸۱

۳- بحار، ج ۷۲، ص ۱۹۹

یک بعدی سخن می گویند و شنونده را مبتلا به امید کاذب می کنند و همین امید دروغین باعث تجرّی و گستاخی اشخاص در انجام گناهان می گردد. پس به جاست ضمن بیان ارزش و اهمیت ولایت و محبت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام از زبان همان بزرگواران به ارزش و اهمیت طاعات و عبادات و تکالیف شرعی اشاره کنند تا انشاءالله یک حالت متعادلی به وجود آید. مرحوم مستنبط در القطره می نویسد بعضی از دوستان که از بزرگان اهل پاکستان است برایم نقل کرد شخصی این شعر را می خواند و زیاد تکرار می کرد

سرمد اگر معاملۀ حشر با علی است*** من ضامنم که تا بتوانی گناه کنی

شخص بزرگوار با عظمتی نزد او ظاهر گشت و به او دستور داد که مصرع دوم را تغییر بده و اینگونه بخوان

سرمد اگر معاملۀ حشر با علی است*** شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن

ص: ۱۰۳

۱۱. احکامتان قطعی است:

«وَ قولُکُم حُکمٌ و حَتمٌ و رَأیُکُم عِلمٌ»

گفتار شما قطعی و حتمی است و رای شما عالمانه است.

ریشه و اساس احکام شرعیه و فتواها که از ناحیه مراجع تقلید در اختیار مردم قرار

می گیرد برگرفته از عقل و اجماع و سنت و نصوص است

نصوص هم شامل آیات الاحکام و روایات الاحکام می شود. بنابراین به خاطر اعتبار

قاطعی که برای قرآن و عترت هست اکثر احکام مورد ابتلاء احاد مردم از این دو مرکز

استخراج و استنباط می گردد.

اقول ائمه طاهرین علیهم السلام که ازاسناد صحیح در اختیار ما گذاشته شده پشتوانه محکم و

عالمانه ای است که بزرگان از علماء اسلام و شیعه از آن بهره می برند علت استحکام گفتار

این ذوات مقدسه اتصالشان به وحی است و چون علمشان لدنی است و هرچه دارند

عنایت شده از جانب خداوند تبارک و تعالی است.

اگر گفتارشان را قطعی و حتمی می دانیم و رای شان را عالمانه به همین دلیل است.

«فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَیْنَاهُ رَحْمَهً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»(۱)

بنده ای از بندگان ما را یافتند که به او از رحمت خویش عطا کرده و از جانب خود

دانش فزونی به او تعلیم داده بودیم.

اعتقاد ما بر این است«عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» شامل چهارده معصوم نیز شده است و

باز معتقدیم که علم درست و قطعی را باید از اهل بیت علیهم السلام فرا گرفت.

امام باقر علیه السلام به سلمه بن کهیل و حکم بن عتیبه فرمود:«اگر به شرق و غرب بروید

هرگز دانش درستی را نخواهید یافت مگر همان چیزی که از ما خاندان صادر شود»(۲)

باز همان گرامی فرمود:

«أما اِنَّهُ لَیسَ عِندَ اَحَدٍ مِنَ الناسِ حَقٌّ و لا صَوابٌ اِلّا شی اَخَذوهُ مِنّا

ص: ۱۰۴

۱- کهف / ۶۵

۲- بحار، ج ۲،ص ۹۲

أهل البَیتِ»(۱)

بدانید که نزد هیچ یک از مردم مطلب حق و درستی نیست، مگر اینکه برگرفته از

چیزی است که آن چیز را از ما خاندان گرفته اند.

یکی از دلایل استحکام کلام و رأی این بزرگواران آن است که ایشان مظهر علم

خداوند تبارک و تعالی هستند.

شیخ صدوق علیه الرحمه از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از امیر المومنین علیه السلام نقل

کرده است که فرمود:

«اَنا عِلمُ اللهِ و اَنا قَلبُ اللهِ الواعیِ و لِسانُ اللهِ النّاطقِ و عَینُ اللهِ النّاظِرَهِ و

اَنا جَنبُ اللهِ او اَنا یَدُ اللهِ»(۲)

من مظهر و نمایش دهنده ی علم خداوند و قلب خدا هستم که اسرار و علوم خود را در آن

نگهداشته است زبان گویای پروردگار و چشم بینای او هستم و من از جانب او هستم که

تمام خلق امر شده اند به آن جانب توجه کنند و من دست توانای الهی می باشم. وقتی

علی علیه السلام مظهر و نمایش دهنده علم خداوندی است همان طور که خداوند علیّ اعلی

هیچ گاه سخن سست و بی پایه نمی زند علی علیه السلام و امامان برگزیده از جانب خداوند تبارک

و تعالی سخن سست و بی اساس نخواهند زد و قولشان قطعی و حتمی است و رأی و

نظرشان عالمانه است.

ابن عباس می گوید یک روز علی علیه السلام به من فرمود: ای ابن عباس! وقتی نماز عشاء را

خواندی در فلان نقطه صحرا و بیابان نزد من بیا. ابن عباس می گوید: نمازم را خواندم و

در وعده گاه به حضور حضرتش رفتم. شب مهتابی بود. حضرت رو به من کرد و فرمود:

«ما تَفسیرُ الألفِ مِنَ الحَمدِ و الحَمدُ جَمیعاً؟»

تفسیر حرف الف از کلمه الحمد و خود کلمهٔ الحمد چیست؟ من چیزی نمی دانستم

تا پاسخ دهم حضرت خودش لب به سخن گشود و ساعتی تمام در مورد تفسیر آن سخن

ص: ۱۰۵

۱- امالی مفید، ص ۹۶

۲- توحید صدوق، ص ۱۶۴

گفت. آنگاه پرسید«فَما تَفسیرُ اللّامِ مِنَ الحَمدِ؟» تفسیر لام کلمه حمد چیست؟ گفتم

نمی دانم حضرت ساعتی تمام در مورد تفسیر حرف لام کلمه الحمد سخن گفت. سپس

پرسید:«فَما تَفسیر الحاء مِنَ الحمدِ؟» تفسیر حرف حاء کلمه الحمد چیست؟ گفتم:

نمی دانم. حضرت ساعتی تمام در تفسیر حرف حاء کلمه الحمد سخن ایراد نمود. سپس

فرمود:«فَما تفسیرُ المیمِ مِنَ الحمد؟» تفسیر حرف میم کلمه میم حمد چیست؟ عرض

کردم: نمی دانم باز حضرت ساعتی در مورد حرف میم کلمه الحمد سخن فرمود. باز

پرسید: فما تَفسیرُ الدال مِنَ الحمد؟ تفسیر حرف دال کلمه الحمد چیست؟

عرض کردم نمی دانم

حضرت راجع به تفسیر حرف دال کلمه الحمد تا طلوع فجر سخن گفت آنگاه رو به

من نمود و فرمود: ای ابن عباس؟ برخیز و به سوی خانه ات برو تا آماده نماز صبح گردی

من برخاستم در حالی که احساس می کردم همه سخنان حضرتش را فهمیده ام.

ابن عباس می گوید: من در مورد علم و دانش خودم به قرآن نسبت به علم و دانش

علی علیه السلام به فکر فرو رفتم و اندیشیدم. متوجه شدم که دانش من در مقایسه با دانش آن

حضرت همانند برکه است در مقابل دریا.(۱)

آمیختگی قرآن با عترت در حدی است که شناخت قرآن به معنای واقعی فقط از

ناحیه محمد و آل علیهم السلام امکان پذیر است چنانکه در حدیث آمده« اِنَّما یُعرَفُ القرآنِ

مَن خوطِبَ بِهِ»(۲)

تنها پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او که مخاطب اصلی قرآنند می توانند همه

حقایق قرآن را درک کنند و حدیث معروف ثقلین که به طور متواتر از شیعه و سنی نقل

شده گواه بر این حقیقت است یعنی ما را برای فهم احکام قطعی و حتمی اسلام چاره ای

جز این نیست که به مفسرین و مخاطبین قرآن مراجعه کنیم.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین روزهای زندگی خود به مردم سفارش کرد که:

«اِنّی تارِکٌ فیکُمُ الثَّقَلین کتابَ اللهِ و عِترتی اَهلُ بیتی ما اِن تَمَسَّکتُم بِهِما لَن

۱- القطره، ج ۲، ص ۲۹۲ به نقل از بحار ، ج ۹۲، ص ۱۰۵
۲- مقدمه تفسیر برهان، ص ۱۶

یَضِلوا اَبَداً و اِنَّهما لَن یَفتَرِقاً حَتی یَرِدا عَلَیَّ الحَوضَ»(۱)

من در میان شما دو امانت گرانبها می گذارم یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترت و اهل بیت خودم. شما تا وقتی که به این دو تمسک جویید گمراه نخواهید شد و این دو یادگار من هیچ گاه از هم جدا نمی شوند.

در یک حدیث طولانی مولایمان علی علیه السلام به سلمان فرمود:

« اِنِّی اُعطِیَت عِلمُ المَنایا و البَلایا و فَصلُ الخِطابِ و استَودَعَت عُلمُ القرآنِ و ما هوَ کائِنٌ اِلی یومِ القیامَهِ »

به من علم مرگ و میرها و بلاها و احکام قاطع عطا شده است. دانش قرآن و آنچه تا روز قیامت به وقوع خواهد پیوست در نهاد من به ودیعه گذاشته شده است حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم حجت و برهان برای مردم اقامه کرد و من حجت خدا شدم. خداوند برای من قرار داد آنچه را که هیچ کس از اولین و آخرین ندارد حتی پیغمبران مرسل و فرشتگان مقرب از آن بی بهره اند.

سپس فرمود: ای سلمان. منم که روح را در کشتی به امر پروردگارم آرامش بخشیدم و او را به ساحل رساندم. منم که یونس را از شکم ماهی به اذن خداوند خارج کردم. منم که موسی را از دریای نیل به امر پروردگار عبور دادم. منم که ابراهیم را از آتش نجات دادم. منم که نهرها را جاری و چشمه ها را جوشان و درخت ها را بر جا نهاده ام و من عذاب«یومُ الظلّه ام» (اشاره به عذاب قوم شعیب است وقتی او را تکذیب کردند دچار آفتاب شدید و حرارت زیاد شدند ابری ظاهر گشت. همگی خارج شدند تا در سایه ی او روند سیلی بارید و همه آن ها را هلاک کرد.)(۲)

منم خضری که موسی را تعلیم داد و من معلم سلیمان بن داودم. من ذوالقرنین ام. و

من قدرت پروردگار می باشم.

ای سلمان: من محمدم و او من است. من از محمدم و محمد از من است. خداوند

ص: ۱۰۷

۱- فضائل الخمسه، ص ۵۶

۲- سوره شعراء، آیه ۱۸۹

تبارک و تعالی فرموده است:«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ، بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»(۱)

اوست که در دریای علم و عصمت را به هم درآمیخت و میان آن دو فاصله ای قرار داد که تجاوز نمی کنند.

ای سلمان کسی که از ما بمیرد در حقیقت نمرده و کسی که از ما غائب گردد در حقیقت غائب نیست و کسی که از ما کشته می شود در حقیقت کشته نیست.

ای سلمان:«اَنا اَميرُ كُلِّ مومنٍ و مومِنَهٍ مِمَّن مَضی و مِمَّن بَقیَ و اُيِّدتُ بروحِ العَظِمَه، اِنَّما عَبدُ مِن عَبيدِ اللهِ با تَسَمّوها أرباباً و قولوا فی فَضلِنا ما شِئتُم، فَاِنَّكُم لَن تَبلَغوا مِن فَضلِنا كُنهُ ما جَعَلَهُ اللهُ لَنا و لا مِعشارُ العُشر»

من فرمانروای همه مردان مومن و زنان مومنه از گذشتگان و آیندگان هستم و به روح عظمت تایید شده ام و با همه این اوصاف بنده ای از بندگان خدا هستم. ما را خدا ننامید و سپس آنچه می خواهید در فضیلت ما بگویید و هرچه تلاش کنید به حقیقت آنچه که خداوند برای ما قرار داده بلکه به یکدهم از یکدهم آن نخواهید رسید.

ای سلمان:«انا اُحيی و اَميتُ بِاِذنِ رَبّی و انا أنَبِّئُكُم بما تَأكلونَ و ما تَدَّخِرونَ فی بُيوتِكُم بِاذنِ رَبّی و انا عالمُ بِضمائِرِ قلوبكم و الأئِمَّهِ مِن اَولادی يَعلَمونَ و يَفعَلونَ هذا اِذا اَحَبُّوا و أرادوا، لَأنّا كُلُّنا واحِدٌ»

من به اذن پروردگارم می میرانم و زنده می کنم. و به اذن او به آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان اندوخته می کنید خبر می دهم و آنچه را در دل هایتان پنهان کنید می دانم و امامان دیگر از فرزندان من اینها را می دانند و هرگاه دوست داشته باشند و بخواهند چنین کاری می کنند. زیرا ما همگی یک حقیقت هستیم.

«اَلوَيلُ كُلُّ الوَيلِ لِمَن اَنكَرَ فَضلَنا و خصوصيَّتَنا و ما اَعطانا اللهُ رَبَّنا لِاَنَّ مَن

اَنکَرَ شَیئاً مِمّا اَعطانا اللهُ فَقَد اَنکَرَ قُدرَهُ اللهِ عَزَّوَجَلْ و مَشیَّتَهُ فینا»(۲)

ص: ۱۰۸

۱- الرحمان، آیات ۱۹ و ۲۰

۲- بحار، ج ۲۶، ص ۱ و مشارق الانوارریال ص ۱۶۰

بدبختی و تمام بدبختی نصیب کسی می شود که فضائل ما و خصائص ما و آنچه را که خدا به ما عنایت کرده انکار کند زیرا کسی که چنین کند در حقیقت قدرت خداوند و خواست و مشیت پروردگار را درباره ما نپذیزفته و انکار کرده است

ص: ۱۰۹

۱۲. اسماء شما چه شیرین است:

«اَسمائکُم فی الاَسماءِ... فَما اَحلی أسمائَکُم»

نام های شما بین نام هاست... و چقدر شیرین است اسامی شما

همین بدو ورود به بحث اسم ائمه طاهرین علیهم السلام لازم است یک معجزه از این اسماء متبرکه نقل کنم:

روزی حضرت امیر المومنین علیه السلام در راهی می گذشت یک نفر یهودی که از یهودیان خیبر بود با آن حضرت همراه شد. در بین راه به دره ای که بر اثر سیل آب زیاد در آن جمع شده بود رسیدند یهودی فوراً پارچه ای را که پشمی بود به خود پیچید و روی آب به راه افتاد. مقداری که رفت علی علیه السلام را صدا زد و گفت: اگر آنچه را من می دانم تو می دانستی از آب عبور می کردی همان طور که من عبور کردم.

امیر المومنین علیه السلام به او فرمود: قدری توقف کن. سپس اشاره ای فرمود فورا آب منجمد گردید و سفت شد و به روی آن به راه افتاد.

یهودی که چنین دید خود را روی قدم های علی علیه السلام انداخت و عرض کرد ای جوانمرد چه کردی و چه چیزی گفتی که آب را به این صورت تبدیل کردی؟

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: تو چه چیزی گفتی که بر روی آب عبور کردی؟

عرض کرد:«اَنا دَعَوتُ اللهَ بِاسمِهِ الاَعظَمِ » من خدا را به اسم اعظم او خواندم.

امیر المومنین علیه السلام فرمود: اسم اعظم خدا چیست؟

عرض کرد اسم جانشین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. امیر المومنین علیه السلام فرمود: من جانشین حضرت محمدم. یهودی به حقانیت آن حضرت اعتراف کرد و اسلام آورد.(۱)

در این فصل به عظمت اسما شریف اهل بیت علیهم السلام خواهیم پرداخت ولی لازم است

بدانیم غیر از آنکه اسماء متبرکه ایشان خود اسم اعظم است آن ها به أسماء اعظم الهی آگاهی داشتند.

ص: ۱۱۰

۱- القطره،ج ۱، ص ۲۵۱ به نقل از مشارق الانوار،ص ۱۷۲

امام کاظم علیه السلام می فرمود:«اَلأسم الاَعظَمِ عَلی ثَلاثَهِ و سَبعینَ حرفاً. اَعطی جَمیعَ الاَنبیا مِنهُ خَمسَهَ عَشَرَ حَرفاً و اَعطی مُحَمَّداً اثنین و سَبعینَ حَرفاً و اَعطی امیر المومنین علیه السلام ما اَعطی رسولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم»(۱)

اسم اعظم الهی هفتاد و سه حرف است که به همه پیامبران فقط پانزده حرف عطا شده و به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و دو حرف از آن داده شده است و آنچه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عطا شده به علی علیه السلام نیز عطا شد.

در باب اسماء حسنی باید عرض کنم مظهر و ظهورش ائمه طاهرین علیهم السلام هستند در روایات معتبر که مرحوم صدوق در کتاب توحید فیض کاشانی در علم الیقین و سیوطی در درالمنثور و علامه مجلسی در بحار و حافظ بیهقی در الاسما و الصفات نقل کرده اند صادق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از پدران خود تا امیر المومنین علیه السلام و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود«اِنَّ للهِ تَبارَکَ و تعالی تِسعَهُ و تِسعینَ اِسماً مائَهَ اِلّا واحداً مَن اَحصاها دَخَلَ الجَنَّهِ»(۲)

برای خداوند تبارک و تعالی نود و نه اسم یعنی صد منهای یک اسم است هر که آن ها را شمارش کند داخل بهشت خواهد شد.

مصداق اتم و اکمل ظهور و نمایندگی اسماء الحسنی معصومین علیهم السلام هستند زیرا که آن ها آیینه پاک و مطهری هستند که انوار الهی را منعکس می کنند.

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام درباره کلام پروردگار عزوجل که فرمود:«وَللهِ الاَسماءِ الحُسنی فَادعوهُ بِها» برای خداست اسماء حسنی پس خدا را بدان اسماء بخوانید.

فرمود:«نَحنُ وَ اللهِ الاَسماءِ الحُسنی الَّتی لا یَقبِلُ اللهُ مِنَ العِبادِ عَمَلاً اِلّا

بِمَعرِفَتِنا»(۳)

سوگند به پروردگار ماییم آن اسما الحسنی که خداوند متعال عملی را از بندگان

۱- اثبات الوصیه، ص ۱۴۸

۲- توحید صدوق، ص ۱۹۴

۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۳

خویش قبول نمی کند مگر به سبب معرفت ما.

از این مبحث خارج شویم یک مقداری راجع به اهمیت نامگذاری صحبت کنیم و ببینیم که به راستی تکلیف پدر و مادرها در نام گذاری فرزندانشان چیست؟ آیا حق دارند هر اسمی را برای فرزند خویش انتخاب کنند یا اینکه اسم خوب و پرمعنا را باید برای آن ها برگزینند؟ نخستین موضوعی که بین خانواده ها حتی قبل از تولد نوزاد مطرح است موضوع نامگذاری و انتخاب اسم است و بی شک برگزیدن هر اسمی حکایت از طرز تفکر و علاقه پدر و مادر به شخص است که نامش را برای فرزند خویش برمی گزینند. که نشانگر هویت اسلامی و دینی و ولایی آنهاست و از نام ها و اسامی بیگانه و زشت پرهیز کنند؟

ما شیعه هستیم و افتخارمان این است به چهارده معصوم علیهم السلام عشق می ورزیم و دوست داریم تمام نمادهای آن بزرگواران در زندگی دنیای ما که مقدمه زندگی و انشاءالله حیات طیبه ی ما در جهان آخرت باشد خود را نشان دهد که از جمله أسماء متبرکه آن ذوات مقدسه است.

اگر پدر و یا مادری در مشهدی از مشاهد مشرفه و کنار مزار امام معصومی جامعه کبیره بخواند و خطاب به ایشان عرض کند « وَ اَسماؤُکُم فی الأسماء» اسامی شما در بین اسامی ماست ولی بیند که بین فرزندان و نوه ها و نتیجه هایش حتی نام یک معصوم گذارده نشده آیا شرمنده ایشان نمی گردد و آیا از خود نمی پرسد که چرا از این اسماء که جزو اسماء اعظم الهی هستند غافل شده؟!

«قیلَ لِاَبی عَبدالله علیه السلام اِنّا نُسَمِّی بِأسمائِکُم وَ اَسماءِ آبائِکُم فَیَنفَعُنا ذلِکَ؟ فقالَ اِی وَ اللهِ»(۱)

حضور امام جعفر صادق علیه السلام عرض شد که ما فرزندان خود را به اسماء شما و

۱- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۲۲

پدرانتان نامگذاری می کنیم. آیا این عمل برای من در پیشگاه الهی اجر و فایده ای دارد؟

حضرت صادق علیه السلام فرمود: بلی به خدا سوگند این عمل نفع معنوی دارد.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«مَن وُلِدَ لَهُ اَربَعَهُ اولادٍ لَم یُسَمِّ اَحَدَهُم بِاِسمِی فَقَد جَفانی»(۱)

کسی چهار فرزند بیاورد و هیچ یک را به اسم من نامگذاری نکند به من جفا کرده است. اگر کسی اعتراض کرد که فرزندان چه گناهی دارند وقتی پدر و مادرها سلیقه های شخصی خود را در نامگذاری فرزندان در نظر می گیرند پاسخ این است که هیچ وقت دیر نیست فرزندان می توانند شخصا اقدام کنند و نام خوب را برای خویش برگزینند و از همه بخواهند که الزاماً آن ها را با نام دلخواهشان صدا بزنند. گرچه این کار جزو حقوق فرزندان بر عهده والدین است. علی علیه السلام فرمود:«حَقُّ الوَلَدِ علی الوالِدِ اَن یَحسُنَ اِسمَهُ»(۲) از حقوق فرزند این است که پدر اسم خوب برایش انتخاب کند. یکی از کارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بعد از طلوع اسلام تغییر اسماء زشت زمان جاهلیت بود.

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل نمود که فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «کانَ یُغَیِّرُ الاَسماءَ القَبیحَهَ فی الرِّجالِ و البُلدانِ»(۳)

اسماء زشت مردم و شهرها را تغییر می داد.

جهت اطلاع خوانندگان عزیز فهرستی از أسماء و القاب چهارده معصوم را از نظرشان می گذرانیم تا اگر خواستند آن ها را برای خود و همسر و یا فرزندان و نزدیکان خویش انتخاب نمایند.

۱. احمد، محمد، محمود، مصطفی، امین ــ اسم مادر ــ آمنه

۲. علی، هادی، مهدی، اباالحسن، عبدالله ــ اسم مادر ــ فاطمه

۳. فاطمه، زهرا، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیّه، راضیه، مرضیه، محدّثه، بتول،

حصان، حرّه، سیده، عذراء، حوراء، انسیه، منصوره، مریم کبری، توریّه، حانیه، مطهره ـ

ص: ۱۱۳

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۲۳

۳- الحدیث، ج ۱، ص ۱۹۲

اسم مادر _ خدیجه

۴. حسن، مجتبی، امین الله، هادی و مهدی _ اسم مادر _ فاطمه

۵. حسین، اسم مادر _ فاطمه(از او یک اسم برگزیدم چون «وِتَرَالموَتور» یکی یکدانه خداست)

۶. علی، سجاد، هادی و مهدی، زین العابدین، سید الساجدین، اباالحسن، اسم مادر _ شهربانو

۷. محمد، باقر، منتجب، ابا جعفر، اسم مادر _ ام عبدالله _ فاطمه

۸. جعفر، صادق، فاضل، طاهر، کامل، منجی. اسم مادر _ ام فروه _ المکرمه

۹. موسی، کاظم، رضیّ، وفیّ، اباالحسن، اسم مادر _ حمیده

۱۰. علی ، تقی، جواد، منتجب، مرتضی، قانع ، عالم، اباجعفر، اسم مادر _ سبیکه _ خیزران _ ریحانه.

۱۲. علی، نجیب، مرتضی،هادی، نقی، فقیه، امین، طیّب، اباالحسن، اسم مادر _ سمانه

۱۳. حسن، زکی، صامت، رفیق، صادق، نور، ابامحمد، اسم مادر _ حُدَیثَه _ سوسن _ سلیل

۱۴. (م ح م د)مهدی، اباصالح، ابوالقاسم، منتظر، حجّت، قائم، اسم مادر _ نرجس

۱۳. امنیت و سلامتی در تمسک به شماست:

«و اَمِنَ مَن لَجَأ اِلیکُم وَ سَلِمَ مَن صَدَّقَکُم»

آنکه به شما اعتصام جوید در امان است و آنکه شما را تصدیق کند در سلامت خواهد بود. همیشه دغدغه مردم این بوده که امنیت و سلامتی خود را تامین کنند و این دو از نعمت های بزرگ الهی است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«خصلَتانِ کَثیرٌ مِنَ النّاسِ مَفتونٌ فیهما: الصِّحَهُ و الفَراغُ»(۱)

دو چیز است که بسیاری از مردم در آن ها مفتون می شوند و یا مورد آزمایش الهی قرار می گیرند: تندرستی و آسایش.

امیر المومنین علی علیه السلام درباره سلامتی و امنیت فرمود:«النَّعیمُ فی الدُّنیا اَلأمنُ و صِحَّهُ الجِسمِ، و تمامُ النِّعمَهِ فی الآخرَهِ دُخولُ الجَنَّهِ»(۲)

نعمت دنیا امنیت و سلامتی است و این نعمت در آخرت با رفتن به بهشت کامل می شود.

یکی از عواملی را که بشر از سال های بسیار دور دنبال آن بوده تا بتواند به این دو خواسته فطری خویش برسد تشکیل نظام حکومتی بوده است.

به راستی اگر در هر کجای دنیا قوه مقننه و مجریه و قضاییه وجود نداشته باشد سنگ روی سنگ بند نمی شود و خوی تجاوزگری ترویج گشته جان و مال و ناموس انسان های ضعیف به خطر خواهد افتاد. بالاخره باید باشند کسانی که در کشور امنیت را برقرار کنند و سلامتی آحاد جامعه را تامین نمایند.

حالا کاری نداریم که استعمار در هر زمانی به شکلی امنیت و سلامتی ملت های

ضعیف را به مخاطره انداخته و خوی تجاوزگری را هنوز بعد از این همه بوق و کرنای

تمدن و دموکراسی رواج داده و می دهند. و امثال سازمان ملل متحد هم که بعد از جنگ

۱- بحار،ج ۸۱، ص ۱۷۰

۲- معانی الاخبار /۴۰۸

دوم جهانی به وجود آمد ابزار ابرقدرت هایی شده که زورگویی ایشان زبانزد خاص و عام است.

ولی در هر صورت داشتن امنیت و سلامتی جزو درخواست های عموم ملت هاست و هیچ ملت و کشوری از هر نژاد و آئین نمی خواهد که از این دو نعمت الهی محروم باشد.

امنیت و سلامتی در پرتو ولایت محمد و آل محمد چگونه اتفاق می ا فتد؟

بی شک اگر از روز نخست یعنی رحلت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم منافقین می گذاشتند منویات پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پیاده شود و به اجرا درآید تا برپایی قیامت آرمان شهر و مدینه فاضله بوجود می آمد و اسلام ناب در سطح گیتی مستقر می گشت و این همه اختلاف و جنگ و درگیری نبود که متاسفانه شاهد باشیم حتی آن هایی که به ظاهر خود را مسلمان می نامند به هم کیشان خود رحم نمی کنند و هر فرقه با فرقه ی دیگر درگیر و به خون هم تشنه اند.

عامل وحدت و ایجاد امنیت و سلامت روانی جامعه در پذیرش خلافت بلافصل امیر المومنین علی علیه السلام امکان پذیر بوده و هست. وقتی مردم ولایت محور نشدند و تمام وصایا و تاکیدات و سخنان پیامبر خدا به فراموشی سپردند و دین تراشی کردند این نتیجه را در پی دارد که در سطح جهان ملاحظه می فرمایید.

امنیت دنیا و آخرت و مصون ماندن از عذاب با ولایت مولایمان علی علیه السلام تامین می شود: شیخ صدوق علیه الرحمه از امام رضا علیه السلام و او از پدرانش و از رسول خدا و او از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل از لوح از قلم هر یک به ترتیب از دیگری نقل کرده اند که خداوند تبارک و تعالی فرموده است:«ولایَهُ علیِّ بنِ اَبیطالِبٍ حِصنی فَمَن دَخَلَ حِصنی اَمِنَ مِن ناری»(۱)

ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام قلعه محکم من است و هر کس که در آن داخل شود از

عذاب من ایمن خواهد بود.

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۵

و نیز در روایت دیگر ابن عباس از قول رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که خداوند

تبارک و تعالی فرموده است: «لَو اِجتَمَعَ النّاسُ کُلُّهُم علی وِلایَهِ علیٍّ لَما خَلَقتُ

النار»(۱)

اگر مردمان همگی بر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام اتفاق داشتند من هرگز دوزخ را

نمی آفریدم.

و در روایتی که جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده اینگونه آمده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود:«مَن اَحَبَّ اَن یُجاوِرَ الجَلیلَ فی دارِهِ و یأمَن حَرُّ نارِهِ فَلیَتَوَکَلَّ علیٍّ بن

اَبیطالبٍ علیه السلام»(۲)

هر که دوست دارد در جوار رحمت خداوند در خانه او یعنی بهشت قرار گیرد و از

آتش دوزخ در امان باشد باید ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را بپذیرد.

آیا ثروت زیاد می تواند آسایش و امنیت ما را تامین کند؟

پاسخ را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بشنوید: شخصی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد و

عرض کرد: ای رسول خدا، فلانی با یک سفر دریایی و با یک سرمایه کمی به چین رفت

و خیلی زود برگشت درحالی که سود بسیار زیادی نصیب او گردید به طوری که

خویشان و نزدیکان و دوستانش به او حسد ورزیدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«ثروت دنیا هر چه زیادتر گردد برای صاحبش جز گرفتاری

ببار نمی آورد. به دارندگان مال و ثروت غبطه نخورید مگر آن هایی که ثروت خود را

در راه خدا بذل و بخشش می کنند.

آیا به شما خبر ندهم از کسی که سرمایه اش خیلی کمتر از سرمایه رفیق شما و

برگشت او خیلی سریع تر و بهره ای که برده بسیار زیادتر بوده است و آنچه خدا بر او از

خوبی ها فراهم کرده در خزانه های عرش الهی نگهداری می شود؟

عرض کردند: ای رسول خدا! او را به ما معرفی کن فرمود: به این شخص که می آید

نگاه کنید.

ص: ۱۱۷

۱- امالی صدوق، ص ۵۲۳ و بحار، ج ۳۹، ص ۲۴۷

۲- امالی صدوق، ص ۵۲۳ و بحار، ج ۳۹، ص ۲۴۷

وقتی نگاه کردیم دیدیم مردی از انصار است لباس های کهنه به تن داشت و قیافه اش

خیلی جلب توجه نمی کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«اِنَّ هذا لَقَد صَعِدَ لَهُ فی هذا الیَومِ اِلیَ العُلَوِّ مِنَ الخَیراتِ

و الطّاعاتِ ما لَو قَسَّمَ علی جَمیعِ اَهلِ السَّماواتِ و الأرضِ لَکانَ نَصیبُ اَقَلِّهِم

مِنهُ غُفرانِ ذُنوبِهِ و وُجوبِ الجَنَّهِ لَهُ»

این ینده خدا خوبی ها و طاعت هایی که امروز از او بالا رفته اگر بر اهل آسمان و

زمین تقسیم شود کمترین بهرهٔ هر یک از آن ها این است که گناهانش آمرزیده شود و

داخل بهشت گردد. اصحاب تعجب نمودند و عرض کردند: ای رسول خدا! او چه کاری

کرده است؟

فرمود: از خودش سوال کنید کاری را که امروز انجام داده خواهد گفت. آنگاه

همگی به او روی آوردند و گفتند: ای بنده خدا! گوارایت باد آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای

تو بشارت داده است امروز چه عملی انجام داده ای که برای تو آن مقدار ثواب و

پاداش نوشته اند؟ گفت: فکر نمی کنم کاری کرده باشم جز اینکه از خانه ام به قصد کاری

خارج شدم، و چون مقداری تاخیر کردم احتمال دادم که وقت آن دیر شده باشد و به

مقصد نرسم. با خود گفتم حالا که چنین شده خوب است به جای آن بروم به چهرهٔ

دلربا و جمال نورانی علی بن ابی طالب نگاهی کنم زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیده ام که

فرمود:« اَلنَّظَرُ اِلی وَجهِ عَلیٍّ عبادَهٌ» نگاه کردن به چهره علی علیه السلام عبادت است.

در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:« اِی و اللهِ عبادَهٌ و اَیَّ عبادَهٍ» بلی به خدا قسم

عبادت است و چه عبادت باارزشی

تو ای بنده خدا از خانه بیرون آمدی تا دیناری چند برای مخارج عائله ات بدست

آوری، و آن از دست رفت با خود گفتی: به جای آن بروم به چهره علی علیه السلام نگاه کنم.

تو این کار را کردی در حالی که او را دوست داری و به فضائلش معتقدی و این برای تو

بهتر است از آنکه به اندازه یک دنیا پر از طلای سرخ می داشتی و آن را در راه خدا

انفاق می کردی و بدان به عدد هر نفسی که در مسیر راهت کشیده ای درباره هزار نفر می توانی شفاعت کنی و خدا به شفاعت تو آن ها را از آتش دوزخ نجات دهد.(۱)

مرحوم مستنبط پس از نقل این روایت در کتاب القطره اش می گوید: از اساتید بزرگوار ما که رحمت خدا بر آن ها باد به این روایت فتوا داده اند که نگاه کردن به قبر و ضریح مطهر آن حضرت مستحب است.

اَمِنَ مَن لَجَأ اِلیکُم وَ سَلِمَ مَن صَدَّقَکُم پس امان و امنیت و سلم و سلامتی در عشق و ارادت به امیر المومنین علی علیه السلام و اولاد معصومین اوست.

اگر کسی اشکال کند که مگر شما نمی گویید امنیت و سلامتی را ولایت محمد و آل تضمین می کند پس چرا این همه ارادتمندان به این خاندان در مضیقه و سختی زندگی می کنند و گاه جانشان از دست مسلمان نماها در خطر است و گاهی از نظر اقتصادی در تنگنا هستند؟!

پاسخ این است که دنیا محل گذر است و عمر زندگی در دنیا کوتاه است و خداوند این سرا را جای آرامش و آسایش به معنای واقعی قرار نداده دارالقرار و دارالسلام پس از مرگ و جهان آخرت است. همان طور که صاحب ولایت علی علیه السلام فرمود:«اَیُّها النّاسُ اِنَّما الدُّنیا دارُ مَجازٍ و الآخرهُ دارُ قَرارٍ فَخُذوا مِن مَمَرِّکُم لِمَقَرَّکُم»(۲)

ای مردم دنیا سرای گذر است و آخرت جای ماندن. پس از گذرگاه خود برای جای ماندن خود توشه برگیرید و نیز فرمود:«الدُّنیا دارُ مَمَرٍّ لا دارُ مَقَرٍّ» همان دنیا سرای گذر است نه جای ماندن

در بیانی دیگر پاسخ اشکال کنندگان را داده که بدانند اگر آرامش حقیقی را طالب هستند فقط در جهان آخرت امکان پذیر است و الّا خانه دنیا با ناملایمات آمیخته است:

«دارٌ بِالبَلاءِ مَحفوفَهٌ وَ بِالغَدَرِ مَعروفَهٌ. لا تَدومُ أحوالُها و لا یَسلَمُ نُزّالُها،

ص: ۱۱۹

۱- امالی صدوق، ص ۴۴۳ و بشاره المصطفی،ج ۲،ص ۸۶۶ و بحار، ج ۳۸،ص ۱۹۷

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳ و حکمت ۱۳۳ و خطبه ۱۹۱

اَحوالٌ مُختَلِفَهٌ تاراتٌ مُتَصِرِّفَهٌ، اَلعِيشُ فيها مَذمومٌ و الاَمانُ مِنها مَعدومٌ»(۱)دنیا سرابی است پر از بلا و شناخته شده به بی وفایی، احوال آن نپاید و ساکنان آن به سلامت نرسند حالاتش گوناگون و نوبت هایش در حال تغییر است. زندگی در آن نکوهیده است و امنیت و آسایش در آن یافت نمی شود.

ص: ۱۲۰

۱- همان

۱۴. انحراف در دشمنی و نپذیرفتن ولایت شماست.

«سَعَدَ مَن والاکُم و هَلَکَ مَن عاداکُم و خابَ مَن جَحَدکُم و ضَلَّ مَن فارَقَکُم»

کامیاب است آنکه دوست شماست و هلاک شود آن که با شما دشمنی کند و ناامید است هر که منکر شماست و گمراه است هر که از شما جداست.

اگر مردم جهان و به ویژه فرقه های مختلف اسلامی از خیر و برکت دوستی با خاندان عصمت و طهارت مطلع بودند و اگر آثار شوم دشمنی و انکار مقام و منزلت این بزرگواران را می دانستند هیچ گاه خود را از اهل بیت علیهم السلام جدا نمی کردند و به هر وسیله ممکن با این گرامیان ارتباط برقرار می کردند.

خواهید گفت: مگر در کتاب های اهل سنت احادیث و روایات در منقبت و آثار محبت به این خانواده پر نیست و مضرات دشمنی و مخالفت با آن ها تبیین نشده؟ پاسخ قطعا مثبت است اما چه باید کرد. یا اکثر مسلمانان را در بی خبری گذاشته اند و یا به گونه ای این دوستی را مطرح کرده اند که آن ها را به عنوان یک انسان های خوب و با فضیلت می شناسند نه این که حتما باید از آن ها تبعیت کرد و آن ها را پیشوایان و جانشینان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شناخت. بلکه در مسایل اعتقادی و احکام شرعی افرادی پیدا شدند که خود را رهبران فرقه ها معرفی کرده و بر خلاف قرآن و سنت و سیره اهل بیت علیهم السلام حکم کردند و فتوا دادند در نتیجه قرن هاست که بین جمعیت زیادی از امت اسلام و اوصیاء رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم جدایی افتاده است و جالب تر آنکه پیروان واقعی ائمع طاهرین را از دین برگشته و رافضی می نامند و تندروهای آن ها ایشان را حتی مشرک معرفی می کنند!!

بگذریم مقداری در این میان از اهمیت دوستی و ولای اهل بیت قلم بزنیم که از هر چه بگذریم سخن دوست خوش تر است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«مَن سَرَّهُ اَن یَجمَعَ اللهُ لَهُ الخَیرَ کُلُه فَلیُوالِ عَلیّاً بَعدی و لیُوالِ اَولیاءَهُ و لیُعادِ اَعداءَهُ»(۱)

۱- امالی صدوق، ص ۵۶۰

کسی که دوست دارد خداوند متعال همه ی خیرات را برای او جمع کند،پس علی علیه السلام

را پس از من دوست بدارد و نیز دوستان او را دوست و دشمنان او را دشمن بدارد

و نیز فرمود:«حُبُّ علیٍّ علیه السلام سَیّدُ الاَعمالِ»(۱)

مهر و دوستی علی علیه السلام سرور همه ی اعمال است.

و نیز فرمود:«الرُّوحُ و الرّاحَهُ و الرَّحمَهَ و النُّصرَهُ و الیُسرُ و الیَسارُ و الرِّضا و

الرِّضوان و الفَرَجُ و المَخرَجُ و الظُّهورُ و التَّمکینُ و الغَنَمُ و المَحبَّهُ مِن اللهِ و مِن

رسولِهِ لِمَن والی علیّاً علیه السلام و ائتَمَّ بِهِ»(۲)

آسودگی، راحتی، رحمت، یاری، آسایش، دارایی، رضا، رضوان، گشایش، خروج

از مشکلات،غلبه، استقرار، بهره مندی و محبت، همه و همه از ناحیه خدا و پیامبر او

برای کسی است که ولایت علی علیه السلام را پذیرفته و از او پیروی نماید.

امام صادق علیه السلام فرمود:«لِکُلِّ شییءِ أساسٌ و اساسُ الاسلامِ حُبُّنا اهل البَیتِ»(۳)حاسن، ص ۱۱۳

برای هر چیزی پایه و اساس است و اساس اسلام محبت ما اهل بیت است.

وَ هَلَکَ مَن عاداکُم: امیر المومنین ضمن حدیث طولانی فرمود: کسی که ما را با

دلش دشمن بدارد و با زبان و دستش بر علیه ما اقدام نماید او به همراه دشمنان ما در

دوزخ است و کسی که ما را با قلبش دشمن بدارد و با زبانش بر علیه ما اقدام کند او در

دوزخ است و کسی که با قلبش ما را دشمنی نموده ولی با زبان و دستش علیه ما کاری

نکند باز هم در دوزخ جای دارد.(۴)

«سَعَدَ مَن والاکُم و هَلَکَ مَن عاداکُم و خابَ مَن جَحَدکُم و ضَلَّ مَن فارَقَکُم»

و باز در یک روایت طولانی که به بخشی از نکات آن می پردازیم اباذر غفاری

رضوان الله تعالی علیه می گوید: روزی در منزل ام سلمه در خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته

بودم و به فرمایشات او گوش می دادم که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد. چهره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱- بحار، ج ۴۰، ص ۵۴

۲- المحاسن، ص ۱۰۷

۳-

۴- خصال، ج ۲، ص ۶۲۹

از خوشحالی شکفته شد علی علیه السلام را در آغوش گرفت و پیشانی او را بوسید سپس رو به من کرد و فرمود:

ای ابوذر،این شخص را که بر ما وارد شد به حقیقت می شناسی؟

ابوذر گفت: عرض کردم: ای رسول خدا او برادر و پسر عمّ شما و همسر فاطمه علیها السلام و پدر حسن و حسین دو سرور جوانان بهشت است.

رسول خدا فرمود: ای ابوذر، این امامی است فروزنده و درخشان. درِ بزرگ رحمت خداوند است و هرکه خدا را اراده کند باید از آن در وارد شود.

ای ابوذر، او برپا کننده ی عدالت و مدافع حریم الهی و یاری کننده ی دین خدا و حجت پروردگار بر آفریدگان است. خداوند همواره در میان امتها به سبب او با خلق خود احتجاج می کند با اینکه در میان هر امتی پیامبر را برانگیخته است.

ای ابوذر،خداوند بر هر پایه ای از پایه های عرش خود هفتاد هزار فرشته قرار داده. تسبیح و عبادت آن ها دعا کردن برای علی علیه السلام و شیعیان او و نفرین کردن بر دشمنان آن حضرت است.

ای ابوذر، اگر علی علیه السلام نبود حق از باطل و مومن از کافر تشخیص داده نمی شد و خدا عبادت نمی گردید زیرا او بر سر مشرکین زد تا اسلام آورند و خدا را عبادت کنند. ای ابوذر! دوستان او مومن و دشمنان او کافرند. هر کس ارتباطش را با او قطع کرد گمراه و باعث گمراهی دیگران است و هر که ولایت او را انکار کرد مشرک است.

ابوذر گفت: عرض کردم ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدای شما دلم را سرشار از خوشحالی نمودی. زیادتر بفرمایید. فرمود: وقتی به آسمان هفتم بالا رفتم از فرشتگان آنجا شنیدم که می گفتند:«اَلحمدُللهِ الَّذی صَدَقَنا وَعدهُ»(۱) سپاس و ستایش مخصوص

خداوندی است که به وعده اش درباره ی ما عمل کرد. به آن ها گفتم: خداوند به شما چه

وعده ای داده بود؟

ص: ۱۲۳

۱- زمر/ ۷۴

عرض کردند ای رسول خدا هنگامی که خداوند شما را به صورت اشباحی در میان نور از نور خودش آفرید، ولایت شما را بر ما عرضه نمود و آن را پذیرفتیم به خدا شکایت کردیم که ما آن ها را دوست داریم و خواهان دیدار آن ها هستیم. نسبت به وجود مقدس شما وعده فرمود که او را در آسمان ها به شما نشان می دهم و اکنون به وعده اش وفا نمود.

و اما نسبت به علی علیه السلام وقتی به درگاه الهی شکوه کردیم که مشتاق دیدار او هستیم خداوند فرشته ای را به صورت علی علیه السلام برای ما آفرید و او را در طرف راست عرش بر روی تختی نشانید که ما هرگاه مشتاق دیدن علی علیه السلام می شویم به این فرشته نگاه می کنیم.

پس علی را از طرف ما سلام برسان.(۱)

آری سعادت دنیا و آخرت در گرو ولایت و دوستی مولایمان علی علیه السلام و فرزندان معصوم اوست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«حَبُّ علی بن ابی طالبٍ علیه السلام شَجَرَهٌ اَصلُها فی الجَنَّهِ و اَغصانُها فی الدنیا، فَمَن تَعَلَّقَ بَغُصنٍ مِنها جَرَّهُ الی الجَنَّهِ»(۲)

محبت و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام همانند درختی است که ریشه ی آن در بهشت و شاخه هایش در دنیا باشد. هر کس به شاخه ای از آن بیاویزد او را به بهشت بکشاند.

۱- بحار، ج ۴۰، ص ۵۵ و غایه المرام ص ۶۰۸

۲- تفسیر برهان، ج ۱، ص ۶۴

۱۵.اهل بیت نبوّت فقط شمایید:

«السَّلامُ علیکُم یا اَهلَ بیتِ النُّبُوَّهِ»

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت.یکی از مغلطه هایی که مخالفین اهل بیت درباره

خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می کنند این است که می گویند منظور از اهل بیت پیامبر همسران

رسول خداست درحالی که غیر از آیه تطهیر آیات متعددی در قرآن موجود است که

دلالت می کند که منظور از عترت و اهل بیت نبوت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام

هستند.

برای اثبات این ادعا به آیه مباهله و آیه ذوی القربی و امثال آن ها می توان اشاره کرد

ابتدا به شان نزول آیه تطهیر بپردازیم و بعد یک یک آیات مربوط اهل بیت را مورد

بررسی قرار دهیم:

این روایات در تفسیر و کتاب های اهل سنت آمده است:

ابن مردیه از ابن عباس روایت کرده که گفت:شَهِدنا رسولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم تَسعَهَ اَشهُرٍ

یَأتی کُلَّ یَومٍ بابَ علیٍّ بن اَبیطالبٍ عندَ وَقتِ کُلِّ صَلوهٍ فَیَقولُ: السَّلام علیکم وَ

رَحمهُ اللهِ و برکاتُهُ اَهلَ البَیتِ اِنَّما یریدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرِّجسَ اهلَ البَیتِ وَ

یُطَهِّرَکُم تَطهیراً»(۱)

ما نه ماه همه روزه شاهد این جریان بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام هر نمازی به در

خانه علی بن ابی طالب علیه السلام آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت و رحمت خدا و برکات او

«اِنَّما یریدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرِّجسَ اهلَ البَیتِ وَ یُطَهِّرَکُم تَطهیراً»(۲)

حق این است که خدا می خواهد ناپاکی از شما اهل بیت برده شود و پاکیزه تان کند

پاکیزه کامل.

از ابن جریر از ابن ابی حاتم و طبرانی از ابی سعید خدری روایت می کند که رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:نَزَلَت هذِهِ الآیَهُ فی خَمسَهٍ فیَّ وَ فی علیٍّ و فاطِمَهَ و حسنٍ و

۱- تفسیر درّ المنثور سیوطی، ج ۵، ص ۱۹۹

۲- احزاب / ۳۳

حسینٍ اِنَّما یُریدُ اللهُ تا آخر آیه این آیه در شأن پنج نفر نازل شده دربارهٔ من و علی و فاطمه و حسن و حسین و بعد حضرت آیه را تلاوت نمود.(۱)

یحیی بن عبید از عطا از عمربن ابی سلمه فرزند همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که گفت آیه«اِنَّما یُریدُ الله تا آخر» فی بَیتِ اُمِّ سَلمَهٍ فَدَعی النَّبیُّ صلی الله علیه و آله و سلم عَلیّاً و فاطمهَ و حَسَناً و حُسیناً فَجَعَلَهم بِکِساءٍ ثُمَّ قال:«اَللهمَّ هؤلاءِ اَهلُ بیتی فَاذهِب عَنهُمُ الرِّجسَ طَهِّرهُم تَطهیراً» قالَت اُمُّ سَلمَهٍ و اَنا مَعَهم یا نَبیَّ اللهِ؟ قالَ اَنتَ علی مَکانِکَ و اَنتَ الی خَیرٍ»(۲)

در خانه ام سلمه نازل شد. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علی و فاطمه و حسن و حسین را دعوت کرد و همه را زیر کساء قرار داد و گفت: بارالهااینان اهل بیت منند. پروردگارا پلیدی را از ایشان ببر و پاکشان کن. ام سلمه گفت: ای پیغمبر خدا آیا من نیز با ایشان هستم؟ فرمود تو جای خود داری و عاقبتت بخیر است.

جا دارد همین جا به حدیث کساء که صاحب عوالم از جابربن عبدالله انصاری و او از فاطمه زهرا علیها السلام نقل می کند و مرحوم محدث قمی در پایان مفاتیح الجنان ذکر نموده و حقیر از فرزند آن مرحوم عالم بزرگوار حاج شیخ محسن محدث زاده پرسیدم که مرحوم والد رحمه الله علیه حدیث کساء را در مفاتیح آورده بودند فرمود آری. حالا بعضی چگونه به خود اجازه داده اند که اولا وجود حدیث کساء را در مفاتیح الجنان تکذیب کنند و بعد هم خود حدیث را که مجموعه ای نورانی و اثرگذار بوده و هست و از مضامین فصیح و دلنشین توسل به اهل بیت برخوردار است و البته ایشان در منطقه سیطره خود حدیث کساء را ممنوع کرده و از درون مفاتیح بیرون آورده است(جزاهُ اللهُ ما یَشاءُ)!

آیه دیگری که خاندان و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مشخص می کند و مثل آیه تطهیر

حتی ام سلمه که جزو بهترین همسران رسول خدا بوده از جمع اهل بیت جدا می کند آیه

ص: ۱۲۶

۱- درالمنثورسیوطی،ج ۵، ص ۱۹۸

۲- ینابیع المودّه، ص ۱۰۷

شریفه مباهله است:«فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَ

نَا وَ أَبْنَائکُمْ وَنِسَاءَنَا وَ نِسَاءَکُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَهَ اللَّهِ عَلَی

الْکَاذِبِینَ»(۱)

و هر که با وجود این علم سوی تو آمده با تو مجادله کند بگو بیائید پسران و زنان و

نفوس خویش بخوانیم و تضرّع کنیم آنگاه نفرین خدا به دروغگویان کنیم.

جلال الدین سیوطی سنی مذهب در ذیل این آیه آورده است: جابر روایت کرده که

چون دو نفر از نصارای نجران نزد رسول خدا آمدند گفتند: ای محمد ما اسلام

آورده ایم و تسلیم خداییم. فرمود: دروغ می گویید. اگر خواهید به شما خبر دهم که مانع

اسلام شما چیست؟

گفتند: بگو. فرمود: دوستی صلیب و نوشیدن شراب و خوردن گوشت خوک

جابر گوید: پیغمبر آنان را به مباهله خواند. به پیغمبر وعده دادند که فردا برای آن

حاضر شوند. صبح که شد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی و فاطمه و حسن و حسین را همراه خود برای

مباهله آورد و به سوی آن دو فرستاد که حاضر شوند. آنان از مباهله امتناع نموده

راضی بجزیه شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به آن خدایی که مرا به حق فرستاد اگر مباهله

می کردند این بیابان بر سر آنان آتش می بارید. جابر گفت: آیه شریفه تعالوا نَدعُ أبناءَنا

و ابناءَکُم تا آخر آیه درباره آنان نازل شد. «اَنفُسنا و اَنفُسَکُم» رسول الله و علی

می باشند و اَبناءَنا حسن و حسین و نسائَنا فاطمه علیها السلام است.(۲)

آیه ذوی القربی نیز دلالت دارد که اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند.

«قُلْ لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی»(۳)

بگو: من از شما برای پیغمبری مزدی، بجز مودّت خویشاوندان نمی خواهم.

ابن عباس می گوید همین که این آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا تا آخر» نازل شد «قالوا

يا رسولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم مَن هؤُلاءِ الَّذينَ اَمَرَنا اللهُ بِمَوَدَّتِهِم قالَ عليٌّ و فاطمهُ و

ص: ۱۲۷

۱- آل عمران / ۶۱

۲- تفسیر درالمنثورسیوطی، ج ۲، ص ۷۳

۳- شوری / ۲۳

وَلَدُهُما»(۱)

عده ای گفتند ای رسول خدا منظور آیه کیانند که خداوند ما را امر به مودت بر آن ها نموده؟

حضرت فرمود: علی و فاطمه و فرزندان آنها.

در تفسیر قمی از محمد بن مسلم روایت شده که گفت از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: منظور از قربی در آیه«یعنی فی اَهلِ بَیتِهِ» اهل بیت رسول خدایند.

در روایتی دیگر همان گرامی فرمود:«هُمُ الأئِمَّهُ الَّذینَ لا یَأکلونَ الصَّدَقَهَ و لا تَحِلُّ لَهُم»(۲) منظور از ذوی القربی در آیه امامانی هستند که صدقه نمی خورند و برایشان حلال نیست.

و باز آیه ای که دلالت به اهل بیت النبی دارد این آیه شریفه است:

«فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ»

در خانه هایی که خدا اجازه داده برآورند و نام وی بامداد و شبان در آن یاد شود.

ابن مردویه از انس بن مالک و بریده روایت کرده که گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی آیه فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ را خواند مردی برخاست و گفت: این کدام بیوت است حضرت فرمود بیوت پیامبران. ابوبکر برخاست و گفت ای رسول خدا این بیت علی و فاطمه نیز از آن هاست؟ فرمود آری بلکه از بهترین آن ها می باشد. تفسیر درالمنثور، ج ۵، ص ۵۰

«الَّذِینَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»(۳)

همان کسانی که ایمان دارند و دل هایشان به یاد کردن خدا آرام گیرد بدانید که دل ها به یاد خدا آرام می گیرد.

ابن مردویه از علی بن ابی طالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: وقتی

این آیه نازل شد حضرت فرمود: اینها کسانیند که خدا و رسولش و اهل بیت رسولش را

۱- مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۹
۲- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۲۴
۳- رعد / ۲۸

به راستی نه به دروغی دوست بدارند و مومنین را شاهد و غایبشان را دوست بدارند.

آری با یاد خداست که یکدیگر را دوست می دارند.(۱)

تاویل آیه ای دیگر درباره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از منظر امیرالمومنین علی علیه السلام:

«وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ

مِنْ أَبْوَابِهَا»(۲)

نیکی آن نیست که به خانه ها از پشت آن درآیید بلکه نیک آن است که پرهیزکاری

کند به خانه ها از درهای آن وارد شوید.

«قَد جَعَلَ اللهُ لِلعِلمِ اهلاً و فَرَضَ علی العِبادِ طاعَتَهُم بِقَولِهِ و أتُو البیوتَ مِن

اَبوابِها و البیوتُ هِیَ بیوتُ العِلمِ الَّذی استودَعَتهُ الاَنبیاءُ و ابوابُها أوصیاؤُهُم.و

عَنهُ علیه السلام نَحنُ البیوتُ الَّتی اَمَرَ اللهُ اَن یؤتی اَبوابُها نحنُ بابُ اللهِ و بیوتُهُ الَّتی

تُؤنی منهُ فمن تابَعَنا و اَقَرَّ بُولایَتِنا فقد أتی البیوتَ مِن اَبوابِها وَ مَن خالَفَنا و فَضَّلَ

علینا غَیرَنا فقد اَتی البیوتَ مِن ظهورِها»

خداوند برای علم حاملانی قرار داده و اطاعت آن ها را بر مردم واجب کرده سپس

حضرت به کلام خدا اشاره کرد که«و أتُو البیوتَ مِن اَبوابِها» بیوت در این آیه همان

خانه های علم آنچنانه ایست که خداوند به امانت در اختیار پیامبران قرار داد و درب های

آن خانه ها اوصیا و جانشینان آن ها هستند. و نیز حضرت فرمود: ما هستیم آن

خانه هایی که خداوند امر می کند که درب های آن ها وارد شوید. ماییم بابُ الله و خانه ای

که باید به آن داخل شوید بنابراین هر کس از ما پیروی کند و اقرار به ولایت ما بنماید به

تحقیق داخل در خانه ها از درب آن ها شده و هرکس با ما مخالفت کند و غیر ما را بر ما

برتری دهد قطعا از پشت خانه ها وارد شده است.

یک بار امام رضا علیه السلام پاسخ سوال مامون را که پرسید آیا خداوند عترت را بر سایر

ص: ۱۲۹

۱- تفسیر درالمنثور، ج ۱۱، ص ۴۰۵

۲- بقره / ۱۸۹

مردم فضیلت بخشیده است؟ اینگونه داد: خداوند فضیلت عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در کتاب محکمش آشکار فرمود. مامون گفت در کجای قرآن؟ فرمود:

در آن آیه«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَی آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِیمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَی الْعَالَمِینَ

ذُرِّیَّهً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ»(۱)

خدا آدم و نوح و خاندان عمران را از اهل جهان برگزید نسل ابراهیم و عمران بعض آن از بعض دیگر است.

ابی بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم آل محمد چه کسانی هستند؟

فرمود: ذریه او می باشند. گفتم اهل بیت پیامبر کدامند؟ فرمود: امامان و جانشینان آن حضرت. عرض کردم منظور از عترت چه کسانی هستند؟ فرمود: پنج تن اصحاب عباء

گفتم: امت پیامبر کدامند؟ فرمود: مومنینی که آنچه از جانب پروردگار آمده تصدیق کنند و به ثقلین که امر به تمسک جستن آن ها شده بگروند. یعنی کتاب خدای بزرگ و عترت اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم اجمعین و البته همان اهل بیتی که آیه تطهیر در شانشان نازل شده آری قرآن و عترت دو جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بعد از او می باشند.معانی الاخبار، ص ۶۴

السَّلامُ علیکم یا اَهلَ بیتِ النُّبُوَّهِ در حدیثی جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است

که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد نشسته بود که ناگهان علی علیه السلام در حالی که امام حسن علیه السلام در طرف راست و امام حسین علیه السلام در طرف چپ ایشان بودند وارد شد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جای برخاست و علی علیه السلام را بوسید و او را در برگرفت. امام حسن علیه السلام را بوسید و بر زانوی راست خد نشانید و امام حسین علیه السلام را بوسید و او را بر زانوی چپ نشانید. سپس

این دو عزیزش را بوسید و لب های آن ها را می مکید و می فرمود:

پدرم فدای شما و پدرم فدای مادر شما.

سپس فرمود: ای مردم خداوند تبارک و تعالی به وجود این دو بزرگوار و پدرشان و

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام،ج ۲، ص ۱۸۷ اشاره به سوره آل عمران / آیه ۳۳ و ۳۴

فرزندان پاک ایشان بر تمامی فرشتگانش مباهات می کند. سپس عرض کرد:

«اَللهُمَّ إنی اُحِبُّهم و اُحبُّ مَن یحبُّهُم ، اللهم مُن أطاعَنی فیهم و حَفِظَ وصیَّتی فَارحمهُ

برحمتکَ یا أرحم الراحمین. فَأِنهم أهلی والقَوّامونَ بدینی وَ المُحیوُنَ لِسُنَّتی وَ

التالونَ لِکتابِ ربِّی ، فطاعَتُهُم طاعَتی وَ معصیتُهُم مَعصیَتی.»(۱)

خداوندا من این ها را دوست دارم و دوستان ایشان را نیز دوست دارم. هرکه گفتار

مرا درباره ی آن ها اطاعت کند و سفارش مرا رعایت نماید او را مورد رحمت خود قرار

بده و تو از هر کس رحم کننده تر و مهربان تر هستی همانا آن ها اهل من و بر پا

دارندگان دین من و زنده کنندگان سنت من و تلاوت کنندگان کتاب پروردگار من هستند.

پس فرمانبرداری از آن ها فرمانبرداری از من و سرپیچی نمودن از ایشان سرپیچی کردن

از من است.

۱- بحار، ج ۲۷، ص ۱۰۴

۱۶. ابواب ایمان هستید:

«و اَبوابُ الایمان ــ مؤمِنٌ بسرِّکُم و علانیتِکُم و شاهِدِکُم و غائِبکُم و اوَّلِکُم و

آخرِکُم»

شما درهای ایمانید ــ من به اسرارتان و آشکارتان و شاهد و غایبتان و اول و آخرتان

ایمان دارم.

چگونه ائمه طاهرین علیهم السلام درهای ایمانند؟ ایمان طبق روایات وارده عبارت است

«معرفهٌ بالقَلبِ و قَولٌ باللّسانِ و عملٌ الاَرکانِ»(۱) ــ «عقدٌ بِالقَلبِ و لَفظٌ

باللّسانِ و عملٌ بالجوارحِ»(۲)

در روایت اول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ایمان شناخت با دل است و گفتن با زبان و

عمل با اعضا بدن روایت دوم از امام رضا علیه السلام است که فرمود: ایمان پیمان قلبی است و

تلفظ زبانی و عمل با اعضا و جوارح است.

کسی که در اولین شرط ایمان بلغزد بی شک در دو شرط دیگر نیز خواهد لغزید

شناخت با دل و یا پیمان قلبی به چه چیزها که شرط اول ایمان است گفته می شود.

فکر می کنم با این روایت امام باقر علیه السلام مطلب روشن گردد:

«بُنَیَّ الاسلامُ علی خمسَهِ اَشیاءَ: علی الصَّلوهِ و الزَّکاهِ و الحجِّ و الصَّومِ و

الوِلایَهِ قالَ زُرارَهُ: فقلتُ: و اَیُّ شیی ءٍ مِن ذلکَ اَفضَل؟ فقالَ: الوَلایَهُ أفضَلُ؟ فقالَ:

الوَلایَهَ اَفضَلُ لِاَنَّها مِفتاحُهُنَّ و الوالیَ هوَ الدَّلیلُ علیهِنَّ»(۳)

اسلام بر پنج چیز استوار است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. زاره می گوید:

پرسیدم: از میان آن ها کدام برتر است؟ فرمود: ولایت برتر است. زیرا ولایت کلید

آن هاست و صاحب ولایت راهنمای به سوی آن ها.

ملاحظه فرمودید که کلید ورود به ارکان اسلام ولایت است و این خاندان مطهر

۱- کنزالعمال / ۲

۲- معانی الاخبار، ص ۱۸۶

۳- کافی، ج ۲،ص ۱۸

هستند که به خوبی ما را به سایر موارد ایمان و اسلام راهنمایی می کنند

در آغاز دعای معرفت از جمله دعاهای معروف است که در زمان غیبت امام عصر

روحی له الفداء وارد است اینگونه آمده:

«اللهمَّ عرِّفنی نَفسَکَ فاِنَّکَ اِن لم تُعَرِّفنی نفسکَ لَم اَعرِف نَبیَّک اللهمَّ عَرِّفنی

رسولَکَ فاِنَّکَ اِن لم تِعَرِّفنی رسولکَ لَم اَعرِف حُجَّتَکَ اللهمَّ عَرِّفنی حُجَّتَکَ

فاِنَّکَ اِن لم تِعَرِّفنی حُجَّتَکَ ضَلَلتُ عن دینی، اللهمَّ لا تُمِتنی مَیتُهً جاهلیَّهً و لا تِزِغ

قلبی بَعدَ اِذ هدیتَنی»(۱)

درکتاب شریف غیبت نعمانی (ص ۱۳۴) روایتی را از امام صادق علیه السلام آورده و از

قول زراره نقل می کند که حضرت فرمودند: اگر زمان غیبت ما حضرت قائم علیه السلام را درک

کردی این دعا (دعای معرفت) را بخوان.

کلید و درب توحید و نبوت امامت است و نشناختن و انکار امامت یعنی مرگ

جاهلیت کسی که خدا را نشناخت قطعا پیامبر خدا را نیز نخواهد شناخت و کسی که

پیامبر را نشناخت وصی پیامبر و حجت خدا را نیز نخواهد شناخت و در نتیجه گمراه در

دین شده و مرگ او مردن جاهلیت و گرفتار زیغ و انحراف در دین خدا خواهد شد.

احساس نیاز برای شناخت مقام ولایت و امامت از اینجا سرچشمه می گیرد که هر

مسلمان حداقل این احتمال را می دهد که خداوند بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای

امت سرپرست و راهبری برای معین نموده و اگر کسی در شناختن آن مسامحه کند عذری در

پیشگاه پروردگار نخواهد داشت.

و از آن گذشته رابطه عمیق و غیر قابل انفکاکی که بین شناختن خدا و رسول و امام

موجود است ما را وادار به کاوش در شناختن مقام ولایت و امامت می نماید. به این دلیل

که هر سه معرفت مکمل یکدیگرند شناختن خدا وابسته به شناخت مقام نبوت است و

شناخت مقام نبوت مربوط به شناخت حجت خداست و بی خبری از مقام حجت خدا

ص: ۱۳۳

۱- مصباح المتهجد، ص ۴۱۱

گمراهی و ضلالت در دین است.

پس (ابواب ایمان) ائمه طاهرین علیهم السلام هستند و هر که علاقه مند است که در تمام ایمان و درجات و مراتب آن ترقی کند باید از درب ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام وارد شود و در غیر این صورت به دست قطاع الطریقهای اعتقادی و اخلاقی می افتد و او را به راهی می برند که به جهنم ختم خواهد شد.

ابی خالد کابلی نقل می کند که از امام باقر علیه السلام پرسیدم که تفسیر کلام خدا «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنَا »(۱) پس به خدا و پیامبر او و این نور که نازل کرده ایم ایمان بیاورید چیست؟ فرمود: اباخالد! سوگند به خدا که منظور از نور نور ائمه از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم تا روز قیامت است. قسم به هدا ایشان همان نور خدا در آسمان ها و زمین می باشند و سوگند به خدا ای اباخالد نور امام در قلب بندگان مومن درخشنده تر از نور خورشید در روز است. سوگند به خدا که اینها دل های مومنین را نورانی می کنند و البته خداوند نور اهل بیت را از هر که بخواهد محجوب می دارد و دل های این افراد را تاریک می کند«و اللهِ یا اباخالدُ لا یُحِبُّنا عبدٌ و یَتَوَلّانا حتّی یُطَهِّرَاللهُ قَلبَهُ و یُطَهِّرُ اللهُ قَلبُ عبدٍ حتّی یَسلِمَ لَنا و یکونَ سِلماً لَنا فاذا کانَ سَلّماً لَنا سَلَّمَهُ اللهُ مِن شَدیدِ الحسابِ و آمَنَهُ مِن فَزَعِ یومِ القیامَهِ الاکبرِ»(۲)

قسم به خداوند ای اباخالد! تا کسی زمینه قلبش پاکیزه نباشد ما را دوست نخواهد داشت و زیر بار ولایت ما نخواهد رفت و قلب کسی پاکیزه نمی شود مگر آنکه تسلیم ولایت ما اهل بیت شود و هر کس تسلیم ما شد خداوند او را از شدت حساب سلامت می دارد و از فزع بزرگ روز قیامت در امان خواهد بود.

مومنٌ بِسِّرِکُم و علانیَّتِکُم و شاهدِکُم و غائِبِکُم و اَوَّلِکُم و آخِرِکُم:

اسرار آل محمد علیهم صلوات الله برای همه کس بازگو نشده برای اصحاب سّر هم

همه اسرار بیان نشده است. هر کدام از ائمه علیهم السلام در بین شاگردان ممتاز خود تعدادی را که

۱- تغابن / ۸

۲- کافی جلد ۱، ص ۱۹۴

دارای ظرفیت سرّ نگهداری بودند و از درجات ایمانی بالایی برخوردار بودند انتخاب می کردند و مطالبی را از باطن وجود خود و ملکوت این جهان و آخرت برایشان فاش می ساختند.

همان طور که وجود نازنین امیر المومنین علی علیه السلام کانون اسرار رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود. یک بار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در آغوش گرفت و فرمود:

«یا ابالحسن اِنَّ اللّه خَلَقَکُم مِن اَنواری کذالکَ وافَق سِرُّکَ أسراری و ضَمیرُکَ اَضماری تطالَعُ روحی لِروحِکَ شهِدَ اللّهُ لِذلکَ و الفائِزونَ و الصّابرونَ و حَمَلِهِ العَرشِ اَجمعونَهُ یَشهدونَ بِامتِزاجِ اَرواحِنا اِذ کَنّا مِن نورٍ واحدٍ قال الله تعالی:«وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَ کَانَ رَبُّکَ قَدِیرًا»(۱)

«کَفاکَ یا علیُّ، مِن نَفسِکَ عِلمُ اللهِ فیکَ و کفانی منکَ علمی فیکَ و وکُلُّ قَرینٍ یَنصرِفُ بقرینه و انصَرِفُ النِّبیُّ صلی الله علیه و آله و سلم بعلیٍّ علیه السلام»(۲)

ای ابالحسن! خداوند شما را از انوار من آفرید و سرّ و ضمیر تو را همگون سرّ و ضمیر من قرار داد که روح من بر روح تو واقف است و خداوند بر این امر گواهی داد و همچنین همه رستگاران بردباران و حاملان عرض برآمیخته شدن ارواح ما گواهی دادند چرا که ما از یک نور بودیم خدای متعال می فرماید:«او کسی است که از آب انسانی را آفرید سپس آن را نسب و سبب قرار داد و پروردگار تو همواره توانا بوده است.

ای علی! بر تو همین بس که خدای از سرشت تو آگاه است و برای من همین بس که من از مقام تو آگاهم و هر قرین و همنشینی به قرینش باز می گردد و علی علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

بازگشت. در عبارت زیارت جامعه کبیره بود که ما به اسرار پنهان و آشکارتان ایمان

۱- فرقان / ۵۴

۲- القطره، ج ۲، ص ۳۵۸ به نقل از نهج الایمان، ص ۳۱۳

داریم ما به حاضرتان و غایبتان ایمان داریم و به اول و آخرتان نیز.

یعنی چهار امامی و پنج امامی و واقفیه و اسماعیلیه و زیدیه و امثال آن نیستم ما هر دوازده امام را پیشوای خود می دانیم به امام حاضر و امام غایب نیز ایمان داریم.

و حتی منتظریم که امام غایب علیه السلام ظاهر شود و تشکیل حکومت عدل جهانی دهد و اسلام و مسلمین را عزت بخشد.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ»(۱)

خدایا میل و زغبت داریم به برقراری دولت با کرامتی که در سایه آن اسلام و مسلمین عزت یابند و نفاق و منافقین ذلیل گردند.

نکته مهم آرامش و امنیت واقعی است که فقط در حکومت حضرت مهدی (عج) برقرار می گردد همه عدالت خواهان جهان در پی ظهور چنین انسان کاملی هستند و امید به آمدن عدالت گستر دارند و این وعده الهی است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»(۲)

خداوند به آنانی که از شما ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده اند وعده می دهد که در روی زمین جانشینشان کند همان طور که پیشینیان را نیز جانشین کرد و دینشان را که برای آن ها پسندیده مسقر سازد بعد از نگرانی ها ترس آنان را به امنیت مبدل خواهد نمود.

از امام سجاد علیه السلام روایت شده وقتی این آیه را تلاوت کرد فرمود: ایشان به خدا

سوگند شیعیان ما اهل بیتند که خدا این وعده خود را در حق ایشان به وسیله مردی از ما

ص: ۱۳۶

۱- دعای افتتاح، مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- نور / ۵۵

مطالبه خواهد کرد و او مهدی این امت است.(۱)

و از امیر المومنین علی علیه السلام روایت شده که این آیه مربوط به زمانی است که از اسلام جز اسمی باقی نخواهد ماند و از قرآن جز رسمی و صاحب الامر به علت عذری که دارد و به علت آلوده شدن قلب ها به فتنه ها تا جایی که نزدیک ترین افراد به آن حضرت دشمن ترین است آن حضرت غایب خواهد بود تا اینکه پروردگار با لشکریان غیبی خود او را تایید می کند و دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر همه ادیان غلبه می دهد. اگر چه مشرکان ناراحت شوند.(۲)

آری هنگامی که دولت کریمه امام زمان روحی له الفدا برقرار گردد چنان امنیتی در سطح جهان برقرار می شود که حتی حیوانات آزار نمی رسانند.

مولایمان علی علیه السلام درباره عصر ظهور و دولت امام دوازدهم علیه السلام فرمود:

«هنگامی که قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او آسمان آنچنان که باید ببارد می بارد و زمین نیز می روید و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و میان حیوانات درنده و اهلی آشتی برقرار می شود به گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هرجا قدم می گذاری همه سبز و خرم است و بر روی سرش زینت هایش را گذارده و هیچ کس او را آزار ندهد و نترساند»(۳)

۱- تفسیر مجمع البیان ج ۷، ص ۱۵۲
۲- تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۴۳
۳- تحف العقول، ص ۱۰

حرف _ ب:

۱۷. باب نجات امتید:

«مَن اَتاکُم نَجی و مَن لَم یَأتِکُم هَلَکَ»:

کسی که به سراغ شما آمد نجات یافت و هر که با شما ارتباط نداشت هلاك شد.

رفتن در خانه اهل بیت علیهم السلام و گرفتن معارف از این خانواده مساوی است با نجات و نیکبختی دنیا و آخرت و قطع ارتباط با ایشان مساوی است با هلاکت در دنیا و آخرت.

البته این سخن صرفاً یک ادعا نیست بلکه برگرفته از ده ها آیه و روایات است که از طریق فرقین مورد تایید قرار گرفته است.

چرا در میان هفتاد سه فرقه یک گروه فقط گروه ناجیه معرفی شده اند؟

برای اینکه گروه ناجیه به راستی و درستی گوش به فرمان خدا و رسول او بوده و هستند و هرآنچه را که خدا و رسول به عنوان عقاید اسلامی و متون دینی تبیین فرمودند سمعاً و طاعاً گفتند. بدعت در دین خدا نگذاشتند. دین تراشی نکردند و به طور کامل و در بست تابع حلال و حرام و واجب و مستحب و مکروه خدا و رسول و جانشینان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشند.

جمله «مَن اتاکُم نجی» تعارف نیست شعار نیست برای دلگرمی شیعیان اهل بیت از زبان امام هادی علیه السلام در زیارت ارزشمند جامعه کبیره نیامده بلکه سفارش مکرر و رهنمود روشن پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است.

ص: ۱۳۹

«اِنَّما اَنتَ مُنذِرٌ وَ لِکَلِّ قَومٍ هادٍ»(۱)

ای رسول ما تو فقط بیم رسانی و هر گروهی را رهبری هست.

از ابن عباس روایت شده که وقتی آیه (اِنَّما اَنتَ مُنذِرٌ) نازل شد«قال رسول

الله صلی الله علیه و آله: أنا المُنذرُ و علیٌّ الهادی مِن بَعدی ، یا علیُّ بِکَ یَهتدِی المُهتَدونَ.»(۲)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: منذر منم و علی هادی بعد از من است یا علی به توسط تو هر

طالب هدایت به راه خواهد آمد.

ابی برده برده أسلمی می گوید: رسول خدا مطالبه آبی برای وضو نمود. پس از گرفتن وضو

در حالی که علی بن ابی طالب در کنارش بود دست علی علیه السلام را گرفت و بر سینه خود

گذاشت و فرمود:«اِنَّما انتَ منذرٌ» سپس بر سینه علی علیه السلام گذاشت و گفت«وَ لِکُلِّ هادٍ»

و آنگاه اضافه کرد که یا علی تو هستی نور بخش انسان ها پرچم دار هدایت سرپرست

شهرها شهادت می دهم که به تحقیق تو این چنین می باشی(۳)

در روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه آمده«المُنذَرُ رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم و

الهادی امیر المومنین علیه السلام بَعدَهُ و الأئمه علیهم السلام و هوَ قولُهُ «وَ لِکُلِّ قَومٍ هادٍ» فی کلِّ

زمانٍ امامٌ هادٍ مبینٍ»(۴)

منظور از منذر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و هادی امیر المومنین علیه السلام و امامان بعد از او هستند

و مقصود از «وَ لِکُلِّ قومٍ هادٍ » این است که در هر زمان یک امام هدایت گر وجود

خواهد داشت.

آنان که طالب نجاتند و اراده کرده اند که سیر الی الله و توفیق هدایت پیدا کنند یک

راه بیشتر ندارند و آن هم راه ائمه طاهرین علیه السلام است.

مکتب هایی که ساخته و پرداخته ذهن بشر بوده و هست در دیروز و امروز

تنوانسته اند بشر را به ملکات اخلاقی و انسانی سوق دهند. یک روز فرقه های جدا شده و

از اهل بیت در عصر حضور ائمه علیهم السلام قد علم کردند و محصول کارشان را دیدیم که چه

۱- رعد / ۷

۲- بحار، ج ۲۳، ص ۳

۳- همان

۴- بحار، ج ۲۳، ص ۳

فجایع و جنایاتی را در تاریخ به وجود آوردند در عصر غیبت و در این دوران بیش از هزار سال می گذرد رهبرانی پیدا شدند تا به اصطلاح خلاء معنوی عده ای سرگردان و دور از ولایت را پر کنند تحت نام های مختلف اما دیدیم و می بینید که جز گمراهی و افتادن در دام شیطان و مرید و مریدبازی محصولی نداشته است. چون اینها مریدان خود را دعوت به خود می کنند و دعوت به خدا نمی کنند اگر دعوت به خدا می کردند خداوند تبارک و تعالی خود آموخته است راه مسیر به سوی من رفتن به سوی انبیاء و اوصیاء است و اینگونه رهبران دروغین هدایت بشر حرف خداوند تبارک و تعالی و رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را قبول ندارند و چیزهایی را می گویند که سراسر بدعت و بافته ذهنیات خودشان است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر کلام خدا که می فرماید:«اِنَّ الَّذینَ فَرَّقوا دینَهُم و کانوا شیعاً»(۱) آنان که دین خود را فرقه فرقه کردند و گروه گروه شدند:«هَم اَصحابُ البِدَعِ وَ اَصحابُ الأهواءِ، لیسَ لَهُم تَوبَهٌ اَنا مِنهُم بَریٌ و هُم منّی بُراءُ»(۲)

اینان همان بدعتگذاران و هواپرستانند و توبه آنان پذیرفته نیست من از آنان بیزارم و آنان از من بیزارند.

ما معتقدیم یکی از عوامل مهم جدا شدن مردم پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از اهل بیت که همان سبب هلاکتشان گردیده بدعت هایی بود که توسط غاصبین حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم گذاشته بود.

به این بیان رسای امیر المومنین علی علیه السلام دقت کنید:

«ما اُحدِثَت بِدعَهٌ الّا تُرِکَ بِها سَنَّهٌ فاتَّقو لِبدَعَ و الزِموا المَهیَعَ، اِنَّ عوازِمَ الأمورِ أفضَلُها وَ اِنَّ مُحدَثاتِها شِرارُها»(۳)

هیچ بدعتی نهاده نشده مگر آن که بدان سبب سنی ترک شد. از بدعتها بپرهیزید و راه

ص:۱۴۱

۱- روم/ ۳۲

۲- کنزالعمال / ۲۹۸۶

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۹۲

روشن را در پیش بگیرید. بهترین کارها آن است که پیشینه داشته باشد و بدترین آن ها آن است که نو پدید و بی سابقه باشد.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند که عده ای بعد از ایشان گرفتار تردید و دودلی خواهند شد و با تمام سفارشات ۲۳ ساله ی دوران رسالت در باب خلافت بلافصل امیر المومنین و اهل بیت علیهم السلام نخواهند آمد و عده ای از خدا بی خبر مسیر اسلام ناب را کج کرده و تا ثریا کج خواهند رفت که داریم بعد از چهارده قرن این کجی و انحراف را به راحتی احساس می کنیم.

بر همین اساس بود که در زمان حیاتش پیش بینی کرد و فرمود:

«اذا رَأیتُم اَهلَ الرَّیبِ و البِدَعِ مِن بَعدی فَأظهِرُا البَراءَهَ منهم و اَکثِروا مِن سَبِّهِم و القولِ فیهم و الوَقیعَهِ و ناهِبو هُم کَی لا یَطمَعوا فی الفَسادِ فی الِاسلامِ و تُحذَرَهُمُ النّاسُ و لا یَتَعَلَّموا مِن بِدَعِهِم یَکتُبِ اللهُ بذلکَ الحَسَناتِ و تُرفَع لَکُم بِها الدِّرَجاتُ فی الآخِرَهِ»(۱)

هر گاه شکاکان و بدعتگذاران پس از من را دیدید از آنان بیزاری نشان دهید و تا می توانید به ایشان بد و ناسزا بگویید و بر آنان بتازید تا در تباه کردن اسلام چشم طمع ندوزند مردم را از آن بر حذر دارید و از بدعتهای آنان چیزی نیاموزید بدین سان خداوند برای شما ثواب ها می نویسد و درجات شما را در آخرت رفعت می بخشد.

اگر می گوییم که اهل بیت علیهم السلام باب نجات امتند صرفا یک ادعا نیست چون از دو حال بیرون نیست یا باید معارف و اعتقادات را از اهل بیت علیهم السلام فرا گرفت و یا از کسانی که مقابل آن ها هستند و مقابل آنان چه کسانی بودند؟ جز بدعتگذاران و آن هایی که حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال اعلان کردند!

این طور هم نبوده که مردم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بلاتکلیفی بسر می بردند و بالاجبار

۱- تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۶۲

تن به خواسته های اهل بدعت دادند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مکرر و به عنوان ها و مناسبت های گوناگون تکلیف امت را بعد از خود معین فرمود و هشدار داد که «اِنَّکُم سَتَلُوَّنَ بَعدی أثَرَهً فَاصبروا حَتّی تَلقَونی علی الحَوضِ»(۱) به زودی پس از من با اموضاع ناگواری روبه رو خواهید شد در آن هنگام شکیبایی پیشه کنید تا آن که در کنار حوض مرا دیدار کنید

این اوضاع ناگوار پیش بینی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود جالب است که این حدیث در صحیح مسلم آمده که جزو کتب اصلی و مهم اهل سنت است باید پرسید این اوضاع ناگوار چه بود. آیا غیر از این بود که عده ای مردم را از در خانه اهل بیت علیهم السلام به در خانه ی غیر ایشان کشاندند و سبب هلاکت خود و مردم شدند(مَن اَتاکُم نجی و مَن لم یَأتِکُم هَلَکَ)!!

مگر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت خود را تشبیه به کشتی نوح نکرد، پس چرا بعضی به کشتی دیگران سوار شدند و غرق شدند و جایگاهشان دوزخ گردید.

«اِنَّما مَثَلُ أهلِ بیتی فیکُم کَمَثَلِ سَفینَهِ نوحٍ، مَن رَکِبَها نَجا وَ مَن تَخَلَّفَ عَنها غَرِقَ»(۲)

همانا مثل من در میان شما به کشتی نوح شبیه است که هر که بر آن سوار شد نجات یافت و هر که از آن باز ماند غرق شد.

امام باقر علیه السلام درباره وجوب پیروی از اهل بیت علیهم السلام و اینکه فقط سخن درست را این بزرگواران فرموده اند چنین می فرماید:

«اَما اِنَّهُ لیسَ عِندَ اَحَدٍ مَنَ الناسِ حقٌّ و لا صوابٌ اِلّا شیئٌ أخَذوهٌ مِنّا اَهلَ البَیتِ و لا اَحَدٌ مِنَ النّاسِ یَقضی بِحَقٍّ و لا عدلٍ اِلّا و مِفتاحُ ذلکَ القَضاءِ و بابُهُ و أوّلُهُ و سُنَنُهُ امیر المومنینَ علیُّ بنُ ابیطالبٍ صلی الله علیه و آله و سلم »(۳)

بدانید که هیچ سخن حق و درستی نزد هیچ کس نیست مگر آن که آن را از ما خاندان

گرفته اند و هیچ فردی به حق و عدالت داوری نمی کند مگر آن که کلید و در و آغاز و

ص:۱۴۳

۱- صحیح مسلم / ۱۸۴۵

۲- بحار، ج ۲۳، ص ۱۰۵

۳- همان

راه اصلی آن قضاوت امیر المومنین علی بن ابی طالی علیه السلام است

برای آنکه بیشتر از گذشته دریابیم که اهل بیت علیهم السلام باب نجات امتند به بعضی از

نامه هایی که بین دوستان ایشان با آن ها ردوبدل شده توجه کنیم:

از جمله نامه هایی است که آقای اسحاق بن اسماعیل نیشابوری برای امام حسن

عسکری علیه السلام می نوشته و پاسخ از حضرت دریافت می کرد. که یکی از پاسخ ها به عبارت

ذیل است:ضمنا آقای اسحاق بن اسماعیل نیشابوری جزو ثقات اصحاب امام

یازدهم علیه السلام بوده است امام حسن عسکری علیه السلام مرقوم فرمود که نامه ات را فهمیدم خدا تو

را رحمت کند

«نحنُ بحمدِ اللهِ و نِعمَتِهِ اَهلُ بیتٍ نَرُقُّ علی أولیائِنا و تَسُرُّ بِتَتابُعِ اِحسانُ اللهِ

الَیهم و فَضلِهِ لَدَیهِم»

ما خانواده به لطف خدا و نعمت او اهل بیتی هستیم که به دوستان خود رقّت قلب

داریم و هنگامی که از احسان و فضل خداوند شامل حالشان می شود شادمان می شویم.

و از خدا می خواهیم که احسانش را بر شما تمام کند«یا اسحاقُ و علی مَن کانَ

مِثلُکَ ــ مِمَّن رحِمَهُ اللهُ و بَصَّرَهُ بَصیرَتُکَ ــ نِعمَتَهُ و قَدَّرَ تمامَ نَعمَتِهِ دُخولُ الجنَّهِ»

ای اسحاق چنین دعایی رانیز در حق هر کسی که همانندت باشد می کنم همان هایی

که خداوند به او رحم کرده و همانند تو به وی بصیرت و نعمت داده و اتمام نعمت

پروردگار ورود به بهشت است

امام علیه السلام در ادامه نامه به اسحاق بن اسماعیل نوشتند که: حمد دائمی خدای را که بر

تو منت گذارد و تو را مشمول رحمتش قرار داد و از هلاکت نجاتت داد و راهی که در

پیش داری برایت آسان کرد.

بعد از بیان مطالبی ان حضرت نوشت:«لَو لا محمدٌ صلی الله علیه و آله و سلم و الأوصیاءِ مِن وُلدِهِ لَکُنتُم حَیاری کَالبَهائِمِ لا تَعرفونَ فرضاً مِنَ الفرائِضِ و هل تَدخُلُ مدینَةً اِلّا مِن بابها فَلَمّا مَنَّ علیکم بِاقامَهِ الأولیاءِ بعدَ نَبیّکُم قال فی کتابهِ« الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ

دِينَكَمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكَمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكَمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»(۱)

اگر راهنمایی های محمد صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان او که فرزندان حضرتش باشند نبود شما

چون بهائم سرگردانی زندگی می کردید و به واجبی از واجبات آگاهی نمی یافتید آیا

داخل شهر می شوید جز از درب آن(یعنی درب و ورود به معارف ما اهل بیت هستیم)

زمانی که خداوند بر شما منت گذارد که به سراغ اولیاء خدا بعد از پیامبرتان بروید و در

کتاب خود قرآن فرمود:«امروز دینم را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام

نمودم و از اسلامتان راضی گشتم» «همه می دانیم که این آیه شریفه بعد از نصب خلافت

و جانشینی علیه السلام در روز غدیر خم نازل شد.»

«فقد اَمَرکُمُ اللهُ بطاعَتِهِ و طاعهِ رسولِهِ و طاعهِ أولی الأمر،رَحِمَ اللهُ ضَعنَکُم

و غَفلَتَکُم و صَبَّرَکُم علی اَمرِکُم»

به تحقیق خداوند شما را امر فرموده که از او اطاعت کنید و از رسول او و اولی الامر

نیز اطاعت کنید خدا به خاطر لغزش هایتان و غفلتتان به شما رحم کند و شما را درباره

دستوراتش صابر و مستقیم قرار دهد.

و الحمدُ للهِ رَبُّ العالمینَ و صَلَّی الله علی محمدٍ و آله اَجمعین(۲)

۱- مائده / ۳

۲- تحف العقول / ۴۸۵ و ۴۸۶

۱۸. باب پاسخگویی به ابتلائات و گرفتاری های مردمید:

«و البابُ المُبتَلی بِهِ النّاسُ»

ابتلائات از هر نوعش باشد ائمه طاهرین علیهم صلوات الله پاسخگو هستند. گاه ابتلائات مادی و دنیایی و گاه معنوی و آخرتی است به هر تقدیر اهل بیت علیهم السلام محل مناسبت و درستِ پاسخگویی حوایج دنیایی و آخرتی مامی باشند.

در ابعاد مادی چه در زمان حیات آن بزرگواران و چه بعد از وفات و شهادتشان هر که صادقانه به ایشان متوسل شده حاجت گرفته و این چیزی است که برای حتی بیگانگان از اسلام پوسیده نیست و بارها و بارها غیر مسلمان ها با توسل به اهل بیت علیهم السلام حاجت گرفته اند.

بگذریم که نقش ولایت در برطرف کردن نیازهای ما تا ورد به قبر و برزخ و در صحنه قیامت ادامه دارد.

شیخ صدوق علیه الرحمه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در میان جمعی از اصحاب بودند که ناگهان چهار نفر از سیاهان جنازه سیاه چهره ای را به دوش گرفته و در حالی که او را در میان پارچه ای پیچیده بودند به طرف قبرش حمل می کردند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: او را نزد من آورید. وقتی جنازه را آوردند در مقابل خود به زمین گذاشت و صورتش را باز کرد سپس به علی علیه السلام فرمود: ای علی این شخص همان ریاح غلام آل نجار است.

علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند هرگاه مرا می دید تواضع می کرد و خوشحال می شد و می گفت: ای علی تو را دوست دارم

بعد رسول خدا صلی ا لله علیه و آله و سلم دستور داد او را غسل دادند و در لباسی از لباس های خودش او را کفن کرد و به همراه مسلمین تا کنار قبرش تشییع نمود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«هفتاد هزار گروه از فرشتگان او را مشایعت کردند که هر

گروهی هفتاد هزار نفر بودند و به خدا قسم جز به محبت و دوستی علی علیه السلام به این درجه و مرتبه نرسید»

سپس رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم با دست خود او را در میان قبر نهاده و بعد از آنکه برای مدتی از او روی خود را برگردانید خاک ها را روی آن ریخت.

اصحاب عرض کردند ای رسول خدا! دیدیم شما مدتی از او روی برگرداندی

سپس قبر را با خاک پوشاندی علتش چه بود؟

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرمود این بنده ی فرمانبردار خداوند تشنه از دنیا رفته بود همسران بهشتی او یعنی حورالعین با شتاب برایش از بهشت آب آوردند و او چون غیرتمند است دوست نداشتم با نگاه کردن به همسرانش او را محزون سازم. مدتی از او روی برگرداندم تا آب آشامید»(۱)

فضیل بن یسار از اما باقر و امام صادق نقل کرد که آن دو بزرگوار فرمودند:«حرامٌ علی روحٍ اَن تُفارِقَ جَسَدَها حتّی تَری الخَمسَةَ محمداً و علیاً و فاطمةَ و حَسَناً و حسیناً علیها السلام بِحَیثٍ تَقُرُّ عینُها اَو تَسخُنُ عینُها»(۲)

هیچ روحی از بدن خارج نمی گردد تا اینکه پنج تن از معصومین یعنی حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را ببیند و دیدن آن ها یا با خوشحالی و چشم روشنی آن هاست و یا به گونه ای که باعث ناراحتی و سرافکندگی می شود.

«و البابُ المُتَلی به النّاسُ» مردم چه در عصر ائمه و حضورشان و چه در زمان غیبت اگر درباره اعتقادات و احکام و مسایل گوناگون ابتلائاتی داشته اند، بهترین جواب را از آن ذوات مقدسه دریافت کرده اند. و دقیقاً یکی از کارهای مهم امام معصوم علیه السلام این بود که به شبهات و ابهامات پاسخ دهند و در برابر هجوم فرهنگ دشمنان اسلام

بایستند و نگذارند که جامعه ی اسلامی گرفتار انحراف و اعوجاج شود.

توصیف ویژگی های امام معصوم از زبان امیر المومنین:«لا یَحمِلُ هذا الأمرَ الّا اَهلُ

۱- محاسن،ص ۱۱۴ و بحار، ج ۳۹،ص ۲۸۹

۲- کشف الغمه،ج ۱،ص ۴۱۴

الصَّبرِ و البَصَرِ و العِلمِ بمواقِعِ الأمرِ»(۱)

این امر امامت را به دوش نکشد مگر کسی که اهل شکیبایی و بینایی و آگاهی از سر

رشته ی امور باشد.

همان گرامی در وصف ائمه علیهم السلام فرمود:«عَقَلو الدِّینَ عقلَ و عایَهٍ و رِعایَهٍ، لا

عَقَلَ سَماعٍ و رِوایهٍ، فانَّ رواهَ العِلمِ کثیرٌ و رُعاتَهُ قلیلٌ»(۲)

دین را درک کردند درکی آگاهانه و پابندانه و نه آن که از روی شنیدن و نقل کردن

باشد زیرا راویان علیم بسیارند و پابندان بدان اندک

در بیانی دیگر یکی از نشانه های امام معصوم را اینگونه بیان می فرماید:

«اَن یکونَ اَعلَمُ النّاسِ بِحَلال اللهِ و حرامِهِ و ضروبِ اَحکامِهِ و اَمرِهِ و نَهیِهِ و

جَمیعِ ما یَحتاجُ الیهِ الناسُ (فَیَحتاجُ النّاسُ الیه) و یَستَغنی عنهم»ب(۳)

آگاه ترین فرد باشد به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون او و اوامر و نواهی اش و

هر آنچه مردم به آن محتاجند (پس مردم به او نیازمندند)و او از آنان بی نیاز

ائمه علیهم صلوات الله معیار شناخت حق و فضیلتند بنابراین مردم در هر نوع

ابتلاءشان باید به آن ها رجوع کنند تا پاسخ صحیح و درست را دریافت کنند.

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان نقل می کنند که :

«مَعَنا رایَهُ الحقِّ مَن تَبِعَنا لَحِقَ و مَن تأخَّرَ عنها غَرِقَ ألا و بِنایُدرَک تِرَهُ کُلُّ

مومنٍ و بِنا تُخلَعُ رِبقَهُ الذُّلِّ عن اَعناقِکُم و بِنا فُتِحَ لا بِکُم و مِنّا یُختَمُ لا بِکُم»

پرچم حق همراه ماست. هر که در پی آن آید به ساحل نجات برسد و هر که از آن

عقب ماند غرق شود بدانید که به وسیله ی ما انتقام خون هر مومنی گرفته می شود و به

وسیله ما طوق خواری از گردنهایتان برداشته می شود و به وسیله ما باب فتح گشوده شده

نه به وسیله شما و به وسیله ماست که درها بسته می شود نه به وسیله شما

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۳۶

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۳۶

۳- حار، ج ۲۵،ص ۶۸

حالا به چند نمونه عینی و روشن ابتلائات مردم و رفع آن ها توسط اهل بیت علیهم السلام توجه نمایید:

در رفع حاجت مادی مرحوم شهید ثالث در احقاق الحق نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیراهن نو و جدیدی برای شب عروسی و زفاف دخترش فاطمه علیها السلام خریداری و تهیه کرد و پیش از آن فاطمه پیراهن وصله دار به تن می کرد

در همان شب فاطمه علیهاالسلام صدای ناله ی سائلی را بر در خانه شنید که از برهنگی خود شکایت دارد و پیراهنی از خاندان رسالت درخواست دارد. فاطمه علیهاالسلام که صدای نالهٔ سائل را شنید خواست تا پیراهن کهنه و وصله دار به آن سائل بدهد ولی بیاد این آیه افتاد که «لَن تَنالوا البِرَّ حتّی تَنفِقوا مَمّا تُحِبون»(۱) هرگز به نیکی نرسید مگر انکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید. به همین جهت همان پیراهن نو را به سائل داد و چون هنگام زفاف شد جبرئیل پیرانی از سندس سبز بهشتی برای فاطمه آورد که نورش چشم ها را خیره می کرد»(۲)

روزی عربی بد شکل و بسیار زشت میهمان امام حسن مجتبی شد و بر سر سفره نشست از روی حرص و اشتهای فراوان مشغول غذا خوردن شد از آنجا که خوی امام این خانواده کرم و لطف است آنجناب از غذاخوردن او خوشحال گشت و تبسم فرمود. در بین صرف غذا پرسید ای عرب زن گرفته ای یا مجردی؟ عرض کرد زن دارم فرمود: چند فرزند داری؟ گفت هشت دختر دارم که من از همه ی آن ها زیباترم. اما آن ها از من پرخورترند حضرت تبسم نموده او را ده هزار درهم بخشید گفت: این سهم تو و زوجه تو و هشت دخترت.(۳)

یک روز امام حسین علیه السلام بر عده ای فقیر و مسکین که سفره خود را پهن کرده بودند

گذر کرد آن ها گفتن از پسر رسول خدا بفرمایید کنار سفره ی ما فقیران! امام علیه السلام فورا

دعوت آن ها اجابت کرد و نشست و با آن ها هم غذا شد و فرمود:«اِنَّ اللهَ لا یُحِبُّ

ص: ۱۴۹

۱- آل عمران / ۹۲

۲- احقاق الحق،ج ۱۰، ص ۴۰۱

۳- لطائف الطوائف، ص ۱۳۹

المُستَکبرین» خداوند متکبرین را دوست نمی دارد

سپس فرمود: من دعوت شما را پذیرفتم پس شما نیز دعوت مرا بپذیرید: گفتند با

کمال میل ای فرزند رسول خدا. با امام علیه السلام به منزل آن حضرت آمدند

امام علیه السلام به اهل خانه فرمود: هرچه در خانه هست برای پذیرایی میهمان بیاورند.(۱)

ابوحمزه ثمالی می گوید: یک روز به درب خانه خدا حضرت سجاد علیه السلام ایستاده بودم

که امام علیه السلام از خانه خارج شد و فرمود:«بِسم اللهِ آمَنتُ باللهِ و توَکَّلتُ علی اللهِ» و

سپس فرمود: ای ابو حمزه هر وقت انسان از خانه بیرون می آید شیطان آماده ی فریب او

می شود وقتی می گوید«بسم الله» آن دو فرشته که بر او موکل هستند می گویند گفت:

بسم الله یعنی از شر شیطان محفوظ ماند. وقتی می گوید:«آمَنتُ باللهِ» گویند هدایت

شد و همین که می گوید:«توکَّلتُ علی اللهِ » گویند از آفات و بلیات نگاه داشته شد. در

این موقع است که شیطان دور می شود سپس امام علیه السلام عرضه داشت:«اللهمَّ اِنَّ عِرضیَ

لَکَ» پروردگارا آبروی خویش را به تو سپردم.

و روی به من کرده فرمود: یا اباحمزه اگر تو از مردم کناره گیری کنی آن ها از تو

دست برنمی دارند و تو را رها نخواهند کرد. ابوحمزه می گوید عرض کردم پس چه باید

کرد؟ فرمود:«اَعطِهِم عِرضَکَ لِیَومِ فَقرِکَ و فاقَتِکَ» آبرویت را به آن ها بده برای

روز نیازندی و بینوایی! به احتمال زیاد منظور امام علیه السلام این است که در مقام مکافات و

انتقام مباش و بگذار پاسخ عیبجویی و لغزش آن ها را برای روز قیامت که روز فقر و فاقه

می باشد. سلام ابن مستنیر می گوید محضر امام باقر علیه السلام بودم که حمران ابن اعین وارد شد

و چند سوال از آن بزرگوار کرد. در هنگام خداحافظی گفت ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خدا

شما را طول عمر عنایت کند و ما را بیش از این بهره مند گرداند. خواستم وضع خود را

برایتان شرح دهم.

وقتی ما شرفیاب خدمت شما می شویم، هنوز خارج نشده ایم قلبمان صفایی پیدا

می کند و مادیات دنیا را فراموش می کنیم. اما همین که وارد اجتماع و تجارت و کسب

ص: ۱۵۰

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۷

می شویم باز به دنیا علاقه پیدا می کنیم.

امام علیه السلام فرمود: قلب چنین است گاهی سخت و زمانی نرم می شود. سپس فرمود:

اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به آن حضرت عرض می کردند:ما می ترسیم منافق باشیم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می پرسید به واسطه ی چه چیز؟ می گفتند: وقتی خدمت شما هستیم ما را بیدار

نموده به آخرت متمایل می فرمایید ترس به ما روی آورد دنیا را فراموش کرده بی میل به

آن می شویم. به طوری که گویا به چشم آخرت و بهشت و جهنم را مشاهده می کنیم. این

حال تا موقعی است که در خدمت شما هستیم. همین که خارج شدیم به منزل که می رویم

بوی فرزندان که به شامه ما می رسد خانواده و زندگی خود را که می بینیم حالت معنوی

که از محضر شما کسب کرده بودیم از دست می دهیم آیا با این خصوصیات ما گرفتار

نفاق نمی شویم.

فرمود: هرگز. این پیشامد ها و تغییرات از وسوسه های شیطان است که شما را به دنیا

متمایل می کند. به خدا سوگند اگر بر همان حال اولی که ذکر کردید مداومت داشته باشید

ملائکه با شما مصافحه می کنند و بر روی آب راه خواهید رفت

اگر این طور نبود همین که شما گناه می کنید و بعد از آن توبه می نمایید هر آینه

خداوند دسته دیگری را خلق می کرد که گناه کنند آنگاه طلب آمرزش و توبه نمایند تا

خداوند آن ها را ببخشد به درستی که مومن پیوسته مورد امتحان و آزمایش واقع

می شود گناه می کند و توبه می نماید باز گناه می کند فورا توبه می نماید. نشنیده ای خداوند

می فرماید:

«اِنَّ اللَه یُحِبُّ التَّوابینَ و یُحِبُّ المُتطَهِّرینَ» و نیز در این آیه می فرماید:

«اِستَغفِروا رَبَّکُم ثُمَّ توبوا اِلَیهِ»(۱)

طبیبی مسیحی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و گفت: آیا در کتاب شما و سنت

پیامبرتان از طب چیزی ذکر شده؟ فرمود: آری در کتاب خدا این آیه«کُلوا و اشرَبوا و

ص: ۱۵۱

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۲۳

لا تُسرِفوا» آمده، بخورید و بیاشامید ولی زیاده روی نکنید و در سنت و کلام پیامبرمان

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده که:«اَلحَمیَّهُ مِنَ الاَکلِ رَاسُ کُلِّ دواءٍ و الاِسرافُ فی الاَکلِ

رأسُ کُلِّ داءٍ» خودداری از زیاده روی در خوردن و غذا سرآمد و بیشترین دارو رمز

سلامتی است. زیاده روی در خوراک باعث همه امراض است.

مرد مسیحی از جا حرکت کرده و گفت:«و اللهِ ما تَرَکَ رَبُّکم و لا سُنَّهُ بِنَبِّیکُم

شَیئاً مِنَ الطِّبِ لِجالینوس»(۱) به خدا سوگند کتاب خدا و سنت پیغمبرتان جایی برای

طب جالینوس باقی نگذاشته است.

مشابه همین داستان در نوعی دیگر برای حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رخ داد و طبیبی

یهودی به دست آن گراهی مسلمان شد.

امام کاظم علیه السلام بیمار شد طبیب یهودی را آوردند تا معالجه کند. امام علیه السلام فرمود: کمی

صبر کن من دوستی دارم با او مشورت کنم. آنگاه روی از طبیب برگردانید و به جانب

قبله توجه نمود این دو شعر را خواند:

اَنتَ اَمرَ ضتَنی و اَنتَ طَبیبیِ*** فَتَفَضَّل بِنَظرَهٍ یا حبیبی

واشفِنی مِن شَرابٍ وُدِّکَ کَأساً*** ثُمَّ زِدنی حلاوَهَ التَّقریبِ

خدایا تو مرا بیمار کرده ای و تو نیز طبیب منی به فضل خویش نظری به این بنده

بیفکن از شراب دوستی و عشق خود مرا جامی بده و شیرینی مقام قربت را بر آن اضافه

نما. هنوز این ابیات را تمام نکرده بود که اثر بهبودی در صورت مبارکش ظاهر شد و

همان لحظه تمام مرض از او زایل گشت.

طبیب با تحیری عجیب می نگریست! پس از مشاهده این پیشامد گفت: ای سرور من

اول گمان کردم تو بیماری و من طبیب اکنون آشکار شد که من بیمارم و تو طبیب و از تو

خواهش می کنم مرا معالجه کن. امام کاظم علیه السلام اسلام را بر او عرضه داشت طبیب مسلمان

شد.(۲)

ص: ۱۵۲

۱- انوار نعمانیه، ص ۲۲۶

۲- لطائف الطوائف، ص ۵۰

و البابُ المُبتَلی بِهِ النّاسُ: موردی هم از مفهوم رفع ابتلائات مردم از امام رئوف

علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است:

یسع بن حمزه گفت در محضر امام رضا علیه السلام بودم و از ایشان مسائلی را می پرسیدم

غیر از من جمع زیادی حضور داشتند که آن ها نیز مسائل دینی و حلال و حرام

می پرسیدند. در این هنگام مردی بلند قد، گندم گون وارد مجلس شد. پس از سلام عرض

کرد ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردی از دوستداران شما و پدران و اجدادتان هستم. از سفر

حج برمی گردم. مقداری پول برای بازگشت به وطن همراه داشتم ولی متاسفانه همه را

گم کرده ام. اینک تقاضا دارم مرا کمکی بفرمایید تا به شهر خود برگردم. البته این را هم

بگویم که من ثروتمندم و خداوند نعمت را به من ارزانی داشته و صدقه به من نمی رسد.

شما هر چه مرحمت بفرمایید در شهر خودم از طرف شما صدقه می دهم.

امام علیه السلام فرمود: بنشین خدا تو را بیامرزد. آنگاه با مردم شروع به صحبت شد تا کم کم

متفرق شدند. من و سلیمان جعفری با آن مرد باقی ماندیم.

امام رضا علیه السلام فرمودند اجازه می دهید وارد اندرون خانه شوم. سلیمان عرض کرد

بفرمایید. امام رضا علیه السلام داخل شد. پس از ساعتی تشریف آورد و درب اتاق را بست از

بالای درب دست مبارک خود را بیرون آورده فرمود: خراسانی کجاست؟ عرض کرد

در خدمتم. فرمود: این دویست دینار را بگیر برای خرج راهت از این پول تبرّک جو و

از طرف من هم لازم نیست صدقه بدهی. هم اکنون خارج شو که نه من تو را ببینم و نه تو

مرا ببینی.(۱)

قاسم بن عبدالرحمان می گوید که من زیدی مذهب بودم. یک روز در شهر بغداد گذر

می کردم که دیدم مردم در حرکت و اضطرابند. بعضی می دوند و بعضی بالای بلندی ها

می روند و بعضی ایستاده اند. پرسیدم چه خبر است؟ گفتند ابن الرضا علیه السلام می آید گفتم به

خدا سوگند که من نیز می ایستم و او را مشاهده می کنم ناگاه دیدم که آن حضرت پیدا

ص: ۱۵۳

۱- فروع کافی، ج ۴،ص ۲۴

شد و سوار بر مرکبی بود. من با خود گفتم:«لَعَنَ اللهُ اَصحابُ الاِمامیَّهِ» دور باشند از رحمت خدا گروه امامیه که چگونه معتقدند خداوند اطاعت این جوان را واجب گردانیده است. تا این خیال در دل من گذشت امام جواد علیه السلام روی به من کرد و فرمود:« یا قاسم بن عبدالرّحمان: اَبَشَراً مِنّا واحِداً نَتَّبِعُهُ اِنّا اِذاً لَفی ضَلالٍ و سُعُرٍ»(۱) آیا آدمی که از جنس ماست و بیگانه است و هیچ کس را ندارد پیروی کنیم در نتیجه در گمراهی و آتش های سوزان خواهیم بود؟

دوباره در دل خود گفتم که او ساحر است این بار امام علیه السلام روی به من کرده و فرمود:

«أاُلقِیَ الذِّکرَ علیهِ مِن بَینِنا بَل هُوَ کَذّابٌ اَشِرٌ»(۲)

آیا وحی بر او القا شده است در حالی که در میان ما بهتر و حق از او یافت می شود نه چنین است که وحی مختص به او باشد بلکه او درغگو است و خودپسند و متکبر است

وقتی مشاهده کردم امام جعفر علیه السلام از افکار و خیالات من خبر می دهم اعتقادم کامل شد و اقرار به امامت او نمودم و اعتراف کردم که او حجت خدا بر خلق خدا می باشد.(۳)

دوستان را کجا کنی محروم، تو که با دشمنان نظر داری.

متوکل عباسی در بدنش دمل بزرگی درآمده بود که به هیچ وجه خوب نمی شد از زیادی درد در تب سوزانی بسر می برد. پزشکان مخصوص از معالجه فرو ماندند. مادر متوکل به حضرت هادی امام علی النقی علیه السلام ارادت کامل داشت. کسی را پیش آن بزرگوار فرستاد و تقاضای دوای موثر نمود.

امام هادی علیه السلام فرمود: روغن گوسفند با گلاب بیامیزید و بر دمل بنهید تا درد ساکت شود و سر باز کند. این دستور را که به خلیفه رساندند پزشکان معالج از تجویز چنین دارویی برای دمل خندیدند. آن دوا را هیچ کدام نپسندیدند.

این خبر به مادر متوکل رسید. پزشکان را ناسزا گفت و دستور داد آن ها را از پیش متوکل خارج کنند. خودش شخصاً آن دوا را تهیه کرد و بر دمل نهاد. هماندم درد فرو

۱- قمر / ۲۴

۲- قمر / ۲۵

۳- منتهی الآمال، ج ۲،ص ۲۷۷

نشست و اثر بهبودی آشکار شد بدون فاصله زیادی دمل بازگردیده مواد فساد خارج

شد.(۱)

مردی به نام کامل مدنی جهت پرسش مسائلی به محضر امام حسن عسکری علیه السلام

شرفیاب شد. همو می گوید: وقتی خدمت حضرت رسیدم دیدم لباس سفید و نرمی بر تن

دارند. نزد خود گفتم: ولی خدا و حجت او لباس نرم و لطیف می پوشند و ما را به

مواساوات با برادران فرمان می دهد و از پوشیدن چنین باز می دارد! امام علیه السلام تبسم

نمودند و آستین های خود را بالا زد. دیدم پلاسی سیاه و خشن در زیر لباس بر تن دارند

فرمودند: ای کامل «هذا لِلهِ و هذا لَکُم» این پلاس خشن برای خدا و این لباس نرم که

روی آن پوشیده ام برای شماست.(۲)

احمد بن اسحاق که از بزرگان شیعه و پیروان شیعه و پیروان ویژۀ امام حسن عسکری علیه السلام بود

می گوید: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و می خواستم در مورد جانشین

پس از او سوال کنم و آن گرامی بدون آنکه سوال کنم فرمود: ای احمد، همانا خدای

متعال از آن هنگام که آدم را آفرید زمین را از حجت خدا خالی نگذاشته و نیز تا قیامت

خالی نخواهد گذاشت. به جهت حجت خدا از اهل زمین بلا می شود و باران می بارد و

برکات زمین خارج می گردد. عرض کردم: ای پسر رسول خدا امام و جانشین پس از

شما کیست؟

آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و بازگشت در حالی که پسری سه ساله که

رویی همانند ماه تمام داشت بر دوش خویش حمل می کرد و فرمود: ای احمد بن

اسحاق اگر نزد خدای متعال و حجت های او گرامی نبودی این پسر را به تو نشان

نمی دادم همانا او هم نام رسول خدا و هم کنیه اوست. او کسی است که زمین را از عدل

و داد پر می سازد همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد ای احمد بن اسحاق مثل او در

این امت مثل خضر علیه السلام و ذوالقرنین است. سوگند به خدا غایب می شود به طوری که در

۱- احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۴۵۳

۲- بحار،ج ۵۰، ص ۲۵۳

زمان غیبت او از هلاکت نجات نمی یابد مگر کسی که خداوند او را بر اعتراف به امامت وی ثابت قدم بدارد و موفق سازد که برای تعجیل او دعا کند.

عرض کردم: سرور من آیا نشانه ای دارد که دل من به آن اطمینان بیشتری پیدا کند؟

در این هنگام آن پسر به عربی فصیح فرمود:«منم بقیه الله در زمین همان که از دشمنان خدا انتقام می گیرد ای احمد بن اسحاق پس از مشاهده عینی دنبال اثر نگرد!»(۱)

۱- کمال الدین، ج ۲،ص ۵۵

۱۹. باطل شیوه مقصرین به حقوق شماست:

«و المقصِّرُ فی حَقِّکُم زاهِقٌ و الحَقُّ مَعَکُم و فیکُم و مِنکُم و اَلَیکُم و اَنتُم اَهلُهُ و معدِنُهُ»:

کسی در حق شما قصور کند رفتنی است و نابود شدنی است زیرا حق با شما در شما از شما به سوی شما و شما اهل و معدن آن هستید. قبل از ورود به عنوان فوق به تأویل آیه معروف سوره مبارکه اسراء توجه کنید:

«وَ قُل جاءَ الحَق و زَهَقَ الباطِلُ اِنَّ الباطِلَ کانَ زهوقاً»(۱)

و بگو حق آمد و باطل نابود شد که باطل نابود شدنی است.

ابی حمزه از امام باقر علیه السلام در تفسیر و تاویل کلام خدا : «وَ قُل جاءَ الحَق و زَهَقَ الباطِلُ اِنَّ الباطِلَ کانَ زهوقاً»اینگونه نقل می کند که فرمود:«اِذا قامَ القائمُ أذهَبَ دَولَةَ الباطلِ»(۲) زمانی که قائم علیه السلام قیام نماید،دوران دولت باطل سپری خواهد شد

امیرالمومنین علیه السلام فرمود همین که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم متولد شد بت ها که بر کعبه نصب شده بودند همه با صورت بر زمین افتادند و چون شب شد این ندا از آسمان طنین انداز گردید

«وَ قُل جاءَ الحَق و زَهَقَ الباطِلُ اِنَّ الباطِلَ کانَ زهوقاً»(۳)

شک نیست که چهارده معصوم مظهر اسم نیک خداوندی یعنی (حق) هستند و مقصر در حق ایشان باطل و از بین رفتنی است. چون اراده الهی بر آن است با حق بر سر باطل بکوبد و اگر چه پایان جهان باشد باطل را از ریشه نابود کند.

«بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْ مَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ »(۴)

بلکه حق را بر سر باطل می کوبیم پس آن را در هم شکسته و باطل بناگاه نابود شود و

وای بر شما از آنچه وصف می کنید.

ص: ۱۵۷

۱- اسراء / ۸۱

۲- برهان، ج ۲،ص ۴۴۱

۳- حار، ج ۱۵، ص ۲۷۴

۴- انبیاء / ۱۸

در جای دیگر می فرماید:«قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ »(۱)

بگو حق آمد و باطل نماند و یاری بازگشتنش نیست.

و باز می فرماید:«وَ يَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ»(۲)

خداوند باطل را محو می کند و حق را با کلمات خویش ثابت می گرداند.

مخالفین اهل بیت در هر عصر و زمانی محکوم به شکست بوده و هستند چون این

سنت الهی است که با اهل باطل اینگونه برخورد کند و حق را با کلمات خویش ثابت

نماید.

ملاحظه فرمودید که در عبارت زیارت جامعه کبیره عرض کردیم که حق با شما در

شما از شما به سوی شما و شما مرکز و معدن آنید.

این شعار معروف با آل علی هر که درافتاد ورافتاد ریشه قرآنی و روایی دارد. شما

کافی است یک نگرشی به تاریخ بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تا به امروز کنید و ملاحظه نمایید

که خداوند چگونه مقصرین در حقوق اهل بیت علیهم السلام را در زباله دان تاریخ افکند قاطبه

بنی امیه و بین عباس و هر فرقه و حکومت دیگری را که بنا به ضایع کردن حق خاندان

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم داشتند محو و نابود کرد و در مقابل به ائمه طاهرین علیهم السلام که در زمان خود

یا در تبعید بودند و یا زندانی و یا تحت نظر و بالاخره هم به شهادت رسیدند و

سخت ترین و ناگوارترین آن ها حادثه عاشورا بود اما دیدیم که بعد چه اتفاقاتی افتاد و

خداوند چه آبرو و عزتی به این خانواده پاک و مطهر عنایت کرد و مردم عالم متوجه

حقانیت این ذوات مقدسه شدند و برای بزرگداشت آن عزیزان چه ابراز احساسات و

محبتی می نمایند.

آری «و المُقَصِّرُ فی حَقِکُم زاهِقٌ» آن هایی که به حقوق اهل بیت قصور

کردند تنها در حق آن خاندان ظلم نکردند بلکه ظلم به بشریت کردند زیرا باعث شدند

که اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا معرفی نشود و با محدود کردن ائمه طاهرین علیهم السلام راه

۱- سبأ / ۴۹

۲- شوری / ۲۴

ارتباط با مردم جهان را با این خانواده بستند در حالی که اگر می گذاشتند حکومت

اسلامی در دست ائمه علیهم السلام باشد و بر آن بزرگواران مثل حکومت امیرالمومنین علی علیه السلام

سه جنگ خانمانسوز جمل و صفین و نهروان را تحمیل نمی کردند و گوش به فرمان

مقام و منزلت امامان معصوم علیهم السلام را نکردند و سد راهشان شدند و تا امروز هر آنچه بر

سر اسلام و مسلمین می آید به خاطر همان قصوری است که در عصر ائمه علیهم السلام و هنگام

حضورشان انجام گرفت.

در اینجا آثار شوم قصور در حق اهل بیت و دشمنی با آن بزرگواران را بررسی کنیم:

یکی از راه های شناخت منافق از مومن همین است یعنی اگر کسی با این خانواده و در

راس آن ها امیر المومنین علی عیه السلام دشمنی کرد منافق است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«اَلا و اِنَّ حُبُّ عليٍّ عَلَمٌ بَینَ الایمانِ و النّفاقِ فَمَن اَحَبَّهُ

کانَ مومناً و مَن اَبغَضَهُ کانَ منافِقا»(۱)

بدانید علامت و نشانه بین ایمان و نفاق دوستی علی علیه السلام است هر کس او را دوست

بدارد مومن و کسی که با او دشمنی کند منافق است.

شیخ مفید و شیخ طوسی در کتاب امالی خود از عمران بن حصین نقل کرده اند که

گفت:

من و عمربن خطاب نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حاضر بودیم و حضرت علی علیه السلام در کنار آن

حضرت نشسته بود ناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه شریفه را قرائت کرد:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَءِلَهٌ

مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ»(۲)

آیا کسی هست که بیچاره را اجابت کند وقتی او را بخواند و ناراحتی او را برطرف

کند و شما را جانشینان خود بر روی زمین قرار دهد آیا خدای دیگری جز خداوند

ص:۱۵۹

۱- القطره ، ج ۱،ص ۲۲۴

۲- نمل / ۶۲

هست، افرادی که متوجهند و این حقیقت را به یاد دارند خیلی کم می باشند.

راوی گوید:با شنیدن این آیه امیر المومنین علی علیه السلام مانند گنجشکی که می لرزد به خود لرزید و دچار اضطراب و پریشانی شد.(چه بسا اضطراب آن حضرت به خاطر شنیدن نام خلافت بود زیرا می دانست بر سر خلافت چه غوغایی بپا می کنند و چه خون هایی بر زمین می ریزند و چه تعدی ها و تجاوزها و ظلم هایی خواهند کرد و ترس و بی تابی آن حضرت از این جهت بود نه اینکه از اجرای عدالت بترسد که او اسطوره عدالت و دادگری است لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او دلداری داد که بی تابی نکن چون در این نزاع و درگیری تو بر حق هستی و دشمنان تو همه بر باطل می باشند)

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«لا تَجزَع و اللهِ لا یُحِبُّکَ الّا مومنٌ و لا یُبغِضُکَ الّا منافقٌ»(۱)

ناشکیبایی نکن به خدا قسم جز مومن تو را دوست ندارد و جز منافق دشمن تو نمی باشد.

و الحقُّ مَعَکُم ... حق با شما و از شما و به سوی شما و شما اهل حق و معدنش هستید.

روایات متعددی داریم مخصوصاً از طریق اهل سنت که علی با حق است و حق علی است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«علیٌّ مَعَ الحقِّ و الحقُّ مَع علیٍّ یَدو رُحَیثُما دارَ»

علی با حق است و حق با علی و بر محور او می گردد. ابن ابی الحدید می نویسد: در اخبار صحیحی از قول پیامبر آمده است که فرمود:علیٌّ مع الحَق ــ علی با حق است.(۲)

۱- امالی مفید، ص ۳۰۷ و امالی توسی، ص ۷۷ و بحار، ج ۴۱، ص ۱۳

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۹۷

همان گرامی فرمود:«الحَقُّ مَعَ علیٍّ اَینَما مّالَ» کافی، ج ۱، ص ۲۹۴ حق با علی است هر جا که رو کند.

و نیز فرمود:«علیٌّ مَعَ الحقِّ و الحقُّ مَعَ علیٍّ و لَن یَتَفَرَّقا حتّی یَرِدا علیَّ

الحَوضَ یومَ القیامهِ»(۱)

علی با حق است و حق با علی است. آن دو هرگز از هم جدا نشوند تا آن گاه که در

روز قیامت بر لب حوض نزد من آیند.

کمی دقیق تر به عبارات زیارت جامعه بپردازیم که ضمائر موجود در فراز مورد

بحث هر کدام اشاره به معنا و مفهوم خاصی است.

حق با شماست: یعنی اگر کسی خواهان حق است باید سراغ شما آید و یا اینکه شما

اهل بیت در مقام مقایسه با مخالفین و غاصبین حقوقتان حق با شما است و مخالفین شما

اهل باطلند.

حق با شماست: گفتار شما رفتار شما و سیره عملی شما همگی حق است نه در گفتار

و نه در عمل چیزی خلاف حق در شما دیده نشده است و خوانندگان گرامی بدانند اگر

دشمنانشان کوچک ترین سوژه ای خلاف حق و فضیلت از آن بزرگواران سراغ داشتند

آشکار می کردند و جالب اینجاست که در کتاب های مربوط خود کلی فضایل و مناقب

از این ذوات مقدسه نقل کرده اند که قابل شمارش نیست.

و حق با شماست: یعنی تراوش حق و اشاعه حق از ناحیه شما انجام می گیرد همه

ملکات و مکارم اخلاقی و تمامی معارف صحیح الهی از جانب شما به دست مردم

می رسد. اگر کسی خدایی که مرکز حق است و حق مطلق است بخواهد بشناسد باید از

شما بیاموزد.

بنابراین هر که از غیر شما مطالبه حق کند به خطا خواهد رفت زیرا در واقع از شما که

مظهر صفت نیک خداوند یعنی حق هستید گریزان بوده است.

ص: ۱۶۱

۱- تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۱۱۸

امام باقر علیه السلام در بیان آیه شریفه «وَ خابَ کُلَّ جَبّارٍ عَنیدٍ »(۱) فرمود:«اَلعَنیدُ اَلمُعرِضُ عَنِ الحَقِّ»(۲) عنید در آیه منظور کسی است که از حق اعراض و دوری می جوید. اعراض از اهل بیت که مظهر صفت حق برای خداوند هستند به نوعی عنیدند.

برای فهم این ادعا کافی است به گفتگوی مولایمان علی علیه السلام با عبدالله بن عباس توجه شود. عبدالله بن عباس می گوید یک روز به محضر علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم در حالی که پارگی کفش خود را می دوخت. سپس به من فرمود:«ما قیمَهُ هذَا النَّعْلِ؟

فَقُلْتُ: لا قیمَهَ لَها. فَقالَ عَلَیْهِ السَّلامُ و اللّهِ لَهِیَ اَحَبُّ اِلَیَّ مِنْ اِمْرَتِکُمْ، اِلاّ اَنْ اُقیمَ حَقّاً، اَوْ اَدْفَعَ باطِلاً»(۳)

قیمت این کفش چقدر است؟ عرض کردم ارزشی ندارد فرمود سوگند به خدا این کفش نزد من از امارت و حکومت بر شما محبوب تر است مگر آن که حقی را ثابت گردانم یا باطلی را براندازم.

و به سوی شماست: سیر حق به سوی شماست یعنی باطل هیچ گاه به سوی شما در حرکت نیست همیشه این حق است که به سویتان می آید چون وقتی حق با باطل ممزوج شود فرصت را از حق می گیرد و اجازه اظهار وجود به حق نمی دهد بنابر این نفوذ باطل در وجود شما غیر ممکن است و بلکه هر آنچه به سویتان سیر می کند حق و فضیلت است.

و شما اهل حق و معدنش هستید، اولا اَهلیّت دارید که جایگاه حق باشید چه بسا افرادی که معصوم نیستند و افراد معمولی اند با ادعای اینکه اهل حقند مردم را می فریبند و قیافه حق بجانب می گیرند در حالی که باطلند و اهداف خلاف حق دارند.

امیر المومنین علی علیه السلام در معرفی چنین چهره هایی می فرماید:«اِنَّما بَدءُ وقوعِ الفِتَنِ

أهواءُ تُتَّبَع» همانا آغاز فتنه ها و نابسامانی ها هواهای نفسانی است که پیروی می شوند

یعنی انسان هایی تحت تاثیر هواهای نفسانی خودشان قرار می گیرند و بعد به جای این که

۱- ابراهیم / ۱۵

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۸۹

۳- نهج البلاغه،خطبه ۳۳

خدا را پرستش کنند و به دنبال نمایندگان معصوم الهی بروند هواهای نفسانی را پرستش می کنند«و ٍاَحکامٌ تَبتَدَعُ یُخالِفُ فیها کتابُ اللهِ» و بعد کسی دنبال هوای نفسش برود با استفاده از نیروی حق بدعتی را در لباس دین وارد می کند چون می داند نیرو از آن دین و مذهب است و کتاب خدا در آن احکام مورد مخالفت قرار می گیرد.«وَ یَتَوَّلیّ علیها رِجالٌ علی غَیرِ دینِ اللهِ» آن وقت افرادی با هم متحد و متفق می شوند و حزب و جمعیتی تشکیل می دهند ولی به غیر دین خدا بر اساس همان بدعت و به عنوان دفاع از این بدعت آن را به صورت دین بین مردم تبلیغ می کنند.«فَلَو اَنَّ الباطلَ خَلَصَ مِن مِزاجِ الحَقِّ لَم یَخَف علی المُرتا دینَ» حالا امام علی علیه السلام فلسفه مطلب را به زیبایی بیان می کند: پس اگر باطل ار امتزاج و آمیختگی با حق جدا باشد و با حق مخلوط نباشد مردم حق جو منحرف نمی شوند ولی نوعاً حق را با باطل مخلوط و ممزوج می کنند و امر بر مردم مشتبه می شود یعنی حق را با باطل اشتباه می گیرند و باطل را با مارک حق می خرند.

«وَ لَو اَنَّ الحَقُّ خَلَصَ مِن لَبسِ الباطِلِ اِنقَطَعَت عَنهُ ألسُنُ»(۱) و اگر حق از پوشش باطل جدا شد و آزاد گردید زبان بدخواهان از آن قطع می گردد چون اگر حق و باطل مخلوط شوند عده ای آن حق محض می بینند بعد به آثارش نگاه می کنند می بینند آثار بد دارند معاندها زبانشان دراز می شود که این دین و مذهب شما خراب از آب درآمد دیگر نمی دانند که این خرابی ها و آثار سوء مال باطل است نه از آنِ حق

نتیجه ای که از خطبه شریف مولایمان علی علیه السلام می گیریم این است که باید بصیرت داشته باشیم و حق را از اهل حق و معدن و مرکز آن مطالعه کنیم و آن نیست جز در بیت و خانه محمد و آل محمد علیهم السلام.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵۰

۲۰. بالاترین شأن و منزلت از آنِ شماست:

«وَ اَکرَمَ اَنفُسَکُم و اَعظَمَ شَأنَکُم و اَجَلَّ خَطَرَکُم»:

گرامی است جان های شما و بزرگ است شأن شما و برجسته است موقعیت شما

در کل آفرینش جانی عزیز و شأن و مقامی برتر از چهارده معصوم علیهم السلام وجود ندارد

این گرامیان گل سرسبد خلقند و سرآمد تمام کائنات و مخلوقاتند.

امامت تمام دین اساس اسلام و ریشه همه فضائل و خوبی هاست. امامت نور است

امامت منزلتی برتر از نبوت دارد. اگر امام معصوم نباشد زمین در هم فرو رود و

ساکنانش را چنان درهم و پریشان کند که دریای طوفانی ساکنانش را! امام معصوم باعث

برقراری آسمان ها و زمین است و بر همین اساس وقتی«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ إِذَ

النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ»(۱) (در آن هنگام که خورشید تاریک شود و

ستارگان بی نور شوند و کوه ها به حرکت درآیند) شود دیگر امام معصومی حاکم بر

مخلوقات خدا در قید حیات ظاهری نیست و قیامت برپا شده است.

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره عظمت شان و منزلت محمد و آل می فرمود:

«حَتّی أفضَت کرامَهُ اللهِ سَبحانَهُ و تعالی اِلی محمدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَأخرَجَهُ مِن اَفضَلِ

المَعادنِ مَنبِتاً... لها(اَی لِعِترَتِهِ و شَجَرَتِهِ صلی الله علیه و آله و سلم) فُروعٌ طِوالٌ و ثَمَرٌ لا یُنالُ فَهُوَ امامٌ

مَن اتَّقی و بَصیرهُ مَنِ اهتَدی... سیرَتُهُ القَصدُ و سُنَّتُهُ الرُّشدُ و کلامُهُ الفَصلُ و

حُکمُهُ العَدلُ»(۲)

تا آن که کرامت خداوند سبحان مقام پیامبری به محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسید. پس آن حضرت

را از بهترین خاندان و گرامی ترین دودمان بر کشید...(درخت دودمان) او را شاخه هایی

است بلند و برافراشته و دست کسی به میوه آن نرسد. او پیشوای پرهیزگاران است و دیدهٔ

رهیافتگان... رفتارش میانه روی و اعتدال است و طریق اش راهنمایی و هدایت. سخنش حق را از باطل جدا سازد و حکم و داوریش به عدل و داد است.

۱- تکویر / ۱تا ۳

۲- نهج البلاغه، خطبه ۶۴

امام رضا علیه السلام در منزلت امامت می فرمود:«اِنَّ الامامَهَ اُسُّ الاسلامِ النّامی وَ فَرعُهُ

السّامی»(۱) امامت ریشهٔ بالنده اسلام و شاخه برافراشته آن است.

در جای دیگر فرمود:«اِنَّ الامامَهَ زِمامُ الدِّینِ و نظامُ المسلمینَ و صَلاحُ الدُّنیا

و عِزُّ المومنینَ »(۲) امامت رهبری دین را به عهده دارد و رشته کار مسلمانان و اصلاح و

آبادانی دنیا و سرفرازی مومنان است.

امام حسن عسکری علیه السلام در یک بیان طولانی از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

«ای بندگان خدا بر شما باد به خدمت کردن کسی که خدا او را اکرام کرد و گرامی داشت

به اینکه او را پسندید و از میان خلق خود برگزید و به او رتبهٔ اصطفاء عطا کرد و او را

بهترین اهل آسمان ها و زمین بعد از محمد صلی الله علیه و آله و سلم که سرور انبیاء است قرار داد و سر شما

باد به دوستی کردن با دوستان آن حضرت یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام و دشمنی کردن با

دشمنان او»(۳)

امام حسین علیه السلام از جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود: هنگامی که

در آسمان سیر داده شدم به حجاب های نور که رسیدم پروردگارم با من گفتگو کرد و

فرمود:

«یا محمد، بَلِّغ علی بن ابی طالبٍ مِنّی السَلامُ و اعلَمهُ اَنَّهُ حُجَّتی بَعدَکَ عَلی

خَلقی، بِهِ أسقی عِبادیَ الغَیثَ و بِهِ أدفَعُ عنهُمُ السُّوءَ و بِهِ اِحتَجَّ علیهِم یَومَ یَلقونی»

ای محمد به علی بن ابی طالب سلام برسان و به او خبر بده که او حجت من بعد از تو

بر بندگان من است باران رحمت خود را به واسطه او بر بندگانم نازل می کنم و بدی ها را

از آن ها برطرف می کنم و روزی که مرا ملاقات کنند به سبب او بر آن ها احتجاج می کنم

در ادامه فرمود:«پس او را باید اطاعت کنند و آنچه را دستور می دهد اجرا کنند و از

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۰۰

۲- همان

۳- تفسیر منسوبت به امام حسن عسکری، ص ۱۲۷

آنچه نهی می کند اجتناب ورزند تا آن ها را نزد خودم در جایگاه صدق قرار دهم و

بهشتم را برای ایشان مباح گردانم و اگر چنین نکنند آن ها را با تبه کاران و دشمنانم در

آتش و عذابم جای دهم و هیچ باکی نداشته باشم.»(۱)

وَ اَکرَمَ اَنفُسَکُم و اَعظَمَ شَأنَکُم؛ گرامی است وجود شما و بزرگ است شأن شما.

بزرگی و عظمت برازنده ی این خاندان است و کسی را نسزد به رتبه آن ها برسد و در

جایگاه آنان قرار گیرد. در کتاب خرائج آورده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیهاالسلام فرمود:

ای فاطمه بشارتی از ناحیه پروردگارم در خصوص برادرم و پسر عمویم به من رسیده و

آن این است که خداوند فاطمه را به علی تزویج کرده و به رضوان خازن بهشت دستور

داده تا درخت طوبی را تکان دهد و آن بعد دوستداران اهل بیت من رقعه هایی حمل

کرد پس ملائکه ای از نور حلق کرد و به هر ملک خطی و رقعه ای داد و چون قیامت به

پا شود و اهلش جابجا شوند دوستداری از دوستداران ما نمی ماند مگر آنکه یکی از آن

رقعه ها را به او می دهند که سند برائت از آتش دوزخ است.(۲)

آری به برکت عظمت و بزرگی مقام محمد و آل علیهم السلام دوستداران آن گرامیان نیز

آبرو و عزت می یابند به همین جهت در زیارت عاشورا در پیشگاه پروردگار عرض

می کنیم:

«اللهمَّ اجعَلنی عِندَکَ وَجیهاً بالحُسینِ علیه السلام فی الدُّنیا و الاخِرَهِ یا اَباعبدالله اِنّی

اَتَقَرَّبُ الی اللهِ و الی رَسولِهِ و اِلی امیر المومنینَ و الی فاطمهَ و الی الحسنِ و

الیکَ بموالاتِکَ و بالبَراءَهِ ممَّن قاتَلَکَ و نَصَبَ لَکَ الحربَ و بالبراءهِ مِمَّن اَسَّسَ

اَساس الظُّلمِ و الجَورِ علیکُم»(۳)

خدایا به حق امام حسین علیه السلام مرا در پیشگاهت در دنیا و آخرت آبرومند قرارده . ای

حسین عزیز من به سوی خدا و رسولش و به امیرالمومنین و به فاطمه و به حسن و به

ص: ۱۶۶

۱- بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۳۸

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۴۰۵

۳- مصباح المتجد، ص ۷۴۵

دوستی تو ای علی بن علی به خداوند تبارک و تعالی تقرب می جویم و همچنین با

بیزاری جستن از کسی که با تو مقاتله کرد و جنگ با تو را برپا نمود و با بیزاری جستن از

کسی که بنیان ظلم و ستم را بر شما خانواده گذاشته به پروردگار نزدیک می شوم. ما

قطره ها هستیم که با اتصال با ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام اقیانوس می شویم و خداوند

به خاطر وجود شریف این انسان ها ما را در برابر سایر مردمی که محروم از این نعمت

بزرگ هستند فضیلت می دهد. این چیزی نیست که ما گفته باشیم و بخواهیم از روی

احساسات سخن گفته باشیم بلکه از ناحیه همان بزرگواران نقل قول می کنیم:

امام صادق علیه السلام خطاب به شیعیان خود می فرمود:

«اَنتُم و اللهِ نورٌ فی ظُلُماتِ الارضِ و اللهِ اِنَّ اَهلَ السَّماءِ لَیَنظُرونَ اِلیکُم فی

ظُلُماتِ الارضِ کَما تَنظُرونَ اَنتُم اِلی الکَواکِبِ الدُّرِّیِّ فی السَّماءِ »(۱)

سوگند به پروردگار که شما شیعیان ما نوری هستید در تاریکی های زمین و سوگند به خدا

که آسمانیان در تاریکی های زمین به شما می نگرند همان طور که شما به ستارگان

درخشان آسمان می نگرید.

در بیانی دیگر فرمود:«حَبَّذا شیعَتُنا ما اَقرَبَهُم مِن عَرشِ اللهِ عزَّوجلَّ و اَحسَنَ

صُنعِ اللهِ اَلَیهِم یَومَ القیامَهِ و اللهِ لَو لا اَن یَتَعاظَمَ النّاسُ ذلکَ اَو یُدخِلَهُم زَهوٌ

لَسَلَمَت علیهِمُ المَلائِکَهِ قُبُلاً»(۲)

شیعیان ما چه خوب مردمی هستند و چقدر نزد خداوند مقرب می باشند و چقدر

خوب پرودگار در روز قایمت با آنها معامله می کند. سوگند به خدا اگر مردم عظیم

نشمارند(و باعث گمراهی ایشان نشود) و یا بعضی بر یکدیگر فخرفروشی نکنند ملائکه

آشکارا بر شیعیان و پیروان ما سلام می کنند

یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بسیار شاد و خرم بر امیر المومنین علیه السلام وارد شد و بر او سلام کرد و جواب شنید. علی علیه السلام عرض کرد رسول خدا هیچ گاه ندیده بودم مانند امروز

۱- روضه کافی، ص ۲۷۵ و۲۱۴

۲- همان

شاد و خرم باشید.

فرمود: آمده ام تو را بشارت دهم. یا علی در این ساعت جبرییل بر من نازل شد و

گفت: پروردگار سلامت می رساند و می گوید به علی علیه السلام مژده بده که شیعیانش از مطیع و

گنهکار اهل بهشت هستند.

همین که امیر المومنین این سخن را شنید به سجده افتاد آنگاه دست به سوی آسمان

بلند نموده، عرض کرد پروردگارا گواه باش بر من که نیمی از حسنات خود را به شیعیانم

بخشیدم امام حسن علیه السلام نیز همین کار ار کرد. امام حسین نیز گفت خدایا گواه باش من هم

نصف حسنات خود را به شیعیان پدرم بخشیدم

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شما از من سخاوتمندتر نیستید من نیز نیمی از حسنات خود

را به شیعیان علی علیه السلام بخشیدم.

خداوند تبارک و تعالی خطاب فرمود: کرم شما از من بیشتر نیست من تمام گناهان

شیعیان علی را بخشیدم و آمرزیدم.(۱)

تلاش کنیم دوستان خوبی برای اهل بیت علیهم السلام باشیم و از این همه لطف و عنایتی که

نسبت به شیعیان ابراز می نمایند سوء استفاده نکنیم و به خود اجازه گستاخی در انجام

معاصی و گناهان ندهیم زیرا که توقع آن بزرگواران از ما این است که حتما رعایت تقوا و

ترک معصی را بیشتر از دیگران که به ایشان انتساب ندارند داشته باشیم.

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود می فرمود:

«اَبلِغ مَوالینا عَنّا السَّلام و اَخبِرهُم اِنّا لا نُغنی عَنهُم مِنَ اللهِ شَیئاً اِلّا بِعَمَلٍ و

اَنَّهُم لَن یَنالوا وِلایَتِنا اِلّا بَعَمَلٍ اَو وَرَعٍ و اِنَّ اَشَدَّ النّاسِ حَسرَةً مَن وَصَفَ عَدلاً ثُمَّ

خالَفَهُ اِلی غَیرِهِ»(۲)

سلام مرا به دوستانمان برسان و به آن ها بگو ما نمی توانیم بی نیاز کنیم شما را از طرف

پروردگار مگر به عمل و هرگز به ولایت ما نخواهد رسید مگر به پرهیزکاری و عمل

۱- روضات الجنان، ص ۵۹۱

۲- بحار، ج ؟؟؟، ص ۱۷

پشیمان ترین مردم در روز قیامت کسی است که کار خوبی را توصیف نماید و خود بر خلاف آن عمل کند

نتیجه این شد که چهارده معصوم دارای جان های گرامی و شأنی بزرگ و موقعیتی برجسته اند و کسانی که به طور صحیح و درست به دنبال آنان حرکت کنند و فرمایشاتشان را به اجرا درآورند نیز دارای مرتبه ای بزرگ و ارزشمندند و اگر اهل عمل و ورع نباشند جزو پشیمانان روز قیامت خواهند بود.

ص: ۱۶۹

۲۱. بدعتها و خودرأیی ها را برچیدید و احکام و حدود قطعی الهی را نشر دادید:

«و جاهَدتُم فی اللهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّی اَعلَنتُم دَعوَتَهُ و بَیَّنتُم فَرائِضَهُ و اَقَمتُم

حُدودَهُ و نَشَرتُم شَرایعِ اَحکامِهِ»:

و جهاد کردید در راه خدا آنچنان که حقش بود تا آشکار کردید دعوت او را و بیان

نمودید واجبات او را و اقامه نمودید حدود خدا را و دستورات و احکام آسمانی

پروردگار را منتشر کردید.

ابتدا باید معنای بدعت و اهل بدعت روشن شوند و بعد به فراز فوق بپردازیم و

ملاحظه کنیم که نقش ائمه طاهرین علیهم السلام در مبارزه با بدعتها چه بوده و برای نشر حدود و

احکام ناب پروردگار متعال چه زحمت هایی را متحمل شدند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در معنای بدعت می فرمود:«شَرُّ الْامورِ مُحدَثاتُها ألا و کُلُّ بِدعَهٍ

ضَلالَهٌ اَلا و کُلُّ ضَلالَهٍ فَفی النارِ»(۱)

بدترین کارها آن است که نوپدید و بی سابقه باشد، بدانید هر بدعتی گمراهی است.

بدانید که هر گمراهی فرجامش آتش است.

پس پیامبر بدعت را نوپدید و بی سابقه بیان فرمود!آیا هر چیز نو و هر نوآوری

بدعت محسوب می شود؟ قطعا این طور نیست منظور حضرت همان طور که ادامه فرمایش

خود فرمودند نوپدیده هایی است که ساخته و پرداخته ذهن و فکر بشر است و جنبه دینی

و اعتقادی دارد. یعنی از وحی الهی و سنت نبوی و سیره اهل بیت گرامش نشأت نگرفته

است. به همین دلیل در بیانی دیگر همان بزرگوار فرمود:

«اِیّاکَ اَن تَسُنَّ سُنَّهَ بدعَهٍ فَاِنَّ العَبدَ اِذا سَنَّ سَنَّهٌ سَیِّئَهً لَحِقَهُ وِزرُها و وِزرُ مَن

عَمِل بِها»(۲)

مبادا سنتی را بدعتگذاری. زیرا اگر انسانی سنت بدی را به وجود آورد گناه آن و گناه

کسی که به آن عمل کند به گردن اوست.

ص: ۱۷۰

۱- امالی مفید،ص ۱۸۸

۲- بحار، ج ۷۸، ص ۱۰۴

و در مذمّت اهل بدعت همان گرامی فرمود:« اَهلُ البِدَعِ شَرُّ الخَلقِ و الخَلیفَهِ »(۱)

«اَهلُ البِدَعِ کِلابُ اَهلِ النّارِ»(۲) بدعتگذاران بدترین مردم و موجودات هستند

بدعتگذاران سگ های اهل دوزخ هستند.

از همین لحن تند پیامبر رحمه للعالمین وضع اهل بدعت روشن می گردد که چه

اندازه مغضوب خدا و رسولند!

و امیر المومنین علی علیه السلام بدعت گران را به عنوان منفورترین چهره های تاریخ معرفی

می کند.

«اِنَّ اَبْغَضَ الْخَلائِقِ اِلَی اللّهِ رَجُلانِ رَجُلٌ وَ کَلَهُ اللّهُ اِلی نَفْسِهِ فَهُوَ جائِرٌ عَنْ

قَصْدِ السَّبیلِ، مَشْغُوفٌ بِکَلامِ بِدْعَه وَ دُعاءِ ضَلالَهٍ فَهُوَ فِتْنَهٌ لِمَنِ افْتَتَنَ بِهِ، ضالٌّ عَنْ

هَدْیِ مَنْ کانَ قَبْلَهُ مُضِلٌّ لِمَنِ اقْتَدی بِهِ فی حَیاتِهِ وَ بَعْدَ وَفاتِهِ، حَمّالٌ خَطَایا غَیْرِهِ

رَهْنٌ بِخَطیئَتِهِ»(۳)

دشمن ترین و منفورترین آفریده ها نزد خدا دو نفرند: مردمی که خدا او را به حال

خود گذاشته و از راه راست دور افتاده است دل او شیفته ی بدعت است و مردم را گمراه

کرده به فتنه انگیزی می کشاند و راه رستگاری گذشتگان را گم کرده و طرفداران خود و

آیندگان را گمراه ساخته است. بار گناه دیگران را بر دوش کشیده و گرفتار زشتی های

خود نیز می باشد...

در جای دیگر ما را پرهیز می دهد از بدعت ها و می فرماید:

«وَ اعلَمو عِبادَ اللهِ أنَّ المومنَ یَستَحِلُّ العامَ ما استَحَلَّ عاماً اَوَّلَ و یُحَرِّمُ العامَ

ما حَرَّمَ عاماً اَوَّلَ وَ اَنَّ ما اَحدَثَ النّاسُ لا یُحِلُّ لَکُم شَیئاً مِمّا حُرِّمَ علیکُم و ـ لکِنَّ

الحَلالَ ما اَحَلَّ اللهُ و الحَرامَ ما حَرَّمَ اللهُ »(۴)

ای بندگان خدا آگاه باشید! مومن کسی است که حلال خدا را هم اکنون حلال و

۱- کنزالعمال،/ ۱۰۹۵ و ۱۱۲۵

۲- کنزالعمال،/ ۱۰۹۵ و ۱۱۲۵

۳- نهج البلاغه ، خطبه ۱۷

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

حرام خدا هم اکنون حرام بشمارد و آنچه را مردم با بدعت ها تغییر دادند. چیزی از حرام را حلال نمی کند زیرا حلال همان است که خدا حلال کرده و حرام همان چیزی است که خدا حرام شمرده است.

بعد بررسی چند روایت در معنا و مفهوم بدعت لازم به ذکر است که باید به موارد اتفاق افتاده در تاریخ اسلام اشاره شود تا مردم بدانند پایه گذار بدعت ها در اسلام چه کسانی بودند و چه نوع بدعت هایی در اسلام گذاردند.

نخستین آن ها پس از ارتحال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم توسط کسانی پایه گذاری شد که خود را جزو اصحاب نزدیک حضرت می دانستند در حالی که جنازه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه روز میان عترت طاهره و دوستان ایشان روی زمین بود و آن ها در اطراف بدن مطهر اشک حسرت می ریختند و صدا به ناله و فریاد برمی داشتند اهل سقیفه سرگرم تحکیم پایه های حکومت خود بودند و به هیچ وجه در اندیشه کار پیغمبر نبودند تا اینکه کار خلافت تمام شد و آن را به خود اختصاص دادند. پس از آنکه بدعت خلیفه تراشی را نهادینه کردند حتی به سراغ امیر المومنین علی علیه السلام آمدند و حضرت را به اکراه به مسجد بردند که او نیز به خلیفه برگزیده خودشان بیعت کند و دومی تهدید کرد اگر علی علیه السلام از خانه بیرون نیاید خانه و اهلش را آتش می زنم و اینکار را هم کرد و بقیه حوادث که منجر به شهادت حضرت زهرا علیها السلام و فرزندش حضرت محسن علیه السلام شد و این بدعت ادامه یافت تا نوبت به دومی رسید و دومی به سفارش اولی خلیفه شد و سومی نیز با بدعتی جدید به خلافت رسید.

در عصر خلافت اولی بدعت ممنوع شدن خمس بر آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم مقرر گردید و از همان زمان به بعد اهل سنت خمس را جزو فروع دین نمی دانند و بدان عمل نمی کنند

و نیز در دوران خلافت اولی بر خلاف فرمان رسول صلی الله علیه و آله و سلم درباره رفتن و داخل شدن در جیش اسامه بن زید بن حارثه بود فرمان حضرت نادیده گرفته شد و در برابر نص اجتهاد کردند.

ص: ۱۷۲

بدعتی که دومی پایه گذاری کرد و اجتهاد در برابر نص نمود حلال خدا را حرام نمود

و گفت«مُتعَتان کانَتا فی زَمَنِ رسول اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم مُحَلَّلَةٌ و اَنا اُحَرِّمُهُما» دو چیز زمان

رسول خدا حلال بود و من آن دو را حرام می کنم یکی عقد موقت و دیگر طواف نساء

و تمتع در حج و اجتهادی که قبل از آن انجام داد در برابر دستور قطعی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

وقتی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بستر بیماری بود و فرمود:«اِیتونی بِدَواتٍ و قِرطاسٍ اَکتُبُ

لَکُم کِتاباً لا تَضِلوُّا بَعدی» برای من قلم و کاغذ بیاورید تا برای شما بنویسم که بعد از

من گرفتار گمراهی نشوید. احمد بن حنیل این روایت را در مسند،ج اول،ص ۳۲۵ از

عبدالله بن عباس آورده است که دومی در پاسخ فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت:«اِنَّ النَّبیَّ

یَهجُر» پیامبر هذیان می گوید!!!

در عصر خلیفه دوم به دستور وی اذانی که به امر پروردگار و توسط جبرئیل تنظیم

شده بود تغییر کرد و حیّ علی خیر العمل از آن برداشته شد و به جای آن در هنگام صبح

«الصَّلوةُ خَیرٌ مِنَ النَّوم» نهاده شد.

و اما چرا شیعه در اذان می گوید:« اَشهَدُ اَنَّ علیاً ولیَّ الله»؟!

ابتدا لازم به ذکر است که تمامی فقهای شیعه بر این نکته اتفاق نظر دارند که شهادت

بر ولایت علی علیه السلام جزو اذان نیست ولی این را نیز فرموده اند که شهادت بر ولایت

امیر المومنین علی علیه السلام جایز و مستحب است و برای ادعای خود دلیل قرآنی و روایی

دارند.

اینکه به نص صریح قرآن علی ولی الله است تردیدی نیست.

«إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکَاةَ

وَ هُمْ رَاکِعُونَ وَ مَنْ یَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»(۱)

تنها ولی و سرپرست شما خدا و پیامبر او و آن ها که ایمان آورده اند همانا که نماز را

برپامی دارند و در حال رکوع زکات می دهند و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد

ص: ۱۷۳

۱- مائده / ۵۵و۵۶

با ایمان را بپذیرند حزب و جمعیت خدا پیروز است. مفسران اتفاق نظر دارند که این آیه

در حق امیرالمومنین علی علیه السلام وارد شده است آنگاه که فقیری وارد مسجد شد و از مردم

درخواست کمک کرد و حضرت که در حال رکوع بود با انگشت خود به فقیر اشاره

کرد که انگشتر را از دست او برگیرد و در آن هنگام دو آیه فوق نازل گردید.

مدارک نزول این آیه و شأن نزول آن در کتاب های اهل سنت آمده است. تفسیر

طبری، ج ۶، ص ۸۶ –احکام القرآن، ج ۲، ص ۵۴۲ –اسباب الزول، ص ۱۴۸ –

تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۴۲۲.

قاسم بن معاویه از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام اینگونه نقل می کند که امام

کاظم علیه السلام فرمود: هر کسی از شما به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر گرامی گواهی دهد

برای تکمیل شهادت به ولایت علی علیه السلام نیز گواهی دهد.(۱)

و از اهل سنت در کتاب کنزالعمال، ج ۶، ص ۳۹۶ حدیث ۶۰۴۸ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

روایت شده که آن حضرت چندمین بار فرمود:«یا علیُّ اَنتَ ولیُّ کُلِّ مومنٍ بعدی» ای

علی تو بعد از من بر هر مومنی ولی و سرپرست هستی.

در زمان حکومت خلیفه دوم نیز نمازی به نام نماز تراویح شب های ماه مبارک

رمضان جعل شد که برای اولین بار نمازی بالاصطلاح مستحب به جماعت خوانده شد و

این بدعت تا به امروز ادامه دارد.

در عصر خلیفه سوم یکی از بدعت ها خواندن نماز چهاررکعتی در سفر بود و او بر

خلاف سنت پیامبر و حتی خلیفه اول و دوم نماز شکسته را قبول نداشت که وقتی معاویه

در سفرش به مکه نماز ظهر را شکسته خواند مورد اعتراض مروان حکم قرار گرفت و او

مجبور شد نماز عصرش را کامل بخواند تا از عثمان تبعیت کرده باشد.

وقتی معاویه خلافت را به دست گرفت دوران وفور بدعت ها بود و در هیچ عصری

مثل زمان او بدعت در دین خدا گذاشته نشده تا آنجا پیش رفت که نماز جمعه را روز

۱- درنگستان، ص ۱۴۸ به نقل از رایحه سال ۵،شماره ۵۶

چهارشنبه خواند!! و او بنا داشت اصل و ریشه اسلام نبوی را از بیخ و بن بر کند

همچنانکه فرزندش یزید بن معاویه پس از حادثه کربلا به صراحت انکار وحی و نبوت

را کرد!!

و اگر نبود مجاهدت های ائمه طاهرین علیهم السلام و افشاگری های آن بزرگواران از اسلام

چیزی باقی نمی ماند جز یک سلسله مسایل تحریف شده و بلایی را بر سر اسلام

می آوردند که بر سر مسیحیت و یهودیت آوردند.

نهضت فرهنگی امیر المومنین علی علیه السلام و فرزندان عزیزش به ویژهخ در دوران آماده و

مستعد امام باقر و امام صادق علیها السلام باعث شد اسلام ناب محمدی به دنیا و اهل معرفت

معرفی شود و فرائض و احکام و حدود واقعی اسلام در دسترس علم دوستان و حقیقت

جریان عالم قرار گیرد.

و جاهَدتُم فی اللهِ حَقَّ جِهادِهِ حتّی اَعلَنتُم دَعوتَهُ و بَیَّنتُم فَرائِضَهُ و اَقَمتُم حُدودَهُ

و نَشَرتُم شرایعَ اَحکامِهِ»

و جهاد کردید در راه خدا آنچنانکه حقش بود تا آشکار کردید دعوت او را و بیان

نمودید واجبات او را و اقامه نمودید حدود خدا را و دستورات و احکام آسمانی

پروردگار را منتشر کردید.

ائمه طاهرین علیهم السلام در مجموع جلوی بدعت ها را گرفتند و حداقل توانستند به جامعه

جهانی بفهمانند اسلام منتسب به وحی با اسلام ساخته و پرداخته ذهن بشری متفاوت

است و جالب این است که آن هایی که خود را به عنوان رهبران دینی سایر مسلمین قرار

دادند و خرج خود را از اهل بیت علیهم السلام جدا کردند شاگردی و استفاده علمی را از محضر

امثال امام باقر و امام صادق علیهماالسلام داشته اند.

مالک بن انس رهبر مالکی ها مدت ها در محضر امام صادق علیه السلام کسب فیض کرد

ابوحنیفه رهبر حنفی ها خود اعتراف می کند:«لولا السَّنَتان لَهَلَکَ النُّعمان» اگر دو

سال شاگردی من از امام صادق علیه السلام نبود هلاک می شدم (ابو حنیفه معروف بود به

ص: ۱۷۵

ابو نعمان)

او نیز می گفت:«ما رَاَیتُ اَعلَمُ مِن جَعفَرِبنِ محمدٍ». هیچ کس را عالم تر از جعفربن

محمد نیافتم.

ائمه علیهم السلام شاگردانی را تربیت کردند که به راستی سخنانشان را خوب فهمیده و در مقام

ابلاغ و رساندن به امت اسلامی بوده و هستند و هم اینک این شاگردان مکتب

اهل بیت علیهم السلام طلایه داران نهضت علمی و فقهی و اعتقادی و اخلاقی جوامع بشری هستند

و در کسوت مرجعیت و فقاهت ترویج دین می کنند دینی که از دستبرد اجنبیها در امان

مانده و بر گرفته از قرآن و سنت و سیره اهل بیت علیهم السلام است.

ص: ۱۷۶

۲۲. برکت در خانه ی شماست:

«و مَساكِنُ بَرَكهِ الله»:

و شما جایگاه برکت پروردگارید.

راغب اصفهانی در معنای برکت می گوید:«البَرَكَهُ ثُبوتُ الخَيرِ الالِهی فی الشَّی ءِ

قالَ الله لَفَتَحنا عَلَيهِم بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ »(۱)

برکت یعنی خیر الهی در چیزی تثبیت شود چنانکه می فرماید:(اگر ساکنین شهرها

ایمان می آوردند و تقوا را پیشه خود می ساختند) برکاتی از آسمان و زمین به رویشان

می گشودیم.

و یا اینکه درباره ی ایمان آورندگان به حضرت نوح علیه السلام گفته شد:«يَا نُوحُ اهْبِطْ

بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ »(۲)

ای نوح به سلامت و برکتی که از جانب ما شامل حال تو و آنهایی که با تو می باشند

نصیب شده از کشتی پیاده شو.

و مبارک به چیزی گفته می شود که برکت در آن نهادینه شده مثل«اِنّا اَنزَلناهُ فی

لَيلَهٍ مُبارَكَهٍ»(۳) ما این قرآن را در شب مبارک نازل کردیم.

یا اینکه حضرت عیسی بن مریم علیهاالسلام در گهواره گفت:«و جَعَلَنی مُبارَكاً»(۴)

خداوند مرا مبارک قرار داد و یا درباره سرزمین بیت المقدس و سفر معراجیه رسول

الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِی

بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»(۵)

منزه است خدایی که شبی بنده اش را از مسجدالحرام به مسجد الاقصی سیر داد

همان مسجدی که اطرافش را پر برکت کردیم تا آیات خود را به او نشان دهیم که

۱- اعراف / ۹۲

۲- هود / ۴۸

۳- دخان / ۲

۴- مریم / ۳۱

۵- اسرا /۱

خداوند شنوا و بیناست.

با توجه به آیات شریفه فوق و معنای لغوی برکت متوجه می شویم ه چهارده

معصوم علیهم السلام که (مساکن برکت خدایند) چه منظوری را در بر دارد.

یعنی برکات آسمانی و زمینی مادی و معنوی دنیایی و آخرتی مرکز و کانونش در

خانه شما اهل بیت علیهم السلام است.

راغب گفت برکت یعنی خیر تثبیت شده و خیر نهادینه شده سوال اینجاست که با نگاه

به زندگی و سیره نظری و عملی اهل بیت علیهم السلام برای هیچ کس شبهه ای باقی نمی ماند که این

خاندان به راستی منشا برکات و خیر نهادینه شده هستند.

برکت وجود امام معصوم علیه السلام همین بس که به خاطر وجودش همه موجودات روزی

می خورند و آسمان و زمین برجاست و اگر حتی یک روز جهان از وجود حجت خدا

خالی شود همه چیز بر هم خواهد ریخت.

امام صادق علیه السلام «لَو بَقیَتِ الارضُ بَغَیرِ امامٍ لَساخَت»(۱)

اگر زمین بدون امام می ماند به یقین در هم فرو می ریخت.

امام امیر المومنین علیه السلام توصیفی از وجود امام دارند که با خواندن آن مسئله برکات

وجودی ائمه طاهرین علیهم السلام بهتر روشن می شود.

امامی که سزاوار امامت است نشانه هایی دارد. نخست آن که معلوم شود او از همه

گناهان _ کوچک و بزرگ _ مصون است. در فتوا دچار لغزش نشود و پاسخ نادرست

ندهد. گرفتار سهو و فراموشی نگردد و به چیزی از دنیا دل نبندد.

دوم آن که: آگاه ترین فرد باشد به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون او و اوامر و

نواهی اش و هر آنچه مردم بدو نیازمندند(پس مردم به او نیازمندند) و او از آنان بی نیاز

سوم: باید شجاع ترین فرد باشد زیرا او سر دسته ی مومنانی است هک روی به سوی او دارند اگر در میدان نبرد از پیشروی باز ماند مومنان نیز با عقب نشینی او عقب نشینی می کنند.

ص: ۱۷۸

۱- بحار، ج ۲۳، ص ۲۳

چهارم: امام باید بخشنده ترین افراد باشد هرچند همه مردم زمین بخیل باشند زیرا اگر بخل و آزمندی بر او چیره شود به اموال مسلمانان که در دست اوست آزمند و حریص خواهد شد.

پنجم: امام باید پاک بودن از همه گناهان را دارا باشد با این ویژگی او از پیروان خود که از گناه مصون نیستند متمایز می شود چه اگر او معصوم و پاکدامن نباشد اطمینانی نیست که همچون دیگر مردمان در گرداب گناهان مهلک و شهوات نیفتد.(۱)

با این پنج ویژگی که مولای متقیان علی علیه السلام در وصف امامت بیان کردند برکت وجودی آن ذوات مقدسه کاملا احساس می شود وجود نازنین ائمه طاهرین علیهم السلام در دنیا و آخرت برای دوستانشان برکتند.

شیخ طوسی رحمه الله از امام باقر علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«کَیفَ بِکَ یا علیَّ اِذا وَقَفتَ علی شَفیرِ جَهَنَّمَ و قَدَّمَتَ الصراطَ و قیلَ لِلناسِ: جوزوا و قُلتَ لِجَهَنَّمَ، هذا لی و هذا لَکَ؟»

ای علی! چگونه خواهی بود وقتی که بر لبه ی جهنم بایستی و مردم را دستور دهند که بر صراط عبور کنند آنگاه به جهنم بگویی: این برای تو و این برای من، یعنی عده ای را به جهنم حواله کنی و عده ای را از جهنم نجات دهی؟

علی علیه السلام عرض کرد:ای رسول خدا! آن ها که به سلامت عبور می کنند چه کسانی هستند؟

فرمود:«اُولئکَ شیعَتُکَ مَعَکَ حَیثُ کُنتَ»(۲) آنها شیعیان تو می باشند که هر کجا باشی با تو خواهند بود.

شاعری هم چنین سروده است:

أباحسنٍ وِلاؤکَ لی اَمانٌ*** اِذا زَفَرَت علی الخَلقِ الجَحیمُ

و کیفَ یَخافُ حَرُّالنّارِ عَبدٌ*** یُوالیکُم و انتَ لَها قَسیمُ

۱- بحار، ج ۲۵، ص ۱۶۴

۲- امالی طوسی، ص ۹۴ و بحار، ج ۳۹، ص ۱۹۷

ای علی دوستی و ولایت تو برای من امان است وقتی که جهنم بر آدمیان شعله کند

و چگونه از حرارت آتش بترسند بنده ای که شما را دوست داشته باشد زیرا تو قسمت

کننده ی آن هستی.

سعه ی برکات اهل بیت علیهم السلام شامل حال حیوانات نیز می شود:

سید بن طاووس در کتاب الیقین از طریق اهل سنت نقل می کند روزی امیر المومنین

علی علیه السلام در مکه بر کوه صفا قدم می زد ناگهان پرنده ای را که شبیه کبک است دید که

روی زمین راه می رود وقتی در مقابل امیر المومنین علیه السلام قرار گرفت حضرت علی علیه السلام به

او سلام کرد پرنده عرض کرد سلام بر شما و رحمت و برکات خداوند بر شما باد ای

امیرمومنان

حضرت فرمود: ای پرنده! اینجا چه می کنی؟ عرض کرد ای امیر المومنین من

چهارصد سال است در این مکان خدا را تسبیح می گویم و به تقدیس و تمجید او

مشغولم و او را به طور کامل عبادت می کنم. امیر المومنین علیه السلام فرمود: ای پرنده! صفا

سرزمینی است که در آن خوردنی و آشامیدنی نیست برا تهیه آن چه می کنی؟ عرض

کرد:

«و قِرابَتُکَ مِن رسول اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم یا امیر المومنین اِنِّی کَلّما جَعتُ دَعوتُ اللهَ

لَشیعَتِکَ و مُحِبِّیکَ فَاشَبَعُ و اِذا ضَمِئتُ دَعَوتُ اللهَ علی مُبغِضیکَ و غاصِبیکَ

فَأروی»(۱)

به خویشاوندی شما با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قسم، هرگاه گرسنه می شوم برای شیعیان و

دوستان شما دعا می کنم سیر می شوم و هرگاه تشنه می شوم دشمنان شما و غاصبین حق

شما را نفرین می کنم سیراب می شوم.

باز هم از«مَساكِنُ بَرَكِهِ الله» است که روزی رسول خدا به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! امتم در عالم ذرّ به من نشان داده شدند و برایم آشکار گردیدند به طوری که

۱- الیقین،ص ۷۲ و بحار،ج ۴۱، ص ۲۳۵

کوچک و بزرگ آن ها را دیدیم در حالی که روح بودند و اجساد آن ها هنوز آفریده

نشده بود در آنجا من به تو و شیعیانت عبور کردم و برای شما طلب مغفرت نمودم

علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! در مورد شیعیانم بیشتر برایم بفرمایید فرمود:

«یا علیُّ تَخرُجُ اَنتَ و شیعَتُکَ مِن قُبورِکُم و وجوهِکُم کَالقَمَرِ لَیلَه البَدرِ قَد

فَرَّجَت عنکم الشَّدائِدَ، و ذَهَبَتَ عَنکُم الأحزانَ تَستَظِلونَ تَحتَ العَرشِ یَخافُ الناسُ

و لا تَخافونَ و یَحزَنُ النّاسُ و لا تَحزَنونَ و توضَعُ لَکُم مائِدَهٌ و النّاسُ فی

المُحاسِبَهِ »(۱)

ای علی!تو شیعیانت از میان قبرهای خود بیرون می آیید در حالی که چهره هایتان

مثل ماه شب چهارده می درخشند سختی ها از شما بر طرف شده و غم ها و غصه ها از

شما زایل گشته است. عرش الهی بر شما سایه می افکند مردمان دیگر می ترسند و شما

نمی ترسید آن ها غمناکند و شما هیچ گونه غمی ندارید و برای شما سفره بگسترانند در

حالی که مردم مشغول حساب هستند.

فیض اهل بیت و برکاتشان شامل حال فرشتگان نیز می شود خوارزمی از علمای اهل

سنت است در کتاب مناقب از ابن مسعود نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:« اوّل

کسی که از اهل آسمان علی علیه السلام را برای خود برادر انتخاب کرد اسرافیل بود و بعد از او

میکائیل و جبرئیل بودند و اول کسانی که از اهل آسمان به دوستی علی علیه السلام مفتخر

گردانیده اند فرشتگانی هستند که عرش الهی را به دوش دارند. بعد از آن ها رضوان است

که خزانه دار بهشت است و بعد از او فرشته ی قبض روح یعنی عزرائیل است.

«و اِنَّ مَلَکَ المَوتِ یَتَرَحَّمُ علی مُحِبِّی علیِّ بن ابی طالبٍ علیه السلام کَما یَتَرَحَّمُ علی

الاَنبیاءِ علیهم السلام»(۲)

ملک الموت بر دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام رحم می کند همان طور که بر پیامبران

ص: ۱۸۱

۱- فضائل الشیعه / ۶۸ و بصائر الدرجات، ص ۸۴

۲- مناقب خوارزمی،ص ۷۶ و کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۰۳

الهی ترحم می نماید.

و از برکات ولایت نسبت به فرشتگان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد حضور داشتند و

جمعی از مهاجرین و انصار نزد آن حضرت بودند. ناگهان جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت

نازل شد و عرض کرد: ای محمد! حق تعالی بر تو سلام می رساند و می فرماید: علی را

حاضر کن و او را روبروی خودت بنشان.

جبرئیل این فرمان الهی را رسانید و به آسمان برگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم علی علیه السلام را

حاضر کرد و او را روبروی خود نشانید.

جبرئیل دوباره نازل شده و به همراه خود طبقی از خرما آورد و بین آن دو بزرگوار

قرار داد و عرض کرد: از آن میل کنند. و آن ها خوردند و سپس طشت و آفتابه ی آبی

آورد و عرض کرد ای رسول خدا! پروردگارت فرموده است که تو آب را روی

دست های علی بن ابی طالب علیه السلام بریزی. فرمود: سمعاً و طاعةً آنچه را خداوند امر کند

اطاعت می کنم.آنگاه آفتابه را برداشت و برخاست ه آب روی دست های علی علیه السلام

بریزد.

علی علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! من سزاوارترم که آب روی

دست های مبارک شما بریزم.

فرمود: ای علی! خداوند چنین فرمان داده است و به من چنین ماموریتی عنایت کرده

و آب را روی دست های علی علیه السلام که می ریخت قطره ای از آن در طشت نمی ریخت

علی علیه السلام عرض کرد ای رسول خدا! آب ها را نمی بینم که در میان طشت بریزد. فرمود:

«یا علیّ اِنَّ المَلائِکَهَ یَتَسابِقونَ عَلی اَخذِ الماءِ الَّذی یَقَعُ مِن یَدِک فَیَغسِلونَ بِهِ

وُجوهَهُم لِیَتَبارَکونَ بِهِ»(۱)

ای علی! فرشتگان از یکدیگر سبقت می گیرند در اینکه آبی که از دست های تو می ریزد بگیرند و به عنوان تبرک چهره ی خود را با آن شستشو دهند.

ص: ۱۸۲

۱- بحار، ج ۳۹، ص ۱۲۱ و انوار نعمانیه، ج ۱،ص ۱۸

و باز از برکات ولایت است بخوانیم که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«اَلا و مَن عَرَفَ عَلیاً و اَحَبَّهُ بَعَثَ اللهُ اِلَیهِ مَلَکُ المَوتِ کَما بَعَثَهُ اِلَی الاَنبیاءِ و

جَنَّبَهُ اَهوالُ مُنکَرٍ و نَکیرٍ و فَتَحَ لَهُ فی قَبرهِ مِسیرَه عامٍ و جاءَ یَومَ القیامَهِ اَبیَضُ

الوَجهِ یَزُفُّ اِلی الجَنَّهِ کَما تَزُفُّ العَروسُ اِلی بَعلِها»

آگاه باشید کسی که علی علیه السلام را بشناسد و او را دوست داشته باشد خداوند عزرائیل را

برای قبض روح او می فرستد همانگونه که برای پیامبرانش می فرستد و ترس و وحشت

دو را که برای بازجویی و پرسش در قبر می آیند از او دور می کند و قبرش را به

اندازه مسیر یک سال راه توسعه می دهد و در صحنه قیامت با روی سفید وارد می شود

و به طرف بهشت شتابان می رود همانطور که عروس خود را به خانه شوهرش

می افکند

در ادامه پیامبر فرمود: آگاه باشید کسی که علی علیه السلام را دوست داشته باشد خدا او را در

سایه عرش خود پناه می دهد و از وحشت بزرگ قیامت در امان است. آگاه باشید کسی

که علی را دوست داشته باشد امین خدا در روی زمین نامیده می شود»(۱)

۱- القطره، ج ۱، ص ۲۳۱ به نقل از مشارق الانوار، ص ۶۱

۲۳. بزرگی مقامتان تا کجاست؟!

«خَلَقَکُمُ اللهُ اَنواراً فَجَعَلَکُم بِعَرشِهِ مُحدِقینَ حتّی مَنَّ عَلینا بِکُم»:

خداوند شما خاندان عصمت و طهارت را به صورت نورهایی آفریده و گرداگرد

عرش خود قرار داده تا بواسطه وجودتان بر ما منت گذارد.

انوار طیبه گرداگرد عرش الهی اشاره به خلقت نوری این چهارده معصوم است که قبل از

خلقت تمامی موجودات بوده اند و خداوند نور وجودشان را ریشه خلقت سایر

موجودات قرار داده است

پروردگار که خود همه نور است برای همان نور مثال می زند به آیه نور و به تاویل

آن در سوره نور توجه کنید:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکَاهٍ فِیهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی

زُجَاجَهٍ الزُّجَاجَهُ کَأَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبَارَکَهٍ زَیْتُونَهٍ لَا شَرْقِیَّهٍ وَ لَا

غَرْبِیَّهٍ یَکَادُ زَیْتُهَا یُضِیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ

یَشَاءُ وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ»(۱)

خداوند نور آسمان ها و زمین است مثل نور او چون حفاظی است که در آن

چراغی است و چراغ در شیشه ای است و شیشه گویی ستارهٔ درخشانی است از درخت پر

برکت زیتون با آنکه نه شرقی و نه غربی است شرق و غرب جهان به آن روشن است.

نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود نوری است بر فراز نور دیگر خدا هر که

را بخواهد با نور خود هدایت می کند و خداوند برای مردم مثال ها می زند و او به همه

چیز آگاه است.

جابربن عبدالله انصاری می گوید داخل مسجد کوفه شدم در حالی که امیر المومنین

علی علیه السلام مشغول نوشتن بود و می خندید عرض کردم یا امیر المومنین چه چیز باعث خندهٔ

شما شده؟ فرمود: تعجب می کنم از کسی که این آیه را می خواند و از معرفت به آن

ص: ۱۸۴

۱- نور / ۳۵

محروم است.

عرض کردم کدام آیه ای امیر المومنین فرمود:«اللهُ نورُ السمواتِ و الَارضِ مَثَلُ نورهِ کَمِشکاهٍ» مشکات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است «فیها مِصباح» من هستم «المِصباحُ فی زُجاجَهٍ» حسن و حسین علیهماالسلام می باشند« کَاَنَّها کَوکَبٌ دُریٌ » علی بن الحسین علیه السلام « یوقَدُ مِن شَجَرَهٍ مُبارَکَهٌ » محمدبن علی علیه السلام است «زِیتونَهٍ» جعفربن محمد علیه السلام «لا شَرقیَهٍ » موسی بن جعفر علیه السلام «لا غَربیهٍ» علی بن موسی الرضا علیه السلام «یَکادُ زَیتُها یَضیُٔ » محمد بن علی علیه السلام «وَ لَم یَمسَسهُ نارٌ » علی بن محمد علیه السلام «نورٌ علی نورٌ» حسن بن علی علیه السلام «یَهدی اللهُ لنورهِ مَن یشاءَ» حضرت قائم المهدی علیه السلام می باشند.(۱)

از امام رضا علیه السلام ذیل آیه روایت شده که فرمود:«نحنُ المِشکاهُ فیها و المِصباحُ محمدٌ صلی الله علیه و آله و سلم یهدی اللهُ لِولایَتِنا مَن اَحَبَّ»(۲)

منظور از مشکات ما اهل بیتیم و مقصود از مصباح رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است که خداوند هر که را دوست بدارد به سوی ولایت ما هدایت فرماید.

خَلَقَکُم اللهُ اَنواراً: در همان سوره می خوانیم «وَ مَن لَم یَجعَلِ اللهُ لَهُ نوراً فَما لَهُ مِن نورٍ»(۳)

کسی که خدا نوری به وی نداده او را نوری نیست!

صالح بن سهل می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:«وَ مَن لَم یجعَلِ اللهُ لَهُ نوراَ یعنی اِماماً مِن وُلدِ فاطمهَ علیها السلام فما لَهُ مِن نورٍ قالَ مِن امامٍ یومَ القیامهِ یُمشی بِنورهِ کَما فی قَولِهِ: یَسعی نورَهُم بَینَ اَیدیهِم و بِاَیمانِهِم اِنَّما المؤمنونَ یَومَ القیامهِ نورهُم یَسعی بَینَ اَیدیهم و بِاَیمانِهِم حَتّی یَنزِلوا مَنازِ لَهُم فی الجَنَّهِ »(۴)

مقصود از کسی که خدا نوری به وی نداده یعنی امامی از فرزندان فاطمه علیها السلام که

چنین شخصی از نور امام محروم است تا در روز قیامت به نور وجود او راه برود.

ص: ۱۸۵

۱- تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۳۶

۲- تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۳

۳- نور/ ۴۰

۴- تفسیر صافی، ص ۳۷۹

همان طور که پروردگار می فرماید نورشان از پیش رو و سمت راست: همانا مومنین

نورشان از پیش رو و سمت راست و چپ آن ها حرکت می کند تا اینکه به منزلگاهشان

یعنی بهشت مستقر گردند.

انوار طیبه امامت از هر نوری تابنده ار و درخشنده تر است چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود:

«نورَ الامامِ فی قلوبِ المؤمنینَ أنوَرُ مِنَ الشَّمسِ المُضیئَهِ بِانَّهارِ»(۱)

نور امام در قلب بندگان مومن درخشنده تر از نور خورشید در روز است.

در ذیل آیه ۴۰ سوره نور که گذشت«وَ مَن لَم یجعَلِ اللهُ لَهُ نوراً فما لَهُ مِن نورٍ»

و کسی که خداوند برایش نوری قرار ندهد نوری نخواهد داشت. به روایتی از رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم برمی خوریم که فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت: آیا بشارت بدهم تو را

که چه چیز جواز عبور از صراط است؟ گفتم: بگو. گفت:«تجوزُ بنورِالله و یجوزُ

علیٌّ بنورک و نور الله و تجوزُ امَّتُکَ بنورِ علیٍّ و نورُ علیٍّ مِن نورک و من لم

یجعلِ اللهُ له نوراً فما لهُ من نورٍ» بحار،ج ۸، ص ۷۰

تو با نور خداوند حرکت می کنی علی علیه السلام با نور تو عبور می کند و نور تو از نور

خداست و امت تو با نور علی علیه السلام عبور می کنند و نور علی علیه السلام از نور توست(و کسی که

خداوند برایش نوری قرار ندهد نوری نخواهد داشت)

خَلَقَکُمُ اللهُ اَنواراً: جابربن عبدالله انصاری می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:«اِنَّما

سَمّاها فاطمهُ الزهراء لِاَنَّ الله عزَّ وجلَّ خَلَقَها مِن نورِ عَظَمَتِهِ» حضرت فاطمه علیها السلام را

زهرا نامیده شده چون خدای متعال آن بانو را از نور عظمت خود آفرید.

هنگامی که به دنیا آمد آسمان ها و زمین به نور او روشن گشت. چشمان فرشتگان

خیره شد. فرشتگان خدای متعال را سجده نموده و گفتند: خدای ما! و سرور ما! این چه

نوری است؟!

خداوند به آنان وحی فرمود:«هذا نورٌ مِن نوری أسکَنتُهُ فی سَمائی و خَلَقتُهُ

ص: ۱۸۶

۱- کافی، ج ۸، ص ۷۰

مِن عَظِمَتی اُخرِجُهُ مِن صُلبِ نبّیٍ مِن أبنیائی أفَضِّلُهُ علی جَمیعِ الاَنبیاءِ و اُخرِجُ مِن ذلکَ النُّورِ اَمَّه یَقومونَ بِأمری و یَهدونَ الیَّ خَلقی و أجعَلهُم خُلَفاءَ فی اَرضی»(۱)

این نوری از نورمن است که آن را در آسمانم جای دادم و از عظمت خویش آفریدم من این نور را از صلب یکی از پیامبرانم بیرون می آورم که او را بر همه پیامبران برتری می دهم از این نور گروهی (امامانی) را به وجود می آورم که برای امر من قیام می کنند و آفریدگانم را به سوی من راهنمایی می نمایند و من آن ها را جانشینان خود در روی زمین قرار می دهم

سلمان فارسی رحمه الله علیه نقل می کند که عمار به من خبر داد و گفت: آیا مطلب جالب و شگفتی را برایت نقل کنم؟ گفتم: بلی. گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام را مشاهده کردم که بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شد همین که فاطمه علیها السلام آن حضرت را دید عرض کرد: نزدیک بیا«لِاُحَدِّثُکَ بما کانَ و بما هوَ کائِنٌ و بما لم یَکُن اِلی یومِ القیامهِ حینَ تقومُ السّاعَهِ » تا از آنچه در گذشته واقع شده و از آنچه در آینده واقع خواهد شد و از آنچه تا روز قیامت هرگز واقع نمی شود برایت خبر دهم.

عمار گفت: امیر المومنین علیه السلام را دیدم که با شنیدن این سخن به عقب برگشت من هم با او به عقب برگشتم و به همراه او رفتم تا اینکه به محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای ابالحسن! نزدیک بیا. علی علیه السلام نزدیک پیامبر آمد و نشست وقتی آرام گرفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: من قضیه را بگویم یا خودت می گویی؟

علی علیه السلام عرض کرد: سخن گفتن شما ای رسول خدا نیکوتر است فرمود: گویا تو را دیدم که بر فاطمه علیها السلام وارد شدی و او برایت چنین و چنان گفت و تو برگشتی. علی علیه السلام بعد از

شنیدن آن عرض کرد: آیا نور فاطمه علیها السلام از نور ماست؟ فرمود: مگر تو نمی دانی؟

(خواننده ی عزیز و گرامی توجه داشته باشد که این حدیث و امثال آن و این گونه پرسش ها

۱- مصباح الانوار، ص ۲۳۳ و علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۹

و پاسخ ها برای تعلیم و تفهیم دیگران و به منظور بیان حقایق و بالا بردن معرفت مردم

است و الا علی علیه السلام از همه چیز با خبر است بلکه بناست در این نوع حوادث منزلت

فاطمی علیها السلام روشن گردد) علی علیه السلام خداوند را برای شکر این نعمت سجده کرد. عمار

می گوید:علی علیه السلام از نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خارج شد و به طرف خانه فاطمه علیهاالسلام روان

گردید و من هم همراه آن حضرت بودم تا به خانه حضرت زهرا علیها السلام وارد شدیم

فاطمه علیها السلام شروع به سخن کرد و گفت: گویا خدمت پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتی و

آنچه به تو گفته بودم برای او نقل کردی؟ علی علیه السلام فرمود: بلی همین طور است که

می گویی. فاطمه علیها السلام عرض کرد: بدان ای اباالحسن! خداوند تبارک و تعالی نور مرا آفرید

و آن همواره تسبیح خدا می کرد سپس آن ار به درختی از درخت های بهشت ودیعه

نهاد و آن روشن گردید. هنگامی که پدرم داخل بهشت گردید خداوند به او الهام نمود

که از میوه آن درخت بچیند و آن را در دهان خود بچرخاند او چنین کرد و خداوند

نور مرا در صلب پدرم، سپس از او به مادرم خدیجه منتقل کرد تا اینکه از او به دنیا

آمدم و من از همان نور هستم. بدان آنچه در گذشته به وقوع پیوسته و در آینده واقع

می شود و آنچه را که واقع نخواهد شد می دانم«اَلمومنُ یَنظُرُ بنورِ اللهِ تعالی» مومن

با نور خداوندی به حقیقت هر چیز نگاه می کند.(۱)

ابن عباس درباره نور فاطمی می گوید در آن هنگام که بانوی بانوان حضرت فاطمه

زهرا علیها السلام پا به عرصه وجود گذاشت و متولد گشت، زمین روشن گردید به گونه ای که نور

وجود حضرتش بیابان ها را نورانی و کوه ها را روشن نمود فرشتگان به سوی زمین فرود

آمده و بال های خود را در شرق و غرب جهان گسترانیدند و بر آن ها خیمه ها و

پرده هایی با ارزش زدند و آن را با سایه بان های آسمان پوشیده و اهل مکه را نور آن

حضرت مدهوش ساخت. در همان روز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد اتاق خدیجه علیهاالسلام شد و

فرمود:

۱- بحار،ج ۴۳، ص ۸

«ای خدیجه!از این که زنان مکه تو را ترک کرده و در این موقعیت حساس به یاری

تو نیامدند غمگین مباش! زیرا که همین امروز گروهی از بانوان زیبای بهشتی به سوی تو

فرود می آیند که در این حال بانوانی با چهره های شاد با عطری دلنشین و چشمانی

نمکین که پیشاپیش آن ها نوری می درخشید و نسیمی از عطر خوشبو از آن ها می وزید

که همه مردم مکه را فرا گرفت فرود آمدند آنان به حضرت خدیجه علیهاالسلام عرض سلام

نموده و به بهترین وجه تهیت گفتند. القطره، ج ۲، ص ۴۱۸

امام صادق علیه السلام فرمود:«سُمِّیَتُ الزَّهراءُ لِاَنَّها کانَت تَزهَرُ لَاَمیرالمومنینَ علیه السلام

فی النَّهارِ ثَلاثَ مَرّاتٍ بالنُّورِ»(۱)

حضرت زهرا علیها السلام نامیده شده است به خاطر اینکه در روز سه مرتبه درخشش نورانی

برای امیر المومنین علیه السلام داشت.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در تایید سخن فرزندش امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره

«خَلَقَکُمُ اللهُ اَنواراً فَجَعَلَکُم بِعَرشِهِ مُحدِقینَ» به این مسعود فرمود:

خداوند من و علی و حسنین را از نور پاک خو آفرید و وقتی اراده فرمود هستی را

بیافریند نور مرا شکافت و از آن آسمان ها و زمین را آفرید و من به خدا قسم از

آسمان ها و زمین والاتر و برترم. سپس نور علی علیه السلام را شکافت و از آن عرش و کرسی را

آفرید و به خدا قسم علی علیه السلام از عرش و کرسی برتر است. بعد از آن نور حسن علیه السلام را

شکافت و از آن فرشتگان و حور العین را آفرید و به خدا قسم حسن علیه السلام از حور العین و

فرشتگان رتبه اش برتر است. آنگاه نور حسین علیه السلام را شکافت و از آن لوح و قلم را آفرید

و به خدا قسم حسین علیه السلام از لوح و قلم برتر است.

در این هنگام که تاریکی همه جا را فرا گرفته بود فرشتگانی ناله کردند و فریاد زدند:

بار خدایا! ای پروردگار ما و ای سرور ما! به حق آن اشخاص نورانی که آفریده ای ما را

از این تاریکی رهایی بخش خداوند به کلمه ی دیگری تکلم فرمود و از آن روحی را خلق

۱- علل الشرایع،ج ۱، ص ۱۸۰

کرد و سپس نور آن روح را فرا گرفت. و از آن حضرت زهرا علیها السلام را آفرید و او را در مقابل عرش نگهداشت آن وقت همه عالم روشن گردید و از این جهت او را زهرا نامیدند.(۱)

پایه عرش الهی در دست حضرت زهرا علیها السلام و درخواست انتقام خون فرزندش حسین علیه السلام

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هنگامی که روز رستاخیز فرا می رسد دخترم فاطمه در حالی محشور می شود که لباس های خون آلود فرزندش امام حسین علیه السلام با اوست. آنگاه یکی از پایه های عرش الهی را می گیرد و می گوید:

پروردگارا بین من و قاتل فرزندم داوری کن! رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«فَیَحکُم لِابنَتی و ربِّ الکَعبهِ»(۲) سوگند به خدای کعبه خداوند به نفع دخترم داوری می کند

بخش آخر این فصل بود که« حتّی مَنَّ عَلَینا بُکُم» خداوند بواسطه وجود شما اهل بیت بر ما منت نهاده است در واقع چه منتی بالاتر از اینکه به ما توفیق داده این ذوات نورانی را دوست داشته باشیم و افتخار کنیم که این بزرگواران در دنیا و برزخ و قیامت موالیان ما هستند و امید دستگیری و نجاتمان را از آتش و عذاب الهی با شفاعت و وساطت ایشان داریم.

۱- بحار، ج ۳۶، ص ۷۳ و تفسیر برهان،ج ۴،ص ۲۲۶

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵

۲۴. بقیه الله شما هستید:

«و بَقِّیهُ اللهِ و خیَرتِهِ و حزبهِ»

باقیمانده الهی و خوبان خدا و حزب او هستید.

دربارهٔ هر سه جمله آیه داریم و تاویل آیه دربارهٔ بقیه الله در قرآن آمده است:

«بَقِیَّهُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ »(۱)

آنچه از جانب خدا برایتان باقی می ماند بر شما بهتر است اگر به راستی ایمان

آورده اید از القاب امام عصر(عج) بقیه الله است زیرا که آن حضرت باقیمانده الهی از

انبیاء و اوصیاء است که باید خواسته تمامی انبیاء و اوصیاء را که جهانی شدن دین خدا

است به انجام رساند و لذا لحظه ظهور هم در هنگام معرفی خود می فرمود:

«اَنا بَقیهُ الله» منم باقیمانده الهی که انتظارش را می کشیدید. به امید آن روز که

صدای دلنشینش را از مکه و کعبه بشنویم و لیاقت یاریش را داشته باشیم

درباره خِیَرَتِهِ نیز می توان گفت که ایشان خَیرُ البَریّه هستند:

«إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ »(۲)

آنان که ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام می دهند آن ها خودشان بهترین

مخلوق خدایند.

ابن عساکر از جابربن عبدالله نقل می کند که گفت ما در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودیم

حضرت علی علیه السلام در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: قسم به آن

خدایی که جانم در دست اوست

«اِنَّ هذا و شیعَتَهُ لَهُم الفائِزونَ یومَ القیامَهِ و نزلَت « اِنَّ الّذینَ آمَنوا و عَمِلوا

الصّالحاتِ اولئِکَ هُم خَیرُ البَریَّهِ » فَکانَ اَصحابُ البِنَّیِّ صلی الله علیه و آله و سلم اِذا أقبَلَ علیٌّ قالوا : جاءَ

خَیرُ البَریَّهِ»(۳)

ص: ۱۹۱

۱- هود / ۸۶

۲- بینّه / ۷

۳- تفسیر درّ المنثور سیوطی، ج ۶، ص ۳۷۹

این مرد و شیعیانش در روز قیامت رستگارند و این آیه نازل شد«إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّه» اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر وقت علی علیه السلام برشان وارد می شد می گفتند: «خیرُ البَریَّهِ» آمد.

امیر المومنین علی علیه السلام فرمود: در آن هنگام که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در حال ارتحال بود در حالی که سر به بالین من داشت فرمود: یا علی آیا شنیده ای کلام خدا را «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّه» هُم شیعَتُکَ و مَوعِدی و مَوعِدُکُم و الحَوضُ اِذا اِجتَمَعَتِ الأمَمُ لِلحساب یَدعونَ غُرّاً مُحَجَّلینَ»(۱)

«اِنَّ الذینَ تا آخر آیه» اینها شیعیان تو هستند که قرار من و شما در کنار حوض کوثر است زمانی که همه امت ها برای حساب حاضر می شوند شیعیان تو در حال سرور و خوشحالی دعوت می شوند.

و درباره کلام «حِزبِه» یعنی حزب خدا در تفسیر آیه حزب الله چنین آمده است:

«أُولَئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ »(۲)

آن ها حزب خدا هستند بدانید که حزب خدا رستگارانند.

امیر المومنین علی علیه السلام روایت می کند که سلمان فارسی گفت: ای ابالحسن اطلاع داری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر پشت من زد و فرمود:«یا سلمانُ هذا و حِزبُهُ هُم المُفلِحونَ»(۳) این شخص (یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام) و حزب او رستگارانند.

نتیجه این شد که بقیه الله و خیره الله و حزبُ الله در رأس امیر المومنین علی علیه السلام و فرزندان معصوم آن حضرت و پیروان راستین ایشانند.

با یک بررسی کوتاه به تاریخ عمر بشر از آدم تا خاتم خواهیم یافت که آنچه خوبان همه دارند این خانواده تنها دارند یعنی تمام صفات کمال و فضائل انسان کامل در این

خانواده پاکیزه جمع است.

در یک حدیثی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: هیبت اسرافیل، میکاییل، جلالت و

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۲۴

۲- مجادله / ۲۲

۳- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۱۲

عظمت جبرئیل، سلامت آدم، خوف و خشیت نوح، حزن یعقوب، حسن و جمال

یوسف، مناجات موسی،صبر ایوب، زهد یحیی،روح و پرهیزکاری عیسی، حسب و

اخلاق محمد صلی الله علیه و آله و سلم در امیر المومنین علی علیه السلام جمع است . خداوند تبارک و تعالی نود

صفت از صفت پیامبران را در علی علیه السلام قرار داده که در احدی از بندگانش وجود ندارد.ا(۱)

از سه آیه ای که از قرآن شریف بهره بردیم استفاده شد که نیکبختی دنیا و آخرت و

رمز پیروزی و رستگاری ولایت امیر المومنین و اولاد طاهرین آن حضرت است.

و نیز دانستیم هر کسی نمی تواند نام حزب الله را بر خود بنهد جز کسانی که شیعه

علی علیه السلام باشند و پیداست که از جُرگه حزب الله بیرون باشد جزو حزب شیطان است«اِنَّ

حِزبَ الشَیطانِ هُمُ الخاسِرونَ»(۲) به تحقیق حزب شیطان زیانکارانند.

و شیطان اعضاء حزبش را به سوی خود دعوت می کند تا آن ها را به جهنم کشاند.

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ

السَّعِيرِ»(۳)

بدانید: شیطان دشمن شماست. شما نیز او را دشمن خود بدانید. او حزب خود را فقط

به این منظور می خواند که اهل آتش سوزان شوند.

دیدیم در گذشته و حال چگونه آیه فوق مصداق خارجی پیدا کرد و شیطان حزب

خود را تا قعر جهنم سوق داد. حزب شیطان در مقابل حزب الله است حزب شیطان

دشمن اهل بیت عصمت و طهارت است حزب الله دوست و طرفدار و پیرو این خاندان

پاکیزه است.

دشمنی با علی علیه السلام و اولاد معصومش مساوی با کفر است و کافر هم جایی جز جهنم

نخواهد داشت. و آنچه عرض شد حرف تحقیر نیست بلکه کلام رسول الله است که هر

چه می گوید از جانب خداست و از روی هوای نفس سخن نمی راند.

«حُبُّ علیٍّ علیه السلام ایمانٌ و بُغضُهُ کُفرٌ» دوستی علی علیه السلام ایمان و کینه او، کفر است.

ص: ۱۹۳

۱- لامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۴۱۱

۲- مجادله / ۱۹

۳- فاطر / ۶

«حِزبُ علیٍّ حِزبُ الله و حِزبُ اَعدائِهِ حِزبُ الشَّیطانِ» حزّب علی علیه السلام حزب خداست و حزب دشمنان او حزب شیطان است« علیٌّ مِنّی کَنَفسی، طاعَتُهُ طاعَتی و مَعصیَتُهُ مَعصیَتی» علی نسبت به من همانند جان من است. فرمانبری از او فرمانبری از من است و نافرمانی از دستور او نافرمانی از دستور من است.

«مَن فارَقَ عَلیّاً فَقَد فارَقَنی وَ مَن فارَقَنی فَقَد فارَقَ اللهِ عَزَّوَجلَّ»(۱) هر کس از علی علیه السلام جدا شود در واقع از من جدا شده است و هر که از من جدا گردد در واقع از خدای متعال جدا شده است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به اباذر غفاری فرمود:«فَمَن أحَبَهُ کانَ مومِناً و مَن اَبغَضَهُ کانَ کافِراً و مَن تَرَکَ وِلایَتَهُ کانَ ظالاًّ مُضِلّاً و مَن جَحَدَ وِلایَتَهُ کانَ مُشرِکاً»

دوستان علی علیه السلام مومن و دشمنان او کافرند. هرکس ارتباطش را با او قطع کرد گمراه و باعث گمراهی دیگران است و هر که ولایت او را انکار کرد مشرک است.

ای ابوذر منکر ولایت علی علیه السلام را روز قیامت می آورند در حالی که کر و کور و لال است و در تاریکی های قیامت وارونه و نگونسار فریاد برمی آورد:«یا حَسرَتی عَلی ما فَرَّطتُ فی جَنبِ اللهِ»(۲) واحَسرتا ای وای بر من بر آنچه کوتاهی کردم در جنب پروردگار یعنی امیر المومنین علیه السلام . در گردنش حلقه ای از آتش زبانه می کشد و شیطان ها بر صورتش آب دهان می اندازند و در داخل قبر هم او را با خصومت و شدت به طرف آتش رها می کنند.غایه المرام، ص ۶۰۸

یک بار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به علی بن ابی طالب علیه السلام کرد و فرمود: «مَن اَحَبَّکَ کانَ مَعَ النَبیّین فی دَرَجَتِهِم یَوم القیامَهِ و مَن ماتَ و هوَ یُبغِضُکَ فَلا یَبالی ماتَ یَهودیّاً اَو نَصرانیّاً »(۳)

کسی که تو را دوست داشته باشد در قیامت با پیامبران و در درجه آن هاست. و آن

کس که بمیرد و با تو دشمن باشد مهم نیست یهودی بمیرد یا نصرانی.

۱- امالی صدوق، ص ۱۴۹، بحار،ج ۳۸، ص ۹۵

۲- زمر / ۵۶

۳- بحار، ج ۲۷، ص ۷۹

۲۵. برهان و دلیل بر اثبات وجود پروردگارید و مورد تایید او هستید

«و خَصَّکُم بِبُرهانِهِ و انتَجَبَکُم لِنُورِهِ و اَیَّدَکُم بِروحِهِ»

خداوند شما را مخصوص کرد به اثبات وجودش و برگزید شما را برای نور خود و به روح خود شما را تایید کرد. در چند جمله بعد آن، امام هادی علیه السلام می فرماید:«و اَرطاناً لِتَوحیدِهِ » شما خاندان را اساس و پایه های توحید خویش قرار داد« و َاَدِلّاءَ علی صِراطِهِ» شما را راهنمایانی بر راهش قرار داد.

در یک کلام اثبات وجود خداوند تبارک و تعالی غیر از مسیر اهلی بیت علیهم السلام به طور کامل امکان پذیر نیست. درست است که حسّ خدایی جویی در نهاد همه انسان ها نهفته است ولی همین حس را بیدارگری لازم است راهنما و دلیلی ضروری است و آن وجود نازنین چهارده معصوم علیهم السلام بعد از انبیاء گذشته هستند. آن هایی که ارتباطشان را با اهل بیت قطع کردند حتی در توحیدشان مشکل پیدا کردند در اینکه عدل الهی جزو اصول دین است به مرتبه انکار رسیدند و گاهی برای خدا جسم قائل شدند و خدایی را معرفی کردند که مغایر با اعتقادات برگرفته از قرآن و سنت است.

به عنوان نمونه در بین کسانی که از اهل بیت جدا شدند و دنبال غاصبین حقوق آن ها رفتند این اعتقاد وجود دارد که خداوند در روز قیامت با چشم سر دیده می شود و ساق پای خود را بالا می کشد و استناد می کنند به آیه ۴۲ سوره قلم «یَومَ یُکشَفُ عَن ساقٍ» دکتر تیجانی که در گذشته جزو علماء اهل سنت بوده و بعد گرایش به تشیع پیدا کرده و کتاب هایی مثل «آنگاه که هدایت شدم، شیعه یعنی همان سنّی واقعی یعنی عمل کننده ی به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کتاب از اهل ذکر بپرسید و غیره» در کتاب آنگاه که هدایت شدم نوشته است:

در یکی از کشورهای عربی وارد مسجدی شدم و با جماعت نماز خواندم. پس از نماز امام جماعت برای مردم صحبت کرد و ضمن صحبت هایش گفت: خداوند دو چشم و دو دست و صورت دارد! گفتم: مگر خدا جسم است که چشم و دست و

صورت داشته باشد؟ گفت: مگر شما در قرآن نخوانده ای که:

«وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَهٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ»(۱)

یعنی خداوند هر دو دستش باز است پس خدا دو دست دارد که باز است! مگر در قرآن نخوانده ای که «وَ اصنَعِ الفُلکَ بِأَعيُنِنا»(۲)

خداوند به نوح علیه السلام گفت: مقابل چشم ما کشتی را بساز. پس خدا چشم دارد و نیز فرموده:«کُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ، و يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ »(۳)

همه چیز فانی می شود. تنها صورت خدا باقی می ماند.

تیجانی می گوید به او پاسخ دادم در تمام اینها معانی مجازی مراد است نه معانی حقیقی الفاظ ما در قرآن استعمال الفاظ مجازی فراوانی داریم. استعاره و کنایه داریم معانی حقیقی در این آیات منظور نیست که خدا چشم و صورت و دست داشته باشد او گفت در قرآن اصلا استعمال مجازی وجود ندارد و همه جا معنای حقیقی منظور است. پاسخ دادم اگر این طور است این آیه را چه می گویی« وَ مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَهِ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا »(۴) هر که در دنیا کور باشد در عالم آخرت هم کور خواهد بود

گفت: نه. گفتم پس معلوم می شود که در قرآن استعمال مجازی هست. دست خدا کنایه از قدرت خداست. چشم خدا کنایه از حضور خدا در همه جاست ومقصود از وجه خدا ذات خداست نه صورت خدا وگرنه: در آنجا که می فرماید:«کُلّ شَیءٍ هالِکٌ اِلّا وَجهَهُ»(۵) چه معنایی خواهد داشت؟ آن طور که شما می گویید معنای آیه این می شود که همه چیز حتی چشم و دست خدا هم از بین می رود و تنها صورت خدا باقی

می ماند؟

ص: ۱۹۶

۱- مائده / ۶۴

۲- هود / ۳۷

۳- الرحمان / ۲۶ و۲۷

۴- اسراء / ۷۲

۵- قصص / ۸۸

آیا صورت بدون چشم برای کسی قابل قبول است؟

ائمه طاهرین علیهم السلام «اَیّدکُم بِروحِهِ» هستند. یاری خداوند بالاترین پشتوانه برای اهل بیت بوده است و چون موید به روح الله تبارک و تعالی بودند از هر عیب و نقصی دور بودند.

«وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَیْنَا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاهِ وَ إِیتَاءَ الزَّکَاهِ وَ کَانُوا لَنَا عَابِدِینَ »(۱)

و آن ها را امامان کردیم که به فرمان ما رهبری کنند و انجام کارهای نیک را با نماز بپا داشتن و زکات دادن به آن ها وحی کردیم و پرستندگان ما بودند.

در کتاب کافی و عیون از حضرت رضا علیه السلام در حدیثی که راجع به امامت است آورده که فرمود: سپس خدای عزوجل او را (یعنی ابراهیم را) اکرام کرد. به اینکه او را امام قرار داد و امامت را در ذریه او یعنی جزو برگزیدگان و طهارت از ایشان قرار داد و فرمود:«و وَهَبنا لَهُ اِسحاقَ و یعقوبَ نافِلَهً و کُلاًّ جَعَلنا صالحینَ و جَعَلناهُم اَئِمَّهً یَهدونَ بِاَمرِنا و اَوحَینا اِلَیهِم فِعلَ الخَیراتِ و اِقامِ الصَّلوه و اِیتاءِ الزّکاتِ و کانوا لَنا عابِدینَ» و امامت همچنان در ذریه او بود و هر یک از دیگری ارث برد و خدای تعالی در این باره فرموده:«اِنَّ اَولیَ الناسِ بِابراهیمَ لَلَّذینَ اتَّبعُوهُ و هذا النَّبیُّ و الَّذینَ آمَنوا و اللهُ وَلیُّ المومنینَ» پس مسئله امامت مقام خاصی است که خدای به هر که بخواهد روزی می کند.

بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام به امر خدای عزوجل متقبل آن شد و به همان رسم در میان فرزندان آن حضرت البته فرزندان برگزیده است که خدا علم و ایمانشان داده بود

«قالَ الَّذینَ اُوتُو العِلمَ و الایمانَ لَقَد لَبِثتُم فی کتاب اللهِ اِلی یَومِ البَعثِ» بگردید،

که تا روز قیامت در میان فرزندان آن حضرت هست چون بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دیگر

۱- انبیاء / ۷۳

پیغمبری نخواهد بود.(۱)

همان طور که آیه شریفه سوره مبارکه انبیاء اشاره داشت امامان هدایت به امر می کنند و از جانب پروردگار مورد تایید و الهام قرار می گیرند « فعل الخیرات» که مجموعه ای از کارهای خیر است فقط در ظرف وجود ائمه طاهرین علیهم السلام جای دارد هر کسی را نسزد به این مقام و رتبه برسد.

امامان معصوم هر آنچه دارند لَدُنّی و از جانب فیاض مطلق است چیزی نیست که در محضر استاد فرا گرفته باشند بنابر این ایشان اصل و ریشه خیر و نیکی ها هستند چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید:

«نَحنُ اَصلُ کُلِّ خَیرٍ، و مِن فُروعَنا کُلُّ بِرٍّ فَمَنَ البِرِّ التَّوحیدُ و الصَّلاهُ و الصِّیامُ و کَظمُ الغَیظِ و العَفوُ عَنِ المُسیءِ و رحمَهُ الفَقیرِ و تَعَهُّدُ الجارِ و الاِقرارُ بِالفَضلِ لِاَهلِهِ و عَدوُّنا أصلُ کُلِّ شَرٍّ و مِن فُروعِهِم کُلُّ قَبیحٍ و فاحِشَهٍ فَمِنهُم اَلکِذبُ و البُخلُ و النَّمیمَهُ و القَطیعَهُ و أکلُ الرِّبا و اَکلُ مالِ الیتیمِ بغَیرِ حَقِّهِ و تَعَدّی الحُدودِ الَّتی أمَرَ اللهُ و رُکوبُ الفواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها و ما بَطَنَ و الزِّنا و السِّرقهُ و کُلُّ ما وافَقَ ذلکَ مِنَ القَبیحِ فَکَذَبَ مَن زَعَمَ اَنَّهُ مَعَنا و هوَ مُتَعَلِّقٌ بِفُروعِ غَیرِنا»(۲)

ما ریشهٔ همهٔ خوبی ها هستیم و هر نیکی ثمره ی شاخه های ماست. از جمله نیکی هاست توحید، نماز، روزه، فرو خوردن خشم، گذشت از کسی که بدی کند، ترحم به فقیر، رسیدگی به همسایه و اعتراف به فضل اهل فضل

دشمن ما ریشه ی همه بدیهاست و هر زشتی و بدکاری ثمره ی شاخه های اوست. از جمله: دروغ، بخل،سخن چینی، بریدن از خویشاوندان رباخواری به ناروا خوردن مال یتیمان، تعدی از حدودی که خدا دستور داده است، ارتکاب زشتی های آشکار و نهان،

زنا، دزدی و هر زشتی دیگری از ای دست. پس دروغ می گوید کسی که بگوید با

ص: ۱۹۸

۱- المیزان، ج ۱۴،ص ۳۳۷

۲- کافی، ج ۱،ص ۲۰۰

ماست و به شاخه های دشمن ما چنگ آویزد.

باز در تایید اینکه ائمه علیهم السلام اصل و ریشه خیرند امام کاظم علیه السلام می فرمود: اینکه خداوند در قرآن می فرماید

«قُل اِنَّما حَرَّمَ رَبّی الفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنها و ما بَطَنَ» اِنَّ القرآنَ لَهُ ظَهرٌ و بَطنٌ فَجَمیعُ ما حَرَّمَ اللهُ فی القرآنِ هُوَ الظّاهرُ و الباطنُ مِن ذلکَ أئِمَهُ الجَورِ و جَمیعُ ما اَحَلَّ اللهُ تَعالی فی الکتابِ هُوَ الظّاهرُ و الباطِنُ مُن ذلکَ أئمَّهُ الحَقِّ»

«بگو: پروردگارم بدی های آشکار و نهان را حرام و ناروا دانسته است» قرآن ظاهری دارد و باطنی. تمام آنچه را که خداوند در قرآن حرام فرموده ظاهر است و باطن آن ها پیشوایان ستمگرند و همهٔ آنچه را که خداوند در کتاب خود روا شمرده همانا آن ظاهر است و باطن آن ها امامان حق هستند.

۲۶. بیوت شما به اذن خدا بلند مرتبه گشت:

«فَجَعَلَکُم فی بُیوتٍ اَذِنَ اللهُ اَن تَرفَعَ و یُذکَرَ فیها اسمُهُ»:

این جمله زیارت جامعه کبیره برگرفته از آیه شریفه ای است که در شأن خانواده ای اهل

عصمت و طهارت علیهم السلام نازل شده است:

«فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ»(۱)

در خانه هایی که خدا اجازه داده بالا روند و نام وی بامداد و شبان در آن یاد شود.

از طریق اهل سنت روایت شده که ابن مردویه از انس بن مالک و بُرَیده روایت کرده

گفتند:

«قَرَءَ رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم هذهِ الآیَهَ «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ » فَقامَ اِلیهِ رَجُلٌ

فقالَ اَیُّ بیوتٍ هذه یا رسولَ اللهِ؟ قالَ بیوتُ الاَنبیاءِ. فَقامَ اِلیهِ أبوبکرٍ فقالَ : یا

رسولَ اللهِ هذا البیتِ مِنها لَبَیتُ علیٍّ و فاطمهَ ؟ قالَ: نِعَم مِن اَفاضِلِها»(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی آیه:«فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ » را خواند، مردی برخاست

و گفت این کدام بیوت است؟ حضرت فرمود: بیوت پیامبران. ابوبکر برخاست و گفت ای

رسول خدا این بیت علی و فاطمه نیز از آن هاست؟ فرمود:

آری بلکه از بهترین آن ها می باشد.

در روایت دیگری ابن عباس می گوید در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودم شخص قاری

این آیه را تلاوت کرد:«فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ » عرض کردم یا رسول الله منظور از

بیوت، بیوت چه کسانی است؟ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بیوت پیامبران علیهم السلام و با دست اشاره

به بیت فاطمه زهرا علیهاالسلام دخترش نمود.(۳)

امام هادی علیه السلام هم به استناد همین شان نزول بیوت چهارده معصوم علیهم السلام را مرکز

معنویت و ذکر و نام خدا در صبح و شام معرفی فرمود.

۱- نور / ۳۶

۲- تفسیر درّ المنثور سیوطی، ج ۵، ص ۵۰

۳- تفسیر برهان، ج ۳،ص ۱۳۹

آنان که طالب رشد و تعالی معنوی و بیشتر به یاد خدا بودن هستند بدانند باید از در

خانه اهل بیت علیهم السلام به جای دیگری نروند که مغبون خواهند شد

یک مرور کوتاه از طریقه یاد و ذکر خدا در خانه های محمد و آل محمد علیهم السلام

می کنیم بدین امید که در این رهگذر ما نیز با وصف العیش به نصف العیش برسیم و

بتوانیم حداقل قطره ای از دریای معرفت و حال معنوی آن بزرگواران را در خانه هایمان

به نمایش درآوریم انشاءالله

دربارهٔ حال عبادی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه، عایشه می گوید:«کانَ رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم

یُحَدِّثُنا نُحَدِّثُهُ فاذا حَضَرَتِ الصَّلاةُ فَکَاَنَّهُ لَم یَعرِفنا و لَم نَعرِفُهُ»(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با ما صحبت می کرد و ما با ایشان صحبت می کردیم اما همین که

وقت نماز می رسید گویی ما زا نمی شناخته و ما او را نمی شناخته ایم.

جعفربن علی قمی می گوید:«اَنَّ النَّبیَّ صلی الله علیه و آله و سلم کانَ اِذا قامَ اِلیَ الصَّلاهِ کَأَنَّهُ ثَوبٌ

مُلقی»(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر گاه به نماز می ایستاد مانند جامه ای بود که کناری افتاده

باشد.

در تفسیر قشیری درباره حال عبادی حضرت امیر المومنین علی علیه السلام آمده که همین که

وقت نماز می شد رنگش تغییر می کرد و به خود می لرزید. به آن حضرت عرض شد:

شما را چه شده است؟ فرمود: هنگام امانتی رسیده که خدای تعالی آن را بر آسمان ها و

زمین و کوه ها عرضه کرد. اما آن ها از پذیرفتن آن خودداری کردند و انسان به عهده

گرفت و من با این ضعف و ناتوانیم نمی دانم آیا از عهده برداشتن این بار به خوبی

برمی آیم یا نه.(۳)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن بیان ستمی که بر اهل بیت علیهم السلام خواهد رفت فرمود: دخترم

فاطمه سرور زنان سراسر عالم است. هرگاه در محراب خود در برابر پروردگارش جلّ

جلاله بایستد نورش برای فرشتگان آسمان می درخشد همچنان که نور ستارگان برای

۱- بحار، ج ۸۴، ص ۲۵۸
۲- فلاح السائل، ص ۱۶۱
۳- بحار، ج ۴۱، ص ۱۷

زمینیان می درخشد و خدای متعال به فرشتگان می فرماید: ای فرشتگان من! به بندهٔ من فاطمه بنگرید بانوی بندگان من در برابر من ایستاده است و عضلاتش از ترس من می لرزد. او با دل خویش به عبادت من روی اورده است شما را گواه می گیرم که شیعیان او را از آتش ایمن کردم.(۱)

درباره حال عبادی امام مجتبی علیه السلام آمده است هرگاه به نماز می ایستاد در برابر پروردگارش عضلاتش می لرزید و هرگاه از بهشت و دوزخ سخن به میان می آمد به خود می پیچید.

امام حسین علیه السلام که به عبادت و ذکر پروردگار عشق می ورزید به حضرت عباس علیه السلام فرمود:

«اِرجَع اِلَیهِم فَاِنِ استَطَعتَ اَن تُؤَخِّرَهُم اِلی غُدَوهٍ و تَدفَعَهُم عَنَّا الْعَشیَّهَ لَعَلَّنا نُصَلّی لِرَبِّنا الَّلیلَهَ و نَدعوهُ او نَستَغفِرُهُ فَهُوَ یَعلَم اِنّی قَد کُنتُ اُحِبُّ الصَّلوهَ لَهُ و تَلاوَهِ کِتابِهِ و کَثرَهِ الدُّعاءِ و الِاستِغفارِ»(۲)

برو به سوی دشمنان و اگر توانستی تا بامداد فردا برای ما مهلت بگیر باشد که ما امشب برای پروردگار خود نماز بخوانیم و دعا کنیم و در پیشگاه پروردگار آمرزش بخواهیم خدا می داند که من نماز خواندن و قرآن خواندن و زیاد دعا کردن و استغفار کردن را دوست دارم.

سید بن طاووس نقل می کند «کانَ علی بن الحُسَینُ علیه السلام اِذا شَرَعَ فی طَهارَهِ الصَّلواتِ اَصفَرَ وَجهُهُ و ظَهَرَ علیهِ الخَوفُ»(۳)

امام سجاد علیه السلام هرگاه شروع به طهارت گرفتن برای نمازها می کرد رنگش زرد می شد و ترس وجودش را فرا می گرفت. آن گرامی را زین العابدین و سید الساجدین نامیدند زیرا

به راستی زینت عبادت کنندگان و آقای سجده کنندگان بود.

فاطمه دختر امیر المومنین علیه السلام هنگامی که دید امام سجاد علیه السلام در اثر عبادت زیاد

۱- بحار، ج ۴۳، ص ۱۷۲

۲- ارشاد مفید، ص ۲۱۲

۳- فلاح السائل،ص ۵۱

رنجور و ناتوان شده بیش جابربن عبدالله انصاری آمد و گفت: ای جابر تو از صحابهٔ رسول خدا هستی ما را بر امثال تو حقی است. اگر ببینید یکی از ما خود را از بسیاری عبادت و پرستش ناتوان کرده او را یادآوری نمایید تا جان خود را حفظ کند

علی بن الحسین علیه السلام یادگار برادرم سیدالشهداء خود را رنجور نموده پیشانی و زانوان و کف دست هایش از کثرت عبادت پینه بسته است. جابر به خانه آن حضرت آمد. در جلوی درب، حضرت باقر علیه السلام با چند پسر بچه از بنی هاشم ایستاده بودند جابر در راه رفتن حضرت باقر علیه السلام دقیق شده گفت« هذه مَشیَهُ رَسول الله» این راه رفتن پیغمبر است. عرض کرد آقازاده شما کیستید؟ فرمود: من محمد بن علی بن حسینم جابر شروع به گریه کرد و گفت: پدرم فدای تو باد نزدیک من بیا آن سرور جلو آمد جابر دکمه های پیراهن امام باقر علیه السلام را باز کرده دست بر سینه اش گذاشت شروع به بوسیدن نمود و صورت بر سینه آن آقازاده نهاد و گفت: من از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تو سلام می رسانم به من فرموده این کارها را بکنم سینه ات را ببوسم و صورت بر آن گذارم و نیز فرمود: تو زنده می مانی تا یکی از فرزندانم به نام محمد را ببینی او به نحو شایسته ای علم را می شکافد تو زنده می مانی تا نابینا شوی بعد از آن بینا خواهی شد.

سپس جابر ادامه داد که از پدر بزرگوارت برای من اجازه بگیر تا با او ملاقات کنم

امام باقر علیه السلام پیش پدر آمد عرض کرد پیرمردی با من چنین و چنان کرد و فرمود: نور دیده ی من او جابر بن عبدالله انصاری است بگو وارد شود.

جابر وارد شد چشمش در محراب به زین العابدین افتاد که عبادت پیکره اش را در هم شکسته. علی بن الحسین علیه السلام به احترام جابر از جای حرکت کرد مختصر احوالی از او پرسید و در پهلوی خود جایش داد جابر عرض کرد یابن رسول الله مگر نمی دانی

خداوند بهشت را برای شما و دوستانتان خلق کرده جهنم را نیز برای دشمنانتان؟

پس این چه جدیت است که خود را به زحمت انداخته ای؟ فرمود: جابر مگر

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را ندیده بودی با اینکه خداوند در قرآن نسبت به آن حضرت فرموده گناه

گذشته و آینده تو را (از نظر مردم) آمرزیدم. پدرم فدای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باد آنقدر عبادت کرد تا پا و ساق های مبارکش ورم نمود. عرض کردند شما با این مقام باز اینقدر عبادت می کنی فرمود:«اَفَلا أکونُ عَبداً شَکوراً» آیا بنده ی شاکر خدا نباشم. جابر فهمید گفتارش در آن بزرگوار موثر نیست عرض کرد پس جان خود را حفظ کن زیرا از خانواده ای هستی که بلا و گرفتاری به واسطه ی آن ها دفع می شود و باران به برکت ایشان نازل می گردد. فرمود: جابر من از روش دو پدرم محمد و علی دست بردار نیستم و پیروی آن ها را می کنم تا به دیدارشان نائل گردم.

جابر به کسانی که حضور داشتند گفت به خدا قسم در اولاد پیامبران کسی را مانند علی بن الحسین علیه السلام نمی بینم مگر یوسف پیغمبر،با اینکه سوگند به خدا فرزندان علی بن الحسین بهتر از فرزندان یوسفند زیرا در میان فرزندان این آقا کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند با اینکه پر از ظلم و جور شده باشد.(۱)

۱- بحار،ج ۴۶، ص ۶۰

حرف – پ:

۲۷. پاداش بهشت در تبعیت از شماست و مخالفت با شما جزای جهنم دارد:

«مَنِ اتَّبَعَکُم فَالجَنَّهُ مَأویهُ و مَن خالَفَکُم فَالنّارُ مَثویُه»:

دو جایگاه است که برای همه الهیون و خداپرستان قابل توجه و باور است یکی بهشت و دیگری جهنم. آنان که در عصر هر پیامبری تابع دستورات پیامبر خویش بوده اند و بنای مخالفت با وی را نداشته اند بی شک اهل بهشتند و مخالفین دوزخی به همین طریق آخرین پیامبر الهی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء منتسب از جانب خدا و رسول هر کس تبعیت از آن ها کرد و می کند اهل بهشت و هر که بخواهد در دین یهود و مسیح و ادیان گذشته بماند و یا خود را مسلمان معرفی کند اما مخالف حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و یا حتی یکی از اوصیاء او باشد و یک امام از دوازده امام را قبول نداشته باشد در صف مخالفین است«فَالنّارُ مَثویهُ » آتش جایگاه اوست. پس استحقاق بهشت و جهنم ارتباط با تبعیت و مخالفت با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دارد.

در روز قیامت فراخوانی هر امت با امامی است که از او پیروی می کرده و قبولش داشته بنابراین اگر پیشوایش از همانهای باشد که تعیین شده از جانب خدا و رسولند که آن ها جایگاهی جز بهشت ندارند و پیروانشان نیز همراهشان به بهشت می روند و اگر غیر چهارده معصوم علیهم السلام باشند بی شک به دنبال اربابان و موالیانشان راهی دوزخ خواهند شد.

ص: ۲۰۵

«یَومَ نَدعُوا کَلَّ اُناسٍ بِامامِهِم»(۱) روزی که هر گروه از مردم را با پیشوایانشان بخوانیم. امام صادق علیه السلام فرمود: در روز قیامت «یَأتی النِّداءُ مِن عِندِاللهِ جَلَّ جَلالُهُ: اَلا مَنِ ائتَمَّ بِإمامٍ فی دارِ الدُّنیا فَلیَتَّبِعهُ اِلی حَیثُ یَذهَبُ بِهِ»(۲)

از سوی خدای بزرگ ندا آید که هر کس در سرای دنیا به امامی اقتدا کرده باید در پی او به همان جا رود که او را می برند.

امام حسین علیه السلام در تفسیر کلام خدا«یَومَ نَدعوا کُلَّ اُناسِ بِامامِهِم » فرمود: امامٌ دَعا اِلی الهُدی فَاَجابوهُ اِلَیهِ و امامٌ اِلیهِ و امامٌ دَعا اِلی ضَلالَهٍ فَأجابوهُ اِلَیها، هؤلاءِ فی الجَنَّهِ و هؤلاءِ فی النّارِ و هُوَ قَولُهُ عزَّوجلَّ «فَریقٌ فی الجَنَّهِ و فَریقٌ فی السَّعیرِ»(۳)

«روزی که هر گروه از مردم را با پیشوا یا نشان بخوانیم» فرمود: یک امام به راه راست فراخوانده و پیروانش دعوت او را لبیک گفته اند و امامی به گمراهی خوانده و پیروانش به دعوت او پاسخ داده اند. آنان در بهشتند و اینان در دوزخ و این است سخن خداوند عزوجّل که «گروهی در بهشت هستند و دسته ای در دوزخ»

امام سجاد علیّه السلام در هنگام نیایش با پروردگار عرض می کرد:«اللّهمَّ اِنَّکَ اَیَّدتَ دینَکَ فی کُلِّ أوانٍ بِإمامٍ أقَمتَهُ عَلَماً لِعِبادِکَ و مَناراً فی بِلادِکَ، بَعدَ اَن وَصَلتَ حَبلَهُ بِحَبلِکَ و جَعَلتَهُ الذَّریعَهَ اِلی رِضوانِکَ»(۴)

پروردگارا تو در هر زمان از دین خود به وسیلهٔ امامی پشتیبانی کردی او را نشانهٔ راه برای بندگانت و چراغ راهنما برای سرزمینهایت قرار دادی و این پس از آن بود که ریسمان او را به ریسمان خودت پیوند زدی و او را وسیلهٔ رسیدن به رضوان و خشنودیت قرار دادی.

نجات از دوزخ در تبعیت از اهل بیت است و هلاکت در مخالفت با آن هاست.

مرحوم صدوق در امالی نقل می کند که ابوبصیر گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- اسراء / ۷۱

۲- بحار، ج ۸، ص ۱۰

۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۹۲

۴- تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۳۶

«یا ابابصیر! نَحنُ شَجَرَهُ العِلمِ و نحنُ اَهل بیت النَّبیِّ صلی الله علیه و آله و سلم و فی دارِنا مَهبَطُ جِبرئیل و نحنُ خَزّان عِلمِ اللهِ و نَحنُ مَعادنُ وَحی اللهِ مَن تَبَعَنا نَجی و مَن تَخَلَّفَ عنّا هَلَکَ ، حَقّا علی َاللهِ عزَّوجلَّ»(۱)

ای ابابصیر! ما درخت علم و دانش هستیم ما اهل بیت پیامبریم جبرئیل در خانه ی ما فرود می آید. ما گنجینه های علم خدا هستیم. ما معادن معادن وحی الهی هستیم. کسی که از ما پیروی نماید نجات می یابد و کسی که از ما تخلف کند به هلاکت می رسد و خداوند این امر را بر خود لازم نموده است.

در کتاب تفسیر فرات کوفی روایتی را نقل می کند که بیان کننده جمله«مَنِ اتَّبَعَکُم فَالجَنَّهُ مَأویهُ و مَن خالَفَکُم فَالنّارُ مَثویهُ» می باشد:

فیضه بن یزید جُعفی می گوید: محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم. نزد آن حضرت بوس بن ابی درس، ابن ظبیان و قاسم بن عبدالرحمان صیرفی حضور داشتند. سلام کردم و نشستم. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! برای استفاده از محضرتان خدمتتان رسیدم.

فرمود: بپرس و مختصر کن.

عرض کردم: پیش از آن که خداوند آسمان را برافراشته و زمین را گسترده و نور و تاریکی را بیافریند، شما کجا بودید؟

فرمود: ای فیضه! چرا در همچو زمان و شرایطی چنین سوالی پرسیدی؟ مگر نمی دانی محبت ما (از ترس) کتمان می شود و دشمنی ما آشکار شده و ما را دشمنانی جنّی است که احادیث ما را به دشمنان انسی ما منتقل می کنند و به راستی که دیوارها مانند انسان ها گوش دارند! عرض کردم: سوالی است که خدمتتان پرسیدم.

فرمود: ای فیضه! پیش از پانزده هزار سال از آفرینش آدم علیه السلام ما اشباح و موجودات نورانی بودیم که پیرامون عرش الهی به تسبیح خدا مشغول بودیم هنگامی که خداوند

۱- امالی صدوق، ص ۳۸۳

حضرت آدم علیه السلام را آفرید، انوار ما را در صلب او قرار داد. ما را پیوسته از صلب پاکی به رحم پاک و مطهری منتقل می شدیم تا این که خداوند متعال حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را برانگیخت.

«فَنَحنُ عُروهُ الوُثقی، مَن اِستَمسَکَ بِنا نَجا و مَن تَخَلَّفَ عَنّا هُویَ، لا نَدخُلُهُ فی بابِ رَدیٍ ضَلالَهٍ و لا تُخرِجُهُ مِن بابِ هُدیً و نَحنُ رُعاهُ دینِ اللهِ و نَحنُ عِترَهُ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و نحنُ القُبَّهُ الَّتی طالَت اَطنابُها و اتَّسَعَ ضاؤها مَن ضُویَ اِلَینا نَجا اِلیَ الجَنَّهِ و مَن تَخَلَّفَ عَنّا هُویَ اِلیَ النّارِ »

بنابراین ما عروه الوثقی و ریسمان محکم خدا هستیم هر کس به ما متمسّک شود نجات می یابد و هر که از ما تخلف کند سقوط خواهد کرد،(هر کس از ما پیروی کند) او را به راه ضلالت و گمراهی وارد نمی کنیم و از راه هدایت خارج نمی نماییم.ما حافظان دین خدا هستیم. ما عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستیم. ما همان خیمه اسلام هستیم که طناب های آن طولانی و محکم و فضای آن بسیار گسترده است.

هر کس زیر لوای ما بیاید راهش به سوی بهشت است و هر که از ما تخلف ورزد به سوی آتش سقوط خواهد کرد.

فیضهبن یزید جعفی می گوید: عرض کردم: ستایش سزاوار ذات پاک پروردگار یکتا است از معنای فرمایش خدا که می فرماید:«إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ »(۱)

به راستی که بازگشت آنان به سوی ماست به راستی آنگاه حسابشان نیز با ماست می پرسم؟ فرمود: تنزیل این آیه در مورد ماست. عرض کردم من از تفسیرش می پرسم؟ فرمود:

«نِعَم یا فَیضهُ! اِذا کانَ یَومُ القیامَهِ جَعَلَ اللهُ حِسابُ شیعَتُنا عَلینا فَما کانَ بَینَهُم

و بَینَ اللهِ اِستَوهَبَهُ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم مِنَ اللهِ و ما کانَ فیما بینَهُم و بینَ النّاسِ مِنَ

۱- غاشیه / ۲۵و۲۶

المَظالِمِ أدّاهُ محمّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم عنهُم و ما کانَ فیما بینَنا و بَینَهُم و هَبناهُ لَهُم حتّی یَدخُلونَ

الجَنَّهَ بغَیرِ حسابٍ»(۱)

آری ای فیضه! هنگامی که روز قیامت برپا می شود خداوند شیعیانمان را

بر عهده ی ما می گذارد. پس آنچه میان آن ها و خداست حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از خدا طلب

بخشش می کند و حقوقی که میان آن ها و مردم است حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از طرف آن ها

ادا می نماید و آنچه میان ما و آن هاست ما برای شیعیانمان می بخشیم تا این که بدون

حساب وارد بهشت می شوند.

لازم به تذکر است که این نوع احادیث نباید باعث جرئت و گستاخی شیعیان شود که

دست به هر کار خلافی بزنند و بعد بگویند که هر آنچه بر گردن دارند پیامبر و اهل بیت

گرامش بر طرف می کنند. این درست است که جای نگرانی برای دوستان واقعی اهل بیت

در قیامت نیست اما همین امام همام جعفربن محمد الصادق علیه السلام که مطالب فوق را بیان

فرمود در جای دیگر می فرماید ما نگران قیامت شما نیستیم چون در قیامت از شما

شفاعت خواهیم کرد ولی نگران عالم برزخ شما هستیم یعنی عالم برزخ یک تصفیه خانه

است. آن هایی که با گناهان و معاصی فراوان مرده اند باید در عالم برزخ بازخواست شوند

و مواخذه گردند تا لایق شفاعت محمد و آل او گردند بله سرپرستی شیعیان در قیامت با

خاندان عصمت علیهم السلام است چنانکه همان بزرگوار بنابر نقل مرحوم علامه مجلسی فرمود:

«اِذا کانَ یَومُ القیامهِ و لِّینا أمرُ شیعتِنا؛ فَما کانَ علیهِم لله فَهُوَ لَنا و ما کانَ لَنا

فَهوَ لَهُم و ما کانَ لَلنّاسِ فَهُوَ عَلینا»(۲)

هنگامی که روز قیامت فرا رسد ما سرپرستی امور شیعیانمان را عهده دار می شویم هر

حقی از طرف خداوند بر آن ها باشد آن در اختیار ماست و هر حقی که در اختیار ما

باشد آن را به شیعیانمان می بخشیم و هر حقی که مردم از آنان داشته باشند آن نیز

برماست که ادا نماییم.

ص: ۲۰۹

۱- تفسیر فرات کوفی، ص ۵۵۲

۲- بحار، ح ۲۷، ص ۳۱۳

عرب می گوید:« ثَبِّتِ العَرشَ ثُمَّ النقُش» اول سقف را بزن بعد روی آن را نقاشی کن

فارس هم می گوید اول برادری ات را ثابت کن بعد ادعای ارث کن

حالا ما اول ثابت کنیم که جزو شیعیان آن گرامیان هستیم فرق است بین محبّ و

شیعه خیلی ها اهل بیت را دوست دارند اما شیعه نیستند شیعه یعنی کسی که هدایت

روزی او شده و پیروی از آن خاندان می کند. اگر در ادامه راه قصور و کوتاهی از او سر

زده باشد مشمول احادیث فوق می شود و الا همین امام صادق علیه السلام در آخرین لحظه های

زندگی دربارهٔ یکی از واجبات مهم عبادی چنین فرمود: ابوبصیر می گوید پس از شهادت

حضرت برای تسلیت به همسرش ام حمیده به خانه ی آن حضرت رفتم. در سوگ امام هر

دو گریستیم آنگاه به من فرمود: ای ابوبصیر! اگر به هنگام شهادت امام علیه السلام می بودی

تعجب می کردی زیرا امام علیه السلام چشمان خود را باز کرد و فرمود: همه خویشاوندانم را نزد

من آورید و چون گرد آمدند امام علیه السلام به همه آنان نگاه کرد و فرمود:«اِنَّ شَفاعَتَنا لا

تَنالُ مُستَخِفّاً بِالصَّلوهِ»

شفاعت ما ائمه شامل کسی که نماز را سبک بشمارد نمی شود.(۱)

ص: ۲۱۰

۱- امالی صدوق، ص ۲۹۰

۲۸. پرهیزکاری و تقوا را نشانید:

«و اَعلامُ التُّقی و وصیَّتُکُم التَّقوی»:

شما پرچمدار تقوایید. سفارش شما به پرهیزکاری است.

یکی از توصیه های مکرر قرآنی و اهل بیت علیهم السلام به تقواست:

«وَ اتَّقواللهَ وَ اعلَمُوا اَنَّ الله مَعَ المُتَّقینَ»(۱)

از خدا بترسید و بدانید که خداوند با اهل تقواست.

«یا اَیَّها الَّذینَ آمَنوا اِتَّقواللهَ حَقَّ تُقاتِهِ وَ لا تَموتُنَّ اِلّا و اَنتُم مُسلِمونَ»(۲)

ای اهل ایمان از خدا بترسید چنانچه شایسته خدا ترس بودن است تا نمیرید جز به دین

مبین اسلام

«هذا بَیانٌ للنّاسِ و هُدیً و مَوعِظَهٌ لِلمُتَّقینَ»(۳)

این کتاب خدا حجت و بیانی برای عموم مردم و راهنما و پندی برای پرهیزکاران است.

«تِلکَ الجَنَّهُ الَّتی نُورِثُ مِن عِبادِنا مَن کانَ تَقیّاً»(۴)

این همان بهشتی است که ما بندگان با تقوا را وارث آن می گردانیم.

و ده ها آیه دیگر که همگی درباره ارزش و اهمیت تقوا نازل شده است.

معنای لغوی تقوا عبارت است از نگهداری و محافظت چیزی از آن چه را که به او

ضرر و اذیت می رساند. تقوا ریشه اش از وقی، یقی است و مصدر آن وقایه است

تقوای انسان عبارت است از محافظت و نگهداری نفس، از آنچه جای نگرانی است.

مرحوم محدث قمی رضوان الله تعالی علیه در سفینه البحار می گوید: تقوا سه مرتبه

دارد:

۱. حفظ نفس از عذاب آخرت به وسیله اصلاح عقاید

۲. پرهیز از هر نوع گناه که خواه ترک واجب باشد و یا انجام حرام

۱- بقره / ۱۹۴

۲- آل عمران / ۱۰۲و ۱۳۳

۳- آل عمران / ۱۰۲و۱۳۳

۴- مریم / ۶۳

۳. حفظ دل و سرّ وجود از اشتغال به غیر پروردگار که البته این نوع از تقوا مربوط به خواص بلکه خاص الخاص بندگان خداوند می باشد.

همان مرحوم از بعضی که اهل عمل بودند نقل می کند که در معنای تقوا گفته اند اگر گذرگاه ما بیابان پر از خار باشد و لباس بلندی بر تن داشته باشیم چگونه دامن لباس را جمع می کنیم و مواظب هستیم که لباس و بدن ما به خاری اصابت نکند به همین ترتیب مواظبت و مراقبت در امور دنیا را تقوا گویند.

بعد حدیثی را از امام صادق علیه السلام نقل می کند که از حضرت درباره تفسیر تقوا پرسش شد امام علیه السلام فرمود:«اَن لا یَفقُدَکَ حَیثُ اَمَرَکَ و لا یَراکَ حَیثُ نَهاکَ »(۱) در انجام اوامر و دستورات پروردگار کوتاهی نکنی و در نواهی و محرمات داخل نگردی و در یک بیانی بسیار کوتاه امیر المومنین علی علیه السلام در معنای تقوا فرمود:

«التَّقوی اِجتِنابٌ »(۲) تقوا یعنی بپرهیز!

و برای کسانی که از این موهبت برخوردارند فرمود:«لِلمُتَّقی هُدیً فی رَشادٍ و تَحَرُّجٌ عَن فَسادٍ و حِرصٌ فی اِصلاحِ مَعادٍ»(۳)

این مرتبه و منزلت برای انسان متقی است. ۱. هدایت به راه رشد و تعالی ۲. دوری جستن از فساد ۳. حرص و شوق در اصلاح امور آخرت

کسی که حُسن و خط دوست در نظر دارد*** محقق است که او حاصل بصر دارد

کسی که از ره تقوا قدم برون ننهاد*** به عزم میکده اکنون ره سفر دارد

دل شکسته حافظ به خاک خواهد بود*** چو لانه داغ هوایی که بر جگر دارد

تقوا مُهر قبولی اعمال است چنانکه پروردگار متعال از قول هابیل هنگامی که مورد

۱- سفینه البحار،ج ۲،ص ۶۷۸

۲- غررالحکم، ص ۹ و ص ۵۸۳

۳- همان

عتاب و سرزنش برادرش قابیل قرار گرفت و قصد کشتن او را نمود نقل می کند پاسخ داد

«اِنَّما یَتَقَبَّلُ اللّهُ مِنَ المُتَّقینَ»(۱)

خداوند جز از اهل تقوا عملی را نمی پذیرد.

تعبیر امام صادق علیه السلام درباره تقوا بسیار زیباست: تقوا نسبت به طاعات و عبادات چون آبی است که مورد استفاده نباتات و درخت ها قرار گرفته و خرمی و جلوه ی مخصوصی به آن ها می بخشد و هر عبادتی که توأم با تقوا نگشت مانند درخت هایی است که در اثر بی آبی خرمی و صفای خود را از دست داده و چنین عبادتی در نتیجه چون غبار پراکنده ای خواهد بود.

آدم متقی یک نوع حالت مواظبت دقیق و کامل در رفتارهای فردی و اجتماعی و سیاسی خود دارد به هر چه نمی نگرد هر صدا و آهنگی را نمی شنود در هر محفلی و در هر جمعی حضور نمی یابد سر هر سفره رنگین نمی نشیند و از هر لقمه ای استفاده نمی کند مواظبت گفتار و زبان خویش است و بالاخره تا مطمئن به سلامت و صحت کاری نشود اقدام به انجام آن نمی نماید و این همه از برکت وجود تقواست.

فلسفه احکام الهی برای رسیدن به تقواست مثل نماز و روزه و حج. گشایش و روزی فراوان در پرتو تقواست و آمرزش گناهان نیز با تقوا به دست می آید و در پایان هم عاقبت بخیری در پرتو تقواست:«و العاقِبَهُ لِلمُتَّقینَ»(۲)

حسن عاقبت مخصوص اهل تقواست.

بعد از این مقدمه بهتر می فهمیم که ائمه طاهرین علیهم السلام «اَعلامُ التُّقی» هستند یعنی چه، و توصیه آن ها به تقوا بوده چرا و به چه علت «وَصیَّتُکُمُ التَّقوی»

پرچمداری تقوا با این خاندان است زیرا که با نگاه به زندگانی و سیره آن ها ترس از

خدا و پرهیز از لغزش آنی و لحظه ای از آن ها جداشدنی نیست در رفتارهای خانوادگی

و اجتماعی و سیاسی آن بزرگواران یک جا یافت نمی شود که تقوا پر رنگ نباشد.

ص: ۲۱۳

۱- مائده / ۲۸

۲- اعراف / ۱۲۸

زیاد بن منذر می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند به اهل بیت تقوا داده و

با حکمت تقویتشان نموده است. آنان شاخه های پاک و ریشه های مبارکند. قرارگاه

رحمت حق و گنجینه های علم و دانش و وارثان حلم و شکیبایی و صاحبان تقوا و عقل

و خرد، نور و روشنایی و وارثان پیامبران و باقی مانده از اوصیاء هستند.(۱)

وصیَّتُکم التَّقوی: با جمله اُوصیکُم بِتَقوی اللهِ اَئمه طاهرین علیهم السلام و رأس آن ها

مولایمان علی علیه السلام اکثر دوستداران حضرت آشنا هستند.

سرتاسر نهج البلاغه به عبارات فوق برمی خوریم که نشان از اهمیت این جایگاه دارد.

«اُوصیکُم عِبادَاللهِ بِتَقوی اللهِ فَأَنَّها خَیرُ ما تَواصی العِبادُ بِهِ و خَیرُ عَواقِبِ

الأمور عِندَ اللهِ »(۲)

ای بندگان خدا شما را به تقوای خدا سفارش می کنم زیرا این بهترین سفارشی است

که بندگان به یکدیگر می کنند و در پیشگاه خداوند بهترین پایان امور است.

این توصیه در خطبه ۸۳ و ۱۱۴ و ۱۸۲ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۸ و ۱۸۸ و

۱۹۱ و نامه ۳۱ آمده است و همگی با جمله اُوصیکُم بتقوی الله آغاز می شود.

و در جای دیگر در نامه ای که برای یکی از اصحاب خود نوشته است اینگونه آمده:

اُوصیکَ و نَفسی بِتَقوی مَن یَحِلُّ لَکَ مَعصیَتُهُ و لا یُرجی غَیرهُ، و لا الغِنی اِلّا

الیهِ فَاِنَّ مَنِ التَّقی اللهَ عَزَّ و قَوِیَ و شَبعَ و رَوِیَ و رَفَعَ عَقلَهُ عَن اَهلِ الدُّنیا فَبَدَنُهُ

مَعَ اَهلِ الدُّنیا و قَلبُهُ و عَقلُهُ مُعاینُ الآخرَهِ فَأطفَأَ بِضَوءِ قَلبِهِ ما اَبصَرَت عَیناهُ مِن

حُبُّ الدُّنیا»

تو را و خودم را به تقوای کسی سفارش می کنم که نافرمانی او بر تو روا نیست و

امیدی جز به او نمی باشد و نیازی جز به او نیست زیرا کسی که از خدا پروا کند عزیز و

نیرومند و سیر و سیراب شود و خودش از مردم دنیا فراتر رود و در نتیجه جسمش با

ص: ۲۱۴

۱- فرات کوفی، ص ۳۹۵ و بحار ، ج ۲۳، ص ۲۴۴

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳

مردم دنیا باشد و دل و عقلش بینای آخرت و با نور دل خود آن چه را دیدگان او از

محبت و دوستی دنیا بیند خاموش گرداند

به چند نمونه از تقوای عملی و سیاسی همان حضرت عنایت کنید: یکی از شب ها

مقداری پول برای حضرت آوردند فرمود: هم اکنون آن را تقسیم کنید. عرض کردند

الان شب است صبر کنید تا فردا تقسیم کنیم فرمود:«تُقَبِّلونٌ اَن اَعیشَ اِلی غَدٍ» آیا

شما یقین دارید که من فردا زنده هستم گفتند ما هم برای خود چنین باوری را نداریم

فرمود: پس تاخیر نیندازید. شمعی آوردند زیر نور شمع اموال را تقسیم کردند.(۱)

در آن هنگام که مردم به سفره چرب و درهم و دینار معاویه هجوم می بردند عده ای

از راه خیرخواهی می گفتند یا امیرالمومنین از اموال بیت المال به اشراف عرب و قریش

بده که اینقدر از کنار تو پراکنده نشوند. می فرمود: آیا از من می خواهید که پیروزی را از

طریق ظلم به دست آورم؟! نه به خدا سوگند چنین کاری را نخواهم کرد.(۲)

یک روز عقیل برادر آن حضرت درخواست کمک مالی کرد و گفت من تنگدستم

مرا چیزی عطا کن حضرت فرمود: صبر داشته باش تا میان مسلمین تقسیم کنم سهیمهٔ

تو را خواهم داد. عقیل اصرار ورزید. علی علیه السلام به مردی گفت: دست عقیل را بگیر و ببر

میان بازار، بگو قفل مغازه ای را بشکند و آنچه در میان مغازه هست بردارد. عقیل در

جواب گفت: می خواهی مرا به عنوان دزدی بگیرند. علی علیه السلام فرمود: پس تو می خواهی

مرا سارق قرار دهی که از بیت المال مسلمین بردارم و به تو بدهم؟!(۳)

یک روز معاویه به یکی از دوستان امیر المومنین به نام ضرّار گفت: مقداری از

اوصاف و اخلاق علی علیه السلام برایم شرح بده. گفت هر چه بگویم در امان هستم. گفت در

امان خواهی بود . ضرّار گفت: به خدا سوگند که او در کسب مکارم اخلاق بلند همت

بود. به عدل حکم می کرد چشمه های علم و دانش از همه ی وجودش جوشان بود. از دنیا و زرق و برق آن وحشت داشت. با شب و تاریکی اش مانوس بود. او در دل شب ها

۱- امالی شیخ طوسی، ص ۲۵۷

۲- بحار، ج ۴۱، ص ۱۰۹

۳- بحار، ج ۴۱، ص ۱۰۹

خیلی گریه می کرد و با خدای خویش مناجات می نمود. لباس خشن می پوشید نان خشک می خورد. او در میان ما مثل یکی از ما بود و به محض آنکه او را می خواندیم پاسخ مثبت می داد و با همه قرب و نزدیکی که با او داشتیم هیبتش ما را می گرفت و ما نمی توانستیم چشم در چشمش بیندازیم. فقرا هم از عدل حضرتش مایوس نمی شدند خطاب به دنیا می گفت: ای دنیای پست آیا به من تعرض می کنی مرا به سوی خود تشویق می کنی؟ هیهات، هیهات برو و غیر مرا فریب بده مرا به تو حاجتی نیست! سپس می فرمود: آه آه از کمی توشه و طولانی بودن سفر و وحشت راه.

ضرّار پس از این سخنان در حالی که اشک می ریخت از کاخ معاویه خارج شد.(۱)

۱- ارشاد دیلمی، ج ۲، ص ۱۴

۲۹. پناهگاه دوستان خود هستید:

مُستَجیرٌ بِکُم:

پناهگاه اصلی ما خداوند تبارک و تعالی است و اگر ما به پناه اهل بیت علیهم السلام می رویم

از این جهت است که تحت لوای آن بزرگواران از خداوند بزرگ تمنا می کنیم که به

آبروی ایشان و عظمت منزلتشان نزد خود ما را پناه دهند و به همین جهت است که در

تمام زیارت هایی که روزهای هفته وارد است اینگونه عرض می کنیم:

«هذا یَومُ السَّبتِ و هوَ یَومُکَ و اَنا فیه ضَیفُکَ و جارُکَ فَاضِفنی و اَجِرنی

فَاِنَّکَ کَریمٌ تُحِبُّ الضِّیافَهَ و مَأمورٌ بالاِجارَهِ فَاضِفنی و اَحسِن ضِیافَتی و اَجِرنا و

اَحسِن اِجارَتَنا»

ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امروز روز شنبه است و آن روز تست و من در آن مهمان تو و

پناهنده ی توأم. پس پذیرایی نما از من و پناهم ده زیرا تو کریمی و دوست داری میهمان

نوازی را و ماموری به پناه دهی پس پذیرایی نما از من و نیکو پذیرایی مرا و پناهمان ده

و نیکو پناهمان ده

دقیقا سایر ایام هفته را مشابه عبارات فوق به امیر المومنین علی علیه السلام و فرزندان

معصومش تا امام زمان علیه السلام و در روز جمعه به ولی نعمتمان حجه بن الحسن علیه السلام عرض

می کنیم:

«هَذَا یَوْمُ الْجُمُعَهِ وَ هُوَ یَوْمُکَ الْمُتَوَقَّعُ فِیهِ ظُهُورُکَ وَ الْفَرَجُ فِیهِ لِلْمُؤْمِنِینَ عَلَی

یَدَیْکَ وَ قَتْلُ الْکَافِرِینَ بِسَیْفِکَ وَ أَنَا یَا مَوْلاَیَ فِیهِ ضَیْفُکَ وَ جَارُکَ وَ أَنْتَ یَا

مَوْلاَیَ کَرِیمٌ مِنْ أَوْلاَدِ الْکِرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالضِّیَافَهِ وَ الْإِجَارَهِ فَأَضِفْنِی وَ أَجِرْنِی

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْکَ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِکَ الطَّاهِرِینَ.»(۱)

امروز روز جمعه است و روز تست روزی که امید می رود در آن ظهورت و گشایش

ص: ۲۱۷

۱- مفاتیح الجنان،محدث قمی

در آن برای مومنان با دستان مبارکت انجام شود و با شمشیرت کافران به قتل برسند و من

ای مولای من امروز مهمان تو هستم و پناهنده به توام و تو ای مولای من کریمی و از

فرزندان کریمانی و ماموری به مهمانوازی و پناهنده هستی پس پذیرایی ام کن و پناهم

ده درود خدا بر تو و اهل بیت طاهرینت.

سید بن طاووس می گوید بعد از این زیارت جای این شعر هست که عرض کنیم:

نَزِیلُکَ حَیثُ ما اتَّجَهَت رِکابی*** وَضَیفُکَ حَیثُ کُنتُ مِنَ البِلادِ مفاتیح الجنان محدث قمی

من بر تو نازل می شوم هر کجا که کاروانم رود و مرا وارد نماید و میهمان تو هستم در

هر کجا باشم از شهرها

محمد بن حسن نقل کرده به امام حسن عسکری علیه السلام نامه ای نوشتم و در آن از فقر و

ناداری شکایت کردم. امام علیه السلام در جواب نامه نوشت: خداوند تبارک و تعالی دوستان ما

را وقتی که گناهان انبوهی مرتکب شده باشند مبتلا به فقر می کند و این را وسیله ی پاک

شدن آن ها قرار می دهد با آنکه بسیاری از گناهان آن ها را می بخشد.

«اَلفقرُ مَعَنا خَیرٌ مِنَ الغِنی مَعَ غَیرِنا و القَتلُ مَعَنا خَیرٌ مِنَ الحَیاهِ مَعَ عَدوِّنا و

نَحنُ کَهفٌ لِمَن التَجَأ الینا و نورٌ لِمَن اِستبصَرَ بِنا و عِصمَهٌ لِمَن اِعتَصَمَ بِنا مَن اَحَبَّنا

کانَ مَعَنا فی السَّنامِ الاَعلی و مَن اِنحَرَفَ عَنّا فَالیَ النّارِ»(۱)

فقر و ناداری با ما از ثروت و بی نیازی با غیر ما بهتر است و کشته شدن در راه ما از

زندگی کردن با دشمنان ما بهتر است و ما پناه کسانی هستیم که به ما پناهنده شوند و نور

و روشنایی هستیم برای کسانی که از ما بینش و آگاهی بخواهند و هر که به ما متوسل

شود و به رشته ولایت ما چنگ زند او را حفظ می کنیم. کسی که ما را دوست بدارد در

مراتب عالی بهشت با ما خواهد بود و کسی که از ما روی بگرداند و از راه ما منحرف

گردد سرانجام او در آتش است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در اینکه معصومین پناهگاه امتند فرمود:

ص: ۲۱۸

۱- کشف الغمه، ج ۲،ص ۴۲۱ و بحار ، ج ۵۰،ص ۲۹۹

«نحنُ الوَسیلَهُ اِلی اللهِ و الوُصلَهُ اِلی رضوانِ اللهِ و لَنا العِصمَهُ و الخَلافَهُ و

الهِدایَهُ، و فینا النُبُوَّهُ و الوَلایَهُ و الاِمامَهُ و نحنُ مَعدِنُ الحِکمَهِ و بابُ الرَّحمَهِ و

شَجَرَهُ العِصمَهِ و نحنُ کَلِمَهُ التَّقوی و المَثَلُ الأعلی و الحُجَهُ العُظمی و العُروَهُ

الوثقی الَّتی مَن تَمسَّکَ بِهانَجا»(۱)

ما وسیله به سوی خدا و رساننده به رضوان او هستیم عصمت خلافت هدایت از آن

ماست نبوت ولایت و امامت در میان ماست

ما معدن حکمت باب رحمت شجره عصمت هستیم کلمه تقوا و مثل اعلا حجت

کبری و عروه الوثقی - که هر کس به آن متمسک شود و پناه آورد نجات یابد ما هستیم

همان طور که در ابتدای این فصل عرض شد پناهگاه اصلی ما خداوند تبارک و تعالی

است و اگر ما به پناه چهارده معصوم علیهم السلام می رویم بخاطر آن است که ایشان بهترین

ریسمان و وسیله ارتباط ما با پروردگار متعال هستند و دل های آن بزرگواران غیر دل های

ماست چنانکه امام صادق به عبدالله بن بکر فرمود:

«یابنَ بکر! اِنَّ قُلوبَنا غَیر قُلوبِ النّاسِ اِنّا مُصَفُّونَ مُصطَفَونَ، نَری ما لا یَری

النّاسُ و نَسمعُ ما لا یَسمَعونَ»(۲)

ای فرزند بکر! دل های ما غیر از دل های مردم است. ما پاک و برگزیده هستیم

چیزهایی را می بینیم که مردم نمی بینند و چیزهایی را می شنویم که مردم نمی شنوند.

۱- بحار، ج ۲۵،ص ۲۲

۲- اختصاص، ص ۳۴۰

حرف _ ت:

۳۰. تبلیغ و دعوت به حکمت و اندرز خلق کار مدام شماست:

« و دَعَوتُم اِلی سَبیلِهِ بِالحِکمَهِ و المَوعِظَهِ الحَسَنَهِ »:

شما خاندان مردم را به سوی خدا با حکمت و موعظه ی نیکو دعوت می نمایید

حکمت معانی مختلفی دارد به معنای علم نقل شده به معنای محکم و استوار آمده

راغب در مفردات در معنای حکمت می گوید:« اِصابَهُ الحَقِّ بِالعِلمِ و العَقلِ » حکمت

عبارت از رسیدن به حق است به توسط علم و عقل

« وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَهِ»(۱)

از آن آیات و حکمتی که در خانه هایتان تلاوت می شود به خود آیید

ابن عباس حکمت در آیه شریفه را علم قرآن از ناسخ و منسوخ محکم و متشابه

تفسیر می کند

این معانی را نیز برای حکمت نقل کرده اند: علم دین معرفه الله تفقه و تدبر علمی

که سود فراوان و فایده زیاد داشته باشد و بعضی از اهل دل گفته اند: حکمت یعنی رسیدن

به مرتبه ای از روشنایی باطن که جهان خارج از خود را در وجود خویش ببیند

و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند به من قرآن را عنایت فرمود و نیز حکمت را مثل

قرآن عطا فرمود و در هر خانه ای که حکمت وجود نداشته باشد آن خانه خراب است

۱- احزاب / ۳۴

مگر آنکه اهل تفقه و فراگیری باشید مبادا جاهل و نادان بمیرید»(۱)

قرآن همه کس را لایق حکمت نمی داند مگر کسانی که لیاقت و زمینه فراگیری آن را در خود ایجاد کرده باشند.

«يُؤْتِی الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِیَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»(۲)

پروردگار به هر که خواهد حکمت را دهد و هر که حکمت آموخت خوبی فراوانی و خیر کثیر را یافت و جز اهل خرد و اندیشمندان پند نگیرند

یکی از نشانه های شایستگی برای فراگیری حکمت تواضع و فروتنی است تا روحیه استکباری در انسان از بین نرود از حکمت خبری نیست.

امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم فرمود:«یا هِشامُ اِنَّ الزَّرعَ یَنبِتُ فی السَّهلِ و لا یَنبِتُ فی الصَّفا فَکَذلکَ الحِکمَهُ تَعمُرُ فی قَلبِ المُتواضِعِ و لا تَعمُرُ فی قَلبِ المُتَکَبِّرِ الجَبّارِ لِاَنَّ اللهَ تعالی جَعَلَ التَّواضُعَ آلَهُ العَقلِ و جَعَلَ التَّکَبُّرَ مِن آلِهِ الجَهلِ»(۳)

ای هشام زراعت در زمین مستعد و نرم رشد می کند و نه در زمین سخت و غیر مستعد و همچنین است حکمت که در دل های متواضع را آباد می سازد و نه دل هایی را که گرفتار کبر و خودخواهی هستند زیرا خداوند تواضع را نشان عقل و تکبر را نشان نادانی قرار داده است.

نشان دیگر لیاقت و شایستگی فراگیری حکمت اخلاص در نیت و عمل است

چنانکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«ما اَخلَصَ عَبدٌ لِله عزَّوجلَّ اَربعینَ صَباحاً اِلاّ جَرَت یَنابیعُ الحِکمَهِ مِن قَلبِهِ علی لِسانِهِ »(۴)

اگر بنده ای از بندگان خدا چهل روز برای خدا خالص شود و کارهایش را برای خدا

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۲

۲- بقره / ۲۶۹

۳- سفینه البحار،ج ۱،ص ۲۹۱

۴- سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۹۱

انجام دهد چشمه های جوشان حکمت از قلبش بر زبانش جاری خواهد شد.

مرکز همه حکمت ها در وجود واجب الوجود است به همین علت خداوند تبارک و

تعالی در قرآن شریف بیش از ۹۶ مورد خود را حکیم معرفی فرموده است.

و به بعضی از بندگانش به طور خاص حکمت را تفویض کرده است:«وَ لَقَد آتینا

لُقمانَ الحِکمَهَ »(۱) به تحقیق ما به لقمان حکمت را عطا کردیم.

و از بین بندگان چهارده معصوم علیهم السلام هستند که دارای مقام حکمتند و در رأس آن ها

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که خداوند درباره اش می فرماید ما به او ماموریت دادیم که

حکمت را به آن هایی که لایقند بیاموزد.

«هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ

الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَهَ وَإِنْ کَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُبِینٍ »(۲)

خداست که در بین مردم درس نخوانده پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیات

خدا را برای آن ها تلاوت کند و آنان را تزکیه نماید و کتاب و حکمت را به آن ها

بیاموزد. هرچند قبل از آن در گمراهی آشکاری بودند.

و دَعَوتُم اِلی سَبیلِهِ بِالحِکمَهِ و المَوعِظَهِ الحَسَنَهِ : شما خاندان مردم را به سوی

خدا با حکمت و موعظه نیکو دعوت می نمایید.

هر کس بخواهد درس حکمت بگیرد و موعظه نیکو بشنود باید در برابر اهل بیت علیهم السلام

زانو بزند و در احادیث و گفتار آن بزرگواران کنکاش کند بعد از مدتی خود احساس

خواهد کرد که نوری در سرّ وجودش هویدا شده که می تواند حقایق این عالم را به خوبی

بفهمد و به اندازه ظرف وجودش لبریز از معارف و دانستنیهای ارزشمند شده است.

باید حسّ معرفت خواهی را درباره ظاهر این عالم و ملکوت آسمان ها و زمین با

مراجعه به معصومین علیهم السلام پاسخگو بود و اگر این حسّ را از بیگانگان از ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام مطالبه کنیم بی شک به بیراهه خواهیم رفت و گرفتار عرفان های کاذب و

ص: ۲۲۳

۱- لقمان / ۱۲

۲- جمعه / ۲

دروغین و قطاع الطریق هایی خواهیم شد که عوض راه مستقیم الهی ما را به راه دوزخ دعوت می کنند و اگر امروز و در این دنیا متوجه اشتباه خود نشویم با فرا رسیدن اجل و رفتن به عالم برزخ و قیامت خواهیم دانست چه اشتباه بزرگی مرتکب شده ایم و هر چه فریاد زنیم که «رَبِّ ارجِعونی لَعَلِّی اَعمَلُ صالِحاً » خدایا ما را باز گردان تا جبران خطا کنیم پاسخ قطعاً «کَلّا» است یعنی حرف نزن و هرگز بازگشتی وجود نخواهد داشت.

پس چه بهتر این آقایان و بانوانی که بریده از ولایت محمد و آل او هستند هر چه زودتر تا مرگشان فرا نرسیده از خواب غفلت بیدار شوند به در خانه خاندان عصمت و طهارت آمده و مواعظ نیکوی آن ها را آویزه گوش خود کنند و به کار بندند که فردا دیر است و فرداها دیرتر. چون روزی فرا می رسد که انگشت خود را می گزند که ای کاش با غاصبین حقوق اهل بیت علیهم السلام پیوند نمی خوردند و به دنبال آنان نمی رفتند:

«یَوْمَ یَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَی یَدَیْهِ یَقُولُ یَا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا یَا وَیْلَتَی لَیْتَنِی لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِیلًا لَقَدْ أَضَلَّنِی عَنِ الذِّکْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِی وَ کَانَ الشَّیْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا »(۱)

روزی که ظالم دست خود را از روی حسرت به دندان گرفته و می گوید: ای کاش با رسول خدا راهی را برگزیده بودم! وای بر من! ای کاش فلانی را دوست خود قرار نمی دادم ! مرا از یاد خدا منحرف ساخت، بعد از آنکه به سراغ من آمد که شیطان خوار کننده ی انسان است.

سید هاشم بحرانی در تفسیر برهان ذیل آیات فوق دو روایت نقل می کند یکی از ابی حمزه ثمالی که از امام باقر علیه السلام حدیث می کند که حضرت در تفسیر کلام خدا« یا لَیتَنی اِتَّخَذتُ مَعَ الرَّسولِ سَبیلاً» فرمود: یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام منظور از سبیل

وجود نازنین امیر المومنین علی علیه السلام است.

دومی را از امام باقر و امام صادق علیهماالسلام آورده که این آیات درباره دو نفر از بزرگان

ص: ۲۲۴

۱- فرقان / ۲۷تا ۲۹

قریش نازل شده که « اَسلَما بِاَلسِنَتِهِما و کانائنا فِقانِ النَّبیَّ صلی الله علیه و آله و سلم و اَخاً بَینَهُما یَومَ

الأخاءِ فَصِعدا اَحَدُهُما صاحِبَهُ عَنِ الهُدی فَهَلَکا جَمیعاً فَحَکی اللهُ تَعالی حِکایَتُهما

فی الآخرَهِ و قولَهُما ما یَنزِلُ عَلَیهِما مِنَ العَذابِ فَیَحزُنُ و یَتَأسَّفُ علی ما قَدَّمَ و

یَنتَدِمَ حَیثُ لَم یَنفَعهُ النَّدَمَ»(۱)

به زبان اسلام اختیار کردند و با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منافقانه برخورد کردند بین این دو نفر

رفاقت و برادری وجود داشت و بالاخره یکی باعث انحراف دیگری شد و هر دو

هلاک شدند. در اینجا خداوند داستان آن ها را حکایت می کند که وضعشان در آخرت

چگونه است و در هنگام نزول عذاب به همدیگر چه می گویند البته در آن موقع

محزون می گردند و نسبت به حرکات و اعمال خودشان نادم و پشیمان می شوند ولی

دیگر پشیمانی سودی نخواهد داشت

پس به هوش باشیم که خود را در معرض موعظه و نضایح اهل بیت علیهم السلام قرار بدهیم تا

گرفتار دزدان ایمان و عقیده واقع نشویم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هشدار می دهد که از اخیار

اهل بیت من پیروی کنید که در غیر این صورت بالاجبار تحت ظلم اشرار و ظالمان قرار

خواهید گرفت.

« اِذا لَم یَأمُروا بِمَعروفٍ و لَم یَنهَو عَن مُنکرٍ و لَم یَتَّبِعوا الأخیارَ مِن اَهلِ بَیتی

سَلَّطَ اللهُ عَلَیهِم شِرارَهُم فَیَدعوا عِندَ ذلکَ خیارُهُم فَلا یُستَجابُ لَهُم»(۲)

هرگاه مردم امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان خاندان من پیروی

ننمایند خداوند بَدان آن ها را برایشان مسلط گرداند و در این هنگام نیکانشان دعا کنند

و دعایشان مستجاب نشود.

تفاوت موعظه ی حسنه با غیر آن این است که آنکه موعظه نیکو می کند سخنانش

بر گرفته از وحی و الهام الهی است چون اول واعظ خداوند تبارک و تعالی است بنابراین

کسانی که حرف خودشان را می زنند و بافته های ذهنی خود را برای مردم می گویند قادر

۱- امالی صدوق، ص ۲۵۴

۲- امالی صدوق ص ۲۵۴

نیستند جامعه را اصلاح کنند. موعظه حسنه کار انبیاء و اوصیاء آن هاست چون به راستی

خیر و صلاح امت را تشخیص می دهند و دنبال منافع شخصی خویش نیستند

اگر کسی بگوید من لبریز شده ام نیازی به موعظه اولیاء خدا نداریم بداند کج اندیش

است و در گمراهی بسر می برد و دل مرده است بر همین اساس مولایمان علی علیه السلام به

فرزند عزیزش می فرمود:«اَحیِ قَلبَکَ بِالمَوعِظَهِ »(۱) دلت را همیشه با موعظه زنده و با

طراوت نگهدار.

در رأس همه موعظه های نیکو کتاب خدا قرآن مجید است چنانکه باز علی علیه السلام

می فرماید:

«اِنَّ اللهَ سُبحانَهُ لَم یَعِظ اَحَداً بِمِثلِ هذا القرآنِ »(۲) خداوند پاک هیچ کس را به

چیزی چون این قرآن موعظه نکرده است.

۱- نهج البلاغه،نامه ۳۱ و خطبه ۱۷۶

۲- نهج البلاغه،نامه ۳۱ و خطبه ۱۷۶

۳۱. تسلیم محض شما هستیم:

«وَ مُسَلِّمٌ فیهِ مَعَکُم و قَلبی لَکُم مُسَلِّمٌ و رَأیی لَکُم تَبَعٌ »:

و تسلیم شما هستیم و قلبم تحت فرمان شماست و رأیم تابع رأی شماست.

بعد از آنکه معرفت نسبت به منزلت و جایگاه علمی و معنوی ائمه طاهرین علیهم السلام ارتقاء یافت دیگر کسی به خود اجازه نمی د هد در برابر فرمایش و دستورات حضرات معصومین اشکال و ایراد کند بلکه تسلیم محض ایشان خواهد شد.

بنابراین در مرحله نخست باید درجه معرفت خود را نسبت به مقام والای ولایت بالا بریم و به این باور برسیم که این خاندان پاک جز خیر و صلاح دنیا و آخرت ما را نمی خواهند و هر چه می گویند به نفع ماست.

بعد از این است که فرمان و رأی آن بزرگواران برای ما مطاع می شود اگر چه به ظاهر به ضرر ما باشد.

امام صادق علیه السلام می فرمود:«اِذا حَکَمَ (یعنی القاضی) بِحُکمِنا فَلَم یَقبَلهُ مِنهُ فَإنَّما اِستَخَفَّ بِحُکمِ اللهِ و عَلَینا رَدَّ و الرَّادُّ عَلَینا الرَّاد علی اللهِ و هُوَ عَلی حَدِّ الشِّرکِ باللهِ»(۱) هرگاه قاضی براساس حکم ما داوری کند (یعنی از طرفین دعوا) حکم او را نپذیرد در حقیقت حکم خدا را خوار شمرده و سخن ما را رد کرده است و هر که ما را رد کند خدا را رد کرده و این عمل در حد شرک به خداست!

بعضی از آن هایی که تسلیم حکم خدا و رسول و ائمه طاهرین نیستند در مواقع حساس و امتحان نشان می دهند که چگونه آدم هایی هستند مثلا یکی از آن ها زبیر است یک روز سیف الاسلام می شود و کنار پیامبر با دشمنان خدا می جنگند و یک روز در برابر امام زمانش می ایستد و در پایان از یاری امام زمان خویش امتناع می ورزد.

پسرش عبدالله می گوید: مردی از انصار با زبیر بر سر تقسیم آب برای نخل ها با مردی

از انصار اختلاف پیدا کرد. او به زبیر گفت: جلو آب را رها کن برود اما زبیر امتناع کرد.

ص: ۲۲۷

۱- کافی، ج ۱، ص ۶۷

داوری را به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بردند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به زبیر فرمود: ای زبیر نخل هایت را آب بده و آن گاه آب را به طرف زمین همسایه ات رها کن. مرد انصاری عصبانی شد و گفت: ای رسول خدا! چون پسر عمه ات بود این گونه داوری کردی؟ رنگ رخسار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خشم تغییر کرد. آن گاه فرمود: ای زبیر! نخل هایت را آب بده و سپس جلو آب را ببند تا به طرف دیوارها برگردد

زبیر گفت: به خدا سوگند که انگار این آیه در این باره نازل شد:«فَلا و رَبُّکَ لا یُومِنونَ»(۱) ولی چنین نیست. به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند

جالب اینجاست که همین زبیر در جنگ جمل در برابر امیر المومنین علی علیه السلام ایستاد و تسلیم آن حضرت نشد و تنها کاری که کرد از جبهه جدا شد و علی علیه السلام را نیز یاری نکرد و فردی بدون اذن امام علیه السلام در بین راه او را به قتل رساند و علی علیه السلام فرمود:« القاتِلُ و المَقتول کِلاهُما فی النّار» کشنده و کشته شده چون امام زمان خویش را یاری نکرد و این است نتیجه کار کسانی که در برابر حکم خدا و رسول و ائمه طاهرین علیهم السلام تسلیم نیستند.

ما باید تابع باشیم هیچ گاه نباید رأی خود را بر رأی خدا و رسول و اهل بیت مقدم بداریم« یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ »(۲) ای اهل ایمان! هیچ گاه از خدا و رسول او جلو نیفتید و از خدا بترسید که خداوند شنوا و آگاه است.

معنی تسلیم بودن این است که هر آنچه را که به عنوان احکام شریعه برای ما وضع کردند چون و چرا نکنیم.«وَ مَا آتَاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ»(۳)

هر چه پیامبر به شما می دهد آن را بگیرید و از هر چه منعتان می کند پرهیز کنید و از

۱- صحیح مسلم، ۲۳۵۷

۲- حجرات / ۱

۳- حشر / ۲۷

خدا بترسید که خداوند سخت عقاب است.

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه فرمود:«فَما فَوَّضَ اِلی رَسولِ اللهِ فَقَد فَوَّضَهُ اِلَینا»(۱) هر چه را خداوند به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تفویض نموده بر ما نیز تفویض نموده است.

سلیم بن قیس هلالی در تفسیر آیه فوق از امیر المومنین علی علیه السلام روایت کرده که فرمود:«فَاتَّقوا اللهَ و ظُلمَ آلِ محمدٍ فَاِنَّ اللهَ شدیدُ العِقابِ لِمَن ظَلَمَهُم »(۲)

بترسید از خدا و بترسید از ظلم بر آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم که خداوند بر ظالمین بر حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم عذاب شدیدی را قرار خواهد داد.

بعضی حتی از شیعیان هستند که در برابر احکام وضع شده قرآنی و روانی سر تسلیم فرود نمی آورند و می گویند تا ما فلسفه احکام را ندانیم بدان عمل نمی کنیم این روحیه ای بسیار زشت و نامعقول است چون بسیاری از احکام و قوانین اسلام تعبّدی است و جای چون و چرا ندارد و قد و قواره ما هم در آن حد نیست که چرایی آن احکام را درک کنیم بنابراین اگر کسی پافشاری کند که تا من فلان حکم را علت و فلسفه اش را نفهمم عمل نمی کنم، بی تردید تا پایان عمر در شک و تردید خواهد ماند و به جایی نخواهد رسید.

وقتی ما این باور را پیدا کردیم که خداوند تبارک و تعالی و رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام هر آنچه را که برای ما وضع فرمودند از واجب و حلال و حرام و مستحب و مکروه بی حکمت نبوده و حتما خیر و صلاح ما را در دنیا و آخرت در نظر گرفته اند می شویم«و مُسَلِّمٌ فیهِ مَعَکُم و قَلبی لَکُم مُسَلِّمٌ و رَایی لَکُم تَبَعٌ » با تمام وجود تسلیم اوامر و دستوراتشان قرار می گیریم.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«یا عِبادَ اللهِ اَنتُم کَالمَرضی و رَبُّ العالَمینَ کَالطَّبیبِ

فَصَلاحُ المَرضی فیما یَعلَمُهُ الطَّبیبُ و تَدبیرُهُ بِهِ لا فیما یَشتَهیهِ المَریضُ و

یَفتَرِحُهُ ، اِلّا فَسَلِّموا للهِ اَمرَهُ تَکونوا مِنَ الفائِزینَ»(۳)

ص: ۲۲۹

۱- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۱۵

۲- همان

۳- تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۷

ای بندگان خدا! شما چون بیمارید و پروردگار جهانیان مانند طبیب و بهبود حال

بیمار در گرو توصیه های طبیب به اوست نه در آنچه بیمار می خواهد و پیشنهاد می کند،

هان! در برابر فرمان خدا گردن نهید تا از رستگاران باشید.

تن به حکم قطعی خدا دادن نشان معرفت بالای انسان است و نشان شناخت خداوند

تبارك و تعالی است. امام محمد باقر علیه السلام می فرمود:«اَحَقُّ مَن خَلَقَ اللهُ بَالتَّسلیمِ

لَما قَضَی اللهُ مَن عَرَفَ اللّه»(۱)

سزاوارترین خلق خدا به گردن نهادن در برابر قضا و فرمان او کسی است که خدا

شناس باشد.امام کاظم علیه السلام فرمود: پدرم امام صادق علیه السلام به من دستور داد که نزد مفضل

بن عمر بروم و در گذشت اسماعیل را به او تسلیت بگویم به من فرمود: به مفضل سلام

برسان و بگو ما در معصیت از دست دادن اسماعیل صبر کردیم تو هم مثل ما صبر کن

هرگاه ما چیزی بخواهیم و خداوند چیز دیگری بخواهد به خواست و امر او گردن

نهیم.» (۲)

امیرالمومنین علی علیه السلام در معنای تسلیم فرمود:«التَّسلیمُ اَن لا تَتَّهِمَ »(۳)

تسلیم آن است که (خدا را) متهم نکنی.

امام صادق علیه السلام فرمود:«اِذا قالَ العَبدُ ماشاءَ اللهُ لا حَولَ و لا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ، قالَ

اللهُ: مَلائِکَتی اِستَسلَمَ عَبدی أعِینُوهُ، أدرِکُوهُ اُقضُوا حاجَتَهُ»(۴)

هرگاه بنده بگوید: هر چه خدا بخواهد و هیچ حول و قوه ای نیست جز آنکه از آن

خداست خداوند فرماید: ای فرشتگان من بنده ام تسلیم شد، کمکش کنید او را دریابید

حاجتش را برآورید.

۱- بحار، ج ۷۱، ص ۱۵۳

۲- بحار، ج ۸۲، ص ۱۰۲

۳- غررالحکم / ۱۱۶۴

۴- بحار، ج ۹۳، ص ۱۸۹

۳۲. تفرقه را الفت و وحدت مبدّل می کنید:

«بِموالاتِکُم ... و ائتَلَفتِ الفُرقَهُ»(۱)

به توسط ولایت و ارادت به شما خاندان جدایی ها تبدیل به الفت و وحدت می شود

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»(۲)

همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

از امام باقر علیه السلام روایت شده«آلِ محمدٍ صَلواتُ اللهِ عَلیهِم هُم حَبلُ اللهِ المَتینِ

الَّذی أمَرَ بِالاِعتِصامِ بِهِ فَقالَ و اعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعاً و لا تَفَرَّقوا»(۳)

پس مرکز الفت و وحدت مسلمین جهان اهل بیت علیهم السلام اند و اگر ملت های مسلمان که

به فرقه های متعدد تقسیم شدند همگی گرداگرد محمد و آل محمد علیهم السلام جمع می شدند

این وضع اسفبار به وجود نمی آمد و دشمن هم سوء استفاده از این تفرقه و جدایی

نمی کرد.

چه مانعی دارد اشتباهی را که بنیان گذاران اختلاف و خلیفه تراشان تاریخ اسلام

کردند کنار گذاشته شود و همه مسلمین طبق سفارش شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به دو

امانت حضرتش تمسّک جویند و وحدت اسلامی به معنای واقعی به وجود آید نه به

معنای صوری و غیر حقیقی که سال ها شاهد بی نتیجه بودن آن بوده ایم.

جلال الدین سیوطی که خود یک عالم و مفسر سنی مذهب است در ذیل همین آیه

شریفه وحدت در گرد حبل الله حدیثی را از زید بن أرقم نقل می کند که نشانگر آن است

که در بین علما اهل سنت نیز این اعتقاد وجود دارد که پیامبر و اهل بیت گرامش عامل

الفت و وحدت بین مسلمانان هستند.

«قالَ رَسولُ الله صلی الله علیه و آله و سلم اِنّی لَکُم فَرطٌ و اِنَّکُم وارِدونَ عَلیَّ الحَوضَ فَانظُروا کَیفَ

تَخلِفونی فی الثِّقلَین؟ قیلَ: وَ ما الثَّقلانِ یا رسولَ اللهِ؟

قالَ: اَلاَکبَرُ کِتابُ اللهِ عزَّوجلِّ سَبَبُ طَرَفَهِ بِیَدِاللهِ، وَ طَرَفِهِ بِاَیدیکُم فَتَمَسَّکوا

۱- آل عمران / ۱۰۳

۲- آل عمران / ۱۰۳

۳- معانی الاخبار، ص ۱۳۲

بِهِ لَن تَزالوا و لَن تَضِلّوا و الأصغَرُ عِترَتی و اَنَّهُما ما لَن یَفتَرِقا حَتّی یَردا عَلَیَّ

الحَوضَ. و سَأَلتُ لَهُما ذاکَ رَبّی فَلا تُقَدِّ موهُما فَتُهلِکوا و لا تُعَلِّمو هُما فَاِنَّهُما

اَعلَمُ مُنکُم»(۱)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من جلوتر از شما می روم و شما کنار حوض کوثر بر من وارد خواهید شد بنگرید که چگونه رفتار خواهید کرد با دو چیز گران قیمت؟ گفته شد: ای رسول الله آن دو چه می باشند؟ فرمود: بزرگ تر کتاب خدا وسیله ای است که یک طرفش به دست حق و طرف دیگرش به دست های شما است. به آن چنگ زنید که هرگز گمراه نخواهید شد. و کوچک تر عترت من می باشند. آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند از پروردگارم جدا نشدنشان را درخواست کرده ام پس بر آن پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد و به آن ها چیزی نیاموزید زیرا که از شما داناترند. بِموالاتِکُم ... و ائتَلَفَتِ الفُرقَةُ: پس به موالات این خانواده است که جدایی ها تبدیل به الفت و دوستی و وحدت می گردد.

و هر زمان که هفتاد و سه فرقه به یک گروه پیرو قرآن و عترت تبدیل شوند ابر قدرتی در جهان خواهند شد که هیچ زورگو و مستکبری نمی تواند به جامعه و قاطبه مسلمین زور بگوید و حقوق ملی آن ها را به غارت برد ولی چه باید کرد که عده ای این حقیقت را درک نمی کنند و به خواست دشمنان عمل می کنند و اختلاف و جدایی را تا سر حد قتل و کشتار بی رحمانه پیش می برند و چیزی که استعمارگران سال هاست ابزار استثمارگری خود قرار داده به وجود می آورند. آن ها معتقدند که اختلاف بینداز و حکومت کن چون در سایه اختلاف بین مسلمین است که به راحتی به مطامع مادی خود می رسند و منابع حیاتی مسلمانان را چپاول می کنند مرحوم فیض کاشانی در تفسیر خود

حدیثی را از امام باقر علیه السلام ذیل آیه وحدت نقل می کند که حکایت از علت نزول آیه

شریفه دارد:

ص: ۲۳۲

۱- تفسیر درّ المنثور سیوطی، ج ۲، ص ۶۰

«اِنَّ اللهَ تَبارکَ و تَعالی عَلِمَ أَنَّهُم سَیَفتَرِقونَ بَعدَ نَبیِّهِم فَیَختَلِفونَ فَنَهاهُم عَن

التَّفَرُّقِ کَما نَهی مَن کانَ قَبلَهُم فَأَمرَهُم أَن یَجتَمِعوا عَلی وِلایَهِ آلِ محمدٍ صَلَواتُ

اللهِ عَلَیهِم و لا یَتَفَرَّقوا»(۱)

پروردگار تبارک و تعالی می دانست که مردم بعد مرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم متفرق

می شوند و گرفتار اختلاف خواهند شد بنابراین آن ها را منع کرد از نفرق و جدایی

همان طور که پیشینیان را نهی فرمود و آنگاه امت را امر فرمود که همگی بر ولایت آل

محمد صلوات الله علیهم اجمعین متحد شوند و تفرقه را کنار بگذارند.

ریشه اختلاف گمراهی است و گمراهی هم از ناحیه شیطان که دشمن قسم خورده

انسان است القاء می شود «إِنَّمَا یُرِیدُ الشَّیْطَانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَدَاوَهَ وَ الْبَغْضَاءَ»(۲)

شیطان تصمیم دارد که بین شما دشمنی و نفرت بیندازد.

امیر المومنین علی علیه السلام به ریشه های اختلاف بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم طی نامه ای

که برای مردم بصره که همراه مالک اشتر در سال ۳۸ هجری فرستاد پرداخته است:

«اما بعدُ فَاِنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ بَعَثَ مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ و سلم نَذیراً لِلْعالَمینَ، وَ مُهَیْمِناً عَلَی

الْمُرْسَلینَ. فَلَمّا مَضی صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ تَنازَعَ الْمُسْلِمُونَ الاَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ. فَوَ اللّهِ ما کانَ یُلْقی

فی رُوعی، وَ لایَخْطُرُ ببالی اَنَّ الْعَرَبَ تُزْعِجُ هذَا الاَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَنْ اَهْلِ بَیْتِهِ، وَ

لا اَنَّهُمْ مُنَحُّوهُ عَنّی مِنْ بَعْدِهِ. فَما راعَنی اِلاَّ انْثِیالُ النّاسِ عَلی فُلان یُبایِعُونَهُ،

فَاَمْسَکْتُ یَدی حَتّی رَاَیْتُ راجِعَهَ النّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الاِْسْلامِ، یَدْعُونَ اِلی مَحْقِ

دینِ مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ و سلم، فَخَشیتُ اِنْ لَمْ اَنْصُرِ الاِْسْلامَ وَ اَهْلَهُ اَنْ اَری فیهِ ثَلْماً و هَدْماً تَکُونُ

الْمُصیبَهُ بِهِ عَلَیَّ اَعْظَمَ مِنْ فَوْتِ وِلایَتِکُمُ الَّتی اِنَّما هِیَ مَتاعُ اَیّام قَلائِلَ، یَزُولُ مِنْها

ما کانَ کَما یَزُولُ السَّرابُ، اَوْ کَما یَتَقَشَّعُ السَّحابُ، فَنَهَضْتُ فی تِلْکَ الاَحْداثِ حَتّی

۱- تفسیر صافی، چاپ قدیم، ص ۹۸

۲- مائده / ۹۱

زاحَ الْباطِلُ وَ زَهَقَ، وَ اطْمَأَنَّ الدّینُ وَ تَنَهْنَهَ»(۱)

پس از یاد خدا خداوند سبحان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را فرستاد تا بیم دهنده ی جهانیان و گواه

پیامبران پیش از خود باشد. آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سوی خدا رفت. مسلمانان پس از وی

در کار حکومت با یکدیگر درگیر شدند سوگند به خدا! نه در فکرم می گذشت و نه در

خاطرم می آمد (بدون استفاده از علم غیب) که عرب خلافت را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

از اهل بیت او بگیرد. یا مرا پس از وی از عهده دار شدن حکومت باز دارند. تنها چیزی

که نگرانم کرد شتافتن مردم به سوی فلان شخص بود که با او بیعت کردند. من دست باز

کشیدم تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته می خواهند دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نابود

سازند. پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم رخنه ای در آن بینم یا شاهد

نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من سخت تر از رها کردن حکومت بر شماست که

کالای چند روزه ی دنیاست و به زودی ایام آن می گذرد چنان که سراب ناپدید شود یا

مثل پاره ای ابر که زود پراکنده می گردد. پس در میان آن آشوب و غوغا بپاخاستم تا آن

که باطل از میان رفت و دین استقرار یافته آرام شد.

ملاحظه می فرمایید باز در معرکه اختلافات بر سر حکومت داری و جانشینی رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم امیر المومنین علی علیه السلام با اینکه حق مسلمش خلافت بود صبر و سکوت را برگزید

تا اسلام جوان بماند و با صبر و سکوتش عامل وحدت و الفت بین مسلمین شد پس

بی جهت نیست که امام کاظم علیه السلام حَبلُ الله را در آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران

شخص امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام می داند یعنی همان چیزی که باید به آن

اعتصام جست و پراکنده نشد.(۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۶۲

۲- تفسیر صافی، ص۹۸

۳۳. توفیق راه یابی به خدا از طریق شماست:

« مَن اَرادَ اللهَ بَدَءَ بِکُم و مَن وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنکُم و مَن قَصَدَهُ تَوجَّهَ بِکُم»

هر که خدا را خواهد به شما آغاز کند و هر که او را یگانه جوید توسط تعلیمات شماست و هر که تصمیم بگیرد به پروردگار متوجه شود به شما روی آورد

اهل بیت به ما آموختند طریقه ارتباط با خدا را به ما یاد دادند ادب در دعا و مناجات با پروردگار را به ما تعلیم دادند با چه قصد و انگیزه ای رو به خدا آوریم درس انس با خداوند تبارک و تعالی را خاندان عصمت و طهارت دادند آنانی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام تربیت شدند ارتباطشان با خداوند ارتباطی منطقی و عقلانی و عاطفی است در این ارتباط هیچ گونه ریا و تزویر دیده نمی شود و نیز خطا و اشتباهی رخ نمی دهد.

به عنوان نمونه کافی است علاقه مندان به لحن مناجات ها و دعاهای آن گرامیان به فرازهایی از دعاهای منقول از ایشان مراجعه کنند تا متن و عبارت عنوان شده در این مبحث برایشان بهتر روشن شود.

با یک مطالعه سطحی در دعاهای صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام و یا مناجات های امیر المومنین علی علیه السلام و یا دعاهای نقل شده از امام باقر و امام صادق علیهماالسلام و نیز سایر معصومین علیهم السلام به خوبی درمی یابیم که چگونه با خدا ارتباط برقرار کنیم و خواهیم رسید به عباراتی که آنقدر از لطافت و زیبایی برخوردار است که حاضر نخواهیم شد تا پایان عمر از خواندن آن ها در پیشگاه پروردگار متعال امتناع کنیم برای آنکه ثابت شود که این سخنان صرفا یک ادعا نیست و کلام امام هادی علیه السلام در جامعه کبیره دقیقا مطابق با حقیقت و درست است فرازهایی از مناجات های مولایمان علی علیه السلام

و سایر ائمه طاهرین علیهم السلام را در این نوشتار می آوریم:

« خدایا من جدّاً از تو می خواهم به حق آن رحمتت که همه چیز را فرا گرفته و به آن

نیرویت که با آن همه چیز را مقهور ساخته و در برابرش همه چیز فروتن و خوار گشته و

به آن جبروتت که بر همه چیز غالب شده و به آن عزتت که نایستد در برابرش چیزی و به

ص: ۲۳۵

آن عظمتت که پر کرده همه چیز را و به آن قدرت و حاکمیتت که بر فراز همه چیز قرار گرفته و به آن ذات ماندگارت پس از نابودی همه چیز و به آن نام هایت که پر کرده پایه های همه چیز را و به آن دانشت که محیط بر همه چیز است و به آن نور جمالت که به تابش آمده ای نور و ای قدوس و ای نخست نخست ها و ای آخر آخران»(۱)

«ای خدا ای آنکه بیرون کشید زبان صبح را با گویایی پرتو تابناک آن و پر کند قطعات تاریک شب را همراه توده های سیاه و سرگردانش و متقّق نمود ساختمان چرخ گردون را در اندازه های زیبای آن که برج ها باشند و نورافکن ساخت تابش آفتاب را با افروزش نور گرم آن ای آنکه دلیل آمد خودش بر خودش و منزه گشت از هم شکلی مخلوقاتش و برجسته شد از سازگاری با چگونه گویی های آن ها. ای آنکه نزدیک شد از گمان های خطور کننده از چشم انداز دیدگان و دانست آنچه را بود پیش از آنکه ظاهر شود»(۲)

«خدایا من جدّاً از تو می خواهم به حق نامت «به نام خدای مهر پیشه بخشنده» ای دارای برجستگی و کرامت ای زنده و ای قائم به ذات ای که زنده نیست معبودی جز به قدرت تو ای آنکه نمی داند چیست او و نه چگونه است او و نه کجاست او و کدام سویست او مگر خود او. ای دارای فرمانروایی و مُلک بزرگ ای دارای عزت و مقام جباری ای فرمانده کلّ ای مقدس ای سلام ای مومن ای مهربانانه مسلط ای عزیز ای جبار ای بزرگمنش ای خالق ای بی عیب آفرین ای تصویرگر ای سودمند ای عافیت اندیش ای سرسخت ای آغازنده ای برگرداننده ای نابودکننده ای بسیار بامحبت ای ستوده ای معبود ای دور ای نزدیک ای پاسخ دهنده ای دیده بان ای حسابگر ای بکر آفرین ای بلند مرتبه ای بس ارجمند ای شنونده ای دانا ای بردبار ای کریم ای با

حکمت»(۳)

«خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد و بشنو دعایم هنگامی که دعایت

ص: ۲۳۶

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی فراز اول، دعای کمیل

۲- مفاتیح الجنان محدث قمی، فراز اول دعای صباح

۳- مفاتیح الجنان فراز اول دعای مشلول، و مناجات شعبانیه بخش اول آن

کردم و بشنو صدایم هنگامی که صدایت کردم و روی آور به من هنگامی که با تو راز و

نیاز کردم به تحقیق که من گریختم به سویت و ایستادم در پیشگاهت در حالی که

درمانده ات هستم و به سویت زاری می کنم و امیدوارم به آنچه در اختیار داری از ثواب

و تو از درونم با خبری و از حاجتم با خبری و از سر وجودم مطلعی و نیز انقلاب درونم

ازتو مخفی نیست و آنچه می خواهم به زبان می آورم و لب می گشایم به خواسته هایم و

امیدوارم به سرانجام کارم و آنچه تو تقدیر کرده ای برایم رقم خورده است تا آخر عمرم

ولی همه چیز من به دست توست نه به دست غیر تو»(۱)

و امام سجاد علیه السلام در اولین دعای صحیفه و در فراز اول دعا عرض می کند

«حمد اختصاص به پروردگاری دارد که اول است و کسی قبل از او نبوده و آخر

است و کسی بعد از او نخواهد بود خدایی که دیدگان انسان ها ناتوان از رویت اوست و

اندیشه توصیف کنندگان عاجز از تعریف و توصیف او می باشند.

او با دست قدرتش خلق موجودات را بنیان گذاشت و با اراده اش مخلوقات را اختراع

نمود. سپس موجودات را در مسیر خواست خویش قرار داد و آنان را در راه محبت

خود استخدام کرد»(۲)

«ای کسی که شگفتی های بزرگی هایش پایان ندارد بر محمد و آل او درود فرست و

ما را از منحرف شدن درباره عظمت و کبریای ات بر حذر بدار

و ای آنکه زمان سلطنت و زعامتش به آخر نمی رسد بر محمد و آل او درود فرست

و ما را از زیر بار عذاب و نعمت خود آزاد ساز

و ای کسی که ذخایر رحمتش فانی نمی شود بر محمد و آل او درود فرست و نصیبی

از رحمت خودت شامل حال ما فرما»(۳)

«حمد خدایی را که به قدرتش شب و روز را خلق فرمود و آن ها را از هم متمایز کرد

و بر هر کدام از آن ها زمان و مدت مشخصی را تعیین نمود. خدایی که هر یک از شب و

۱- مفاتیح الجنان فراز اول دعای مشلول، و مناجات شعبانیه بخش اول آن

۲- صحیفه سجادیه دعای اول و دعای پنجم

۳- صحیفه سجادیه دعای اول و دعای پنجم

روز را در حد معینی برای بندگان قرار داد تا هم به روزی و تغذیه خود برسند و هم باعث

پرورش آن ها گردد»-«خدایا بر محمد و آل او درود فرست ما را از جمیع نواحی از

مقابل و پشت سر و راست و چپ حفظ فرما آنچنان حفظی که مرتکب معصیت نشویم

و به بندگی ات هدایت شده و به دوستی تو عمل کنیم. الها در جمیع ایام زندگی برای

انجام کار خیر ما را موفق بدار و نیز برای دوری از شر و شکر نعمت ها و پیروی از

سنت ها و اجتناب از بدعت ها و امر به معروف و نهی از منکر و نگهبانی از اسلام و

سرکوب باطل و یاری و عزت بخشیدن به حق و هدایت نمودن گمراهان و یاری ضعیفان

و دادرسی ستم دیدگان توفیق عطا فرما»(۱)

«ای بی نیازترین بی نیازان اینک ما بندگانت در اختیار تو هستیم و من فقیرترین

فقرا به سویت آمده ایم پس فقر و تهیدستی ما را به وسیله اعمال صالحه با وسعت

رحمتت جبران کن و با طرد کردنمان از در خانه ات قطع امیدمان مکن»ص(۲)

«خدایا! ای آنکه گنهکاران به رحمتش استغاثه می جویند و ای کسی که بی پناهان به

احسانش پناه می برند و ای آنکه خطاکاران از ترسش ملتهب می شوند ای مونس هر

وحشت زده ی غریب و ای گشایش دهنده ی هر گرفتار دل غمین و ای فریاد رس هر خوار

شده ی تنها و ای بازوی هر نیازمند رانده شده. تو هستی که رحمت و علمت بر همه چیز

احاطه دارد.»

و امام صادق علیه السلام در یکی از دعاهای ماه رجب در تعقیب نمازها عرض می کرد:« ای

خدایی که در هر چیزی به تو امید دارم و از هر شر و بدی به توسط تو ایمن هستم ای

خدایی که به عمل کم ثواب زیادی عطا می فرمایی، ای خدایی که هر که بخواهد به او

عطا کنی و نیز بر آنکه نپرسیده و تو را نشناخته نیز عطا کنی به من عطا کن جمیع خیر دنیا

و آخرت را و دور کن از من جمیع شر دنیا و آخرت را زیرا کم نیاید هر چه عطا کنی و

بیفزا برای من از فضل و بخشش خودت ای با کرامت»(۳)

ص: ۲۳۸

۱- صحیفه سجادیه، دعای ششم و دعای دهم و دعای شانزدهم

۲- حیفه سجادیه دعای ششم و دعای دهم و دعای شانزدهم

۳- مفاتیح الجنان محدث قمی

حرف – ج:

۳۴. جحد و انکار شما مساوی با کفر و شرک است:

«وَ مَن جَحَدَکُم کافِرٌ و مَن حارَبَکُم مُشرِکٌ و مَن رَدَّ عَلَیکُم عی اَسفَلِ دَرَکٍ مِنَ الجَحیم»:

کسی شما را انکار کند کافر است آنکه به جنگ شما آید مشرک است و هر که شما را رد کند در پایین ترین مکان دوزخ جای دارد.

وقتی یکی از ستون های استوار اسلام ولایت باشد و ستون های دیگر هم استواریشان به آن باشد بی تردید انکار آن کفر است و منکرش کافر

خواهید گفت اگر چه اهل نماز و روزه و حج باشد عرض می کنیم اگر چه اهل بهترین عبادت ها باشد. این عرض ما نیست این فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود:

«وَ الَّذی بَعَثَنی بالحقِّ نَبیّاً لَو أنَّ رَجُلاً لَقی اللهَ بِعملِ سَبعینَ نَبیّاً لَم یَلقَهُ بِوِلایهِ اُولی الاَمرِ مِنّا أهلَ البَیتِ ما قَبِلَ اللهُ مِنهُ صَرفاً وَ لا عَدلاً»(۱)

سوگند به آن که مرا به حق پیامبر کرد اگر کسی با کار و عمل هفتاد پیامبر خدا را دیدار کند اما ولایت اولوالأمر ما خاندان را به همراه نداشته باشد خداوند از او نه توبه ای می پذیرد و نه فدیه ای«به عبارتی دیگر نه واجبی می پذیرد و نه مستحبی»

همان گرامی نیز فرمود:«أما و اللهِ لَو اَنَّ رَجُلاً صَفَّ قَدَمَیهِ بَینَ الرُّکنِ و المَقامِ

۱- بحار ج ۲۷، ص ۱۹۲

مُصَلیاً و لَقیَ اللهَ بِبُغضِکَم اَهلَ البَیتِ لَدَخَلَ النّارَ»(۱)

سوگند به خدا اگر کسی در میان رکن و مقام پیوسته به نماز ایستد اما با کینه شما

اهل بیت خدا را ملاقات کند به دوزخ در آید.

پس منکرین امامت و ولایت کافرند و محاربین امثال کسانی که در جنگ صفین و

جمل و نهروان و حادثه عاشورا در برابر امام زمان خود شمشیر کشیدند و قصد جان امام

زمان خود را نمودند مشرکند و به طور کلی هر فرد و گروهی که این دودمان را قبول

نداشته باشد و رد کند جایی جز آتش جهنم نخواهد داشت

امام صادق علیه السلام می فرماید: شخص یکتاپرستی خدمت امام باقر علیه السلام آمد و از پدرش

که ناصبی و فاسق بود به آن حضرت شکایت کرد که او به هنگام مرگش همه اموالش را

پنهان نموده است

امام باقر علیه السلام به او فرمود: آیا دوست داری پدرت را ببینی و از مکان اموالش بپرسی؟

گفت: آری من نیازمندم و فقیرم

امام باقر علیه السلام با دست مبارکش نامه ای در ورق سفیدی نوشت و آن را مهر کرد آنگاه

فرمود: امشب با این نامه به قبرستان بقیع برو وقتی به وسط آن رسیدی صدا می زنی: یا

در جان! آن مرد نامه را گرفت و رفت و فرمایش امام علیه السلام را انجام داد. در این هنگام

شخصی آمد و نامه را به او داد وقتی خواند گفت: اگر مایلی پدرت را ببینی از جایت

حرکت نکن تا او را بیاورم. زیرا که او در «ضجنان»(نام کوهی در تهامه) است.

او رفت و دیری نگذشت که به همراه مرد سیاه چهره ای آمد در گردن او ریسمان

سیاهی بود او زبانش را بیرون آورد نَفَس می زد و شلوار سیاهی به تن داشت.

آن شخص رو به من کرد و گفت: این پدر توست ولی شعله های آتش دود دوزخ و

جرعه های آب سوزان آن قیافه او را دگرگون ساخته است. من از حال پدرم پرسیدم

وی گفت: من دوستدار بنی امیه بودم تو دوستدار اهل بیت علیهم السلام به همین جهت از تو بدم

۱- امالی مفید، ص ۲۵۳

می آمد و تو را از ثروتم محروم نموده و آن ها را از تو پنهان کردم. من امروزپشیمانم

پس به باغم برو و زیر درخت زیتون را بکن و آن مال را که یکصد و پنجاه هزار است

بردار. پنجاه هزار آن را به امام باقر علیه السلام بده و بقیه مال خودت باشد.

راوی گوید: او طبق گفته پدرش انجام داد امام باقر علیه السلام با آن پول قرض را پرداخت

و با باقی ماندهٔ آن زمینی خرید و آنگاه فرمود:«اَمّا اِنَّهُ سَیَنفَعُ المَیِّتُ النِدَمَ عَلی ما

فَرَّطُ مِن حُبِّنا و ضَیَّعَ مِن حَقِّنا بِما أدخَلَ عَلینا مِنَ الرِّفقِ و السُّرورِ»(۱)

به زودی آن مرده ای که به خاطر کوتاهی کردنش در محبت ما و ضایع کردن حق ما

پشیمان گشته به جهت این که ما را خوشحال و مسرور نمود،سود خواهد برد

یکی از دوستان امام باقر علیه السلام به حضرت عرض کرد: همسایه ای دارم که هرگونه

حرامی را مرتکب می شود نماز را که مهم ترین تکالیف است به جای نمی آورد و بقیه

واجبات را به طریق اولی ترک می کند

امام باقر علیه السلام فرمود: سبحان الله، خیلی بزرگ به نظرت آمده است؟

می خواهی بدتر از او را به تو معرفی کنم؟

عرض کرد: بلی بفرمایید. فرمود: «ناصی از او بدتراست (ناصبی کسی است که

آشکارا با اهل بیت علیهم السلام دشمنی می کند و ناسزا می گوید) بدان بنده ای نیست که ما

اهل بیت نزد او یاد شویم پس با یاد ما قلبش نرم گردد و به ما متمایل شود مگر اینکه

فرشته با بال خود بر پشت او بکشد. (برای او دعا کند) و خداوند تبارک و تعالی همه ی

گناهان او را بیامرزد مگر گناهی مرتکب شود که او را از دائرهٔ ایمان خارج کند و همانا

شفاعت اولیاء الهی درباره گنه کاران پذیرفته می شود و در مورد ناصبی شفاعت کسی

پذیرفته نمی شود.(۲)

وَ مَن رَدَّ اِلیکَم فی اَسفَلِ دَرَکٍ مِنَ الجَحیمِ: در تایید این فرمایش امام هادی علیه السلام

ابن عباس نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود:

ص: ۲۴۱

۱- بحار، ج ۴۶، ص ۲۶۷

۲- کافی،ج ۸،ص ۱۰۱ و تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۸۵

ای علی! جبرئیل درباره ی تو خبری برایم آورده که چشمم را روشن و قلب مرا

شادمان نموده است او برایم نقل کرد که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: از طرف

من به محمد سلام برسان و او را خبر بده که:

«اَنَّ عَلیّاً امامُ الهُدی و مِصباحُ الدُّجی و الحُجَّهُ علی اَهلِ الدُّنیا فَاِنَّهُ الصِّدیقُ

الاَکبر و الفارِقُ الاَعظَمِ و اَنّی آلَیتُ بِعِزَّتی أن لا أدخُلُ النّارَ اَحداً تَوَلّاهُ و سَلَّمَ لَهُ و

لِلأوصیاءِ مِن بَعدِهِ حَقّ القَولِ مَنِّی لِاَملَأَنَّ جهنَّمَ و اَطباقَها مِن اَعدائه و لَأملَأَنَّ

الجَنَّهَ مِن اَولیائِهِ و شیعَتِهِ »(۱)

علی علیه السلام پیشوای هدایت و چراغ فروزنده در تاریکی ها و حجت الهی بر اهل

دنیاست او راستگوی برتر و بزرگترین جدا کننده ی حق از باطل است

و من به عزّت خودم قسم یاد کرده ام که هر کس ولایت او را بپذیرد و تسلیم فرمان او

و جانشینان بعد از او باشد او را در آتش دوزخ وارد نکنم و هر کس ولایت او را رها کند

و در مقابل دستورات او و جانشینان بعد از او سر تسلیم فرود نیاورد او را وارد بهشت

نسازم و این قول حتمی و ثابت من است که جهنم و همه طبقه های آن را از دشمنان او و

بهشت و درجات رفیع آن را از دوستان و شیعیان او پر می کنم

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«به حق آنکه مرا به پیامبری برانگیخت اگر کسی بین رکن و مقام

بایستد و خدا را هزار سال عبادت کند در حالی که روزها را روزه و شب ها را بیدار بماند

و به اندازه ای که زمین را پر کرده باشد طلا انفاق کند و بنده آزاد نماید و بعد از همه

اینها بین صفا و مروه کشته شود سپس در قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که با علی

دشمن است هیچ یک از اعمال او را خدا نمی پذیرد و با همه اعمالش در آتش افکنده

می شود و با زیانکاران محشور خواهد شد.

۱- غایه المرام، ص ۴۵ و بحار، ج ۲۷،ص ۱۱۳

حرف – ح:

۳۵. حجت های خدایید:

«وَ حُجَجُ اللهِ عَلی اَهلِ الدُّنیا و الآخرَهِ و الأولی و رَحمَهُ اللهِ و برَکاتُهُ»

حجت های خدایید برای مردم دنیا و آخرت و سرای نخستین و رحمت و برکات چ

خدا بر شما باد

راغب در معنای حجت می گوید: حجت یعنی دلیل روشن و آشکار

«قُل فَلِلّهِ الحُجَّهُ البالِغَهُ »(۱)

بگو دلیل رسا خاص خداست.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که «نحنُ الحُجَّهُ البالِغَهُ عَلی دونَ السَّماءِ و فَوقَ

الاَرضِ»(۲)

ما هستیم حجت بالغه الهی در آسمان و زمین

امتیاز این حجت های الهی ان است که هر نوع علم و دانشی را که مورد نیاز بشر است

در اختیار انسان ها قرار می دهند و گره گشای امور اقتصادی و مسائل سیاسی و اجتماعی

و حتی خانوادگی آنان هستند.

وقتی خداوند این ذوات مقدسه را حجت های خویش بر روی زمین و آسمان قرار

داده حجاب ها را از برابر دیدگانشان برداشته حتی حجاب های نوری را تا بتوانند حقایق

۱- انعام / ۱۴۹

۲- تفسیر صافی، ص ۱۸۶

این عالم را شناخته و به مردم ارائه دهند.

امام صادق علیه السلام می فرمود:«اِنَّ اللهَ اَحکَمُ و أکرَمُ و اَجَلُّ و اَعظَمُ و اَعدَلُ مِن اَن

یَحتَجَّ بِحُجَّهٍ ثُمَّ یُغَیِّبُ عَنهُ شیئاً مِن اُمورِهِم »(۱)

خدای متعال حکیم تر و کریم تر و بزرگوارتر و بزرگتر و عادلتر از آن است که بر

بندگان حجتی قرار دهد. آنگاه از او امور مردم را پنهان نماید.

این حجت های الهی آنقدر به مردم و به ویژه به دوستانشان نزدیک اند که حتی غم

آن ها و مصائب آنان ایشان را غمناك و متأثر می کند

ابو ربیع شامی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم حدیثی از عمربن حمق

شنیده ام. حضرت فرمود بگو

عرض کردم عمرو محضر امیر المومنین علی علیه السلام شرفیاب می شود و در چهره ی آن

حضرت آثار زردی مشاهده می کند می پرسد: این زردی از چیست؟ آن حضرت اظهار

درد و ناراحتی می نماید

آنگاه علی علیه السلام به او می فرماید:«اِنّا لَنَفرحُ لِفَرَحِکُم و نَحزُنُ لِحُزنِکُم و تَمرُضُ

لِمَرَضِکُم و تَدعوا لَکُم و تَدعون فَنُؤَمِّنُ »

ما با شادی شما شادمان می گردیم و با حزن شما محزون، با بیماری شما بیمار

می شویم و برای شما دعا می کنیم و شما دعا می کنید ما آمین می گوییم.

عمرو گوید: آنچه فرمودی فهمیدم ولی چگونه ما دعا می کنیم شما آمین می گویید؟

فرمود: برای ما فرق نمی کند و برابر است کسی که حضور داشته باشد یا این که غایب

باشد(دعای او را می شنویم) حضرت صادق علیه السلام فرمود:عمرو راست گفته است.ب(۲)

اسودبن سعید می گوید: من در محضر امام باقر علیه السلام بودم که حضرتش بدون آن که از

آن بزرگوار سوال شود ابتدا به سخن نمود و فرمود:

«ما حجت خدا باب خدا زبان گویای خدا و وجه خدا و چشم خدا در میان مردم

ص: ۲۴۴

۱- بصائرالدرجات، ص ۱۲۳

۲- حار، ج ۲۶،ص ۱۴۰

هستیم. ما والیان امر خدا در میان بندگان او هستیم»(۱)

با وجود چنین روایات و احادیث به راستی که حجت بر آحاد مردم تمام شده است

کسی نمی تواند عذر و بهانه ای بیاورد که اگر ما در جهل و بی خبری ماندیم بدین خاطر

بود که شخصی نبود تا حقایق را برای ما بیان کند خداوند تبارک و تعالی با وجود

چهارده معصوم علیهم السلام هر آنچه را که نیاز مادی و معنوی مردم بوده و به درد دنیا و

اخرتشان می خورده تبیین فرموده است.

تعبیرهایی که امام جعفر صادق علیه السلام درباره ی ائمه طاهرین علیهم السلام دارند به گونه ای هست که

هر صنف و قشری از افراد جامعه را با هر طرز تفکر پاسخگوست:

محمدبن سنان می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

« ما جنب خدا و مقربان درگاه او برگزیده او انتخاب شده ی او نگهبان و امانت درا

مواریث پیامبران هستیم ما امینان خدا و وجه او و نشانه ی هدایت و عروه الوثقی هستیم

خداوند امور را به وسیله ی ما آغاز نموده و به وسیله ما پایان خواهد داد ما اولین و

آخرین هستیم ما بهترینان روزگار و نوامیس زمان و عصر هستیم ما سروران بندگان و

سیاستمداران جهانیان بوده و راه استوار و صراط مستقیم هستیم

ما علت هستی و حجت معبود هستیم خداوند عمل کسی را که جاهل به حق ماست

نمی پذیرد

ما همان پرچم حقی هستیم که هر کس پیرو آن باشد نجات یافته و کسی که از آن

تخلف ورزد گمراه می گردد

ما پیشوایان دین ما معدن نبوت محل و موضع رسالیتم. فرشتگان به سوی ما رفت و

آمد می نمایند و ما چراغ نورانی برای کسی که در پی نور است و راه هدایت برای کسی

که به دنبال هدایت است می باشیم ما رهبران و راهنمایان به سوی بهشت بوده و همان

پل ها و گذرگاه ها به سوی هدایت مردم بوده و دارای درجات بزرگ و والا هستیم

ص: ۲۴۵

۱- بحار، ج ۲۶،ص ۲۲۶

باران به واسطهٔ ما می بارد رحمت به وسیله ی ما فرود می آید عذاب و نقمت به واسطه ی ما دفع می شود

«فَمَن سَمِعَ هذا الُهدی فَلَیَتَقَّدُ فی قَلبِهِ حُبُّنا فَاِن وَجَدَ فیهِ البُغضَ لَنا و الاِنکارَ لِفَضلِنا فَقَد ضَلَّ عَن سواءِ السَبیلِ لِأنّا حُجَّهُ المَعبودِ و تَرجُمان وَحیِهِ و عَیبِهِ عِلمِهِ و میزانِ قِسطهِ»

هر کسی این هدایت را شنید در دلش در جستجوی محبت ما باشد اگر در آن دشمنی ما و انکار فضایل ما را بیابد از راه راست منحرف و گمراه شده زیرا که ما حجت معبود ترجمان وحی، خزینه دار علم و میزان قسط و دادگری خدا هستیم

و ما شاخه های درخت زیتون پرورش دهندگان پاکان گرامی هستیم ما چراغ همان چراغدانی هستیم که در آن نور قرار گرفته است ما همان برگزیده از کلمه ی پایدار هستیم که تا قیامت باقی خواهد ماند که برای آن در عالم ذر پیمان و ولایت گرفته شده است.»(۱)

و بخوانیم پاسخ نامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به جمعی که گرفتار اختلاف درباره ی حجت خدا شده بودند

مرحوم طبرسی در کتاب شریف احتجاج می نویسد: شیخ بزرگوار ابی عمر و عمری (که همان عثمان بن سعید عمری اولین نایب از نایبان چهارگانه حضرت حجت است) می گوید:

ابن ابی غانم قزوینی و گروهی از شیعیان در مورد جانشین امام حسن عسگری علیه السلام گفت و گو و مشاجره نمودند. ابن ابی غانم عقیده داشت که امام حسن عسگری علیه السلام رحلت نمود در حالی که فرزندی نداشت. آنان در این مورد نامه ای نوشته و به ناحیه مقدسه ارسال کردند که در آن نامه همین موضوع را عنوان نموده بودند.

حضرت بقیه الله اما عصر (عج) پاسخ نامه را با خط شریفشان چنین مرقوم فرمودند:

ص:۲۴۶

۱- بحار، ج ۲۶، ص ۲۵۹

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای متعال ما و شما را از گمراهی و فتنه ها حفظ نماید، و به ما و شما روح یقین عنایت کرده و از سوء عاقبت باز دارد. به من خبر رسیده که گروهی از شما در دین تردید نموده و در مورد صاحبان امر خودشان به شک و تردید و حیرت افتاده اند

این موضوع ما را به خاطر شما –نه به خاطر خودمان –غمگین نمود و در مورد شما – نه در مورد خودمان –ناراحت شدیم. زیرا که خدای متعال با ماست و ما را به وحشت نمی اندازد و ما ساخته و پرداخته ی پرورگار خودمان هستیم و مردم ساخته و پرداخته ی ما هستند. ای مردم! چرا در شک و تردید هستید و در حال حیرت بسر می برید؟ آیا نشنیده اید که خدای متعال می فرماید:

«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ»(۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید از خداوند اطاعت کنید و همچنین از رسول و صاحبان امر خودتان اطاعت نموده و فرمان ببرید.»

آیا نمی دانید آنچه را که در اخبار گذشتگان نسبت به آنچه واقع شده و خواهد شد در مورد امامان پیشین و باقیمانده ی آنان آمده است؟

آیا ندیده اید که چگونه خدای متعال برای شما از زمان حضرت آدم علیه السلام تا زمان امام حسن عسگری علیه السلام پناهگاه هایی قرار داده که به آن ها پناه برده و علایمی مقرر فرموده تا به وسیله ی آن ها هدایت یابید؟ به طوری که هر گاه یکی از آن علایم پنهان شد علامت دیگری ظاهر گردید و هر موقع ستاره ای غروب کرد ستاره دیگری طلوع نمود؟!

پس در این هنگام که امام حسن عسگری علیه السلام وفات نمود،آیا گمان می کردی که خدای متعال دین خودش را باطل کرد و واسطه ی میان خود و مخلوقاتش را قطع نمود؟

هرگز چنین نبوده و تا روز قیامت چنین نخواهد شد و خداوند امر خود را اگر چه

ص: ۲۴۷

۱- نساء / ۵۹

عده ای آن را نخواهند - آشکار خواهد ساخت

امام حسن عسگری علیه السلام سعادتمند رحلت نمود و یا به جای پدران بزرگوارش و بر

راه آن ها از دست مردم رفت سفارش و علم او نزد ماست و این امر از آن جانشین قائم

مقام اوست و در این مورد جز ستمگران گنهکار با ما منازعه نمی کند و جز کافر منکر

کسی ادعای همچون منصبی نمی نماید

و اگر مراعات مغلوب شدن امر خدا و فاش شدن سر او نبود چنان حق ما برای شما

آشکار می گردید که عقل و خردهای شما از آن حیران گشته و تردیدتان زایل می شد

لیکن آنچه خدای خواسته خواهد شد و برای هر زمانی نوشته ای (در لوح محفوظ)

است.

بنابراین شما هم تقوای خدا پیشه کنید و تسلیم ما شوید و امور را به ما ارجاع دهید

پس همچنان که همه ی خوبی ها از ناحیه ی ما صادر می شود ایراد را نیز ما می گیریم و اموری

که از شما پنهان شد برای کشف آن ها اصرار نورزید و به چپ و راست میل نکنید

مقصد خود را با محبت و از طریق راه روشن و آشکار به سوی ما قرار دهید. من حقیقتاً

به شما نصیحت نمودم و خداوند گواه بر من و شما است

اگر صلاح شما را دوست نداشتیم و رحمت و شفقت ما به شما نبود از گفت و گوی

با شما پرهیز می نمودیم زیرا که خدای متعال ما را به همین امر امتحان نموده که با

ستمگر منازعه کنیم ستمگری که سرکش، گمراه، پیرو گمراهی خود، مخالف پروردگار

خود، مدعی چیزی که برای او نیست، منکر حق کسی که خداوند طاعتش را بر او لازم

نموده و ستمگر غاصب است.

«وَ فی اِبنَهِ رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم لِی أسوَهٌ حَسَنَهٌ و سَیَردَی الجاهِلَ رداءَهُ عَمَلِهِ و

سَيَعلَمُ الكافِرُ لِمَن عُقبى الدّار، عَصِمنا اللهُ و ايّاكُم مِنَ المَهالِكِ و الأسواء و الأوقاتِ و العاهاتِ كلّها بِرَحمَتِهِ، فَاِنَّهُ وَليُّ ذلكَ و القادِرُ على ما يَشاء، و كانَ لَنا و لَكُم ولّياً و حافِضاً »

ص: ۲۴۸

و اسوه و الگوی نیکوی من دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و به زودی نادانان شکست پستی عمل خودشان را خواهند دید و به زودی کفار خواهند فهمید که سعادت همیشگی از آن کیست.

خداوند ما و شما را از همه جهالت ها و بدی ها آفات با رحمت خودش محفوظ بدارد که او ولی این امور بوده و بر آنچه بخواهد تواناست و او ولی و نگهبان ما و شماست.

سلام بر همه اوصیاء و اولیاء مومنان و رحمت و برکات خداوند بر آنان باد و درود و سلام خدا بر محمد و آل محمد علیهم السلام باد»(۱)

باز در تایید اینکه چهارده معصوم حجج بالغه الهی اند امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۷۸ سوره مبارکه حجر«و لَقَد آتیناکَ سَبعاً مِنَ المثانی و القُرآن العظیم» ما به تو سبع از مثانی (سوره حمد) و قرآن عظیم عنایت نمودیم می فرماید:

«ما همان متانی هستیم که خداوند به پیامبرمان بخشید ما همان وجه خدا در روی زمین هستیم که میان شما رفت و آمد می نماییم کسی که ما را شناخته پس به سوی یقین (بهشت) در حرکت است و کسی که ما را نشناخته به سوی آتش سوزان (دوزخ) در حرکت است.»(۲)

۱- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۷۸تا ۲۷۹ و بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۸

۲- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۷

۳۶. حاجات به وسیله شما برآورده می گردد:

«وَ مُقَدِّمُکُم اَمامَ طَلَبَتی و حَوائجی و اِرادَتی فی کُلِّ اَحوالی و اُموری»:

و شما را مقدمه خواست و حوائج خود نمودم و آنچه اراده دارم در همه حالات و

در هر کارم به شما رجوع می کنم

ما به این در نه پی حشمت و جاه آمده ایم*** از بد حادثه اینجا به پناه آمده ایم

رهرو منزل عشقیم و ز سر حدّ عدم*** تا به اقلیم وجود این همه راه آمده ایم

با چنین گنج که شد خازن او روح امین*** بگدایی بدر خانه شاه آمده ایم

شک نیست هر که با اخلاص به در خانه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم برود دست خالی برنمی گردد و حاجت خود را می گیرد و این بزرگواران چه در زمان حیات و چه پس از شهادتشان همگی مشگل گشای امت اسلامی بوده و هستند

از آنجا که این خانواده به کرم و سعادت شهره اند حتی بیگانگان از اسلام هم چشم امید به فضل و بزرگواری ایشان دوخته و در بسیاری موارد حوایج آنان را برآورده کرده اند. در طول تاریخ زندگانی چهارده معصوم میلیون ها انسان حاجتمند از آنان به اذن پروردگار حاجت گرفته اند و حتی فرزندان و وابستگان و امام زادگان نیز حاجتمندان را محروم نمی نمایند به خاطر آبرو و عزتی که در درگاه الهی دارند خداوند تبارک و تعالی آنان را باب رحمت حاجتمندان قرار داده است.

در دعای توسل به چهارده معصوم یکی از خطاب های ما به آن بزرگواران این است:

«یا حُجَّهَ اللّه عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَ مَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّهِ وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللّهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ.»(۱)

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

ای حجت خدا بر خلق ای سید و مولای ما؛ ما همه رو به تو آورده ایم و به حضرتت متوسل شده و تو را شفیع به درگاه خدا آورده ایم و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته ایم ای آبرومند نزد خدا ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما.

از بعضی روایات استفاده می شود که اقوام دیگر مثل بنی اسراییل و حتی خود حضرت موسی علیه السلام با توسل به این خاندان از دست فرعونیان نجات یافتند:

در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام ذیل آیه شریفه«و اِذ نَجَّیناکُم مِن آلِ فرعَونَ یَسومونَکُم سُوءَ العَذاب»(۱) به یاد آورید هنگامی که شما را از فرعونیان نجات دادیم و آن ها شما را به بدترین عذاب شکنجه می کردند.

آن حضرت فرمود:«از عذاب شدید آن ها این بود که ایشان را به کشیدن گل برای ساختمان به کار می گرفتند و از ترس اینکه فرار کنند آن ها را در بند می کردند با سختی گِل را از نردبان ها بالا می بردند و چه بسا از بالا سقوط می کردند و می مردند یا زمین گیر می شدند و هیچ اعتنایی به آن ها نمی کردند تا اینکه خداوند تبارک وتعالی به حضرت موسی علیه السلام وحی فرستاد. به قوم خود بگو:

«لا یَبتَدونَ عَمَلاً اِلّا بِالصَّلوهِ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطَّیِّبینَ لِیَخَفَّفَ عَلَیهِم»

کاری را جز با صلوات بر محمد و آل اطهار او شروع نکنند تا آن کار بر آن ها آسان گردد. آن ها این دستور را اجرا کردند و کارهای دشوار برایشان سبک شد.

و نیز فرمود: هر کس که بر اثر فراموش کردن صلوات سقوط کرد یا زمین گیر شد اگر برایش ممکن است خودش صلوات را بگوید و اگر برایش مقدور نیست دیگری به جای او صلوات فرستد، تا آن گرفتاری به او خسارت و ضرری وارد نکند

آن ها هم این دستور را عمل کردند و سالم ماندند.

امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ی «اِذ فَرَقنا بِکَمُ البَحرَ فَاَنجَیناکُم »(۲)

هنگامی که دریا را شکافتیم و شما را نجات بخشیدیم فرمود:

ص: ۲۵۱

۱- بقره/ ۴۲

۲- بقره/ ۵۰

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام کنار دریا رسید خداوند تبارک و تعالی به او وحی فرستاد به بنی اسرائیل بگو:« جِدُّوا توحیدی و أقِرُّوا بِقُلُوبِکُم ذِکرَ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ عَبیدی و اِمائِی و أعِیدُوا عَلی اَنفُسِکُم وِلایَهُ علیٍّ علیه السلام اَخی محمدٍ و آلِهِ الطاهِرینَ» توحید مرا به خاطر آورید و به دل هایتان نبوت محمد سرود بندگانم را اقرار نمایید و با ولایت برادرش علی بن ابی طالب علیه السلام تجدید عهد کنید.

و بگویید: خدایا! مرا بر روی این آب عبور بده اگر چنین کردید آب دریا برای شما همانند زمین خواهد شد.

حضرت موسی علیه السلام این دستور الهی را به ایشان فرمود.

آن ها در جواب گفتند: چیزی که ما را ناراحت می کند و خوشایند ما نیست به ما دستور می دهی و مگر جز ترس از مرگ بود که ما را از فرعون فراری داد، اکنون تو ما را بدون اندیشه کردن به این دریای انبوه آب با این کلمات می اندازی و نمی دانیم چه بر سر ما خواهد آمد. کالب بن یوحّنا در حالی که بر مر کب سوار بود به حضرت موسی عرض کرد: مهم نیست این خلیج چهار فرسخ باشد، آیا خدا تو را به این کار امر فرموده که ما اینها را بگوییم و داخل شویم؟

موسی علیه السلام فرمود: بله؛ فرمود: تو هم ما را به آن فرمان می دهی؟ فرمود: بله؛ آنگاه ایستاد توحید پروردگار و نبوت محمد و ولایت امیر المومنین و اولاد طاهرین او علیهم السلام اقرار کرد و عهد خود را با آن ها تازه کرد سپس عرض کرد:

«اللهمّ بِجاهِهِم جَوِّزنی عَلی مَتنِ هذا الماءِ » خدایا به آبروی این بزرگواران و به مقامی که نزد تو دارند مرا بر این آب عبور بده

سپس اسب خود را به میان آب برد و روی آب به راه افتاد و گویا آب برایش مانند

زمین نرم و هموار بود تا اینکه به انتهای خلیج رسید سپس با سرعت برگشت و به

بنی اسرائیل گفت:

ای گروه بنی اسرائیل از موسی پیامبر خود اطاعت کنید:«فَما هذا الدُّعاء اِلّا مِفتاحُ

اَبوابِ الجَنانِ و مَغالیقُ اَبواب النِیرانِ و مُستَنزِلُ الأرزاقِ و الجالِبِ علی عِبادِ اللهِ

و اِمائِهِ رِضاءُ الرَّحمانِ المُهَیمِنُ الخَلّاقِ»

این دعایی که او بر شما تعلیم نمود کلید درهای بهشت و قفل درهای آتش و نازل

کننده ی روزی ها و جلب کننده ی خشنودی پروردگار مهربان است.

آن ها امتناع ورزیدند و گفتند: ما جز بر روی زمین راه نمی رویم. خداوند به موسی

فرمود:«اَنِ اضرِب بِعَصاکَ الحَجَر»(۱) عصای خود را به دریا بزن و بگو:«اللهمَّ صلِّ

علی محمدٍ و آلِهِ لَمّا فَلَقتَهُ» خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و این دریا را

برای ما بشکاف. پس دریا شکافته شد و زمین تا انتهای خلیج ظاهر گردید و حضرت

موسی به آن ها فرمود: اکنون داخل شوید.

گفتند: زمین آن مرطوب و لغزنده است می ترسیم که در آن فرو رویم. خداوند

تعالی فرمود: ای موسی بگو«اللهمَّ بِحَقِّ محمَّدٍ و آلِهِ الطَّیبینَ جَفِّفنا» خدایا به حق

محمد و آل پاکش زمین را برای ما خشک گردان.

وقتی آن را گفت خداوند باد صبا را بر آن فرستاد و آن را خشک نمود. پس از آن

فرمود: داخل شوید.

گفتند: ای پیغمبر خدا ما دوازده قبیله هستیم و وقتی داخل دریا شدیم هر گروهی از

ما می خواهد از دیگری سبقت بگیرد و ممکن است حادثه ی بدی بین ما واقع شود. اگر هر

فرقه ای از ما راه مخصوص داشته باشد ما از این وحشتی که داریم در امان خواهیم بود.

خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمان داد:با عصایت به عدد آن ها یعنی دوازده مرتبه در

دوازده موضوع بر زمین بزن و بگو:

«اللهمَّ بِجاهِ محمدٍ و آلِهِ الطَیِّبینَ بَیِن لَنا الاَرضَ وَ اَمطِ الماءَ عَنّا »

خدایا! به آبروی محمد و اهل بیت پاک او زمین را برای ما ظاهر کن و آب را دور گردان.

۱- شعراء / ۶۳

پس دوازده راه پیدا شد و کف زمین به سبب باد صبا خشک گردید آنگاه به قوم

خود گفت: وارد شوید. آن ها این بار گفتند: وقتی هر گروه از ما وارد یکی از این راه ها

شد نمی داند بر سر دیگران چه می آید.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: در بین راه ها هر انباشته ای از آب را با عصا بزن و بگو:

«اللهمَّ بِجاهِ محمدٍ و آلِهِ الطَّيِّبينَ لَمّا جَعَلتَ فی هذا الماءَ طِيقاناً واسِعَةً يَرى

بَعضُهُم بَعضاً»(۱) خدایا به آبروی محمد و آل محمد پاکیزه ی او در میان این آب طوق ها

و کمان هایی بزرگ قرار بده که افراد این گروه بتوانند افراد گروه دیگر را ببینند. سپس

بنی اسرائیل داخل شدند.

یکی از راه های طلب حاجت از محمد و آل او علیهم السلام تقدیم صلوات و درود بر آن

بزرگواران است همان طور که حاجت بنی اسرائیل پس از هر درودی بر محمد و آل او

توسط حضرت موسی و درخواست او از خداوند و سوگندش به آبروی محمد و

آلش علیهم السلام برآورده می شد.

باز از برکات صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام است که ابراهیم علیه السلام را به مقام خلیل

اللّهی می رساند: امام هادی علیه السلام بنابر نقل شیخ صدوق قدس السرّه در کتاب علل الشرایع می فرمود:

«اِنَّما اتَّخَذَ اللهُ تَعالی ابراهيمَ خَليلاً لِكَثرَةِ صَلاتِهِ عَلی محمدٍ و اَهل بيتِهِ صَلواتُ

الله و سَلامُهُ عليهم»(۲)

خداوند تبارک و تعالی ابراهیم را خلیل خود گرفت زیرا بر محمد و آل محمد که

سلام و درود خدا بر آن ها باد – زیاد صلوات می فرستاد.

وَ مُقَدِّمُكُم اَمامَ طِلبَتِی و حَوائِجی: فلسفه ی وجود چهارده معصوم تنها این نیست

که حوائج مادی مردم را برآورده سازند اینکه ثابت شده است و هم اکنون همه کائنات

روزی خور وجود نازنین امام عصر علیه السلام هستند و به خاطر ایشان است که زمین و آسمان

برپاست. «وَ بِیُمنِهِ رُزِقَ الوَری و بِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الارضُ و السَّماءُ»(۳)

۱- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام،ص ۲۴۳ تا ۲۴۷ و بحار،ج ۹۴، ص۶۱

۲- علل الشرایع، ج ۱،ص ۳۳

۳- مفاتیح الجنان، دعای عدیله از محدث قمی

روزی روزی خواران از برکت وجود امام زمان علیه السلام می رسد و زمین و آسمان به وجود آن حضرت ثابت و استوار است.

ما بر این اعتقادیم هر نوع حاجت و مشکلی چه مادی و چه معنوی داشته باشیم و خداوند مصلحت بر اجابت بداند به دست با کفایت این بزرگواران برآورده خواهد شد

ما بر این باوریم که طبق فرازی از زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام اراده الهی بر آن است که کلید فقل های بسته زندگی توسط این خانواده باز شود:«اِرادَهُ الرَّبِّ فی مَقادیرِ أمورِهِ تَهبِطُ اِلیکُم و تَصدُرُ مِن بُیوتِکُم»(۱) اراده خدا در تدبیر عالم به سوی شما اهل بیت نازل می شود و از خانه ی شما به عالم صادر می گردد و در مجاری حوادث به جریان می افتد.

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

حرف – خ:

۳۷. خُلق و خویتان در حد وصف ما نیست:

«کَیفَ اَصِفُ حُسنَ ثَنائِکُم و اُحصی جَمیلَ بَلائِکُم»:

چگونه به زیبایی ثناگویان باشم و چگونه شماره کنم آزمایش های خوب شما را

از آنجایی که این خاندان پاک مظهر صفات جلال و جمال و کمال خداوند تبارک و تعالی هستند همان طور که توصیف اخلاق نیکوی الهی و اسماء الحسنی از عهده ی بشر عادی و حتی انبیاء خارج است و هر کس به اندازه ی ظرف وجودش می تواند پی به عظمت اخلاق باری تعالی ببرد«وَ ما قَدَرُ اللهُ حَقَّ قَدرِهِ»(۱) حق قدر خداوندی را هیچ کس قادر نیست ادا کند. ما نیز قادر نیستیم جایگاه واقعی معصومین علیهم السلام را بیان کنیم.

درباره پروردگار متعال نیز می خوانیم«لا تُدرِکُهُ الاَبصارُ وَ هُوَ یُدرِکُ الاَبصارَ وَ هُوَ اللَّطیفُ الخَبیرُ»(۲) دیدگان او را نمی بینند ولی او دیدگان را درک می کند و او لطیف و آگاه است.

امام رضا علیه السلام در تبیین آیه می فرماید:«لا تُدرِکُهُ اَوهامُ القُلوبِ فَکَیفَ تُدرِکُهُ اَبصارُ العُیونِ»(۳) افکار و اوهام قلب ها نمی تواند خداوند را آنگونه هست درک کند پس چگونه چشم سر می تواند او را درک نماید.

وقتی خداوند نفی کلی می کند در شناخت واقعی خود و می فرماید:«ما قَدرُ اللهُ

۱- انعام /۹۱و ۱۰۳

۲- انعام /۹۱ و ۱۰۳

۳- امالی صدوق، ص ۳۴۴

حقَّ قَدرِه» یعنی نامحدود است و غیر او حتی انبیاء و ائمه محدودند بنابراین محدود نمی تواند به طور کامل اشراف معرفتی بر نامحدود پیدا کند البته درجات معرفتی داریم آن نوع که انبیاء و اولیاء و معصومین پی به عظمت خداوند متعال برده اند برای سایر مردم هر چه هم که کار معرفتی و عبادی کنند قادر نیستند در حد معصوم خداشناس شوند.

حق بندگی خدا را به اندازه طاقت فکری و روحی می توانیم بجا آوریم چنانکه یک چشمه آن را در کلام نورانی مولایمان علی علیه السلام مشاهده می کنیم:

«العُبودِیَّهُ خَمسَهُ أشیاءَ: خَلاءُ البَطنِ و قَراءَهُ القُرآنِ و قیامُ اللَّیلِ و التَّضَرُّعُ عِندَ الصُّبحِ و البُکاءُ مِن خَشیَهِ اللهِ»(۱)

بندگی خداوند بر پنج پایه استوار است: ۱. خالی بودن شکم ۲. تلاوت قرآن ۳. شب زنده داری ۴. تضرّع و زاری هنگام صبح و سحر ۵. گریه از خوف و خشیت الهی

چهارده معصوم علیهم السلام در منزلت و رتبه ای قرار دارند که ما قادر نیستیم به کنه وجودشان پی ببریم و آنگونه که هستند تعریفشان کنیم.«کَیفَ اَصِفُ حُسنَ ثَنائِکُم»

خلق و خوی ایشان آنقدر زیبا و وصف نکردنی است که بشر عادی قادر نیست به عظمت و بزرگی مقام آنان پی ببرد.

امام باقر علیه السلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«اِنَّ حِدیثَ آل محمدٍ علیهم السلام عَظیمٌ صَعبٌ مُستَصعبٌ لا یومنُ بِهِ الاّ مَلَکٌ مُقَرَّبُ، او نَبیٌّ مُرسَلٌ اَو عَبدٌ مومن اِمتَحَنَ اللهُ قَلبَهُ لِلایمانِ»

همانا گفتار و احادیث آل محمد علیهم السلام بزرگ و سخت و دشوار است به آن ایمان نمی آورد مگر فرشته مقرب پروردگار یا پیغمبر مرسل و یا بنده ی مومنی که خداوند قلبش

را برای ایمان آزمایش کرده است. حضرت در ادامه می فرماید:

پس آنچه از احادیث آل محمد علیهم السلام به شما می رسد و دل های شما می پذیرد و آن را

۱- مستدرک الوسایل، ج۱۱، ص ۲۱۴

می فهمید قبول کنید و آنچه دل های شما آن را نمی پذیرد و انکار می کنند آن را به خدا

و رسول و عالم آن محمد علیهم السلام ارجاع دهید.

و هلاک شونده آن کسی است که حدیثی از ما اهل بیت برای او گفته شود که

نمی تواند آن را قبول کند. پس بگوید: به خدا قسم این چنین نیست زیرا انکار فضایل

اهل بیت علیهم السلام و فرمایشات ایشان کفر است.(۱)

در توقیع شریف که از ناحیه مقدسه امام عصر (عج) توسط شیخ بزرگوار ابوجعفر

محمد بن عثمان بن سعید قدس سره به ما رسیده دعائی است که فرموده اند: آن را در هر روز از

ایام ماه رجب بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِمَعَانِی جَمِیعِ مَا یَدْعُوکَ بِهِ وُلاهُ أَمْرِکَ الْمَأْمُونُونَ عَلَی

سِرِّکَ الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِکَ الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِکَ الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِکَ أَسْأَلُکَ بِمَا

نَطَقَ فِیهِمْ مِنْ مَشِیَّتِکَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِکَلِمَاتِکَ وَ أَرْکَانا لِتَوْحِیدِکَ وَ آیَاتِکَ وَ

مَقَامَاتِکَ الَّتِی لا تَعْطِیلَ لَهَا فِی کُلِّ مَکَانٍ یَعْرِفُکَ بِهَا مَنْ عَرَفَکَ لا فَرْقَ بَیْنَکَ وَ

بَیْنَهَا إِلا أَنَّهُمْ عِبَادُکَ وَ خَلْقُکَ فَتْقُهَا وَ رَتْقُهَا بِیَدِکَ بَدْؤُهَا مِنْکَ وَ عَوْدُهَا إِلَیْکَ

أَعْضَادٌ وَ أَشْهَادٌ وَ مُنَاهٌ وَ أَذْوَادٌ وَ حَفَظَهٌ وَ رُوَّادٌ فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمَاءَکَ وَ أَرْضَکَ حَتَّی

ظَهَرَ أَنْ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ...»(۲)

پروردگارا از تو درخواست می کنم به معانی تمام آنچه را که صاحبان امرت تو را به

آن خواندند آنان که بر سرّ تو امین و به امر تو بشارت دهنده اند، آن ها که قدرت تو را

توصیف و عظمت تو را بیان می کنند درخواست می کنم به آنچه مشیت تو درباره ی آن ها

ناطق است پس آن ها را معدن کلمات و ارکان یکتایی خود و نشانه هایت قرارشان

دادی، و آن ها را جانشینان خود در هر مکانی نشاندی، هر که تو را شناخت به آن آیات

و نشانه ها شناخت.

۱- بحار، ج ۲۵، ص ۳۶۶

۲- مصباح المتهجد، ص ۸۰۳

میان تو و آنان فرقی نیست (از نظر علم و قدرت و سایر صفات) جز آنکه آن ها

بندگان تو و مخلوق تو هستند باز و بسته شدن امور آن ها در دست تو است ابتدا و

انتهای آن ها از تو و برگشت ایشان بسوی تو است پشتیبان و یاور تو و گواه بر خلقند. از

وجود ایشان آسمان و زمینت را پر کردی تا آشکار شود که خدایی جز تو در عالم

نیست...»

وَ اُحصِی جَمیلَ بَلائِکُم: و چگونه شماره کنم آزمایش های خوب شما را

خداوند تبارك و تعالی بزرگ ترین امتحان ها را از چهارده معصوم علیهم السلام کرد و اگر

ابراهیم خلیل علیه السلام در مال و جان و اولاد امتحان شد«فَأَتَمَّهُنَّ» همه را به خوبی قبول شد و

خداوند به خاطر قبولی در آن امتحان ها مقام امامت را به او تفویض فرمود. ائمه

طاهرین علیهم السلام صدها امتحان شدند که به مراتب بزرگ تر از امتحان های ابراهیم بود و همه

را نمره عالی آوردند و تن به قضای الهی دادند.

امام کاظم علیه السلام می فرماید:«اِنَّ اللهِ جَعَلَ قُلوبّ الاَئِمَّهِ مَورِداً لِإرادَتِهِ، فَإذا شاءَ اللهُ

شَیئاً شاؤوه و هُوَ قَولُ اللهِ عزَّوجلَّ «وَ ما تَشاؤُونَ اِلاّ اَن یَشاءَ اللهُ»(۱)

خداوند قلوب ائمه علیه السلام را محل اراده ی خویش قرار داده است هرگاه چیزی را او

بخواهد ایشان نیز آن را می خواهند و همین است مضمون فرمایش پروردگار (و آن ها

یعنی اولیاء پرورگار) چیزی نمی خواهند مگر آنچه را که خداوند بخواهد»(۲)

نتیجه آنکه ائمه علیهم السلام تسلیم محض اراده ی الهی هستند به همین دلیل در برابر تمام

بلایا و حوادثی که در طول تاریخ بنی امیه و بنی العباس بر سرشان آوردند صبر کردند و

برای حفظ اسلام و معارف الهی همه آزارها و شکنجه های جسمی و روحی را تحمل

نمودند.

اولین معصوم یعنی شخص رسول الله صلی الله علیه السلام با اینکه عمر رسالتش ۲۳ بیشتر نبود آنقدر

اذیت شد که خود فرمود هیچ پیامبری را مثل من اذیت نکردند چون در عصری

۱- انسان/ ۳۰

۲- بصائرالدرجات،ص ۵۱۲

حضرت ظهور و طلوع کرد و ماموریت به ابلاغ رسالت پیدا کرد که تمدن و فرهنگی

وجود نداشت عصر جاهلیت عصر زور و تجاوز به حقوق دیگران. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث

شد تا این قوم را اصلاح کند

امیر المومنین علی علیه السلام در یکی از خطبه های خود وضع آن زمان را ترسیم فرموده

است:

«اِنَّ اللّهَ بَعَثَ مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ نَذیراً لِلْعالَمینَ، وَ اَمیناً عَلَی التَّنْزیلِ، وَ اَنْتُمْ مَعْشَرَ

الْعَرَبِ عَلی شَرِّ دِین، وَ فی شَرِّ دار، مُنخُونَ بَیْنَ حِجارَه خُشْن، وَ حَیّات صُمٍّ، تَشْرَبُونَ

الْکَدِرَ، وَ تَأْکُلُونَ الْجَشِبَ، وَ تَسْفِکُونَ دِماءَکُمْ، وَ تَقْطَعُونَ اَرْحامَکُمْ، الاْصْنامُ فیکُمْ

مَنْصُوبَهٌ، وَالاْثامُ بِکُمْ مَعْصُوبَهٌ»(۱)

خداوند محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان بیم دهنده به جهانیان و امین وحی برگزید و شما

جماعت عرب! بدترین دین و آیین را داشتید و در بدترین سرزمین ها می زیستید، میان

سنگ های درشت و مارها آب تیره و ناگوار می نوشیدید و غذای خشک و گلو آزار

می خوردید خون خود را می ریختید و پیوندهای خویشاوندی را می بریدید بت ها در

میان شما بر پا بود و سراپا آلوده به گناهان بودید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم همه بلایا را در برابر اصلاح و ارشاد آن مردم نادان به جان خرید و

بعد از آن حضرت که نوبت به جانشین بلافصل او امیر المومنین علی علیه السلام رسید ۲۵ سال

حضرتش را از حق مسلمش محروم کردند همه را تحمل کرد و بعد از آنکه سرشان به

سنگ خورد و پی به اشتباه خویش بردند مگر گذاشتند مولای متقیان علیه السلام حکومت داری

کند سه جنگ را بر آن گرامی تحمیل کردند و آرامش را از او گرفتند و خود فرمود:

صبر کردم مثل کسی که استخوان درگلویش مانده باشد و تیر بر چشمش رفته باشد و

به همین ترتیب امام حسن مجتبی علیه السلام تحت سخت ترین امتحان های الهی قرار گرفت و

گرفتار مردم دورو و منافق شد و بعد که برای برادر عزیزش حضرت حسین علیه السلام

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۶

حادثه کربلا به وجود آمد و آن امتحان بزرگ به بزرگی تاریخ عمر بشر که برای هیچ

پیامبر و امامی آن امتحان رخ نداد ولی همه را تحمل کرد و همه را به حساب انجام

تکلیف و وظیفه ی الهی گذاشت.

ائمه دیگر نیز هر کدام به سهم خود به بلایای زمان خویش گرفتار آمدند. یکی در

حبس بود یکی تحت نظر و دیگری از وطن جدا شده و در تبعید و همگی در پایان

شربت شهادت نوشیدند. به راستی که «کَیفَ... اُحصی جَمیلَ بَلائِکُم» من چگونه

شمارش کنم آزمایش های خوب شما را

امام رضا علیه السلام در یک بیانی فرمود: شما دوستان و شیعیان ما شکیبایی و قبولی در

امتحان سختی ها و بلایا را باید از ما ائمه بیاموزید.

«وَ اَمَّا السُّنَّهُ مِن وَلیِّهِ فَالصَّبرُ فی البَأساءِ و الضَّرّاءِ»(۱)

و آن سنتی را که باید از ولی خدا بیاموزید شکیبایی در تنگناها و سختی هاست.

اهل ایمان و پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام باید به پیروی آن گرامیان سختی ها را تحمل

کنند و صلابت خویش را حفظ کنند تا در امتحان های الهی نمره خوب بیاورند.

امام کاظم علیه السلام می فرمود:«اِنَّ المُومِنَ اَعَزُّ مِنَ الجبَلِ، الجَبَلُ یُستَفَلُّ بِالمَعاوِلِ و

المُؤمنُ لا یُستَقَلُّ دینُهُ بِشَییءٍ»(۲)

مومن از کوه سخت تر است زیرا کوه با ضربات تیشه شکاف برمی دارد اما دین مومن

با هیچ چیز شکاف نمی خورد.

۱- تحف العقول، ص ۴۴۲

۲- تنبیه الخواطر، ج ۲،ص ۱۲۵

۳۸. خلیفه اللّهی برازنده شماست:

«وَ رَضیکُم خُلَفاءَ فی اَرضِهِ»

خداوند شما را به جانشینی خود در زمین رضایت داد.

در ذیل آیه و جمله «و یَجعَلُکُم خُلَفاءَ الاَرضِ» در تفسیر قمی اینگونه آمده است:

«اَمَّن یُجیبُ المُضطَرَّ اِذا دَعاهُ وَ یَکشِفُ السُّوءَ و یَجعَلُکُم خُلَفاءَ الاَرضِ»(۱)

چه کسی است که درمانده را وقتی که بخواندش اجابت کند و محنت را رفع کند و شما را جانشینان این زمین کند

«حَدَّثَنی اَبی عَنِ الحَسَنِ بنِ علیِّ بنِ فَضّالِ عَن صالحِ بنِ عَقَبَهٍ عَن اَبی عَبدِ اللهِ علیه السلام قالَ: نَزَلَت فی القائِمِ مَن آلِ محمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم هُوَ و اللهِ المُضطَرُّ اِذا صَلیّ فی المَقامِ رَکعَتَینِ و دَعا اِلی اللهِ عزَّوجَلَّ فَاَجابَهُ و یَکشِفُ السُّوءَ و یَجعَلُهُ خَلیفَهً فی الاَرضِ »(۲)

پدرم از حسن بن علی بن فضال از صالح بن عقبه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: این آیه درباره ی قائم آل محمد علیهم السلام نازل شده به خدا سوگند مضطر اوست که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می خواند و خدای عزوجل را می خواند پس اجابتش می فرماید و خلیفه ی در زمینش می سازد.

مقام خلیفه اللهی برازنده معصومیتی است که آیینه تمام نمای صفات و اسماء الهی هستند و انسان کامل در روی زمینند.

جانشین خداوند تبارک و تعالی باید به اذن خدا کار خدایی کند مرده را زنده کند و اهل اعجاز و کارهای خارق العاده باشد.

خداوند همه انسان ها را به دارالسلام دعوت کرد و اراده کرد همه خوب باشند و

کرامت انسانی داشته باشند جانشینان باری تعالی در کره خاکی نیز به امر پروردگار هم

اهل اعجازند و هم در مقام اصلاح انسان ها و تا آنجایی که نفس داشتند دستگیر

ص: ۲۶۳

۱- نمل / ۶۲

۲- تفسیر المیزان،ج ۱۵، ص ۴۲۸

خطاکاران و در فکر ارشاد بشریت بودند. و در ذیل آیه شریفه«اِنَّما اَنتَ مُنذِرٌ وَ لِکَلِّ

قَومٍ هادٍ»(۱) فَقال الباقر علیه السلام: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم المُنذِرُ و عَلیٌّ الهادی. واللهُ ما ذَهَبَت مِنّا

(اَی هذِهِ الآیَهَ) وَ ما زالَت فینا اِلیَ السّاعَهِ »(۲)

تو فقط بیم رسانی و هر گروهی را رهبری هست. امام باقر علیه السلام فرمود: منذر مقصود

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هادی علی بن ابی طالب است. قسم به خدا که تا این ساعت وقتی

خداوند به حضرت داود علیه اسلام خطاب می کند:«یا داوُدُ اِنّا جَعَلناکَ خَلیفَهً فی الاَرضِ

فَاحکُم بَینَ النّاسِ بِالحَقِّ»(۳)

ای داود! ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم بین مردم به حق قضاوت کن

آیا این مقام را به ائمه طاهرین علیهم السلام نمی دهد در حالی که مقام امامت برتر از مقام

نبوت است به همان دلیل که ابراهیم اول پیامبر بود و بعد خداوند مقام امامت را به او

تفویض کرد.«وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ

إِمَامًا »(۴)

و به یاد آورید زمانی را که خدای ابراهیم او را به اموری گوناگون امتحان کرد و او

همه را به جا آورد. خداوند فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم.

یک قسمت از رتبه امامت را که اباذر غفاری از سلمان فارسی رحمه الله علیهما

سوال کرد مورد مطالعه قرار دهیم تا انشاءالله معرفتمان به این ذوات مقدسه افزون شود:

ابوذر غفاری از سلمان فارسی سوال کرد: معرفت امیر المومنین علیه السلام به نورانیت چگونه

است؟ گفت:ای جُندب(لقب ابوذر است) بیا برویم تا از خود آن حضرت سوال کنیم

می گویند: نزد آن حضرت آمدیم و او را نیافتیم در آنجا منتظر ماندیم تا تشریف آورد

فرمود: چه باعث شده که اینجا بیایید؟ گفتند: آمده ایم تا از معرفت شما به نورانیت

سوال کنیم. فرمود:

«خوش آمدید ای دوستان من که در دین خود متعهد و پایبند هستید و کوتاهی

ص: ۲۶۴

۱- رعد / ۷

۲- بحار، ج ۲۳، ص ۳

۳- ص / ۲۶

۴- بقره/ ۱۲۴

نمی کنید و هر آینه دانستن این مطلب بر هر مرد مومن و زن مومنه ای واجب است

سپس فرمود: ای سلمان و ای جندب، ایمان کسی کامل نمی گردد تا به حقیقت و نورانیت من معرفت پیدا کند و وقتی چنین شناختی از من پیدا کرد از کسانی می شود که خدا قلب او را برای ایمان امتحان کرده و سینه اش را برای اسلام گشاده گردانیده و عارف و آگاه شده است و کسی که در این گونه معرفت و شناخت کوتاهی کند او در شک و تردید باقی می ماند.

ای سلمان و ای جندب، «مَعرِفَتی بِالنُّورانیَّهِ مَعرِفَهُ اللهِ عزَّوجلَّ و مَعرِفَهُ اللهِ عزَّوجلَّ مَعرِفَتی بِالنُّورانیَّهِ » شناختن من به نورانیت در حقیقت شناختن خداست و شناخت خدا در حقیقت معرفت من به نورانیت است و این دین خالص است که خدای تبارک و تعالی فرموده است:«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَ يُقِيمُوا الصَّلَوهَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاهَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَهِ »(۱)

و بندگان امر نشدند مگر به اینکه خدا را خالصانه و در حالی که دین خود را خالص کرده اند عبادت کنند و نماز را بپا دارند و زکات را بپردازند و این دینی است که از افراط و تفریط به دور و در حد اعتدال است.

فرموده است: امر نشدید مگر به نبوت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و این دین سهل و آسان محمدیه است

بعد در تفسیر«و یُقیموا الصَّلاه» فرمود: هر کس ولایت مرا بپا داشت نماز را بر پا داشته است و بر پا داشتن ولایت من سخت و دشوار است که آن را تحمل نمی کند و طاقت پذیرش آن را ندارد مگر فرشته ی مقرب یا پیغمبر مرسل و یابنده ی مومنی که خدا قلب او را برای ایمان امتحان کرده است.

پس فرشته هنگامی که مقرب نباشد و پیغمبر وقتی مرسل نباشد و مومن هنگامی که

امتحان شده نباشد نمی تواند آن را بپذیرد.

ص: ۲۶۵

۱- بیّنه / ۵

سلمان عرض کرد: ای امیر مومنان، مومن کیست و حدود ایمان چیست؟ آن را بیان فرمایید تا کاملا بشناسیم. فرمود:

«المُومنُ المُمتَحَنُ هُوَ الَّذی لا یُرَدُّ مِن أمرِنا اِلَیهِ شَییءٌ اِلّا شَرَحَ صَدرُهُ لِقَبولِهِ و لَم یَشُکُّ و لَم یَرتَدُّ»

مومن امتحان شده کسی است که از امور ولایت ما چیزی به او نمی رسد مگر اینکه خدا سینه اش را برای قبول آن باز کند و بدون هرگونه شک و تردیدی آن را بپذیرد ای ابوذر، بدان من بنده ی خدا و خلیفه ی او بر بندگان هستم ما را خدا قرار ندهید و آنچه می خواهید در فضیلت و برتری ما بگویید و بدانید به باطن مقامات ما و نهایت آن نخواهید رسید خداوند تبارک و تعالی به ما کمالاتی و عنایاتی برتر از آنچه گوینده ی شما وصف کند یا به قلب یکی از شما خطور کند مرحمت فرموده است و وقتی ما را اینگونه شناختید شما مومن هستید

سلمان گوید: عرض کردم ای برادر رسول خدا! کسی نماز را برپا داشته که ولایت شما را برپا داشته باشد؟ فرمود:

بلی ای سلمان، شاهد آن و تصدیق این مطلب فرمایش خداوند است که در کتاب مجیدش فرموده است:«وَاسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاهِ وَإِنَّهَا لَکَبِیرَهٌ إِلَّا عَلَی الْخَاشِعِینَ »(۱)

مراد از صبر در این آیه شریفه، رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم است و مقصود از نماز برپا داشتن ولایت من است لذا فرموده است«وَ اِنَّها لَکَبیرَهٌ » ضمیر را مفرد آورده و نفرموده «وَ اِنَّهُما لَکَبیرَهٌ» که ضمیر را تثنیه بیاورد، زیرا ولایت است که تحمل آن سخت است و فقط خاشعین می توانند آن را بپذیرند و خاشعین شیعیان عارف و آگاه هستند.

و در خارج می بینیم که گروه های مختلف از مرجئه، قدریّه، خوارج، نواصب و غیر

اینها همگی به محمد صلی الله علیه و آله و سلم اقرار و اعتراف دارند و در آن اختلافی ندارند و فقط درباره ی

ص: ۲۶۶

۱- بقره / ۴۵

ولایت من است که اختلاف کرده اند. آن را اکثراً انکار کرده اند و جز عده ی کمی

نپذیرفته اند که این آیه به آن ها اشاره دارد «وَ اِنَّها لِکَبیرَهٌ اِلّا عَلی الخاشِعینَ»

در جای دیگری از قرآن، نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت مرا اینگونه بیان می کند

« وَ بِئرٌ مُعَطَّلَهٌ و قَصرٌ مَشیدٌ »(۱) چاهی که معطل مانده و قصری که پابرجا و استوار

است.

مراد از قصر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و «بِئرٌ مُعَطَّلَهٌ» یعنی آن چاهی که تعطیل شده ولایت

من است آن را تعطیل کردند و انکار نمودند و از آن بهره برداری نکردند.

و کسی که اقرار به ولایت من نداشته باشد اقرار او به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم سودی برایش

نمی بخشد زیرا این دو قرین یکدیگرند به خاطر اینکه نبی اکرم پیغمبر است که به سوی

مردم فرستاده شده و امام و پیشوای آن ها است بعد از او علی امام و پیشوای مردم و

جانشین محمد صلی الله علیه و آله و سلم است همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«اَنتَ مِنّی بِمَنزِلَهِ

هارونَ مِن موسی اِلّا أنَّهُ لا نَبّی بَعدی»

جایگاه تو نسبت به من همانند جایگاه هارون نسبت به حضرت موسی است(یعنی

همان طور که او جانشین موسی بود تو جانشین من هستی) جز اینکه پیامبری بعد از من

نیست.

اول ما محمد است وسط ما محمد است و آخر ما محمد است پس هر کس معرفتش به

من کامل باشد او بر دین قیم و استوار الهی است که فرموده«و ذلکَ دینُ القَیِّمهِ»(۲)

«و آن دین استوار است» و به توفیق و یاری خداوند آن را برای شما بیان می کنم

آنگاه آن دو را مخاطب ساخت و فرمود: ای سلمان و ای جندب عرض کردند: بلی

ای امیر مومنان، درود و رحمت خداوند بر شما باد فرمود:

من و محمد صلی الله علیه و آله و سلم یک نور از نور خدا بودیم آنگاه خداوند این نور را امر فرمود دو نصف گردد به نیمی از آن فرمود: محمد باش و به نصف دیگر آن فرمود: علی باش لذا

۱- حج/ ۴۵

۲- بیّنه / ۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:«عَلیٌّ مِنِّی و اَنا مِن علیٍّ و لا یُودِّی عَنِّی اِلاّ علیٌّ»

علی از من است و من از علی هستم و ادا نمی کند از طرف من مگر علی

... سپس فرمود: ای سلمان و ای جندب، عرض کردند بلی ای امیر مومنان فرمود:

«منم که نوح را در کشتی به امر پروردگارم آرامش بخشیدم و او را به ساحل رساندم منم که یونس را از شکم ماهی به اذن خداوند خارج کردم منم که موسی را از دریای نیل به امر خدا عبور دادم منم که ابراهیم را از آتش نجات دادم منم که نهرها را جاری و چشمه ها را جوشان و درخت ها را بر جا نهاده ام و من معلم سلیمان بن داودم و من (مظهر) قدرت پروردگار می باشم.

ای سلمان و ای جندب کسی که از ما بمیرد در حقیقت نمرده و کسی که از ما غائب گردد در حقیقت غائب نیست و کسی که از ما کشته می شود در حقیقت کشته نیست ای سلمان و ای جندب درود و رحمت خداوند بر شما باد.

من امیر هر مرد مومن و زن مومنه از گذشتگان و آیندگان هستم و به روح عظمت تایید شده ام و با همه این اوصاف بنده ای از بندگان خدا هستم.«لا تُسَمُّونا أرباباً و قولوا فی فَضلِنا ما کُنهُ ما جَعَلَهُ اللهُ لَنا، لا مِعشارُ العُشرِ» و ما را خدا ننامید و سپس آنچه می خواهید در فضیلت ما بگویید و هر چه تلاش کنید به حقیقت آنچه را خداوند برای ما قرار داده بلکه به یکدهم آن نخواهید رسید به خاطر اینکه ما نشانه های خدا و راهنمایان و حجت ها و جانشینان و امینان و پیشوایان او و زبان گویای او هستیم. به سبب ما خداوند بندگانش را عذاب می کند و به سبب ما پاداش می دهد و ما را از میان خلق خود برگزیده و اختیار کرده و طاهر گردانیده است و اگر کسی چون و چرا کند و اعتراض به گزینش پروردگار نماید به خداوند کافر کشته و مشرک گردیده است زیرا«وَ لا

یُسئَلُ عَمّا یَفعَلُ و هُم یُسئَلونَ»(۱)

از آنچه خدا انجام می دهد سوال نمی شود او مورد بازجویی قرار نمی گیرد بلکه

۱- انبیاء/ ۲۳

بندگان هستند که بازخواست می شوند

و در ادامه امیر مومنان فرمود: کسی که به آنچه گفتم ایمان آورد و آنچه را بیان کردم و تفسیر نمودم و شرح دادم و روشن ساختم و با دلیل اثبات کردم تصدیق کند او مومن امتحان شده است که خداوند قلب او را برای ایمان آزمایش نموده و سینه اش را برای اسلام باز کرده و گشایش بخشیده و او عارف آگاه است که به حد بلوغ و کمال و نهایت معرفت رسیده است و کسی که در آنچه گفتم شک کند و یا آگاهانه مخالفت کند و انکار کند و یا توقف کند و سرگردان و مضطرب باشد او تقصیر کرده و دشمنی نموده است.(۱)

۱- القطره، ج ۱،ص ۲۰۰ تا ۲۰۹ به نقل از بحار، ج ۲۶ ، ص ۱ و مشارق الانوار،ص ۱۶۰

۳۹. خیر و خوبی ها را مرکزید:

«اِن ذُکِرَ الخَیرُ کُنتُم اَوَّلُهُ و اَصلُهُ و فَرعُهُ و مَعدِنُهُ و مَأوایهُ و مُنتَهاهُ»:

اگر از خیر نامبرده شود شما آغاز آن و اصل آن و شاخه آن و معدن آن و جایگاه

آن و نهایت آن هستید.

قبل از ورود به بحث و عنوان فوق لازم است نخست خیر و خوبی ها را بشناسیم و

بعد به کانون و مرکز آن یعنی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بپردازیم

راغب می گوید:«اَلخیرُ ما یَرغَبُ فیهِ الکُلُّ کَالعَقلِ مَثلاً و العَدلِ و الفَضلِ و

الشَّیءِ النافِع»

خیر عبارت است از چیزی که همه به آن رغبت دارند مثل عقل و عدل و فضل و هر

چیزی که سودمند است.

قرآن درباره خیر به کارهای خوب انسان توجه می دهد:

«یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ »(۱)

روزی که هر کس کارهای خوب و کارهای بد خود را در برابر خویش حاضر بیند

امیر المومنین علی علیه السلام می فرمود:«فِعلُ الخَیرِ ذَخیرَهٌ باقیهٌ و ثَمَرهٌ زاکیهٌ »(۲)

کار خوب اندوخته ای ماندنی و میوه ای پاکیزه و خوشگوار است.

امام سجاد علیه السلام می فرمود:«اَلخَیرُ کُلَّهُ صیانَهُ الاِنسانِ نَفسَهُ »(۳)

همه خیر و خوبی خویشتن داری است

امام صادق علیه السلام فرمود: چه می شود اگر هر یک از شما با اندک کاری به همه ی خوبی ها

دست یابد؟ راوی گوید: عرض کردم فدایت شوم با چه کاری؟ فرمود:«یَسُرُّنا

بِادخالِ السُّرورِ عَلی المؤمنینَ مِن شیعَتِنا»(۴) با شاد کردن شیعیان مومن ما که ما را شاد

می کند.

ص: ۲۷۰

۱- آل عمران/ ۳۰

۲- غرر الحکم / ۶۵۴۵

۳- تحف العقول / ۲۷۸

۴- بحار،ج ۷۴، ص ۳۱۲

در یک بیانی دیگر امیرمومنان علی علیه السلام فرمود:«ثَلاثٌ هُنَّ جِماعُ الخَیرِ اِسداءُ النِّعَمِ و رِعایَهَ الذِّمَمِ و صِلَهُ الرَّحِمِ»(۱)

سه چیز مجمع خوبی هاست: نعمت بخشی، رعایت عهد و پیمان ها و صله رحم

در عبارتی دیگر همان گرامی فرمود: دوستی کردن برای خدا و دشمنی ورزیدن برای خدا و دوست داشتن برای خدا و نفرت داشتنی برای خدا مجمع همه ی خوبی هاست.(۲)

یکی از عوامل رسیدن به خیر دنیا و آخرت در کلام امام سجاد علیه السلام

مردی از اهالی کوفه نامه ای به امام سجاد علیه السلام نوشته از ایشان درباره ی خیر دنیا و آخرت جویا شد حضرت به او چنین پاسخ نوشت:

به نام خداوند بخشنده مهربان اما بعد کسی که در راه خشنود کردن خدا از خشم مردم پروایی نداشته باشد، خداوند او را از امور مردم بی نیاز گرداند و خودکفایتش کند و هر که برای جلب خشنودی مردم خدا را به خشم آورد خداوند او را به مردم واگذارد و السلام.(۳)

در تفسیر خیر و خوبی امیرمومنان علی علیه السلام می فرمود: خیر و خوبی این نیست که مال و فرزند زیاد داشته باشی بلکه خیر این است که تو را دانش بسیار و بردباری زیاد باشد و با عبادت پروردگارت بر مردمان سرفرازی کنی و هرگاه خوبی کنی خداوند را سپاس گویی و چون بدی کنی از پروردگارت آمرزش بخواهی.(۴)

اهل خیر کیانند؟ در حدیث معراج آمده خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم :

«یا أحْمَدُ إنَّ أهْلَ الْخَیرِ وَأهْلَ الْاخِرَهِ رَقِیقَهٌ وُجُوهُهُمْ، کَثِیرٌ حَیاؤُهُمْ، قَلِیلٌ حُمْقُهُمْ، کَثِیرٌ نَفْعُهُمْ قَلِیلٌ مَکْرُهُمْ، اَلنّاسُ مِنْهُمْ فِی راحَه وَأنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِی تَعَب، کَلامُهُمْ مَوْزُونٌ، مُحاسِبِینَ لِاَنْفُسِهِمْ، مُتْعِبِینَ لَها، تَنامُ أعْیُنُهُمْ وَلا تَنامُ قُلُوبُهُمْ.

أَعْيُنُهُمْ باكِيَهٌ وَقُلُوبُهُمْ ذاكِرَهٌ، إذا كُتِبَ النّاسُ مِنَ الْغافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذّاكِرِينَ... لا

۱- غررالحکم / ۴۶۷۵و ۴۷۳۵

۲- غررالحکم / ۴۶۷۵و ۴۷۳۵

۳- اختصاص، ص ۲۲۵

۴- نهج البلاغه حکمت ۹۴

یَشغُلُهُم عَنِ اللهِ شَیی ءٌ طَرفَهَ عَینٍ و لا یُریدونَ کَثرَهَ الطَّعامِ و لا کَثرَهَ الکَلامِ و لا کَثرَهَ اللَّباسِ، النّاسُ عِندَهُم مَوتی و اللهُ عِندَهُم حَیٌّ قَیُّومٌ»(۱)

ای احمد! همانا اهل خیر و اهل آخرت مردمانی کمرو و پر شرم هستند نادانیشان اندک است و سودشان بسیار و مکرشان اندک مردم از دست آنان آسوده اند و خودشان از خویشتن در رنجند سخنشان سنجیده است از نفس های خود حساب می کشند و آن را سرزنش می کنند چشمانشان می خوابد اما دل هایشان نمی خوابد دیدگانشان گریان است دل هایشان به یاد خداست آن گاه که مردم در غفلت به سر می برند آنان در زمره ی ذاکرین هستند ... هیچ چیز لحظه ای آنان را از خدا باز نمی دارد نه خواهان خوراک زیادند و نه خواستار پرگویی و نه خواهان پوشاک زیاد، مردم نزد آنان مردگانند و خدا در نظرشان زنده و قیوم.

بعد از این مقدمه بپردازیم به جملات زیارت جامعه کبیره در این باب« اِن ذُکِرَ الخَیرُ کُنتُم...» اگر از خیر و خوبی ها نامی برده شود شما خاندان پاکیزه آغاز و اصل و شاخه و معدن و جایگاه و نهایت آنید.

باید گفت آنچه خوبان همه دارند فقط این خانواده و به عبارتی عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دارند. چون صادر اول یعنی خداوند تبارک و تعالی آن ها را از نور خود آفرید که مرکز همه خوبی هاست و ایشانند که گل سر سبد خلقت اند و اول و آخر همه خیرات را باید از آن ها سراغ گرفت همان طور که نمونه هایی از خوبی ها را از بیان معصومین نقل کردیم.

به خوبی نمونه های بارز خیر و خوبی ها را در اهل بیت پیامبر علیهم السلام مشاهده می کنیم از مصادیق خیر در روایات عقل و عدل و فضل و هر چیز سودمند بود. کار خوب و خویشتن داری و شاد کردن شیعیان با ایمان و نعمت بخشی و رعایت عهد و پیمان ها و

صله رحمخ و دوستی کردن برای خدا و دشمنی ورزیدن برای خدا و در راه خشنود کردن

خدا از خشم مردم پروایی نداشتن و دانش بسیار همراه با بردباری زیاد و عیادت فراوان

ص: ۲۷۲

۱- بحار، ج ۷۷، ص ۲۴

و غیره تمامی موارد فوق که نمونه مختصری از خوبی هاست که ما در معصومین علیهم السلام

سراغ داریم و به عنوان شاهد بر ادعا به چند مورد اشاره می کنیم:

ابن عباس نقل می کند که شخصی دو شتر فربه را به عنوان هدیه خدمت پیغمبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب و همراهان خود فرمود:

کدام یک از شما می تواند دو رکعت نماز را با همه ی واجبات آن از قیام و رکوع و

سجود و سایر اعمالش بجا آورد و در اثناء آن به چیزی از امور دنیا نیندیشد و در

قلبش فکر دنیا خطور نکند تا یکی از این دو شتر را به او هدیه کنم

این مطلب را یک بار و دو بار بلکه سه بار تکرا کرد هیچ یک از اصحاب جواب

ندادند.

امیر المومنین علیه السلام برخاست و عرض کرد:

«اَنا یا رسولَ اللهُ اُصَلّیَ الرَّکعَتَینِ اُکَبِّرُ التَکبیرَةَ الاُولی الی اَن اُسَلِّمُ لا اُحدِّثُ

نَفسی بِشَیی ءٍ مِن اُمورِ الدُّنیا»

ای رسول خدا! من دو رکعت نماز را با تکبیره الاحرام آن تا سلام آخر می خوانم و

به چیزی از امور دنیوی حدیث نفس نمی کنم.

فرمود : ای علی! درود خدا بر تو باد نماز را شروع کن. امیرالمومنین علیه السلام تکبیر گفت و

به نماز پرداخت و همین که سلام نماز را گفت جبرئیل فرود آمد و به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

عرض کرد: ای محمد! خداوند به شما سلام می رساند و فرموده است یکی از دو ناقه را

به علی علیه السلام عطا کن.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من شرط کرده بودم که اگر دو رکعت نماز بخواند بدون اینکه

به چیزی از امور دنیوی فکر کند شتر را به او دهم. اما علی علیه السلام هنگامی که به تشهد

مشغول بود با خودش فکر کرد کدام یک از دو شتر را بگیرد!

جبرئیل عرض کرد ای محمد! خداوند سلام رسانیده و می فرماید: علی علیه السلام که فکر

می کرد کدام یک از این دوشتر را بگیرد نه به خاطر خودش بود و نه به خاطر دنیا، بلکه

ص: ۲۷۳

او فکر می کرد کدام یک را بگیرد که فربه تر باشد تا در راه خدا آن را بکشد و برای

خشنودی پروردگار به فقرا بدهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریه کرد و هر دو شتر را به او مرحمت فرمود. علی علیه السلام هر دو را

کشت و در راه خدا انفاق نمود و در این مورد خداوند تبارک و تعالی این آیه شریفه را

نازل فرمود:

«إِنَّ فِی ذَلِکَ لَذِکْرَی لِمَنْ کَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَی السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِیدٌ »(۱)

و در داستان گذشتگان تذکر است برای کسی که دل آگاهی دارد یا به کلام پروردگار

گوش فرا دهد و او گواه است.(۲)

و به این طریق یک نمونه از کار خیر امیر مومنان علیه السلام که اخلاص حضرت بود

مشخص گردید.

سید هاشم بحرانی رحمه الله علیه در کتاب غایه المرام از طریق اهل سنت از ابن عباس

حدیث دیگری را نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عبدالرحمان بن عوف فرمود:« ای

عبدالرحمان! شما ملازمان و همراهان من هستید و علی بن ابی طالب از من و من از علی

هستم هر کس او را به غیر من مقایسه کند به من جفا کرده است و کسی که با من جفا کند

در حقیقت اذیتم نموده و کسی مرا اذیت کند خدا او را لعنت کند.

(در بین این روایت لازم است آیه ۵۷ سوره احزاب را از نظر بگذرانیم«إِنَّ الَّذِینَ

یُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِینًا» آنانی

که خدا و رسول او را می آزارند خداوند در دنیا و آخرت آن ها را لعنت می کند و برای

ایشان عذابی خوارکننده مهیا ساخته است).

ای عبدالرحمان! خداوند کتاب روشن و آشکاری را بر من نازل فرموده است و به

من فرمان داده تا آن را برای مردم جز علی بن ابی طالب بیان کنم، علی علیه السلام احتیاج به بیان و توضیح ندارد.

۱- ق / ۳۷

۲- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۲۸ و بحار،ج ۳۶،ص ۱۶۱

زیرا خداوند فصاحت او را مثل فصاحت من قرار داده و فهم و بینش او را همانند

فهم من قرار داده است.

و اگر حکمت بخواهد به صورت مردی ظاهر گردد، آن مرد علی علیه السلام خواهد بود و

اگر عقل بخواهد به شکل شخصی ظاهر گردد آن شخص حسن علیه السلام خواهد بود و اگر

سخاوت و بخشندگی بخواهد در وجودی تجلی پیدا کند در وجود امام حسین علیه السلام ظاهر

می گردد و اگر همه ی خوبی ها می خواست در وجود انسانی جلوه کند او فاطمه علیهاالسلام بود

بلکه فاطمه والاتر و برتر از آن است او از جهت نژاد و شرافت و بزرگواری از همه اهل

عالم بهتر است»(۱)

ملا فتح الله کاشانی در تفسیر خود « خُلاصَهُ المِنهَج» از ثعلبی که از بزرگ ترین

مفسرین اهل سنت است نقل می کند و او به سند خود از عبدالله بن سلام نقل کرده است

که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سوال کردند: چه کسی تخت بلقیس را از مملکت سبأ نزد سلیمان

حاضر کرد؟

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«أحضره عَلِیٌّ بن إبی طالِبٍ علیه السلام بِاسمِ مِن إسماءِ اللهِ

الاَعظَمِ» علی علیه السلام با خواندن اسمی از اسماء اعظم الهی این کار را کرد.

سپس گفته است: و این حدیث را فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام تایید می کند که

فرمود:«کُنتَ مَعَ الاَنبیاء سِرَّاً و مَعِیَ جَهراً »(۲) ای علی تو با همه ی پیامبران در پنهانی و با

من در آشکارا بودی (توضیح آنکه بُرسی نویسنده کتاب مشارق الانوار در صفحه

۲۱۷ در تبیین حدیث فوق می نویسد: زیرا علی علیه السلام همان نوری است که قبل از دوران ها

و زمان ها آفریده شده و تسبیح خدا می گفته است درحالی که دهان و زبانی در آنجا

نبود آیا او در عالم نور پیش از زمان ها و روزگارها نبوده است؟ آیا او در عالم ارواح

پیش از آفرینش بدن ها و کالبدها نبوده است؟

آیا داستان آن جنی را نشنیده ای که نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود و چون

ص: ۲۷۵

۱- القطره، ص ۲۷۲ به نقل از فرائد السمطین،ج ۲، ص ۶۸ و القطره،ج ۱،ص ۲۸۱

۲- القطره، ص ۲۷۲ به نقل از فرائد السمطین،ج ۲، ص ۶۸ و القطره،ج ۱،ص ۲۸۱

امیر المومنین علیه السلام به طرف آن ها آمد از جهت تعظیم و ترسی که از آن حضرت داشت

کوچک گردید و عرض کرد: ای رسول خدا من پانصد سال پیش از آفرینش حضرت

آدم علیه السلام به همراه سرکشان دیگر به سوی آسمان پرواز کردم پس همین شخص را در

آسمان دیدم که مرا بیرون کرد و به طرف زمین رها کرد به طبقه هفتم زمین پایین رفتم

پس او را در آنجا دیده همان طور که در آسمان دیده بودم.

سپس بُرسی نویسنده کتاب مشارق الانوار می گوید: ای شنونده ای اخبار را فوراً

تکذیب و انکار نکن مگر چنین نیست که وقتی خورشید می درخشد اهل آسمان آن را

می بینند همان طور که اهل زمین می بینند و هیچ گاه خورشید مهم ازا کسی که همه نورها

از نور وجود او آفریده شده اند نیست)

علی علیه السلام مرکز خیر است. یک بار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود:«وَ اِنَّ مَلَکَ

المَوتِ یَتَرَحَّمُ عَلی مُحِبّی علی بن ابی طالب علیه السلام کَما یَتَرَحَّمّ عَلی الاَنبیاءعلیهم السلام »(۱)

عزرائیل به دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام رحم می کند همان طور که بر پیامبران ترحم

می نماید.

۱- مناقب خوارزمی ص ۲۲ و ینابیع الموده، ص ۱۳۳

۴۰. خزانه ی دانش و نهایت بردباری هستید:

«وَ خُزّانَ العِلمِ و مَنتَهی َالحِلمِ –و اصطَفاکُم بِعِلمِه و ارتَضاکُم لِغَیبِهِ»

مخزن علم و نهایت بردباری هستید –خداوند شما را برای دانش خود برگزید و برای

آگاهی شما به علوم غیبی خویش رضایت داد.

علم امام علیه السلام به وسعت آفرینش پروردگار متعال است و بر هر چه که در جهان هستی

موجودیت یافته اشراف دارد و خداوند هر آنچه را اراده کند بدون استاد از جانب فضل

خویش به وی عطا می فرماید و در یک کلام علم امام علیه السلام هم جامع است و هم لدنی

امام رضا علیه السلام می فرمود:«اِنَّ العَبدَ اِذا اِختارَهُ اللهُ عزَّوجلَّ لِأمورِ عِبادِهِ شَرَحَ

صَدرَهُ لِذلِکَ و اَودَعَ قَلبَهُ یَنابیعَ الحِکمَهِ و ألهَمَهُ العِلمَ اِلهاماً، فَلَم یَعیَ بَعدَهُ

بِجوابٍ و لا یَحیرُ فیهِ عَنِ الصَّوابِ»(۱)

هرگاه خداوند عزَّوجل بنده ای را برای اداره ی امور بندگانش برگزیند برای این امر به او

شرح صدر عطا کند چشمه های حکمت را در دلش جاری سازد و به او علم و دانش

الهام فرماید که از آن پس از هیچ پاسخی درنماند و در یافتن راه درست سرگشته نشود.

امام صادق علیه السلام درباره ی مقام علمی امام علیه السلام فرمود:« وَ اللهِ اِنّی لَاَعلَمُ کِتابَ اللهِ مِن

اَوَّلِهِ اِلی آخِرِهِ کَأَنَّهُ فی کَفِّی فیهِ خَبَرُ السَّماءِ و خَبَرُ الَارضِ و خَبَرُ ما کانَ و خَبَرُ ما

هوَ کائِنٌ، قالَ اللهُ عزَّوجلَّ فیهِ تِبیانُ کُلِّ شَییءٍ»(۲)

به خدا سوگند من کتاب خدا را از آغاز تا پایانش چنان می دانم که گویی در مشت

من است خبر آسمان و زمین و گذشته و آینده در قرآن موجود است.

خداوند عزوجل فرموده است « بیان هر چیز در قرآن است»(۳)

در تایید فرمایش امام صادق علیه السلام به این آیه شریفه برمی خوریم که خداوند می فرماید:

«فَاسْئلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»(۴)

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۰۲

۲- کافی،ج ۱، ص ۲۲۹

۳- اشاره به آیه ۹۱ سوره نحل

۴- نحل/ ۴۳

اگر خودتان نمی دانید از اهل ذکر سوال کنید

عبدالله بن عجلان از امام باقر علیه السلام در تفسیر کلام خدا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت

می کند که فرمود:

«الذِّکرُ اَنَا و الاَئِمَّهُ اَهلُ الذَّکرِ»(۱)

مقصود از ذکر منم و اهل ذکر امامان علیه السلام می باشند

محمد بن مسلم نیز روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که گفت به امام علیه السلام عرض

کردم مردمی که نزد ما هستند چنین می پندارند که مقصود از اهل ذکر در آیه یهود و

نصارایند حضرت فرمود: اگر آنان باشند ایشان شما را به دین خود می خوانند و هرگز

حق مطلب را که حقانیت اسلام است به شما نمی گویند آنگاه «قالَ بِیَدِهِ اِلی صَدرِهِ:

نَحنُ اَهلُ الذِّکرِ و نَحنُ المَسئولونَ قالَ: قالَ اَبوجعفرٍ: الذِّکرُ القُرآنُ»(۲)

با دست به سینه خود اشاره کرد و فرمود: ماییم اهل ذکر که مردم باید از ما سوال کنند

آنگاه محمد بن سلم گفت که امام باقر علیه السلام اضافه فرمود که منظور از ذکر قرآن است.

و در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام در تفسیر کلام خدا آمده که فرمود:« اَلکِتابُ

الذِّکرُ و اَهلُهُ آلُ محمدٍ صلی الله علیه و آله و سلم اَمَرَ اللهُ عزَّوجلَّ بِسُئوا لِهِم و لَم یُومَر بِسُئوالِ الجُهّالِ و

سَمَّی اللهُ عزَّوجلَّ القُرآنِ ذِکراً فقالَ تَبارکَ و تَعالی و اَنزَلنا اِلَیکَ الذِّکرَ لِتُبَیِّنَ

لِلنّاسِ ما نُزِّلَ اِلَیهِم و لَعَلَّهُم یَتَفَکَّرونَ »(۳)

ذکر عبارت از کتاب است و اهل آن آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشند. خداوند مردم را امر

فرموده که از این خانواده بپرسند و سراغ جهّال و نادانان نروند پروردگار قرآن را ذکر

نامده چنانکه می فرماید:«ما ذکر را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که بر آن ها نازل

نموده ایم تبیین و تفسیر کنی شاید اندیشه کنند»

لازم است عرض کنم از همین آیه ۴۴ سوره نحل که بعد از آیه ۴۳ که «فَاسئَلوا

۱- کافی، ج ۱،ص ۲۱۰

۲- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۶۰

۳- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۷۰

اَهلَ الذِّکر» بود خداوند تصریح می کند که منظور از ذکر قرآن است و نیز ثابت می کند

که قرآن به تنهایی کافی نیست و لذا می فرماید ما ای رسول ذکر را (قرآن) بر تو نازل

کردیم «لِتُبَیِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ اِلَیهِم و لَعَلَّهُم یَتَفَکَّرونَ » یعنی یکی از وظایف مخاطب

نزول قرآن این است که قرآن را برای مردم تبیین و تفسیر کند شاید اندیشه کنند. بنابراین

آنهایی که گفتند قرآن ما را کافی است سخت اشتباه کردند و دیگران را نیز به خطا

کشاندند و در عمل دیدیم که خارج از قرآن سنت ها و رفتارهایی را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تبعیت

کردند و از آنجایی که از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت آن حضرت جدا شده بودند گرفتار

بدعت هایی در دین و احکام شدند و به سلیقه خود عمل کردند

و خَزّانَ العلمِ – و اصطَفاکُم بِعِلمِهِ: ائمه طاهرین علیهم السلام مخزن علم خدایند و خداوند

ایشان را از خزائن علم خویش بهره مند نموده است.

به این آیه شریفه و دو روایت ذیل آن توجه کنید:

«أَفَمَنْ یَهْدِی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا یَهِدِّی إِلَّا أَنْ یُهْدَی فَمَا لَکُمْ کَیْفَ

تَحْکُمُونَ»(۱)

آیا کسی که سوی حق هدایت می کند شایسته تر است که پیرویش کنند یا کسی که

هدایت نمی کند مگر هدایت شود شما را چه شد چگونه قضاوت می کنید

امام باقر علیه السلام فرمود:«فَاَمّا مَن یَهدی اِلیَ الحَقِّ فَهُوَ محمدٌ و آلُ محمدٍ صلی الله علیه و آله و سلم و اَمّا

مَن لا یَهدی فَهُوَ مَن خالَفَ مِن قَرِیشٍ و غَیرِهِم اَهلَ بَیتِهِ مِن بَعدِهِ»(۲)

اما کسی هدایت به سوی حق می کند محمد و آل محمد علیهم السلام هستند و اما کسی که

هدایت نمی کند مخالفین اهل بیت از طایفه قریش و دنباله روهای آن ها هستند

عبدالعزیز بن مسلم از امام رضا علیه السلام روایت می کند و می گوید همچنین سید رضی

رحمهالله علیه در کتاب خصایص این حدیث را نقل کرده که امام رضا علیه السلام فرمود:

«اِنَّ الاِمامَ و الاَنبیاءَ و الاَئِمَهَ یُوَفِّقَهُمَ اللهُ و یُؤتِیهِم مِن مَخزُونِ عِلمِهِ و حِکَمِهِ

۱- یونس / ۳۵

۲- تفسیر صافی، چاپ قدیم، ص ۲۴۶

ما لا يُؤتيهِ غَيرَهُم فَوقَ عِلمِ اَهلِ زَمانِهِم فی قَولِهِ تعالی«أَفَمَنْ يَهْدِی إِلَی الْحَقِّ

أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهِدِّی إِلَّا أَنْ يُهْدَی فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»(۱)

امام و انبياء و ائمه كسانی هستند هك خداوند آن ها را موفق به توفيقاتی نموده و از

خزانه ی خود علم و حكمتی را به ايشان تفضل نموده كه به هيچ كس از اهل زمانه نداده

است امام اين بيان را درباره ی اين كلام خدا فرمود«آيا كسی كه سوی حق هدايت

می كند شايسته تر است كه پيرويش كنند يا كسی كه هدايت نمی كند مگر هدايت شود

شما را چه شد چگونه قضاوت می كنيد»

امير المومنين علی عليه السلام می فرمود:«اَنا عِلمُ اللهِ»(۲) من مظهر و نمايش دهنده ی علم

خداوندم.

در جای ديگر فرمود:«اَنا سَيِّدُ الأوصياءِ و وَصیُّ خَيرِ الأنبياءِ، اَنا بابُ مَدينَةُ

العِلمِ و خازنُ عِلمِ رَسول الله و وارثِهِ»(۳)

منم سرور جانشينان پيامبران و جانشين برترين پيامبران منم دروازه ی شهر علم

خزانه دار علم رسول خدا و وارث او صلی الله عليه و آله و سلم

ابن عباس روايت می كند كه چون آيه شريفه «وَ كُلُّ شَيیءٍ اَحصَيناهُ فی اِمامٍ مُبينٍ»(۴)

هرچيزی را در امام مبين جمع كرده و شمارش نموديم نازل شد دو نفر در مجلس

حضور داشتند برخاستند و عرض كردند ای رسول خدا مقصود از امام مبين چيست؟

آيا تورات است؟ حضرت فرمود: نه عرض كردند آيا انجيل است؟ فرمود: نه عرض

كردند: پس حتما قرآن است فرمود: نه در اين هنگام اميرالمومنين عليه السلام وارد شد پيغمبر

اكرم صلی الله عليه و آله و سلم اشاره به آن حضرت كرد و فرمود:«هُوَ هذا اِنَّهُ الاِمامُ الَّذی اَحصَی اللهُ

تَبارَكَ و تَعالی فيهِ عِلمَ كُلِّ شَيیءٍ »(۵)

اوست امامی که خداوند علم همه چیز را در او فراهم آورده است.

ص: ۲۸۰

۱- تفسیر برهان،ج ۲،ص ۱۸۵

۲- توحید صدوق، ص ۱۶۴

۳- معانی الاخبار، ص ۵۶

۴- یس / ۱۲

۵- مشارق الانوار، ص ۵۵ و معانی الاخبار، ص ۹۵

عمار یاسر می گوید من در بعضی از جنگ ها همراه حضرت امیر المومنین علیه السلام بودم یک بار به محلی رسیدم که پر بود از مورچه عرض کردم ای امیر مومنان ببین یکی از مخلوقات الهی را آیا تعداد این مورچگان را می دانی؟

فرمود: آری ای عمار من از هر کس نسبت به آن ها باخبرترم من می دانم تعداد آن ها را و می دانم چه مقدار آن ها نر و چه مقدار ماده هستند.

عمار می گوید عرض کردم از کجا می گویی؟ فرمود: ای عمار آیا در سوره یس این آیه را تلاوت نکرده ای «و کُلَّ شَیءٍ اَحصَیناهُ فی اِمامٍ مُبینٍ» عرض کردم چرا تلاوت کرده ام فرمود: آن امام مبین من هستم.(۱)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«اَنا مَدینَهُ العِلمِ و عَلیٌ بابُها فَمَن اَرادَ العِلمَ فَلیَقتَبِسهُ مِن علیٍّ»(۲) من شهر دانشم و علی به منزله در آن هر کس دانش طلب کند باید از علی علیه السلام فرا گیرد.

همان گرامی در آخرین ساعات عمر خود امیر المومنین علی علیه السلام را طلبید و با او مدتی طولانی راز گفت. وقتی از کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جدا شد، عرض کردند ای علی پیامبر چه فرمود؟ علی علیه السلام فرمود: پیامبر هزار درِ دانش بر من گشود که از هر در هزار در دیگر باز می شود.(۳)

امیر المومنین علی علیه السلام درباره آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:«هُم عَیشُ العِلمِ و مَوتُ الجَهلِ یُخبِرُکُم حِلمُهُم عَن عِلمِهِم »(۴)

آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم علم را حیات بخشیدند و نادانی را می راندند بردباری ایشان از علم آنان خبر می دهد.

و درباره ی دانش خود فرمود:«اَیُّها النّاسُ سَلونی قَبلَ اَن تَفقِدونی فَلَاَنَا بِطُرقِ

السَّماءِ اَعلَمُ بِطُرُقِ الاَرضِ قَبلَ اَن تَشغَرَ بِرِجلِها فِتنَهٌ تَطَأقی خِطامِها و تَذهَبُ

ص: ۲۸۱

۱- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۷

۲- بحار، ج ۴۰،ص ۱۲۱

۳- بحار، ج ۴۰،ص ۱۲۱

۴- نهج البلاغه خطبه ۲۳۹

بِاَحلامِ قَومِها»(۱)

ای مردم قبل از آنکه مرا از دست بدهید سوال کنید که من راه های آسمان را بهتر از راه های زمین می دانم پیش از آنکه فتنه چون شتری صاحب گام بردارد و مهار خود را پایمال کند و مردم را بیازارد و صاحبان عقل و خرد را حیران نماید.

درباره صحیفۀ فاطمیه علیها السلام روایت شده که طول آن هفتاد ذرع در عرض یک پوست دباغی شده است.«فیها کُلُّ ما یَحتاجُ النّاسُ اِلَیهِ حَتّی أرشَ الخَدَشِ »(۲)

در آن تمامی علومی که مردم به آن نیاز دارند حتی مقدار دیه ای که به جهت خراشی باید پرداخته شود ذکر گردیده است.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۳۹

۲- بصائرالدرجات، ص ۱۵۵

حرف – د:

۴۱. دعا و مناجات با خدا را به ما آموختید:

وَ اَهلِ الذِّکرِ -وَ اَدَمتُم ذِکرَهُ -بِموالاتِکَم عَلَّمَنا اللهُ مَعالِمَ دینِنا و اَصلَحَ ما کانَ

فَسَدَ مِن دنیاناً:

شما خانواده اهل ذکر و دعا هستید و ادامه دادی ذکر خدا را و به دوستی شما

خداوند دستورات دین ما را آموخت و آنچه از دنیای ما تباه شده بود اصلاح نمود

ادب در دعا و نیایش پروردگار را باید از این خانواده آموخت چرا که آن ها با

سرمایه خدادادی می دانستند چگونه با خداوند تبارك و تعالی سخن بگویند و ما باید از

محضر آن گرامیان بیاموزیم طریقه ذکر و دعا در پیشگاه پروردگار را

با یک مراجعه به مضامین اذکار و دعاهایی که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده خواهیم

یافت که آن بزرگواران چقدر زیبا به نیاز فطری همه انسان ها پاسخ گفته اند اینکه عرض

می کنم همه انسان ها چون دعا مخصوص قشر خاصی از جامعه نیست تک تک انسان ها

محتاج به ذکر و دعا هستند بر همین اساس همه مردم عالم در هر مذهب و مرامی که

باشند چه در معابد و مراکز عبادی خود و چه بیرون از آن از درون متوسل به دعا و

ارتباط به نقطه ای می شوند که راه نجاتی از گرفتاری ها برایشان باز شود.

در ابتدا باید بدانیم که پروردگار متعال خود ما را به دعا و ذکر دعوت نموده و وعده

استجابت آن را نیز البته با حفظ شرایط داده است«و قالَ رَبُّکُم اُدعونی اَستَجِب

لَکَم»(۱) پروردگارتان فرمود: بخوانید مرا تا شما را پاسخ گویم و نیز فرمود:« قُل ما

یَعبَأُ بِکُم لَولا دُعاؤُکُم »(۲)

ای رسول ما به مردم بگو: اگر دعای شما نباشد پروردگارم هیچ اعتنایی به شما

نمی کند

امیر المومنین علیه السلام در وصیت به فرزند خود امام حسن علیه السلام فرمود: بدان که آن کسی که

ملکوت و خزاین دنیا و آخرت در دست اوست به تو اجازه داده است تا او را بخوانی و

اجابت دعای تو را ضمانت کرده است و به تو فرمان داده است که از او بخواهی تا به تو

عطا کند و او مهربان و بخشنده است. میان تو و خودش حجابی ننهاده و تو را به آوردن

واسطه و میانجی وادار نکرده است... سپس کلیدهای خزائن و گنجینه هایش را که همان

دعا کردن و خواستن از اوست در اختیار تو نهاده است. پس هرگاه تو بخواهی با دعا

کردن درهای گنجینه های او را می گشایی»(۳)

در تعبیرهای روایی دعا کلید نجات و رمز موفقیت و کلید رحمت خدا و سلاح مومن

است. بعضی هستند می گویند کار از دعا کردن گذشته است همین طرز تفکر را امام

صادق علیه السلام رد می کند و می فرماید:«اُدعُ اللهَ عزَّوجلَّ و لا تَقُل اِنَّ الاَمرَ قَد فُرِغَ مِنهُ»(۴)

خدای عزوجل را بخوان و مگو: کار گذشته است.

زراره می گوید: مقصود آن حضرت این است که ایمان تو به قضا و قدر نباید مانع از

این شود که در دعا کردن پافشاری کنی.

بسیاری از اهل ایمان هستند که علاقه مند به دعا و ذکرند اما استخدام الفاظ ندارند و

قادر به بیان خواسته های مادی و معنوی خویش نیستند پس چه بهتر به مرکز دعا و نیایش

که چهارده معصومند مراجعه کنند و از آن بزرگواران بیاموزند چگونه دعا کردن را و

چگونه ذکر گفتن را

بحمدالله در کتاب های دعا که توسط محدثین عالیقدر شیعه جمع آوری شده و در

ص: ۲۸۴

۱- غافر / ۶۰

۲- فرقان/ ۷۷

۳- بحار، ج ۷۷، ص ۲۰۴

۴- کافی، ج ۲، ص ۴۶۷

راس آن ها زیور آل محمد صحیفه سجادیه عالی ترین مضامین و درخواست ها در همه

زمینه ها مطرح گردیده و در هیچ زمینه جای خالی برای دعا کردن وجود ندارد

در این فصل که عنوان آن دعا و مناجات با خدا در مکتب اهل بیت علیهم السلام مطرح است

فهرستی از بخشی از دعاها و اذکار مجرب به نظر شما خواننده عزیز و گرامی رسانده

می شود تا جمله «هلِ الذِّکرِ - وَ اَدَمتُم ذِکرَهُ» بیشتر روشن شود.

در بین چهارده معصوم علیهم السلام دعاهای زیادی از امام سجاد علیه السلام نقل شده که به صورت

پراکنده در کتاب ها حدیثی ما آورده شده و در اینجا به عناوین و فرازهایی از پنجاه

و چهار دعای صحیفه سجادیه اشاره می کنیم که برای ارائه مطلب کافی به نظر می رسد:

۱.دعای حمد پروردگار:«اَلْحَمْدُ لِلَّه الْاَوَّلِ بِلا اَوَّلٍ کانَ قَبْلَهُ، وَالْاخِرِ بِلا اخِرٍ

یَکُونُ بَعْدَهُ» حمد اختصاص به پروردگاری دارد که اول است و کسی قبل از او نبوده و

آخر است و کسی بعد از او نخواهد بود.

۲.دعای درود و صلوات بر محمد و آل محمد:«اَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ اَمینِکَ

عَلی وَحْیِکَ، وَ نَجیبِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَصَفِیِّکَ مِنْ عِبادِکَ، اِمامِ الرَّحْمَهِ، وَ قائِدِ الْخَیْرِ،

وَ مِفْتاحِ الْبَرَکَهِ» پروردگارا بر محمد که امین وحی ات بود درود فرست همو که از بین

مخلوقاتت برگزیده شد او که رهبر و پیشوای خوبی و کلید برکت بود.

۳. دعای درود بر فرشتگان الهی:«اللّهمَّ و حَمَلَهُ عَرشِکَ الَّذینَ لا یَفترونَ مِن

تِسبیحِکَ... و اِسرافیل... و میکاییل... و جبرئیل... فَصَلِّ علَیهِم و عَلی المَلائِکَهِ

الَّذینَ من دونِهِم» خداوندا حراست کنندگان عرشت فرشتگانی هستند که از تسبیح تو

ناتوان نمی شوند... و اسرافیل... و میکائیل... و جبرئیل... پس همگی آن ها درود فرست

و بر فرشتگانی که از نظر مرتبت و مقام در رتبه پایین تر هستند.

۴. درود بر پیروان پیامبران:» اَللَّهُمَّ وَ اَتْباعُ الرُّسُلِ... مَنْ لَدُنْ ادَمَ اِلی مُحَمَّدٍ - صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَالِهِ مِنْ اَئِمَّهِ الْهُدی، وَ قادَهِ اَهْلِ التُّقی-، عَلی جَمیعِهِمُ السَّلامُ، فَاذْکُرْهُمْ مِنْکَ بِمَغْفِرَهٍ وَ رِضْوانٍ»

ص:۲۸۵

پروردگارا سلام و درود فرست بر پیروان پیامبران از زمان آدم تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که همگی رهبران هدایت و پرهیزکاری بودند و آن ها را از خود به مغفرت و رضامندی یاد کن.

۵. دعا در حق خود و دوستان:«یا مَنْ لاتَنْقَضی عَجآئِبُ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِهِ، وَاحْجُبْنا عَنِ الْاِلْحادِ فی عَظَمَتِ وَ کِدْ لَنا و لاتَکِدْ عَلَیْنا...وَ اجْعَلْنا مِنْ دُعاتِکَ الدّاعینَ اِلَیْکَ، وَ هُداتِکَ الدّآلّینَ عَلَیْکَ، وَ مِنْ خآصَّتِکَ الْخآصّینَ لَدَیْکَ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.»

ای کسی که شگفتی های بزرگی هایش پایان ندارد بر محمد و آل او درود فرست و ما را از منحرف شدن درباره ی عظمت و کبریایی ات بر حذر بدار... خدایا تدبیرت را به سود ما و نه به زیان ما اجرا فرما. خدایا ما را از جمله کسانی قرار ده که ضمن دعوت شدن خود دیگران را نیز به سویت دعوت کنیم و ضمن هدایت یافتن مردم دیگر را به سویت دلالت کنیم و بالاخره از افراد بسیار نزدیک به تو محسوب شویم. ای مهربان ترین مهربانان.

۶. دعا در هنگام صبح و شام:«اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی خَلَقَ اللَّیْلَ وَالنَّهارَ بِقُوَّتِهِ، وَ مَیَّزَ بَیْنَهُما بِقُدْرَتِهِ... وَ وَفِّقْنا فی یَوْمِنا هذا وَلَیْلَتِنا هذِهِ وَفی جَمیعِ اَیَّامِنا لِاسْتِعْمالِ الْخَیْرِ، وَ هِجْرانِ الشَّرِّ، وَ شُکْرِ النِّعَمِ، وَاتِّباعِ السُّنَنِ، وَ مُجانَبَهِ الْبِدَعِ، وَالْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَ حِیاطَهِ الْاِسْلامِ، وَانْتِقاصِ الْباطِلِ وَاِذْ لا لِهِ وَ نُصْرَهِ الْحَقِّ وَاِعْزازِهِ، وَ اِرْشادِ الضّآلِّ، وَ مُعاوَنَهِ الضَّعیفِ، وَ اِدْراکِ اللَّهیفِ»

حمد خدایی را که به قدرتش شب و روز را خلق فرمود و آن ها را از هم متمایز کرد...

الهی ما را در امروز و امشب و در جمیع ایام زندگی برای انجام کار خیر موفق بدار و

نیز برای دوری از شر و شکر نعمت ها و پیروی از سنت ها و اجتناب از بدعت ها و امر به

ص: ۲۸۶

معروف و نهی از منکر و نگهبانی از اسلام و سرکوب باطل و یاری و عزت بخشیدن به حق و هدایت نمودن گمراهان و یاری ضعیفان و دادرسی ستم دیدگان توفیق عطا فرما.

۷. از آنجایی که بیان فرازهای بقیه ی دعاهای پنجاه و چهارگانه صحیفه به درازا می کشد فقط به عناوین آن ها بسنده می کنیم تا به دیگر دعاهای سایر معصومین نیز بپردازیم: دعا در هنگام سختی و غم

۸.استعاذه به پروردگار از رذائل اخلاقی

۹. اظهار شوق برای طلب آمرزش

۱۰.در التجاء به خداوند متعال

۱۱.درباره عاقبت بخیری

۱۲.اعتراف به گناه و درخواست توبه

۱۳.دعا برای برآورده شدن حاجات

۱۴.دعا هنگامی که به انسان ظلم می شود

۱۵.در هنگامی که بیماری یا بلایی به انسان روی می آورد

۱۶.تضرع و زاری به خاطر گناهان

۱۷.پناه بر خدا از وساوس شیطان

۱۸.هنگامی که دفع بلا می شود و خواسته انسان برآورده می گردد.

۱۹.برای طلب یاران

۲۰.مکارم اخلاق

۲۱.در هنگام نگرانی

۲۲.در سختی ها و دشواری ها

۲۳.درخواست سلامتی و شکر آن

۲۴.دعا در حق پدر و مادر

۲۵.دعا در حق فرزندان

ص: ۲۸۷

۲۶.دعا در حق همسایگان و دوستان

۲۷.دعا برای مرزداران

۲۸.برای بریدن از خلق و اتکال بر پروردگار

۲۹.در موقعی که وضع اقتصادی حضرت ضعیف می شد.

۳۰.کمک خواستن برای پرداخت قرض

۳۱.درخواست توفیق توبه

۳۲.دعای بعد از نماز شب

۳۳.دعا برای استخاره

۳۴.هنگامی که گرفتاری ایجاد می شود.

۳۵.رضامندی به داده های خداوند

۳۶.هنگام رعد و برق

۳۷.اقرار به ناتوانب در بجا آوردن شکر

۳۸.معذرت خواهی از سهل انگاری ها درباره ی حقوق افراد و درخواست آزادی از

آتش دوزخ

۳۹.طلب عفو و رحمت پروردگار

۴۰.یاد مرگ

۴۱.تقاضای پوشیدن گناهان از ستارالعیوب

۴۲.دعای ختم قرآن

۴۳.دعا درهنگام نگاه بر ماه شب اول

۴۴.دعا در هنگام ورود به ماه مبارک رمضان

۴۵.هنگام وداع با ماه مبارک رمضان

۴۶.دعای در روز عید فطر و روز جمعه

۴۷.دعا در روز عرفه

ص: ۲۸۸

۴۸.دعا در روز عید قربان و روز جمعه

۴۹.دعا برای دفع شر دشمنان

۵۰.در هنگام ترس و وحشب

۵۱.تضرع و زاری و خضوع به درگاه پروردگار

۵۲.اصرار در تقاضا از پروردگار

۵۳.تذلل در پیشگاه پروردگار

۵۴.درخواست رفع هم و غم از خداوند

دعاهایی که مرحوم محدث قمی رضوان الله تعالی علیه از معصوم نقل کرده و مجرب است و دارای مضامین عالیه است بعضی از آن ها عبارتند از تعقیبات نمازها دعاهای روزهای هفته، دعای صباح امیر المومنین علیه السلام و دعای کمیل حضرت، دعای سمات، جمعه، دعای مشلول،دعای یستشیر، دعای مجیر- جوشن کبیر، سیفی صغیر، دعای توسل، دعای نور، دعای فرج امام زمان (عج)، مناجات خمسه عشر، مناجات منظومه حضرت علی علیه السلام، دعاهای هر روز ماه رجب، صلوات واره در ماه شعبان، مناجات شعبانیه، دعاهای وارده در شب های ماه مبارک رمضان و دعاهای سحرها مثل ابوحمزه ثمالی و غیره و دعاهای شب های قدر، دعاهای روزهای ماه مبارک رمضان، دعای عرفه امام حسین علیه السلام، مناجات علی علیه السلام در مسجد کوفه و صلوات بر چهارده معصوم علیه السلام

اذکار مجربی که از ناحیه اهل بیت علیهم السلام سفارش شده بعضی از آن ها عبارتند از «لا اِلهَ الّا الله، یا حیُ یا قَیوم، لا حولَ و لا قوَّهَ اِلّا باللهِ العَلِّی العَظیم، یا لطیف، یا لا اله الاّ انتَ سُبحانَکَ اِنِّی کُنتُ مِنَ الظّالمینَ، یا اَرحَمَ الراحِمین، سُبُّوحٌ قُدوسٌ ربُّ

الْمَلائِكَةِ و الرِّوح، يا كريم العفو، يا فتاح و غيره»

ص: ۲۸۹

۴۲. دشمنان مستحق نفرین و خزلانند:

«و بَخَعَ کُلَّ مُتَکَبِّرٍ لِطاعَتِکُم و خَضَعَ کُلُّ جَبّارٍ لِفَضلِکُم - مَن اَحَبَّکُم فَقَد اَحَبَّ

اللهِ و مَن اَبغَضَکُم فَقَد اَبغَضَ اللهَ- و عَلی مَن جَحَدَ وِلایَتَکُم غَضَبُ الرَّحمانِ:

و به طاعت شما هر متکبری فروتن شود و هر جبار و سرکشی در برابر فضل شما

خاضع است هر که شما را دوست بدارد بی شک خدا را دوست داشته و هر که کینه ی شما

را داشته باشد با خدا دشمنی کرده است و برای هر کسی که انکار ولایت شما را نماید

غضب خدای رحمان همراه است.

از این جملات جامعه کبیره استفاده می شود که توحید و نبوت با انکار ولایت در

یک روح و دل جمع نمی شود چون این سه ارتباط نزدیک با هم دارند بنابراین آنانی که

مدعی باشند که از دایره اسلام خارج شده و کافر و مشرکند و اسلامشان آن نیست که

خداوند به پیامبر عظیم الشان خود حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تفویض کرد.

جبهه گرفتن در مقابل اهل بیت علیهم السلام جبهه گرفتن در برابر خدا و رسول است چون ائمه

طاهرین برگزیده خدا و رسولند و همگی منصوب از جانب پروردگار متعالند. پس جز

منافق با ایشان دشمنی نکند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی، و اللهِ لا یُحِبُّکَ الّا مومنٌ و لا یُبغِضُکَ الّا

منافقٌ»(۱)

علی جان، به خدا سوگند جز مومن تو را دوست ندارد و جز منافق دشمن تو

نمی باشد

و نیز فرمود:«عدُوُّهُ عَدُوی و وَلیُّهُ وَلیّی و صفیَّهُ صَفّیی، سُرادِقُ الاُمَّهِ و باب

الحِکمَهِ و میزانُ العِصمَهِ لا یَحُبُّه الّا مومنٌ نَقِیٌّ و لا یُبغِضُهُ اِلّا مِنافِقٌ شَقِیٌّ»

۱- امالی مفید، ص ۳۰۷

دشمن علی علیه السلام دشمن من است؛ دوست او دوست من است، برگزیده ی او برگزیده ی من

است. او سایبان امّت در حکمت و ترازوی عصمت است. او را دوست نمی دارد جز

مومن پاکیزه و دشمن نمی دارد جز منافق بدبخت. بعد فرمود:«یَستبشِرُ بِذِکرِهِ

المومنینَ و یَسیء بِذِکرِهِ المنافقونَ و یَمقُتُهُ القاسِطونَ و یُبغِضُهُ الفاسقونَ و یَشنَأهُ

المارِقونَ»(۱) مومنان با یاد او شاد و منافقان با یاد او اندوهگین می گردند. قاسطان ستمگر

با او دشمنی می کنند. فاسقان گنهکار به او کینه می ورزند و مارقان گمراه با او بدرفتاری

می نمایند.

در بین مسلمانان کسانی یافت می شوند که اکثر واجبات را بجا می آورند اما نسبت به

اهل بیت علیهم السلام و به ویژه مولایمان علی علیه السلام کینه دارند بی شک طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

انجام واجبات بر ایشان سودی نخواهد داشت.

«حُبُّ علیٍّ بنِ ابیطالبٍ علیه السلام حَسَنَهٌ لا یَضُرُّ مَعَها سَیِّئَهٌ مَعَ أداءِ الفَرائِضِ و بُغضُهُ

سَیِّئَهُ لا یَنعَعُ مَعَها حَسَنَهُ و لَو اَدَّی الفَرائِضَ»(۲)

مهر و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام حسنه ای است که با انجام فرایض هیچ گناهی به

آن ضرر نمی رساند و بغض و دشمنی با علی علیه السلام گناهی است که هیچ حسنه ای با آن

فایده ندارد گرچه همه ی فرائض نیز انجام داده شود.

روایتی را مرحوم صدوق رضوان الله تعالی علیه از امام باقر علیه السلام نقل می کند که

امیر مومنان علی علیه السلام پس از پایان جنگ با خوارج و نهروان به شهر کوفه بازگشت و خطبه ی

غرّایی را ایراد کرد که فرازی از آن را نقل می کنیم:

«منم که پشت پهلوانان را به خاک مالیدم و سواران آن ها را بر زمین انداخته و به

هلاکت رساندم و هر که به خدای رحمان کفر می ورزید نابودش نمودم

منم داماد بهترین مردم منم سرور جانشینان پیامبران و جانشین برترین پیامبران منم

دروازه ی شهر علم، خزانه دار علم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و وارث او منم همسر بتول بانوی

ص: ۲۹۱

۱- القطره، ج ۲، ص ۳۴۷

۲- ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۸ و بحار، ج ۳۹، ص ۱۴۸

بانوان جهانیان حضرت فاطمه علیهاالسلام آن بانوی پرهیزکار، برگزیده، نیکوکار، هدایتگر، حبیبه ی حبیب خدا و برترین دختران او و از سلاله ی او و ریحانه و گل خوشبوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دو نواده ی او بهترین نوادگان هستند که هر دو فرزند منند که آنان شایسته ترین فرزندان هستند آیا در میان شما کسی هست که آنچه را گفتم قبول نداشته باشد؟!

کجایند اهل کتاب و ادیان گذشته تا به شما بگویند که در انجیل نام من «الیا» و در تورات«برئ» و در زبور«اری» و در میان مردم هندوستان «کبکر» و در میان مردم روم «بطریسا» و نزد فارسیان«جبتر» و در نزد ترکان«بثیر» و در میان مردم زنگیان و سیاهان «حیثر» و در بین کاهنان«بویئ» و در میان مردم حبشه«بثریک» و نزد مادر «حیدره» و در میان عرب«علی» و در نزد ارمینها«فریق» و در نزد پدرم«ظهیر» می باشد.

آگاه باشید من در قرآن مجید نام های ویژه ای دارم بپرهیزید از اینکه آن ها را نادیده بگیرید که در این صورت در دینتان گمراه خواهید شد.

(بعد حضرت به آیات ۱۱۹ توبه،۴۴ تا ۴۶ اعراف، ۳ توبه، ۶۱ عنکبوت، ۳۷- ق، ۱۹۱ آل عمران، ۵۴ فرقان، ۱۲ الحاقه و ۲۹ زمر اشاره کرد و سهم خود را در آن آیات بیان می فرماید) و در ادامه می فرماید: آگاه باشید! من وسیلهٔ آزمایش شما قرار مومنان را آزمایش می نماید و این همان عهد و پیمانی است که پیامبر امّی در مورد من فرموده که:«به راستی دوست نمی دارد تو را جز مومن و دشمن نمی دارد تو را جز منافق...»

بر دوستداران من همین بس که دوست دارند آنچه را که خدا دوست می دارد و بر دشمنان کینه توز من همین بس که کسی را دشمن می دارند که خداوند او را دوست می دارد.

آگاه باشید! به من گزارش رسیده که معاویه به من دشنام داده و مرا لعن نموده است

خداوندا! او را با شدت و سختی در هم کوب و لعنت خود را بر کسی که مستحق آن

است فرود آر، ای پروردگار جهانیان! این را بپذیر، ای پروردگار اسماعیل و مبعوث

کننده ی ابراهیم! که همانا تو ستوده و بزرگواری

آنگاه امیر المومنین علیه السلام از فراز منبر پایین آمد و دیگر بر بالای آن نرفت تا آنکه به

دست ابن ملجم لعنهالله علیه به شهادت رسید.(۱)

حالا بهتر متوجه عبارات ارزشمند جامعه کبیره می شویم که دشمنی با علی و آل

محمد علیهم السلام یعنی دشمنی با خدا و منکر ولایت افتاده در کفر و شرک و جایگاهش در

قعر جهنم

عبدابن عمر می گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره علی بن ابی طالب علیه السلام سوال کرد و

گفتم:

ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه مرتبه و مقامی نسبت به شما دارد؟

آن حضرت خشمگین شده و فرمود: چه شده است گروهی یاد می کنند از کسی که

مرتبه ی او نزد خدا همانند مرتبه من و مقام او مانند مقام من است جز نبوت که مخصوص

من است.

ای پسر عمر، علی علیه السلام نسبت به من به منزله ی روح نسبت به بدن است علی نسبت به من

به منزله ی جان نسبت به جان و به منزله ی نور نسبت به نور است.

«یَابنَ عمر، مَن احَبَّ عَلیّاً فَقَد اَحَبَّنی و مَن اَحبَّنی فقَد احبَّ اللَه، و مَن أبغَضَ

عَلیاً فقَد اَبغَضَنی و مَن اَبغَضَنی فَقَد غَضِبَ اللهُ علیهِ و لَعَنَهُ»

ای پسر عمر، هر کس علی را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست

بدارد خدا را دوست داشته است و هرکس با علی دشمنی کند با من دشمنی کرده و کسی

که با من دشمنی کند خدا را او خشمناک است و او را مورد لعن خود قرار داده است.

ای پسر عمر! به حق آنکه مرا به پیامبری برانگیخت اگر کسی بین رکن و مقام بایستد

و خدا را هزار سال عبادت کند در حالی که روزها را روزه و شب ها را بیدار بماند و به

ص: ۲۹۳

۱- معانی الاخبار، ص ۵۶ و بحار، ج ۳۳، ص ۲۸۲

اندازه ای که زمین را پر کرده باشد طلا انفاق کند و بنده آزاد نماید و بعد از همه اینها

بین صفا و مروه کشته شود سپس در قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که با علی دشمن

است هیچ یک از این اعمال او را خدا نمی پذیرد و با همه اعمالش در آتش افکنده

می شود و با زیانکاران محشور خواهد شد.(۱)

۱- مشارق الانوار، ص ۶۱

۴۳. دولت کریمه از آنِ شماست:

«و یُمَلَّکُ فی دَولَتِکُم - مُرتَقِبٌ لِدَولَتِکُم»

در دولت شما تملک یابم، منتظر دولت کریمه شمایم.

در این قسمت از جامعه کبیره امام هادی علیه السلام به دولت کریمه ای اشاره می فرماید که همه انبیاء و اولیاء و دوستداران عدالت جهانی انتظارش را می کشند و آن جز با دست با کفایت باقیمانده الهی حضرت مهدی ارواح العالمین له الفداء محقق نمی شود.

در دعای افتتاح شب های ماه مبارک رمضان به پیشگاه پروردگار عرض می کنیم:«إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِيمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ»(۱)

خدایا! میل و رغبت داریم به برقراری دولت با کرامتی که در سایه آن اسلام و مسلمین عزت یابند و نفاق و منافقین ذلیل گردند

علت آنکه دولت عصر ولی عصر (عج) کریمه توصیف شده پایبندی آن حضرت به اجرای عدالت جهانی و تقسیم بیت المال به طور مساوی بین مردم و کوتاه کردن دست متجاوزین به حقوق مردم محروم و اجرای احکام تعطیل شده اسلام و سنت حقیقی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

اولین قدم امام زمان علیه السلام در عصر ظهور پاکسازی زمین از وجود ستم و ستمکاران است بی مناسبت نیست که کلام جد بزرگوارش در اینجا بیاوریم که فرمود: خداوند ناگاه به وسیله مردی از ما اهل بیت گشایشی برای مسلمانان به وجود آورد پدرم فدای آن فرزند بهترین کنیزان باد... هم اوست که دشمنان در مدت هشت ماه جز شمشی و کشتار از او چیزی دریافت نخواهند کرد(۲)

کار امام علیه السلام نسبت به ستمکاران به از روی قساوت و سنگدلی است بلکه یک عمل

جراحی است که برای پاکسازی جامعه و بشریت ضرورت دارد و بدون آن بساط ظلم برچیده نخواهد شد و عدالت حاکمیت نیابد.

ص: ۲۹۵

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۷۸

برنامه دون حضرت احیاء احکام تعطیل شده اسلام عزیز و برچیدن بدعت هاست

امام محمد باقر علیه السلام در همین زمینه می فرماید:« گویا می بینم دین شما را همچون پرنده ای که می گریزد و در خون خود می تپد کسی آن را به شما باز نمی گرداند مگر مردی از خاندان ما اهل بیت... در زمان او به حکمت دست می یابید به گونه ای که زن در خانه اش بر اساس کتاب خدا و سنت رسولش صلی الله علیه و آله و سلم داوری می کند»(۱)

و نیز همان حضرت فرمود:«خداوند هرگونه بدعتی را به وسیله او از بین خواهد برد و هر گمراهی را محو و هر سنتی را زنده خواهد ساخت»(۲)

سومین اتفاقی که در دولت کریمه امام عصر علیه السلام رخ می دهد تحول اقتصادی و ایجاد رفاه برای تمام طبقات جامعه است.

و باز امام باقر علیه السلام به همین مناسبت می فرماید: اموال و ثروت های دنیا از درون و بیرون زمین نزد او جمع آوری می شود و به مردم می گوید بیایید به سوی چیزی که به خاطر آن قطع رحم نمودید و برای آن خون های حرام ریختید و به علت آن مرتکب محرمات خدا شدید.(۳)

و چهارمین حرکت در عصر ظهور دگرگونی در علوم مختلف است امام صادق علیه السلام فرمود:«دانش در بیست و هفت حرف و شعبه است و مجموع آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از دو حرف را نمی دانند و چون قائم قیام کند بیست و پنج حرف بقیه را بیرون آورده و در میان مردم منتشر می سازد و بدین ترتیب مجموع بیست و هفت جز دانش را نشر می دهد»(۴)

و در آخر عرض می کنیم در دولت کریمه امام عصر (عج) اسلام و مسلمین عزیز و منافقین و کفار ذلیل خواهند شد به همین علت در دعای ندبه می خوانیم:«اَینَ هادِمُ اَبنیَهِ

الشِّركِ و النِّفاق اَینَ مُبیدُ اَهلِ الفُسوقِ و العُصیانِ و الطّغیان»(۵)

کجاست ویران کننده ی بنیادهای شرک و نفاق کجاست نابود کننده ی اهل فسق و گناه؟!

ص: ۲۹۶

۱- بحار، ج ۵۲،ص ۳۵۲

۲- کافی، ج ۱، ص ۴۱۲

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۱

۴- بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۲

۵- مفاتیح الجنان محدث قمی

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید*** که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید

از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش*** زده ام فالی و فریادرسی می آید

امام صادق علیه السلام درباره عصر امید و روزگاران حکومت مهدی ارواح العالمین له الفداء

می فرماید:« زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند به عدالت حکومت می کند و در دوران

حکومت او در روی کره زمین از ظلم و جور اثری یافت نمی شود راه ها امن می گردد

زمین برکات خود را خارج می سازد، هر حقی به صاحب حق برمی گردد و هیچ پیرو

دینی در روی زمین باقی نمی ماند مگر این که دین اسلام را می پذیرد و ایمان می آورد

آیا نشنیده اید که خداوند سبحان می فرماید:«وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمَوَاتِ وَ

الْأَرْضِ طَوْعًا وَ کَرْهًا وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ.»(۱)

هر کس در آسمان ها و زمین است خواه ناخواه در برابر او تسلیم هستند و همه به

سوی او باز می گردند

حضرت قائم علیه السلام در میان مردم به حکم حضرت داود علیه السلام حکم می کند و نیز به حکم

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. در آن زمان است که زمین گنجینه های خود را آشکار می سازد و

برکت هایش را بیرون می فرستد. دیگر انسان برای صدقه و بخشش محلی پیدا نمی کند

زیرا بی نیازی همه ی مومنان را در برمی گیرد.

سپس فرمود: دولت ما در پایان همه دولت ها خواهد بود(و همه قبل از ما به

حکومت خواهند رسید) و هیچ خاندانی که بخواهند به حکومت برسند باقی نخواهند

ماند مگر اینکه پیش از ما حکومت خواهند نمود، و این بدان جهت است که وقتی راه و

روش ما را دیدند نگویند: اگر ماهم به حکومت می رسیدیم مانند اینها به عدالت رفتار

می نمودیم و این است معنای قول خدای تعالی که فرموده است:«وَ العاقِبَهُ لِلمتَّقین»

سرانجام کار، از آنِ پرهیزکاران است»(۲)

دولت کریمه امام عصر روحی له الفداء با وعده الهی محقق می شود و دقیقاً طبق نصّ

ص: ۲۹۷

۱- آل عمران / ۸۳

۲- غیبت شیخ طوسی، ص ۲۸۲

صریح قرآن به وقوع خواهد پیوست.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا

اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ

بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»(۱)

خداوند به آنانی که از شما ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده اند وعده

می دهد که در روی زمین جانشینشان کند، همان طور که پیشینیان را نیز جانشین کرد و

دینشان را که برای آن ها پسندیده مستقر سازد بعد از نگرانی ها ترس آنان را به امنیت

مبدل خواهد نمود.

از امام سجاد علیه السلام روایت شده وقتی این آیه را تلاوت کرد، فرمود: ایشان به خدا

سوگند شیعیان ما اهل بیتند که خدا این وعده خود را در حق ایشان به وسیله مردی از ما

مطالبه خواهد کرد و او مهدی این امت است«مَهدیُّ هذه الاُمَّهِ و هو الَّذی قالَ رَسولُ

الله صلی الله علیه و آله و سلم لَو لَم یَبقِ مِنَ الدُّنیا الّا یَومٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذلکَ الیَومَ حَتّی یَلی رَجُلٌ مِن

عِترَتی اِسمُهُ اِسمی یَملأ الارضَ عَدلاً و قِسطاً کَما مُلِئَت ظُلماً و جَوراً »(۲)

او کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره اش فرمود: اگر از دنیا نماند مگر یک روز

خدا آن روز را آنقدر طولانی می کند تا مردی از عترتم قیام کند که نامش نام من است

زمین را پر از عدل و داد کند آنچنان که پر از ظلم و جور شده باشد

در ذیل آیه مورد نظر سوره مبارکه نور از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده که این آیه

مربوط به زمانی است که از اسلام جز اسمی باقی نخواهد ماند و از قرآن جز رسمی و

صاحب الامر به علت عذری که دارد و به علت آلوده شدن قلب ها به فتنه ها تا جایی که

نزدیکترین افراد به آن حضرت دشمن ترین است آن حضرت غایب خواهد بود تا اینکه

پروردگار با لشکریان غیبی خود او را تایید می کند و دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر همه ادیان غلبه می دهد اگر چه مشرکان ناراحت شوند»(۳)

ص: ۲۹۸

۱- ور/ ۵۵

۲- مجمع اللبیان، ج ۷، ص ۱۵۲

۳- تفسیر برهان، ج ۳،ص ۱۴۶

نکته مهم در دولت کریمه امام عصر (عج) آرامش و امنیت واقعی است که برقرار

می شود چنانکه در آیه آمد«وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم اَمناً »

امروزه شاهد ناامنی ها در سطح جهان هستیم امنیت شغلی خانوادگی و امنیت راه ها

و جاده ها روز به روز ضعیف و کم می شود با اینکه میلیون ها انسان مامور حفاظت بر

آن ها هستند.

درصد قتل ها و سرقت ها و تصادفات رو به افزایش است. تردید نداریم که به همان

نسبت که انسان ها از دین و معنویت فاصله گرفته اند و ترس از خدا و حساب روز قیامت

کمرنگ شده آمار جنایات و تجاوزات به مال و جان و ناموس مردم افزایش یافته است

هنگامی که دولت امام زمان (عج) برقرار گردد چنان امنیتی در سطح جهان برقرار

می شود که حتی به حیوانات آزار نمی رسانند.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند به واسطه ی ولایت و عدالت

او آسمان آنچنان که باید ببارد می بارد و زمین نیز می روید و کینه از دل های بندگان

زدوده می شود و میان حیوانات درنده و اهلی آشتی برقرار می شود به گونه ای که یک

زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هرجا قدم می گذارد

همه سبز و خرم است و بر روی سرش زینت هایش را گذارده و هیچ کس او را آزار ندهد

و نترساند»(۱)

از این نوع روایات استفاده می شود امنیت غالب در عصر ظهور بر اساس حقیقت

است. به امید آن روزی که برقراری دولت کریمه را ببینیم و شاهد باشیم که همه جای

دنیا صلح و صفا حاکم است و مال و جان و ناموس و آبروی مردم مورد هجوم هیچ

فردی قرار نمی گیرد و همه مردم عالم در نهایت امنیت در راه رشد و کمال خویش گام

برمی دارند

هله ای امیدواران به امید خود رسیدید*** که صلای رحمت از حضرت بی نیاز آمد

ص: ۲۹۹

۱- تحف العقول، ص ۱۰

حرف – ر:

۴۴. رحمت دائمی خدایید:

«وَ الرَّحمَهُ المَوصولَهُ »: رحمت متصل و دائمی پروردگارید.

وجود مبارک چهارده معصوم از هر نظر مجموعه ای از رحمت واسعه ی الهیه اند از ناحیه این بزرگواران چه انسان هایی که از هلاکت واقعی رهایی می یابند در دنیا واسطه ی فیض از مبدء فیاض هستند و به طور دائم برکات الهی را شامل حال بندگان پروردگار می کنند و در آخرت هم بین گنهکاران امت و خداوند باز باعث ریزش رحمت الهی می گردند و شفاعت می کنند البته گنهکارانی که مهر و علاقه این دودمان را در دل داشته باشند و گناهانشان در حدی نباشد که زمینه شفاعت را در آن ها خشکانده باشد مثل ترک بعضی واجبات چون نماز و روزه و حج و جهاد و یا اینکه خون مومنی را بناحق ریخته باشند و قصاص نشوند و توبه نکنند

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:«کسی که به ما متوسل شود به ما ملحق می گردد و هر که غیر از راه ما را بپیماید غرق می شود «لِمُحِبِّینا اَفواجٌ مِن رَحمهِ الله» برای دوستان ما فوج هایی از رحمت خدا و برای دشمنان ما فوج هایی از خشم و غضب خداست»(۱)

«مَن سَرَهُ اَن یَجمَعَ اللهُ لَهُ الخَیرَ کُلُّه فَلیُوالِ عَلیّاً بَعدی و لیُوالِ اَولیاءَهُ و لیُعاءَ اَعداءَهُ»(۲)

ص: ۳۰۱

۱- خصال صدوق، ج ۲، ص ۶۲۵

۲- امالی صدوق، ص ۵۶۰

کسی که دوست دارد خداوند متعال همه ی خیرات را برای او جمع کند پس علی علیه السلام

را پس از من دوست بدارد و نیز دوستان او را دوست و دشمنان او را دشمن بدارد

محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:«خداوند متعال را

آفریده هایی است که آن ها را از نور و رحمت خود برای رحمتش آفریده است آنان

چشم بینای خدا گوش شنوای او و زبان گویای او در میان مردم به اجازه ی خدا هستند

آنان امینان او بر آنچه نازل شده هستند

خداوند به واسطه ی آن ها گناهان را می بخشد و به وسیله ی آن ها ستم دفع می شود و به

برکت آن ها رحمت الهی نازل می گردد و به واسطه ی آن ها مرده زنده و زنده می میرد و به

وسیله ی آن ها مردم آزمایش می شوند و به واسطه ی آن ها در میان مردم حکم و قضای خود

را اجرا می نماید عرض کردم قربانت گردم اینان چه کسانی هستند؟

فرمود: آنان اوصیاء و جانشینان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند»(۱)

کسانی که دنبال کلید رحمت خدایند و می خواهند موجبات رحمت حق تعالی را

فراهم سازند راهی جز ارتباط با اهل بیت علیهم السلام ندارند چون طبق روایت جابربن عبدالله

انصاری از رسول مکرم اسلام کلیدهای رحمت الهی چهارده معصومند:

«نخستین چیزی که خدای متعال آفرید نور من بوده که آن را از نور خود پدید آورد

و از جلال عظمت خود جدا کرد»

پس نور من شروع به طواف قدرت الهی نمود تا اینکه در طول هشتاد هزار سال به

جلال عظمت الهی رسید آنگاه برای تعظیم خدا به سجده افتاد و از آن نور علی علیه السلام

جدا گردید پس نور من محیط بر عظمت الهی و نور علی علیه السلام محیط بر قدرت او بود

آنگاه خدای متعال عرش، لوح، خورشید، نور،روز، نوردیدگان، عقل، معرفت و

چشم های مردم و گوش ها و دل های آنان را از نور من آفرید و نور من از نور خدای

سبحان جدا گردیده است

پس ماییم اولین، آخرین، سابقین و ماییم تسبیح کنندگان و ماییم شفاعت کنندگان، ما

ص: ۳۰۲

۱- توحید صدوق، ص ۱۶۷ و بحار، ج ۲۶، ص ۲۴۰

کلمه ی خدا هستیم و ما خاصّان و برگزیدگان اوییم. ما دوستان خداییم و ما وجه الله

جَنب الله و یمین الله هستیم

ما امینان خداییم، ما خزانه داران وحی او و ما پرده داران و حاجیان غیب او هستیم

ما معدن تنزیلیم و معنای تاویل نزد ماست و جبرئیل در خانه های ما فرود می آید و ما

محل آمد و شد امر خدا و نهایت غیب او هستیم

ما جایگاه قدس خدا چراغ های حکمت کلیدهای رحمت سرچشمه های نعمت

باعث شرافت مردم و بزرگان پیشوایان امت هستیم

ما نوامیس عصر، دانشمندان دهر، سروران مردم، سیاستمداران جهان، کفایت

کنندگان فرمانداران حامیان و ساقیان و راعیان و راه های نجات مردم هستیم. ما راه و

سرچشمه سلسبیل و راه پایدار و مستقیم هستیم.

«مَن آمَن بِنا آمَنَ باللهِ و مَن رَدَّ عَلَینا رَدَّ علی اللهِ، و مَن شَکَّ فِینا شَکَّ فی

اللهِ و مَن عَرَفنا عَرَفَ اللهُ و مَن تَولیّ عَنّا تَولیّ عَنِ اللهِ و مَن اَطاعَنا اَطاعَ اللهِ»

کسی که به ما ایمان بیاورد و به خدا ایمان آورده و کسی که ما را رد کند خدای را رد

کرده است کسی که در مورد ما تردید کند به خدا تردید نموده است کسی که ما را

بشناسد خدا را شناخته و کسی که از ما رویگردان باشد از خدا رویگردان شده است

کسی که از ما اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است

«وَ نَحنُ الوَسیلَهُ اِلی اللهِ و الوُصلَهِ اِلی رِضوانِ اللهِ و لَنا العِصمَه و الخلافه

و الهِدایَهِ و فینا النُّبوَّهِ و الوِلایَهِ و الاِمامَهِ و نَحنُ مَعدِنُ الحِکمَهِ و بابُ الرَّحمَهِ و

شَجَرَهُ العِصمَهِ و نَحنُ کَلِمَهُ التَّقوی و المَثَلُ الاَعلی و الحُجَّهُ العُظمی و العُروَهُ

الوُثقی الَّتی مَن تَمَسَّکَ بِها نَجا»(۱)

ما وسیله به سوی خدا و رساننده به رضوان او هستیم عصمت، خلافت و هدایت از

آن ماست. نبوت ولایت و امامت در میان ماست.

۱- بحار، ج ۲۵،ص۲۲

ما معدن حکمت، باب رحمت، شجرهٔ عصمت هستیم کلمه ی تقوا و مثل اعلاء حجت

کبری و عروهالوثقی - که هر کس به آن چنگ زند نجات یابد - ما هستیم

وَ الرَّحمَهُ المَوصولَهُ: رحمت دائمی پروردگارند اتصال رحمت خدا با این خانواده

قطع شدنی نیست از ابتدای خلقت و بلکه قبل از خلقت موجودات وصل به رحمت

واسعه الهیه بوده اند تا آن زمان که دست دوستانشان را بگیرند و وارد بهشت کنند. به

تعبیر امام باقر علیه السلام اهل بیت خانه رحمت خدایند:

«نَحنُ شَجَرَهٌ أصلُها رَسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم و فَرعُها عَلیُّ بن اَبی طالِبٍ علیه السلام و اَغصانُها

فاطِمَهُ بِنتِ النَّبیِّ صلی الله علیه و آله و سلم و ثَمَرَتُها الحَسَنُ و الحُسَینُ علیهما السلام»

ما درختی هستیم که ریشه اش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، تنه اش علی بن ابی طالب علیه السلام

شاخه هایش فاطمه دختر پیامبر علیهاالسلام و میوه اش حسن و حسین علیهماالسلام است.

از شجره ی نبوت خانه رحمت کلید حکمت معدن علم و دانش جایگاه رسالت

محل آمد و رفت فرشتگان موضع سرّ خدا و ودیعه ی او و امانتی است که برآسمان ها و

زمین و کوه ها عرضه شد حرم خدای اکبر و بیت عتیق خدا و پیمان او هستیم.

علم مرگ و میرها، پیشامدها، وصیت ها و فصل خطاب زادگاه اسلام و نژاد

عرب نزد ماست.

امامان معصوم علیهم السلام انوار درخشان در پیرامون عرش خدا بودند خدای متعال دستور

داد تا تسبیح نمایند. اهل آسمان ها از تسبیح آن ها به تسبیح مشغول شدند آنان در

پیشگاه خدای متعال صف زدگان و تسبیح کنندگان هستند. کسی که به پیمان آن ها وفا

نماید در واقع به پیمان خداوند وفا نموده است و کسی که عارف به حق آنان باشد در

واقع عارف به حق خداست آنان عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند و کسی که منکر حق

ایشان باشد در واقع منکر حقّ خداست.»(۱)

ص: ۳۰۴

۱- تفسیر فرات کوفی، ص ۳۹۵ و بحار، ج ۲۳، ص ۲۴۴

۴۵. رجعت شما مورد تصدیق ماست:

«مُصَدِّقٌ بِرَجعَتِکُم مُنتَظِرٌ لِاَمرِکُم»:

رجعت شما مورد تصدیق و قبول ماست و ما منتظر اجرای فرمان شماییم.

اعتقاد به رجعت به طور کلی برگرفته از قرآن شریف است و قبل از آنکه بعد از وجود نازنین امام عصر روحی له الفداء بعضی از امامان معصوم دوباره به دنیا برگردند و حکومت کنند در تاریخ گذشته برای انبیاء و اولیاء اتفاق افتاده است.

خطاب به قوم بنی اسرائیل می فرماید:«وَ إِذْ قُلْتُمْ یَا مُوسَی لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتَّی نَرَی اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْکُمُ الصَّاعِقَةُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ؛ ثُمَّ بَعَثْنَاکُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ»(۱)

و به یاد آورید زمانی را که گفتند ای موسی! تو را باور نکنیم تا خدا را آشکار ببینیم!

و صاعقه شما را بگرفت و آن را با چشم خود دیدید.

آنگاه شما را بعد از مردنتان زنده کردیم، شاید شکر کنید.

در همین سوره خداوند تبارک و تعالی داستان عُزیر پیامبر و رجعت او را به دنیا نقل می فرماید:

«أَوْ کَالَّذِی مَرَّ عَلَی قَرْیَةٍ وَهِیَ خَاوِیَةٌ عَلَی عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّی یُحْیِی هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ کَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ یَوْمًا أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَی طَعَامِکَ وَشَرَابِکَ لَمْ یَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَی حِمَارِکَ وَ لِنَجْعَلَکَ آیَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَی الْعِظَامِ کَیْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَکْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَیَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ»(۲)

یا مثل آنکه (عُزیر) از کنار روستایی عبور می کرد در حالی که دیوارها و سقف های

آن فرو ریخته بود و از سکنه خالی بود. از روی تعجب گفت: خداوند اینها را بعد از

ص: ۳۰۵

۱- بقره / ۵۵و۵۶

۲- بقره /۲۵۹

مرگ چگونه زنده می کند؟!

پروردگار صد سال او را (عُزیر) میراند و بعد او را زنده کرد و به او فرمود: چقدر بوده ای؟ گفت: یک روز یا بخشی از روز. فرمود: بلکه صد سال مرده بوده ای، به غذا و آب خود بنگر هنوز تغییر نکرده و به الاغ خود نیز بنگر. تو را برای مردم نشانه ای قرار دادیم و بنگر به استخوان ها و ببین چگونه آن ها را برمی داریم و به هم پیوند می دهیم و گوشت بر آن ها می پوشانیم. وقتی حقیقت برایش روشن شد گفت: دانستم که خداوند بر همه چیز تواناست.

موضوع سومی که در باب رجعت قرآن بدان استشهاد می نماید اصحاب کهف هستند که داستان آن ها از آیه ۹ سوره مبارکه کهف آغاز می شود و به آیه ۲۹ ختم می گردد و در این مقال به متن ترجمه آیات مربوطه می پردازیم:

«آیا گمان کردی از جمله آیات ما داستان اصحاب کهف و رقیم شگفت انگیز بوده اند به یاد آور زمانی را که آن جوانان به غار پناه بردند و گفتند: پروردگارا! ما را از جانب خویش رحمتی عطا کن و برای ما وسیله ی رشد و تعالی فراهم ساز.

آنگاه ما در غار بر گوششان زدیم و سال ها در خواب رفتند. سپس آن ها را بیدار کردیم تا بدانیم کدام یک از آن دو گروه مدت خواب خود را بهتر حساب کرده اند ما داستان آن ها را بر اساس حق برای تو نقل می کنیم. آن ها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم و دل های آنان را قوی کردیم در آن هنگام که قیام کردند و گفتند: پروردگار ما خدای آسمان ها و زمین است و هرگز غیر از او خدایی را نمی خوانیم که در غیر این صورت به راهی خطا رفته ایم.

اینها مردم ما هستند که خدایانی غیر از خدای یکتا برگزیده اند چرا آن ها دلیل

روشنی درباره ی آن ها نمی آوردند؟ پس چه کسی از آنکه به خدا نسبت دروغ می دهد ستمگرتر است. هنگامی که از این مردم و آنچه غیر خدا می پرستند کناره گیری کردید به غار پناهنده شوید تا پروردگارتان رحمت خویش بر شما بگستراند و برای شما در کارتان

ص: ۳۰۶

گشایشی فراهم نماید.

و خورشید را مشاهده می کنی که هنگام طلوع در طرف راست آن ها قرار دارد و هنگام غروب در سمت چپ بگردد و اینها در محل وسیعی از آن غار قرار داشتند. این از نشانه های الهی است. هر که را خداوند هداست کند هدایت یافته ی واقعی است و هر که را خدا گمراه سازد، برای او یار و ارشاد کننده ای نخواهد یافت.

خیال می کردی بیدارند ولی درخواب بودند. آن ها را به پهلوی راست و چپ می گرداندیم و سگ آن ها دست های خود را بر در غار گشوده بود. اگر به آن ها نظر می انداختی با ترس و وحشت فراوان پا به فرار می گذاشتی

و این گونه بود که بیدارشان کردیم تا از یکدیگر سوال کنند. یکی گفت: چه مدت در غار بوده اید؟ پاسخ دادند: یک روز یا حتی بخشی از روز. گفتند: پروردگارتان از مدت حضورتان در غار آگاهتر است.

یکی را با این پول خود به شهر بفرستید تا مشاهده شود کدام طعام پاکیزه تر است و خوراکی از آنجا برای شما بیاورد و سخت دقت کند و کسی را از کار شما آگاه سازد. اگر آنها از وضع شما آگاه شوند شما را سنگسار می کند یا اینکه به دین خود برگردانند و دیگر روی سعادت را نخواهید دید.

و بدین طریق مردم را از حال اصحاب کهف آگاه کردیم تا بدانند که وعده ی الهی حق است و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست.

هنگامی که بین خود در کار آن ها نزاع داشتند و می گفتند: در جای آن ها بنایی بسازید پروردگارشان از وضع آن ها آگاه تر است و آن هایی که از کارشان آگاه شده بودند گفتند: ما مسجدی در کنارشان می سازیم.

خواهند گفت: اصحاب کهف سه نفر بودند و چهارم آن ها سگشان بود و گویند: پنج نفر بودند و ششم آن ها سگشان بود. تیر انداختن در تاریکی است و گفتند: هفت نفر بودند و هشتم آن ها سگشان بود. بگو: خدای من از تعدا آن ها آگاه تر است. جز گروه

ص: ۳۰۷

کمی تعداد آن ها را نمی دانند. درباره ی آن ها مجادله نکن. جز آنکه هر چه به ظاهر دانستی اظهار کن و هیچ فتوایی در این باره از هیچ کس مپرس. و هیچ گاه مگو که من این کار را فردا انجام خواهم داد، مگر آنکه گویی: اگر خدا بخواهد. هنگامی که گرفتار فراموشی شدی پروردگارت را یاد کن و بگو: شاید که پروردگار مرا به راهی روشن تر از این هدایت کند.

اصحاب کهف در غارشان سیصد سال به اضافه نه سال آرمیدند. بگو: خداوند بهتر می داند چه مدت در غار آرمیدند زیرا که غیب آسمان ها و زمین از آن اوست. راستی که چه بینا و چه شنواست. هیچ سرپرستی جز او ندارند و خدا هیچ کس را در فرمان دادن شریک قرار نمی دهد.

از این سه قصه قرآنی دریافتیم که رجعت حقیقت دارد و می تواند جزو اعتقادات محکم ما باشد و اگر در جامعه کبیره می خوانیم که «مُصَدِّقٌ بِرَجعَتِکُم» رجعت شما را تصدیق می کنیم چون دلیل قرآنی بر این ادعا داریم و امام معصوم حضرت هادی علیه السلام هم بر اساس استدلال قرآنی چنین موضوعی را درباره اهل بیت بیان فرموده است.

در دعای عهد با امام عصر (عج) که با این مقدمه آغاز می شود به مسئله رجعت عده ای از دوستان اهل بیت و یاوران اما زمان علیه السلام گوشزد شده است:

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که هر کس چهل صبح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند.

امام علیه السلام بعد از نقل فرازهایی از دعا عرضه می دارد:«اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ

الْمَوْتُ الَّذِی جَعَلْتَهُ عَلَی عِبَادِکَ حَتْماً مَقْضِیّاً فَأَخْرِجْنِی مِنْ قَبْرِی مُؤْتَزِراً کَفَنِی

شَاهِراً سَیْفِی مُجَرِّداً قَنَاتِی مُلَبِّیاً دَعْوَهَ الدَّاعِی فِی الْحَاضِرِ وَ الْبَادِی»(۱)

ص: ۳۰۸

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

خدایا اگر مرگی که برای تمام بندگانت مقرر فرموده ای و حتمی است بین من و امام

زمان (عج) جدایی انداخت در هنگامه ظهور مرا از قبر بیرون آور در حالی کفن پوشم و

اسلحه بر دوش و نیزه ام آماده بلی بلی گویان به دعوت آن دعوت کننده در میان

شهر نشین و بیابان نشین باشم.

در جای دیگر همان حضرت می فرماید: هنگامی که قائم ظهور کند«اَتَی المُومنُ

فی قَبرِهِ فَیُقالُ لَهُ: یا هذا، اِنَّهُ قَد ظَهَرَ صاحِبُک، فَاِن تَشَأْ اَن تَلحَقَ بِهِ فَالحَق و اِن

تَشَأ اَن تُقیمَ فی کَرامَهِ رَبِّکَ فَاقِم»(۱)

در قبر مومن گفته شود: ای فلان!آقایت ظهور کرده است اگر خواهی به او ملحق

شوی برخیز و ملحق شو و اگر خواهی که در جوار کرامت پروردگارت بمانی بمان

در بیانی جالب تر همان حضرت می فرماید:«چون زما قیام قائم ما فر رسید در ماه

جمادی الآخر و ده روز از رجب چنان بارانی ببارد که مردم مانند آن را ندیده باشند

پس خداوند به سبب آن باران گوشت و استخوان مومنان را در قبرهایشان برویاند. گویی

آنان را می نگرم که از طرف جهینه می آیند و گرد و غبار موهایشان را می تکانند»(۲)

و نیز همان بزرگوار فرمود:«و اللهِ لا تَذهَبُ الاَیّامُ و اللَّیالی حَتّی یُحییَ اللهُ

المَوتی و یُمیتُ الاَحیاءَ، و یَرُدُّ الحَقَّ اِلی اَهلِهِ و یُقیمَ دینَهُ الَّذی ارتَضاهُ لِنَفسِهِ»(۳)

به خدا سوگند که روزها و شب ها به سر نیاید تا آن که خداوند مردگان را زنده کند و

زندگان را بمیراند و حق را به اهلش بازگرداند و دین برگزیده ی خود را برپا دارد. طبق

فرمایش همان حضرت: همراه قائم علیه السلام بیست و هفت نفر از پشت کوفه ظهور می کنند

پانزده تن آنان از قوم موسی علیه السلام هستند همانان که به راه حق هدایت می کردند و به

عدالت فرامی خواندند. هفت نفر از اصحاب کهف هستند و نیز یوشع بن نون و سلمان و

ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر که همگی در خدمت او و از یاران و کارگزاران

ص: ۳۰۹

۱- الغیبه شیخ طوسی، ص ۴۵۹

۲- بحار، ج ۵۳، ص ۹۴و ص ۱۰۲ و ص ۹۰

۳- بحار، ج ۵۳، ص ۹۴و ص ۱۰۲ و ص ۹۰

وی هستند.(۱)

امام باقر علیه السلام می فرمود:«گویی عبدالله بن شریک عامری را می بینم که با عمامه ای

سیاه و دو زلف فروافتاده در میان شانه هایش با چهار هزار تکبیر گوی رجعت کننده در

دامنه ی کوه در خدمت قائم ما اهل بیت ایستاده اند»(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: از خداوند مسألت دارم که اسماعیل را بعد از من زنده بدارد

نپذیرفت اما این منزلت را به من ارزانی داشت که اسماعیل نخستین بار از ده یاور او (قائم

عج) باشد که زنده می شود. یکی دیگر از آن یاوران عبدالله بن شریک است که

پرچمدار وی می باشد.(۳)

و درباره ی رجعت معصومین علیهم السالم امام باقر علیه السلام به بکیر بن اعین فرمود:«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و

علی علیه السلام رجعت خواهند کرد»(۴)

امام صادق علیه السلام فرمود:«اَوَّلُ مَن تَشَقُّ الاَرضُ عَنهُ و یَرجَعُ اِلیَ الدُّنیا الحُسَینَ بنُ

علیٍّ علیه السلام»(۵)

نخستین کسی که زمین به روی او شکافته می شود و به دنیا برمی گردد حسین بن

علی علیه السلام است.

خود امام حسین علیه السلام می فرماید:«اَکوُ اَوَّلَ مَن یَتشَقُّ الارضَ عَنهُ فَاخرُجُ خَرَجَةً

یُوافِقُ ذلکَ خَرَجَةَ اَمیرالمونینَ و قیامَ قائِمِنا»(۶)

من نخستین کسی هستم که زمین شکاف می خورد و از آن بیرون می آیم و این

همزمان است با رجعت امیر المومنین و قیام قائم ما.

باز درباره ی امام حسین علیه السلام و رجعت آن حضرت آمده که امام صادق علیه السلام فرمود:

« اَوَّلَ مَن یَرجِعُ اِلیَ الدُّنیا الحُسینُ بنُ علیٍّ علیه السلام فَیُمَلَّکُ حَتّی یَسقُطَ حاجِباهُ عَلی

عَینَیهِ مِنَ الکِبَرِ»(۷)

ص: ۳۱۰

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۶۴و ۷۶و ۴۰و ۳۹و ۴۷

۲- بحار، ج ۵۳، ص ۶۴و ۷۶و ۴۰و ۳۹و ۴۷

۳- بحار، ج ۵۳، ص ۶۴و ۷۶و ۴۰و ۳۹و ۴۷

۴- بحار، ج ۵۳، ص ۶۴و ۷۶و ۴۰و ۳۹و ۴۷

۵- بحار، ج ۵۳، ص ۶۴و ۷۶و ۴۰و ۳۹و ۴۷

۶- بحار، ج ۵۳، ص ۶۴و ۷۶و ۴۰و ۳۹و ۴۷

۷- بحار، ج ۵۳، ص ۶۴و ۷۶و ۴۰و ۳۹و ۴۷

نخستین کسی که به دنیا برمی گردد حسین بن علی علیه السلام است او چندان فرمانروایی می کند که بر اثر پیری ابروانش بر روی چشمانش فرو می افتد.

این روایت پایانی را با دقت بخوانید: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند درباره ی آیه شریفه«و حَرامٌ عَلی قَریَهٍ اَهلَکناها اَنَّهُم لا یَرجِعون» و قریه ای را که به هلاکت رسانده ایم محال است که بازگشتی داشته باشند هر قومی که خداوند با عذاب نابود کرده باشد در هنگام رجعت بر نمی گردند این آیه بزرگ ترین دلیل بر رجعت است زیرا هیچ مسلمانی منکر بازگشت همه مردم در قیامت نیست چه آن هایی که با عذاب به هلاکت رسیدند چه آن هایی که هلاک نشده باشند. پس مقصود از این سخن خدای تعالی که «بازگشتی ندارد» رجعت است اما در قیامت دوباره زنده می شوند تا (به کیفر گناهان خود) به دوزخ روند»(۱)

۱- بحار، ج ۵۳، ص۷۳

۴۶. راه رشد و تعالی در اجرای فرمان شماست:

« وَ اَمرُکُم رُشدٌ- و اِلی سَبیلِهِ تُرشِدونَ»

فرمان شما باعث رشد و تعالی می شود- و شما به سوی خداوند مردم را ارشاد می نمایید.

این دوجمله ای است که در جامعه کبیره باید بیشتر قابل توجه کسانی قرار گیرد که در مقام ارشاد خلق اند.

امام سجاد علیه السلام یکی از درخواست هایش از پیشگاه پروردگار برای خود و جمیع اهل ایمان «اِرشادُ الضّالٌ» است هدایت نمودن گمراهان

این امر خطیر و بزرگ در مرحله نخست کار انبیاء و ائمه طاهرین علیهم السلام است و بعد بر هر فرد مسلمان متعهد و متدین فرض و لازم است که از گمراهان دستگیری کرده و آن ها را به راه رشد دعوت کنند

درباره وظیفه پیامبران الهی امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:« رُسُلُ اللهِ سُبحانَهُ تَراجِمَهُ الحَقِّ و السُّفَراءُ بَینَ الخالِقِ و الخَلقِ »(۱)

پیامبران خدای سبحان مترجمان حق و سفیران میان آفریدگار و آفریدگان هستند

روش ارشاد هر طبقه جامعه مخصوص به خود است مثلاً قشر جوان را باید به زبان خودشان ارشاد کرد و میان سال و سالخورده را فراخور حالشان و همه را یکسان نباید ارشاد نمود که قطعا جواب نمی دهد

خطری که امروز نسل جوان را تهدید می کند از دست دادن اصول ایمان و اخلاق است برای مسائل اقتصادی و تحصیل علم و دانش آن ها خیلی جای نگرانی نیست زیرا فضای آکنده از ترغیب تشویق جوانان به پرداختن به مادیات و فراگیری دانش غالبا به

یکی از آن دو اشتغال دارند.

چیزی که جای نگرانی و تاسف دارد بی تفاوتی آن ها نسبت به تعهدات دینی و

ص: ۳۱۲

۱- غررالحکم / ۵۴۳۳

اخلاقی است! اگر جوانان ما در آمد خوبی داشته باشند و یا کوه علم و دانش شوند تا ایمان و اخلاق نداشته باشند و آراسته به یک سلسله فضایل اخلاقی نگردند گرهی را برای مملکت و اجتماع باز نخواهند کرد.

بنابراین خوب است در مرحله نخست پدران و مادران و بعد متولیان فرهنگی یک فکر اساسی برای رهایی جوانان از دام های شیاطین بنمایند.

نکاتی را عرض می کنم که بی تاثیر در ارشاد نسل جوان نیست:

۱. تلاش کنید گناهانشان را تصریح نکنید وقتی تذکر اخلاقی می دهید با کنایه و اشاره بگویید چون تصریح به گناهشان سبب گستاخی و جرات بیشتر آن ها می شود

به یک نمونه از سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در ارشاد جوان عنایت کنید: جوانی از جوانان تازه مسلمان عادت زشت زمان جاهلیت را ترک نکرده بود و همچنان با زن های ناپاک در خارج شهر مکه ارتباط داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از قضیه باخبر شد و تصمیم گرفت به هر نحوی که شده این عدت بد را از سر او بیندازد.

یک بار که از خارج شهر می آمد سر راهش قرار گرفت و به او فرمود: جوان کجا بودی؟ عرض کرد شترم گم شده بود رفتم پیدا کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: امیدوارم دیگر در بیابان شتر گم نکنی!

مدتی از این قضیه گذشت بار دیگر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اطلاع دادند که فلان جوان را در همان محله های بدنام مشاهده کرده اند. بار دیگر پیامبر سر راهش قرار گرفت ولی تا از دور چشمش به پیامبر افتاد به خود گفت در گذشته گفتم شترم گم شده بود این بار جواب آن گرامی را چه بگویم.

چاره ای اندیشید و آن ایستادن به نماز بود تا شاید پیامبر رهایش کند ولی هرچه

نماز خواند نتیجه ای نگرفت تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به وی فرمود: ای جوان من مصمم شده ام که تو دیگر در بیابان شتر گم نکنی!(۱)

۱- انوار البهمّه، ص ۷۶

ملاحظه فرمودید که رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم بدون آنکه گناه او را تصریح کند در مقام اصلاح و ارشاد وی بر آمد.

علی علیه السلام می فرمود:«اِذا عاتَیتَ الحَدَثَ فَاترُک لَهُ مَوضِعاً مِن ذَنبِهِ لِئَلّا یَحمِلَهُ الاِخراجُ عَلی المُکابِرَهِ »(۱)

موقعی که جوان نورسی که به سبب گناهانی که مرتکب شده است نکوهش می کنی مراقب باشد که قسمتی از لغزش هایش را نادیده انگاری و از تمام جهات مورد اعتراض و توبیخش قرار ندهی تا جوان به عکس العمل وادار نشود و نخواهد از راه عناد و لجاج بر شما پیروز گردد.

۲. محیط آموزشی جوانان را پاکیزه نگه دارید: بعضی از صفات خوب یا بد را از مربیان و فضای حاکم در مراکز آموزشی فرا می گیرند بنابراین لازم است مسئولین امر برای رشد و تعالی نسل جوان فضای مدارس و مراکز فرهنگی را از لوث گناه و لغزش های اخلاقی تطهیر کنند تا این نهال های نورس درست رشد نمایند.

مولایمان علی علیه السلام خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمود:«اِنّما قَلبُ الحَدَثِ کَالاَرضِ الخالِیهِ ما اُلقِیَ فیها مِن شَیىءٍ قَبِلَتهُ فَبادَرتُکَ بِالاَدَبِ قَبلَ اَن یَقسُوَ قَلبُکَ و یَشتَغِلَ لُبُکَ»(۲)

فرزندم دل کودک و جوان همچون زمین خالی است هر تخم که در آن افشانده شود می پذیرد پس به ادب نمودن تو پرداختم پیش از آنکه دلت سخت گردد و عقل و خردت گرفتار شود.

۳. با جوانان باید مثل یک طبیب معالج و دلسوز برخورد کرد غرورشان را نشکنیم که باعث عقده حقارتشان می شویم و گاهی عوض آنکه آن ها را به دین و معنویت ارشاد

کنیم از هر چه دین و اعتقادات است بیزارشان می نماییم.

روزی جوانی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و با کمال گستاخی گفت: ای پیامبر خدا

ص: ۳۱۴

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۳

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱

آیا به من اجازه می دهی زنا کنم؟!

با گفتن این سخن فریاد مردم بلند شد و از گوشه و کنار به او اعتراض کردند ولی

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با کمال ملایمت و اخلاق نیک به جوان فرمود: نزدیک بیا. جوان

نزدیک آمد و در کنار پیامبر نشست آن گرامی مثل یک دوست از او پرسید آیا دوست

داری با مادر تو چنین کنند؟

گفت نه فدایت شوم فرمود: همین طور مردم راضی نیستند با مادرشان چنین شود

بگو ببینم آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟ گفت نه فدایت شوم. فرمود:

همین طور مردم درباره دخترانشان راضی نیستند بگو ببینم آیا برای خواهرت

می پسندی؟

جوان مجدداً انکار کرد و از سوال خود بکلی پشیمان شد. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست بر

سینه او گذاشت و در حق او دعا کرد و عرضه داشت:«خدایا قلب او را پاک گردان و گناه

او را ببخش و دامان او را از آلودگی به بی عفتی حفظ کن از آن به بعد زشت ترین کار

در نزد این جوان زنا بود»(۱)

وَ اَمرُکُم رُشدٌ – و اِلی سَبیلِه تُرشِدونَ:

پس روش ارشاد را باید از معصومین علیهم السلام آموخت چرا که آن بزرگواران در مقام

تخریب افراد برنمی آمدند انتقادشان سازنده و بر دل می نشست و تمام همتشان به راه

رشد و کمال رساندن انسان ها بود

آن بزرگواران بدون خشونت و در نهایت رفق و مدارا و به کار گرفتن حلم انسان های

سرکش را رام می کردند.

امام صادق علیه السلام در توصیف مومن می فرمود:«اَلعِلمُ خَلیلُ المومنِ و الحِلمُ و زِیرُهُ

و الرِّفقُ اَخُوهُ»(۲)

برای مومن علم و آگاهی دوست، حلم و بردباری وزیر، و رفق و مدارا برادر است.

۱- تفسیر المنار، ج۵،ص۱۰۴

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۷

همان گرامی فرمود:«الصَّبرُ ما فی بَواطِنِ العِبادِ مِنَ النُّورِ و الصّفا»(۱)

صبر و مدارا نور و صفای باطن را آشکار می سازد.

در امر تبلیغ و ارشاد خلق باید صبر و بردباری را از خداوند ستارالعیوب آموخت تا

افراد گمراه به راه راست هداست شوند

امام سجاد علیه السلام در مناجات الرّاجین عرض می کند:

«اِذا جاهَرَهُ بِالعُصیانِ سَتَرَ عَلی ذَنبِهِ و غَطّاهُ»(۲)

ای خدایی که هرگاه بنده ات آشکارا گناه می کند تو بر آن پرده کشیده و می پوشانی

ائمه ما علیهم السلام اینگونه بودند:

امام سجاد علیه السلام می فرماید: از پدرم حضرت حسین علیه السلام شنیدم که می فرمود: اگر کسی

از سمت راست به من ناسزا بگوید و در سمت چپ برگردد و از من عذرخواهی کند من

عذر او را می پذیرم و او را عفو می کنم چرا که امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام برایم

حدیث کرد از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیده که فرمود: از حوض کوثر نیاشامد کسی که

عذر معذرت خواه را نمی پذیری.(۳)

این روش برخورد انسان ساز است. طرف مقابل هر قدر هم آدم سخت و شقی باشد

ارشاد خواهد شد

یک بار یکی از بستگان حضرت سجاد علیه السلام خدمت آنجناب آمده و به ایشان ناسزا و

فحاشی کرد. حضرت در جواب او چیزی نفرمود. بعد از رفتنش به اصحاب روی نموده

فرمود شنیدید چه گفت اینک مایلم با من بیایید تا پیش او برویم جواب مرا نیز بشنوید

اصحاب عرض کردند حاضریم ما میل داشتیم همانجا جوابش را بدهی. زین العابدین علیه السلام

نعلین خود را برداشت و حرکت کرد و در بین راه این آیه را می خواند:

«وَالْکَاظِمِینَ الْغَیْظَ وَالْعَافِینَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ»(۴)

و فروبرندگان خشم و درگذرندگان از مردم، خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

۱- مصباح الشریعه،ص ۴۱۴

۲- احقاق الحق، ج۱۱، ص ۴۳۱

۳- احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۴۳۱

۴- آل عمران / ۱۳۴

همراهان که نخست گمان دیگری داشتند دریافتند امام برای تلافی نمی رود بلکه

می خواهد او را ارشاد کند به خانه آن مرد رسیدند و امام او را صدا زد و فرمود: به او

بگویید «علی بن الحسین» آمده است. او به گمان آنکه امام علیه السلام برای تلافی آمده خود را

آماده ستیز ساخت و بیرون آمد. امام علیه السلام فرمود: برادرم! تو چند لحظه پیش نزد من

آمدی و حرف هایی زدی اگر آنچه گفتی در من هست از خدا می خواهم مرا بیامرزد و

اگر آن ها در من نیست از خدا می خواهم تو را بیامرزد

نرمش ارشاد امام سجاد علیه السلام آن شخص را شرمنده ساخت، پیش آمد و پیشانی امام را

بوسید و گفت: آنچه گفتم در شما نبود و اعتراف می کنم خود به آنچه گفتم سزاوارترم.(۱)

ص: ۳۱۷

۱- ارشاد مفید، ص ۲۴۰

۴۷. راه شما مسیر محکم و استوار است:

«اَنتُم الصِّراطُ الاَقوَم»:

راه محکم خدایید. به راستی همان طور که قرآن به راه محکم دلالت می کند عترت

نیز همان نقش را اجرا می نماید.

«اِنَّ هذاَ القُرآنَ یَهدی لِلَّتی هِیَ اَقوَم»(۱)

این قرآن به چیزی که محکم تر است هدایت می کند

در تفسیر و تاویل آیه فوق آمده راهی که قرآن به آن راهنمایی می کند که راه

محکم تر است اصل امامت و ولایت است

فضل بن یسار از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در ذیل آیه حضرت فرمود:«تَهدی

اِلی الوَلایَهِ »(۲) مقصود از «لِلَّتی هِیَ اَقوَم» ولایت است و به آن دعوت می کند

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام در ذیل آیه آمده که فرمود:«یَهدی اِلیَ

الاِمامِ»(۳)

قرآن به سوی امام هدایت می نماید

در یک بیان طولانی تر از امام سجاد علیه السلام می فرماید:«امام از ما اهل بیت حتما معصوم

است و عصمت در ظاهر خلقت مشخص نمی شود بلکه عصمت در منصوب بودن از

جانب خدا معلوم می گردد. به حضرت عرض شد پس معصوم چه کسی می باش؟

فرمود: آن کس که به حبل الله اعتصام جوید و حبل الله قرآن است. معصوم و قرآن

تا روز قیامت از هم جدا نمی گردند. بنابراین«فَا الاِمامُ یَهدی اِلیَ القُرآنِ و القرآنُ

یَهدی اِلیَ الاِمامِ و ذلکَ قَولُ اللهِ عزَّوجلَّ «اِنَّ هذا القرآنَ یَهدِی لِلَّتی هِیَ اَقوَمُ»(۴)

امام انسان را به قرآن هدایت می کند و قرآن به سوی امام هدایت می نماید و این

همان کلام خداست که فرمود:«اِنَّ هذا القُرآنَ یَهدی لِلَّتی هِیَ اَقوَمُ » این قرآن به چیزی که محکم تر است هدایت می نماید.

ص: ۳۱۸

۱- اسراء /۹

۲- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۳

۳- اصول کافی، ج ۲، ص۲۱۶

۴- تفسیر صافی چاپ قدیم، ص ۳۱۱

پس راه معصومین علیهم السلام تنها راه محکم و استواری است که ما را به سر منزل مقصود و نیکبختی جاودانی می رساند.

علت استحکام راه ائمه طاهرین علیهم السلام اتصال آن ها به خدا و وحی و نبوت است زیرا ایشان اوصیاء نبی صلی الله علیه و آله و سلم و وارثان علم و عصمت و تقوای پیامبرند این بزرگواران تعیین شدگان از جانب خدا و رسولند. بنابراین همان طور که قرآن به راه استوار هدایت می کند ایشان نیز به راه استوار راهنمایی می نمایند.

ابوحمزه ثمالی می گوید: از امام سجاد علیه السلام شنیدم:«اِنَّ اللهَ عزَّوجلَّ خَلَقَ محمداً و عَلیاً و الأئِمَهَ الأحَدَ عَشَرَ علیهم السلام مِن نورِ عَظِمَتِهِ أرواحاً فی ضیاءِ نورِهِ یَعبُدونَهُ قَبلَ خَلقِ الخَلقِ یُسَبِّحونَ اللهَ عزَّوجلَّ و یُقَدِّسُونَهُ و هُمُ الأئِمَّهَ الهادیَهَ مِن آلِ محمدٍ صَلواتُ اللهِ علیهم اَجمَعینَ»(۱)

همانا خدای متعال محمد و علی و یازده امام معصوم علیهم السلام را از نور عظمت خویش آفرید که به صورت ارواحی در روشنی نورش پیش از آفرینش مخلوقات او را عبادت می کردند و به تسبیح و تقدیس او مشغول بودند و آنان امامان هدایتگر از آن محمد - که درود خداوند بر همه ی آنان باد - هستند

با این اتصال و ارتباط نزدیکی که بین چهارده معصوم با خداوند تبارک و تعالی هست جای هیچ شبهه و تردیدی باقی نمی ماند که راه و سیره آن ها «هیَ اَقوَم» است و اگر کسی خود را محروم از سیر مسیر این پاکان کند در دنیا و آخرت ضرر کرده است و مصداق آیه شریفه است که «خَسِرَ الدُّنیا و الآخِرَهِ و ذلکَ هُوَ خُسرانُ المُبینَ»(۲)

در دنیا و آخرت زیان کرده است و این است زیان آشکار!

امام رضا علیه السلام در باب امامت و راه محکم آن می فرمود:

«اَلاِمامُ المُطَهِّرُ مِنَ الذّنوب المُبَرءُ عَنِ العُیوبِ المخصوصُ بِالعِلمِ الموسومُ

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸

۲- حج / ۱۱

بِالحِلمِ نِظامُ الدِّینِ و عِزُّ المِسلمینَ و غَیظُ المُنافِقینَ و بَوارُ الکافِرینَ»(۱)

از ویژگی های امام است: پاکیزه گی از گناه مبرّای از عیوب، مخصوص علم و دانش

مشهور به بردباری نظام دین و شریعت عزت مسلمین مورد غیظ و خشم منافقین

هلاک کننده کافران

و نیز فرمود:«لِلاِمامِ عَلاماتٌ: یَکونُ اَعلَمُ النّاسِ و اَحکَمُ النّاسِ و اَتقی النّاسِ و

أحلَمُ النّاسِ و اَشجَعُ النّاسِ و اَسخَی النّاسِ و اَعبَدُ النّاسِ»(۲)

امام دارای نشانه هایی است که عبارتند از اینکه او داناترین و داورترین و

پرهیزکارترین و بردبارترین و شجاع ترین و سخاوتمندترین و عابدترین مردم است

فَاَنتُمُ الصِّراطُ اَلقوم: ممکن است از هفتاد و فرقه هر کدام مدعی باشند راه ما

محکم تر و بهتر است ولی چون مورد تایید قرآن و عترت نیستند و حرف های باطل خود

و بدعت ها را مطرح می کنند قابل اعتماد نمی باشند اما وقتی در جامعه کبیره خطاب به آن

سروران عرض می کنیم ه راه محکم تر شمایید به استناد قرآن و گفتار رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم

عرض می کنیم که حدیث ثقلین بهترین گواه است که به طور متواتر از سنی و شیعه نقل

شده است.

امام باقر علیه السلام بر این ادعا مهر تایید می زند و درباره ی این خاندان می فرماید:«هُم وُلاهُ

اَمرِ اللهِ و خَزَنَهِ وَحیِ اللهِ و وَرَثَهِ کِتابِ الله و هُمُ المُصطَفَرنَ بِاِسمِ اللهِ و الاُمُناءُ

عَلی وَحیِ اللهِ »

آنان فرمانروایان امر خدا و گنجینه های وحی پروردگار و وارث کتاب خدا هستند

آنان برگزیدگان به امر خدا و امینان بر وحی او هستند

در ادامه فرمود: آنان خاندان نبوت و مرکز رسالت و مانوسان به حرکات پر و بال

فرشتگان هستند، کسانی که جبرئیل به فرمان پروردگار جلیل، آنان را با خبر تنزیل و

۱- مسند الامام الرّضا علیه السلام، ص ۳۰۶

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۶۹

برهان و دلیل تغذیه نموده است.

«هولاءِ اَهلَبیتٍ أکرَمَهُمُ اللهُ بِشَرَفِهِ و شَرَّفَهُم بِکَرامَتِهِ و اَعَزَّهُم بِالهُدی و ثَّبَتَهُم بِالوَحی، و جَعَلَهُم أئِمَّه هُداه و نوراً فی الظُّلمِ لِلنَّجاهِ و اختَصَّهُم لِدِینِهِ و فَضَّلَهُم بِعِلمِهِ و اَتاهُم مالَهم یُؤتِ أحَداً مِنَ العالَمینَ »

آنان اهل بیت پیامبرند که خداوند متعال به شرافت خویش آن ها را گرامی داشته و با کرامت و لطف خویش مفتخر و بزرگشان داشته و با هدایت عزیزشان کرده و به وسیله ی وحی استوارشان نموده و آن ها را پیشوایان هدایت برای راهنمایی و نور درخشان در تاریکی ها برای نجات قرار داده است آن ها را به دین خود مخصوص گردانیده و با علم خویش برتری داده و آنچه به احدی از جهانیان نداده به آن ها بخشیده است.

سپس فرمود: آنان نجات بخش اند که دارای قرب و منزلت هستند آنان برگزیدگان گرامی و با شخصیت داوران فرمان روا ستارگان درخشان«هُمُ الصِّراطُ المُستقیم، هُمُ السَّبیلُ الأقوَم» ایشان راه مستقیم و شاهراه استوار و محکم ترند که هر کس از آن ها رو برگرداند گمراه می شود و آنکه در حق آن ها کوتاهی کند بدبخت می شود و آنکه از آن ها پیروی کند به هدف می رسد.

آنان نور خدا در دل های مومنان و دریای گوارا برای تشنگان هستند هر که به آن ها پناه ببرد ایمن می شود و آنان برای کسی که به آنان چنگ بزنند محلّ ایمنی و آرامش هستند آنان دعوت کنندگان به سوی خدا و فرمانبردار اویند و مجریان دستور پروردگار و حکم کنندگان به فرمان او هستند.

خداوند متعال پیامبرش را در میان آن ها مبعوث کرد و فرشتگان خدا به سوی آن ها فرود می آیند... به آنان تقوا داده و با حکمت تقویتشان نموده است.

در این هنگام امام باقر علیه السلام فرمود:«اِقتِرافُ الحَسَنَهِ حُبُّنا اَهل البَیتِ »(۱)

کار نیک محبت ما خاندان است.

ص: ۳۲۱

۱- بحار، ج ۲۳، ص ۲۴۴ و تفسیر فرات کوفی، ص ۳۹۵

۴۸. رهبران سیاسی بندگان خدایید:

« و ساسَهَ العِبادِ و اَرکانَ البِلادِ»:

سیاستمداران بندگان خدایید و ارکان شهرهایید.

بعضی تا اسم سیاست به میان می آید بی درنگ از آن اظهار تنفر و بیزاری می نمایند درحالی که هر سیاستی غلط و مورد نفرت نیست بلکه اِعمال سیاست در مواردی ضروری و واجب است.

سیاست نمونه ای از کیاست و درک درست است از حوادث روزگار و آنچه را که در اطراف انسان می گذارد. و اگر بزرگان چون مرحوم مدرس آن رجل روحانی و سیاسی معاصر گفته است سیاست ما عین دیانت ماست بدین معناست که مومن کَیِّس و زیرک است و فهم خوبی از حرکات دشمنان اسلام و دین دارد و به خوبی می داند چه موضعی درباره حوادث و اتفاق های عصر خویش بگیرد که خدا و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام از او راضی باشند.

و ساسَهَ العِبادِ و اَرکانَ البِلادِ: اعتقاد ما بر این است ائمه طاهرین علیهمه السلام جزو رهبران سیاسی هستند که در نهایت اقتدار بندگان خدا را رصد می کردند دوست را از دشمن تشخیص داده و از همه نیرنگ های مخالفین مطلع بوده و در تمام عمرشان حتی یک بار فریب حکومت های جور زمان خویش را نخورده اند تن به شهادت و حبس و تبعید داده اند ولی به خواسته های غیر الهی آنان را جواب مثبت نداده اند.

سیاست خدا پسندانه اهل بیت علیهم السلام بود که امروز شیعه روی پای خود ایستاده و سربلند زندگی می کند و اگر «ساسه العباد» آن ذرات مقدسه نبود بنای بنی امیه و بنی عباس و دنباله روهای آن ها بر این بود که اثری از اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان باقی نماند و اسلام

اموی و یزیدی بر کل دنیا حاکم گردد.

امیر المومنین علی علیه السلام که بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رهبر سیاسی امت بود گاه با سیاست

سکوت ۲۵ ساله و گاه با در دست گرفتن زمام حکومت باعث نشر فرهنگ ناب

ص: ۳۲۲

محمدی صلی الله علیه و آله و سلم شد و تمام نقشه های شوم اهل سقیفه را نقش بر آب کرد و به دنیا فهماند حق با کیست!

همان بزرگوار در بیانی آفت زمامداران را بی کفایتی در مسائل سیاسی می داند:

«اَفَهُ الزُّعَماءِ ضَعفُ السِّیاسَهِ»

آفت رهبران، ناتوانی در امر سیاست است

بله یک وقت ما می خواهیم سیاست را به معنای خلاف واقع بیان کنیم یعنی شیطنت و نفاق مثل سیاست معاویه ای. شک نیست این نوع سیاست مورد نفرت و خلاف است چنانکه در عصر خود با چشم خود می بینیم که چه بروز سیاست آورده اند و زمامداران دنیا به ویژه ابرقدرت ها با سیاست های شیطانی خود مثل چاه ویل جهنم تمام منابع طبیعی ملت های مظلوم را می بلعند و زر و زور و ثروتشان عالمگیر شده است و در این میان خاصه در زمان ما چه زن ها و کودک ها و انسان های بی گناهی که به خاطر سیاست بازی های قدرت های زورگو به خاک و خون کشیده می شوند و این جنایتکاران برای رسیدن به اهداف شوم خود به هر کاری دست می زنند.

ابن ابی الحدید در شرح این جمله ی امیر المومنین علیه السلام می فرمود:«و اللهِ ما مُعاویهُ بِأدهی مِنّی و لِکنَّهُ یَغدِرُ و یَفخُرُ» به خدا سوگند معاویه از من هوشمندتر و باکیاست تر نیست بلکه او مکار و تبهکار است.

می نویسد: عده ای از کسانی که ارزش و مقام امیر المومنین علیه السلام را چنان که باید نشناخته بودند می پنداشتند که گرچه علم و دانش آن حضرت از عمر بیشتر است اما عمر از ایشان سیاستمدارتر می باشد.

شیخ الرئیس ابوعلی سینا در حکمت «شفاء» به این مطلب تصریح کرده است. استاد

ما ابوالحسین به این نظر تمایل داشت و در کتاب الغرر آن را مطرح کرده است بعدها

دشمنان و مخالفان علی علیه السلام درباره ی ایشان و معاویه نیز همین حرف را زدند و گفتند که

معاویه از امیرالمومنین علیه السلام سیاستمدارتر و با تدبیر است... بدان که سیاستمدار زمانی

ص: ۳۲۳

قادر به اعمال سیاست واقعی است که به فکر و اندیشه خود عمل کند و آنچه را به نفع

حکومت خود و تحکیم پایه های قدرتش می داند به کار بندد خواه افکار و اعمالش با

شریعت و دین سازگار باشد خواه نباشد. اگر در سیاست و مدیریت بر اساس این شیوه عمل

نکند به دشواری کارش سامان می پذیرد و بر اوضاع و احوال مسلط می شود

امیر المومنین علیه السلام پایبند قید و بندهای شریعت بود و ملتزم و متعد به پیروی از آن و

کنار گذاشتن هرگونه آرا و نقشه ها و برنامه های جنگی و سیاسی که با دین و شریعت

سازگاری نداشت.(۱)

امیر المومنین علی علیه السلام زیبایی سیاست را در اجرای عدالت می داند.

«جَمالُ السِّیاسَهِ العَدلُ فی الاِمرَهِ و العَفوُ مَعَ القُدرَهِ »(۲)

زیبایی سیاست در به کار بستن عدالت در حکومت است و گذشت کردن با وجود

قدرت داشتن بر انتقامگیری!

در بیانی دیگر درباره ی عدالت عادلانه می فرمود:«سیاسَهُ العَدلِ ثَلاثٌ: لِئنٌ فی

حَزمٍ و اِستِقصاءٌ فی عَدلٍ و اِفصالٌ فی قَصدٍ»(۳)

سیاست عادلانه به سه چیز است: مدارا توأم با دوراندیشی و سخت گیری و استیفای

حقوق توأم با عدالت و احسان و بخشش توأم با میانه روی

امیرالمومنین علیه السلام بهترین نوع سیاست را در اجرای عدالت در دوران حکومتداری

خویش انجام داد که منش و روش آن حضرت زبانزد دوست و دشمن است و همگی به

اتفاق بر این رای هستند حکومت علی علیه السلام حکومت عدل بود و آن گرامی در محراب

عبادتش به شهادت رسید به خاطر شدت عدلی که به کار می بست سیاست عادلانه

حضرت در امر اقتصاد از زبان خود حضرت.

«أَتَأْمُرُونِّى أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيتُ عَلَيْهِ! وَ اللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ

ص:۳۲۴

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۲۱۲

۲- غررالحکم/ ۴۷۹۲

۳- غررالحکم / ۵۵۹۲

سَمِیرٌ وَ مَا أَمَّ نَجْمٌ فِی السَّمَاءِ نَجْما! لَوْ کَانَ الْمَالُ لِی لَسَوَّیْتُ بَیْنَهُمْ فَکَیْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ. أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِی غَیْرِ حَقِّهِ تَبْذِیرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ یَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِی الدُّنْیَا وَ یَضَعُهُ فِی الْآخِرَهِ وَ یُکْرِمُهُ فِی النَّاسِ وَ یُهِینُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَمْ یَضَعِ امْرُؤٌ مَالَهُ فِی غَیْرِ حَقِّهِ وَ لَا عِنْدَ غَیْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُکْرَهُمْ وَ کَانَ لِغَیْرِهِ وُدُّهُمْ، فَإِنْ زَلَّتْ بِهِ النَّعْلُ یَوْماً فَاحْتَاجَ إِلَی مَعُونَتِهِمْ فَشَرُّ خَلِیلٍ وَ أَلْأَمُ خَدِین!»(۱)

آیا دستور می دهید برای پیروزی خود از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آن ها ولایت دارم استفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می کنند. هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه ای مساوی در میان مردم تقسیم می کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست! آگاه باشید! بخشیدن مال به آن ها که استحقاق ندارند زیاده روی و اسراف است ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد اما در آخرت پست خواهد کرد در میان مردم ممکن است گرامی اشت بدارند اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است. کسی مالش را در راهی که خدا اجازه نفرمود مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت جز آن که خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود و دوستی آن ها را متوجه دیگری ساخت. پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان گردد بدترین رفیق و سرزنش کننده ترین دوست خواهند بود

درباره سیاستمداران فرصت طلب و بی دین چنین فرمود:

«ای مردم! وفا همراه راستی است که سپری محکم تر و نگهدارنده تر از آن سراغ ندارم. آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد خیانت و نیرنگ ندارد اما امروز در محیط و زمانه ای زندگی می کنیم که بیشتر مردم حیله و نیرنگ را زیرکی می پندارند و

افراد جاهل از اهل سیاست و تدبیر می خوانند چگونه فکر می کنند؟ خدا بکشد آن ها

را! چه بسا شخصی تمام پیش آمدهای آینده را می داند و راه های مکر و حیله را

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶

می شناسد ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست و با اینکه قدرت انجام آن را دارد آن را به روشنی رها می سازد. اما آن کس که از گناه و مخالفت با دین پروا ندارد از فرصت ها برای نیرنگ بازی استفاده می کند.(۱)

درباره اخلاق سیاسی و صداقت در اجرای سیاست فرمود:

ای مردم عراق! همانا شما به زن بارداری شبیه هستید که در آخرین روزهای بارداری جنین خود را سقط کند و سرپرستش بمیرد و زمانی طولانی بی شوهر ماند و میراث او را خوایشاوندان غارت کنند.

آگاه باشید! من با اختیار خود به سوی شما نیامدم بلکه به طرف دیار شما کشانده شدم به من خبر دادند که می گویید علی دروغ می گوید! خدا شما را بکشد بر چه کسی دروغ روا داشته ام؟ آیا به خدا دروغ روا داشتم؟ در حالی که من نخستین کسی هستم که به خدا ایمان آوردم. یا بر پیامبرش؟ در حالی که من اول کسی بودم که او را تصدیق کردم! نه به خدا سوگند! آنچه گفتم واقعیتی است که شما از دانستن آن دورید و شایستگی درک آن را ندارید مادرتان در سوگ شما زاری کند پیمانه ی علم را به شما به رایگان بخشیدم اگر ظرفیت داشته باشید.(۲)

و نیز در همین زمینه فرمود: همانا می دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت من هستم. به خدا سوگند به آنچه انجام داده اید گردن می نهم تا هنگامی که اوضاع مسلمین روبه راه باشد و از هم نپاشد و جز من به دیگری ستم نشود و پاداش این گذشت و سکوت و فضیلت را از خدا انتظار دارم و از آن همه زر و زیوری که به دنبال آن حرکت می کنید پرهیز می کنم.(۳)

باز حضرت درباره ی اخلاق سیاسی خود می فرماید: (طلحه و زبیر و اصحاب جمل)

چون رعد خروشیدند و چون برق درخشیدند اما کاری از پیش نبردند و سرانجام سست گردیدند! ولی ما این گونه نیستیم تا عمل نکنیم رعد و برقی نداریم و تا نباریم سیل جاری نمی سازیم.(۴)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۴۱

۲- نهج البلاغه خطبه ۷۱ و ۷۴ و ۹

۳- نهج البلاغه خطبه ۷۱ و ۷۴ و ۹

۴- نهج البلاغه خطبه ۷۱ و ۷۴ و ۹

۴۹. رستگاری فقط در مکتب ولایی شماست:

«و فازَ الفایزونَ بِولایَتِکُم - و فازَ مَن تَمَسَّکَ بِکُم»:

و رستگاری در پرتو ولایت شماست و هرکه به شما تمسک جست رستگار گشت.

بدون مقدمه به این روایت توجه کنید:

عامر جهنی گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داخل مسجد شد. ما با جمعی چون ابابکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام نشسته بودیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند نزد علی علیه السلام نشستند و به راست و چپ نگاه کردند سپس فرمودند در راست و چپ عرش مردانی بر منابر نور هستند که از چهره ی آنان نور می درخشد ابابکر برخاست و گفت پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله من از آنانم؟ فرمود بنشین سپس عمر برخاست مثل گفته ابابکر را عرض کرد رسول خدا فرمود بنشین چون ابن مسعود آنچه را رسول خدا با آنان گفته بود و شنید بر پای خاست و عرض کرد: پدرم و مادرم فدای تو باد برای ما آنان را توصیف کن تا به صفت و نشانی آن ها را بشناسم؟!

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فَضَرَبَ عَلی مِنکَبِ علیٍّ علیه السلام ثُمَّ قالَ هذا و شیعَتِهِ هُمُ الفائِزونَ»(۱)

دست خود را بر دوش امیر المومنین علی علیه السلام زد و فرمود: این شخص و پیروان او از رستگارانند.

یک گروخ در بین امت فقط گروه ناجیه است و آن هم گروه اثنی عشریه هستند همه کسانی که در بین ائمه متوقف شدند چهار امامی یا پنج امامی و غیره گردیدند و یا از روز نخست خلافت بلافصل مولای متقیان علی علیه السلام را نپذیرفتند و برخلاف فرمان خدا و رسول عمل کردند جزو فائزون و رستگاران نخواهند بود چون در واقع فرمان خدا و رسول را اطاعت نکردند.

مگر خداوند نفرمود:«مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ

عَلَيْهِمْ حَفِيظًا »(۲)

ص: ۳۲۷

۱- بحار،ج ۶۸،ص ۶۷

۲- نساء /۸۰

هر که اطاعت رسول را نماید خدا را اطاعت کرده و هر که روی گرداند ما تو را به

نگهبانی آن ها نفرستاده ایم.

خداوند در آیه فوق اطاعت رسول را اطاعت از خود می داند بنابراین با روایات

متواتری که از اهل سنت و شیعه درباره اطاعت از اولی الامر یعنی ائمه طاهرین علیهم السلام به

دست ما رسیده اطاعت از علی علیه السلام و فرزندان معصوم او واجب است. چون رسول

الله صلی الله علیه و آله و سلم اطاعتشان را واجب نموده است.

بشیر عطار می گوید: سَمِعتُ اَباعَبدِالله علیه السلام یَقولُ: نَحنُ قَومٌ فَرَضَ اللهُ طاعَتَنا»(۱)

گروهی که خداوند اطاعت آن ها را واجب فرموده ما هستیم.

وَ فازَ مَن تَمَسَّکَ بِکُم: در روایتی دیگر پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«یا علیُّ: قَد غَفَرَ لَکَ و لِذُرِّیَتِکَ و لِشیعَتِکَ و مُحِبّی شیعَتِکَ»(۲)

ای علی: برای تو و فرزندانت و شیعیان تو و کسانی که شیعیان تو را دوست دارند

آمرزش و مرحمت الهی منظور شده است.

طبرانی از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: دوست من رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود«یا علیُّ اِنَّکَ سَتَقدِمُ عَلی اللهِ و شیعَتُکَ راضیینَ مَرضیِّینَ و یَقدِمُ عَلَیهِ

عَدُوُّکَ غَضابی مُقمَحینَ ثُمَّ جَمَعَ عَلی بیَدِهِ یُریهِم الِاقماحَ»(۳)

یا علی: تو بر خدا وارد خواهی شد در حالی که شیعه ی تو از خدا راضی و خدا نیز از

آن ها راضی است و دشمن تو بر او در می آید در حالی که ناخشنود و خشمناک است و

سر آن ها به علت تنگی غل در بالا قرار گرفته و یا به دهان آن ها لگام زده اند

آنگاه برای اینکه این حالت را نشان دهد دستش را در گردنش جمع کرد.

جابربن عبدالله می گوید: در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم، حضرت علی علیه السلام در برابر

پیامبر قرار گرفت.

ص: ۳۲۸

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۲

۲- تاریخ شیعه، ص ۳۵ و ۳۷

۳- تاریخ شیعه، ص ۳۵ و ۳۷

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«هذا و شیعَتِهِ لَهُم الفائِزونَ یَومَ القیامَهِ »(۱)

این مرد و شیعیانش در روز قیامت رستگارانند.

ابن شراحیل انصاری می گوید از علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: در هنگام قبض روح

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن حضرت در حالی که سر به بالین من داشت فرمود: یا علی آیا

نشنیده ای این کلام خدا را «اِنَّ الَّذینَ آمَنوا و عَمِلوا الصّالِحاتِ اُولئِکَ هُم خَیرُ

البَریَّهِ » خَیرُ البَریّه شیعیان تو هستند که قرار من و شما در کنار حوض کوثر است

زمانی که همه امت ها برای حساب حاضر می شوند شیعیان تو درحال سرور و

خوشحالی دعوت می شوند.(۲)

و باز درباره رستگاری شیعیان آمده که همان گرامی فرمود:

«اِنَّ اَوَّلَ اَربَعَهِ یَدخُلونَ الجَنَّهَ اَنا و اَنتَ و الحَسَنُ و الحُسَینُ و شیعَتُنا عَن

اَیمانِنا و شِمائِلنا»(۳)

تحقیقاً اولین گروه چهار نفری که وارد بهشت می گردند من و تو و حسن و حسین

هستیم و شیعیان ما از طرف راست و چپ ما بر آن وارد می شوند

شیعیان نه تنها خود فائز و رستگارند بلکه از اهل بیت خود نیز دستگیری می کنند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره علی علیه السلام فرمود: هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خدا به

تعداد رگ های موجود در بدنش به او حوریه عطا کند و شفاعت او را درباره ی هشتاد نفر

از اهل بیتش بپذیرد. آگاه باشید هر کس علی علیه السلام را بشناسد و او را دوست داشته باشد

خداوند ملک الموت را به سوی او بفرستد همان طور که نزد پیامبران می فرستد و از او

ترس و وحشت دیدن نکیر و منکر را برطرف کند و قبرش را روشن و به اندازه ی مسیر

هفتاد سال وسعت دهد و با روی سفید وارد قیامت شود

«ألا و مَن اَحَبَّ عَليّاً علیه السلام اَظَلَّهُ اللهُ فی ظِلّ عَرشِهِ مَع الصِّديقينَ و الشّهَداءِ وَ

۱- بحار، ج ۶۸،ص ۶۸

۲- تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۴

۳- تاریخ شیعه، ص ۳۷

الصّالِحینَ و اَمَنُه مِنَ الفَزَعِ الاَکبرِ و اَهول یَوم القیامَهِ»

آگاه باشید، هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خداوند او را در سایه ی عرش خود

با صدیقین و شهدا و صالحین ساکن گرداند و او را از وحشت بزرگ و ترس های قیامت

ایمن گرداند

«اَلا وَ مَن اَحَبَّ عَلیّاً علیه السلام اَثبَتَ اللهُ الحِکمَهَ فی قَلبِهِ و اَجری عَلی لِسانِهِ

الصَّوابَ و فَتَحَ اللهُ و لَهُ اَبوابَ الجَنَّهِ »

آگاه باشید هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد حکمت را در قلب او و راستی و

درستی را بر زبان او جاری سازد و درهای رحمت خود را برای او باز کند

آگاه باشید هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خداوند دوری از آتش و رهایی از

نفاق و اجازه ی عبور از صراط و ایمن از صراط و ایمن بودن از عذاب را برای او بنویسد

آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا برود فرشتگان با او مصافحه کنند

و ارواح پیامبران به زیارت او آیند و خداوند تمام خواهش های او را برآورده فرماید»(۱)

ص: ۳۳۰

۱- بحار، ج ۲۷، ص ۱۱۲

حرف – ز:

۵۰. زائر شما و پناهنده به مقابر شماییم:

«زائِرٌ لَکُم لائِذٌ عائِذٌ بِقُبورِکُم»:

زائریم بر شما و پناهنده ایم به قبور مطهر شما

زیارت امامام معصوم چه در زمان حیات و چه بعد از شهادتشان و زیارت قبور

مطهرشان در صورتی که عارف به حقشان باشیم از بهترین توفیقاتی است که برای

دوستان آن گرامیان نصیب می شود

در روایات زیادی تاکید بر تشرف به مشاهد مشرفه شده که حتما قبور معصومین را

زیارت کنید زیرا که آن ها صدای ما را می شنوند و پاسخ ما را می دهند

شبیه زیارت جامعه کبیره را در کنار قبر مطهر امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام

می خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِلَیْکَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِی وَ قَطَعْتُ الْبِلادِ رَجَاءَ رَحْمَتِکَ فَلا تُخَیِّبْنِی وَ لا

تَرُدَّنِی بِغَیْرِ قَضَاءِ حَاجَتِی وَ ارْحَمْ تَقَلُّبِی عَلَی قَبْرِ ابْنِ أَخِی رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ

وَ آلِهِ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا مَوْلایَ أَتَیْتُکَ زَائِرا وَافِدا عَائِذا»(۱)

پروردگارا از وطنم به سوی تو آهنگ جدی کردم و به سرعت شهرها را پیمودم به

امید رحمتت پس محرومم مگردان و مرا بدون برآورده شدن حاجتم باز مگردان و به

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

روی آوردن بر قبر فرزند برادر پیامبرت که درود تو بر او باد و پدر و مادرم فدایت ای

امام رضا علیه السلام ای آقایی که به سویت آمده ام در حالی که زائر و پناهنده به شما هستم.

درباره ی فضیلت زیارت قبور معصومین علیهم السلام به روایت ذیل توجه ویژه نمایید تا خداوند

توفیق زیارت همه آن بزرگواران را در دوران زندگی نصیب فرماید و آثار و برکاتش

شامل حال همه اهل معرفت گردد انشاءالله

زیارت محمد و آل محمد علیهم السلام باعث کمال حج می شود:

امام صادق علیه السلام می فرمود:«اِذا حَجَّ اَحَدُکُم فَلیَختِم بِزیارَتِنا لِأَنَّ ذلکَ مِن تَمامِ

الحَجِّ»(۱)

هرگاه یکی از شما به حج مشرف شد حجتش را به اتمام رساند به زیارت ما زیرا که

زیارت ما باعث کمال حج می گردد.

امیر المومنین علی علیه السلام می فرمود: هرگاه به زیارت بیت الله الحرام رفتید با زیارت قبر

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حج خود را کامل کنید و اگر ترک کنید به آنچه بدان امر شده اید جفا

کرده اید.(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:«اِنَّ زیارَهَ قَبر رسول اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم و زیارَهَ قُبورِ الشُّهداء و

زیارَهُ قَبر الحُسَینِ صَلواتُ الله علیهِ تَعدِلُ حَجَّه مَعَ رَسولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم »(۳)

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و زیارت قبرهای شهداء و زیارت قبر امام حسین علیه السلام

معادل حجی است که همراه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم انجام گیرد.

امام حسن مجتبی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: ای رسول خدا! برای کسی که

شما را زیارت کند چه ثوابی هست؟ فرمود:«مَن زارَنی حَیّاً اَو مَیِّتاً اَو زارَ اَباکَ حَیّاً

اَو مَیِّتاً اَو زارَ أخاکَ حَیّاً اَو مَیِّتاً اَو زارَکَ حَیّاً اَو مَیّتاً کانَ حَقّاً عَلیَّ اَن اَستَنقِذَهُ یَوم

القیامَهِ »(۴)

هر کس مرا زیارت کند چه در زمان حیات و چه بعد از آنکه از دنیا رفتم و نیز

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۵ و ۲۵۶

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۵ و ۲۵۶

۳- وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۵ و ۲۵۶

۴- وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۵ و ۲۵۶

زیارت کند پدرت علی علیه السلام را در زمان حیات و بعد از مرگ یا زیارت کند برادرت امام

حسین علیه السلام را در زمان حیات و بعد از مرگ یا زیارت کند تو را در زمان حیات و بعد از

مرگ بر من حقی پیدا می کند تا روز قیامت او را نجات دهم

در تاکید به زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود:«اِنَّ

زیارَهَ قَبر رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم تَعدِلُ حَجَّه مَعَ رسولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم مَبرُورَهَ»(۱)

همانا زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معادل است با یک حج مقبوله همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

زیارت قبر حضرت زهرا علیهاالسلام نیز تاکید شده روایات در محل قبر حضرت مختلف

است بعضی دفن در بقیع و بعضی بین قبر رسول خدا و منبر و گروهی در خانه خود

حضرت. شیخ مفید و شیخ طوسی معتقدند سومی معتبرتر است.(۲)

محمد بن عیسی العریضی می گوید یک روز امام باقر علیه السلام برای ما حدیث کرد که

هرگاه در کنار قبر حضرت زهرا علیها السلام قرار گرفتید فاطمه علیهاالسلام را اینگونه مورد خطاب قرار

دهید:

«یَا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنَکِ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَکِ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَکِ فَوَجَدَکِ لِمَا امْتَحَنَکِ

صَابِرَهً وَ زَعَمْنَا أَنَّا لَکِ أَوْلِیاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِکُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوکِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ

أَتَی بِهِ وَصِیُّهُ فَإِنَّا نَسْأَلُکِ إِنْ کُنَّا صَدَّقْنَاکِ إِلا أَلْحَقْتِنَا بِتَصْدِیقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا

بِأَنَّا قَدْ طَهُرْنَا بِوِلایَتِکِ.»(۳)

ای آنکه خدایت که تو را خلق کرد آزمودت پیش از آنکه تو را بیافریند و تو را در

آزمایش بردبار یافت ما باور داریم که تو را دوست داریم و به شما اعتقاد داریم و به

آنچه را که پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده بردباریم و نیز به آنچه را که وصی او علی علیه السلام

آورده پس ما از تو می خواهیم که ما را جزو تصدیق کنندگانتان قرار دهی و ما را به این

امر مهم ملحق فرمایی تا به خود مژده دهیم که به واسطه ولایت تو ای فاطمه علیه السلام پاک

شده ایم.

۱- وسائل، ج ۱۰، ص ۲۶۲ و ۲۸۸ و ۲۸۶

۲- وسائل، ج ۱۰، ص ۲۶۲ و ۲۸۸ و ۲۸۶

۳- وسائل، ج ۱۰، ص ۲۶۲ و ۲۸۸ و ۲۸۶

درباره زیارت قبر امیر المومنین علی علیه السلام آمده که ابن مارد می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم برای کسی که قبر جدت امیر المومنین علی علیه السلام را زیارت کند چه ثوابی هست؟

فرمود: ای پسر مارد، هر کس جدم علی علیه السلام را زیارت کند در حالی که عارف به حق او باشد خداوند برای هر قدمی که برمی دارد یک حج مقبوله و عمره مفرده می نویسد

سوگند به پروردگار ای پسر مارد قدمی که به زیارت قبر امیر المومنین علی علیه السلام می رود حرارت آتش دوزخ را نخواهد دید چه سواره برود یا پیاده

بعد امام صادق فرمودند ای ابن مارد اُکتُب هذَا الحَدیثِ بِماءِ الذَّهَبِ !(۱)

این حدیث را با آب طلا بنویس!

در روایت دیگر امام صادق علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

«مَن زارَ عَلیّاً بَعدَ وَ فاتِهِ فَلَهُ الجَنَّه»(۲)

هر کس علی علیه السلام را بعد از وفاتش زیارت کند بهشت برایش محقق می شود

و نیز فرمود: اِنَّ اَبوابَ السَّماءِ لَتَفتَحُ عِندَ دُعاءِ الزّائِرِ لِأمیر المومنین علیه السلام »(۳)

درهای آسمان برای استجابت دعای زائر قبر امیر المومنین علی علیه السلام گشوده خواهد شد.

برتری زیارت امیر المومنین علیه السلام بر همه ائمه علیهم السلام امام صادق علیه السلام فرمود:«اِعلَم اَنَّ امیرالمومنینَ علیه السلام اَفضَلُ عِندَ اللهِ مِنَ الأئِمَّهِ کُلِّهِم و لَهُ ثَوابُ اَعمالِهِم و عَلی قَدرِ أعمالِهِم فُضِّلوا»(۴)

بدان که امیر المومنین علیه السلام نزد خداوند از همه امامان برتر است و ثواب آنان از آنِ اوست و امامان به اندازه ی اعمال خود برتری داده شده اند.

و امام رضا علیه السلام فرمود:«فَصلُ زیارَهِ قَبرِ امیر المومنینَ عَلی زِیارَهِ قَبرِ الحُسَینِ

۱- سائل، ج ۱۰، ص ۲۶۳ و ۲۹۴ و ۲۹۶

۲- وسائل، ج ۱۰، ص ۲۶۳ و ۲۹۴ و ۲۹۶

۳- وسائل، ج ۱۰، ص ۲۶۳ و ۲۹۴ و ۲۹۶

۴- بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۸

كَفَضلِ اَميرَ المومنينَ على الحُسينِ»(۱)

برتری و فضیلت زیارت قبر امیر المومنین بر زیارت قبر حسین همچون برتری و

فضیلت خود امیر المومنین بر حسین است.

و امام صادق علیه السلام فرمود:«نزدیک کوفه قبری است که هر غمدیده ای آن جا رود و

در کنار آن چهار رکعت نماز گزارد خداوند با برآوردن حاجتش او را شادمان

برگرداند.

درباره ی زیارت امام حسن مجتبی علیه السلام چنین نقل شده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«مَن

زارَ الحسنَ فی بَقیعهِ ثَبَتَ قَدَمُهُ عَلی الصِّراطِ یَومَ تَزِلُّ فیه الأقدامُ»(۲)

هر که حسن را در بقیع زیارت کند خداوند در آن روزی که پاها می لرزد پای او را

بر صراط استوار گرداند

امام باقر علیه السلام می فرمود:«اِنَّ الحسینَ بنُ علیٍّ کانَ یَزورُ قَبرَ الحَسَنِ علیه السلام فی کُلِّ

عَشیَّهِ جُمعَهٍ »(۳)

حسین بن علی علیه السلام هر شامگاه جمعه به زیارت قبر حسن علیه السلام می رفت. در بین ائمه

طاهرین آنقدر که سفارش به زیارت قبر مطهر سیدالشهدا اباعبدالله الحسین علیه السلام شده

درباره هیچ کدام از ائمه نشده است.

امام صادق علیه السلام می فرمود:«اِیتُوا قَبرَ الحُسینِ علیه السلام فی کلِّ سَنَهٍ مَرَّهً »(۴)

سالی یک بار به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروید.

همان گرامی فرمود:«هر که حسین علیه السلام را با معرفت به حق و مقام او زیارت کند

خداوند ثواب هزار حج پذیرفته و هزار عمره ی پذیرفته را برایش بنویسد و گناهان گذشته

و آینده او را ببخشد.

و نیز فرمود:«خدای تبارک و تعالی پیش از جلوه بر اهل عرفات بر زایران قبر

حسین علیه السلام جلوه می کند و حاجاتشان را برمی آورد و گناهانشان را می بخشاید و

۱- بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۴ و ۱۶۱
۲- بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۴ و ۱۶۱
۳- قرب الاسناد، ص ۱۳۹
۴- بحار، ج ۱۰۰، ص ۱۳

خواهش های آنان را از طرف دیگران می پذیرد و سپس به اهل عرفات می پردازد و با

آنان نیز همین می کند

خود حضرت می فرماید:«لَو یعلَمُ زائِری ما اَعَدَّ اللهُ لَهُ لَکانُ فَرَحُهُ اَکثَرَ مِنَ

جَزَعِهِ»(۱)

اگر زایر من بداند که خداو ند چه برایش آماده کرده است شادیش از بیتابیش(از رنج

سفر) خواهد بود.

معاویه بن وهب می گوید:«از امام صادق علیه السلام اجازه ی شرفیابی خواستم فرمود: داخل

شو. من داخل شدم دیدم در مصلای خانه ی خود مشغول نماز است. نشستم تا نماز خود

را تمام کرد و شنیدم با پروردگارش مناجات می کند و می گوید: الهی! ای آن که کرامت

را مختص ما کردی و وعده ی شفاعت به ما دادی و وصایت را ویژه ی ما گردانیدی و دانش

گذشته و آینده را به ما بخشیدی و دل های مردمان را شیفته ی ما کردی! من و برادران من

و زوار قبر جدم حسین را بیامرز، همانان که به نیت نیکی به ما می دهی و به قصد شاد

کردن پیامبر تو اموالشان را خرج می کنند و رنج و زحمت سفر برای زیارت حسین علیه السلام

را بر خود هموار می سازند.»(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:«مَن زارَنی غُفِرَت ذُنوبُهُ و لَم یَمُت فَقیراً »(۳)

هر که مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده شود و در فقر نمیرد.

وقتی از حضرت سوال شد«ما لِمَن زارَ احَداً مِنکُم؟-: قال- کَمَن زارَ رَسولَ

اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم »(۴)

ثواب کسی که یکی از شما را زیارت کند چیست؟ فرمود: مانند ثواب کسی که

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کند

درباره ی زیارت امام کاظم علیه السلام فرزند بزرگوارش امام رضا علیه السلام فرمود:

«لَهُ الجَنَّهُ فَزُرهُ» وقتی ابن سنان از امام رضا علیه السلام سوال کرد برای کسی که به زیارت

ص: ۳۳۶

۱- امالی طوسی، ص ۵۵

۲- بحار، ج ۱۰۱،ص ۱۴۱

۳- بحار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۵

۴- کافی، ج ۴،ص ۵۷۹

پدر بزرگوارتان می رود چه ثوابی هست؟ فرمود: پاداش او بهشت است پس آن

بزرگوار را زیارت کن»(۱)

پیش بینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ثواب زیارت امام رضا علیه السلام

«سَتُدفَنَ بَضعَهٌ مِنّی بِاَرضِ خُراسان، لا یَزورُها مُومِنٌ اِلّا اَوجَبَ اللهُ عزَّوجلَّ لَهُ

الجَنَّهَ و حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلی النّارِ»(۲)

زود باشد که پاره ای از تن من در خاک خراسان دفن شود هیچ مومنی آن را زیارت

نکند مگر آن که خدای عزوجل بهشت را بر او واجب و بدنش را بر آتش دوزخ حرام

گرداند

خود حضرت می فرماید:«مَن زارَنی عَلی بُعدِ داری، أتَیتُهُ یَومَ القیامَهِ فی ثَلاثِ

مَواطِنِ حَتّی اُخَلِّصَهُ مِن اَهوالَها: اِذا تَطایَرَتِ الکُتُبُ یَمیناً و شِمالاً و عِندَ الصّراطِ

و عِندَ المیزانِ»(۳)

هر که مرا در دیار غربت زیارت کند روز قیامت من در سه جا به داد او می رسم و از

هراس ها و سختی های آن ها نجاتش می دهم: در وقتی که نامه های اعمال از راست و

چپ پراکنده شوند و در هنگام گذشتن از صراط و در موقع سنجیدن اعمال

ابراهیم بن عقبه از امام هادی علیه السلام درباره ی زیارت امام حسین و امام کاظم علیه السلام و امام

جواد علیه السلام سوال کرد. حضرت فرمود:«اَبو عَبدِ اللهِ علیه السلام المُقَدَّمُ و هذا اَجمَعُ و اَعظَمُ

اَجراً »(۴)

زیارت امام حسین علیه السلام مقدم است اما این جامع تر و ثوابش بیشتر است

در مورد زیارت عسکریین علیهما السلام یعنی امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام امام حسن

عسکری علیه السلام فرمود: قبر من در سرّمن رأی (سامرا) مایه ی امن و امان ساکنان هر دو طرف

۱- بحار،ج ۱۰۲، ص ۱ و ۲

۲- بحار، ج ۱۰۲، ص ۱ و ۲

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲،ص ۲۵۵

۴- کافی، ج ۴، ص ۵۸۳

(فرات) است. کافی، ج ۴،ص ۵۸۴

و اما دیدار و ملاقات با امام عصر حجه ابن الحسن (عج) یکی از خواسته های

دوستان و ارادتمندان به حضرت است«اللّهمَّ اَرِنِی الطَّلعَهَ الرَّشیدَهَ و الغُرَّهَ الحَمیدَهَ»

خدایا به من نشان بده آن چهره ی زیبا و جذاب و روی نورانی و ستوده شده اش را

پس امکان زیارت و دیدار آن گرامی هست که طبق فرمایش امام صادق علیه السلام در

دعای عهد با آن حضرت از خداوند درخواست دیدارش را می نماییم.

ص: ۳۳۸

حرف – س:

۵۱. سلامتی و عافیت در دنیا و آخرت در گرو ولایت شماست:

«وَ سَلِمَ مَن صَدَّقَکُم و هُدیَ مَنِ اعتَصَمَ بِکَم – یُشَرَّفُ فی عافیَتِکُم »

سلامت ماند آنکه شما را تصدیق کرد و هدایت شد آنکه به شما اعتصام جست –

خداوند قرارم دهد از کسانی که شرفیاب شود به عافیت شما

یکی از نعمت های بزرگ الهی سلامتی و عافیت جسم و روح انسان است و از این

بزرگ تر سلامت ماندن ایمان و اعتقادات و به سلامت رساندن بار ایمان و اعتقادات

درست به آخرین منزل زندگی است

در تعقیبات نماز صبح آمده که:« و السَّلامَهَ فی نَفسی» یعنی خدایا سرّ وجودم را از

همه آفات سلامت بدار و یا در دعای سجده نقل شده « یا وَلیَّ العافیَهِ اَسئَلُکَ

العافیَهَ، عافیَه الدِّینِ و الدُّنیا و الآخرَهِ» ای ولی و سرپرست همه عافیت ها از تو عافیت

را مسئلت می نمایم به ویژه عافیت در دین و دنیا و آخرت را

مولایمان امیر المومنین علی علیه السلام با خدای خود اینگونه مناجات می کند:

« محمَدُهُ علی ما کانَ و نَستَعینُهُ مِن اِمرِنا علی ما یَکونُ و نَسألُهُ المُعافاهَ فی

الَادیانِ، کَما نَسألُهُ المُعافاهَ فی الَابدانِ»(۱)

خدا را برای آن چه به ما عطا فرموده سپاس می گوییم و برای آنچه پیش خواهد آمد از

ص: ۳۳۹

۱- نهج البلاغه، خطبه ۹۹

او یاری می جوییم و عافیت و سلامت در دین و عقیده را از می طلبیم همچنان که

سلامت بدن ها را از او خواستاریم.

همان گرامی سفارش می فرمود: بزرگ ترین و ارزشمندترین چیزی که از خدا مطالبه

می کنید عافیت است:

«یا اَیُّها النّاسُ سَلو اللّهَ الیَقینَ و ارغَبوا اِلَیهِ فی العافیهِ فَاِنَّ أجَلَّ النِّعمَهِ

العافیَهُ »(۱)

ای مردم از خداوند یقین مسالت کنید و عافیت طلبید زیرا که بهترین نعمت عافیت

است. عافیت دینی و دنیایی هر دو قابل اهمیت و مهم است هر کدام در جایگاه خود

ارزشمند است و برای نیکبختی و عافیت بخیری انسان حرف اول را می زنند

باز همان بزرگوار فرمود:«اِنَّ العافیَهَ فی الدِّینِ و الدُّنیا لَنِعمَهٌ جَلیلَهٌ و مَوهِبَهٌ

جَزیلَهٌ »(۲)

عاقبت دینی و دنیوی نعمتی بزرگ و موهبتی عظیم است

ما بر این اعتقادیم سلامتی و عافیت دین و دنیا در گرو قبول ولایت محمد و آل علیهم السلام

است و بدون پذیرش ولایت اهلی بیت علیهم السلام امکان رسیدن به عافیت در دنیا و آخرت

وجود ندارد

برای هرکس در دنیا برخورداری از نعمت سلامتی در بدن و در اقتصاد و سیاست و

داشتن یک زندگی سالم در اطاعت از دستورات و رهنمودهای چهارده معصوم علیهم السلام

است که اگر به خوبی فرمایشات ایشان را بفهمد و به کار بندد حتماً در سلامت و عافیت به

سر خواهد برد و اگر کسی بپرسد پس چرا بعضی از دوستان خوب اهل بیت در درد و

بیماری و یا مشکلات اقتصادی و سیاسی گرفتارند پاسخ می دهیم که اگر عکس العمل

اعمال ناصحیح آن ها نباشد از عوامل رشد و تعالی آن ها است

ناپرورده تنعم کی برد راه به دوست*** عاشقی شیوهٔ رندان بلاکش باشد.

ص: ۳۴۰

۱- محاسن، ج ۱، ص ۳۷۸

۲- غررالحکم / ۳۷۰۴

و اگر در دنیا ناملایماتی را ببینند و در امتحان های الهی نمره عالی بیاورند عاقبت

آن ها جز پاداش بهشت نخواهد بود که این بهترین عافیت برای یک مومن راستین است

برای درک این واقعیت که عافیت دین و دنیا در گرو ولایت عترت است باید به

جایگاه و اثربخشی اعتقاد به معصومین علیهم السلام پرداخت تا مطلب بهتر روشن شود.

حارث همدانی می گوید: بر امیر المومنین علی علیه السلام وارد شدم او در سجده بود و گریه

می کرد به طوری که ناله اش زیاد و صدای گریه اش بلند گردید، وقتی سر مبارک از

سجده اش برداشت عرض کردیم ای امیر المومنین! گریه ات ما را به درد آورد و دل ما را

سوزاند و غمناک کرد و تا کنون شما را اینگونه ندیده ایم و از شما چنین گریه ای

نشنیده ایم. فرمود:

به سجده مشغول بودم و خدا را در سجده ام به دعا و خیرات می خواندم خواب بر

چشمان من غلبه کرد خوابی دیدم که مرا به وحشت انداخت و ترسانید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

را دیدم ایستاده است و می فرماید: ای علی! دوری تو از من به درازا کشید و مشتاق

دیدار تو گشته ام و پروردگارم آنچه درباره ی تو به من وعده فرمود به آن وفا کرد و آن

را قطعی ساخت.

عرض کردم: ای رسول خدا! آن وعده ای که درباره ی من به شما فرموده بود و آن را

قطعی ساخت چیست؟

فرمود: درباره ی تو و همسرت و فرزندان تو و ذریه ات وعده اش را حتمی ساخت که

جایگاه شما در علیین یعنی بالاترین مقام در بهشت است«كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي

عِلِّيِّينَ »(۱)

عرض کردم: ای رسول خدا!پدر و مادر من فدای شما شیعیان ما کجا خواهند بود؟

فرمود: آن ها با ما هستند و قصرهای آن ها در ردیف قصرهای ما و منازل ایشان

مقابل منزل های ماست. عرض کردم: ای رسول خدا! شیعیان ما در دنیا چه بهره ای

دارند؟

۱- مطففین/ ۱۸

فرمود: در فتنه ها ایمن اند و و از عافیت الهی برخوردارند

عرض کردم: آن ها به هنگام مرگ چه امتیازی دارند؟

فرمود: آن ها خودشان درباره ی چگونگی مرگشان حکم می کنند و عزرائیل که فرشته ی قبض روح است مامور است که از آن ها اطاعت کند و هرگونه او بخواهد قبض روحش کند

عرض کردم: کیفیت مردن آن ها حدی دارد که بتوان آن را تعریف کرد؟

فرمود:«بلی؛ اِنَّ أشَدَّ شیعَتُنا لَنا حُبّاً یَکونُ خُروجُ نَفسِهِ کَشُربِ اَحَدُکُم فی الیَومِ الصِّیفِ الماء البارِدِ الَّذی یَنتَفِعُ مِنهُ القَلبَ و اِنَّ سائِرَهُم لَیَموتُ کَما یَنتَفِضُ اَحَدُکُم عَن فِراشِهِ»(۱)

بلی در میان آن ها کسانی که محبتشان به ما شدیدتر است خارج شدن روح از بدن ایشان مانند آن است که آب گوارای خنکی را یکی از شما در روز گرم تابستانی بیاشامد و از آن لذَت ببرد و بقیه ی آن ها جان دادن ایشان مانند آن است که یکی از شما در رختخواب خود تکانی بخورد و به راحتی آخرین نفس را بکشد

سلامتی و عافیت واقعی مخصوص شیعیان راستین اهل بیت است:

سلمان فارسی رحمهالله علیه می گوید: روزی در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب بودم که امیر المومنین علیه السلام وارد شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان فرمود:

علی جان آیا تو را بشارت ندهم؟ عرض کرد: بفرمایید ای رسول خدا

فرمود: این دوست من جبرئیل است به من از طرف پروردگار خبر می دهد که به شیعیان و دوستان تو هفت ویژ گی عنایت فرموده است:

«الرِّفقُ عِندَ المَوتِ و الْاُنسُ عِندَ الوَحشَهِ و النُّورُ عِندَ الظُّلمَهِ و الَامنُ عِندَ

الفَزَعِ و القِسطُ عِندَ الميزانِ و الجَوازُ عَلى الصِّراطِ و دُخولُ الجَنَّهِ قَبلَ سائِرُ

النّاسِ (مِنَ الاُمَمِ) بِثَمانينَ عاماً »(۲)

ص: ۳۴۲

۱- بحار، ج ۴۲، ص ۱۹۴ و تفسیر برهان، ج۴،ص ۴۳۹

۲- امالی صدوق، ص ۴۱۶

مدارا کردن و آسان گرفتن هنگام مرگ آرامش هنگام وحشت روشنایی هنگام

تاریکی ایمنی هنگام هراس دادگری نزد سنجش اعمال عبور از صراط وارد شدن در

بهشت هشتاد سال پیش از آنکه دیگران به آنجا راه پیدا کنند

حالا عافیت اهل ولایت را از زبان خود علی علیه السلام بخوانید:«اصبغ بن نباته می گوید:

خدمت امیر المومنین علیه السلام رسیدم تا عرض ادب کنم آن حضرت تشریف نداشتند مدتی

به انتظار نشستم تا تشریف فرما شدند به احترام ایشان برخاستم و برآن وجود مقدس

سلام کردم.

امیر المومنین علیه السلام کف دست مبارکش را در دست من و انگشتانش را در میان انگشتان

من نهاد سپس فرمود: ای اصبغ بن نباته. عرض کردم: بلی بفرمایید، گوش به فرمان شما

هستم ای امیرالمومنین

فرمود: بدان که اهل ولایت ما ولایت خدا را داراست و هنگامی که از دنیا رود در

جوار رحمت حق تعالی جای خواهد گرفت و خداوند از رودخانه ای که نوشیدنی آن از

یخ سردتر و از عسل شیرین تر و از کره نرم تر باشد به او می نوشاند.

عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما اگر قرآن نخوانده ای که می فرماید:

«فَأُولئِکَ یُبَدِّلُ اللهُ سَیِّئاتِهِم حَسَنات و کانَ اللهُ غَفوراَ رَحیماَ»(۱)

خداوند گناهان آن ها را به خوبی ها و ثواب تبدیل می کند و خداوند آمرزنده و

مهربان است

ای اصبغ کسی که ولایت ما را دارد اگر خدا را ملاقات کند در حالی که گناهان او به

اندازه کف دریا و عدد ریگ ها باشد خداوند تبارك و تعالی او را می آمرزد.(۲)

لازم به توضیح است که امثال روایات فوق برای دوستان اهل بیت نباید باعث تجری

و گستاخی در گناه شود چون تا قیامت بر پا شود در عالم برزخ گنهکاران باید تصفیه

شوند بنابراین نگران برزخ خود باشیم و از خداوند مدد خواهیم که فرمان الهی را

ص: ۳۴۳

۱- فرقان/ ۷

۲- اختصاص مفید، ص ۶۰ و بحار،ج ۳۴، ص ۲۸۰

نافرمانی نکنیم و گرفتار معصیت نشویم.

روایت دیگری مشابه روایتی که گذشت از امام رضا علیه السلام و ایشان از پدرانشان و در

نهایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که حکایت از سلامت و عافیت برای شیعیان

اهل بیت علیهم السلام در جهان آخرت دارد.

«حُبُّنا اهل البَیتِ یُکَفِّرُ الذُّنوبَ و تُضاعَفَ الحَسَناتَ و اِنَّ اللهَ تعالی لَیَتَحَمَّلُ عَن

مُحِبّینا أهل البَیتِ ما عَلَیهِم مِن مَظالِمِ العِبادِ اِلّا ما کانَ مِنهُم فیها عَلی اِضرارٍ و

ظُلمٍ لِلمومنینَ فَیَقولُ لِلسَّیِّئاتِ: کونِی حَسَناتٍ»(۱)

دوستی ما اهل بیت گناهان رامی پوشاند و خوبی ها را چند برابر می کند و خداوند

تبارک و تعالی از دوش دوستان ما آنچه بدهی نسبت به بندگان است برمی دارد مگر

آنچه در آن ضرر رساندن یا ستمی به مومنان بوده است پس به اراده و قدرت خود به

گناهان او دستور می دهد که تبدیل به خوبی ها و ثواب شوند.

ابن عباس نقل می کند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمومنین علیه السلام ایام حج در مکه مشرف

بودند. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نگاهی به علی نمود و فرمود:

گوارای تو باد و خوشا به حالت از علی همانا خداوند تبارک و تعالی آیه ی

محکمه ای بر من نازل کرد که در آن از من و تو به طور مساوی یاد شده است و پس از

آن این آیه را تلاوت فرمود:«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ

رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»(۲)

و آن روز عرفه و روز جمعه بود. این جبرئیل است که از طرف خداوند تبارک و

تعالی به من خبر می دهد:«اِنَّ اللهَ یَبعَثَکَ و شیعَتُکَ یَومَ القیامَهِ رُکباناً غیر رِجالٍ

عَلی نجائب رحائلها مِنَ النُّورِ »

فردای قیامت خداوند تو و شیعیانت را در عرصه قیامت وارد می کند در حالی که بر

شترهایی سوارند که جهاز آن از نور است و در کنار قبرهای آنان زانو زده اند.

ص: ۳۴۴

۱- امالی طوسی، ص ۱۶۴

۲- مائده/ ۳

به ایشان گفته می شود ای دوستان خدا سوار شوید و آن ها سوار می شوند و در

صف های منظم به طرف بهشت به راه می افتند و تو در پیشاپیش آن ها مستی وقتی به

محشر(یا به هر منزلگاهی) می رسند بادی برمی خیزد و به صورت های آن ها اصابت

می کند که به آن «مثیره» گفته می شود و آنگاه عطر خوش بوی مشک در چهره ی آنان

وزیدن می کند و فریاد می آورند که ما علویون هستیم

در جواب آن ها گفته می شود اگر شما علویون هستید ایمن باشید و امروز هیچ گونه

هراسی بر شما نیست و اندوهی نخواهید داشت.(۱)

سلامتی و عافیت دوستداران اهل بیت علیهم السلام به نقل امام حسن عسکری علیه السلام از رسول

الله صلی الله علیه و آله و سلم :

مومن همواره از بدی سرانجام کار می ترسد و یقین پیدا نمی کند که به رضوان

پروردگار و نعمت های ابدی او در بهشت خواهد رسید تا آنکه هنگام جان دادن او فرا

رسد و فرشته مرگ را مشاهده کند

وقتی آن فرشته بر مومن وارد می شود او سخت گرفتار درد است و سینه اش به شدت

تنگی می کند که می خواهد مال و ثروت خود را رها کند و اهل و عیال و بستگانش

پریشان شوند افسوس و حسرت در خاطره اش باقی مانده که بین او و آرزوهایی که

هنوز به آن ها نرسیده جدایی می افتد.

فرشته مرگ به او می گوید: چرا این قدر غصه می خوری و ناراحتی؟

جواب می دهد حالم پریشان گشته و تو اکنون بین من و ثروت و آرزوهای من

جدایی می اندازی

فرشته مرگ می گوید: آیا عوض کردن در هم پست و بی ارزش یا چیزی که هنوز برابر

دنیا ارزش دارد هیچ عاقلی را غمناك و اندوهگین می سازد؟

جواب می دهد نه به او می گوید: بالای سرت را نگاه کن وقتی نگاه می کند مراتب

بهشت و قصرهای باشکوه آن را که فوق همه ی آرزوهای او است می بیند.

ص: ۳۴۵

۱- تفسیر فرات کوفی، ص ۱۲۰و بحار، ج ۳۶، ص ۱۳۳

فرشته ی مرگ گوید: آنچه را دیدی منزلگاه تو و نعمت ها و اهل و عیال و اموال تو

بود از نزدیکان و بستگان و فرزندانت در دنیا هر یک صالح و نیکوکار باشد در آنجا با

تو خواهد بود آیا حاضری اینها را با آنچه در دنیا داری عوض کنی؟

جواب می دهد بلی به خدا قسم.

سپس فرشته مرگ به او می گوید: یک بار دیگر نگاه کن

وقتی نگاه می کند وجود مقدس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرین او را در

عالی ترین مراتب و منازل بهشت مشاهده می کند

فرشته به او می گوید: آیا آن ها را دیدی؟ ایشان سروران و پیشوایان تو هستند در

آنجا با تو همنشین و مانوسند آیا دوست داری و شادمان می شوی که به جای دنیا و

آنچه از دست می دهی با این بزرگواران ملاقات کنی؟

جواب می دهد: بلی به خدا قسم و این همان است که خداوند تبارک و تعالی فرموده

است:« إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَهُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا

تَحْزَنُوا»(۱)

همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یکتاست و در این عقیده استقامت

ورزیدند فرشتگان بر آن ها فرود می آیند و به آن ها می گویند که هیچ هراسی نداشته

باشید و هرگز غمگین مباشید آنچه در پیش روی شما از هراس و وحشت می باشد شما

از آن در امانید و بر آنچه از خود بجا می گذارید که فرزندان و اهل و عیال و اموال باشد

اندوهی نداشته باشید چون آنچه از نعمت های بهشتی مشاهده کردید جایگزین آن

می گردد.«وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّهِ الَّتِی كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»(۲)

و شما را به آن بهشتی که وعده داده شده اید بشارت باد.

آنجا منزلگاه شما و آن بزرگواران باعث انس و آرامش و همنشینان شما می باشند و

ما یاوران شما در دنیا و آخرت هستیم»(۳)

۱- فصلت/ ۳۰

۲- فصلّت/ ۳۰

۳- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۲۳۹ و بحار، ج ۶، ص ۱۷۶

۵۲. سنت الهی را استوار کردید:

«وَ سَنَنتُم سُنَّتَهُ»

و سنت پروردگار را استوار کردید.

« فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا »(۱)

در سنت خدا هرگز تبدیلی نمی یابی و در سنت خدا هرگز تغییری نمی یابی.

راغب می گوید:«فَالسُّنَنُ جَمعُ سُنَّهٍ و سُنَّهُ الوَجهِ طَريقَتُهُ... و سُنَّهُ اللهِ تعالى قَد تُعالُ لِطَريقَهِ حِكمَتِهِ و طَريقَهِ طاعَتِهِ»(۲)

سنن جمع سنت است وقتی گفته می شود سنه الوجه یعنی راه و روش... و استفاده این کلمه درباره خداوند تبارک و تعالی و گفتن سنَه الله منظور راه حکمتش و راه طاعت و بندگی اشت. پس نخستین کاربرد این لفظ درباره ی خداوند تبارک و تعالی است که در جامعه کبیره می خوانیم چهارده معصوم علیهم السلام کسانی هستند که احیاگر سنت های الهی و استحکام بخش طریقه حق تعالی می باشند.

و سنا پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برگرفته از سنت خداست و سنی حقیقی کسانی هستند که سنت خدا و رسول را دنبال کنند و از بدعت ها اجتناب کنند. آنانی که مدعی اند ما پیرو سنت هستیم ولی سخنان خداوند را درباره ی اهل بیت قبول ندارند و به سفارشات متواتر و فراوان رسول مکرم اسلام درباره خلافت بلافصل مولایمان علی علیه السلام معتقد نیستند و فرزندان معصوم آن حضرت را در بحث امامت نپذیرفته اند نباید مدعی باشند که ما پیرو پیامبریم اگر به راستی چنین است چرا سراغ کسانی رفتند که حتی یک بار نه خدا و نه رسول خدا چیزی درباره خلافت و جانشینی آن ها بر جای پیامبر و امامت بر مسلمین حتی در کتاب های خودشان بیانی به دست ما نرسیده است؟!

بگذریم مسئله مثل خورشید که در وسط آسمان می تابد روشن و غیر قابل انکار است

بپردازیم به همین نکته که ائمه علیهم السلام در تمام دوران امامتشان تا آنجا که امکان داشت

سنت خداوندی و سنت جد بزرگوار خویش را سامان بخشیدند و هر آنچه جنبه بدعت و

۱- فاطر/ ۴۳

۲- مفرادات راغب، ص ۲۴۵

خلافت فرمان خدا و رسول را داشت برای مردم روشن کردند و در واقع اتمام حجت

نمودند تا کسی نگوید ما از سنت های الهی بی اطلاع بودیم و بناچار به طریقه دیگران

عمل کردیم.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«لا قَولَ اِلّا بِعَمَلٍ و لا قَولَ و لا عَمَلَ اِلّا بِنِیَّهِ، و لا قَول

و لا عَمَلَ و لا نِیَّهَ الّا بِاِصابَهِ السُّنَّه»(۱)

هیچ گفتاری جز با عمل ارزش ندارد و هیچ گفتار و عملی جز با نیت و هیچ گفتار و

عمل و نیتی جز با انطباق با سنت ارزش ندارد.

همان گرامی فرمود:«تَرَکتُ فیکُم شیئینَ لَن تَضِلُّوا بَعدَهُما: کِتابَ اللهِ و سُنَّتی

و لَن یَتَفَرَّقا حتّی یَردا عَلَیَّ الحوض»(۲)

در میان شما دو چیز می گذارم که با وجود آن ها هرگز گمراه نخواهید شد. کتاب خدا

و سنت من. این دو هرگز از هم جدا نشوند تا کنار حوض بر من درآیند.

روایت فوق را یک عالم سنی در کتابش آورده از او و امثال او می پرسیم سنت

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برخورد با عترت و اهل بیتش چگونه بود آیا در غدیر خم این پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

نبود که دست علی علیه السلام را گرفت و بنابر نقل خودتان منصوب به خلافت و جانشینی خود

کرد و در حدیث منزلت نیز و در احادیث متواتر جانشینی بعد از خود را حق مسلم

علی علیه السلام تثبیت فرمود.

آیا از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این نبود که هر وقت دخترش فاطمه علیها السلام بر او وارد می شد به

قامت در برابرش می ایستاد و دست و سینه او را می بوسید و می فرمود: بوی بهشت را از

تو استشمام می کنم چه شد که از این سنت احترام به فاطمه از ناحیه رسول خدا عدول

شد. باز همان عالم در کتاب خود این حدیث را از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«السُنَّهُ سُنَّتان: مِن نَبِیٍّ اَو مِن اِمامٍ عادلٍ »(۳)

سنت دو نوع است: از یک پیامبر یا از پیشوایی دادگر.

۱- کافی، ج ۱،ص ۷۰

۲- کنزالعمال/ ۸۷۵

۳- کنز العمال/ ۹۱۰

امیر المومنین علی علیه السلام سفارش می فرمود:«اِقتَدروا بِهَدیِ نَبیِّکَم فَاِنَّهُ اَفضلُ الهَدیِ و استَنُّوا بِسُنَّتِهِ فَاِنَّها اَهدی السُّنَنِ»(۱)

به سنت پیامبرتان اقتدا کنید که آن بهترین روش است و به سنت او رفتار نمایید که آن رهنماترین سنت هاست.

تاریخ شناسان به ویژه کسانی که در زمینه تاریخ چهارده قرن اسلام مطالعه دارند بررسی کنند ببینند آیا چه انسان هایی بهترین سهم را در احیاء سنت های الهی و نبوی داشته اند و تا مرز شهادت بر سنت خدا و رسول استوار ماندند.

بی شک پس از یک تحقیق کوتاه به این نتیجه خواهند رسید که مصداق بارز «وَ سَنَنتُم سُنَّتَهُ» اهل بیت عصمت و طهارت بوده اند.

احیاء سنت های الهی را توسط اهل بیت در کلمات نورانی آن ذوات مقدسه جستجو کنیم:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم «النِّکاحُ سُنَّتی فَمَن رَغِبَ عَن سَنَّتی فَلَیسَ مِنّی»(۲)

ازدواج سنت من است و هر کس از سنت من سرپیچی کند از من نیست

از همان گرامی«اَفضَلُ نِساءُ اُمَّتی اَصبَحَهُنَّ وَجهاً و اَقَلَّهُنَّ مِهراً»(۳)

بهترین زنان امت من آن های هستند که در عین داشتن زیباترین چهره کم ترین مهر را دارند.

امام رضا علیه السلام:«اِنَّ مِن سُنَنِ المُرسَلینَ الاِطعامُ عِندَ التَّزویجِ»(۴)

از سنت های پیامبران اطعام نمودن در هنگام ازدواج بود.

همان گرامی فرمود:

« مِنَ السُّنَّهِ التَّزویجُ باللَّیلِ لِاَنَّ اللهَ جَعَلَ اللَّیلَ سَکَناً و النِّساءَ اِنَّما هُنَّ سَکَنٌ» مرآه العقول، ج ۲۰،ص ۸۵

از سنت است که عروسی در شب انجام گیرد زیرا که خداوند تبارک و تعالی شب را

زمان سکون و آرامش قرار داد و زنان نیز باعث سکون و آرامش انسانند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰

۲- بحار، ج ۱۳، ص ۲۲۰

۳- وسایل، ج ۱۴،ص ۷۸

۴- مرآه العقول، ج ۲۰، ص ۸۶

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در گوش راست امام حسن و امام حسین علیهما السلام اذان و در گوش چپ ایشان در هنگام نوزادی اقامه گفت.(۱)

سنت دیگری را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره آن دو اجرا کرد عقیقه بود یعنی ذبح یک گوسفند برای هر کدام آن ها.(۲)

گفتن اذان و اقامه برای نمازهای یومیه: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«اِنَّ اهلَ السَّماءِ لا یَستَمِعونَ مِن اَهلِ الارضِ شَیئاً اِلّا الأَذانُ»(۳)

ساکنین آسمان ها جز اذان چیزی از نداهای اهل زمین را گوش نمی دهند.

نماز اول وقت:

ابابصیر می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

هنگامی که نماز در اول وقت خوانده می شود بالا می رود و با شکلی سپید رو و درخشنده نزد صاحبش برمی گردد و می گوید: مرا حفظ کردی خداوند تو را حفظ کند!

و اگر در غیر وقت فضیلت آن خوانده شود و حدود آن رعایت نگردد بالا می رود و با شکلی سیاه رو و تاریک برمی گردد و می گوید: مرا ضایع کردی خداوند تو را ضایع کند(۴)

امام صادق علیه السلام فرمود:«هر کس با انگیزه حضور در نماز جماعت به مسجدی عزیمت کند به هر قدمی که برمی دارد هفتاد حسنه برایش در نظر می گیرند و هفتاد درجه بالایش می برند و اگر در این راه فوت کند خداوند تبارک و تعالی هفتاد هزار فرشته را مامور می کند که او را تا محل دفنش مشایعت نمایند و در هنگام تنهایی به او بشارت می دهند و با او انس می گیرند و برای او تا روز محشر و قیامت طلب مغفرت می کنند.(۵)

ص: ۳۵۰

۱- احقاق الحق،ج ۱۱، ص ۲۶۰

۲- مکارم اخلاق، ص ۱۱۹

۳- مکارم اخلاق، ص ۱۱۹

۴- ثواب الاعمال، ص ۱۶

۵- وسایل، ج ۵،ص ۳۷۲

همان گرامی فرمود:«مَن نامَ عَلی الوُضوءِ اِن اَدرَکَهُ المَوتُ فی لَیلَهِ فَهُو عِندَ اللهِ

شهیدٌ»(۱)

هر کس با وضو بخوابد و در خواب مرگ به سراغش آید، او نزد پروردگار در صف

شهدا خواهد بود

امام صادق علیه السلام فرمود:«غَسلُ الجُمعَهِ طَهورُ و کَفارَهٌ لِما بَینَهُما مِنَ الذُّنوبِ مِنَ

الجَمعَهِ اِلیَ الجُمعَهِ»(۲)

غسل جمعه پاک کننده انسان و کفاره ی گناهان یک هفته است و نیز فرمود:«غسل

جمعه سنت است»(۳)

معاویه بن عمّار می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:«در وصیت رسول

الله صلی الله علیه و اله و سلم به علی بن ابی طالب علیه السلام بو که ای علی به سنّت من در نماز و روزه صدقه چنگ

بزن اما نماز پنجاه رکعت است»(۴)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«طَیِّبوا اَفواهَکُم طَریقُ القُرآنِ»(۵)

دهانتان را پاکیزه نگهدارید از راه تلاوت قرآن.

امام صادق علیه السلام فرمود:«اَکلُ الطّینِ حَرامٌ عَلی بَنی آدم ما خَلاطینُ قَبرِ

الحسین علیه السلام مَن اَکَلَهُ مِن وَجَعٍ شَفاهُ اللهُ»(۶)

خوردن خاک حرام است مگر خاک قبر مطهر حضرت سیدالشهدا حسین بن

علی علیه السلام و هر کس از آن بخورد به جهت دفع و رفع درد و بیماری خداوند به او شفا

می بخشد.

رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم فرمود:«اِنَّ الصَّدَقَهَ لَتُلفَیءُ غَضَبَ الرَّبِ»

صدقه غضب خداوند را خاموش می کند خواننده عزیز و گرامی توجه دارید که

سنت ها در بیان معصومین خیلی بیشتر از این چند مورد است در این مقوله شما را به

کتاب سنت ها را از یاد نبریم تالیف حقیر ارجاع می دهم.

ص: ۳۵۱

۱- بحار، ج ۷۶، ص ۱۸۳

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۸

۳- وسائل، ج ۲،ص ۹۴۵ و ج ۳، ص ۳۱

۴- وسائل، ج ۲،ص ۹۴۵ و ج ۳، ص ۳۱

۵- بحار، ج ۹۲، ص ۲۱۵

۶- وسایل، ج ۱۶،ص ۴۸۸

۵۳. سرّ الهی را در سینه دارید:

«و حَفَظَهِ سِرُّ اللهِ»

شما اهل بیت نگهبان اسرار الهی هستید.

امام هادی علیه السلام گوینده کلام فوق و پدید آورنده جامعه کبیره می فرماید:

«اسم اعظم پروردگار هفتاد و سه حرف است و همانا نزد آصف بن برخیا یک حرف از آن بود و با استفاده از آن توانست زمینی را که بین او و بین سبا بود در نوردد و تخت بلقیس را در کم تر از یک چشم بهم زدن برای سلیمان علیه السلام متتقل کند «وَ عِندَنا مِنهُ اِثنانِ و سَبعونَ حرفاً و استَأثر اللهُ تَعالی بِحرفٍ فی عِلمِ الغَیبِ»(۱) و نزد ما هفتاد و دو حرف از آن می باشد و حرف دیگر آن را خداوند به خود اختصاص داده است.

امام صادق علیه السلام به یونس به ضبیان و چند نفر دیگر از دوستان خود فرمود:

همه ی گنج های زمین با کلیدهای آن در اختیار ماست. اگر بخواهیم با یکی از پاهایم اشاره کرده و بگویم هر چه درون خود طلا داری بیرون کن بیرون خواهد آمد.(۲)

ابوحمزه گوید:«از امام صادق علیه السلام در مورد چگونگی علومشان شنیدم که می فرمود: همانا بعضی از ما (امامان) به دلش خطور می شود و برخی در خواب به او (اخباری) داده می شود و برخی از ما نیز صدا را مانند صدای زنجیری که در میان تشت بزنند می شنود و به برخی از ما صورتی بزرگ تر از جبرئیل و میکائیل می آید. و در بیانی دیگر فرمود: بعضی از ما به دلش خطور می شود و برخی از ما در دلش الهام می شود و برخی از ما با او صحبت می کنند»(۳)

امام باقر علیه السلام طبق نقل محمد بن مسلم فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم مردم را از علوم

زیادی برخوردار و بهره مند نمود (و از هر جهت که پرستش می شد پاسخ می فرمود) و

در نزد ما علوم خاص و صحیح است و درهای حکمت و گنجینه های علم و روشنایی نیز

۱- بصائرالدرجات، ص ۲۱۱ و تفسیر برهان، ج ۳،ص ۲۰۳

۲- بحار، ج ۴۷،ص ۹۱

۳- امالی طوسی، ص ۴۰۷

نزد ماست که نمی گذارد علوم از بین رفته و از هم پراکنده شوند.

پس هر که ما را بشناسد معرفت و شناسایی او برایش سودمند است و عملش پذیرفته می شود و هر که ما را نشناسد علمی که دارد نفعی برایش نخواهد داشت و عملش پذیرفته نخواهد شد.(۱)

امام صادق علیه السلام می فرمود:«اِنَّ اللهَ اَحکَمُ و اَکرَمُ و اَجَلُّ و اَعظَمُ و اَعدَلُ مِن اَن یَحتَجَّ بِحُجَجٍ ثُمَّ یُغَیِّبُ عَنهُ شَیئاً مِن أمورِهِم »(۲)

خدای متعال حکیم تر، کریم تر، بزرگوارتر، بزرگ تر و عادل تر از آن است که بر بندگان خود حجتی قرار دهد آنگاه از او امور مردم را پنهان نماید.

و حَفَظَهِ سرِّ اللهِ: اسرار الهی در سینه ائمه طاهرین نهفته است بنابراین کسی نباید تردید کند که این بزرگواران از مجموعه علوم آفرینش به جز موارد خاصی که خداوند اراده نکرده به کسی بگوید مثل علم السلاعه که لحظه ظهور امام عصر (عج) یا لحظه قیامت است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به سلمان فارسی علیه الرحمه همین را فرمود:

«یا سلمانُ! اِنَّ الشّاکَّ فی اُمورِنا و عُلومِنا کَالمُستَهزِی فی مَعرِفَتِنا و حُقوقِنا و قَد فَرَضَ اللهُ وِلایَتِنا فی کتابِهِ فی غَیر مَوضعِ و بَیَّنَ ما اَوجَبُ العَمَلِ بِهِ و هُوَ مَکشوفٌ»(۳)

ای سلمان! کسی که در امور و علوم ما تردید نماید مانند کسی است که معرفت و حقوق ما را مسخره می کند حقیقتا خداوند ولایت ما را در چند مورد از قرآن واجب نموده و آنچه باید عمل شود آشکارا بیان و این مطلب را روشن کرده است.

عبدالله بن بکر ارجانی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت خطاب به او فرمود:

« ای پسر بکر! دل های ما غیر از دل های مردم است ما پاک و برگزیده هستیم، چیزهایی

را می بینیم که مردم نمی بینند و چیزهای را می شنویم که مردم نمی شنوند همانا

ص: ۳۵۳

۱- اختصاص مفید، ص ۳۰۳

۲- بصائر الدرجات،ص ۱۲۳

۳- ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۳۱۴

فرشتگان به منازل ما فرود می آیند و روی فرش های ما قدم می گذارند و شاهد سفره ما

هستند و در تشییع جنازهٔ مردگان ما حاضر می شوند.

آنان از اخباری که هنوز اتفاق نیفتاده ما را آگاه می سازند و با ما نماز می خوانند و

برای ما دعا می کنند و بال های خود را (برای تبرک) به ما می مالند و بچه های ما را روی

بال هایشان حرکت می دهند و مانع رسیدن جنبندگان و آزار آنان به ما می شوند.

هر روز هیچ ساعت و هیچ وقت نمازی نیست جز آن که آن ها ما را مطلع می نمایند

شبی نیست که بر ما بگذرد مگر این که اخبار هر سرزمین را با اتفاقات آن برای ما

می آورند اخبار جن، اخباراهل هوا از فرشتگان هر پادشاهی که در زمین می میرد و

کسی که جانشین او می شود و چگونگی رفتار او با پیشینیان، خبر همه را می آورند.

اخبار شش تا زمین هفتم به ما می رسد.

ابن بکر عرض کرد: قربانت گردم آیا امام مابین مشرق و مغرب را می بیند؟

فرمود: ای فرزند بکر! پس چگونه می تواند حجت و امام برای مشرق و مغرب باشد

در حالی که آن ها را نبیند و در میان آن ها فرمانروایی نکند؟

چگونه حجت و امام است بر مردمی که از چشم او پنهانند و قدرتی بر آن ها ندارد و

آنان بر او قدرت ندارند؟ و چگونه احکام الهی را به مردم می رساند و گواه بر مردم است

در صورتی که آن ها را نمی بیند؟

و چگونه حجت و امام بر آن هاست درحالی که از نظر او پنهان هستند و میان او

آن ها حایل و مانعی است؟ که ماموریت را از جانب خدا در حق آن ها انجام دهد حال

آنکه خدای متعال می فرماید:«وَ ما أرسَلناکَ اِلّا کافَّةً لِلنّاسِ»(۱)

ما تو را جز برای همه ی مردم نفرستادیم یعنی ما تو را بر همه ی کسانی که روی زمین

هستند فرستادیم.

حجت و امام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جانشین و قائم مقام اوست. او راهنما برای حلّ

ص: ۳۵۴

۱- سبا/ ۲۸

اختلافاتی است که میان مردم واقع می شود و مدافع حقوق مرم است و به امر خدا

قیام کننده و داد بعضی را از دیگری می گیرد

پی اگر در میان مردم کسی نباشد که گفتارش نافذ باشد تا گفتار خدا را اجرا کند که

خداوند می فرماید:«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ»(۱)

« به زودی نشانه های خود را در اطراف جهان و درون جانشان به آن ها نشان

می دهیم پس کدام آیه و نشانه ای در آفاق جز با ماست که خداوند به اهل زمین نشان

داده؟»

و در مورد دیگر فرمود:«مَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا»(۲)

ما هیچ آیه ای به آنان نشان نمی دایدم مگر این که از دیگری بزرگ تر بود

پس کدام آیه از ما بزرگ تر است؟!

سوگند به خدا! همانا بنی هاشم و قریش از آنچه خداوند به ما عطا فرموده آگاه و با

خبرند ولی حسادت آن ها را هلاک نمود همان طور که شیطان را هلاک کرد.

آنان در مواقعی که ناچارند و بر جان خود می ترسند نزد ما می آیند و از ما می پرسند

و ما بر آن ها توضیح می دهیم و اره حلی نشان می دهیم آنگاه می گویند: گواهی می دهیم

که شما اهل علم هستید. سپس بیرون می روند و در نزد دیگران می گویند: ما کسی را که

گمراه تر از بیرون آن ها باشند و حرف آن ها را بپذیرند ندیدیم!!»(۳)

علی بن جعفر می گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که فرمود:

«لَو اُذِنَ لَنا لِاَخبِرنا بِفَضلِنا» اگر به ما اجازه داده شود مردم را از فضایل خودمان

آگاه می نماییم گفتم: آیا علم و دانش شما نیز شامل آن فضایل است؟

فرمود:«اَلعِلمُ أیسَرُ مِن ذلکَ»(۴) علم کم ترین فضائل ماست.

۱- فصلّت/ ۵۳

۲- زخرف/ ۴۸

۳- بحار، ج ۲۵، ص ۳۷۴؛ القطره، ج۲،ص ۳۷

۴- بصائر الدرجات، ص۵۱۲

حرف – ش:

۵۴. شجاعت شما مثال زدنی نیست!

«و بَذلتُم اَنفُسَکُم فی مَرضاتِهِ»:

جانتان را در راه رضای پروردگارتان بذل نمودید.

اهل بیت هر کدام به نحوی برای رضای خداوند تبارک و تعالی بذل جان کردند و

برای اثبات این ادعا مروری کوتاه به شجاعت ایشان تا مرز شهادت بنماییم.

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»(۱)

و در بین مردم کسی است که جان خویش را برای رضای پروردگار می فروشد.

اطراف خانه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم توسط چهل نفر از کافران محاصره شد. منتظر ماندند تا

آن حضرت به خواب رود و ناگهان حمله ور شده و خونش را بریزند. خداوند تبارک و

تعالی پیامبرش را از توطئه کفار باخبر ساخت و این آیه را نازل کرد.

«وَ إِذْ یَمْکُرُ بِکَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِیُثْبِتُوکَ أَوْ یَقْتُلُوکَ أَوْ یُخْرِجُوکَ وَ یَمْکُرُونَ وَ

یَمْکُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَیْرُ الْمَاکِرِینَ»(۲)

و چون کسانی که کافر بودند درباره ی تو نیرنگ می زدند که بازت دارند یا تو را

بکشند یا بیرونت کنند آن ها نیرنگ می کردند و خدا نیرنگ ایشان را بی اثر می کرد و

خدا از همه نیرنگیان ماهرتر است.

۱- بقره/ ۲۰۷

۲- انفال/ ۳۰

پس از نزول آیه شریفه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المومنین علی علیه السلام امر کرد که در رختخواب او بخوابد و او نیز به جای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آرمید. وقتی به خانه ریختند و علی علیه السلام را به جای پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دیدند متوجه شدند که خداوند تبارک و تعالی نیرنگشان را بی اثر کرده است.(۱)

امیر المومنین علی علیه السلام از جانب پیامبر ماموریت داشت که پس از خنثی کردن فتنه و مکر مشرکین در مکه بماند امانت های مردم را به صاحبانشان باز گرداند و دختران و زنان پیامبر را به مدینه برساند.

امیر المومنین علیه السلام پس از انجام کارها به همراهی فاطمه مادر خود فاطمه دختر پیامبر فاطمه دختر زبیر و دیگران به سوی مدینه به راه افتاد. در راه عده ای از کفار مکه راه را بر او بستند آن ها را سرکوب کرده و پراکنده نمود و می فرمود:

خَلُّو سَبیلَ الجاهِدِ المُجاهِدِ*** آلَیتُ لا اَعبُدُ غَیرَ الواحِدِچ

راه را بر تلاشگر مجاهد باز کنید زیرا که سوگند یاد کرده ام غیر خدای یکتا را نپرستم

پس خروش علی علیه السلام کفار متفرق شدند و حضرت به مدینه هجرت کرد و به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ملحق گردید.(۲)

نمونه های شجاعت علی علیه السلام را باید در جنگ بدر و احد و خندق و خیبر جستجو کرد و دید که امیر المومنین چه مجاهدت هایی داشته و تا چه اندازه در راه رضای پروردگار خود را به خطر انداخته و بدن مطهرش زخم برداشته است.

بعد از امیر المومنین علی علیه السلام باید به شجاعت فاطمه علیها السلام اشاره کرد که برای گرفتن حق قطعی خود و دفاع از حریم ولایت و امامت تا پای جان خویش و فرزندش (محسن) ایستادگی کرد.

خلیفه دوم به اتفاق خالدین ولید و قنفذ و عده ای دیگر رهسپار خانه ی حضرت

زهرا علیها السلام شدند. در خانه را زد و گفت: یا علی در را باز کن. فاطمه علیهاالسلام با سر بسته و تن

۱- بحار، ج ۱۹، ص ۳۱ و ۶۷

۲- بحار، ج ۱۹، ص ۳۱ و ۶۷

رنجور پشت در آمد و فرمود: با ما چکار داری؟ چرا نمی گذاری به کار خودمان مشغول باشیم؟ او بانگ زد: برای بیعت بیرون آیید. و الّا خانه را به آتش می کشم.

فاطمه علیهاالسلام فرمود: آیا از خدا نمی ترسی می خواهی داخل خانه ی من شوی؟ هر چه کرد او از تصمیمش منصرف نشد. در خانه را آتش زدند، در را به پهلوی آن حضرت کوبیدند و فرزند در رحمش را کشتند و باز زهرای شجاع دامن علی علیه السلام را گرفت و گفت: نمی گذارم همسرم را ببرید. قنفذ دید زهرا علیهاالسلام دست از علی علیه السلام برنمی دارد. آنقدر با غلاف شمشیر و تازیانه بر بازوی آن حضرت زد و دست فاطمه علیهاالسلام را از علی علیه السلام جدا کرد.(۱)

امام حسن علیه السلام از جوانی شجاعت خود را در جبهه های نبرد با دشمن نشان داده بود در یکی از جنگ ها امیر المومنین عَلَم جنگ را به دست محمد حنفیه برادر ناتنی حضرت حسن علیه السلام داد تا به دشمن حمله کند چند بار رفت و بر گشت و در واقع ترسید تا صف شکنی کند ولی به محض آنکه عَلَم جنگ را به دست امام حسن علیه السلام داد او حمله کرد و صفوف دشمن را بهم ریخت و پیروزمندانه بازگشت و امیر المومنین علیه السلام جمله ای به محمد حنفیه گفت که قابل دقت است فرمود:- هذا مِن عِرقِ اَمِّکَ- تو این ترس را از عرق به اصطلاح روز ژن مادرت به ارث برده ای یعنی حسن من مادرش زهراست و او شجاعت را از مادر دارد.

همان گرامی در برابر معاویه و استبداد و خودکامگی او ایستاد و بارها مجهز به جنگ با وی شد ولی متاسفانه یاران و انصار خوبی نداشت و به حضرت خیانت کردند و در شرایط صلحنامه هم مواردی را گنجانید که نشان از عزت نفس و آزادگی حضرت داشت.

و بعد از آن بزرگوار نمونه شجاعت و دلیری امام حسین علیه السلام است که جهان بشریت

مرهون آزادگی و شهامت پسر علی و فاطمه علیهما السلام است همان کسی که خون قلبش را برای

۱- بحار، ج ۴۳،ص ۱۹۸

نجات انسان ها از ضلالت و لغزش ها فدا نمود:«فَبَذَلَ مُهجَتَهُ فیکَ لِیَستَنقِذَ عبادَکَ

مِنَ الجَهالَه و خیرَهِ الضَّلالَهِ»(۱)

خدایا حسین علیه السلام خون قلبش را در راه تو بذل کرد تا بندگانت از نادانی و سرگردانی

در گمراهی رهایی بخشد.

حرکت سیدالشهدا علیه السلام چنان در تاریخ ثبت شد که رهبران نهضت های آزادی بخش

برای رهایی از استعمار و دولت های مستکبر از مکتب آن حضرت الهام گرفتند.

سر سلسله مردم آزاد حسین است*** آنکس که در این ره سر و جان داد حسین است

آری از ویژگی های هر امام معصوم علی السلام:«اَشجَعُ الناس» بودن است و نترسیدن از

دشمن

این بیان امام رضا علیه السلام که فرمود:«لِلامامِ عَلاماتٌ (أن) یَکونَ اَعلَمَ النّاسِ و اَحکَمَ

النّاس، و اَتقی النّاسِ و اَحلَمَ النّاس، و اَشجَعَ النّاسِ و اَسخَی النّاسِ و اَعبَدَ

النّاسِ»(۲)

امام را نشانه هایی است: باید از همه ی مردم داناتر، در داوری برتر، پرهیزگارتر،

بردبارتر، شجاع تر، بخشنده تر و خداپرست تر باشد

و به همین ترتیب همگی ائمه علیهم السلام تمام دوران زندگی خود را وقف هدایت بشر

نموده و برای ارشاد انسان ها به سوی حق تعالی از هر راه ممکن وارد شدند و به این

جمله ی امام هادی علیه السلام که فرمود:« و بَذَلتُم اَنفُسَکُم فی مَرضاتِهِ» مصداق بخشیدند

چنانکه مشابه جمله فوق در سایر فرازهای جامعه کبیره خطاب به آن بزرگواران

عرض می کنیم:«حَتّی یُحیی اللهُ تعالی دینَهُ بِکُم و یَرُدَّکُم فی اَیّامِهِ و یُظهِرَکُم لِعَدلِهِ

و یُمَکِّنکُم فی اَرضِهِ فَمَعَکُم مَعَکُم لا مَعَ غَیرَکُم »

خداوند دینش را به وسیله شما زنده کند و شما را در روزهای خود برای گسترش

۱- زیارت اربعین مفاتیح الجنان، محدث قمی

۲- معانی الاخبار، ص ۱۰۲

عدالت ظاهر سازد و شما را مسلط بر روی زمین قرار دهد (که اشاره به فراگیر شدن

مکتب اهل بیت علیهم السلام در تمام کره زمین است آن روزی که حضرت مهدی(عج)

حکومت جهانی واحدی را تاسیس می کند و دولت کریمه موعود را به وجود می آورد)

«فَمَعَكُم مَعَكُم لا مَعَ غَيرَكُم» پس ما با شما هستیم نه با مخالفین شما

«اَنتُم نورُ الاَخيارِ و هُداةُ الاَبرارِ و حُجَجُ الجَبّارِ»

شمایید روشنی قلب خوبان و راهنمایان نیکان و حجت های خدای مقتدر جبار

«و شأنُكُمُ الحَقُّ و الصِّدقُ و الرِّفقُ و قَولُكُم و حُكمٌ و حَتمُ و رَأيُكُم عِلمٌ و حِلمٌ و

حَزمٌ اِن ذُكِرَ الخَيرُ كَنتُم اَوَّلَهُ و اَصلَهُ و فَرعَهُ و مَعدِنَهُ و مَأويهُ و مُنتَهاهُ بِاَبى اَنتَ

و اَمِّى و نَفسى كَيفَ اَصِفُ حُسنَ ثَنائِكُم و اُحصى جَميلَ بَلائِكُم »

شأن شما درستی و راستی و مرافقت است سخن شما قطعی و حتمی است رأی شما

دانش و بردباری و دوراندیشی است. اگر از خوبی نام برده شود آغاز و اصل و شاخه و

معدن و جایگاه نهایت شمایید. پدر و مادر و جانم فدای شما چگونه خوبی هایتان را

توصیف کنم و چگونه آزمایش های زیبای شما را شماره کنم.

ص: ۳۶۱

۵۵. شفاعت جزو اصلی ترین کار شماست:

«و شُفَعاءُ دارُ البَقاءِ -اللّهُمَّ اِنِّی لَو وَجدتُ شُفَاءَ اَقربَ اَلَیکَ مِن محمدٍ و اَهلِ بَیتِهِ الاَخیارِ الأئِمَّهِ الأبرارِ لَجَعَلتُهُم شُفَعائی- و لَکُم ... الشَّفاعَهُ المَقبولَهُ»

شما اهل بیت شفیعان خانه ابدی هستید- پروردگارا اگر من شفیعانی نزدیک تر از محمد و اهل بیت او که از خوبان و ائمه طاهرین هستند سراغ داشتم آن ها را شفیع خود به درگاهت قرار می دادم- ای خاندان عصمت و طهارت شفاعت مورد قبول به شما اختصاص دارد.

اینها فرازهایی از جامعه کبیره است که حکایت از شفاعت محمد و آل محمد علیهم السلام دارد و جز قطعیات اعتقادی ماست و بر این امر مهم قرآن و روایات دلالت کامل دارند شک نیست در مرحله نخست تمام شفاعت مختص پروردگار متعال است و اوست که به سایرین اجازه شفاعت را می دهد.

«قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَهُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»(۱)

بگو شفاعت تماماً از آنِ خداست فرمانروایی آسمان ها و زمین خاصّ اوست سپس به نزد او بازگردانده می شوید.

هرکس بخواهد شفاعت کند باید به اجازه پروردگار باشد بنابراین قرآن شفاعت را درباره ی غیر خداوند تبارک و تعالی نفی نمی کند.

«مَنْ ذَا الَّذِی يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»(۲)

کیست که جز به اذن خدا نزد او شفاعت کند؟

«مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ»(۳)

جز به اجازه پروردگار شفاعت کننده ای نباشد.

«لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا»(۴)

ص: ۳۶۲

۱- زمر/ ۴۴

۲- بقره/ ۲۵۵

۳- یونس/ ۳

۴- مریم/ ۸۷

اختیار شفاعت را ندارند مگر کسی که از جانب خدای رحمان پیمانی گرفته باشد

«و لا یَشفَعونَ اِلّا لِمَنِ ارتَضی»(۱)

و جز برای کسی که خداوند رضایت دهد شفاعت نمی کنند

و اما روایات: امام صادق علیه السلام می فرمود: تفسیر«لا یَمْلِکُونَ الشَّفَاعَهَ ...» اِلّا مَن اَذِنَ

لَهُ بِولایَهِ اَمیر المومنینَ و الأئِمَهِ مِن بَعدِهِ فَهُوَ العَهدُ عِندَ اللهِ»(۲)

حق شفاعت ندارند... مگر کسانی که به ولایت امیر المومنین و امامان بعد از او اعتقاد

داشته باشند و این همان عهدی است که نزد خدا دارند

از امام رضا علیه السلام سوال شد از کلام خداوند«لِمَن ارتَضی» برای کسی که خدا رضایت

دهد؟ فرمود:« ا یَشفَعونَ اِلّا لِمَنِ ارتَضی اللهُ دینَهُ »(۳)

آنان تنها برای کسی شفاعت می کنند که خداوند از دین او راضی باشد

امام صادق علیه السلام فرمود:«بدانید که هیچ یک از آفریدگان خدا شما را از او بی نیاز

نمی کند نه فرشته ای مقرب و نه پیامبری مرسل و نه دیگران پس هر که خوش دارد که

شفاعت کنندگان از او نزد خداوند موثر افتد از خداوند بخواهد که از وی راضی و

خشنود باشد.

در واقع امام صادق و امام رضا علیه السلام تلویحاً می فرمایند که هر شخص مسلمان باید

زمینه توفیق مشمول شفاعت شدن را در دنیا با اعمال صالحه و رفتار پسندیده خود

فراهم سازد و الّا امام صادق علیه السلام به عنوان مثال در آخرین لحظات زندگی طبق نقل همسر

آن حضرت آن کلام شگفت انگیز را بیان نمی کرد.

«اِنَّ شَفاعَتَنا لا تَنالُ مُستَخِفّاً بِالصَّلوهِ»(۴)

شفاعت ما ائمه شامل حال کسی که نماز را سبک بشمارد نمی شود.

خداوند تبارك و تعالی در مرحله نخست اذن شفاعت را به پیامبر عظیم الشأن اسلام

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم داده و مقام محمود که همان مقام شفاعت است به وی عطا فرموده

است.

۱- انبیاء/ ۲۸

۲- بحار، ج ۸، ص ۳۶

۳- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۱،ص ۱۳۶

۴- امالی صدوق، ص ۲۹۰

«وَمِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَهً لَکَ عَسَی أَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقَامًا مَحْمُودًا»(۱)

و پاسی از شب را بیدار بمان تا برای تو به منزله ی نافله ای باشد امید که پروردگارت تو را به مقامی محمود برساند.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت داریم منظور از مقام محمود و ستوده:«هی الشَّفاعَهُ»(۲)

آن مقام شفاعت از و یا در تبیین کلام خداوند که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:«و لَسَوفَ یُعطیکَ رَبُّکَ فَتَرضی»(۳) و بزودی پروردگارت تو را عطا می کند تا خشنود شوی.

امام باقر علیه السلام می فرماید:«الشَّفاعَهُ و اللهِ الشَّفاعَهُ و اللهِ الشَّفاعَهُ»(۴)

منظور شفاعت است به خدا سوگند شفاعت است به خدا سوگند شفاعت است

یک بار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند تبارک و تعالی به من فرمود از او خواهشی کنم اما من خواهش خود را برای شفاعت مومنان امت خود در روز قیامت به تاخیر انداختم و خداوند پذیرفت.(۵)

امام صادق علیه السلام بیان عجیبی درباره ی شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دارند:

«ما اَحَدٌ مِنَ الاَوَّلینَ و الآخَرینَ اِلّا و هُوَ یَحتاجُ اِلیَ شَفاعَهِ محمدٍ صلی الله علیه و آله و سلم یَومَ القیامَهِ»(۶)

هیچ کس از اولین و آخرین انسان ها نیست مگر آن که به شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در روز قیامت نیاز دارد.

بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شفاعت اهل بیت گرام اوست و در این زمینه از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که فرمود:«و اللهِ لَنَشفَعَنَّ و اللهِ لَنَشفَعَنَّ فی المِذنِبینَ

مِن شیعَتِنا حَتّی تَقولَ أعداؤنا اِذارَ أوا ذلکَ «فَما لَنا مِن شافعینَ و لا صَدیقٍ

۱- اسراء/ ۷۹

۲- بحار، ج ۸،ص ۴۸

۳- الضّحی/ ۵

۴- بحار، ج ۸، ص ۵۷

۵- بحار، ج ۸،ص ۳۷

۶- محاسن، ج ۱،ص ۲۹۳

حَميمٍ»(۱)

به خدا سوگند که ما شفاعت می کنیم به خدا سوگند که ما در حق شیعیان گنهکارمان

شفاعت می کنیم چندان که دشمنان ما با دیدن آن می گویند«ما را نه شفاعت کنندگانی

است و نه دوستی مهربان»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در روز قیامت من شفاعت می کنم و شفاعتم پذیرفته می شود و علی

شفاعت می کند و شفاعتش پذیرفته می شود و اهل بیتم نیز شفاعت می کنند و شفاعتشان

پذیرفته می شود »(۲)

و بعد از اهل بیت علیهم السلام نوبت به انبیاء علماء و شهداء می رسد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:« ثَلاثَهٌ یَشفَعونَ اِلی اللهِ عزَّوجلَّ فَیُشَفَّعونَ: اَلاَنبیاءُ ثُمَّ

العُلَماءُ ثُمَّ الشُّهَداءُ»(۳)

سه گروه نزد خدای عزوجل شفاعت می کنند و شفاعتشان پذیرفته می شود :

پیامبران علماء شهیدان در بیانی دیگر همان گرامی فرمود:«شفاعت کردن

مخصوص پیامبران و اوصیاء و مومنان و فرشتگان است»

امام باقر علیه السلام فرمود:«اِنَّ اَدنی المومنینَ شَفاعَهٌ لَیَشفَعُ لِثَلاثینَ اِنساناً »(۴)

مومنی که از همه کم تر می تواند شفاعت کند تا سی نفر را شفاعت می کند

ص:۳۶۵

۱- بحار، ج ۸، ص ۵۸

۲- تفسیر مجمع البیان، ج ۱،ص ۲۲۳

۳- خصال/ ۱۵۶

۴- کافی، ج ۸، ص ۱۰۱

۵۶. شکر نعمت ولایت شما را چگونه بجا آوریم؟!

«بِاَبی أنتُم و اُمّی و نَفسی بِموالاتِکُمْ عَلَّمَنا اللهُ مَعالِمَ دینَنا و اَصلَحَ ما کانَ

فَسَدَ مِن دُنیانا و بِموالاتِکُم تَمَّتِ الکَلِمَهُ و عَظُمَتِ النِّعمَهُ»:

پدر و مادرم و خودم فدای شما به تمسک به ولایت شماست که خداوند علوم دینی

را به ما آموخت و مفسده های دنیایی ما را اصلاح فرمود و به ولایت شماست که کلام

خدا به اتمام رسید و نعمت الهی عظمت یافت.

آن روزی که غدیر خم و امر اثبات ولایت امیر المومنین علیه السلام اتفاق افتاد آیه تکمیل و

اتمام نعمت الهی نیز ناز شد

«الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِینًا»(۱)

امروز دینتان را برای شما به کمال آوردم و نعمت خویش بر شما تمام کردم و

مسلمانی را دین شما انتخاب نمودم.

ابن مردویه از ابن عساکر از ابی سعید خدری نقل می کند که: همین که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

در روز غدیر خم علی بن ابی طالب را منصوب نمود برای علی علیه السلام ندای ولایت سر داد و

آنگاه جبرئیل نازل شد و آیه ی«الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ» برای پیامبر آورد.»(۲)

همان راویان حدیث دیگری را در ذیل آیه نقل می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«اللهُ اکبرُ عَلی اِکمالِ الدِّینِ و اِتمامِ النِّعمَهِ و رِضَی الرَّبِّ بِرِسالَتی و الوِلایَهِ

لِعَلیٍّ بنِ اَبی طالبٍ»(۳)

بزرگ است خدا بر کمال دین و اتمام نعمت و بزرگ است خدا که راضی برسالتم و

ولایت علی بن ابی طالب گردید.

امام صادق علیه السلام درباره ی غدیر خم فرمود: آیه«الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ» در روز

غدیر نازل گردید. یعنی امروز کامل کردم دین شما را به برپاداشتن احکام آن «و اَتمَمتُ

ص: ۳۶۶

۱- مائده/ ۳

۲- تفسیر درّ المنثور سیوطی، ج ۲، ص ۲۵۹

۳- الغدیر، ج ۱، ص ۲۳۱ و ۲۳۴

عَلَیکَم نِعمَتی اَی بِوِلایَتِنا و رَضیتُ لَکَمُ الاِسلامَ دیناً أی: تَسلیمَ النَّفسَ لِاَمرِنا»(۱)

و کامل کردم نعمتم را بر شما به ولایت ما اهل بیت و معنای اینکه اسلام را برای شما

رضا دادم تسلیم شدن نفس در برابر امر ما اهل بیت است

و در تفسیر آیه شریفه:«ثُمَّ لَتُسئَلُنَّ یَومَئِذٍ عَنِ النَّعیمِ»(۲)

آنگاه در آن روز از این نعمت بازخواست می شوید.

امام صادق علیه السلام فرمود:«و اللهِ ما هُوَ الطَّعامُ و الشَّرابُ و لکِن وِلایَتُنا

اَهلِ البَیتِ »(۳)

قسم به خدا نعیم غذا و آب نیست بلکه ولایت ما اهل بیت است.

از نعمت بزرگ ولایت محمد و آل علیهم السلام غافل نباشیم که افضل النعم است و هیچ

نعمتی بعد از نعمت توحید و قبول رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با آن برابری نمی کند

نعمت های خداوند تبارك و تعالی همگی خوب و ارزشمندند ولی نعمت ولایت

ارزش ویژه دارد زیرا که نعمتی است که به سایر نعمت ها درخشندگی و بقاء همیشگی

می بخشد

ما خداوند بزرگ را سپاس می گذاریم که به کام جانمان مهر و عشق به اهل بیت علیهم السلام را

چشانید و بر روان پدران و مادرانمان که در این امر مهم ما را یاری کردند درود

می فرستیم و از درگاه احدّیت عاجزانه درخواست می کنیم پیوند ولایتی ما را در نسل مان

تا روز قیامت ادامه دهد و در نسل ما دشمن خاندان عصمت و طهارت قرار ندهد.

«اَلحَمدُ للهِ الَّذی جَعَلَنا مِنَ المُتَمسِّکینَ بِوِلایَهِ اَمیرِ المومنینَ و اَولادِهِ

المَعصومینَ علیهم السلام » بنی آدم که جای خود دارد فرشتگان الهی هم اگر بخواهند قرب و

منزلت در پیشگاه الهی پیدا کنند باید به محبت و ولایت اهل بیت تمسک جویند.

یک بار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امیر المومنین علی علیه السلام فرمود:

۱- الغدیر، ج ۱، ص ۲۳۱ و ۲۳۴

۲- تکاثر/ ۸

۳- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۰۳

«اِنَّ المَلائِکَهَ لَتَقَرَّبُ اِلی اللهِ تَقَدَّسَ ذِکرُهُ بِمَحَبَّتِک و وِلایَتِک و اللهِ اِنَّ اَهلَ

مَوَدَّتِک فی السَّماءِ لَاَکثَرُ مِنهُم فی الاَرضِ»(۱)

فرشتگان جهت تقرب جستن به مقام قدس الهی از محبت و ولایت تو استفاده

می کنند و به تحقیق دوستان تو در آسمان بیش از دوستان تو در زمین هستند

برای تایید کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باید به یک سلسله روایاتی پرداخت که نشانگر علاقه

شدید فرشتگان و آسمانیان به امر ولایت است.

مثل روایت ام سلمه که از همان گرامی نقل می کند شنیدم که فرمود:

«ما قَومٍ اِجتَمِعوا یَذکُرونَ فَضلَ عَلیِّ بنِ ابی طالبٍ اِلّا هَبطَت عَلیهِم مَلائِکَهُ

السّماءِ حَتّی تَحُفَّ بهم، فَاِذا تَفَرَّقوا عَرجَت المَلائَکَهُ اِلیَ السَّماءِ فَیَقولُ لَهُمُ

المَلائِکَهُ : اِنّا نَشُمُّ مِن رائِحَتِکُم ما لا نَشُمُّهُ مِنَ المَلائِکَهِ فَلَم نَرَ رایِحَهً اَطیبُ مِنها

فَیَقولانَ: کُنّا عِندَ قَومٍ یَذکرونَ محمداً و اَهل بَیتِهِ فَعَلَقَ فینا مِن رِیحِهِم فَتَعَطَّرنا

فَیَقولانَ: اِهبِطوابِنا اِلَیهِم فَیَقولانَ: تَفرَّقوا و مَضی کُلِّ واحِدٍ مِنهُم اِلی مَنزِلِهِ

فَیَقولونَ: اِهبِطوا بَنا حَتّی نَتَعَطَّرُ بِذلکَ المَکان»(۲)

هر وقت عده ای دور هم جمع شوند و از فضائل امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام

سخن به میان آورند عده ای از فرشتگان آسمان پایین می آیند و مانند(هاله ای از نور)

اطراف آن ها را می گیرند وقتی ختم جلسه اعلام می گردد و افراد متفرق می شوند

ملائکه به آسمان باز می گردند. جمعی از فرشتگان با آن ها برخورد می کنند و می گویند:

شما کجا بودید که چنین بوی خوشی از شما استشمام می شود ما که تا به حال از هیچ کس

چنین عطری را استشمام نکرده ایم؟! ملائکه عروج کننده می گویند: ما در مجلس گروهی

بودیم که ذکر فضائل حضرت محمد و اهل بیت گرامش را می نمودند این بوی خوش

در اثر مجاست با ایشان نصیب ما شده است. آن ها درخواست می کنند که ما را نیز به

۱- بحار، ج ۳۸،ص ۹۳

۲- بحار،ج ۳۸،ص ۹۳

محفل آنان ببرید. پاسخ می دهند که جلسه آن ها پایان یافت و همگی متفرق شدند و

هر کدام به خانه های خود رفتند.

می گویند پس حداقل ما را پایین ببرید تا با حضور در جایگاه آن ها معطر شویم.

امام صادق علیه السلام باز از علاقه فرشتگان به اهل بیت و شیعیان می فرماید:

«حَبَّذا شیعَتُنا ما أقرَبهُم مِن عَرشِ اللهِ عزَّوجلَّ و اَحسنَ صُنعَ اللهِ اِلَیهِم یَوم

القیامَهِ و اللهِ لَو لا اَن یَتَعاظَمَ النّاسُ ذلکَ اَو یَدخِلَهُم زَهواً لَسَلَّمَت عِلَیهِمُ

المَلائِکَهُ قُبُلًا »(۱)

شیعیان ما چه خوش مردمی هستند و چقدر نزد خداوند مقرب می باشند و چقدر

خوب پروردگار در روز قیامت با آن ها معامله می کند سوگند به خدا اگر مردم عظیم

نشمارند(و باعث گمراهی ایشان نشوند) و یا بعضی بر یکدیگر تفاخر نکنند ملائکه

آشکارا بر شیعیان و پیروان ما سلام می کنند.

یکی از اتهاماتی که دشمنان به پیروان اهل بیت علیهم السلام می زنند این است که اینها رافضی

هستند یعنی از دین برگشته اند و به اسلام پشت کرده اند البته جرمشان قبول ولایت

امیر المومنین علی علیه السلام و فرزندان معصوم آن حضرت است.

امام صادق علیه السلام پاسخ محکمی به این نوع افراد داده که معنای رافضی چیست و در

ادامه لطف فرشتگان را به اهل ولاء بیان فرموده است:

سلیمان دیلمی می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که ابوبصیر نفس زنان وارد

شد همین که نشست امام علیه السلام فرمود: این چه حالی است؟

عرض کرد ای پسر رسول خدا سن من فزونی گرفته و مغز استخوانم آب شده و اجلم

نزدیک گشته در حالی که نمی دانم در آخرت بر من چه خواهد گذشت! آن گرامی

فرمود: ای ابا محمد تو هم چنین می گویی عرض کرد فدایت شوم چگونه نگویم

فرمود:یا ابامحمد آیا نمی دانی خداوند متعال جوانان شما را اکرام کرده از این که عذاب

ص:۳۶۹

۱- روضه کافی، ص ۲۱۴

کند و پیران شما را لطف کرده از این که آن ها را در معرض حساب قرار دهد.

عرض کرد فدایت شوم آیا این موهبت ویژه ماست یا برای تمام اهل توحید است؟

فرمود: نه این فقط برای شماست نه برای دیگران خداوند متعال می فرماید: پیری در مومن نور من است و من شرم دارم از اینکه نورم را به نارم بسوزانم و گفته اند پیری زینت عقل و نشان وقار است.

گفت: فدایت شوم ما مورد حمله ای قرار گرفته ایم که پشتمان را شکسته و دل هایمان را میرانده و قاضیان خون ما را حلال دانسته اند به خاطر حدیثی که فقهاء آنان برایشان روایت کرده اند.(پس معلوم می شود اگر امروزه فقهای آنان خون شیعه را مباح می دانند این رشته سر دراز دارد)!!!

امام صادق علیه السلام فرمودند:«لقب رافضه» عرض کرد بلی، فرمود: به خدا سوگند آن ها شما را به این نام ننامیدند بلکه پروردگار عالمیان شما را به این نام نامید آیا نمی دانی که هفتاد مرد از بنی اسرائیل هنگامی که گمراهی فرعون برایشان آشکار شد او را ترک کردند و به حضرت موسی علیه السلام پیوستند موقعی که هدایت او بر آنان هویدا گشت در لشکر موسی علیه السلام به رافضه مشهور شدند چون فرعون را ترک کردند و این گروه در بندگی خدا و محبت به موسی و هارون و فرزندانش پافشارترین مردم بودند

خداوند به موسی علیه السلام وحی فرستاد این اسم را در تورات برای آن ها ثبت کن که من آن ها را به این نام نامیدم و این لقب را به آنان بخشش فرمودم. پس موسی علیه السلام این اسم را برای ایشان ثبت کرد.

آنگاه خداوند بزرگ این اسم را ذخیره کرد تا به شما عطا فرماید یا ابا محمد آن ها ترک خیر کردند و شما به خاطر خیر ترک شر نمودید.

مردم متفرق و دسته دسته شدند و شما به اهل بیت پیغمبرتان صلی الله علیه و آله و سلم پیوستید و به راهی

که به خدا می رسد رفتید و آنچه را که خدا اختیار و اراده نموده اراده و اختیار نمودید

پس بشارت باد شما را که مورد رحمت و عنایت پروردگارید اعمال نیکوی شما مورد

ص: ۳۷۰

پذیرش و گنهکار شما مورد آزمایش الهی قرار می گیرد اگر کسی از راهی که شما به سوی

خدا می روید(طریق اهل بیت علیهم السلام و قبول ولایتشان) نرود اعمال نیکویش قبول نشده و

گناهانش آمرزیده نگردد

ای ابا محمد پروردگار فرشتگانی دارد که گناهان شیعیان را می ریزند همان طور که

باد برگ درختان را در خزان می ریزد و این مصداق فرمایش خداوند در قرآن مجید

است که می فرماید:

«وَ المَلائِکَهُ یُسَبِّحونَ بِحَمدِ رَبِّهِم و یَستَنغفرونَ لِلَّذینَ آمَنوا»(۱)

و استغفار آنان فقط شما را فرا می گیرد نه این مردمان را؛ ای ابامحمد آیا خوشحال

شدی؟ عرض کرد فدایت شوم زیادتر بفرمایید. فرمود: ای ابامحمد خداوند احدی از

جانشینان پیغمبران را استثناء نکرده مگر امیر المومنین علیه السلام و شیعیان او را در کتاب خود

فرمود:

«یَوْمَ لَا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئًا وَ لَا هُمْ یُنْصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ

الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ»(۲)

مقصود آیه ی شریفه علی علیه السلام و پیروانش هستند (که جزو کسانی هستند خداوند به آن

رحم کرده است)

ای ابامحمد آیا مسرور شدی؟

عرض کرد: فدای تو شوم زیادتر بفرمایید. امام صادق علیه السلام باز مقداری از آیات را

برایش تفسیر و تاویل فرمود تا آنجا که فرمود: ای ابامحمد آیه ای درباره ی بهشت و اهل

آن فرود نیامده مگر آنکه درباره ی ما و پیروان ماست و آیه ای درباره ی دوزخ نازل نگشته

که اهل آن را به عاقبت بدو آتش دوزخ خبر دهد مگر اینکه درباره ی دشمنان ما و کسی

که مخالف ماست وارد شد

عرض کرد: فدایت شوم زیادتر بفرمایید. فرمود: بر ملت و مذهب حنیف ابراهیم

ص: ۳۷۱

۱- مومن/ ۷

۲- دخان/ ۴۱و ۴۲

خلیل علیه السلام جز ما و شیعیان ما کسی نیست و سایر مردم از این راه بدورند ای ابامحمد آیا خوشحال شدی؟»(۱)

خواننده گرامی و کسانی که از سرمایه بزرگ ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام بر خور دارید به قول امام صادق علیه السلام آیا نباید خوشحال شویم که به لطف پروردگار از نعمت ولایت این خانواده نصیب و بهره ای داریم و زبانمان قادر به شکر این نعمت گرانقدر نیست و به پروردگار خویش چون سلیمان پیامبر علیه السلام عرض می کنیم:

«رَبِّ أَوْزِعْنِی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتِی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَعَلَی وَالِدَیَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِی بِرَحْمَتِکَ فِی عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ»(۲)

سلیمان گفت: پروردگارا! به من توفیق شکر نعمت هایی که به من و پدر و مادرم عنایت فرمودی بده و برای انجام کارهایی که مورد رضایت توست موفق بدار و مرا بر لطف و رحمتت در زمره ی بندگان صالحت وارد نما!

۱- فضائل الشیعه، ص ۲۱

۲- نمل/ ۱۹

حرف – ص:

۵۷. صالحان را رهبرید:

«و لا مومِنٌ صالحٌ ... اِلّا عَرَّفَهُم جَلالَهَ اَمرِکُم و عِظَمَ خَطَرِکُم و کِبَرَ شَأنِکُم و تَمامَ نُورِکُم»:

هیچ مومن صالحی به درجه و مقام شما راه نیابد... جز آنکه خداون تبارک و تعالی بزرگی امر شما را به آن ها بشناساند و نیز بزرگی مقام خطیر شما و عظمت شأن شما و تمامیت نورتان را

صالح بودن یکی از خواسته های انبیاء و بزرگانه دین خدا بوده است.

یوسف علیه السلام بعد هرآنچه برایش اتفاق افتاد و همه مراحل را سیر کرد آخرین درخواستش این بود«تَوَفَّنِی مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ»(۱)

خدایا! مرا مسلمان بمیران و به صالحین ملحق فرما.

حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از همه آن امتحان های الهی عرض کرد:

«رَبِّ هَبْ لِی حُکْمًا وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ»(۲)

پروردگارا مقام حکمت را به من عنایت کن و مرا به بندگان صالحت ملحق فرما

سلیمان هم بعد از آن همه نعمتی که در سلطنت بر جن و انسان و کره زمین بر او داد عرض کرد:«وَأَدْخِلْنِی بِرَحْمَتِکَ فِی عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ»(۳)

ص: ۳۷۳

۱- یوسف/ ۱۰۱

۲- شعراء/ ۸۳

۳- نمل/ ۱۹

خدایا به فضل و رحمتت مرا جزو بندگان صالحت وارد فرما.

اضافه بر اینکه مدال پر افتخار صالح بودن را خداوند تبارك و تعالی بر سینه عده ای

از بندگان لایق و شایسته خویش زده است:

درباره ی حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید:

«وَإِنَّهُ فِی الْآخِرَهِ لَمِنَ الصَّالِحِینَ »(۱)

و ابراهیم در آخرت جزو بندگان صالح است.

در توصیف حضرت یحیی علیه السلام می فرماید:

«مُصَدِّقًا بِکَلِمَهٍ مِنَ اللَّهِ وَسَیِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِیًّا مِنَ الصَّالِحِینَ »(۲)

حضرت یحیی علیه السلام در حالی که کلمه خدا را تصدیق می کند و آقا و پرهیزکار و

پیامبری از صالحان است.

در تعریف حضرت عیسی بن مریم علیهاالسلام می فرماید:

«وَیُکَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَکَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِینَ»(۳)

و با مردم در گهواره و در بزرگی سخن گوید و از بندگان صالح است.

پس از نام بردن از دوازده پیامبر خود: ابراهیم ، اسحاق، یعقوب، سلیمان، ایوب،

یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس می فرماید:

«کُلٌّ مِنَ الصَّالِحِینَ»(۴)

همگی از بندگان صالح بودند.

بعد از انبیا نوبت به مردم عادی می رسد که پروردگار با حفظ شرایط به آن ها این

مدال را می دهد:

«یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَیَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ

يُسَارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَ أَولَئِکَ مِنَ الصَّالِحِینَ »(۵)

ص: ۳۷۴

۱- بقره/ ۱۳۰

۲- آل عمران/ ۳۹

۳- آل عمران/ ۴۶

۴- انعام/ ۸۳ تا ۸۵

۵- آل عمران/ ۱۱۴

به خداوند و روز قیامت ایمان دارند امر به معروف و نهی از منکر می نمایند. در

کارهای خیر شتابند و آنان از بندگان صالحند.

و درباره ی یاران امام عصر حجه ابن الحسن روحی له الفداء هم در ذیل این آیه به نقل

از امام باقر علیه السلام آمده است:

«وَلَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ»(۱)

در کتاب زبور از بعد ذکر نوشتیم که وارق زمین بندگان صالح من خواهند شد.

«هُم اَصحابُ المَهدی علیه السلام فی آخِرِ الزَّمانِ»(۲)

ایشان(بندگان صالح) اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمانند.

چرا انبیاء و اولیاء صالحان را رهبرند؟ یعنی سایر مردم نمی توانند از وجودشان بهره

ببرند نه این طور نیست بلکه منظور آن است که تا نفس مهتدی و هدایت پذیر نشود

نمی تواند از وجود مقدس اهل بیت کسب معنویت کند

اعلان آمادگی باید از ما شروع شود بنابراین تا مادامی که ما نخواهیم پیروی از آن

بزرگواران کنیم و در مقام اصلاح نفس خویش برنیاییم نباید توقع داشته باشیم ایشان ما را

رهبری و هدایت کنند.

قرآن شریف با همه عظمتش هدایتگر اهل تقواست و «هُدًی لِلْمُتَّقِینَ»(۳)

یعنی تا وقتی کسی عناد و دشمنی دارد و پذیرای حقایق نیست بی شک در مسیر

هدایت قرآن قرار نخواهد گرفت.

خداوند تبارک و تعالی برای هدایت دل های مردم شرط گذاشته می فرماید:

«وَ مَنْ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ یَهْدِ قَلْبَهُ»(۴)

و کسی که مومن به خداوند شود قلب او را هدایت و راهنمایی می کند.

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست*** در باغ لاله رویاند و در شوره زار خس

و یا به قول سعدی:

۱- انبیاء/ ۱۰۵

۲- مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶

۳- بقره/ ۲

۴- تغابن/ ۱۱

من آنچه شرط بلاغست با تو می گویم*** تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

محل قابل و آنگه نصیحت قائل*** چه گوش و هوش نباشد چه سود حسن مقال

نصیحت همه عالم چو باد در قفس است*** بگوش مردم نادان چو آب در غربال

بر همین اساس آنانی که نفس مهتدی ندارند و اقبال دل نیز و یا به طور کلی

نمی خواهند اصلاح شوند خداوند وعده داده من آن ها را هدایت نمی کنم

«وَ اللهُ لا يَهدِى القَومَ الكافِرينَ»(۱)

«وَ اللهُ لا يَهدِى القَومَ الظّالمينَ»(۲)

«اللهُ لا يَهدِى القَومَ الفاسِقينَ»(۳)

«اِنَّ اللهَ لا يَهدِى مَن هُوَ مُسرفٌ كَذّاب»(۴)

وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد*** که در آن آینه صاحب نظران حیرانند

وصل خورشید ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام شامل حال شب پره های دور از

معرفت نخواهد رسید بندگان صالح خدایند که شایسته اند تا زیر لوای اهل بیت علیهم السلام قرار

گیرند و از پرتو وجودشان نهایت استفاده را بکنند

ابن بابویه از ابوسعید خدری نقل می کند که گفت: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم

که ناگهان شخصی به طرف آن حضرت آمد و عرض کرد: ای رسول خدا درباره این

آیه که خداوند به ابلیس فرموده«اِستَكبَرتَ اَم كُنتَ مِنَ العالَمينَ»(۵)

تکبر ورزیدی یا تو از عالی رتبه ها هستی؟ مرا خبر ده مقصود از بلند مرتبه ها که از

فرشتگان برترند کیستند؟

۱- بقره/ ۲۶۴

۲- بقره/ ۳۱۹

۳- مائده/ ۱۰۸

۴- غافر/ ۲۸

۵- ص/ ۷۵

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«من، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام در سراپرده ی عرش دوهزار سال پیش از آفرینش آدم بودیم، تسبیح خدا می کردیم و فرشتگان از ما تسبیح کردن آموختند هنگامی که خداوند آدم را آفرید فرشتگان را فرمان داد تا برای آدم سجده کنند (و آن ها را چنین فرمان نداد مگر به خاطر ما که در صلب او بودیم) تمام فرشتگان این فرمان را اطاعت کرده و بر او سجده کردند جز ابلیس که از سجده کردن خودداری کرد.

خداوند تبارک و تعالی فرمود:

«یا اِبلیسُ ما مَنَعَکَ اَن تَسجُدَ لِما خَلَقتَ بِیَدیّ استَکبَرتَ اَم کُنتَ مِنَ العالَمینَ»

ای ابلیس چه چیز مانع شد آدم را که من به قدرت خود آفریده ام سجده کنی؟ آیا تکبر ورزیدی یا از عالی رتبگان - یعنی از آن پنج نور مقدسی که نام آن ها بر سراپرده ی عرش نوشته شده است- بودی؟»

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«ما آن درِ رحمت پروردگاریم که هر که بخواهد به او راه یابد باید از آن وارد شود آن ها که هدایت شدند به سبب ما راه یافتند هر که دوستی ما را داشته خدا او را دوست دارد و در بهشتش او را ساکن گرداند و هر که با ما دشمنی کند خدا او را دشمن دارد و در دوزخش او را جای دهد و ما را جز آنکه پاک متولد شده دوست ندارد»(۱)

ابن بابویه رحمه الله روایت دیگری از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

«لا یُتِمُّ الایمانُ اِلّا بِمَحَبَّتِنا اَهل البَیتَ و اِنَّ اللهَ تَبارکَ و تعالی عَهِدَ اِلَیَّ اَنَّهُ لا یُحِبُّنا اَهل البَیتِ اِلّا مومنٌ تَقیٌّ و لا یُبغِضُنا اِلّا مُنافقٌ شَقِیٌّ، فَطوبی لِمَنَ تَمَسَّکَ بی و بِالاَئِمَّهِ الأطهارِ مِن ذُرِّیَّتی»

ایمان جز به محبت ما اهل بیت کامل نمی گردد و این عهد و پیمان الهی با من است که ما اهل بیت را جز مومن پرهیزکار دوست ندارد و جز منافق گمراه دشمن ما نیست. پس

۱- فضائل الشیعه، ص ۴۹؛ بحار، ج ۱۱،ص ۱۲۲

خوشا به حال کسی که به من و ائمه اطهار از ذریه من گرویده و به رشته ی ولایت ما در

آویخته است.

از آن حضرت سوال شد ائمه و پیشوایان بعد از شما چند نفرند؟

فرمود: عدد نقباء بنی اسرائیل به عدد سران و سروران بنی اسرائیل »(۱)

چگونگی رهبری ائمه طاهرین علهیم السلام بر صالحان و نیکان کاملا در طول امامت آن

بزرگواران مشهود است کسانی که رجال شایسته بودند در محضر ایشان نهایت استفاده

را کردند و جزو شاگردان ممتاز آن ها شدند و از نظر صلاحیت علمی و اخلاقی تا آنجا

پیش رفتند که زمان حیات امام زمانشان مجوز فتوا دادن در احکام شریعه از ناحیه امام

خویش داشتند و بعضی از آن ها جزو اصحاب سرّ ائمه علیهم السلام بودند

در عصر امیر المومنین علی علیه السلام می توان به میثم تمار کمیل بن زیاد و مالك اشتر و

امثال آن ها اشاره کرد و برای سایر ائمه علیهم السلام نیز این سیره ادامه یافت.

ص: ۳۷۸

۱- بحار، ج ۳۶،ص ۳۲۲

۵۸. صلوات مستدام ما بر شما باد:

«و جَعَلَ صَلَواتَنا عَلَیکُم»:

و خداوند درودها و صلوات ما را به شما اختصاص داده است.

اگر پرسیده شود چگونه خداوند تبارك و تعالی صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام را از ناحیه ما مقرر فرموده؟ پاسخ می دهیم به دلیل آیه ۵۶ سوره مبارکه احزاب:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا »

خداوند فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند ای اهل ایمان! شما نیز بر او درود فرستید و با احترام بر او سلام مخصوص فرستید.

طبق فرمایش شخص رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بدون دنباله آن یعنی درود بر آل محمد علیهم السلام ناقص است و مواخذه دارد!

هر کس بگوید:« صلّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِهِ » خداوند تبارك و تعالی می فرماید:

«صَلیَّ اللهُ عَلَیکَ فَلیَکثِر مِنَ ذلکِ» درود بر تو باد پیش تر از این ذکر را بازگو کن و هر کس بگوید:«صَلیَّ اللهُ عْلی مُحَمَّدٍ و لَم یُصَلِّ عَلی آلِهِ » بر حضرت محمد درود فرستد و برآلش نفرستد«لَم یَجِدرِیحَ الجَنَّهِ و رِیحَها یوجَدُ مِن مَسیرَهِ خَمسَمَأهِ عامٍ »(۱)

بوی بهشت را که از مسیر پانصد سال راه استشمام می شود نتواند بویید.

در بیان دیگر فرمود:«اگر کسی بر من درود فرستد و بر اهل بیت من درود نفرستد بین او و آسمان هفتاد حجاب به وجود می آید و پروردگار در جوابش می فرماید: لا لَبَّیکَ و لا سَعدَیکَ» ای فرشتگان من دعایش را بالا نبرید مگر آنکه عترت پیامبر را به

حضرتش ملحق کند»(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۶،ص ۲۲۹

۲- امالی صدوق، ص ۳۴۵

و باز برای اهمیت صلوات کامل که همان درود بر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد فرمود:

«الصَّلوهُ عَلیَّ و عَلی اَهلِ بَیتی تَذهَبُ بِالنِّفاقِ»(۱)

درود بر من و اهل بیت من نفاق را از بین می برد.

نتیجه آن شد که صلوات بر معصومین در اصل فرمان خداوند تبارک و تعالی است

همان طور که از بیان پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و سلم استفاده شد

اما برکاتی که صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام در پی دارد:

۱. دعایی است مستجاب و خداوند باکی ندارد که وقتی ما می گوییم «اللّهُمَّ صَلِّ عَلی محمَّدٍ و آلِ محمَّد» بر محمد و آلش درود فرستد بنابر این جزو دعاهای صد در صد مستجاب خواهد بود اضافه بر اینکه وجود صلوات و ذکر آن ابتدا و انتهای دعاهای دیگر ما سبب می شود که به برکت صلوات بر محمد و آل دعای ویژه ما هم مستجاب شود چون بنا نیست دعایی که همراه با صلوات است محجوب بماند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«ما مِن دُعاءٍ اِلّا بَینَهُ و بَینَ السَّماءِ حِجابُ حَتّی یُصَلِّی عَلی محمَّدٍ و آلِ محمَّدٍ ، و اِذا فَعَلَ ذلکَ اِنحَرَقَ الحِجابِ فَدَخَلَ الدُّعاءُ و اِذا لَم یَفعَل ذلکَ لَم یَرفَعِ الدُّعاء»(۲)

بین هر نوع از دعا و آسمان حجابی است تا این که بر محمد و آل محمد درود فرستاده شود البته پس از ذکر صلوات حجاب برداشته می شود و دعا بالا می رود و اگر صلوات را نفرستد دعا بالا نخواهد رفت.

۲. صلوات چرخ درخشنده ای برای عبور از پل مخصوص قیامت است:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«الصلوهُ عَلَیَّ نِورٌ عَلیَ الصِّراطِ»(۳)

درود فرستادن بر من نوری بر روی صراط است

۳. شخص رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از تمام صلوات های ما باخبر و به ایشان می رسد:

۱- وسائل الشیعه ج ۶،ص ۲۳۰

۲- بحار، ج ۹۴،ص ۶۴

۳- کنزالعمال/ ۲۱۵۳

«حَیثُما کُنتُم فَصَلّوا عَلَیَّ فَاِنَّ صَلاتَکَم تَبلُغُنی»(۱)

و امام صادق علیه السلام فرمود:«مَن صَلیّ عَلَی النَّبیِّ و آلِهِ مائَهَ مَرَّهٍ فی کُلِّ یَومٍ اَسداها سَبعونَ مَلَکاً یُبَلِّغُها اِلی رَسولِ الله صلی الله علیه و آله و سلم قَبلَ صاحِبِهِ»(۲)

هر جا که باشید بر من درود فرستید زیرا درود شما به من می رسد هر کس بر محمد و آلش روزی صد مرتبه درود بفرستد هفتاد فرشته صلوات او را قبل از خودش به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می رسانند.

۴. در هر نوشته و کتابی که ذکر صلوات بر محمد و آل را می نویسیم تا مادامی که آن نوشته برجاست برای کسی که در لابلای نوشته هایش درود کامل را نوشته فرشتگان برایش از درگاه الهی طلب آمرزش می کنند:

باز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«مَن صَلیّ عَلَیَّ فی کِتابٍ لَم تَزَلِ المَلائِکَهُ تَستَغفِرُ لَهُ مادامَ اِسمی فی ذلکَ الکِتابِ»(۳)

هر کس در نوشته ای بر من درود فرستد تا زمانی که نام من در آن نوشته موجود باشد فرشتگان پیوسته برای او آمرزش طلبند

۵. یکی دیگر از برکات صلوات بر محمد و آل علیهم السلام سنگینی اعمال در هنگام سنجش است:

امام باقر و امام صادق علیهماالسلام فرمودند:

«اَثقَلُ ما یوضَعُ فی المیزانِ یَومَ القِیامَهِ الصَّلاهُ عَلی مُحَمَّدٍ و عَلی اَهلِ بَیتِهِ»(۴)

سنگین ترین عملی که روز قیامت در ترازوی اعمال گذشته می شود درود بر محمد و اهل بیت اوست

۶. صلوات بهترین نقش را جهت کفاره گناهان دارد:

امام رضا علیه السلام فرمود:«مَن لَم یَقدِر عَلی ما یُکَفِّرُ بِهِ ذُنوبهُ فَلیَکثُر مِنَ الصَّلوهِ عَلی

۱- کنز العمال/ ۲۱۵۳

۲- جامع الاخبار، ص ۶۹

۳- کنز العمال/ ۲۱۴۴

۴- بحار، ج ۹۴، ص ۴۹

محمَّدٍ و آلِهِ فَاِنَّها تَهدِمُ الذَّنوبَ هَدماً»(۱)

هر کس قادر نیست جبران گناهان و لغزش هایش را بنماید زیاد بر محمد و الش

درود بفرستد زیرا که صلوات بر محمد و آل او باعث از بین رفتن گناهان می شود

۷. برکات صلوات در عالم برزخ:

ابن عباس می گوید«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

در عالم رویا حمزه سید الشهدا و جعفر طیار را دیدم به آن ها گفتم :

« اَیُّ الاُعمالِ وَجَدتُما اَفضَلُ؟ قالا«فَدَیناکَ بِالآباءِ و الاُمَّهاتِ وَجَدنا اَفضَلُ

الَاعمالِ الصَّلوهُ عَلَیکَ و سَقَی الماءِ و حُبُّ عَلیٍّ بن أبی طالبٍ»(۲)

در عالم برزخ کدام اعمال را بهتر یافتید؟ عرض کردند پدران و مادرانمان فدای تو

یافتیم بهترین اعمال را در صلوات بر تو و نوشاندن آب به دیگران و محبت و عشق به

علی بن ابی طالب علیه السلام

در اینجا توصیه می کنم دوستان خواننده را به صلوات بر چهارده معصوم که مرحوم

شیخ طوسی در مصباح المتهجد و محدث قمی در مفاتیح الجنان آورده است

اصل روایت از امام حسن عسکری علیه السلام است که حقیر در سال ۱۳۹۱ شرحی مبسوط

بر چهارده صلوات حضرت نوشته و در سال ۱۳۹۲ الحمدلله به چاپ رسید.(نشر پیام

عدالت) امام حسن عسکری علیه السلام در قالب صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام جایگاه رفیع و

با عظمت اهل بیت علیهم السلام را تبیین فرموده است و در اکثر درودها شان و منزلت هر معصوم

را به خوبی تشریح نموده و نشان داده که هر کدام از معصومین علیهم السلام چقدر در اهداف

بلند انسان و تربیت و تعلیم آن ها نقش داشته اند

امام یازدهم علیه السلام ضمن صلوات بر محمد و آل علیهم السلام پاسخ به شبهات در اطراف

موضوع ولایت را نیز داده است و در هر کدام از صلوات ها چند شاخص از همان امام و

معصوم مورد نظر نقل فرموده که حکایت از این می کند که معصومین علیهم السلام با این که همه

۱- جامع الاخبار، ص ۶۹

۲- امالی طوسی، ج ۲، ص ۲۹۰

نور واحدی بودند اما در عین حال هر کدام ویژگی های مخصوص به خود را داشته اند

بنابر این باز توصیه می کنم دوستان و علاقه مندان به اهل بیت برای آنکه بخواهند

کامل ترین صلوات را بر محمد و آل او بفرستند حتما به چهارده صلوات امام حسن

عسکری علیه السلام توجه کنند که جامع ترین درودها بر این خاندان پاک است.

حرف – ض:

۵۹. ضلالت و گمراهی در جدایی از شماست:

«و ضَلَّ مَن فارَقَکُم»:

و هر که از شما جدا شد گمراه گشت.

جدایی از اهل بیت علیهم السلام یعنی افتادن به دام شیطان های انسی و جنی و اسیر شدن در دست کسانی که بر خلاف سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و عترت عمل کردند و می کنند بنابراین باید همیشه یکی از دعاهای ما این باشد که بار پروردگارا بین ما و آل محمد علیهم السلام در دنیا و آخرت جدایی مینداز

قرآن شریف بزرگ ترین پیامش بیداری و هوشیاری برای بشریت است که مواظب باشند از مسیر حق تعالی منحرف نشوند و در اغلب آیات خود هشدار و زنهار لازم را داده چه کسانی در مقام گمراه کردن شما هستند و راه های رهایی از چنگال آن ها چیست

«وَ لَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ»(۱)

از هوای نفس گروهی که در گذشته به گمراهی افتاده و عدّه ی زیادی را گمراه کرده و از راه راست دور افتاده اند پیروی نکنید

۱- مائده/ ۷۷

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَهَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ»(۱)

آیا ندیدی آنان را که از کتاب بهره ای به آن ها داده شده خریدار گمراهی گشتند و

تصمیم دارند شما را نیز گمراه نمایند؟!

همین قرآن می فرماید اگر به راستی در مسیر هداست هادیان راستین قرار گرفتید کسی

نمی تواند شما را گمراه کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»(۲)

ای اهل ایمان! بر شما باد به خودسازی که اگر هدایت یافتید گمراهی دیگران به شما

زیانی وارد نمی کند

پس باید خود را در معرض هدایت خدا و رسول و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم قرار دهیم تا

مصونیت پیدا کنیم و کسی نتواند با نیرنگ های خود ما را بفریبد و گمراه کند و در

معرض هدایت قرار گرفتن به این معناست که با تمام وجود دستورات خدا و رسول و

عترت را به کار بندیم و چیزی از خود به دین خدا اضافه نکنیم

از حضرت صادق علیه السلام سوال شد که ستون اسلام را چه چیزهایی تشکیل می دهد که

وقتی انسان به آن ها معتقد شد و عمل کرد دیگر متضرر ضرری نشود؟ فرمود: شهادت به

وحدانیت پروردگار و نبوت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و اقرار و ایمان به آنچه از جانب پروردگار

درباره ی (مسائل اعتقادی و احکام شرعیه) رسیده رد کردن حقوق واجب(و از جمله

ولایت آن چنانه ای که خداوند بدان امر فرموده که عبارت است از ولایت آل محمد

صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین

همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد به مرگ جاهلیت

مرده است و پروردگار می فرماید:«اَطیعُوا اللهَ و اَطیعُوا الرَّسولَ و اوُلیِ الاَمرِ

مِنكَم » اولی الامر اول علی علیه السلام بعد امام حسن و امام حسین و علی بن الحسین و

محمد بن علی به ترتیب ادامه دارد «لا تَصلَحُ اِلّا بامامٍ علیهم السلام» زیرا که زمین به صلاح

ص: ۳۸۶

۱- نساء/ ۴۴

۲- مائده/ ۱۰۵

نمی رسد مگر به وجود امام علیه السلام »(۱)

پس راه صلاح و هدایت در گروه پیروی از امام معصوم علیهم السلام است و طبق فرمایش

حضرت صادق علیه السلام بلکه صلاح همه ساکنین کره زمین و همه انسان ها به تبعیت از امام

منتخب و برگزیده ی الهی است

اوضاع جدا شدگان از اهل بیت علیهم السلام این است: شیخ مفید از ابی اسحاق سبیعی نقل

می کند که گفت: بر «مسروق اجدعی» وارد شدم و نزد او مهمانی بود که او را

نمی شناختم آن مهمان گفت: در حُنین با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم و مطلبش را ادامه داد تا

بدانجا که گفت:

حدیثی برای شما بگویم که آن را حارث عور(که ظاهرا همان حارث همدانی

است) نقل کرده است. گفتیم: بلی؛ گفت: بر علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم فرمود: ای

اعور چه چیز تو را به اینجا کشانید؟ عرض کردم: محبت و دوستی شما

فرمود: تو را به خدا راست می گویی و مرا سه مرتبه قسم داد سپس فرمود:

«اَمّا اِنَّهُ لَیسَ عَبدٌ مِن عِبادِ اللهِ مِمَّن اِمتَحَنَ اللهُ قَلبَهُ بِالایمانِ اِلّا و هُوَ یَجِدُ

مَوَدَّتَنا عَلی قَلبِهِ فَهُوَ یُحِبُّنا و لَیسَ عَبدٌ مِن عِبادِ اللهِ مِمَّن سَخَطَ اللهُ عَلَیهِ اِلّا و هُوَ

یَجِدُ بُغضَنا عَلی قَلبِهِ فَهُوَ یَبغِضُنا»

بنده ای از بندگان خدا که قلب او برای ایمان امتحان شده باشد نیست مگر اینکه

محبت ما در قلب خو می یابد و ما را دوست دارد و بنده ای از بندگان خدا نیست که

مورد خشم الهی واقع شده باشد مگر اینکه دشمنی ما را در قلب خود احساس می کند و

با ما دشمنی می کند پس دوست ما صبح می کند در حالی که منتظر رحمت است و گویا

درهای رحمت برایش باز گشته است و دشمن ما صبح می کند بر لبه ی پرتگاه هلاکت و

آتش و در دوزخ سقوط می کند پس گوارا باد برای اهل رحمت آن لطف و رحمتی که

نصیبشان می شود و بدا به حال اهل آتش از جایگاه بدی که مسکن می کنند»(۲)

۱- تفسیر صافی، چاپ قدیم، ص ۱۲۳

۲- امالی مفید، ص ۲۷۰؛ بحار، ج ۲۲، ص ۱۹۶

شیخ صدوق از جابر نقل می کند که گفت: با عده ای در منی همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

بودیم ناگهان شخصی توجه ما را به خود جلب کرد او گاهی سجده می نمود و گاهی

رکوع می کرد و مشغول ناله و تضرع بود

گفتیم: ای رسول خدا! چقدر نمازش نیکو است فرمود:

او همان است که پدر شما را از بهشت بیرون نمود. پس علی علیه السلام بی مبالات و

بی درنگ به طرف او رفت و او را گرفته حرکت شدیدی داد به طوری که دنده های

راست و چپش در هم فرود رفت و فرمود:«ان شاء الله تو را خواهم کشت»

او گفت: تا آن مهلتی که خداوند به من داده است پایان نپذیرد و آن وقت معلوم نرسد

این کار را نمی توانی کرد و چرا می خواهی مرا بکشی؟

به خدا قسم دشمنی نمی کند کسی که با تو گر اینکه نطفه ی من قبل از نطفه ی پدرش وارد

رحم مادر او شده است و با دشمنان تو در اموال و اولاد آن ها شرک دارم و این

فرمایش خدای تبارک و تعالی است «و شارِکهُم فِی الَاموالِ و الَاولادِ»(۱)

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«یا علیّ لا یُبغِضُکَ مِن قُرَیشٍ اِلّا سَفاحِیَّ و لا مِنَ الَانصارِ اِلّا یَهودیٌّ و لا مِنَ

العَرَبِ اِلّا دَعَیٍّ و لا مِن سائِرِ النّاسِ اِلّا شَقیٍّ و لا مِنَ النِّساءِ اِلّا سَلقَلِقَیهٍ و هِیَ

الَّتی تَحیضُ مِن دُبِرها»

ای علی با تو دشمنی نمی کند از قریش مگر کسی که ازدواج او بدون عقد بوده است

و از انصار مگر کسی که اصلش یهودی بوده است و از طایفه عرب مگر کسی که نسب او

صحیح نیست و از مردمان دیگر مگر که گمراه و بدبخت است و از زنان مگر کسی که از

پشت حیض شود.

بعد از آن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سر را به آرامی به طرف سینه ی مبارکش پایین آورد و مدتی سکوت کرد. سپس سر را بلند کرد و فرمود:« مَعاشِرَ النّاس، اَعرِضوا اَولادَکُم عَلی مَحَبَّهِ علیٍّ» ای مردم! به فرزندان خود محبت علی علیه السلام را عرضه بدارید.(۲)

ص: ۳۸۸

۱- اسراء/ ۶۶

۲- القطره، ج ۱،ص ۲۱۸ به نقل از صحیح ترمذی، ج ۵،ص ۶۳۵

حرف – ط :

۶۰. طریقت شماست که مصون از لغزش و فتنه است:

«عَصَمَکُمُ اللهِ مِنَ الزَّلَلِ و آمَنَکُم مِنَ الفِتَن»:

خداوند شما را در افتادن در لغزش ها و مصون قرار داده و نیز در ورودبه فتنه ها حفظ

فرموده است.

همان طور که ائمه طاهرین در لغزش ها مصون قرار داده و نیز در ورود به فتنه ها مصون و در امانند

می رسند که از ورود در فتنه های زمان و لغزش ها در امان خواهند بود.

زیرا که راهنمایی ها و دلالت های روشنگرانه اهل بیت علیهم السلام برای هر عصر و زمان

آنقدر فراوان است که دوستداران و پیروان واقعی آن گرامیان را از لغزیدن و اسیر فتنه ها

شدن حفظ می کنند.

امیر المومنین علی علیه السلام در اولین کلمه ی حکمت آمیزش در بخش سوم نهج البلاغه

اینگونه راهنمایی می فرماید:«کُن فی الفِتنَهِ کَابنِ اللَّبُونِ لا ظَهرٌ فَیُرکَبَ و لا ضَرعٌ

فَیُحلَبَ»

در هنگام وقوع فتنه چون شتر دو ساله باش که نه پشت قدرتمندی دارد که سواری

دهد و نه پستانی دارد که بتوان از او شیر دوشید.

امام علیه السلام ما را آگاه می سازد که در هنگام وقوع فتنه(به ویژه فتنه های آخرالزمانی)

هوشیار باشیم ابزار سیاسی اهل فتنه قرار نگیریم. چون وقتی وامدار اهل فتنه شدیم لغزیدن و مبتلا شدن حتمی است این وامداری گاه ما را تا قعر جهنم می کشاند

مومن باید زیرک باشد بی جهت جریان و حزب و گروه و یا شخص خاصی را تایید و یا تکذیب نکند. اصل را مُرّشرع مقدس قرار دهد هرآنچه که مطابق با حق و فضیلت بود تایید کند و هر آنچه که مطابقت با سیره اهل بیت و قوانین مشروعه ی اسلامی ندارد کنار بگذارد.

شیعیان دنبال امامانی حرکت می کنند که خداوند آن ها را مورد لطف خاص خود قرار داده است«عَصَمَکُم اللهُ مِنَ الزَّلَلِ و آمَنَکُم مِنَ الفِتَنِ»

اگر افرادی را در تاریخ و یا عصر خود می شناسیم که فریب بیگانگان از اسلام و تشیع را خورده و عامل دشمنان می شوند حتما خود را در معرض راهنمایی های اهل بیت قرار نداده اند و ارتباط ولایی خود را با این خانواده قطع کرده اند و الا آنانی که سر سپرده این خانواده اند و به طور مدام با رفتار و گفتار عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ارتباطند و خود را در معرض موعظه های ایشان قرار داده اند بی شک از لغزیدن و گرفتار فتنه شدن دور خواهند بود.

یکی از مصادیق فتنه تن پروری و تلاش نکردن برای کار و زندگی و فهم حقایق است چیزی که انسان را به بسیاری از لغزش ها مبتلا می سازد

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«کَفی بِالمَرءِ فی دینِهِ فِتنَهً اَن یَکثُرَ خَطَؤهُ و یَنقُصَ عَمَلُهُ و تَقِلَّ حَقیقَتُهُ جیفَهٌ بِاللَّیلِ بَطّالٌ بِالنَّهارِ کَسولٌ هَلوُعٌ رَتُوعٌ»(۱)

برای دین انسان همین فتنه بس که خطایش بسیار باشد و عملش کاستی پذیرد و حقیقتش اندک باشد مردار شب باشد و بیکاره ی روز. تنبل و بی حوصله و تن پرور باشد

همان گرامی به همه ما هشدار داده که پس از ایشان فتنه ها در راه است مواظب باشید

گرفتار آن ها نشوید:

ص: ۳۹۰

۱- کنز العمال/ ۴۳۸۳۹

«لَيَغشِيَنَّ اُمَّتی مِن بَعدی فِتَنٌ كَقِطَعِ اللَّيلِ المُظلِمِ يُصبِحُ الرَّجُلُ فيها مومِناً و يُمسی كافِراً و يُمسی مومِناً و يُصبِحُ كافِراً يَبيعُ اَقوامٌ دينَهُم بِعَرَضٍ مِنَ الدُّنيا قَليلٍ »(۱)

پس از من فتنه هایی همچون پاره های شب تار امتم را فرا پوشاند چندان که آدمی بر اثر آن ها شب مومن باشد و روز کافر روز مومن باشد و شب کافر مردمانی دین خود را به اندک متاعی از دنیا می فروشند.

انقدر وجود فتنه مضر و بد است که مولایمان علی علیه السلام می فرماید:

«والٍ ظَلومٌ غَشومٌ خَيرٌ مِن فِتنَهٍ تَدومُ»(۲)

زمامدار ستمکار و بی رحم بهتر از فتنه (و هرج و مرجی) است که دائمی باشد

درست است در موقعی که حاکم ظالم بر سر کار است بر عده ای ظلم می شود و او هم سزای ظلم خود را خواهد دید اما اگر بی قانونی و فتنه حاکم شود آن وقت است که همه از هم انتقام می گیرند سنگ روی سنگ بند نیم شود

در بیانی دیگر حضرت می فرماید:«دَوامُ الفِتَنِ مِن اَعظَمِ المِحَن»(۳)

ادامه یافتن فتنه ها از بزرگترین رنج و محنت هاست

بدون تعارف و ملاحظه باید عرض کنم متاسفانه نزدیک به چهارده قرن است که مسلمانان راستین گرفتار فتنه ای شدند که درست بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به وقوع پیوست و تا به امروز هم ادامه دارد و آن فتنه باعث شد مسیر واقعی که تابلوی آن را پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و سلم ترسیم فرموده بود منحرف شود و این انحراف تا ظهور اما عصر روحی له الفداء ادامه خواهد داشت.

و این همان چیزی است که امیر المومنین علی علیه السلام به آن به بزرگ ترین رنج و محنت ها

تعبیر می نماید.

اگر امیر المومنین علی علیه السلام بیست و پنج سال سکوت اختیار کرد و امام حسن علیه السلام صلح

۱- کنز العمال/ ۳۰۸۹۳

۲- غررالحکم/ ۱۰۱۰۹-۵۱۴۰

۳- غررالحکم/ ۱۰۱۰۹-۵۱۴۰

را برگزید و امام حسین عاشورا را پدید آورد و امام سجاد علیه السلام به دعا و نیایش پرداخت

امام باقر و امام صادق علیهاالسلام کرسی درس و تدریس تشکیل دادند و امام کاظم علیه السلام چون

یوسف که گفت:«رَبِّ السِّجنُ اَحَبُّ اِلَیَّ مِمّا یَدعونَنی اِلَیه»(۱)

پروردگارا زندان برای من از آنچه اینان بدان دعوت می کنند محبوب تر است. زندان

را ترجیح داد تا با امثال هارون الرشید کنار نیاید و امام رضا علیه السلام از وطن آواره شد و

تبعید گردید و جوادالائمه علیه السلام در سن جوانی شهید شد و امام هادی و امام حسن

عسکری علیه السلام در غربت شهر سامرا جان باختند و امام عصر (عج) بیش از هزار سال است

که ظهور نکرده همه و همه بدین خاطر بوده که خود را در فتنه ها قرار ندهند و بگذارند

فتنه ها مسیر خود را بروند و باعث آسیب ایشان نشوند «و آمَنَکُم مِنَ الفِتَنِ»

امیر المومنین علی علیه السلام جان کلام را فرمود:«لا تَقتَحِموا ما استَقبَلتُم فَورِ الفِتنَهِ و

أمیطوا عَن سَنَنِها و خَلُّوا قَصدَ السَّبیلِ لَها»(۲)

هر گاه فتنه رو به شما آورد خود را در آن میفکنید و از سر راه آن کنار روید وسط

راه را برایش خالی کنید

و این بود سیره عملی و سیاسی ائمه طاهرین علیهم السلام و خط مشی آن بزرگواران و بر

ماست که راه و روش آن ذوات مقدسه را ادامه دهیم

در روایات کسانی که از فتنه ها به سلامت می رهند مشخص شده اند

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«طوبی لِلمُخلِصینَ اُولئکَ مَصابیحُ الهُدی تَنجُلی

عَنهُم کُلُّ فِتنَهٍ ظَلماءَ»(۳)

خوشا به حال مخلصان آنان چراغ های هدایتند و هر فتنه ی تاری از آن ها بر طرف

می شود امیر المومنین علی علیه السلام فرمود:«اِعلَموا اَنَّهُ مَن یَتَّقِ اللَه یَجعَلُ لَهُ مَخرَجاً مِنَ

الفِتَنِ و نوراً مِنَ الظَّلَمِ»(۴)

بدانید که هر کس تقوای الهی در پیش گیرد خداوند برای او راه خروجی از فتنه ها

۱- یوسف/ ۳۳

۲- غررالحکم/ ۱۰۳۹

۳- الترغیب و الترهیب، ج ۱، ص ۵۴

۴- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۸۳

قرار دهد و نوری در تاریکی ها

پس اخلاص و تقوا دو نیروی پر قدرتی هستند که برای ما ایجاد مصونیت می کنند و

در مواقع فتنه ها به کمک ما می آیند مفهوم مخالف کلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام آن

است که ریاکاران و بی تقواها گرچه جزو دوستداران اهل بیت باشند مصون از فتنه ها نیستند

و دیده ایم در طول تاریخ چگونه سیل فتنه ها بنیان ایمان و دنیا و آخرتشان را نابود کرده

است.

ص: ۳۹۳

حرف – ظ:

۶۱. ظالمان حقوق شما مورد نفرت ما هستند:

«وَ بَرِئَتُ الیَ اللهِ عَزَّوجلَّ مِن اعدائِکُم و مِنَ الجِّبتِ و الطّاغوتِ و الشَّیاطینِ و

حِزبِهِمُ الظّالِمینَ لَکُم الجاهِدینَ لِحَقِّکُم »

و به پیشگاه پروردگار عزیز از دشمنانتان و از جبت و طاغوت و شیطان ها و حزب

ستمکاران آن ها آنانی که منکران حق شمایند بیزاری می جویم.

«اللّهُمَّ الْعَنْ أَوّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَی ذَلِکَ» فرازهایی از زیارت عاشورا نقل از مفاتیح الجنان محدث قمی و مصباح شیخ طوسی

خدایا لعنت کن به اولین ستمکاری که ستم بر حق محمد و خاندان محمد را باب کرد

و کسانی که تا به امروز از او پیروی می کنند.

«إِنّی سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ وَ وَلِیٌّ لِمَنْ وَالاَکُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ

عَادَاکُمْ فَأَسْأَلُ اللّهَ الّذِی أَکْرَمَنِی بِمَعْرِفَتِکُمْ وَ مَعْرِفَهِ أَوْلِیَائِکُمْ وَ رَزَقَنِی الْبَرَاءَه مِنْ

أَعْدَائِکُمْ»(۱)

ای خاندان عصمت و طهارت من در صلح و سازشم با کسانی که با شما صلح کنند و

در جنگم با کسانی که با شما سر جنگ دارند و دوستم با کسانی که شما را دوست دارند

و دشمنم با کسانی که با شما سر دشمنی دارند. بنابراین از خدا می خواهم به من لطف کند

در شناختن مقام و منزلت شما و شناسایی دوستانتان و روزیم شده بیزاری جستن از

۱- فرازهایی از زیارت عاشورا نقل از مفاتیح الجنان محدث قمی و مصباح شیخ طوسی

دشمنانتان!

نمونه عبارات فوق که در زیارت عاشورا آمده در بقیه زیارتنامه های ائمه

طاهرین علیهم السلام به چشم می خورد که همگی حکایت از تبرّی جستن از دشمنان

اهل بیت علیهم السلام دارد و گویای این حقیقت است که تولّی به تنهایی کافی نیست و باید به

همان اندازه که ابراز عشق و علاقه به این دودمان مطهر می شود برائت و بیزاری نسبت به

دشمنانشان انجام گیرد و البته لازمه بیزاری جستن فحاشی و سخنان دور از ادب نیست

زیرا منطق شیعه منطق ادب و عفت است. شیعه سخنانش حتی نسبت به دشمنان دور از

اخلاق نیست. چیزی که بدان مجازیم فقط اظهار بیزاری و لعنت بر دشمنان محمد و آل

محمد علیهم السلام است و اگر کسی از این هم مضایقه کند فرشتگان او را لعنت خواهند کرد.

علی بن عاصم کوفی نابینا می گوید خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و به او

سلام کردم آن حضرت سلام مرا جواب داد و فرمود:

« خوش آمدی ای پسر عاصم بنشین و استراحت کن گوارایت باد مقامی که خداوند

به تو مرحمت فرموده است. ای پسر عاصم آیا می دانی زیر قدم های تو چیست؟

عرض کردم: مولای من زیر قدم خود فرشی را احساس می کنم که گسترانیده اند

خداوند صاحب آن را گرامی بدارد

امام علیه السلام به من فرمود: ای پسر عاصم بدان که تو اکنون بر فرشی قدم نهاده ای که

بسیاری از پیامبران و رسولان الهی بر آن نشسته اند

عرض کردم ای سرور من کاش تا زمانی که در دنیا هستم همواره در خدمت شما

باشم و هرگز شما را رها نکنم

سپس با خود گفتم: کاش چشم بینایی داشتم و آن را مشاهده می کردم. امام علیه السلام که از

ضمیر و باطن همه آگاه است به من فرمود: نزدیک بیا وقتی نزدیک رفتم دست مبارک

خود را بر دیدگان من کشید و به اذن پروردگار فوراً روشن شد و بینا گشتم. سپی فرمود:

این جای پای پدر ما حضرت آدم است و این جای پای هابیل است، به ترتیب جای

شیث، هود، صالح، ابراهیم، شعیب، موسی، داود، سلیمان، خضر، دانیال، ذی القرنین،

عدنان، عبدالمطّب، عبدالله، عبد مناف را به من نشان داد.

بعد فرمود:«وَ هذا اَثَرُ جَدِّی رَسول اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم و هذا اَثَرُ جَدِّی عَلیّ بن

اَبی طالبٍ علیه السلام» این جای پای مبارک جدم رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم و این جای پای مبارک

امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام است

علی بن عاصم گوید: خود را بر آن جای قدم ها افکندم و آن ها را بوسیدم و سپس

دست مبارک امام علیه السلام را بوسیدم و عرض کردم: من از اینکه شما را با دست یاری کنم

ضعیف و ناتوانم و جز اظهار دوستی و ولایت نسبت به شما و بیزاری از دشمنان شما و

لعنت کردن آن ها در تنهایی قدرت ندارم حال من چگونه خواهد بود ای سرور من؟

امام علیه السلام فرمود: پدرم از جدّم و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که آن حضرت فرمود:

«مَن ضَعُفَ عَن نُصرَتِنا اَهل البَیتِ و لَعَنَ فی خَلَواته اَعداءَ نابَلَّغَ اللهُ صَوتَهُ اِلی

جَمیعِ المَلائِکَهِ فَکُلَّما لَعَنَ اَحَدُکُم اَعداءَنا صاعَدَتهُ المَلائِکَهُ و لُعِنوا مَن لا یَلعَنُهُم »

کسی که از یاری ما اهل بیت عاجز باشد و دشمنان ما را در تنهایی ها لعنت کند

خداوند صدای او را به تمام فرشتگان برساند پس هرگاه یکی از دشمنان ما را لعنت کند

فرشتگان آن را بالا برند و کسی که آن ها را لعنت نکند لعنت کنند.

و هرگاه صدای او به فرشتگان رسد برای او طلب آمرزش کنند و بر او درود فرستند و

گویند: خداوندا! بر روح این بنده ات که در راه یاری دوستان تو تلاش کرد درود فرست

و اگر توانایی زیادتری داشت و بیشتر می توانست یاری کند حتما یاری می کرد در این

هنگام از طرف پروردگار ندایی رسد که ای فرشتگان من دعای شما را درباره ی بنده ام

اجابت کردم و صدای شما را شنیدم و بر روح او به همراه ارواح بندگان صالح دیگر

درود فرستادم و او را از برگزیدگان نیکو قرار دادم»(۱)

در یک روایت طولانی امیر المومنین علی علیه السلام درباره ویژگی های شیعیان خود

ص: ۳۹۷

۱- بحار، ج ۵۰، ص ۳۱۶

می فرماید که پیمان بسته اند با دشمنان خدا و رسول دشمنی کنند و از آن ها بیزاری بجویند:

حدیث از این جا آغاز می شود که روی رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم نشسته بودند و امیر المومنین علیه السلام نزد آن حضرت حضور داشتند که ناگاه امام حسین علیه السلام وارد شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم او را گرفت و در دامان خود نشانید، پیشانی و لب های مبارک او را بوسید و در آن زمان شش سال بیشتر از سن مبارک او نگذشته بود.

امیر المومنین علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! آیا فرزندم حسین (علیه السلام) را دوست دارید؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«کَیفَ لا اُحِبُّهُ و هُوَ عُضوٌ مِن اَعضائی» چگونه او را دوست نداشته باشم در حالی که پاره تن من است.

حضرت علی علیه السلام عرض کرد: مرا بیشتر دوست دارید یا حسین را؟ قبل از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جواب دهد امام حسین علیه السلام عرض کرد:

«یا ابَهِ مَن کانَ اَعلیَ شَرَفاً کانَ اَحَبُّ اِلَیَ النَّبیِّ صلی الله علیه و آله و سلم و اَقرَبُ مِنهُ مَنزِلَهً» کسی که از جهت نسب برتر و از حیث شرف بالاتر است نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم محبوب تر و از نظر مقام و درجه به او نزدیک تر است.

آنگاه به طور مبسوط امیر المومنین از فضائل خود و امتیازات شیعیان خویش فرمود تا آنجا که گفت: من مردمان را به سوی حوض(کوثر) می خوانم و غیر من کسی مومنان را به طرف حوض نمی خواند من پدر پیشوایان پاک و معصوم هستم من میزان عدالت و وسیله ی سنجش اعمال در قیامتم، من رئیس و بزرگ اهل دین و پیشوای مومنان به طرف خوبی ها و آمرزش پروردگارم.

اصحاب و همراهان من فردای قیامت دوستان من هستند که از دشمنانم دوری کرده

و اظهار بیزاری نموده اند... من کسی هستم که شیعیان من پیمان بسته اند با دشمنان خدا و

رسول او دوستی نکنند و روابط دوستانه نداشته باشند گرچه پدران آن ها و یا

فرزندانشان باشند.»(۱)

ص: ۳۹۸

۱- القطره، ج ۱،ص ۲۵۹

۶۲. ظهور و غلبه دین به دست شما انجام پذیرد:

«و المُظهِرینَ لِاَمرِ اللهِ و نَهیِهِ – و یُظهِرَکِم لِعَدلِهِ و یُمَکِّنَکُم فی اَرضِهِ»:

ظهور و غلبه فرمان و نهی پروردگار به دست شما انجام گیرد– و این شمایید که

عدالت را جهانی می کنید و خداوند شما را بر کره زمین حاکم خواهد کرد

آیه ای که در سه جای قرآن به آن اشاره شده و با مختصر تفاوتی در ذیل آیات دارای

یک مضمون است«هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ »(۱)

اوست که پیغمبر خویش را با هدایت و دین حق فرستاده تا بر تمامی ادیان برتری پیدا

کند وقتی به تاریخ اسلام مراجعه می کنیم می بینیم که آیه فوق در سطح بین الملل

مصداق خارجی پیدا نکرده در عصر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از ایشان در زمان هر کدام از

ائمه طاهرین. پس با این اصراری که خداوند بر ظهور و غلبه اسلام بر سایر ادیان دارد

باید یک روزی این امر محقق گردد و این اتفاق در زمان امام عصر (عج) اتفاق خواهد

افتاد. چنانکه چنین پیش بینی را امیر المومنین علی علیه السلام کرد و به فرزندش حسین بن علی علیهماالسلام

فرمود:«التّاسِعُ مِن وُلدِکَ یا حسینُ هُوَ القائِمُ بِالحَقِّ و المُظهِرُ لِلدِّینِ و الباسِطُ

لِلعَدلِ»(۲)

ای حسین نهمین پسرتو همان کسی است که به حق قیام می کند، دین خدا را ظاهر

می سازد و عدالت را در سطح جهان گسترش می دهد.

این غلط نیست که عصر آن گرامی را عصر نور و عصر علم و عصر عدالت بشماریم

بله در عصر آن بزرگوار فقر و حرمان از جامعه بشری خارج می شود دل های جهانیان از

حزن و غم بیرون می رود و زندگانی جهنّمی تبدیل به نعمت و آرامش می شود و دیگر

اثری از بی عدالتی دیده نمی شود

در ذیل آیه ای که عرض شد سه بار در قرآن تکرار شده و وعده غلبه مکتب اسلام را

ص: ۳۹۹

۱- توبه/ ۳۳

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۱۰

بر سایر مکتب ها داده امام صادق علیه السلام بیانی دارد که دقیقاً آیه را ارتباط می دهد به عصر

ظهور امام زمان علیه السلام

«ما نُزِلَ تَأویلُها بَعدُ و لا یَنَزِّلُ تأویلُها حتّی یَخرُجَ القائِمُ فَاِذا خَرَجَ القائِمُ لَم

یَبقِ کافِرٌ بِاللهِ و لا مُنکِرٌ بِالامامِ اِلّا کَرِهَ خُروجَهُ حَتّی لَو کانَ کافِرٌ فی بَطنِ صَخرَهٍ

قالَت یا مومنٌ فی بَطنی کافرٌ فَکَسونی و اقتُلهُ»(۱)

هنوز تاویل آیه نازل نشده و نخواهد شد تا آنکه قائم علیه السلام خروج کند. وقتی او

خروج کرد دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی ماند مگر اینکه از خروج آن

بزرگوار ناراحت می شود (زیرا او عرصه را بر آنان چنان تنگ می گیرد که راه گریزی

نمی یابند)حتی اگر کافری در دل سنگی پنهان شود آن سنگ مومنین به آن حضرت را

اطلاع می دهد که در شکم من کافری پنهان شده مرا بشکن و او را بیرون بیاور و به قتل

برسان.

مرحوم فیض کاشانی در ذیل آیه حدیث دیگری را به عنوان تاویل آیه نقل می کند

که امیر المومنین علی علیه السلام فرمود:«صاحب الامر غایب شد زیرا که خدعه و نیرنگ های

مردم به آن حضرت از حد گذشت. آن ها نسبت به ایشان به قدری کینه و عداوت در دل

می گیرند که نزدیک ترین افراد به آن حضرت دشمن ترین خواهد بود در این هنگام

خداوند او را با لشکریان غیبی خود یاری می کند تا دین جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را به دست

با کفایت خویش بر همه ادیان جهان غلبه دهد اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند»(۲)

و مرحوم طبرسی نیز در تاویل آیه شریفه از مقداد بن اسود روایتی نقل می کند که

می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود:«هیچ خانه گِلی و غیر آن در روی زمین به

جا نماند جز آنکه کلمه اسلام در آن داخل گردد یا با عزت و یا به خواری یا اینکه

اسلام آنان را عزیز گرداند و خدا آنان را اهل این دین نماید و در نتیجه به وسیله آن عزیز

ص: ۴۰۰

۱- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۲۱

۲- تفسیر صافی، ص ۲۳۰

گردند و یا خوارشان گرداند و به خواری تحت اطاعت اسلام درآیند.»(۱)

ده ها سال قبل برتان راسل فیلسوف انگلیسی که معلوم نیست به چه دینی بود پس از آنکه جنگ جهانی دوم به پایان رسید اعلام کرد ای مردم جهان شما دیگر روز خوش به خود نخواهید دید مگر آن زمانی که همه دولت ها در هم ادغام شوند و یک حکومت جهانی توسط یک مصلح کل به وجود آید و عدالت را در گیتی گسترش دهد.

راسل اگر از مبانی اسلام مطلع بود و از آیات قرآن و روایات چیزی می دانست مصداق را نیز تعیین می کرد ولی ما به او خطاب می کنیم اگر چه تعیین مصداق نکرده ای اما حقیقت را خداوند بر زبان تو وارد کرده و به راستی بشر روز خوش به خود نخواهد دید مگر زمانی که مصلح کل بیاید و جهان را با دولت کریمه اش اداره کند و عدالت را در تمام کره زمین گسترش دهد و دین واحد و قانون را بر کل جهان حاکم فرماید.

پس از جنگ دوم جهانی و کشتار میلیون ها انسان سازمان مللی به وجود آمد تا جنگ و خونریزی پایان پذیرد و حقوق بشر احیا گردد. مدت ها حقوق دانان عالم دور هم جمع شدند و منشور سازمان ملل را نوشتند اما بعد از گذشت ده ها سال از تشکیل چنین مرکزی سال و ماهی نبوده یک گوشه دنیا توسط ابر جنایتکاران قتل و خونریزی برای رسیدن منابع طبیعی مردم ضعیف برپا گردد و استعمار هر روز به رنگی و قیافه ای جنگ ظلم و تعدّی خویش را ادامه دهد.

تا امام عصر روحی له الفداء امر ظهورش اصلاح نشود بی شک ظلم و فساد استمرار خواهد داشت «اَیُّهَا الاِمامُ الَّذی یَفوزُ بِهِ المؤمِنونَ و یَهلِکُ عَلی یَدیهِ الکافِرونَ المُکَذِّبونَ»(۲)

امام عصر علیه السلام کسی است که اهل ایمان توسط او پیروز می شوند و به دست پر قدرت

حضرتش کافران و منکران نابود می گردند

و در دعای عهد با امام منتظر روحی له الفداء به خدای خویش عرض می کنیم:

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۵

۲- مفاتیح الجنان محدث قمی

«فَإِنَّکَ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَیْدِی النّاسِ،

فَأَظْهِرِ اللّهُمّ لَنا وَلِیّکَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِیّکَ الْمُسَمّی بِاسْمِ رَسُولِکَ حَتّی لا یَظْفَرَ بِشَیْءٍ

مِنَ الْباطِلِ إِلّا مَزّقَهُ، وَ یُحِقّ الْحَقّ وَ یُحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللّهُمّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبادِکَ وَ

ناصِراً لِمَنْ لا یَجِدُ لَهُ ناصِراً غَیْرَکَ،»(۱)

پروردگارا همانا خود فرمودئه ای و فرموده تو حق است«نمایان گشته فساد در

خشکی و دریا به علت آنچه را که مردم انجام داده اند پس خدای من ولیّت را برای ما

ظاهر ساز همان که فرزند دختر پیامبرت می باشد و همنام رسول توست تا به دست با

کفایت او هر باطلی را سرکوب کند و هر حقی را احقاق نماید. بارالها حضرت ولی عصر

(عج) را پناهگاهی برای بندگان ستم دیده ات قرار ده و یاور کسانی که جز تو را یاور

ندارند.

آری همه ائمه «و المُظهِرین لِاَمرِ الله و نهیِه» و نیز «و یَظَهرَکُم لِعَدلِهِ و یُمَکِّنَکُم

فی اَرضه» بودند اما موقعیت امام زمان علیه السلام بسیار وسیع تر و جامع تر است و دقیقاً به این

آیه شریفه و پیش بینی قرآن نائل خواهد آمد:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا

اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ

بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا »(۲)

خداوندا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده کرده که

در این سرزمین جانشینشان کند چنانکه اسلامشان را نیز جانشین کرده و دینشان را که

برای ایشان پسندید استقرار دهد و از پی ترسشان امنیت بدل آورد

سید هاشم بحرانی در تفسیر برهان ذیل آیه روایتی را از معلی بن محمد ازوشاء از

عبدالله بن سنان نقل می کند که از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیه (وَعَدَ الله) چه تفسیری

ص: ۴۰۲

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- نور/ ۵۵

دارد؟ فرمود:«نَزَلَت فی عَلیّ بنِ اَبیطالبٍ و الأئِمَّهِ مِن وُلدِهِ علیهم السلام»

در شأن علی بن ابی طالب و امامان از نسل او نازل شده و منظور از «دینشان را که برای

ایشان پسندید استقرار دهد و از پی ترسشان امنیت بدل آورد» عَنِّی بِهِ ظُهُورَ

القائِمِ علیه السلام »(۱)

یعنی توسط ظهور حضرت قائم علیه السلام این امنیت برقرار خواهد شد. و پیش بینی

مولایمان امیر المومنین علی علیه السلام برای وقوع وعده الهی که در آیه مطرح شده این است:

« و ذلکَ اِذا لَم یَبقِ مِنَ الاِسلامِ اِلّا اِسمَهُ و مِنَ القرآنِ الّا رَسمُهُ و غابَ صاحِبُ

الاَمرِ بِایضاحِ العُذرِ لَهُ فی ذلکَ لِاشتِمالِ الفِتنَهِ عَلی قُلوبٍ حَتّی یَکونَ أقرَبُ

النّاسِ الیهِ أَشَدَّ عَداوَهٍ لَهُ و عِندَ ذلکَ یُؤَیِّدُهُ اللهُ بِجُنودٍ لَم یَرَوها و یَظهَرُ دینَ

نَبیِّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَلی یَدَیهِ عَلیَ الدِّینِ کُلِّهِ و لَو کَرِهَ المُشرِکونَ »(۲)

مربوط به زمانی است که از اسلام جز اسمی باقی نخواهد ماند و از قرآن جز رسمی و

صاحب الامر به علت عذری که دارد و به علت آلوده شدن قلب ها به فتنه ها تا جایی که

نزدیک ترین افراد به آن حضرت دشمن ترین است آن حضرت غایب خواهد بود تا

اینکه پروردگار با لشکریان غیبی خود او را تایید می کند و دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر همه ادیان

غلبه می دهد اگر چه مشرکان ناراحت شوند.

۱- تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۴۶ و ۱۵۰

۲- تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۴۶ و ۱۵۰

حرف – ع:

۶۳. عاقبت بخیری در ولای شما امکان پذیر است:

«سَعَدَ مَن والاکُم – مَن اَتاکُم نَجی– مَنِ اتَّبَعکُم فَالجَنَّهُ مَأویهُ– فازَ الفائِزونَ بِوِلایَتِکُم »:

نیکبخت شد آنکه شما را دوست داشت – هر که سراغ شما آمد نجات یافت – هر که از شما پیروی کرد جایگاهش بهشت است– رستگاران به وسیله ولایت شما رستگار شدند. یکی از هشدارهای جدّی قرآن شریف درباره عاقبت و پایان زندگی انسان هاست به همین علت در آیات متعددی ما را متوجه عاقبت بدکاران و وضع اسفبار آن ها می نماید.

«فَانظُروا کَیفَ کانَ عاقِبَهُ المُکَذِّبینَ»(۱)

«فَانظُروا کَیفَ کانَ عاقِبَهُ المُفسِدینَ»(۲)

«فَانظُروا کَیفَ کانَ عاقِبَهُ الظّالِمینَ»(۳)

«فَانظُروا کَیفَ کانَ عاقِبَهُ المُنذَرینَ»(۴) تهدید شدگان از جانب خدا

و نیز از عاقبت بخیری نیکان می فرماید:

«و العاقِبَهُ لِلمُتَّقینَ»(۵) پایان خوب متعلق به اهل تقواست

ص:۴۰۵

۱- آل عمران/ ۱۳۷ منکرین دین خدا

۲- اعراف/ ۸۶ فساد برپا کنندگان

۳- یونس/ ۳۹ و ۷۳ ستمکاران

۴- یونس/ ۳۹ و ۷۳

۵- اعراف/ ۱۲۸

«وَ العاقِبَهُ لِلتَّقوی»(۱) عاقبت نیک از تقوا سرچشمه می گیرد.

شک نیست که عاقبت بخیری اهمیتش از هر نوع عمل مثبت و اعتقادات صحیح

بیشتر است چون بسیاری از افراد جوانی خوبی دارند ولی وقتی به سن بالاتر می روند به

دام گناه و شیطان ها انسی و جنی می افتند و بار ایمان و تقوا را به سلامت به آخر

نمی رسانند چه بسا در صف کافران و مفسدین فی الارض قرار می گیرند .

موارد زیادی را هم شما خواننده بزرگوار و هم ما می شناسیم که در دوران زندگی

چنان دارای تغییر و تحول شدند که برای رسیدن به مال و ریاست دنیا پشت پا به همه

مقدسات و قول و قرارهایی که با خدای خویش و خلق خدا داده بودند زدند

اینکه انسان خود را در پیشگاه پروردگار همواره عبد ذلیل و حقیر ببیند گرفتار جوّ

اطراف خود نشود و از تعریف و تمجید دیگران امر برایش مشتبه نگردد و حالش تغییر

نکند یک موهبت بزرگ الهی است زیرا که عواملی که غالباً افراد را در ابعاد معنوی

واژگون می کند همین خودبزرگ بینی هاست!

چرا قرآن کریم این اندازه تاکید دارد که به عاقبت پیشینیان که با انکار دین خدا و

مقدسات و با ظلم و جنایت بر خلق خدا مردند بیندیشیم چون بهترین درس عبرت برای

ماست که دقت داشته باشیم پایان ظلم و تکذیب آیات الهی و فریب بندگان خدا جز

نکبت و خواری و عذاب دنیا و آخرت نیست

اکثر علماء ربّانی و صمدانی وقتی در حق کسی دعا می کردند حتما این جمله را در

دعاهای خود داشتند که خدا عاقبتت را بخی کند

وقتی حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام به محضر امام زمان خود حضرت هادی علیه

الصّلاه و السلام شرفیاب می شود و سلسله عقاید خود را به آقای خود ارائه می دهد

امام علیه السلام برای عاقبت بخیری او دعا می کند

«ای ابوالقاسم: و اللهِ هذا دینُ اللهِ الَّذی ارتَضاهُ لِعِبادِهِ فاثبِت عَلَیهِ ثَبَّتکَ اللهُ

بِالقولِ الثّابتِ فی الحَیوهِ الدُّنیا و فِی الآخِرَهِ»(۲)

۱- طه/ ۳۶

۲- روضات الجنان، ص ۳۵۶

به خدا سوگند این همان دینی است که خداوند خواسته تا همه بندگانش چنین باشند

بر این عقیده ثابت باش خداوند تو را به گفتار استوار و در دنیا و آخرت محکم و باقی بدارد

از مواهب ارادت و ارتباط با اهل بیت و خاکساری در خانه این ذوات مقدسه عاقبت بخیری است.«سَعَدَ مَن والاکُم » سعادتمند شد آنکه شما را دوست داشت و ولایت شما را پذیرفت «مَن اتَّبَعَکُم فَالجَنَّهِ مَأویهُ » هرکه از شما پیروی کرد جایگاهش بهشت است. حضرت عبدالعظیم علیه السلام الگوی خوبی است برای ما چون او با اینکه درک چند امام معصوم را کرده و خود فقیه و محدث است احساس غرور و خود بزرگ بینی نمی کند در عین حال در سن پیری سراغ آخرین امامی که توفیق زیارتش را داشته مشرف می شود و عقاید و اعتقادات خود را ارائه می دهد تا مبادا نقصان و اشکالی در آن باشد و مطمئن شود که کارهایش مورد امضای نورانی امام زمانش قرار گرفته است

حرکت این شخصیت والامقام برای ما درس بزرگی است که به هر مرتبه از مراتب علمی و اجتماعی و سیاسی رسیدیم گاهی در محضر استاد وارسته ای برویم و عقاید و اخلاق و رفتار خود را محک بزنیم اگر اشکال و ایرادی در کارمان هست برطرف کنیم تا انشاءالله عاقبت بخیر شویم.

در اینجا لازم است از صحیفه مبارکه سجادیه علیه السلام استفاده کنیم و از زبان آن امام بزرگوار دعای عاقبت بخیری را مرور کنیم به این امید که از برکت نورانیت کلام معصوم عاقبت و پایان خوبی داشته باشیم:

« كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ» « يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، وَ يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَ يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ

ذِكْرٍ، وَ أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ، وَ جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَهٍ. فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغاً مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَهٍ لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهٌ، وَ لَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَئْمَهٌ، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَهٍ خَالِيَهٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَ يَتَوَلَّى

كُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا وَ إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَ تَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا،

وَ اسْتَحْضَرَتْنَا دَعْوَتُكَ الَّتِی لَا بُدَّ مِنْهَا وَ مِنْ إِجَابَتِهَا، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ

اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَیْنَا كَتَبَةُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَی ذَنْبٍ

اجْتَرَحْنَاهُ، وَ لَا مَعْصِیَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا. وَ لَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْراً سَتَرْتَهُ عَلَی رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ،

یَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ. إِنَّكَ رَحِیمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَ مُسْتَجِیبٌ لِمَنْ نَادَاكَ»(۱)

از دعاهای امام سجاد علیه السلام درباره عاقبت بخیری

ای خدایی که پاداش برای هر یاد کننده ای شرافت است و ای آنکه شکر نعمت هایش

رستگاری برای اهل شکر است و ای کسی که بندگی اش سبب نجات اهل طاعت است بر

محمد و آل او درود فرست و دل های ما را به یادت مشغول کن و یاد غیر تو را از

قلوبمان خارج فرما و زبان هایمان را فقط به شکر گزاری از خودت متوجه کن و اعضا و

جوارحمان را منحصراً در استخدام بندگی ذات مقدست قرار ده

پروردگارا اگر برای ما وقت فراغت مقدر فرمودی آن را فراغتی سالم و دور از هر

نوع تخلف قرار ده به گونه ای که در آن گناهی به سراغمان نیاید تا دو فرشته نویسنده

اعمال با نامه ای خالی از گناهان و پر از کارهای نیک مواجه شوند و شادمان گردند.

و در آن هنگام که عمرمان به پایان می رسد و در موقع اجابت دعوتت که هیچ راه

فراری از آن نیست بر محمد و آل او درود فرست و پایان آنچه دو فرشته نویسنده

اعمال برایمان نوشته اند توبه قبول شده ثبت و ضبط فرما که اگر پس از آن لغزشی از ما

سر زده باشد به حساب نیاوری و باز خواستمان نکنی

الها روزی که به حساب بندگانت می رسی(ای ستار العیوب) همان روزی که اخبار

بندگانت را آشکار می سازی در مقابل چمشان مردمان اسرارمان را فاش مکن. چرا که تو

به آنکه می خواندت رحم می کنی و هر که را فریاد کنان صدایت می زند اجابت می فرمایی

۱- صحیفه سجادیه، دعای ۱۱

۶۴. علم و حلم را مخزنید:

«و خُزّانَ العِلمِ و مُنتَهَی الحِلم- و رَأیُکم عِلمٌ و حِلمٌ و حَزمٌ »:

خزانه دارهای دانش و نهایت بردباری هستید - رای شما همراه با علم و بردباری عزم قاطع است در همین ابتدا حدیثی را که مرحوم مجلسی در بحار الانوار آورده مطالعه کنید و بعد توضیحی که آن مرحوم درباره روایت داده است

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«نِعمَ وَزیرُ الایمانِ اَلعِلمِ و نِعمَ وَزیرُ العِلمِ اَلحِلمِ و نِعمَ وَزیرُ الحِلمِ الرِّفُق و نِعمَ وَزیرُ الرِّفقِ اللِّین»(۱)

علم چه خوب یاوری است برای ایمان و حلم چه خوب یاوری است برای علم و حلم چه خوب یاوری است برای مدارا و مدارا چه خوب یاوری است برای ملایمت

توضیح مرحوم مجلسی پس از نقل روایت این است: حلم و مدارا و ملایمت گرچه از نظر معنی به هم نزدیك هستند ولکن با هم متفاوتند. حلم عبارت است از ترك مکافات از کسی که به ما بدی روا داشته و سکوت در برابر کسی که نسبت به ما سفاهت و نادانی کرده است رفق و مدارا یعنی لطف و شفقت و محبت به بندگان خدا که نتیجه اش آن است که بندگان خدا درباره شما نادانی نمی کنند و اکثر مردم نسبت به شما کار خلاف انجام نمی دهند. ملایمت یعنی ترك خشونت و غلظت و ضرر زدن به خلق

بعد از این توضیح حدیث دیگری را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

«وَ الَّذی نَفسی بِیَدِهِ ما جُمِعَ شَیی ءٌ الی شَییءٍ اَفضَلُ مِن حِلمٍ اِلی عِلمٍ»(۲)

سوگند به آن خدایی که جانم در اختیار اوست هیچ چیز با هم اجتماع نمی کنند که برتر از اجتماع حلم با علم باشند!

از امیر المومنین سوال شد که خیر و نیکی چیست؟ فرمود:

«لَیسَ الخَیرُ اَن یَکثُرَ مالَکَ و وَلَدَکَ وَلکِنَّ الخَیرَ اَن یَکثُرَ عِلمُکَ و اَن یَعظُمَ

حِلمُکَ»(۳)

ص: ۴۰۹

۱- بحار،ج ۲،ص ۴۵

۲- بحار، ج ۲ ، ص ۴۶

۳- نهج البلاغه، حکمت ۹۱

خیر و نیکی آن نیست که مال و اولاد تو زیاد باشند بلکه خیر آن است که دانشت

فراوان و بردباریت بزرگ مقدار باشند.

یک نمونه از علم و همراه حلم از حضرت زهرا علیها السلام

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: زنی خدمت حضرت فاطمه علیهاالسلام شرفیاب شد و گفت:

مادر ناتوانی دارم که در امر نمازش به مساله مشکلی برخورد کرده و مرا خدمت شما

فرستاد که سوال کنم و مساله ای را طرح نمود. حضرت فاطمه علیهاالسلام جواب آن مساله را

داد. آن زن برای دومین بار مساله دیگری را پرسید حضرت زهرا علیهاالسلام جوابش را داد. بعد

از آن مساله سوم را پرسید و همچنین تا ده مساله شد. آنگاه آن زن از کثرت سوال

خجالت کشید و عرض کرد:«لا اَشُقَّ عَلَیکَ یا اِبنَهَ رَسولِ اللهِ قالَت فاطِمَهُ: هاتی و

سَلی عَمّا بَدالَکَ» ای دختر رسول خدا دیگر مزاحم نمی شوم خسته شدید و شما را به

مشقت انداختم!

فاطمه علیهاالسلام فرمود: خجالت نکش هر سوالی داری بفرما تا جوب بدهم من از سوالات

تو خسته نمی شوم بلکه با کمال میل جوب می دهم اگر کسی اجیر شود که بار سنگینی

را بر بام حمل کند و در وجه آن مبلغ صد هزار دینار اجرت بگیرد آیا از حمل بار خسته

می شود؟!

زن پاسخ داد نه خسته نمی شود زیرا به خاطر آن مزد زیادی که دریافت می کند

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

خدا در برابر جواب هر مساله آنقدر به من ثواب می دهد که بیشتر از اینکه بین زمین

و آسمان پر از مروارید باشد با این وجود آیا از جواب دادن مساله خشته می شوم؟!

از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: علما شیعه ما در قیامت محشور می شوند

و خدا به مقدار علوم آن ها و مراتب جدیت و کوششان در راه ارشاد و هدایت مردم به

آنان خلعت و ثواب عطا می کند سپس منادی حق تعالی ندا می دهد ای کسانی که ایتام

آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را تکفل نمودید در آن هنگام که از امامشان منقطع بودند. اینان

شاگردان شما و ایتامی هستند که در تحت تکفل علوم شما به دینداری خویش ادامه

ص: ۴۱۰

دادند و ارشاد و هدایت شدند. به مقداری که در دنیا از علوم شما استفاده کردند به آنان

خلعت بدهید.

آنگاه حضرت زهرا علیهاالسلام در دنباله ی فرمایشاتشان فرمودند:

ای اَمَهَ الله یک نخ از این خلعت ها هزار هزار مرتبه بهتر است از خورشید بر آن

می تابد زیرا امور دنیوی با کدورت و گرفتاری آلوده است اما نعمت های اخروی نقص و

عیب ندارد»(۱)

خُزّانَ العِلم و مُنتَهی الحِلمِ: شما خاندان خزانه داران علم و نهایت بردباری هستید

حضرت زهرا علیهاالسلام فرزند آن پیامبری است که درس آموز حلم و بردباری در برابر

یک عده مردم نادان و بی تمدن بود و همه بداخلاقی ها و بدرفتاری های آنان را تحمل

می کرد.

خدیجه و ابوطالب دو یار وفادار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یک سال درگذشتند، خدیجه

مایه آرامش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود هرگاه که مشرکان او را آزار می دادند و یا

دروغگو می خواندند او را دلداری می داد.

ابوطالب نیز از او پشتیبانی می کرد و نمی گذاشت دشمنان به او آزار رسانند. مرگ

ابوطالب و خدیجه بسیار دردناک بود و با مرگ این دو تن قریش در دشمنی با

محمد صلی الله علیه و آله و سلم گستاختر شدند و لذا آنقدر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را رد تنگنا قرار دادند که ناچار سفری

به طائف کرد شاید اندکی از کینه توزی قریش بدور ماند و شاید برای اینکه مردم ثقیف

را که در آن شهر بسر می بردند به دین خود دعوت کند

در شهر طائف سه تن را از بزرگان شهر بودند به دین خدا خواند یکی از آن ها

گفت اگر خدا تو را فرستاده باشد من جامه های کعبه را دزدیه باشم دیگری گفت خدا جز تو کسی را نداشت که به پیغمبری بفرستد؟ سومی گفت با تو سخن نمی گویم چه اگر راستی پیغمبر باشی بالاتر از آنی که بتوانم سخنی تو را رد کنم و اگر هم دروغگو باشی روا نیست که با تو سخن بگویم.

ص: ۴۱۱

۱- بحار،ج ۲، ص ۳

آنگاه اوباش و مردم نادان را برانگیختند تا به دنبال آن بزرگوار افتادند و با فریاد و

صداهای ناهنجار او را از شهر خود راندند

مرحوم مجلسی نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از طائف بیرون آمده به تاکستان و

باغات انگور بیرون شهر پناه برد و در آنجا لحظاتی چند با خدای خویش مناجات کرد و

گفت: پروردگارا«اِنّی اَشکُو اِلَیکَ ضَعفَ قُوَّتی و قِلَّهَ حیلَتی و هَوائی عَلَیَ النّاسِ

اَنتَ اَرحَمُ الرّاحِمینَ، اَنتَ رَبُّ المُستَضعَفینَ و اَنتَ رَبّی اِلی مَن تَکِلَنِی»(۱)

به تو شکایت دارم از ضعف قوت و کیم حیلت خود- به تو شکایت دارم از آنچه را

که مردم بر من روا می دارند، تو هستی ارحم الرّاحمین تو هستی ربّ مردم ضعیف و

ناتوان

وضع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قدری دلخراش و جانکاه بود که عتبه و شیبه پسران ربیعه به حال

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رقت کردند و غلام مسیحی خود را که عَداس نام داشت با طبقی انگور

نزد آن حضرت فرستادند حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هنگام خوردن انگور گفت:«بسم الله

الرحمن الرحیم» عداس گفت مردم این شهر چنین کلامی نمی گویند حضرت پرسید چه

دینی داری و از کجایی؟ گفت مسیحی و از مردم نینوا هستم آن بزرگوار فرمود: از شهر

مرد پرهیزکار یونس بن متی عداس گفت: تو یونس را از کجا می شناسی؟

فرمود: او پیامبر بود و من نیز پیامبر خدایم عداس در همانجا به دست رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم مسلمان شد.(۲)

و حلم وصی آن بزرگوار یعنی امیر المومنین علی علیه السلام را باید در بیست و پنج سال

سکوتش در برابر آن همه ظلمی که بر حضرتش روا داشتند جستجو کرد

در این مدت مولای متقیان علی علیه السلام چنان جمع بین علم و حلم کرد که دوست و

دشمن را وادار به تحسین نمود.

بارها اتفاق افتاد که اگر او حضور نداشت آبروی اسلام و مسلمین در برابر جانب به

خطر می افتاد و حضرتش در نهایت متانت پاسخ مشکلات اعتقادی و اخلاقی و احکامی

ص: ۴۱۲

۱- بحار، ج ۹، ص ۲۲

۲- بحار، ج ۱۹،ص ۲۲

را می داد یک بار زن دیوانه ای مرتکب عمل منافی عفت شده بود نزد عمر آوردند

دستو داد او را حد بزنند امیر المومنین دید زن دیوانه ای را برای اجرای حد می برند

فرمود: این دیوانه از آل فلان است او را نزد عمر ببرید و بگویید آیا نمی دانی که او

عقل ندارد و در نتیجه تکلیف ندارد رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم فرموده که قلم تکلیف از دیوانه

برداشته شده عمر حکم را لغو کرد و گفت:«خَرَجَ اللهُ عنهُ لَقَد کِدتُ اَهلِکُ فی

جَلدِها» خداوند در کار علی گشایش دهد نزدیک بود به واسطه ی حد زدن به این دیوانه

هلاک شوم!(۱)

خود حضرت درباره گسترده علمش می فرمود:«سوگند به خدا اگر مسند قضاوت

بگسترند برای یهودیان از کتاب خودشان و برای پیروان انجیل از همان کتاب و برای

پیروان زبور از همان و برای اهل قرآن داوری خواهم کرد... سوگند به خدا من

از همه به قرآن و تاویل آن داناترم.(۲)

بردباری و حلم مولا در تحمل حق کشی ها را باید در سخنان خود حضرت مشاهده

کرد:

«فَصَبَرتُ و فی العَینِ قَدی و فی الحَلقِ شَجی»(۳)

صبر کردم مثل کسی که استخوان در گلویش باشد و خار به چشمش رفته است

«و صَبَرتُ عَلی اَخذِا لکَظمِ»(۴)

صبر کردم در اینکه خشمم را مهار کنم و بردباری نمایم.

«و صَبَرتُ عَلی طولِ المُدَّهِ »(۵)

در مدت زمان طولانی همه چیز را تحمل کردم و صبوری نمودم

«و صَبَرتُ مِن کَظمِ الغِیظِ»(۶)

در فرو بردن غیظ صبوری کردم

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علی جان خداوند تبارک و تعالی به من وحی فرستاده تا

۱- ارشاد مفید، ص ۹۵

۲- بصائر الدرجات،ص ۳۶

۳- نهج البلاغه، خطبه ۳

۴- نهج البلاغه ، خطبه ۲۶ و ۳ و ۲۱۵

۵- نهج البلاغه ، خطبه ۲۶ و ۳ و ۲۱۵

۶- نهج البلاغه ، خطبه ۲۶ و ۳ و ۲۱۵

فضائل و مناقب تو را بازگو نمایم و من این کار را کردم و آنچه به آن امر شده بودم

نمودم.

علی جان بدان که بعد از من آنهایی که کینه ی تو را در دل مخفی کرده اند ظاهر

خواهند ساخت که لعنت خدا و هر لعن کننده بر آن ها باد. سپس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شروع به

گریه کرد عرض کردند چرا اشک می ریزید؟ فرمود:

« اَخبرنِی جبرئیل علیه السلام اَنَّهُم یَظلِمونَهُ حَقَّهُ و یُقاتِلونَهُ و یَقتُلونَ وَلَدَهُ و یَظلِمونَهُم

بَعدَهُ»(۱)

جبرییل علیه السلام به من خبر داده که این مردم به او ظلم می کنند و حقش را غصب

می نمایند او و فرزندانش را می کشند و بعد از او به فرزندانش نیز ظلم می کنند

حلم همراه با علم یکی دیگر از معصومین یعنی امام محمد باقر علیه السلام :

شیخ طوسی از محمد بن سلیمان و او از پدر خود نقل می کند که مردی از اهل شام

خدمت حضرت باقر علیه السلام رفت و آمد داشت. مرکزش در مدینه بود به مجلس امام علیه السلام نیز

فراوان می آمد و می گفت محبت و دوستی با شما مرا به این مجلس نمی آورد در روی

زمین کسی نیست که پیش من ناپسندتر و دشمن تر از شما خانواده باشد. می دانم

فرمانبرداری خدا و رسول و اطاعت امیر المومنین به دشمنی کردن با شماست(منظور او

از امیرالمومنین خلیفه حاکم زمان خود است) ولی چون تو را مردی فصیح زبان و دارای

فنون و فضایل و آداب پسندیده می بینم از این رو به مجلس می آیم با این طرز سخن

گفتن باز حضرت باقر علیه السلام با خوشرویی و گرمی با او صحبت کرد و فرمود:«لَن تَخفَی

عَلی اللهِ خافیَةً » هیچ چیز از خدا پنهان نیست پس از چند روز مرد شامی رنجور

گردید درد و رنجش شدت یافت. آنگاه که خیلی سنگین شد یکی از دوستان خود را

طلبید و گفت هنگامی که من از دنیا رفتم و جامه بر روی من کشیدی برو خدمت

محمد بن علی علیه السلام از آن حضرت درخواست کن بر من نماز بگزارد شب از نیمه که

گذشت گمان کردند او از دنیا رفته رویش را پوشیدند بامداد رفیقش به مسجد آمد

ایستاد تا حضرت باقر علیه السلام از نماز فارغ گردید و مشغول تعقیب نماز شد جلو رفته عرض

۱- بحار، ج ۲۸، ص ۴۵

کرد یا اباجعفر فلام مرد شامی هلاک شد از شما خواسته است که بر او نماز بگزاری

فرمود نه اینطور نیست سرزمین شام سرد است و منطقه ی حجاز گرم شدت گرمای حجاز

زیاد اشت برگرد در کار او عجله نکنید تا من بیایم آنگاه حضرت حرکت کرده دوباره

وضو گرفت دو رکعت نماز خواند دست مبارک را آنقدر که می خواست در مقابل

صورت گرفت و دعا کرد پس از آن به سجده رفت تا هنگامی که آفتاب برآمد در این

موقع برخاسته به منزل شامی آمد وقتی داخل شد او را صدا زد مریض جواب داد

«لَبیکَ یَابنَ رَسولِ اللهِ» حضرت او را نشانید و تکیه اش داد غذایی که از آرد گندم

درست شده بود طلب کرد با دست خویش آن غذا را به او داد به خانواده اش فرمود

شکم و سینه اش را با غذای سرد خنک نگه دارید از منزل خارج شد طولی نکشید مرد

شامی حالش خوب شد و به محضر امام علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد می خواهم در

خلوت با شما ملاقات کنم امام علیه السلام در خلوت با او ملاقات کرد مرد شامی گفت شهادت

می دهم که تو حجت خدایی بر خلق و تو آن باب و دری هستی که باید از آن در داخل

شد هر کس جز این راه برود ناامید و زیانکار است:

حضرت فرمود:«ما بَدالکَ» چه شد که تغییر موضع دادی؟

عرض کرد هیچ شک و شبه ندارم که روح مرا قبض کردند مرگ را به چشم خود

آشکارا دیدم در این هنگام ناگاه صدای کسی را به گوش خود شنیدم که می گفت روح او

را برگردانید محمد بن علی علیه السلام بازگشت او را خواست!

امام علیه السلام فرمود: آیا نمی دانی خداوند بعضی از بندگان را دوست دارد ولی عملشان را

نمی خواهد برخی را دوست ندارد و عملشان را می خواهد

یعنی تو در نزد پروردگار دشمن بودی اما ارتباط و انس تو با من در نزد خدا محبوب

بود راوی می گوید مرد شامی بعد از آن جز یاران و اصحاب امام باقر علیه السلام شد.(۱)

ص: ۴۱۵

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۰۷

۶۵. عبادت و ارادت به خدا را شما به ما آموختید:

«مَن ارادَاللّه بَدَءَ بِکُم و مَن وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنکُم و مَن قَصَدَهُ تَوَجَّهُ بِکُم »:

هر که خدا را خواهد به شما آغاز کند و هر که او را یگانه جوید تعلیمات شما را پذیرفته و هر که خدا را قصد کند به شما روی آورد.

ارتباط با خدا که مصداق عینی آن در عبادات مشخص می شود در مسیر شناخت و معرفت خاندان عصمت و طهارت است چون غیر از آنکه تعلیمات و آموزه های عبادی آن بزرگواران در این زمینه راهگشا و فراوان است و هم ایشان اول عابد عصر خود و اعصار گذشته و آینده بودند. و کسی در نوع عبادت و بندگی قابل مقایسه با آن سروران نیست.

عبادت و ارادت ایشان را به خداوند متعال در لحن مناجات هایشان به خوبی می توان درک کرد:

امام سجاد علیه السلام در دعای معروف مکارم اخلاق عرض می کند:

«عَبِّدنی لَکَ و لا تُفسِد عِبادَتی بالعُجبِ»(۱)

خدایا مرا به عبادت و بندگی خود رام ساز و عبادتم را به عُجب تباه مگردان

و در جای دیگر همین دعا عرض می کند:«و لا تَبتَلِیَنِّی بِالکَسَلِ عَن عِبادَتِک »(۲)

خدایا مرا در عبادت و بندگیت به مسامحه کاری و بی رغبتی مبتلا مکن

امیر المومنین علی علیه السلام می آموزد که بگوییم«یا رَبِّ یا رَبِّ اَسْئَلُکَ بِحَقِّکَ وَ قُدْسِکَ وَ اَعْظَمِ صِفاتِکَ وَ اَسْمآئِکَ اَنْ تَجْعَلَ اَوْقاتی مِنَ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ بِذِکْرِکَ مَعْمُورَةً وَ بِخِدْمَتِکَ مَوْصُولَةً»(۳)

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگارمن از تو می خواهم به حق

حقیقتت و به ذات مقدست و بزرگترین صفات و اسماء مبارکت که اوقات مرا از شب و

۱- صحیفه سجادیه، دعای ۲۰

۲- صحیفه سجادیه، دعای ۲۰

۳- دعای کمیل، مفاتیح الجنان محدث قمی

روز بیاد و ذکر خودت آباد گردانی و پیوسته به خدمت بندگیت موفق بداری

اینک به بخشی از حال عبادی معصومین که می تواند سرمشق عبادت های ما باشد

توجه ویژه داشته باشیم

جعفر بن علی قمی نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه و آل محمد هر گاه به نماز می ایستاد از ترس

خدای تعالی رنگ چهره اش می پرید.(۱) و باز نقل می کند هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نماز

می ایستاد مانند جامه ای بود که کناری افتاده باشد.(۲)

در تفسیر قشیری آمده است: علی علیه السلام چون وقت نماز می شد رنگش تغییر می کرد و

به خود می لرزید به آن حضرت عرض شد: شما را چه شده است؟

فرمود: هنگام امانتی رسیده که خدای تعالی آن را بر آسمان ها و زمین و کوه ها

عرضه کرد اما آن ها از پذیرفتن آن خودداری کردند و انسان به عهده گرفت و من با این

ضعف و ناتوانیم نمی دانم آیا از عهده ی برداشتن این بار به خوبی برمی آیم یا نه(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره عبادت و نماز دخترش فاطمه علیهاالسلام می فرمود:

دخترم فاطمه سرور زنان سراسر عالم است هرگاه در محراب خود در برابر

پروردگارش جل جلاله بایستد نورش برای فرشتگان آسمان می درخشد همچنان که

نور ستارگان برای زمینیان می درخشد و خدای عزوجل به فرشتگانش می فرماید:« ای

فرشتگان من! به بنده ی من فاطمه بنگرید بانوی بندگان من در برابر من ایستاده است و

عضلاتش از ترس من می لرزد او با دل خویش به عبادت من روی آورده است شما را

گواه می گیرم که شیعیان او را از آتش ایمن کردم»(۴)

و درباره ی امام حسن علیه السلام آمده که:«هرگاه وضویش را تمام می کرد رنگش می پرید

علت را از آن حضرت جویا شدند فرمود: کسی که می خواهد به حضور خداوندگار

رسد باید رنگش را ببازد»(۵)

ص: ۴۱۷

۱- فلاح السائل، ص ۱۶۱

۲- بحار، ج ۸۴،ص ۲۵۸

۳- بحار،ج ۴۱،ص ۱۷

۴- بحار،ج ۴۳ ،ص ۱۷۲ و ج ۸۰، ص ۲۴۷

۵- بحار،ج ۴۳ ،ص ۱۷۲ و ج ۸۰، ص ۲۴۷

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه عرض می کند:«اَللّهُمَّ اجْعَلْنی اَخْشاکَ کَانّی أَراکَ وَ

اَسْعِدْنی بِتَقویکَ وَ لا تُشْقِنی بِمَعْصِیَتِکَ وَ خِرْلی فی قَضآئِکَ ...اَللّهُمَّ اجْعَلْ غِنایَ

فی نَفْسی وَالْیَقینَ فی قَلْبی وَالْاِخْلاصَ فی عَمَلی وَالنُّورَ فی بَصَری وَالْبَصیرَةَ

فی دینی » مفاتیح الجنان محدث قمی

خدایا مرا به گونه ای قرار ده که از تو بترسم و خشیت داشته باشم مثل آنکه تو را

می بینم و مرا به تقوایت و ترس از خودت سعادتمند فرما و مرا به نافرمانیت نگون بخت

مفرما و در قضایت برایم خیر را اختیار فرما... پروردگارا قرار ده بی نیازیم را در خودم و

یقین را در قلبم و اخلاص را در عملم و نور را در دیدگانم و بینش را در دینم

و درباره ی امام سجاد علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: امام سجاد علیه السلام هر گاه

به نماز می ایستاد رنگش می پرید و چون به سجده می رفت آنقدر سر بر نمی داشت که

عرق از او می ریخت.(۱)

و در خشوع امام باقر و امام صادق علیه السلام آمده است:«کانَ اَبوجَعفَرُ و اَبوعَبدِاللهِ علیهاالسلام

اِذا قاما اِلیَ الصَّلوهِ تَغَیَّرَتُ ألواتُهُما حُمرَةً و مَرَّةً صُفُرَةً و کَأَنَّما یُناجیانِ شَیأً یَرَیانِهِ»(۲)

امام باقر و امام صادق علیهاالسلام هرگاه به نماز می ایستادند دنگ رخسارشان تغییر می کرد

گاه سرخ می شدند و گاه زرد گویی با چیزی راز و نیاز می کنند که او را می بینند

مَن اَرادَ الله بَدَءَ بِکُم ... هر که خدا را خواهد به شما آغاز کند و هر که او را یگانه

جوید تعلیمات شما را پذیرفته و هر که خدا را قصد کند به شما روی آورد

معنای این جملات دقیقاً این است که راهکار بندگی و عبادت در پیشگاه پروردگار

را باید از شما خانواده آموخت

در روایاتی که از نظر گذشت حال و هوای معنوی ائمه علیهم السلام را در محضر خداوند

متعال خواندیم. وقتی از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سوال می شود که خشوع چیست؟ می فرماید:

«التَّواضعُ فی الصَّلوهِ و اَن یُقبِلَ العَبدُ بِقَلبِهِ کُلِّهِ عَلی رَبِّه»(۳)

۱- فلاح السائل، ص ۱۱۷

۲- فلاح السائل ، ص ۱۱۷

۳- دعائم الاسلام، ج ۱،ص ۱۵۸

فروتنی در نماز و این که بنده با تمام دلش به پروردگار خود رو کند

و ائمه طاهرین علیهم السلام در این نوع عبادت سرآمد بودند امام سجاد علیه السلام مشغول نماز بود

که فرزند خردسالش کنار چاه عمیقی که در خانه آن حضرت بود رفت و در چاه افتاد.

مادرش متوجه افتادن او شد و فریاد کشید و به طرف چاه دوید و کنار چاه خود را

می زد و کمک می خواست و می گفت: یابن رسول الله! فرزندت غرق شد اما امام

سجاد علیه السلام با آن که صدای ناله و بیتابی فرزندش را در ته چاه می شنید از نماز خو دست

نکشید. همسر امام چون کار به درازا کشید از روی ناراحتی برای فرزندش گفت:« ای

خاندان رسول خدا چقدر سخت دلید؟!

حضرت به نماز خود ادامه داد و بعد از آن که آن را به طور کامل و تمام انجام داد به

طرف همسرش رفت و کنار چاه نشست و دستش را به ته چاه – که جز با ریسمان بلندی

دسترسی به آن ممکن نبود دراز کرد و فرزندش را روی دستانش بیرون آورد در حالی

که شیرین زبانی می کرد و می خندید و نه لباسش خیس شده بود و نه جایی از بدنش!

سپس به همسرش فرمود:

بگیر! ای زن سست یقین به خدا. همسر حضرت از این که دید فرزندش سالم است

خندید و از این گفته امام سجاد که به او فرمود ای زن سست یقین به خدا گریست.

حضرت فرمود: امروز را بر تو سرزنشی نیست وقتی در پیشگاه پادشاهی مقتدر

ایستاده ام اگر رویم را از او برگردانم و او هم رویش را از من برگرداند آیا پس او کسی

هست که رحم کند(۱)

یعنی نگهبان فرزندم همان خدایی است که با تمام وجود در نمازم متوجه او شده ام.

۱- مناقب ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۱۳۵

۶۶. عترت پاک و ذریّه ی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستید:

«ذُرِّیَّهِ رسولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم و رَحمَهُ اللهِ و بَرَکاتُهُ - و عِترَهَ خِیَرَهِ رَبِّ العالَمینَ و رَحمَهُ اللهِ و بَرَکاتُهُ»

ذریه یک واژه قرآنی است که به معنای فرزندان و فرزند زادگان می باشد

حضرت زکریا در هنگام دعا به درگاه الهی و درخواست فرزند عرض می کرد:« رَبِّ هَب لی مِن لَدُنکَ ذُرِّیَّهً طَیِّبهً»(۱)

پروردگارا به من از جانب خود فرزندانی پاکیزه عطا فرما.

خداون متعال درباره ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام چنین می فرماید:

«وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ کُلًّا هَدَیْنَا وَ نُوحًا هَدَیْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ دَاوُودَ وَ سُلَیْمَانَ وَ أَیُّوبَ وَ یُوسُفَ وَ مُوسَی وَ هَارُونَ وَ کَذَلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ»(۲)

و به ابراهیم اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را هداست کردیم و نوح را از پیش هدایت کرده بودیم و از نسل ابراهیم و ذریه او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را هدایت کردیم و این چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم و اما ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که به طور مکرر مورد سفارش آن حضرت واقع شد و به طور متواتر از شیعه و سنی روایات نقل شده که ذریه و عترت آن بزرگوار را گرامی داشته و آنان را به عنوان جانشینان و خلف صالح آن حضرت بشناخته و مورد تکریم و احترام قرار دهید به تاویل این آیه شریفه عنایت کنید:«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَی آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِیمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَی الْعَالَمِینَ ذُرِّیَّهً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»(۳)

خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را از اهل جهان برگزید نسل ابراهیم و عمران بعض آن از بعض دیگر است و خدا شنوا و داناست.

یک بار امام باقر علیه السلام این آیه را تلاوت نمود و بعد فرمود:«و نَحنُ بَقیَّهُ تِلکَ

ص: ۴۲۰

۱- آل عمران/ ۳۸

۲- انعام / ۸۴

۳- آل عمران/ ۳۳ و ۳۴

العِترَة»(۱)

ما هم از آنان هستیم و ما باقیماندگان از آن عترتیم

ابی بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم آل محمد چه کسانی هستند؟

فرمود: ذریه او می باشند گفتم اهل بیت پیامبر کدامند؟ فرمود: امامان و جانشینان آن

حضرت. عرض کردم منظور از عترت چه کسانی هستند؟ فرمود:«اَصحابُ العَباء» پنج

تن اصحاب عباء. گفتم امت پیامبر کدامند؟ فرمود: مومنینی که آنچه را از جانب

پروردگار آمده تصدیق کنند و به ثقلین که امر به تمسک جستن آن ها شده بگروند یعنی

کتاب خدای بزرگ و عترت اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم اجمعین و البته همه

اهل بیتی که آیه تطهیر در شانشان نازل شده «و هُما اَلخلیفَتانِ عَلیَ الأمَّهِ بَعدَهُ علیه السلام»

آری قرآن و عترت دو جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بعد از او می باشند(۲)

عبدالله بن میسره نقل می کند که به حضرت صادق علیه السلام گفتم: که ما می گوییم «اللّهمَّ

صَلِّ عَلی محمدٍ و آل محمد» عده ای می گویند که ما آل محمد هستیم!

فَقالَ: اِنَّما آلُ محمدٍ مَن حَرَّمَ اللهُ عزَّوجلَّ عَلی محمدٍ نِکاحَهُ»(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود:«به تحقیق آل محمد کسانی هستند که خداوند ازدواج با

آن ها را برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم حرام کرد»

پس هر کس نمی توند ادعا کند که جزو آل محمد صلی الله علیه و اله و سلم و عترت و ذریه رسول

الله صلی الله علیه و آله و سلم است حتی کسانی که جزو نسل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند وقتی امامت معصوم را

نپذیرفتند مانند پسر نوح از اهل و خانواده پیامبر بیرون خواهند شد.

به این چند آیه شریفه دقت کنید:

«وَنَادَی نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِی مِنْ أَهْلِی وَإِنَّ وَعْدَکَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْکَمُ الْحَاکِمِینَ»(۴)

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸

۲- معانی الاخبار، ص ۹۴

۳- معانی الاخبار، ص ۹۴

۴- هود/ ۴۵ و ۴۶ و ۴۷

نوح گفت: پروردگارا پسرم از خانواده ی من است و وعده تو حق است که تو از همه ی حاکمان بهتر حکم می کنی.

«قَالَ یَا نُوحُ إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَیْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْئلْنِ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّی أَعِظُکَ أَنْ تَکُونَ مِنَ الْجَاهِلِینَ قَالَ رَبِّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَسْئلَکَ مَا لَیْسَ لِی بِهِ عِلْمٌ وَ إِلَّا تَغْفِرْ لِی وَتَرْحَمْنِی أَکُنْ مِنَ الْخَاسِرِینَ»(۱)

خداوند فرمود: ای نوح! این پسر دیگر از اهل تو نیست او عملی غیر صالح است چیزی که درباره ی آن آگاهی نداری نپرس. من تو را موعظه می کنم که از جمله ی نادانان مباش. گفت: پروردگارا! به تو پناه می برم از چیزی که از روی ناآگاهی می پرسیدم که اگر مرا نبخشی و ترحم نفرمایی از زیانکاران خواهم بود.

«وَإِذِ ابْتَلَی إِبْرَاهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّی جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِی قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ »(۲)

و به یاد آورید زمانی را که خدای ابراهیم او را به اموری گوناگون امتحان کرد و او همه را به جا آورد. خداوند فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: امامت در فرزندانم نیز هست؟ فرمود: عهد من به ستمگران نمی رسد.

ملاحظه فرمودید که خداوند پسر نوح را از اهل نوح خارج کرد و درباره ی فرزندان ابراهیم هم فرمود عهد من که همان امامت باشد به قرینه آیه شریفه بر فرزندان ظالم اهل بیت نخواهد رسید.

نمونه آشکار آن جعفر فرزند امام هادی علیه السلام در عین حالی که پسر امام و برادر امام و عموی امام بود شایستگی و اهلیّت مقام امامت را نداشت.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:«هر وقت پسر من جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی

ابن ابی طالب متولد شد نام او را صادق بگذارید زیرا که از فرزندان او کسی همنام وی

پیدا شود که بدون استحقاق ادعای امامت کند و او را جعفر کذّاب گویند»(۳)

ص: ۴۲۲

۱- هود/ ۴۵ و ۴۶ و ۴۷

۲- بقره/ ۱۲۴

۳- بحار، ج ۴۷، ص ۸

پس اطلاق عترت منحصراً به فرزندان معصوم حضرت علی و فاطمه علیهما السلام می شود و

آن هایی که چهار امامی شدند و زید پسر امام سجاد علیه السلام را امام آخر خود دانستند و آنان

که شش امامی شدند و اسماعیلی فرزند امام صادق علیه السلام را امام آخر دانستند و آن هایی که

واقفیه و کیسانیه و غیره شدند همه به خطا رفتند و عترت را به طور کامل نپذیرفتند.

رُویَ عَنِ الحُسَینِ علیه السلام قالَ : قالَ رسولُ اللهِ لی«یا بُنَیَّ اِنَّکَ لَکَبدی طوبی لِمَن

اَحَبَّکَ و اَحَبَّ ذُرِّیَتَکَ فَالوَیلُ لِقاتِلِکَ»(۱)

از حضرت سیدالشهدا علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به من

می فرمود:

ای پسرم تو جگر گوشه ی من هستی خوشا به حال کسی که تو و ذریه ات را دوست

بدارد و وای به احوال کشنده ی تو باد.

ذریه امام حسین علیه السلام نه امام معصوم هستند که در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نامشان تصریح

شده و خارج از آن نه نفر هیچ کس را سزاوار امامت نیست

گرچه در بند ۶۲ این حدیث را نقل کردم اما جا دارد در این فصل تکرار کنم که این

از امتیازات امام حسین علیه السلام است که نه امام معصوم علیهم السلام از نسل اویند و پدر بزرگوارش

فرمود:«التّاسِعُ مِن ولدِکَ القائِمُ بِالحَقِّ و المُظهِرُ للدّینِ و الباسِطُ لِلعَدلِ » ای

حسین نهمین پسر تو همان کسی است که به حق قیام می کند دین خدا را ظاهر می سازد

و عدالت را در سطح گیتی گسترش می دهد.

۱- احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۳۱۶

۶۷. عزّت و آزادگی در قبول ولایت شما محقق می شود:

«و بِکَم اَخرَجنا اللهُ مِنَ الذُّلِّ و فَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الکُروب» :

و به وسیله شماست که خداوند ما را از ذلت و خواری رها بخشد و موج های

گرفتارهای ما را برطرف سازد.

اسلام منهای ولایت محمد و آل علیهم السلام چنانکه در طول تاریخ بعد از رحلت رسول

الله صلی الله علیه و آله و سلم نشان داده شده چیزی جز تن به ذلت و خواری ظالمان بنی امیه و بنی عباس و بعد

هم حکومت های جور و استعمارگران معاصر دادن همراه نداشته و ندارد. تنها گروهی که

از صدر اسلام تا کنون عزت و آزادگی خویش را حفظ کرده و برای این درّ گرانبها

جانفشانی ها کرده شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بوده اند.

در ابتدای غصب جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شاهد بودیم که خلیفه زادگانی که با

امیر المومنین علی علیه السلام بیعت نکردند اما با حجاج بن یوسف خوانخوار بنی امیه در نهایت

خواری و ذلت بیعت کردند که وقتی پسر خلیفه دوم بر او وارد شد حجاج خوابیده بود

او را از جای خود بلند نشد و گفت حالا که برای بیعت با ما آمده ای با پای ما بیعت کن و

در مقابل اباذر غفاری خود و خانواده اش در بیابان خشك و سوزان ربذه از فرط

گرسنگی و تشنگی جان می دهند چرا که نمی خواهند زیر بار زور و ظلم بروند.

میثم تمّار بالای دار می رود و زبانش قطع می شود چون مداح علی بن ابی طالب علیه السلام

است و هزاران نمونه دیگر که همگی حکایت از عزّت و آزادگی یاران اهل بیت

می نمایند.

سر سلسله مردم آزاد حسین است*** آنکس که در این ره سر و جان داد حسین است

اعلامیه از قتلگه کرب و بلا داد*** با زینب و سجاد سوی شام فرستاد

این جمله ز خون بود در آن نشریه مسطور*** باید بشر از قید اسارت شود آزاد

شعر«هَیهات مِنَّا الذِّلَّه» از آنِ حسین بن علی علیه السلام است که در تاریخ ثبت شد و معیار کار همه شیعیان عالم قرار گرفت و حتی به غیر شیعه و مسلمانان و آنانکه در قید اسلام نیستند آموخت که برای رهایی از استثمار و استعمار و رسیدن به استقلال باید با همان شعار به میدان مبارزه با دشمن برآمد.

درست در همان روزهایی که سر سلسله مردم آزاده دنیا یعنی حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیده بود امام باقر علیه السلام می فرماید: یزید بن معاویه به قصد حج وارد مدینه شد و در پی مردی از قریش فرستاد و او آمد

یزید به او گفت: آیا اعتراف می کنی که تو بنده ی منی؟ اگر بخواهم می فروشمت و اگر بخواهم تو را به بردگی می گیرم؟ آن مرد گفت: به خدا سوگند ای یزید! تو در میان قریش از من نژاده تر و والاتبارتر نیستی و پدرت نیز چه در زمان جاهلیت و چه در زمان اسلام از پدر من برتر نبود در دینداری نیز از من برتر و بهتر نیستی پس چگونه به خواست تو گردن نهم؟ یزید گفت: به خدا سوگند! اگر اعتراف نکنی تو را می کشم مرد گفت: کشتن من بالاتر و مهم تر از کشتن حسین بن علی علیه السلام فرزند رسول خدا نیست یزید دستور داد او را کشتند.(۱)

ملیت که از ولایت محروم باشد حاضر است برای چند روز زندگی پست دنیا با هر اجنبی و بیگانه بسازد و همه اختیارات و زمام کشورش را در اختیار زورمداران قرار دهد به همین علت برای رسیدن به آزادی باید راه و منش ائمه طاهرین علیهم السلام را طی کنیم و اگر در این مورد کوتاهی و قصور کنیم سزاوار بردگی اجانب خواهیم بود

امیر المومنین علی علیه السلام می فرمود:«مَن قَصَّرَ عَن احکامِ الحِرِّیَّهِ اُعیدَ اِلی الرِّقِّ»(۲)

هر که در احکام و شرایط آزادگی کوتاهی ورزد به بردگی باز گرفته شود.

ص: ۴۲۵

۱- کافی ، ج ۸ص ۲۳۴

۲- غرر الحکم/ ۸۵۲۹

و بِکَم اَخرَجَنا اللهُ مِنَ الذَّلِّ و فَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الکَروب

امامام طاهرین علیهم السلام هم خود تن به ذلت دشمنان ندادند و هم به ما یاد دادند که در

پرتو ولایت باید آزاده زیست

اگر به امیر المومنین علی علیه السلام سه جنگ بزرگ را تحمیل کردند ناکسین و مارقین و

قاسطین یعنی صفین و جمل و نهروان چون حضرتش نمی خواست با ظلم و زور و

نیرنگ و تحجّر کنار آید و تسلیم جریان های انحرافی در اسلام شود

اگر به قرارداد صلحنامه امام مجتبی علیه السلام توجه کنید خواهید دید که تمام شرایط

صلحنامه رایحه حریت و عزت نفس از آن استشمام می شود

۱. معاویه باید به کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عمل کند

۲. معاویه نباید بعد از خودش کسی را به عنوان خلیفه معرفی کند و باید اختیار تعیین

خلیفه را به مسلمین واگذار شود

۳. مردم در هر جا هستند آزاد باشند و کسی از کارگزاران معاویه به جان و مال و

ناموس آنان تجاوز نکند

۴. اصحاب علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان او مورد اذیت و آزار قرار نگیرند و جان

و مال و زنان و فرزندان آن ها از تجاوز مصون باشند

۵. معاویه حق ندارد نسبت به حسن و حسین و سایر فرزندان علی و خویشاوندان او

نظر سویی ابراز کند و باید آشکارا و در نهان از تحریکات بر ضد آن ها خودداری نماید

۶.معاویه باید این پیمان ها را محترم بشمارد و آن ها را مورد عمل قرار دهد و عهد

و میثاق با پروردگار را فراموش نکند و خداوند را حاضر و ناظر بداند

۷. بیت المال کوفه و خراج « داربگرد» در منطقه فارس در اختیار حسن بن علی باشد

و او مختار است بین یتیمان جنگ جمل و صفین تقسیم کند

۸. امام علیه السلام معاویه را امیر المومنین نمی خواند

۹. معاویه نباید علی بن ابی طالب علیه السلام را سب و ناسزا گوید.

حضرت سید الشهدا حسین بن علی علیه السلام آنچنان عمل کرد که به تصدیق دوست و دشمن حریت و آزادگی را بر کل بشریت به ارمغان آورد.

ص:۴۲۶

فرمود:«اَلا و اَنَّ الدَّعِیَّ بنَ الدَّعی قَد رَکَزَنی بَینَ اثنَتَین، بینَ السَّلَّهِ و الذَّلَّهِ

هَیهات مِنَّا الذّلَّهِ یَأبَی اللهُ ذلکَ لَنا و حُجورٌ طابَت و طَهُرَت »(۱)

خانواده گمنامی فرزند خانواده گمنامی (عبیدالله بن زیاد) (زیاد پدر او معروف بود

به زیاد بن اَبیه زیرا مادر او با چند مرد در تماس بود و معلوم نشد از نطفه کدامین زیاد را

حامله شده بنابراین او را زیاد پسر پدرش نامیدند اما کدام پدر معلوم نیست) امام

حسین علیه السلام می فرماید چنین شخصی به من می گوید بین بیعت با یزید بن معاویه و مرگ را

یکی اختیار کن یا تن به ذلت بده و یا کشته شو. اما هیهات که زیر بار ذلت بیعت با یزید

بروم. اضافه بر اینکه خود تن به ذلت نمی دهم خداوند هم نمی خواهد که ما خانواده

ذلیل شویم و اضافه بر آنکه ما از خانواده ای هستیم که آیه تطهیر در شأنمان نازل شده و

از خانواده ای پاکیزه ایم.

آیا با وجود این سه عامل مهم من با یزید بیعت خواهم کرد هرگز

به عتبه بن ابی سفیان عموی یزید فرمود: ای عتبه تو خوب می دانی که ما اهل بیت

کرامت و معدن رسالت و نشانه های حق هستیم. همان اهل بیتی که خداوند عزوجل

دل هایمان را برای پذیرش حق و حقیقت گشاده کرد و با یاری خود زبانمان را گویا

ساخت. از جدّم رسول الله شنیدم که می فرمود: خلافت بر فرزندان ابوسفیان حرام است

پس چگونه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کسانی که آن حضرت درباره ی آن ها چنین فرموده

بیعن کنند!»(۲)

۱- احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۹

۲- بحار، ج ۴۴، ص ۴۱۲

حرف – غ:

۶۸. غم و غصه با ارتباط با شما برطرف می گردد:

«و بِکُم یُنَفِّسُ الهَمَّ و یَکشِفُ الضُرَّ»:

به وسیله شما اهل بیت علیهم السلام است که غم و غصه برطرف می شود و سختی ها گشایش می یابد.

راه های متفاوتی وجود دارد که با ارتباط با این خاندان مطهر از همّ و غم خارج شویم و رفع گرفتاری های شود. آن هایی که توفیق داشتند و درک زمان ائمه طاهرین علیهم السلام را می کردند به محض شرفیابی به محضر آن گرامیان انبساط خاطر پیدا کرده و از غم و غصه دنیا رهایی می یافتند.

ما که در عصر غیبت قرار داریم و توفیق درک محضر آن پاکان را نداریم با توسل به آن عزیزان غم عالم از دلمان رخت برمی بندد و احساس آرامش می کنیم. گاهی با تشرف به مزار شریف آن امامان معصوم چنان ذوق و شوقی در دل دوستان ایشان ایجاد شود که همه گرفتاری ها و اندوه را به فراموشی سپرده و البته که جایگاه مدفن آنان ملجأ و پناهگاه دردمندان و حاجتمندان است.

دوستان اهل بیت علیهم السلام با نذر برای آن عزیزان بارها و بارها حاجت مورد نظر خود را از خداوند تبارک و تعالی گرفته و می گیرند

به تجربه ثابت شده که این خانواده کسی را از در خانه خود ناامید برنمی گردانند و بی تردید ارادتمندان به ایشان حداقل یکی و دوبار حاجت های دانه درشت زندگی خود

را با توسل به ذیل عنایت آنان از پروردگار متعال گرفته اند.

دوستان که جای خود دارد دشمنان نیز با یک نگاه و برخورد امام معصوم علیه السلام متحول شده و عاقبت بخیر گردیده اند.

محمد بن اسماعیل نهلی از پدرش نقل می کند که من در سامرا اسیر بودم روزی یزداد مسیحی شاگر بخشیشوع را دیدم که از خانه موسی بن بغابر می گشت او همراه من به راه افتاد و با هم گفتگو می کردیم تا به محلی رسیدیم، با دست اشاره کرد و گفت: آیا این دیوار را می بینی؟ آیا می دانی صاحب این خانه کیست؟

گفتم: خودت بگو صاحب آن چه کسی است؟

جواب داد: جوانی علوی و اهل حجاز است که علی بن محمد نام دارد و ما اکنون اطراف خانه اش راه می رویم.

به یزداد گفتم راجع به او چه می دانی؟ گفت اگر کسی در عالمی از غیب و پنهانی خبر داشته باشد اوست. گفتم: از کجا می دانی و چگونه این مطلب را می گویی؟ گفت: قضیه ی عجیبی از او برایت تعریف می کنم که مثل آن را تو و دیگران نشنیده اید ولی خدا را وکیل و حاکم قرار می دهم که آن را از طرف من برای هیچ کس نقل نکنی زیرا من طبیب هستم و خرجی زندگی من از طریق سلطان تامین می شود و شنیده ام که خلیفه او را از روی دشمنی از حجاز به اینجا کشانده است که مردم به او روی نیاورند و گرد او جمع نشوند و در نتیجه سلطنت او از بین ایشان یعنی فرزندان عباس خارج نشود.

گفتم: قول می دهم و خدا را ضامن می گیرم که آن را برای کسی نقل نکنم قصه ات را بگو و ترسی به خود راه نده چون تو یک نفر نصرانی هستی و نسبت به آنچه از این خانواده تعریف کنی کسی تو را متهم نمی کند و مطمئن باش که من آن را کتمان خواهم

کرد.

گفت: بلی قضیه آن است که روزی او را ملاقات کردم در حالی که بر اسب سیاهی

سوار شده بود لباس سیاهی به تن و عمامه سیاهی بر سر گذاشته بود چهره ی ایشان نیز مایل

به سیاهی بود همین که چشمم به ایشان افتاد به احترام او ایستادم و با خود گفتم بدون

آنکه از دهان من مطلبی خارج شود و کسی از من حرفی بشنود به حق حضرت

مسیح علیه السلام فقط در ضمیر خود گذراندم که لباس او سیاه عمامه او سیاه مرکب او سیاه و

خودش مایل به سیاهی سیاهی در سیاهی در سیاهی

همین که به من رسید به تندی به من نگاهی کرد و فرمود:

« قَلبُکَ أسوَدُ مِمّا تَری عَیناکَ مِن سَوادٍ فی سَوادٍ فی سوادٍ»

قلب تو سیاه تر از آنچه چشمان تو مشاهده کرد سیاهی در سیاهی گفتی

پدرم گفت: به او گفتم بعد از آن چه کردی و به او چه جواب دادی؟

گفت: از شنیدن کلام آن حضرت متحیر و سرگردان در جای خود بی حرکت ماندم

و نتوانستم هیچ گونه پاسخی دهم.

به او گفتم: آیا قلبت از مشاهده ی این معجزه و کرامت نورانی و سفید نشد؟ جواب

داد: خدا می داند

پدرم در دنباله ی داستان گفت هنگامی که یزداد مریض و ناتوان گردید کسی را به سوی

من فرستاد و من نزد او حاضر شدم به من گفت: بدان قلب من بعد از آن تاریکی و

سیاهی که داشت به برکت امام هادی علیه السلام روشن و سفید گردید و اکنون شهادت می دهم

که خدایی جز خداوند یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده ی او است و حضرت علی بن

محمد علیه السلام حجت خداوند بر بندگان و ناموس بزرگ پروردگار است

سپس در همان بیماری دنیا را وداع گفت و من در نمازی که بر او خواندند شرکت

کردم.(۱)

ملاحظه نمودید که امام هادی علیه السلام گوینده عبارات جامع و ارزشمند جامعه کبیره

چگونه با یک نگاه و یک گفتار کوتاه دشمن را تبدیل به دوست و شیعه کرد و بالاترین

هم غم که بی دینی و دور از حقیقت بودن را از دل او زدود و از وی دستگیری کرد و

عاقبتش را به خیر انجامید.

و باز بخوانید از همان امام همام رفع هم و غم و گرفتاری را که از یکی از مسلمانان

۱- بحار ، ج ۵۰،ص ۱۶۱

نمود:« محمد بن احمد نقل کرده است که گفت عموی پدرم برایم تعریف کرد روزی خدمت امام هادی علیه السلام رسیدم و به آن حضرت عرض کردم ای سرور من این مرد یعنی متوکل مرا از خود دور نموده و روزی من را قطع کرده و مرا ملول و دلتنگ نموده است و همه آن ها به خاطر این است که می داند من وابسته و ملازم درگاه شما هستم و چون می دانم اگر شما به او سفارشی بفرمایید حتما قبول می کند تقاضا دارم که لطفی کنید و از او درخواست کنید در کار من تجدید نظر نماید.

امام علیه السلام فرمود: انشاءالله به خواسته ات می رسی.

هنگامی که شب فرا رسید فرستاده های متوکل یکی پس از دیگری به سوی خانه ی من آمدند و مرا به نزد متوکل دعوت کردند وقتی به آنجا رفتم فتح بن خاقان را دیدم کنار در ایستاده و گویا منتظر است به من گفت ای مرد چرا شب در خانه ات آرام نمی گیری؟ متوکل چقدر امشب برای دسترسی به تو اصرار ورزید و مرا خسته کرد سپس وارد خانه شدم و دیدم متوکل در جای خود نشسته است همین که مرا دید صدا زد: ای ابوموسی ما به خاطر شغل فراوان از تو غفلت می کنیم چرا تو یادآوری نمی کنی و خودت را از خاطر ما می بری اکنون بگو چه حقوقی از تو نزد ما باقی مانده و پرداخت نشده است؟

من چند مورد را که می دانستم از جمله فلان عطا و فلان ماهیانه را نام بردم و او دستور داد تا دو برابر آنچه گفتم به من پرداخت کردند

هنگام خروج شدن به فتح بن خاقان گفتم: آیا امام هادی علیه السلام اینجا تشریف آورده است: جواب داد نه گفتم: نامه ای فرستاده است؟ گفت نه؛ پس این گفتگو بیرون آمدم و به طرف خانه ام روان شدم. فتح بن خاقان هم به دنبال من بیرون آمد و به من گفت:

هرگز شک ندارم که تو از امام هادی تقاضای دعا کرده ای و آن حضرت برای تو دعا

نموده است از تو خواهش می کنم از آن حضرت تقاضا کنی برای من هم دعا کند

هنگامی که خدمت آن حضرت شرفیاب شدم به من فرمود:

ای ابوموسی چهره ات را چهره ی خوشنود و راضی می بینم عرض کردم و این به

برکت شما بوده است ای سرور من ولی به من گفت: شما نزد او نرفته اید و از او

درخواست نکرده اید؟

امام علیه السلام فرمود:«اِنَّ اللهَ تَعالی عَلِمَ مِنّا اَنّا لا تَلجَأُ فی المُهِمّاتِ اِلّا اِلَیهِ و لا

نَتَوَکَّلُ فی المُلِمّاتِ اِلّا عَلَیهِ، و عَوِّدنا اِذا سألناهُ الاِجابَهَ و نَخافُ اَن نَعدِلُ فَیَعدِلُ

بِنا»

خداوند تبارک و تعالی می داند که ما هرگز در امور مهم خود جز به او پناهنده

نمی شویم و در سختی ها و بلاها جز به او اعتماد نمی کنیم و ما را چنین عادت داده است

که هرگاه از او درخواست کنیم اجابت فرماید و می ترسیم از او روی بگردانیم او هم از

ما رو بگرداند

عرض کردم فتح بن خاقان به ن چنین و چنان گفت

فرمود: او به ظاهر ما را دوست می دارد ولی در واقع از ما دوری می کند دعا برای

دعا کننده اثر خواهد داشت وقتی با شرایط آن همراه باشد

هنگامی که تو در طاعت فرمان الهی اخلاص ورزیدی و به پیامبری رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و

حق ما اهل بیت اعتراف کردی و آنگاه از خداوند چیزی درخواست کردی تو را محروم

نمی فرماید.

عرض کردم ای سرور من دوست دارم از میان دعاها دعای مخصوصی را به من بیاموزی

امام علیه السلام فرمود:

دعایی را که خواهم گفت من آن را بسیار می خوانم و از خدا تقاضا

کرده ام و هر کس بعد از من نزد قبرم بخواند او را ناامید نفرماید. و آن دعا این است:

«یا عُدَّتی عِندَ العُدَدِ و یا رَجائی و المُعتَمِد و یا کَهفی و السَّنَدِ و یا واحدُ یا اَحَدُ

و یا قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ اَسالُکَ اللّهمَّ بِحَقِّ مَن خَلَقتَهُ مِن خَلقِکَ و لَم یَجعَل فی خَلقِکَ مِثلَهُم اَحَداً اَن تّصَلِّیَ عَلَیهِم و تَفعَل بی کَیتَ و کَیتَ»

ای سرمایه و ذخیره من نزد ذخیره ها و ای امید و تکیه گاه من و ای پناهگاه و پشتوانه ی من و ای یگانه ای یکتا ای کسی که به پیامبرت فرموده ای بگو او خدای یگانه است

ص: ۴۳۳

خداوندا از تو درخواست می کنم به حق کسانی که آن ها را آفریدی و در میان

آفریدگانت هیچ کس مانند آن ها نیست که بر ایشان درود فرستی و با من چنین و چنان

کنی»(۱)

ابوهاشم جعفری شعری را در هنگام بیماری حضرت هادی علیه السلام سروده که جای آن

اینجاست تا به جمله مورد بحث از جامعه کبیره«و بِکُم یَنفِّسُ الهَمَّ و یَکشِفُ الضّرَّ»

بیشتر واقف شویم.

مادَت الأرض بی و أدّت فُؤادی*** و اعتَرتنی مَواردَ العَرواءِ

حینَ قیلَ الامامُ نَضو عَلیل*** قُلتُ نَفسی فَدَتهَ کُلُّ الفَداءِ

مَرضَ الدِّینُ لا عتِلالِکَ و اعتلَّ*** و غارَت لَهُ نُجومُ السَّماءِ

عَجَباً اِن مَنیتَ بِالدّاءِ و السَّقمِ*** و اَنتَ الاِمامُ حَسمَ الدّاءِ

اَنتَ آسیّ الأدواء فی الدّین و الدُّنیا*** و محیی الأمواتَ الأحیاءِ(۲)

زمین به لرزه افتاد و قلب سنگینی کرد و مرا دچار تب و لرز نمود

وقتی گفته شد امام علیه السلام ضعف و بیمار گشته است گفتم: جان من و تمام هستی من

فدای تو باد

دین به خاطر بیماری تو مریض گردید و ستاره های آسمان تیره و تاریک شدند

شگفتا که تو مبتلا به درد و بیماری شوی و تو امامی هستی که از بین برنده ی دردها

هستی

تو طبیب دردهای دین و دنیا هستی و مردگان و زندگان را زنده می کنی و جان تازه

می بخشی

۱- القطره، ج ۱،ص ۶۹۲ به نقل از امالی طوسی ۲۸۵
۲- بحار، ج ۵۰، ص ۲۲۲

حرف – ف:

۶۹. فرشتگان در اطراف شما در رفت و آمدند و در خدمت شمایند:

«السَّلامُ عَلَیکُم یا اَهلَ بَیتِ النُّبُوَّهِ و مَوضِعِ الرِّسالَهِ و مُختَلَفَ المَلائِکَهِ»:

درود بر شما که اهل بیت نبوت و جایگاه رسالتید و محل تردد و رفت و آمد فرشتگانید

امیر المومنین علی علیه السلام در تقسیم بندی فرشتگان می فرمود:«و مِنهُم اُمَناءُ عَلی وَحیهِ

و اَلسِنَهٌ اِلی رُسُلِهِ و مُختَلَفونَ بِقَضائِهِ و اَمرِهِ»(۱)

دسته ای از فرشتگان امینان وحی خدایند و زبان های حق به سوی پیامبرانش و با

حکم و فرمان و حکم حق در رفت و آمدند.

درست است که حضرت جبرئیل علیه السلام برای القاء کلام خدا و وحی فقط بر پیامبران

نازل می شد و غیر از انبیاء ارتباط وحی به معنای بیان شریعت با جبرئیل نداشته اند اما

همان طور که از روایات استفاده می شود هم جبرئیل و هم سایر فرشتگان خارج از

محدوده وحی نبوی بر غیر پیامبر یعنی ائمه طاهرین و حضرت زهرا علیهاالسلام نازل می شدند

سلمان علیه الرحمه می گوید: روزی به خانه حضرت زهرا علیهاالسلام شرفیاب شدم دیدم

آن حضرت خوابیده است و در پیش روی او دیگی قرار گرفته و بدون آتش در حال

جوشیدن است فورا خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برگشتم تا قضیه را بگویم همین که رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا دید تبسمی کرد و فرمود:

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱

أعجَبکَ ما رَأیتَ؟ قَد اَیَّدَها اللهُ بِمَن یُعینُها مِن کرامِ مَلائِکَتِهِ(۱)

آنچه دیدی تو را به تعجب واداشت؟ خداوند تبارک و تعالی فاطمه علیهاالسلام را به واسطه ی

فرشتگان بزرگواری که او را کمک می کنند توانایی و نیرو بخشیده است. مشابه قصه

سلمان برای اباذر غفاری رحمه الله علیه اتفاق افتاد

ابوذر می گوید: به طرف خانه ی علی علیه السلام آمدم و وقتی داخل خانه شدم دیدم آسیاب

خودش مشغول کوبیدن و آرد کردن است و کسی نزد آن نیست به علی علیه السلام عرض

کردم: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شما را طلبیده است. علی در حالی که حمایلی جواهر نشان – که

آن را در مراسم رسمی معمولا می بندند – به خود بسته بود خارج شد و من به همراه او

رفتم تا خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیدیم. من آنچه را دیده بودم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر

دادم فرمود:«لا تَعجَبُ فَاِنَّ للهِ مَلائِکَه سَیاحونَ فی الَارضِ مُوَکِّلونَ بِمَعُونَهِ آلِ

محمدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم)»(۲)

تعجب نکن زیرا خداوند فرشتگانی دارد که آن ها بر روی زمین گردش می کنند و به

یاری آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم گماشته شده اند

جبرئیل و میکائیل جزو همراهان حضرت زهرا علیهاالسلام در هنگامه ورود به بهشت

می باشند

داستان از این جا آغاز می شود که ابوذر علیه الرحمه نقل می کند که سلمان و بلال را

دیدم که به سوی پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می آمدند سلمان با نزدیک شدن به پیغمبر خود را

روی پای مبارک آن حضرت افکند و بوسه زد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را به شدت از این

عمل بازداشت و فرمود:

با من آن گونه که فارس ها نسبت به پادشاهان خود می کنند رفتار نکن من بنده ای از

بندگان خدا هستم از آنچه بندگان می خورند می خورم و همانند بندگان می نشینم

سلمان عرض کرد ای مولای من! از تو تقاضا دارم که به خاطر خدا از فضائل

فاطمه علیهاالسلام در قیامت به من خبر دهی

ص: ۴۳۶

۱- الثاقب فی المناقب، ص ۳۰۱

۲- مناقب ابن شهرآشوب،ج ۳،ص ۳۳۷

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شادمان شد و با خرسندی از این درخواست استقبال کرد و فرمود:

سوگند به آن کسی که جان من در اختیار او است فاطمه تنها زنی است که در قیامت

سواره عبور می کند

جبرئیل از طرف راست میکائیل از طرف چپ علی علیه السلام از پیشاپیش او و امام حسن و

امام حسین علیهما السلام از پشت سرش در حرکتند خداوند تبارک و تعالی هم مراقب او و

نگهدارش می باشد پس با این شکوه وارد صحنه ی قیامت می گردد ناگهان ندائی از جانب

پروردگار می رسد:

«بِسم اللهِ الرَّحمن الرَّحیم: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ

شَکُورٌ الَّذِی أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَهِ مِنْ فَضْلِهِ لَا یَمَسُّنَا فِیهَا نَصَبٌ وَلَا یَمَسُّنَا فِیهَا

لُغُوبٌ»(۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که غم و

اندوه را از ما برطرف کرد و همانا پروردگار ما بخشنده ی گنه کاران و پاداش دهنده ی

نیکوکاران است او که ما را به لطف و کرم خود در سرای همیشگی وارد کرد جایی که

در آن هیچ رنج و دردی به ما نرسد و هرگز خستگی و رنجوری و ضعف به ما راه پیدا

نکند

۱- فاطر/ ۳۴ و ۳۵

در ادامه حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پس خداوند تبارک و تعالی به فاطمه علیهاالسلام

پیغام دهد:«یا فاطمه، سَلینی أعطَکَ و تَمَّنی عَلَیَّ أرضَکَ» ای فاطمه! آنچه

می خواهی درخواست کن به تو عطا می کنم و آنچه آرزو کنی برآورده می نمایم تا تو

خشنود گردی

فاطمه علیهاالسلام عرض می کند:

«الهی اَنتَ المُنی و فَوق المُنی أسأَلُکَ اَن لا تُعَذِّبَ محبّی و مُحبِّی عِترَتی

بِالنّارِ»

خدایا تو آرزوی من و نهایت آمال و امید من هستی از تو درخواست می کنم که

دوستان من و دوستان خاندان مرا به آتش سوزنده ی خود عذاب نکنی

دوباره از درگاه ربوبی ندا رسد

«یا فاطمَّه، و عزَّتی و جَلالی و ارتِفاعِ مَکانی لَقَد آلَیتُ عَلی نَفسی مِن قَبلِ أن

اَخلُقَ السَّماواتِ و الَارضِ بِاَلفَی عامٍ اَن لا اُعَذِّبَ مُحِبُّکَ و مُحبِّی عِترَتُکَ بالنّارِ»(۱)

ای فاطمه! به عزت و جلالم و بلندی مقام و مرتبه ام دو هزار سال پیش از آفرینش

آسمان ها و زمین سوگند یاد کرده ام که دوستان تو و دوستان عترت و خاندان تو را در

آتش عذاب نکنم

باز هم بخوانیم از جبرئیل و ارتباطش با حضرت حسین علیه السلام

این حدیث را ام سلمه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم که بر تن فرزندش

حسین علیه السلام جامه بلندی پوشانید که از لباس های دنیا نبود به آن حضرت عرض کردم ای

رسول خدا این چه جامه ای است؟ فرمود:

«هذِهِ هَدیِّهٍ أهداها اِلَیَّ رَبّی لِلحُسینِ علیه السلام و اِنَّ لَحمتَها مِن زَغَبِ جِناح جبرائیل

و هااَنا ألبِسُهُ اِیّاها و اُزیّنُهُ بِها فَاِنَّ الیَومَ یَومُ الزِّینَهِ و اِنِّی اُحِبُّهُ»(۲)

این هدیه از طرف پروردگارم برای حسین علیه السلام است و تار و پودش از پرهای

ص: ۴۳۸

۱- بحار، ج ۲۷،ص ۱۳۹

۲- بحار، ج ۴۳،ص ۲۷۱

کوچک و نرم بال جبرئیل است امروز که روز عید است من این لباس را بر او پوشانم و

او را با این لباس زینت می دهم و به راستی من او را دوست دارم

در اذن دخول به حرم مطهر ائمه طاهرین علیهم السلام و از جمله امیر المومنین علی علیه السلام به تردد

و حضور فرشتگان در کنار مزار آن بزرگواران اشاره می شود و از آن ها اجازه ورود به

حضور کنار مزار امامان علیهم السلام گرفته می شود

«أدخُلُ یا مَلائِکَهَ اللهِ المُقیمینَ فی هذا المَشهَدِ»(۱)

آیا ای فرشتگانی که مقیم در این مزار شریف هستید اجازه ورود می دهید؟!

محمد بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که از حضرت نکاتی را شنیدم که از

جمله فرمود:«نَحنُ اَئِمَّهُ الدِّین و قادَه الغرِّ المُحَجَّلینَ و نَحنُ مَعدِنُ النّبوهِ و مَوضِعَ

الرّسالَهِ و اَلینا تَختَلِفُ الملائِکَهُ»

ما هستیم امامان دین خدا و رهبران برجسته تکامل انسان ها و ماییم معدن نبوت و

محل رسالت و فرشتگان نزد ما رفت و آمد می کنند

«و نَحنُ السَّنامُ الاَعظَمِ و بِنا یَنزِلُ الغَیثِ و بِنا یَنزِلُ الرَّحمَهِ و بِنا یَدفَعُ العَذابِ

و النِّقمَهِ فَمَن سَمِعَ هذَا الهُدی فَلیَفَقَّد قَلبُهُ فی حُبِّنا فَان وَحَدَ فیهِ البُغضَ لَنا و

الاِنکارَ لِفَضلِنا فَقَد ضَلَّ عَن سواءِ السَّبیلِ »

ما کوه مرتفع هستیم به خاطر ما باران و رحمت نازل می شود و به خاطر ما عذاب و

زجر دفع می گردد پس هرکس این هدایت را شنید باید قلب خود را بررسی کن که آیا ما

را دوست دارد؟ اگر در قلب خود خشم و انکار فضیلت ما کرد او از راه درست گمراه

شده است.«نَحنُ مِصباحُ المِشکاهِ الَّتی فیها نورُ النُّور» ما چراغ مشکات هستیم که

در آن نور نورها وجود دارد «و نَحنُ صَفوَهُ الکَلِمهِ الباقیَهِ اِلی یَومِ الحَشرِ» و ماییم

کلمه ی خالص باقی تا روز محشر.(۲)

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- مشارق انوار الیقین، ص ۱۴۷

حرف – ق:

۷۰. قرآن را مترجم و مهبط وحی و حاملان کتاب خدایید:

«و حَمَلَهِ کِتابِ الله– و مَبطَ الوَحی– و تَراجِمَهً – و آیات اللهِ لَدَیکُم »:

حاملان کتاب خدا– محل نزول وحی– مترجمان وحی الهی– و آیات خدا نزد

شماست

از مجموع چهار عبارت فوق در جامعه کبیره این نتیجه به دست می آید که اولاً این

خانواده محل نزول آیات الهی اند و مورد خطاب اصلی قرآنند

چنانکه در حدیث آمده«اِنَّما یَعرِفُ القرآنَ مَن خوطِبَ بِهِ»(۱)

تنها پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و عترت اند که مخاطب واقعی قرآنند و می توانند همه حقایق آن را

درک کنند و ثانیاً از حدیث ثقلین که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روزهای آخر عمر خود فرمود:

و از حدود دویست نفر از علمای اهل سنت نقل شده (۲) چنین استفاده می شود که عترت از

قرآن جدا نیست و برای درک و قرآن حتما باید به سراغ عترت رفت چرا که آن

بزرگواران مترجمان و مفسران واقعی قرآنند.

«اِنّی تارِکٌ فیکمُ الثَّقَلین کِتابَ اللهِ و عِترَتی اَهلُ بَیتی ما اِن تَمَسَّکتُم بِهِما لَن

یَضِلُّوا اَبَداً و اِنَّهُما لَن یَفتَرِقا حَتّی یَرِدا عَلیَّ الحَوضَ»(۳)

۱– مقدمه تفسیر برهان، ص ۱۶

۲– عقبات الانوار، میر حامد حسین

۳– فضایل الخمسه، ج ۱،ص ۵۶

من در میان شما دو امانت گرانبها می گذارم و می روم یکی کتاب خدا قرآن و دیگری

عترت و اهل بیتم شما تا وقتی که به او تمسک جویید گمراه نخواهید شد و این دو یادگار

من هیچ گاه از هم جدا نمی شوند

توجه به این واقعیت برای همگان لازم است که مجموعه قرآن دارای محتوایی بلند و

آیات محکم و متشابه است و برای هر کس قابل فهم و درک نیست و چه بسا افراد کم

اطلاع با اکتفا به ظاهر بعضی از آیات به انحراف و گمراهی کشیده شوند بنابر این شخص

رسول الله و ائمه طاهرین علیهم السلام که منصوب از جانب پروردگار و از مبدأ وحی الهام و

مدد می گیرند از بطن و درون آیات قرآن باخبرند و در قرآن شریف هم توصیه شده

برای درک و فهم آیات به سراغ اهل ذکر و راسخون در علم بروید چرا که نمی توانید به

تنهایی از قرآن بهره مند شوید و به مفاهیم و حقایقش پی ببرید

«فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ »(۱)

اگر خودتان نمی دانید از اهل ذکر بپرسید

امام صادق علیه السلام درباره آیه فوق فرمود:« اَلکِتابُ الذِّکرُ و اَهلُهُ آلُ محمدٍ صلی الله علیه و آله و سلم اَمَرَ

اللهُ عزَّوجلَّ بِسُئوالِهِم و لَم یُومَر بِسُئوالِ الجُهّالِ و سَمَّی اللهُ عزَّوجلَّ القرآنَ ذِکراً

فَقالَ تَبارکَ و تَعالی و اَنزَلنا اِلَیکَ الذِّکرَ لِتُبَیِّنَ لِلناسِ ما نَزَلَ اِلَیهم و لَعَلَّهُم

یَتَفَکَّرونَ»(۲)

ذکر عبارت از کتاب است و اهل آن آل محمد صلی الله علیه و اله وسلم می باشند خداوند مردم را امر

فرموده که از این خانواده بپرسند و سراغ جهال و نادانان نروند پروردگار قرآن را ذکر

نامیده چنانکه می فرماید:«ما ذکر را به سوی تو فرستادیم تا برای مردم تفسیر و تبیین

نمایی به این امید که مردم اندیشه کنند

زراره نقل می کند که به امام باقر علیه السلام عرض کردم منظور قرآن از «فَاسئَلوا اَهلَ الذِّکرِ اِن کُنتُم لا تَعلَمونَ» چه کسانی هستند؟ فرمود: ماییم عرض کردم شما پاسخ دهنده اید؟

ص: ۴۴۲

۱- نحل/ ۴۳

۲- تفسیر برهان، ج ۲،ص ۳۷۰

فرمود: بلی گفتم ما سوال کننده ایم؟ فرمود: آری گفتم پس بر ماست که بپرسیم؟

فرمود: بلی گفتم و بر شما است که حتماً جواب بدهید؟ فرمود: خیر اینطور نیست هر وقت پاسخ می گوییم و هر وقت نخواهیم چیزی نخواهیم گفت. سپس اشاره به کلام خدا فرمود:«هذا عَطاؤُنا فَامنُن أو أمسِک بِغَیرِ حِسابٍ» این بخشش بی حساب منست خواهی ببخش یا نگهدار»(۱)

اهل ذکر را شناختیم راسخون کیانند:

«وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ »(۲)

و از تاویل قرآن جز خدا نداند و آن ها که در دانش ریشه دارند

امام صادق علیه السلام در دو بیان چنین فرمود:

«نحنُ الرّاسِخونَ فِی العِلمِ و نَحنُ نَعلَمُ تَاویلَهُ»(۳)

راسخون در علم و نیز آگاهان از تاویل قرآن ما هستیم

«الرّاسِخونَ فی العِلمِ اَمیر المومنینَ و الاَئِمَّهُ مِن بَعدِهِ علیهم السلام »(۴)

راسخون در علم امیر المومنین و امامان بعد از او صلوات الله علیهم اجمعین هستند

ارتباط نزدیک اهل بیت با کلام وحی بر کسی پوشیده نیست و ما این موضوع را در سیره عملی و و قضاوت های ایشان به خوبی مشاهده می کنیم

ذرقان رفیق صمیمی احمد بن داود قاضی معتصم عباسی می گوید: روزی احمد از پیش معتصم برگشته بود در حالی که بسیار خشمگین؛ پرسیدم چرا اینقدر عصبانی هستی؟ گفت از دست این سیاه چهره ابوجعفر فرزند علی بن موسی الرضا (علیه السلام) آرزو داشتم بیست سال پیش از این مرده بودم و امروز را نمی دیدم گفتم مگر چه شده؟ گفت دزدی را پیش خلیفه آوردند که اعتراف به دزدی خود می کرد معتصم طریقه تطهیر و

حد او را پرسید. بیشتر فقهاء حاضر بودند دستور داد بقیه را نیز احضار کنند محمد بن علی علیه السلام را هم خواست از ما پرسید حد دزد را چگونه باید جاری کرد«فَقُلتُ مِنَ

۱- تفسیر برهان؛ ج ۲،ص ۳۷۰
۲- آل عمران/ ۷
۳- بحار، ج ۲۳،ص ۱۹۹
۴- اصول کافی، ج ۱،ص ۲۱۳

الکَرسوعِ» گفتم از مچ دست باید جدا کرد

پرسید به چه دلیل؟

گفتم به دلیل آنکه دست شامل انگشتان و کف تا مچ می شود در آیه ی تیمم نیز

می فرماید:«فَامسَحوا بِوُجوهِکُم و ایدیکُم » صورت ها و دست هایتان را مسح کنید

بسیاری از علماء در این نظریه با من موافقت کرده و تایید نمودند دسته دیگر از

دانشمندان گفتند: باید دست را از مرفق برید(یعنی آرنج دست)

خلیفه پرسید به چه دلیل گفتند به دلیل آنکه وضوء«و اَیدیکُم اِلیَ المَرافِقِ» چون

حدّ دست را خداوند در این آیه تا مرفق(آرنج) معین می کند

برخی نیز فتوی به قطع از شانه دادند و استدلال بر این کردند که دست شامل از

انگشتان تا شانه می شود. در این هنگام خلیفه روی به محمد بن علی علیه السلام کرده گفت یا

اباجعفر شما چه می گویید درباره ی مسئله مورد بحث

فرمود: علما گفتار خود را گفتند مرا از نظر دادن معاف دار. گفت شما را به خدا

سوگند می دهم نظریه خود را بگویید.

حضرت جواد علیه السلام فرمود: اکنون که قسم دادی می گویم این حدود که اهل سنت و

علمای حاضر تعیین کردند اشتباه و خطاست درباره دزد باید انگشتان او بدون ابهام

برید.

پرسید دلیل شما چیست؟ فرمود:«قالَ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم السُّجودُ عَلی سَبعَهِ اَعضاءِ

اَلوَجهِ و الیَدَینِ و الرُّکبتَینِ و الرِّجلَینِ فَاِذا قَطَعَتُ یَدُ مِنَ الکَرسوعِ اَوِ المِرفَقِ لَم

یَبقِ لَهُ یَدٌ یَسجُدُ عَلَیها و قالَ اللهُ تَعالی اِنَّ المَساجِدَ لِلهِ»

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سجده بر هفت محل لازم است انجام شود پیشانی، دو

دست، دو زانو و دو انگشت ابهام پا هرگاه دست را از مچ پا یا مرفق جدا کنند دیگر دستی

برای سجده باقی نمی ماند در صورتی که خداوند در قرآن می فرماید:« اِنَّ المَساجِدَ

لله» مواضع سجده اختصاص به خدا دارد

«ما کانَ للهِ لَم یَقطَع» هر چه برای خدا باشد بریده نمی شود.

ص: ۴۴۴

معتصم از این حکم شادمان شد و تصدیق کرد و دستور داد انگشتان دزد را طبق نظریه ی امام جواد علیه السلام بریدند

ذرقان می گوید: احمد بن ابی داود سخت افسرده و ناراحت بود که چرا نظریه ی او رد شده از حسادت به خود می پیچید سه روز پس از این جریان پیش معتصم رفت و گفت: ای خلیفه آمده ام تو را نصیحتی بکنم این اندرز به شکرانه ی محبتی است که به ما داری و می ترسم اگر نگویم کفران نعمت کرده باشم و به آتش جهنم بسوزم. پرسید آن نصیحت چیست؟

گفت: وقتی شما مجلسی از علما و فقها تشکیل می دهید تا امر مهمی از امور دینی مطرح شود وزرا صاحب منصبان لشکری و کشوری و خدمتکاران و دربانان حضور دارند مذاکرات این مجالس در خارج مطرح می شود اگر در چنین مجلسی شما رای فقها را رد کنید و گفته محمد بن علی علیه السلام را قبول نمایید کم کم موجب می شود که مردم به او توجه کنند و از بنی عباس منصرف شوند خلافت را از تو گرفته و به او تحویل دهند با اینکه عده ای از مردم هم اکنون به امامت او اعتراف دارند.

معتصم چنان تحت تاثیر حرف های او قرار گرفت که احمد بن ابی داود را دعا کرد و گفت:«جَزاکَ الله عَن نَصیحَتِکَ خَیراً » خداوند به خاطر نصیحتی که کردی پاداش دهد. روز چهارم دستور داد مقدمات مسموم کردن و کشتن امام جواد علیه السلام را آماده سازند»(۱)

مقصود اصلی حقیر از نقل این داستان آن حکمی بود که امام جواد علیه السلام بر اساس فهم قرآن و مهبط وحی و مترجم وحی بودن بیان فرمود و الّا همه ائمه ما شهید نشدند جز به خاطرآنکه امثال این مفتی های حسود و بی ولایت بر علیه ایشان سعایت می کردند و

به گونه ای حسادت و کینه و بغض خود را به اجرا درمی آوردند

مهم این بود که اهل بیت از بیان حقایق قرآن و کتاب وحی کوتاه نمی آمدند گرچه به

قیمت جانشان تمام شود.

۱- بحار، ج ۵۰،ص ۱۰۰

۷۱. قرب به خدا به وسیله شما امکان پذیر است:

«و مُتَقَرِّبٌ بِکُم اِلیَ اللهِ»

با نزدیک شدن و درک منزل شما قرب به خدا انجام گیرد

جاده و مسیری که خیلی سریع ما را به خدا می رساند تقرب به اهل بیت عصمت و

طهارت است هر چه موانع را از سر راه برای نزدیک شدن به این خاندان برداریم به

خداوند نزدیک تر خواهیم شد

چون این بزرگواران ذوب شده در خدا هستند و جز برای خدا کاری را انجام

نداده اند بنابراین با برقراری ارتباط تنگاتنگ با معصومین علیهم السلام است که می توان به خدا

نزدیک تر خواهیم شد

چون این بزرگواران ذوب شده در خدا هستند و جز برای خدا کاری را انجام

نداده اند بنابراین با برقراری ارتباط تنگاتنگ با معصومین علیهم السلام است که می توان به خدا

نزدیک شد و از رهنمودهای روشن و زیبای ایشان است که توان قرب به حق تعالی را پیدا

می کنیم

راهکارهایی که ایشان در زمینه اعتقادی اخلاقی اجتماعی خانوادگی و کسب و

نوع درآمد در اختیار ما گذارده اند اگر به اجرا درآوریم بی شک تقرب به حق تعالی پیدا

خواهیم کرد و در بیانی دیگر این گرامیان نوع بندگی حضرت حق را به بهترین وجه

برایمان تشریح کرده اند

امام سجاد علیه السلام درباره نقش امام علیه السلام در نزدیک کردن انسان ها به خدای متعال عرضه

می داشت:«اللّهمَّ اِنَّکَ اَیَّدتَ دینَکَ فی کُلِّ اَوانٍ بِامامٍ اَقَمتَهُ عَلَماً لِعِبادِکَ و مَناراً

فی بِلادِکَ بَعدَ اَن وَصَلتَ حَبلَهُ بِحَبلِکَ »

خدایا دینت را در هر زمان به توسط امامی که برای بندگانت علامت و در شهرها

نشانه بوده اند برپا داشتی بعد از آنکه دوستی آن امام را به دوستی خود پیوند زدی

«هَب لَنا أفَتَهُ و رَحمَتُهُ و تَعَطَّفَهُ و تَحَنُّنَهُ و اجعَلنا لَهُ سامِعینَ مُطیعینَ و فی

رِضاهُ ساعینَ و اِلی نُصرَتِهِ و المُدافَعَهِ عَنهُ مُکینفینَ و اِلَیکَ و اِلی رَسولِکَ

صَلواتَکَ اللّهمَّ عَلَیهِ و آلِهِ بِذلِکَ مُتَقَرِّبین»(۱)

ص: ۴۴۶

۱- تحف العقول، ص ۲۷۸

خدایا رأفت و رحمت و لطف و مهربانی امامان را به ما ببخش و ما را جزو گوش

فرا دهندگان به دستورات و اطاعت کنندگان و کوشندگان در جلب رضایش و سیر

کنندگان به یاری اش و مدافعین از حضرتش قرار ده. پروردگارا به سوی تو و به سوی

پیامبرت روان مان ساز و درودت را بر او و آلش فرست و بدین وسیله ما را جزو تقرّب

جویان و مقرّبین درگاهت قرار ده.

پس نتیجه این شد که راه تقرب جستن به خدای مهربان ابتدا نزدیک شدن به

اهل بیت علیهم السلام و حرف شنوی از آن بزرگواران است

لازم است بدانیم که خداوند تبارک و تعالی بالاترین مقام را برای مقربین درگاهش

قرار داده و آن ها را بر سایر بندگانش برتری داده است «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِکَ

الْمُقَرَّبُونَ »(۱)

سبقت گیرندگان در ایمان و تقوا وضع بهتر دارند و آن تقرب به پروردگار متعال

است.

در بهشت چشمه آبی است به نام تسنیم خداوند آن را خاص مقربون قرار داده است

«عَیْنًا یَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ»(۲) و یا می فرماید:«فَأَمَّا إِنْ کَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ فَرَوْحٌ وَ

رَیْحَانٌ وَ جَنَّهُ نَعِیمٍ »(۳) و اگر او از مقربین الهی باشد در آرامش و راحتی و بهشت پر

نعمت است

باید هم دعا کنیم و هم همت به خرج دهیم با انجام اعمال و کارهای خداپسندانه و

صمیمیت با محمد و آل محمد علیهم السلام وسائل قرب حق تعالی را فراهم آوریم.

مرحوم سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی در دعای وارده بین اذان و اقامه

می نویسد خوب است این درخواست از حضرت باری تعالی شود و این عبارات خوانده

گردد«بِاللهِ أستَفتِحُ و بِمحمدٍ صلی الله علیه و آله و سلم اَستَنجِحُ و أَتَوَجَّهُ. اللّهمَّ صَلِّ عَلی محمدٍ و آله و أجعَلنی بِهِم وَجیهاً فی الدُّنیا و الآخِرَهِ و مِنَ المُقَرَّبینَ»

۱- واقعه/ ۱۱

۲- مطفّفین/۲۸

۳- واقعه/ ۸۸

به نام خدا آغاز می کنم و به وجود مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم به سوی خدا راه

می یابیم و توجه می نماییم خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و مرا به توسط آن

بزرگواران آبرومند در دنیا و آخرت و جزو مقربین درگاهت قرار ده.

پس معلوم شد راه تقرب به خداوند بزرگ وجود نازنین محمد و آل محمد علیهم السلام اند

امام سجاد علیه السلام که خود وسیله ای است برای تقرب بندگان خدا به او در مناجات خویش

عرض می کند «الهی فَأسئَلُکَ بِنا سُبُلَ الوُصولِ اِلَیکَ و سَیِّرَنا فی اَقرَبِ الطُّرُقِ

للوُفودِ عَلَیکَ »(۱)

خدایا ما را در راه های رسیدن به خودت حرکت ده و برای وارد شدن بر خودت ما

را در نزدیک ترین راه ها پیش بر

یا عرض می کند :«اللّهمَّ اجعَلنی مِنَ الَّذینَ جَدُّوا فی قَصدِکَ فَلَم یَنکُلُوا و سَلَکُو

الطَّریقَ اِلَیکَ فَلَم یَعدِلوا و اعتَمَدوا عَلیکَ فی الوُصولِ حتّی وَصَلوا»

خدایا مرا از کسانی قرار ده که در راه راست منتهی به تو کوشیدند و عقب ننشستند و

راه رسیدن به تو را پیمودند و از آن منحرف نشدند و برای رسیدن به تو تکیه کردند تا

آن که رسیدند

از گفتار امام سجاد استفاده کردیم قرب به خدا یک بخش آن در نیایش و مناجات با

پروردگار انجام می گیرد و ائمه طاهرین علیهم السلام با لحن زیبای خویش در مناجات ها و دعاها

راه تقرب به حضرت را به ما آموختند

هنگامی که مناجات های پانزده گانه امام سجاد علیه السلام یا دعای کمیل و یا دعای ابوحمزه

ثمالی و یا مناجات شعبانیه و یا دعای عرفه امام حسین علیه السلام و سایر ادعیه وارده را از آن

ذوات مقدسه می خوانیم آنقدر احساس نزدیکی به خدا می کنیم که وجود خدا را در سرّ

وجود خویش حس می کنیم

صمیمیت و راز و نیازی که در ادب در دعای اهل بیت علیهم السلام است ما را بر آن وا

۱- بحار، ج ۹۴، ص ۱۴۷

می دارد که هر چه بیشتر با خدای خویش مانوس شویم و هر چه بیشتر با او به گفتگو بنشینیم.

مثلا در مناجات شهبانیه که از امیر المومنین و همه ائمه طاهرین علیهم السلام نقل شده و خود بدان مداومت داشته اند دقیقا این صمیمیت و قرب را لمس می کنیم

در همان ابتدای دعا پس از درود بر محمد و ال محمد علیهم السلام عرض می کنیم« وَ اسْمَعْ دُعَائِی إِذَا دَعَوْتُکَ وَ اسْمَعْ نِدَائِی إِذَا نَادَيْتُکَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُکَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْکَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْکَ مُسْتَكِينا لَکَ مُتَضَرِّعا إِلَيْکَ رَاجِيا لِمَا لَدَيْکَ ثَوَابِی وَ تَعْلَمُ مَا فِی نَفْسِی وَ تَخْبُرُ حَاجَتِی وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِی»

خدای من بشنو دعایم را هنگامی که تو را می خوانم و بشنو صدایم را هنگامی که صدایت کردم و روی آور به من هنگامی که با تو راز و نیاز می نمایم.

خدایا به سویت گریختم و در برابرت ایستاده ام در حالی که درمانده درگاهت هستم به سویت زاری می نمایم و به آنچه ثواب در اختیار داری امید بسته ام و تو می دانی در درونم چه می گذرد و از حاجتم با خبری و از سرّ وجودم مطلعی تا آنجا که صمیمیت بالا می گیرد و عرض می کنیم«إِلَهِی انْظُرْ إِلَيَّ نَظَرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَکَ » خدایا به من مانند نگاهت به کسی که صدایش را می شنوی و جوابش را می دهد قرار ده.

« إِلَهِی هَبْ لِی كَمَالَ الانْقِطَاعِ إِلَيْکَ وَ أَنِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْکَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَهِ»

الهی! نعمت بریدن کامل از همه و روی کردن تمام به خودت را به من عطا کن و دیدگان دل های ما را به نور نگاهشان به تو روشن گردان تا دیدگان دل ما پرده های نور را از هم درند و به مرکز عظمت و بزرگی تو بپیوندند. به راستی که بعضی از عبارات این

مناجات انسان را به شگفتی و ذوق وامی دارد آنجا که عرض می کنیم:« إِلَهِی إِنْ أَخَذْتَنِی بِجُرْمِی أَخَذْتُکَ بِعَفْوِکَ وَ إِنْ أَخَذْتَنِی بِذُنُوبِی أَخَذْتُکَ بِمَغْفِرَتِکَ وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِی النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّی أُحِبُّکَ»

ص: ۴۴۹

خدایا اگر مرا به خاطر جرمم مواخذه کنی من به عفوت چنگ می زنم و اگر به خاطر گناهانم مواخذه کنی به بخششت دست می آویزم و اگر مرا در آغوش دوزخت وارد کنی به اهل جهنم اعلام می کنم که خدایا دوستت دارم!

«إِلَهِی إِنْ دَعَانِی إِلَی النَّارِ عَظِیمُ عِقَابِکَ فَقَدْ دَعَانِی إِلَی الْجَنَّهِ جَزِیلُ ثَوَابِکَ»

خدایا اگر مرا به بزرگی عقابت در آتش بخوانی از طرفی مرا نیز به پاداش بزرگ بهشتت نیز خواهی خواند.

و در پایان عرض می کنیم:«إِلَهِی وَ أَلْحِقْنِی بِنُورِ عِزِّکَ الْأَبْهَجِ فَأَکُونَ لَکَ عَارِفا وَ عَنْ سِوَاکَ مُنْحَرِفا وَ مِنْکَ خَائِفا مُرَاقِبا یَا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِکْرَامِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ سَلَّمَ تَسْلِیما کَثِیرا.» مفاتیح الجنان محدث قمی

خدایا مرا ملحق کن به نور و مسرت بخش خودت تا به این وسیله عارف به تو شوم و از غیر تو منحرف گردم و توفیقم ده تا فقط از تو حرف داشته و اهل مراقبه باشم ای صاحب عظمت و کرامت خدایا بر محمد و آل طاهرین او درود فرست درودی کامل و فراوان

در زیارت ارزشمند عاشورا راه نزدیک شدن به خدا و خمسه طیّبه را موالات و دوستی حضرت حسین علیه السلام و بیزاری جستن از قاتلان و جنگ کنندگان با آن گرامی می خوانیم و می دانیم:«یا اباعبدالله إِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَی اللّهِ وَ إِلَی رَسُولِهِ وَ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ إِلَی فَاطِمَهَ وَ إِلَی الْحَسَنِ وَ إِلَیْکَ بِمُوَالاَتِکَ وَ بِالْبَرَاءَهِ مِمّنْ قاتَلَکَ و نَصَبَ لَکَ الحَرب»(۱)

ای اباعبدالله من نزدیکی می جویم به خدا و به رسولش و به امیر المومنین و به فاطمه و به حسن و به تو با دوستی تو و با بیزاری از کسی که با تو مقاتله کرد و برپا کرد جنگ

را با تو

ص: ۴۵۰

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۷۲. قبولی اعمال در گرو دوستی و ولایت شماست:

«و بِموالاتِکُم تُقبَلُ الطّاعَهُ المُفتَرِضَهُ و لَکُم المَوَدَّهُ الواجِبَهُ و الدَّرَجاتُ

الرَّفیعَهُ»:

به دوستی شماست که اعمال واجب ما مقبول قرار می گیرد و دوستی واجب از آن

شماست و نیز مقام های عالی رتبه

اعمال به ظاهر خوب و کارهای پسندیده اگر همراه با ولایت و دوستی اهل بیت علیهم السلام

نباشد مقبول درگاه احدیت و ذات ربوبی قرار نمی گیرد به ویژه آنهایی که بغض این

خاندان را در دل دارند

محمد بن مسلم می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم بعضی از مردم را مشاهده

می کنیم جدّیت در عبادت دارند و با خشوع بند گی می کنند ولی اقرار به ولایت ائمه علیهم السلام

ندارند و حق را نمی شناسند آیا این عبادات و خشوع آن ها را نفعی می بخشد؟

امام علیه السلام فرمو د: محمد! مَثَلِ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مَثل همان خانواده ای است که در بنی

اسرائیل بودند. هر یک از آن خانواده که چهل شب عبادت و کوشش می کرد پس از آن

دعایی که می نمود مستجاب می شد.

یک نفر از همان خانواده چهل شب را به عبادت گذرانید. بعد از آن دعا کرد ولی

مستجاب نشد خدمت حضرت عیسی علیه السلام آمد و از وضع خود شکایت کرد. عیسی علیه السلام

تطهیر نموده نماز خواند آنگاه از خداوند راجع به آن مرد درخواست کرد خطاب

رسید عیسی! این بنده ی من از راه و دری که نباید وارد شود وارد شده او مرا می خواند با

اینکه در قلبش نسبت به نبوت تو شک دارد اگر آنقدر دعا کند که گردنش قطع

شود و انگشتانش از هم بپاشد دعایش را مستجاب نخواهم کرد

عیسی علیه السلام رو به او کرده و فرمود:«تَدعُو رَبَّکَ و اَنتَ فی شَکَ مِن نَبِیِّهِ؟» خدای

خود را می خوانی در حالی که درباره پیغمبرش شک داری؟

عرض کرد: آنچه فرمودی واقعیت دارد از خدا بخواه این شک را از دل من بردارد

حضرت عیسی علیه السلام دعا کرد خداوند او را بخشید« و صارَ فی حَدِّ اهلِ بَیتِهِ» به مقام

سایر آن خانواده نائل شد.(۱)

همان گرامی در حدیثی دیگر شرط قبولی اعمال را ولایت اهل بیت علیهم السلام بیان می کند:

«لا خَیرَ فی الدُّنیا اِلّا لِرَجُلَینِ: رَجُلٌ یَزدادَ فی کُلِّ یومٍ اِحساناً رَجُلٌ یَتَدارُکَ

ذَنبَهُ بالتَّوبَهِ و اَنّی لَهُ بِالتَّوبَهِ؟ و اللهِ لَو سَجَدَ حَتّی یَنقطِعَ عُنُقَهُ ما قَبِّلَ اللهُ مِنهُ اِلّا

بِوِلائَیتِنا اَهل البَیتِ»(۲)

خیری نیست مگر برای دو نفر. یکی کسی که هر روز کار نیکی بر کارهای نیکش

بیفزاید و دیگر کسی که جهت توبه از گناهانش تدارک ببیند و توبه هم برای او نیست؟

قسم به خدا اگر آن قدر سجده کند تا آنجا که گردنش قطع شود و خداوند توبه اش را

نمی پذیرد مگر به ولایت ما اهل بیت

رمز قبول اعمال ولایت محمد و آل اوست و بدون ولایت تلاش ها بی ثمر است

ز پیر عقل جوانی سوال کرد و چه گفت*** که ای ز نور تو روشن چراغ انسانی

بغیر حب علی طاعتی تواند کرد*** که خلق را برهاند ز قید نیرانی

جواب داد که والله این سخن غلط است*** دو بیت بشنو از من اگر سخندانی

به حق قادر بی چون خدای سبحانی*** به حق جملهٔ کرّ و بیان روحانی

که دشمنان علی را نماز نیست قبول*** اگر چه سینه اشتر کنند پیشانی

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«لَو اَنَّ عَبداً عَبَدَ اللهُ بَینَ الرُّکنِ و المَقامِ اَلفُ عامٍ، ثَمَّ

ص: ۴۵۲

۱- اصول کافی، ج ۲،ص ۴۰۰

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۰

ألفُ عامٍ و لَم يَکَن یحِبُّنا اَهلَ البَیتِ لَکَبَّهُ اللهُ عَلی مِنخَرِهِ فی النّار»(۱)

اگر بنده ای خداوند تبارک و تعالی را بین رکن و مقام هزار سال عبادت کند و بار

دیگر هزار سال عبادت کند ولی ما اهل بیت را دوست نداشته باشد خداوند او را با

صورت به آتش خواهد انداخت

در بیانی دیگر فرمود:«یا علیّ لَو اَنَّ عَبداً عزَّوجلَّ مِثلَ ما قامَ نوح فی قَومِهِ و

کانَ لَهُ مِثلَ اُحُدٍ ذهَباً فَنَفَقَهُ فی سَبیل اللهِ و مَدَّ فی عُمرِهِ حَتّی حَجَّ اَلفَ عامٍ عَلی

قَدَمَیهِ ثُمَّ قُتِلَ بَینَ الصَفا و المَروَه مَظلوماً و لَم یُوالِکَ لَم یَشُمُّ رائِحَهَ الجَنَّهِ و لَم

یَدخِلها»(۲)

یا علی اگر انسانی عبادت پروردگار را به اندازه نوح پیامبر بنماید و به اندازه ی کوه احد

طلا در راه خدا بدهد و آن قدر عمر کند که هزار بار پای پیاده به حج برود و در پایان

هم بین صفا و مروه مظلومانه کشته شود ولی تو را دوست نداشته باشد بوی بهشت را

استشمام نخواهد کرد و وی را به بهشت راه نخواهند داد

هیچ کار خوبی را خداوند از کسی نمی پذیرد تا نخست از دوستی علی بن ابی طالب از

او سوال کند

جملات فوق در متن این حدیث آمده است

ابن عباس نقل می کند از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود:

«اَعطانیَ اللهُ خَمساً و اَعطی عَلیّاً خَمساً اَعطانی جَوامِعَ الکَلامِ و اَعطی عَلیّاً

جوامِعَ العِلمِ و جَعَلَنی نَبیّاً و جَعَلَهُ وَصیاً و اَعطانی الکَوثَرَ و أعطاهُ السَلسَبیلَ و

اَعطانی الوَحیَ و اَعطاهُ الاِلهامَ و اُسری بی و فَتَحَ لَهُ اَبوابَ السَّماءِ و الحُجُبِ حتّی

نَظَرَ اِلَیَّ و نَظَرتُ اِلَیهِ»

خداوند به من پنج چیز و به علی علیه السلام نیز پنج چیز عطا کرد به من جوامع الکلام یعنی

قرآن را عطا کرد و به علی مجموعه ی علم را عنایت فرمود. مرا پیغمبر و علی را وصی من

ص: ۴۵۳

۱- صراط مستقیم، ج ۲،ص ۴۹
۲- مناقب خوارزمی،ص ۲۸

قرار داد به من کوثر و به علی سلسبیل(نام نهری است در بهشت) عنایت کرد به من وحی

و به او الهام بخشید. مرا در آسمان ها سیر داد و درهای آسمان را به روی او گشود و

پرده ها را برایش کنار زد بطوری که من به او نگاه می کردم و او به من نگاه می کرد

ابن عباس می گوید سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریه کرد. عرض کردم پدر و مادرم فدای

شما چرا گریه می کنید؟ فرمود: ای ابن عباس ابتدای گفتار پروردگارم این بود که فرمود:

ای محمد! به پایین نگاه کن؛ نگاه کردم دیدم پرده ها کنار زده شده و درهای آسمان

گشوده گشته و علی علیه السلام را دیدم سر خود را بلند کرده است او با من صحبت کرد و با او

به کلمات پروردگارم گفتگو کردم

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای محمد من علی را وزیر و یاور و وصی و جانشین

بعد از تو قرار دادم به او خبر بده کلامت را می شنود من به او خبر دادم در حالی که در

پیشگاه پروردگارم بودم و او قبول کرد و گفت: اطاعت می کنم

خداوند فرشتگان را دستور داد تا به او سلام کنند و آن ها انجام دادند و علی علیه السلام

آن ها را پاسخ گفت و فرشتگان را دیدم یکدیگر را بشارت می دادند و به فرشته ای از

فرشتگان آسمان عبور نکردم مگر اینکه به من تهیّت و تبریک می گفتند و همگی گفتند:

« یا محمد و الَّذی بَعَثَکَ بِالحَقِّ نَبیّاً لَقد دَخَلَ السُّرورُ عَلی جَمیعِ المَلائِکَهِ

بِاستِخلافِ الله تعالی لَکَ ابن عَمِّکَ»

ای محمد قسم به آن کسی که تو را به حق پیغمبری داد از اینکه خداوند علی علیه السلام را

به جانشینی تو برگزید خوشحالی و سرور فراوانی همه فرشتگان را فرا گرفت

حاملین عرش الهی را دیدم که سرها را پایین انداخته اند و به زمین نگاه می کنند به

جبرئیل گفتم اینها چه می کنند؟

عرض کرد: ای محمد! فرشته ای از فرشتگان باقی نماند مگر اینکه نگاه

بشارت آمیزی به چهره علی علیه السلام نمود جز اینها که عرش پروردگار را به دوش دارند

اکنون اجازه گرفته اند تا آن ها هم به چهره امیر المومنین علیه السلام نگاه کنند

بعد فرمود هنگامی که از آسمان فرود آمدم خواستم خبرهای بالا را به علی علیه السلام

ص: ۴۵۴

گزارش دهم دیدم او برایم وقایع را نقل می کند دانستم که قدمی برنداشته ام جز اینکه

برای علی علیه السلام هم مکشوف گشته و آن را نگریسته است.

ابن عباس می گوید عرض کردم ای رسول خدا! به من سفارشی بفرمایید؟ فرمود:

«عَلیکَ بَمَودَّهِ عَلیِّ بن ابیطالبٍ و الَّذی بَعَثَنی بِالحَقِّ نبیّاً « لا یَقبلُ اللهُ مِن عَبدٍ

حَسَنَهً حتّی یَسألَهُ عَن حُبِّ عَلیِّ بن اَبی طالبٍ علیه السلام » و هُوَ اَعلَمُ فَاِن جاءَ بِوِلایَتِهِ

قَبلَ عَمَلِه عَلی ما کانَ فیهِ و اِن لَم یَأتِ بِوِلایَتِهِ لَم یَسألهُ عَن شَییءٍ و أمَرَ بِهِ اِلیَ

النّار»(۱)

تو را سفارش می کنم که نسبت به علی علیه السلام اظهار محبت کنی به حث آن کس که مرا

به رسالت برگزید «خداوند هیچ کار خوبی را از کسی نمی پذیرد تا از دوستی علی بن

ابی طالب علیه السلام از او سوال کند» در حالی که خودش داناتر است

اگر ولایت علی علیه السلام را به همراه داشته باشد اعمالش را با همه نقائص آن قبول می کند

ولی اگر از ولایت آن حضرت بی بهره باشد او را به طرف آتش روانه می کند بدون اینکه

از کارهایش پرسش کند

افسوس که اکثر مردم عالم و اکثر مسلمانان قدر و منزلت اهل بیت پیامبر و به ویژه

حضرت علی علیه السلام را ندانستند در حالی که آسمانیان و فرشتگان از اهل زمین به مقام آن

بزرگوار آشناترند

این کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که می فرمود:«یا علیُّ اِنَّ المَلائِکَهَ یَتَسابِقونَ عَلی أخذِ

الماء الَّذی یَقَعُ مِن یَدِکَ فَیَغسِلونَ بِهِ وُجوههم لیشارَکونَ بِه»(۲)

ای علی فرشتگان از یکدیگر سبقت می گیرند در اینکه آبی که از دست های تو

می ریزد بگیرند و به عنوان تبرک چهره خود را با آن شستشو دهند

۱- امالی طوسی، ص ۱۰۴ و بحار ، ج ۱۶،ص ۳۱۷

۲- بحار، ج ۳۹،ص ۱۲۱

حرف – ک:

۷۳. کامیابی ما در بودن با شما و در دیدارتان است:

«و یُمَکَّنُ فی اَیّامِکُم و تَقَرُّ عَینُهُ غَداً بِرؤیَتِکُم بِاَبی اَنتُم و اُمّی و نَفسی و اَهلی

و مالی»

از خدا می خواهم که روزهای شما را درک کنم و دیدگانم فردا به دیدارتان روشن

شود پدر و مادرم و جانم و خانواده ام و ثروتم فدای شما باد.

خوشا بر احوال کسانی که در زمان ائمه طاهرین علیهم السلام درک حضورشان را با معرفت و

ارادت خویش نمودند و هر وقت اراده می کردند از محضر آن گرامیان استفاده می کردند

به ویژه آنهایی مه توفیق شاگردی و کسب فیض علمی و معنوی بیشتر را داشتند همانند

یاران نمونه و باوفای امام حسین علیه السلام که حضرت درباره ی آن ها فرمود:« فَاِنِّی لا اَعلَمُ

اَصحاباً اَوفی و لا خَیراً مِن اَصحابی»(۱) به راستی که من اصحابی باوفاتر و بهتر از

اصحاب خود نمی شناسم یا شاگردان امام باقر علیه السلام چون اَبان بن تغلب، جابر بن یزید

جعفی، محمد بن مسلم، زراره بن أعین، حمران بن أعین، عبدالله ابی یعفور، بَرید

عجلی، سُدیر صیرفی، کُمیت اَسدی، که امام علیه السلام درباره یکی از آن ها چون اَبان بن تغلب

فرمود:«اِجلِس فی مسجدِ المَدینهِ و اَفتِ لِلنّاسِ فَاِنِّی اُحِبُّ اَن یَری فی شیعَتی

مِثلُکَ»(۲)

۱- ارشاد مفید، ص ۲۱۲

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۸

در مسجد مدینه بنشین و برای مردمان فتوا بده زیرا دوست دارم در میان شیعیان من

مثل تویی مشاهده شود و یا شاگردان امام صادق علیه السلام همانند: هشام بن حکم، مؤمن الطّاق،

جابر بن حیان، مفضل بن عمر جعفی، ابوبصیر لیث بن البختری، جمیل بن درّاج، مُعَلّی بن

خُنَیس، ابوحمزه ثمالی، فیض بن مختار کوفی، که امام علیه السلام درباره یکی از آن ها به نام

مفضّل فرمود:«اِلَیَّ یا مُفضَّل فَوَ رَبِّی اِنِّی لَاُحِبُّکَ و اُحِبُّ مَن یُحِبُّکَ یا مُفَضَّل لَو

عُرِفَ جَمیع ُاَصحابی ما تَعرِفُ ما اختَلَفَ اِثنان»(۱)

بیا کنار من ای مفضل! به خدا سوگند تو را دوست دارم و کسی را که تو را دوست

دارد نیز دوست می دارم ای مفضل اگر اصحاب من همگی به آنچه را که تو بدان معرفت

یافتی آشنایی پیدا می کردند هیچ گاه بین دو نفر اختلافی نمی افتاد

یا اینکه آن حضرت درباره چند نفر دیگر از اصحاب خو فرمود:

«ما اَجِدُ اَحَداً اَحیا ذِکرُنا و احادیثُ اَبی اِلّا زُرارَه و أبوبصیر و لَیث المُرادی و

محمد بن مُسلم و بَرید بن عِجلی و لَو لا هؤلاءِ ما کانَ اَحَدٌ یَستَنبطُ هذا هَؤلاء

حُفّاظُ الدِّینِ و اُمَناءُ اَبی عَلی حَلالِ اللهِ و حَرامِهِ و هُم السّابِقونُ اَلَینا فی الدُّنیا و

السّابِقونَ اِلَینا فی الآخرَهِ و تَقَدَّمَت»(۲)

نیافتم احدی را که معارف ما و احادیث پدرم را زنده کند مگر زراره و ابوبصیر و

لیث المرادی و محمد بن مسلم و برید عجلی اگر اینها نبودند کسی نمی توانست احکام را

استنباط کند اینها حافظان دین و امناء پدرم امام باقر علیه السلام بر حلال و حرام خدا هستند

و یا شاگردان ممتاز امام کاظم علیه السلام همانند: حماد بن عیسی، صفوان یحیی، عبدالله بن

جندب، علی بن یقطین، عبدالله بن یحیی، یونس بن عبدالرحمان، یونس بن یعقوب، که

درباره علی بن یقطین امام علیه السلام فرمود:

« ضَمِنتُ لِعَلیٍّ بنِ یَقطین اَن لا تَسَمَّهُ النّارُ اَبَداً»(۳)

ص: ۴۵۸

۱- بحار،ج ۴۷، ص ۳۹۵

۲- معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۱۴۵

۳- بحار، ج ۴۸،ص ۸۵

من برای علی بن یقطین ضمانت می کنم که هیچ گاه به آتش دوزخ نسوزد.

و یا راه یافتگان به محضر امام رضا علیه السلام مثل حسن بن علی بن زیاد الوشاء، حسن بن علی بن فضّال، حسن بن محبوب، ذکر یابن آدم، محمد بن اسماعیل بن بزیع، ریّان بن صَلت و نصر بن قاموس که در بین اینها زکریا بن آدم توفیق یافت یک سال از مدینه تا مکه و در اعمال حج همسفر و مصاحب امام رضا علیه السلام بود. شیخ کشی به سند معتبر روایت می کند که زکریا بن آدم گفت یک شب تا طلوع فجر که امام برخاست و نماز فجر خواند با امام علیه السلام مذاکره علوم و اسرار داشتم(۱) و یا شاگردان حضرت جواد علیه السلام همانند: احمد بن أبی نصر بزنطی، علی بن مهزیار، فضل بن شاذان که امام علیه السلام در نامه ای به علی بن مهزیار نوشت:

«بسم الله الرحمن الرحیم یا علی اَحسَنُ اللهُ جَزاکَ و اَسکَنکَ جَنَّتَهُ و مَنَعَکَ مِنَ الخِزیِ فی الدُّنیا و الآخِرَهِ و حَشَرَکَ اللهُ مَعَنا»(۲)

ای علی خداوند به تو جزای شایسته عنایت فرماید و در بهشتش جای دهد و تو را از زبونی در دنیا و آخرت بر حذر دارد و با ما محشورت فرماید.(۳)

و نیز امام هادی علیه السلام یارانی چون عبدالعظیم حسنی و ابن سکیت و ابوهاشم جعفری و حسین بن سعید اهوازی و خیران الخادم داشت که هر کدام از محضر امام علیه السلام کسب فیض می کردند و به دیدار آن حضرت نائل می آمدند که آن گرامی درباره خیران که وکیل امام علیه السلام نیز بود فرمود:« اِعمَل فی ذلکَ بِرَأیِکَ فَاِنَّ رَأیَکَ رَأیی و مَن اَطاعَکَ اَطاعَنی»(۴)

در این مسئله به رأی خودت عمل کن زیرا که رای تو رای من است و هر کسی تو را اطاعت کند مرا اطاعت نموده است

و آنانی که به دیدار امام حسن عسکری علیه السلام نائل شدند و از محضر این بزرگوار کسب

فیض بیشتری کردند امثال ابوعلی احمد بن اسحاق، احمد بن محمد بن مطهّر، ابوهاشم

ص: ۴۵۹

۱- معجم رجال الحدیث، ج ۵،ص ۳۷۰ و ج۲،ص ۲۳۲

۲- معجم رجال الحدیث، ج ۵،ص ۳۷۰ و ج۲،ص ۲۳۲

۳- معجم رجال الحدیث، ج ۵،ص ۳۷۰ و ج۲،ص ۲۳۲

۴- منتهی الآمال، ج ۲،ص ۲۴۶

داود بن القاسم الجعفری، ابوسهل اسماعیل بن علی و ابوعمرو عثمان بن سعید بودند که

ابوعمرو عثمان بن سعید افتخار آن را داشت که غیر از کسب فیض از محضر امام زمان

خویش غسل دهنده و کفن کننده و دفن کننده بدن مطهر امام حسن عسکری علیه السلام باشد و

فقط نماز بر آن حضرت را فرزند دلبندش امام عصر روحی له الفدا انجام داد و از همه

مهمتر آنکه اولین نایب خاص اما زمان حجه بن الحسن المهدی علیه السلام بود که در زمان

غیبت صغری رابط بین مردم و حضرت مهدی(عج) بود.(۱)

و اما دیدار یافتگان و بهره مند شدگان از محضر امام دوازدهم حضرت بقیه الله علیه السلام

غیر از چهار نایب خاص در زمان غیبت صغری به نام های ابو عمرو عثمان بن سعید و

محمد بن عثمان فرزندش و حسین بن روح نوبختی و ابو الحسن علی بن محمد سمّری در

زمان غیبت کبری از شمارش بیرون است و خوشا بر احول آنانی که چنین لیاقتی را داشته

و دارند و ما هم جمله زیارت جامعه را تکرار می کنیم که «و تَقِرُّ عَینُهُ غَداً بِرؤیَتِکُم

بَابی اَنتُم و اُمّی و نَفسی و اَهلی و مالی»

و دیدگانم فردا به دیدارتان روشن شود پدر و مادرم و جانم و خانواده ام و ثروتم

فدای شما باد.

در دعای معرفت که در کتاب شریف غیبت نعمانی ص (۱۳۴) از امام صادق علیه السلام نقل

شده درخواست هایی برای درک حضور حضرت مهدی و دیدار ملاقات با آن بزرگوار

شده که همگی دلالت بر امکان این اتفاقات دارد.

« و لَیِّن قَلبی لِوَلیِّ اَمرِکَ و عافِنی ممّا امتَحَنتَ بِهِ خَلقَکَ»

پروردگارا دلم را برای صاحب فرمانت مطیع و نرم کن و مرا در عرصه های

امتحان هایی از بندگانت می کنی عافیت بخش

فقیر و خسته به درگاهت آمدم رحمی*** که جز ولای توام نیست دست آویز

و در دعای ندبه عرض می کنیم:

ص:۴۶۰

۱- بحار، ج ۵۱،ص ۳۴۴

« عَزِیزٌ عَلَیَّ أَنْ أَرَی الْخَلْقَ وَ لا تُرَی وَ لا أَسْمَعَ لَکَ حَسِیسا وَ لا نَجْوَی»(۱)

چه سخت است بر من که دیده باز کنم همه را ببینم و تو را نبینم و از تو نفسی و رازی را نشنوم.

بیا که با تو بگویم ملامت دل*** چرا که بی تو ندارم مجال گفت و شنود

بهای وصل تو گر جان بود خریدارم*** که جنس خوب مبصّر به هر چهخ دید خرید

چو ماه روی تو در شام زلف می دیدم*** شبم به روی تو روشن چو روز می گردد

به لب رسید مرا جان و برنیامد کام*** بسر رسید امید و طلب بسر نرسید

ز شوق روی تو حافظ نوشت حرفی چند*** بخوان ز نظمش و در گوش کن چو مروارید

در فراز دیگر از دعای ندبه عرض می کنیم:«هَل اِلیکَ یَابنَ احمَدَ سَبیلٌ فَتُلقی»

ای زاده احمد صلی الله علیه و آله و سلم آیا به سویت راهی هست که به دست آید راه رسیدن و تلاقی با امامان چیست؛ چه کنیم که چون سید بحرالعلوم، شیخ مفید، شیخ انصاری و همه کسانی که توفیق دست یابی به حضرتش را یافتند ما نیز به توفیق دیدار او نائل آییم.

در دعای عهد با حضرت هر صبح از درگاه الهی درخواست دیدار چهره زیبای حضرتش را می نماییم.

« اللّهُمَّ اَرِنی الطَّلعَهَ الرَّشیدَهَ و الغُرَّهَ الحَمیدَهَ»

خدایا به من نشان بده آن چهره زیبا و جذاب و روی نورانی و ستوده شده را

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

دیده را فایده آن است که دلبر بیند*** ور نبیند چه بود فایده بینایی را

درباره طلعت آن عزیز فرموده اند:«شابٌ حَسَنُ الوَجهِ طَیِّبُ الرّایحَهِ هَیُّوبٌ و معَ

هِیبَتِهِ مُتَقَرِّبٌ اِلَی النّاسِ»(1)

جوانی زیبا روی خوش بوی و با هیبت که با وجود هیبت اش رابطه ی نزدیکی با مردم

دارد

اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده اند*** کسی به حسن و ملاحت به یار ما نرسد

هزار نقش برآید ز کلک صُنع و یکی*** به دل پذیری نقش نگار ما نرسد

در دعای معرفت عرض می کنیم:«اللّهُمَّ اِنِّی اَسئَلکَ اَن تُرِیَنی وَلیِّ اَمرِکَ

ظاهرا... و اَبرِز یا ربِّ مُشاهَدَتَهُ و ثَبِّت قَواعِدَهُ و اجعَلنا مِمَّن تَقِرُّ عَینُهُ بِرؤیَتِه و

اَقِمنا بِخِدمَتِهِ و تَوفَّنا عَلی مِلَّتِهِ و احشُرنا فی زُمرَتِهِ»

خدایا از تو می خواهم که جمال صاحب امرت را آشکارا به من نشان دهی...

پروردگارا مشاهده او را آشکار فرما و پایه های حکومتش را محکم گردان و ما را از

کسانی قرار ده که با دیدن جمالش دیدگان روشن می گردد و ما را در خدمتش پایدار و بر

ملت و آیین او بمیران.

من بینوا ز برگ و بری اگر بمیرم*** سر پر ز شور از خاک در تو برنگیرم

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۳

۷۴. کلامتان نور است:

کَلامُکُم نورٌ:

در مرحله نخست«اللهُ نورُ السَّمواتِ و الاَرض» است و همه انوار چه مادی و چه

معنوی به اذن و اراده الهی کسب نور می کنند

و بعد از خداوند وجود نازنین رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم نور است که خود فرمود:«اَوَّلُ ما خَلَقَ

اللهُ نوری»(۱) نخستین چیزی که خدا بیافرید نور من بود

و بعد قرآن است که به تعبیر خود قرآن نور است:«قَد جائَکُم مِنَ اللهِ نورٌ و کِتابٌ

مُبین»(۲) قطعا برای شما از جانب خدا نوری و کتابی روشنگر آمده است.

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرمود:«اِنَّ هذا القُرآنِ حَبلُ اللهِ و النُّورُ المُبین»(۳)

به راستی که این قرآن ریسمان خدا و نور روشنگر است

و بعد وجود ائمه طاهرین هستند که هم وجودشان چون جدّ بزرگوارشان نور است و

هم مثل قرآن شریف کلامشان نور است

امیر المومنین علی علیه السلام می فرمود:«اِنَّما مَثَلی بینَکُم کَمَثَلِ السِّراجِ فی الظَّلمَهِ

یَستَضیِیءُ بِهِ مَن وَلَجَها»(۴)

در حقیقت حکایت وجود من در میان شما حکایت چراغ در تاریکی است که هر

کس به تاریکی درآید از نور چراغ بهره می گیرد

و امام باقر علیه السلام فرمود:«نُورُ الاِمامِ فی قُلوبِ المومنینَ اَنورُ مِنَ الشَّمسِ المُضیئَهِ

بِالنَّهارِ»(۵)

نور امام در قلب بندگان مومن درخشنده تر از نور خورشید در روز است

چهارده معصوم علیه السلام همان طور که وجودشان نور است گفتارشان تمامی نور است و

دل های تاریک را منور می کند

ص: ۴۶۳

۱- بحار، ج ۱، ص ۲۷

۲- مائده/ ۱۵

۳- الترغیب و الترهیب، ج ۲،ص ۳۵۴

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷

۵- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۲

اگر کسی پای موعظه ی این بزرگواران بنشیند و از گفته هایشان بهره معنوی ببرد و دستوراتشان را به کار بندد بی شک دلش نورانی خواهد شد و از تاریکی های جهل و گناه و دوری از خداوند تبارک و تعالی رهایی خواهد یافت. برای آنکه بیش تر به جمله «کَلامُکُم نورٌ» واقف شویم

از هر معصوم یک کلام نورانی نقل می کنیم باشد که در این رهگذر زنگار دل ها از ظلمت جهل و گناه پاکیزه گردد انشاءالله

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«کَن فی الدُّنیا کَأَنَکَ غَریبٌ أُو عابرُ سَبیلٍ و اعدُد نَفسَکَ فی المَوتی و اِذا اصبَحتَ فَلا تُحَدِّث نفسَکَ بِالمَساءِ، و اِذا اَمسَیتَ فَلا تُحَدِّث نَفسَکَ بِالصَّباحِ و خَذ مِن صِحَّتِکَ لِسقمِکَ و مِن شَبابِکَ لَهَرَمِکَ و مِن حیاتِکَ لِوَ فاتِکَ فَانَّکَ لا تَدری ما اسمُکَ غداً»(۱)

در دنیا چنان باشد که گویی غریبه ای یا رهگذری هستی و خودت را از مردگان به شمار آور و چون صبح خویش را آغاز کردی وعده شب به خود مده و چون شب کردی وعده صبح به خویشتن مده و از دوران سلامتی ات برای هنگام بیماریت بهره گیر و از جوانی ات برای پیری ات و از زدگی ات برای مرگت زیرا که نمی دانی فردا چه نام خواهی گرفت.

امیر المومنین علی علیه السلام فرمود:«اَلَستُم فی مَنازِلِ مَن کانَ أطوُلَ مِنکُم اَعماراً و اَناراً و اَعَدَّ مِنکُم عَدیداً و اکثَفَ جُنوداً و اَشَدَّ مِنکُم عَتوداً؟! تَعَبَّدوا الدُّنیا اَیُّ تَعَبُّدٍ و آثَروها اَیُّ ایثارٍ ثُمَّ طَعَنو عَنها بِالصِّغارِ»(۲)

آیا شما در همان منزل های کسانی نیستید که از شما عمری درازتر داشتند و آثاری پاینده تر و آمادگی بیشتر و سپاهیانی انبوه تر و اقتداری بیشتر؟ دنیا را پرستیدند چه

پرستیدنی و آن را برگزیدند چه برگزیدنی اما سرانجام با خواری از آن کوچیدند.

۱- اعلام الدّین، ص ۳۳۹

۲- بحار، ج ۷۸،ص ۲۹

حضرت زهرا علیهاالسلام در بخشی از خطبه فدکیه که با آن دولت وقت را استیضاح نمود

فرمود:« اَیُّها النّاسُ، اِعلَموا اَنّی فاطمهُ و اَبی محمدٌ اَقولُ عَوداً و بَدءاً و لا اَقولُ ما

اقولُ غَلَطاً و لا اَفعَلُ شَطَطاً »(۱)

ای مردم بدانید که من فاطمه هستم و پدرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد گفته ام و

دگربار می گویم و غلط نمی گویم و ناهنجار انجام نمی دهم.

... مَعاشِرَ النّاس المُسرعَهَ اِلی قیل الباطِلِ اَلمُغضبَهَ علی الفِعلِ القَبیحِ الخاسرِ

اَفَلا یَتَدَبّرونَ القرآنَ اَم علی قُلوبٍ اَقفالُها کَلّا! بَل اِنَ عَلی قُلوبِکُم ما اَسَأتُم مِن

اَعمالِکُم فَاَخَذَ بِسَمعِکُم و اَبصارِکُم لَبِسَ ما تَاَوَّلتُم و ساءَ ما أشَرتُم(۲)

ای جماعت مردم که به سوی سخن باطل شتابانید و بر کار زشت زیانبار چشم پوشی

می کنید «آیا در قرآن تدبّر نمی کنند یا که بر دل ها قفل ها زده شده است» سوره محمد

آیه ۲۴ نه چنین است بلکه در دل هایشان به خاطر رفتار زشتشان زنگ گرفته است پس

گوش و چشمتان بسته است و چه بد تاویل کردید و چه زشت نظر دادید

و در کلامی نورانی از امام حسن علیه السلام در بخش موعظه خلق خدا آمده است:

«اَیُّها النّاس اِنَّهُ مَن نَصَحَ للهِ و اَخَذَ قَولَهُ دَلیلاً هُدیَ لِلَّتی هِیَ اَقوَمُ و وَفَّقَهُ اللهُ

لِلرَّشادِ و سَدَّدَهُ لِلحُسنی فَاِنَّ جارَ اللهِ آمِنٌ مَحفوظٌ»(۳)

ای مردم هر که برای خدا خالص شود و گفتار او را راهنمای خود گیرد به راهی و

آیینی که استوارتر است رهنمون گردد و خداوند به هدایت و رستگاری توفیقش دهد و

در کار نیک کمکش رساند زیرا که همسایه(یا پناهنده) خدا در امان و محفوظ است و

در مواعظ حضرت سید الشهدا ابا عبدالله الحسین علیه السلام آمده:

« اوصیکُم بِتَقوی اللهِ و اُحَذِّرُکُم اَیّامَهُ و اَرفَعُ لَکُم اَعلامَهُ فَکَأَنَّ المَخوفَ قَد

أفِدَ بِمَهولِ ورودهِ و نَكيرِ حُلولِهِ و بَشعِ مَذاقِهِ»(۴)

۱- بلاغات النسّاء، ص ۶۸

۲- تاریخ طبری،ج ۳،ص ۱۹۸؛ الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۳

۳- بحار؛ ج ۷۸، ص ۱۲۹ و ۱۷۹

۴- بحار،ج ۷۸،ص ۱۲۹ مو ۱۷۹

شما را به تقوای خدا سفارش می کنم و از روزهای او شما را برحذر می دارم و

پرچم ها و نشانه هایش را برایتان برمی افرازم گویا آنچه ترسناک است با ورودی

هولناك و مقدمی ناآشنا و مزه ای تلخ رسیده است

و امام سجاد علیه السلام هشدار می داد که

«اِعلَم – و یَحکَ یَابنَ آدمَ– انَّ قَسوَهَ البِطنَهِ و فَترَهَ المَلیلَهِ و شُکرَ الشِّبعِ و غِرَّهَ

المُلکِ مِمّا یُثَبِّطُ و یُبطیءُ عَنِ العَمَلِ و یَنسی الذِّکرَ و یُلهی عَنِ اقتِرابِ الاَجَلِ»(۱)

وای بر تو ای پسر آدم بدان که پری شکم و سستی میل و رغبت به آخرت و مستی

سیری و شکوه قدرت از عواملی است که از عمل بازمی دارد و کند می گرداند و یاد خدا

را از خاطر می برد و از نزدیک بودن اجل غافل می کند

و کلام نور امام باقر علیه السلام

«اَیُها النّاسُ اِنَّکُم فی هذه الدّار أغراضٌ تَنتَضِلُ فیکُم المنایا لَن یَستَقبِلَ اَحَدٌ

مِنکُم یَوماً جَدیداً مِن عُمرِهِ اِلّا بِانقِضاءِ آخَرَ مِن اَجَلِهِ»(۲)

ای مردم شما در این سرای دنیا آماج تیرهای مرگ هستید و هیچ یک از شما هرگز

روز تازه ای از عمر خود را در پیش نگیرد مگر با سپری شدند یک روز دیگر از عمرش

و امام صادق علیه السلام فرمود:«اِسمَعوا مِنّی کَلاماً هوَ خَیرٌ لَکُم مِنَ الدُّهمِ المُوقَفَهِ

لا یَتَکَلَّمُ اَحَدُکُم بِما لا یَعنیه و لیَدَع کَثیراً مِنَ الکَلامِ فیها یَعنیه»(۳)

کلامی از من بشنوید که آن برای شما بهتر از اسبان خاکستری رنگ است که دست و

پاهایشان خطوط سیاه دارد. هیچ یک از شما سخن بیهوده و نامربوط نگوید و از پر گفتن

سخنان مفید هم خودداری ورزد

و امام کاظم علیه السلام در کلام نورانی خود به هشام بن حکم فرمود:«یا هِشامُ اِنَّ لِکُلِّ

شَيیءٍ دَليلًا و دليلُ العقلِ التَّفَكّرُ و دليلُ التَّفَكّرِ الصَّمتُ و لِكَلِّ شیءٍ مَطيَّهٌ و مَطيَّهُ

ص: ۴۶۶

۱- بحار، ج ۷۸،ص ۱۲۹ و ۱۷۹

۲- بحار، ج ۷۸،ص ۱۲۹ و ۱۷۹

۳- امالی طوسی، ص ۲۲۵

العقلِ التَّواضُعُ و کَفی بِکَ جَهلاً اَن تَرکَبَ ما نُهیتَ عَنهُ»(۱)

ای هشام هر چیزی را راهنمایی است و راهنمای عقل اندیشیدن است و راهنمای

اندیشیدن خاموشی و برای هر چیزی مرکبی است و مرکب عقل تواضع است و در نادانی

تو همین بس که مرتکب کاری شوی که از آن نهی شده ای

و امام رضا علیه السلام در مقام موعظه خلق فرمود:«مَن حاسَبَ نَفسَهُ رَبحَ و مَن غَفَلَ

عنها خَسِرَ و مَن خافَ اَمِنَ و مَنِ اعتَبَرَ اَبصَرَ و مَن اَبصَرَ فَهِمَ و مَن فِهِمَ عَلِمَ صَدیقُ

الجاهِلِ فی تَعَبٍ و اَفضَلَ المالِ ما وُقیَ بِهِ العِرضُ و اَفضَلُ العَقلِ مَعرِفَهُ الاِنسانِ

نَفسَهُ»(۲)

هر که به حساب نفس خود رسیدگی کرد سود برد و هر که از آن غفلت ورزید زیان

دید و هر که (از خدا و عذاب قیامت) ترسید ایمن گشت و هر که عبرت گرفت بینا شد و

هر که بینا شد فهمیده گشت و هر که فهمیده گشت دانا شد و هر که دانا شد و دوستِ شخص نادان در

رنج است و بهترین و مال و دارایی آن است که باعث حفظ آبرو شود و برترین خرد

خودشناسی است

و از مواعظ نورانی حضرت جواد الائمه علیه السلام است که «المومِنُ یَحتاجُ اِلی توفیقٍ

مِنَ اللهِ و واعِظٍ مِن نَفسهِ و قبولٍ مِمَّن یَنصَحَهُ»(۳)

مومن به توفیق خدا و داشتن پندگویی درونی و خوی نصیحت پذیری از کسی که او

را نصیحت می کند نیاز دارد

و امام هادی علیه السلام در کلامی ارزشمند فرمود:«اُذکُر مَصرَعَکَ بَینَ یَدَی اَهلِکَ و لا

طبیبٌ یَمنَعُکَ و لا حَبیبٌ یَنفَعُکَ »(۴)

به یاد آور زمانی را که در جمع خانواده ی خود به حال مرگ افتاده ای و نه طبیبی

می تواند مانع رفتن تو شود و نه دوستی می تواند کاری برایت بکند

ص: ۴۶۷

۱- کافی،ج ۱،ص۱۶

۲- بحار، ج ۷۸،ص ۳۵۲

۳- تحف العقول، ص ۴۵۷

۴- اعلام الدین، ص ۳۱۱

و امام حسن عسکری علیه السلام می فرمود:«لا تُمارِ فَیَذهَبَ بَهاؤُکَ و لا تُمازِح فَیَجتَرَأ

علیکَ»(۱)

نزاع و جدال مکن که آبرویت می رود و شوخی مکن که بر تو جرات می یابند

و امام عصر حجه بن الحسن (عج) فرمود:«فَلیَعمَل کُلُّ امرِءٍ مِنکُم بِما یُقَرِّب بِهِ

مِن مَحَبَّتِنا و یَتَجَنَّبُ ما یُدنیهِ مِن کِراهَتِنا و سَخَطِنا»(۲)

به گونه ای عمل کنید که رفتارتان شما را به محبت ما نزدیک کند و کراهت و غضب

ما را از شما دور نماید.

۱- تحف العقول، ص ۴۸۶

۲- احتجاج، ج ۲،ص ۳۲۳

حرف – گ:

۷۵. گل سرسبد آفرینشید:

«اَتاکُمُ اللهُ ما لَم یُؤتِ اَحَداً مِنَ العالَمینَ – و اَشرَقَتِ الاَرضُ بنورِکُم»:

خداوند تبارك و تعالی چیزهایی به شما خانواده داده که به احدی از مخلوقاتش

نداده است – و خداوند زمین را به وجودتان منور ساخته است

چهارده معصوم علیهم السلام گل سرسبد آفرینشند زیرا حتی ترك اولی هم از آن ذوات

مقدسه سر نزد در حالی که پیامبران الهی هر کدام به سهم خود مرتکب ترك اولی شدند

آدم علیه السلام با ترك اولی از بهشت رانده شده چرا که از درخت ممنوعه با وسوسه

شیطان خورد

نوح علیه السلام ابتدا نتوانست دل از فرزند ناخلف خود بر کند و از خدا خواست که او غرق

نشود و خداوند فرمود او دیگر از اهل تو نیست

ابراهیم علیه السلام گفت خدایا معاد جسمانی را برایم تشریح کن خطاب رسید مگر باور

نداری گفت چرا می خواهم اطمینان قلبی پیدا کنم

یوسف علیه السلام در زندان از هم زندانی خود خواست که نزد عزیز مصر از یوسف هم نام

ببرد تا شرایط آزادیش فراهم شود و لحظه ای اتکالش را با خدا فراموش کرد

یونس علیه السلام از قومش جدا شد و آن ها را نفرین کرد و در دل ماهی دریا قرار گرفت

حضرت موسی علیه السلام قتل خطئی مرتکب شد و گفت:« ظَلَمتُ نَفسی» به خود ظلم کردم

ما بر این اعتقادیم که همه پیامبران الهی دارای مقام عصمت بوردند ولی هیچ کدام از نظر رتبه و مقام در حد چهارده معصوم علیهم السلام نبودند

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با اینکه می فرمود:« هیچ پیامبری را مثل من اذیت نکردند اما در حق قوم خویش نفرین نکرد و همه اذیت و آزارها را تحمل کرد و تازه در پایان عمر هم از جبرئیل خواست از خداوند بخواهد شفاعت امت گنهکارش را به او سپارد خداوند هم وعده داد به اندازه ای که تو راضی شوی امت را در روز قیامت به تو می سپارم

امیر المومنین علی علیه السلام درباره خود فرمود:(آنچنان به معاد(قیامت و علوم غیبی) باور دارم که اگر همه پرده ها هم کنار رود چیزی بر یقینم افزوده نخواهد شد

امام حسین علیه السلام بهترین عزیزانش را در راه خدا فدا کرد و با دست خود جوان برومند خود را در معرض خطر دشمن قرار داد و هیچ گاه در راه دوست مضایقه از دست دادن فرزندانش را ننمود.

به راستی که «اَتاکُمُ اللهُ ما لَم یُوتِ اَحَداً مِنَ العالَمینَ»

این عبارات در روایات درباره ولادت اولین معصوم از چهارده معصوم یعنی رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم آمده است:

هنگام ولادت نورش عالم را فرا گرفت نوری از طرف حجاز پخش شد و همه مشرق را فرا گرفت فرشتگان گرداگرد او گرد آمدند فرشتگان در آسمان یکدیگر را بشارت دادند آنچه در زمین و آسمان بود تسبیح خدا نمودند

ندایی را آمنه شنید که سرور همه خلایق را به دنیا آوردی. صدایی از آسمان برخاست که حق ظاهر و باطل نابود گردید.

در هنگام تولد همه بت ها به رو بر زمین افتادند. ایوان کسری به لرزه درآمد و

چهارده کنگره آن در هم ریخت طاق کسری شکست آب دجله روان گشت تخت هر

پادشاهی سرنگون و زبانشان بند آمد آتشکده فارس خاموش شد دریاچه ساوه

ص: ۴۷۰

خشکید.(۱)

خداوند چیزهایی به این خانواده داده که به احدی از مخلوقاتش نداده و خداوند زمین

را به وجودشان منور ساخته است این عباراتی بود که مطلع بحث از جامعه کبیره آورده

شد

احمد بن علی می گوید امام صادق علیه السلام فرمود:«همانا خدای متعال بود و هیچ پدیده ای

نبود سپس پدیده و مکان را آفرید و نور الانوار را آفرید که همه نورها از آن نور

گرفت و از نور خود که همه نورها از آن نور یافته در آن نور الانوار جاری نمود

و آن همان نوری است که محمد و علی علیهما السلام را از آن آفرید. پس محمد و علی علیهماالسلام

پیوسته دو نور نخستین بودند زیرا پیش ازآن ها چیزی به وجود نیامده بود و آن دو

بزرگوار همواره پاک و پاکیزه در صلبهای پاک بودند تا اینکه در پاک ترین آن ها یعنی

در صلب عبدالله و ابوطالب علیهما السلام از هم جدا گشتند»(۲)

و اَشرَقَتِ الارضُ بِنورکِم: در روایتی آمده:«لَمّا خَلَقَ اللهُ مُحمداً صلی الله علیه و آله و سلم سِراجاً

مُنیراً شرقَ نوره حتّی مَلأ العمق الأکبر یَعنی بِهِ عالم الامکان»(۳)

هنگامی که خدای متعال حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به صورت چراغی روشن آفرید

نورش تابید تا این که نورش عالم امکان را فرا گرفت.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در فضیلت اهل بیت و عترت علیهم السلام فرمودک

« ایُّها النّاسُ عَظِّموا اَهل بَیتی فی حَیاتی و بَعد مماتی و اَکرِموهُم و فَضِّلوهم

لا یَحِلُّ لَاَحَدٍ اَن یَقومَ لِاَحَدٍ غیر اَهل بَیتی»(۴)

ای مردم خاندان مرا در زمان حیات و زندگیم و پس از وفاتم بزرگ شمارید و

آنان را گرامی بدارید و برتری دهید برای کسی جایز نیست به احترام احدی بپاخیزد

۱- القطره،ج ۱،ص ۳۹ تا ۵۶

۲- کافی، ج ۱،ص ۴۴۱

۳- القطره، ج ۲،ص ۱۳۱

۴- بحار، ج ۳۶، ص ۲۹۵

جز به احترام اهل بیت من علیهم السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: در شب معراج به او وحی شده:«یا محمّد! صَلِّ عَلی نَفسِکَ و علی اَهلِ بَیتِکَ » ای محمد! بر خود و خاندانت درود فرست

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ناگاه صف های فرشتگان و پیامبران را دید گفته شد: ای محمد! به آنان سلام کن فرمود:«السَّلامُ علیکُم و رَحمَهُ الله و برَکاتُهُ» سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

خداوند وحی نمود:«اِنّی اَنَا السَّلامُ و التَحیَّهُ و الرَّحمَهُ و البَرکاتُ اَنتَ و ذُرّیَّتِکَ»(۱)

همانا من سلام هستم و تحیت، رحمت و برکات، تو و ذریّه توست

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

در روز قیامت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام توقفی در کنار درب دوزخ دارند در آن روز میان دو چشم هر شخصی نوشته می شود: مومن یا کافر. پس به محبی که گناه زیاد دارد دستور داده می شود تا به دوزخ برود حضرت زهرا علیها السلام در میان دو چشم آن شخص محب بودن او را می خواند و می گوید:

«الهی و سَیّدی! سَمَّیتَنی فاطمه، و فطمتَ بی مَن تَوَلّانی و تولّی ذِرِّیَّتی عَنِ النّار و وَعَدَکَ الحَقّ و انتَ لا تَخلِفُ المیعاد»

خدای من و سرور من! مرا فاطمه نامیدی و به وسیله من دوستان و ذریه ام را از آتش جدا فرمودی وعده تو حق است و تو در میعاد خلاف نمی کنی

خدای متعال می فرماید:

«صَدَّقتِ یا فاطمه! اِنّی قد سَمَّیتُکِ فاطمه و فَطَمتُ بکِ مَن اَحَبَّکِ و تَوَلّاکِ

و اَحَبِّ ذُرِّیَّتِکَ و تَولّاهُم مِنَ النّارِ و وَعدیَ الحَقّ و اَنَا لا أخلِفُ المیعاد و اِنَّما

أمَرتُ بِعَبدی هذا اِلیَ النّار لِتَشفَعی فیهِ فَأشَفِّعُکِ فَلَیَتَبَیَّنُ لِمَلائِکَتی و اَنبیائی و

ص: ۴۲۷

۱- کافی، ج ۳،ص ۱۳۵

رُسُلی و اُهلی المُوقِفِ مِنِّی و مَکانَتِکِ عِندی فَمَن قَرَأتِ بَینَ عَینَیهِ مؤمِناً

فخذی بِیَدِهِ و أدخِلیهِ الجَنَّه»(۱)

راست گفتی ای فاطمه! من تو را فاطمه نامیدم و به وسیله ی تو کسی که تو را دوست

بدارد و از پیروی نماید و ذریّه تو را دوست داشته و پیروی نماید از آتش جدا کردم

وعده ی من حق است و من در میعاد خلف وعده نمی کنم

این که من بنده ام را به سوی آتش دستور دادم به خاطر آن است که تو در مورد او

شفاعت کنی و من شفاعت تو را بپذیرم تا برای فرشتگان و پیامبران و رسولان و اهل

محشر مقام و منزلت و موقعیت تو در پیشگاه من آشکار گردد. پس میان دو چشم هر

کسی که مومن خواندی از او دستگیری کن و او را وارد بهشت کن و باز درباره امتیاز

این خاندان بر سایر مردم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«مَن اَرادَ التوصُّلَ اِلَیَّ و اَنَ یَکونَ لَهُ عِندی یَدٌ اَشفَعُ لَهُ بِها یَومَ القیامَهِ فَلیِصِل

مَعَ أهل بَیتی و یُدخِلُ السُّرورَ عَلَیهِم »(۲)

هر کس می خواهد عملی انجام دهد تا نزد او مقرب گردد و بدین وسیله حقی نزد من

داشته باشد تا در روز قیامت به سبب آن او را شفاعت نمایم پس به خاندانم خدمت

کرده و در دل های آن ها ایجاد شادی و سرور نماید

در بیانی دیگر همان گرامی فرمود:«همانا خدای متعال که حمد و سپاس مخصوص

اوست

محبت علی و فاطمه علیهما السلام و فرزندان آن دو بزرگوار را بر مردم عرضه نمود پس هر

که با سرعت پاسخ مثبت داد رسولان خود را از میان آنان قرار داد و کسی که پس از

آن ها پاسخ داد به عنوان شیعه برگزیده شد و هر که پس از آن ها اجابت نمود به عنوان

اصفیا و برگزیدگان انتخاب شد و خداوند همه آن ها را در بهشت گرد آورد»(۳)

امیر المومنین علی علیه السلام می فرماید:

ص: ۴۷۳

۱- علل الشرایع،ج ۱، ص ۱۷۹

۲- امالی صدوق، ۴۶۱

۳- احقاق الحق، ج ۹،ص ۱۹۱

از رشک و حسد مردم نسبت به خودم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شکوه نمودم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«اَما تَرضی اَن تَکونَ رابعٌ اَربَعَهٍ اَوَّلُ مَن یدخِلُ الجَنَّهِ اَنا و اَنتَ و الحَسَنِ و الحُسینِ و أزواجِنا عَن اَیمانِنا و عَن شَمائِلِنا و ذُرِّیّاتِنا خَلف اَزواجِنا و شیعَتُنا خَلف ذُرِّیّاتنا»(۱)

آیا خشنود نیستی که یکی از این چهارنفر باشی؟ نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند عبارتند از من و تو حسن و حسین و همسران ما در سمت راست و چپ ما هستند و ذریه و فرزندان ما پشت سر همسر آنان و شیعیان ما در پشت سر ذریه و فرزندان ما هستند

ص: ۴۷۴

۱- کنز العمال، ج ۶،ص ۲۱۸

حرف – ل:

۷۶. لعنت و غضب خدا برای انکار کنندگان ولایت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است:

«و عَلی مَن جَحَد وِلایَتکُم غَضَبُ الرَّحمانِ»:

غضب خدای رحمان برای کسی است که منکر ولایت شما خاندان است

بدون آنکه نامی از کسی برده شود ببینیم قرآن شریف چه کسانی را مشمول غضب

و لعنت خدای مهربان برمی شمرد

« إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا

مُهِينًا»(۱)

آنانی که خدا و رسول او را می آزادند خداوند در دنیا و آخرت آن ها را لعنت

می کند و برای ایشان عذابی خوار کننده مهیا ساخته است.

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَ

أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»(۲)

و هر که مومنی را از روی عمد به قتل برساند مجازاتش جهنم است و برای همیشه

در آن می ماند و خداوند بر او غضب و لعن کند و عذابی بسیار بزرگ برایش مهیا سازد.

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَ

۱- احزاب/ ۵۷

۲- نساء/ ۹۳

يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ

وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا»(۱)

آیا ندیدی آنانی را که بهره ای از کتاب به آن ها دادند ولی به دو بت جبت و طاغوت

ایمان آوردند و درباره ی کافران می گویند: این گروه از اهل ایمان هدایت یافته ترند.

اینان همان مردمی هستند که خدا آن ها را لعنت کرده و هر که را خداوند لعنت کند

هرگز کسی یاوری برای او نخواهد یافت.

«وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ

السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ

مَصِيرًا»(۲)

و تا اینکه مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را عذاب کند همان هایی که به

خداوند گمان بد داشتند در حالی که بدی به سراغ خودشان می رود و خداوند بر آنان

غضب کرده و آنان را لعنت نموده و جهنم را برای آن ها آماده نموده که چه بد

منزلگاهی است.

از این چند آیه استفاده می شود که عده ای از انسان ها سزاوار غضب و لعن خداوند

تبارك و تعالی هستند و کسانی که به طور مشخص در آیات از آنان یاد شده، اذیت

کنندگان خدا و رسول و قاتلین اهل ایمان و مومنین به جبت و طاغوت و منافقین و

مشرکان بودند.

پس اینکه بعضی می گویند نباید کسی را لعنت کرد بر خلاف نص صریح قرآن سخن

می گویند و اینکه می گویند آغاز کننده لعن شیعیان هستند این نیز تهمت و نارواست چون

بنابر صراحت تاریخ اولین کسی که لعن و سب بر اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را باب کرد

معاویه بن ابی سفیان بود که تا زمان عمربن عبد العزیز جزو خطبه های نماز جمعه و یکی

از موارد لازم و ضروری در سخنرانی های خطیبان اُموی بود

ص:۴۷۶

۱- نساء/ ۵۱ و۵۲

۲- فتح/ ۶

حالا این سوال مطرح است که اگر لعن بد است چرا خداوند موارد فوق را لعنت کرده

و اگر از غیر خدا لعنت کردنِ بعضی انسان ها بد است چرا معاویه این حرکت را انجام داد

البته تا به امروز پاسخی برای این سوال نیافتم اگر شما خواننده عزیز یافتی برای ما

ارسال فرمایید.

آنچه را که به طور کلی می توان از قرآن کریم استفاده کرد عده ای به علت نوع

اعتقادات غلط و رفتارهای زشت خود سزاوار لعنت و غضب الهی هستند. بنابر این چیزی

که می گوییم خارج از محدوده ی قرآن نیست و از همین جا تولی و تبری شکل می گیرد

که باید از بعضی آدم هایی که ظالمند و آزار دهنده خدا و رسولند و مومن به جبت و

طاغوتند و منافق هستند باید بیزاری جوییم و صلح کل نباشیم و اغماض کردن در اینجا با

آیات شریفه قرآن منافات دارد

آیات فوق کاملا راه را برای ما مشخص می کند که مومن باید اهل جاذبه و محبت به

اولیاء خدا باشد و هم اهل دافعه و نفرت نسبت به دشمنان خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم

اسلام دین یک بُعدی نیست دین جامع تولی و تبری است

بعضی می گویند از هیچ کس نباید بیزاری جست. این حرف مغایر با سوره توبه است

که بدون بسم الله الرحمن الرحیم آغاز می شود چون رحمت خدا شامل حال مشرکان

نمی شود

«بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ

الْمُشْرِكِينَ «وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ و اقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ

وَ خُذُوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ »(۱)

این بیزاری خدا و رسول اوست از مشرکانی که با آن ها پیمان بسته اند

خداوند از مشرکان بیزار است به کافران بشارت عذاب دردناک را بده

«هنگامی که ماه های حرام به پایان رسید» هر کجا مشرکان را یافتید به قتل برسانید و

ص: ۴۷۷

۱- توبه/ ۱ و ۳ و ۵

آن ها را اسیر کند و در کمین گاه بنشینید و راه ها را بر آن ها ببندید

پس اصل بیزاری و بعبارتی تبری چون تولی ریشه قرآنی دارد و از آن گذشته حجت

شرعی اظهار نفرت و لعن بر دشمنان خدا و رسول و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتاری است از

پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه وآله و سلم نقل شده است و فرشتگان اولین گروهی هستند که دشمنان محمد

و آل محمد علیهم السلام را لعنت می کنند

از امام صادق علیه السلام سوال شد آیا تعداد فرشتگان بیشتر است یا آدمیان؟ فرمود:« سوگند

به آن کسی که جان من در اختیار قدرت اوست عدد فرشتگان در آسمان ها بیشتر از عدد

ذرات خاک بر روی زمین است»

و در آسمان جای قدمی نیست مگر اینکه در آنجا فرشته ای به تسبیح و تقدیس

پروردگار مشغول است و بر روی زمین بر هر درختی و کلوخی فرشته ای موکل است و

هر روز احوال آن ها و اعمال آن ها را به خداوند گزارش می دهد در حالی که خدا به همه ی

آن ها داناتر است

«و ما مِنهُم اَحَدٌ اِلّا و یَتَقَرَّبُ کُلّ یَومٍ اِلی اللهِ بِوِلایَتِنا اَهل البَیتِ و یَستَغفِرُ

لمُحِبِّنا و یَلعَنُ اَعداءنا و یَسأل اللهُ اَن یُرسِلَ علیهمُ العَذابَ اِرسالاً»(۱)

و فرشته ای نیست مگر آنکه هر روز به ولایت ما اهل بیت به درگاه الهی تقرب

می جوید و برای دوستان ما آمرزش می خواهد و دشمنان ما را لعن و نفرین می کند و از

خداوند فرستادن عذاب را بر آن ها درخواست می کند

امام صادق علیه السلام خط مشی کلی را در این رابطه از قول پدر بزرگوارش فرمود پدرم

امام باقر علیه السلام بارها فرمود:

«اَحبِب حَبیب آل محمدٍ و اِن کانَ مُرهقاً ذِیّالاً و اَبغِض آل محمدٍ و اِن کانَ

صوّاماً قَوّاماً»(۲)

دوست بدار کسی که خاندان پیغمبر را دوست دارد گرچه گنهکار و فرومایه باشد و

ص: ۴۷۸

۱- بحار، ج ۲۴،ص ۲۱۰

۲- بشاره المصطفی، ص ۳۸ و بحار،ج ۶۸،ص ۱۲۶

دشمن بدار کسی را که با خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دشمنی می کند گرچه زیاد اهل نماز و روزه

باشد

کسی که ولایت عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند در صف منافقین است و خواندیم که

خداوند در قرآن شریفش چگونه برخوردی با منافقین دارد و این روایت را گرچه در

این کتاب نقل کردیم در اینجا تکرار می کنیم تا خواننده عزیز جمع بین آیات و روایات

کند

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«لا یتِمُّ الایمانَ اِلّا بمَحَبّتنا أهلَ البیت و اِنَّ الله تبارک و

تعالی عَهِدَ اِلَیَّ اَنَّهُ لا یُحِبُّنا اَهل البیتِ الّا مؤمنٌ تقیّ و لا یُبغِضُنا الّا مِنافقٌ شِقیٌّ

فَطوبی لِمَن تَمَسَّکَ بی و بِالأئمَّهِ الَاطهارِ مِن ذُرِّیتی»(۱)

ایمان جز به محبت ما اهل بیت کامل نمی گردد و این عهد و پیمان الهی با من است که

ما اهل بیت را جز مومن پرهیزکار دوست ندارد و جز منافق گمراه دشمن ما نیست، پس

خوشا به حال کسی که به من و ائمه اطهار از ذریه من گرویده و به رشته ولایت ما

درآویخته است

دشمنی با اهل بیت و انکار ولایتشان در اصل دشمنی با خداست

یک بار رسول خدا حضرت زهرا علیهاالسلام و علی علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام را در کنار

خود نشاند و همه را مشمول محبت ویژه خود قرار داد و بعد فرمود:

«اَنتُم اَولی بی فی الدُّنیا و الاخرهِ و اِلیَ اللهِ مَن والاکُم و عادیَ مَن عاداکُم

اَنتُم منّی و اَنا مِنکُم و الَّذی نَفسی بیدهِ لا یَتَوَلاکُم عَبدٌ فی الدُّنیا اِلّا کانَ اللهُ

عزَّوجلَّ ولیُّهُ فی الدُّنیا و الآخرهِ»(۲)

شما در دنیا و آخرت عزیزان من هستید کسی که شما را دوست بدارد خدا را

دوست داشته و آن که با شما به دشمنی و ستیز برخیزد با خدا به دشمنی و ستیز برخاسته

۱- کفایه الاثر، ص ۱۱۰

۲- بشاره المصطفی، ص ۲۰۶

است شما از من و من از شما هستم

سوگند به خدایی که جانم در قبضه ی قدرت اوست هیچ بنده ای در دنیا از شما

فرمانبرداری نمی کند جز آن که خداوند متعال در دنیا و آخرت یاور و پشتیبان اوست

ص: ۴۸۰

حرف – م:

۷۷. معارف و معالم دین نزد شماست:

«السَّلامُ عَلی مَحالِّ مَعرِفَهِ اللهِ و مَساکِنِ بَرَکَهِ اللهِ و مَعادِنِ حِکمَهِ اللهِ»:

درود و سلام بر اهل بیت عصمت و طهارت که پایگاه معرفت و جایگاه برکات الهی و مخازن حکمت های خداوند متعال هستند

در توضیح این بخش از جامعه کبیره باید گفت از عبارات فوق استفاده می شود که ایشان نماینده و مظهر اتم اوصاف الهی می باشند و برای معرفت حق تعالی و شناخت اوصاف و اسماء او باید از طریق اهل بیت علیهم السلام وارد شد

بَرید عجلی می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:«بِنا عُبِدَ اللّهُ و بِنا عُرِفَ اللّهُ و بِنا وُحِّدَ اللّهُ تَبارَکَ و تَعالی»(۱)

راه عبادت نمودن و معرفت به پروردگار منحصر به طریق هدایت و راهنمایی ماست به این دلیل که باطن این بزرگواران گنجینه اسرار علم الهی و ظاهرشان محل بروز کمالات خداوند بزرگ است و هر یک از صفات و اخلاق حمیده و روحیات ملکوتی و سیره عملی ایشان برای دوستان و شیعیانشان سرمشقی آموزنده است و در یک کلام چون متخلق به اخلاق الهی اند الگویی خوب برای دوستانشان می باشند

از افتخارات شیعه این است که رهبرانی دارند که اشراف علمی به ملکوت و باطن

۱- کافی، ج ۱،ص ۱۴۵

آفرینش دارند و در هر زمینه علمی اگر بخواهند کاوش و پژوهش کنند از دریای مواج و

غنی علم لدنی اهل بیت علیهم السلام استفاده می نمایند

زیاد بن منذر گویند از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

«هُم وُلاةُ اَمرِ الله و خَزَنَهِ وَحیِ اللهِ و وَرَثَهِ کتاب الله و هم المَصطَفونَ بِاسمِ

اللهِ و الاُمناءُ عْلی وُحی اللهِ»

اهل بیت علیهم السلام فرمانروایان امر خدا و گنجینه های وحی پروردگار و وارث کتاب خدا

هستند آنان برگزیدگان به امر خدا و امینان بر وحی او هستند

در ادامه فرمود: آنان خاندان نبوت و مرکز رسالت و مانوسان به حرکات پر و بال

فرشتگان هستند کسانی که جبرئیل به فرمان پروردگار جلیل آنان از خیر تنزیل و

برهان و دلیل تغذیه نموده است

هؤلاءِ أهل البَیتِ أکرَمَهُم اللهُ بِشَرَفِهِ و شَرَّفَهُم بِکَرامَتِهِ و اَعَزَّهُم بِالهُدی و

ثَبَّتَهُم بِالوَحی و جَعَلَهُم اَئِمَهِ هُداهٍ و نوراً فی الظُلُمِ لِلنَّجاهِ و اختَصَّهُم لِدینِهِ و

فَضَّلَهُم بِعِلمِهِ و اَتاهُم ما لَم یُؤتِ اَحَداً مِنَ العالَمینَ»

آنان اهل بیت پیامبرند که خداوند متعال به شرافت خویش آن ها را گرامی داشته و با

کرامت و لطف خویش مفتخر و بزرگشان داشته و با هدایت عزیزشان کرده و به وسیله ی

وحی استوارشان نموده و آن ها را پیشوایان هدایت برای راهنمایی و نور درخشان در

تاریکی ها برای نجات قرار داده است آن ها را به دین خود مخصوص گردانیده و با علم

خویش برتری داده و آنچه به احدی از جهانیان نداده به آن ها بخشیده است

و باز امام علیه السلام در ادامه فرمایشاتشان فرمود: خداوند امامان معصوم را پایه ی دین و

جایگاه ودیعه نهادن اسرار پنهان و امینان وحی و برگزیدگان از آفریدگان و گواهان بر

مردم قرار داده و آنان را برگزیده و انتخاب کرده و اختصاص داده و امتیاز بخشیده و

برتری داده و خشنود گردیده و گزینش نموده و بر گذشتگان بها داده است

آنان را نور جهان و تکیه گاه مردم، راهنمایان مردم بر روی صراط قرار داده چرا که

ص: ۴۸۲

ایشان امامان هدایت داعیان به سوی تقوا و کلمه ی اعلای حق تعالی و حجت عظمای الهی هستند

«هُم النجاهُ و الزُّلفی هُمُ الخیَرَهَ الکَرَمِ هُمُ القُضاهُ الحُکّامِ هُمُ النُّجومُ الاَعلامِ هُمُ الصِّراطُ المُستَقیم هم السَّبیلِ الأقوَمِ الرّاغِبُ عَنهُم مارقٌ و المقصّرُ عَنهُم زاهِقٌ و اللّازِمَ لَهُم لاحِقٌ»

آنان نجات بخش اند که دارای قرب و منزلت هستند آنان برگزیدگان گرامی و با شخصیت، داوران فرمان روا، ستارگان درخشان، صراط مستقیم، شاهراه استوار هستند که هر کس از آن ها روبرگرداند گمراه می شود و آنکه در حق آن ها کوتاهی کند بدبخت می شود و آنکه از آن ها پیروی کند به هدف می رسد

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایشات خود فرمود:

آنان نور خدا در دل های مومنان و دریای گوارا برای تشنگان هستند هر که به آن ها پناه ببرد ایمن می شود و آنان برای کسی که به آنان چنگ بزند محل ایمنی و آرامش هستند آنان دعوت کنندگان به سوی خدا و فرمانبردار اویند و مجریان دستور پروردگار و حکم کنندگان به فرمان او هستند

خداوند متعال پیامبرش را در میان آن ها مبعوث کرد و فرشتگان خدا به سوی آن ها فرود می آیند و به پیامبری که از آنان است آرامش و سکینه ی پروردگار نازل گردیده و روح الامین بر آن ها نزول می کند و این به جهت لطف و عنایتی است که خدای متعال بر آن ها دارد که این امتیاز را بر آنان بخشیده و آن را بر آنان اختصاص داده است به آنان تقوا داده و با حکمت تقویتشان نموده است

آنان شاخه های پاک و ریشه های مبارکند قرارگاه رحمت حق و گنجینه های علم و

دانش و وارثان حلم و شکیبایی و صاحبان تقوا و عقل و خرد نور و روشنایی وارثان

پیامبران و باقی مانده ی از اوصیا هستند که از خاندان آن ها کسی است که یادش دلنشین و

نامش مبارک می باشد یعنی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و پیامبر برگزیده و امّی

ص: ۴۸۳

و از آن خاندان است فرمانروایی که (همچون ستاره) می درخشید و همچون شیر

ژیان می غرید یعنی حضرت حمزه فرزند عبد المطلب علیه السلام

و از آن خاندان است کسی که در سال خشکسالی « رماده» تشنگان را سیراب کرد

یعنی عباس بن عبد المطلب عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و همزاد پدرش

و از آن خاندان است جعفر بن ابی طالب علیه السلام « ذوالجناحین» کسی که به دو قبله نماز

خواند و دو هجرت کرد و دو بیعت نمود او از شجره مبارکی است که دارای روانی

روشن و برهانی آشکار است

و از آن خاندان است دوست و برادر حضرت محمد صلی الله علیه وآله و سلم که پیام رسان از طرف او

صاحب برهان تاویل و تفسیر محکم است امیر و سرپرست مومنان و جانشین پیامبر

پروردگار جهانیان یعنی علی بن ابی طالب که درودهای پاک و تهنیت های والای خدا بر

او باد

آری اینان کسانی هستند که خداوند متعال مودّت و ولایت آن ها را بر هر مرد و زن

مسلمان واجب نموده و در کتاب محکم خود (قرآن) به پیامبرش خطاب کرده:«قُل لا

أسئَلُکُم عَلیهِ اَجراً الّا الموَدَّهَ فی القُربی و مَن یَقتَرِف حَسَنَهً نَزِد لَهُ فیها حُسناً اِنَّ

اللهَ غَفورٌ شکورٌ»(۱)

بگو من هیچ پاداشی برای رسالتم از شما درخواست نمی نمایم جز دوستی و محبت

بر خاندان و نزدیکانم و هرکس کار نیکی انجام دهد بر او نیکی می افزاییم چرا که

خداوند آمرزنده و سپاسگزار است

در این هنگام امام باقر علیه السلام فرمود:

«إقتِرافُ الحَسَنَهُ حُبُّنا أهل البَیت»(۲) منظور از « اقتراف الحسنه» کار نیک محبت

ما خاندان است

بعد از این روایت نسبتاً طولانی باز هم باید عرض کنیم اهل بیت محالّ معرفت الله و

ص: ۴۸۴

۱- شوری/ ۲۳

۲- القطره، ج ۲، ص ۱۷ و ۱۸ نقل از تفسیر فرات کوفی، ص ۳۹۵ و بحار، ج ۲۳ ، ص۲۴۴

مساکن برکه الله و معادن حکمه الله اند

«و کُلَّ شَیىءٍ اَحصیناهُ فی امامٍ مُبینٍ»(۱)

و همه چیز را در امام آشکار شمارش کرده ایم

در تفسیر قمی در ذیل آیه آمده که ابن عباس از امیر المومنین علی علیه السلام روایت کرده

که فرمود:«اَنَا و اللهِ الاِمامُ المُبینُ اینَ الحَقَّ مِنَ الباطِلِ و رِثَتهُ مِن رُسولِ

اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم »(۲)

به خدا سوگند منم امام مبین که بین حق از باطل را جدایی می اندازم و این را از رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم ارث برده ام.

ص: ۴۸۵

۱- یس/ ۱۲

۲- المیزان، ج ۱۷، ص ۷۲

۷۸. مقام محمود مختص شماست:

«و لَکُمُ ... المَقامُ المحمودُ و المَکانُ المَعلومُ عِندَ اللهِ عزَّوجلَّ »

نزد خداوند عزوجل برای مشا مقام محمود و جایگاه روشن است

متن فوق برگرفته از قرآن شریف است:

«وَ مِنَ اللَّیلِ فَتَجَهَّد بِهِ نافِلَهً لَکَ عَسی اَن یَبعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحموداً»(۱)

ای پیامبر! و قسمتی از شب به نماز خواندن بیدار باش که بر تو فزونی است تا

پروردگارت در مقامی شایسته بگماردت

انس بن مالک می گوید روزی رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم را دیدم در حالی که رودرروی علی

بن ابی طالب علیه السلام بود این آیه را تلاوت می کرد:

«مِنَ اللَّیلِ فَتَجَهَّد بِهِ نافِلَهً لَکَ عَسی اَن یَبعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحموداً» سپس

فرمود:«یا عَلیُّ اِنَّ رَبِّی عزَّوجلَّ مَلَّکَنی الشَّفاعَهَ فی اَهلِ التَّوحیدِ مِن اُمَّتی و خَطَرَ

ذلکَ عَن مَن ناصَبَکَ أو مَن ناصَبَ وَلَدَکَ بَعدَکَ »(۲)

یا علی خداوند شفاعت را برای اهل توحید از امت من از آن من قرار داد اما دشمنان

تو و دشمنان فرزندانت از آن محروم می باشند

در حدیثی دیگر مقام محمود به شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت گرام آن

حضرت تفسیر شده است

ابن عباس نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به علی علیه السلام فرمود: یا علی شیعیان ما

در قیامت رستگارانند بنابر این هر کس به احدی از آن ها اهانت کند به تو اهانت کرده و

هر که بر تو اهانت نماید به من اهانت نموده و هر که به من اهانت کند برای همیشه در

جهنم که بدترین جایگاه است معذب خواهد بود

یا علی تو از منی و من از توأم روح تو از روح من و سرشت تو از سرشت من است و

شیعیان تو از باقیمانده ی سرشت ما خلق شده اند پس هر کس آن ها را دوست بدارد ما را

۱- اسرای/۷۹

۲- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۳۸

دوست خواهد داشت و هر کس با آن ها بغض ورزد به ما بغض ورزیده و هر که با آن ها

دشمنی جوید با ما دشمنی کرده است و هر که به آن ها علاقه مند باشد به ما علاقه مند بوده

یا علی؛ خداوند آنچه عیب و گناه در شیعیان باشد می آمرزد

«یا علیُّ اَنا الشَّفیعُ لِشیعَتِکَ غَداً إذا قُمتُ المَقامَ المَحمودَ فَبَشِّرهُم بِذلکَ یا

علیَّ شِیعَتَکَ شِیعَهُ اللهِ و أنصارُکَ أنصارُ اللهِ و أولیاؤُکَ اَولیاءُ اللهِ و حِزبُکَ

حِزبُ اللهِ یا علیُّ سَعَدَ مَن تَولّاکَ و شَقیَ مَن عاداکَ »(۱)

یا علی من شفاعت کننده ی شیعیان تو در فردای قیامت هستم در همان موقع که صاحب

مقام محمود می باشم بنابراین شیعیانت را از این امر مطلع کن یا علی شیعیان تو شیعه خدا

و انصار او هستند دوستداران تو دوستدار خدا می باشند و حزب تو حزب خداست یا

علی سعادتمند شد هر که تو را دوست داشت و بدبخت گشت هر که با تو دشمنی ورزید

دو نکته مهم در اینجا قابل بحث است یکی اهمیت نافله شب که برای رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم

که مقام محمود یعنی شفاعت را ارمغان داشت و دیگری اصل شفاعت محمد و آل

اوست که باید مورد بررسی قرار گیرد

نماز شب جزو عبادات نادری است که بیشترین مواهب دنیوی و اخروی را نصیب

اهلش می کند

خداوند تبارک و تعالی گاه با صراحت و گاه با اشاره به این نماز پرفیض ما را توجه

داده است به این آیات دقت کنید:

«الصَّابِرِینَ وَالصَّادِقِینَ وَالْقَانِتِینَ وَالْمُنْفِقِینَ وَالْمُسْتَغْفِرِینَ بِالْأَسْحَارِ»(۲)

شکیبایان و راستگویان و فرمانبران و انفاقگران و آمرزش خواهان در سحرگاهان

«کَانُوا قَلِیلًا مِنَ اللَّیْلِ مَا یَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ »(۳)

اینان اندکی از شب را می خوابیدند و در سحرگاهان آمرزش می خواستند.

ص:۴۸۷

۱- تفسیر برهان، ج ۲،ص ۲۳۸

۲- آل عمران/ ۱۷

۳- الذاریات/ ۱۷ و ۱۸

«وَمِنَ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ»(۱)

و در پاسی از شب و به هنگام ناپدید شدن ستارگان تسبیح گوی اوباش

«وَمِنَ اللَّیْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَیْلًا طَوِیلًا »(۲)

و پاره ای از شب را در برابر او سجده کن و شب های دراز او را به پاکی بستای

«تَتَجَافَی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ »(۳)

پهلوهایشان از بسترها جدا می کنند پروردگارشان را از روی بیم و طمع می خوانند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می کنند

در ذیل همین آیه شریفه روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«ما مِن عَمَلٍ حَسَنٍ یَعمَلُهُ العَبدُ اِلّا و لَهُ ثَوابٌ فی القُرآنِ اِلّا صَلاهَ اللَّیلِ فَاِنَّ اللهَ لَم یُبَیِّن ثَوابَها لِعَظیمِ خَطَرِها عِندَه(۴) فقالَ:« تَتَجَافَی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ در آیه بعدی می فرماید:«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِیَ لَهُمْ مِنْ قُرَّهِ أَعْیُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا یَعْمَلُونَ » هر کار نیکی بنده می کند در قرآن برایش ثوابی ذکر شده است مگر نماز شب که بس نزد خدا پر اهمیت است ثواب آن را معلوم نکرده است و فرموده:« پهلوهایشان را از بسترها دور می کنند... و هیچ کس نمی داند به پاداش آنچه می کرده اند چه مایه ی شادمانی برایشان نهفته است

امام صادق علیه السلام در بیانی دیگر درباره ی فواید نماز شب می فرمود:

« عَلَیکُم بِصَلاهِ اللَّیلِ فَاِنَّها سُنَّهُ بِنَیِّکُم و دَأبُ الصّالحینَ قَبلَکُم و مَطرَدَهُ الدّاءِ عَن اَجسادِکُم»(۵)

بر شما باد به نماز شب که آن سنت پیامبر شماست و شیوه ی صالحان پیش از شما و دور

کننده درد و بیماری از جسم هایتان است

ص: ۴۸۸

۱- طور/ ۴۹

۲- انسان/ ۲۶

۳- سجده/ ۱۶

۴- بحار، ج ۸،ص۱۲۶

۵- علل الشرایع، ص ۳۶۲

و لَکَمُ ... المَقامُ المَحمود: خواندیم که منظور از مقام محمود برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و

عترت پاکیزه او مقام شفاعت است که در اثر نماز شب خداوند تبارک و تعالی به ایشان

اختصاص داده

سوال اینجاست که این مقام محمود یعنی شفاعت از دیگران نزد پروردگار متعال

شامل چه کسانی می شود و چه افرادی از آن محرومند؟!

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«لا یَکونَ اللَّعّانونَ شُهَداءَ و لا شَفَعاءَ یَومَ القِیامَهِ»(۱)

کسانی که زیاد لعن و نفرین می کنند در روز قیامت نه حق گواهی دادن دارند و نه

حق شفاعت

امام صادق علیه السلام شرط شفاعت را ولایت امیر المومنین و ائمه طاهرین علیهم السلام می شمرد

بعد از نقل این آیه شریفه :«لَا یَمْلِکُونَ الشَّفَاعَهَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا»(۲)

اختیار شفاعت را ندارند مگر کسی که از جانب خدای رحمان پیمانی گرفته باشد

می فرماید:«اِلّا مَن اَذِنَ لَهُ بِوِلایَهِ اَمیرالمومنینَ و الأئِمَّهِ مِن بَعدِهِ فَهُوَ العَهدُ عِندَ

اللهِ»(۳)

مگر کسانی که به ولایت امیر المومنین و امامان بعد از او اعتقاد داشته باشند و این

همان عهدی است که نزد خدا دارند

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«شِفاعَتی لِأُمَّتی مَن اَحَبَّ اَهلَ بَیتی»(۴)

شفاعت من شامل آن کس از امتم می شود که اهل بیت مرا دوست داشته باشد

باز از شروط شفاعت عبارت است از توحید - رضایت از دینداری و جزو گروه

مومنین بودن

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یَشفَعُ الأنبیاءُ فی کُلِّ مَن کانَ یَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا اللّهَ مُخلِصاً

فَیُخرِجونَهُم مِنها(اَی مِنَ النّارِ)(۵)

پیامبران برای همه کسانی که از روی اخلاص به یگانگی خدا شهادت داده باشند

ص: ۴۸۹

۱- درّ المنثور، ج ۱،ص ۳۵۲

۲- مریم/ ۸۷

۳- بحار، ج ۸،ص ۳۶

۴- کنز العمال/ ۳۹۰۵۷

۵- مسند ابن حنبل،ج ۴، ص ۲۵

شفاعت می کنند و آنان را از دوزخ بیرون می آورند

امام رضا علیه السلام در پاسخ به پرسش از این سخن خدای تعالی « لِمَن ارتَضی» برای کسی

که خدا رضایت دهد فرمود: لا یَشفَعونَ اِلّا لِمَن ارتَضی اللهُ دینَهُ(۱)

آنان تنها برای کسی شفاعت می کنند که خداوند از دین او راضی باشد

و امام صادق علیه السلام فرمود:

«اِعلَموا أنَّهُ لَیسَ یُغنی عَنکُم مِنَ اللهِ اَحَدٌ مِن خَلقِهِ شَیئاً لا مَلَکٌ مُقَرَّبٌ و لا

نَبیٌّ مُرسَلٌ و لا مَن دونَ ذلکَ فَمَن سَرَّهُ اَن تَنفَعَهُ شَفاعَهُ الشّافِعینَ عِندَ اللهِ

فَلیَطلُب اِلیَ اللهِ اَن یَرضی عَنهُ»(۲)

بدانید که هیچ یک از آفریدگان خدا شما را از او بی نیاز نمی کند نه فرشته ای مقرّب

و نه پیامبری مرسل و نه دیگران پس هر که خوش دارد که شفاعت شفاعت کنندگان از او

نزد خداوند موثر افتد از خداوند بخواهد که از وی خشنود باشد

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«اِنَّ اللهَ اَعطانی مَسألَهً فَأخَّرتُ مَسألَتی لِشَفاعَهِ

المُومِنینَ مِن اُمَّتی یَومَ القِیامَهِ فَفَعَلَ ذلکَ»(۳)

خداوند به من فرمود از او خواهشی کنم اما من خواهش خود را برای شفاعت

مومنان امتم در روز قیامت به تاخیر انداختم و خداوند پذیرفت

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۱، ص۱۳۶

۲- کافی،ج ۸، ص ۱۱

۳- بحار، ج ۸، ص۳۷

حرف – ن:

۷۹. نماز را برپا داشتید:

«و اَقَمتُمُ الصَّلوهَ»:

برپایی نماز با خواندن نماز متفاوت است چون بعضی صرفاً نماز می خوانند در حالی

که حضور قلب در نماز ندارند نماز را در وقت فضیلتش نمی خوانند به جماعت و در

مسجد نمی خوانند رعایت مسائل فقهی و احکام مربوط به نماز را از نظر قرائت و مکان

و سایر خصوصیات مربوط به نماز نمی کنند

ولی بعضی به نماز و آداب آن اهمیت خاص می دهند و در واقع به نماز آبرو

می دهند و بر خلاف آن هایی که فقط نماز می خوانند در تلاشند نمازی بخوانند که مورد

پسند پروردگار متعال باشد به اینها می توان گفت که برپا کننده ی نمازند

راه و روش انبیاء برپایی و اقامه نماز بوده چنانکه ائمه طاهرین علیهم السلام نیز چنین بودند

حضرت ابراهیم علیه السلام در هنگام مناجات با پروردگار عرض می کند :

«رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلَاهِ وَمِنْ ذُرِّیَّتِی رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»(۱)

پروردگارا مرا برپا دارنده ی نماز قرار ده و فرزندان مرا نیز پروردگارا دعای مرا بپذیر

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«الصَّلوه مِن شرایع الدِّینِ و فیها مَرضاهُ الرَّبِّ عزَّوجلَّ

و هِیَ مِنهاجُ الأنبیاءِ»(۲)

۱- ابراهیم/ ۴۰

۲- خصال، ص ۵۲۲

نماز از شرایع و احکام دین است و موجب خشنودی پروردگار عزوجل و راه و

روش پیامبران می باشد

و نیز فرمود:«خداو جلّ ثناؤه نور دیده ی مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من

گردانید همچنان که غذا را محبوب گرسنه و آب را محبوب تشنه.(با این تفاوت که)

گرسنه هرگاه غذا بخورد سیر می شود و تشنه هرگاه آب بنوشد سیراب می گردد اما من از

نماز سیر نمی شوم.(۱)

وقتی کسی عاشق نماز شد یعنی با تمام وجود به نماز ایستاد و از سر رفع تکلیف فقط

نماز نخواند آن وقت است که می توان گفت نماز را اقامه کرده است

یکی از آثار اقامه نماز اثری است که بر شخص نماز گزار می گذارد و او را از فحشاء

و منکرات برحذر می دارد

«أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»(۲)

نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در تبیین آیه می فرمود:«لا صَلاهَ لِمَن لَم یُطِعِ الصَّلوهَ و طاعَهُ

الصَّلوهِ اَن تَنهی عَنِ الفَحشاءِ و المُنکر»(۳)

کسی که از نماز فرمان نبرد نماز خوانده است و فرمان بردن از نماز به این است که از

کار زشت و ناپسند باز دارد

نشان دیگر برپایی نماز خواندن نماز در اول وقت و وقت فضیلت آن است

امیر المومنین علی علیه السلام فرمود:«حافِظوا عَلیَ الصَّلَواتِ الخَمسِ فی اَوقاتِها فَاِنَّها

مِنَ اللهِ جَلَّ و عَزَّ بمَکانٍ »(۴)

بر خواندن به موقع نمازهای پنجگانه مواظبت کنید زیرا این نمازها را در پیشگاه

خداوند جلّ و عزّ منزلتی (والا) است

درباره ی فضیلت نماز اول وقت تعبیر عجیبی امام صادق علیه السلام دارد که می فرماید:

ص: ۴۹۲

۱- مکارم الاخلاق، ج ۲،ص۳۶۶

۲- عنکبوت/ ۴۵

۳- بحار، ج ۸۲،ص ۱۹۸ و ج ۸۳، ص ۹

۴- بحار، ج ۸۲،ص ۱۹۸ و ج ۸۳،ص ۹

«فَضلُ الوَقتِ الأوَّلِ عَلیَ الأخِرِ کَفَضلِ الآخِرَهِ عَلیَ الدَّنیا»(۱)

فضیلت اول وقت نماز بر آخر وقت همچون فضیلت آخرت بر دنیاست

نکته سوم که دلالت برپایی نماز می کند حضور قلب و خشوع در نماز است

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِینَ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»(۲)

به راستی که مومنان رستگارشدند همانان که در نمازشان خاشعند

امام صادق علیه السلام می فرمود:«اِذا کُنتَ دَخَلتَ فی صَلاتِکَ فَعَلَیکَ بالتَّخَشُّعِ و

الاِقبالَ عَلی صَلاتِکَ فَاِنَّ اللهَ تَعالی یَقولُ «الَّذِینَ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»(۳)

هرگاه وارد نماز شدی بر تو باد به خشوع و توجه قلبی به نمازت زیرا خدای تعالی

می فرماید:«همانان که در نمازشان خاشعند»

بعد از این مقدمه برویم سراغ جمله جامعه کبیره که به چهارده معصوم علیهم السلام خطاب

می کنیم که «وَ اَقَمتُمُ الصَّلوهَ» شما خانواده نماز را برپا داشتید

به راستی که همه معصومین بدون استثناء به نماز آبرو دادند و نماز را بر هر کاری

مقدم شمردند و هر کدام به نوعی به ما آموختند که تمام همت خود را بر آن بگذاریم که

نماز را درست بخوانیم و تمامی آداب آن را رعایت کنیم

اقامه نماز را به خوبی می توان در سیره عملی معصومین علیهم السلام ملاحظه کرد

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تمام عمر را به عبادت و بندگی خالصانه حضرت حق صرف کرد به

ویژه مواقعی که به نماز می ایستاد حالاتش دیدنی بود. قسمت مهمی از شب ها را در نماز

و دعا و مناجات بسر می برد و از طول قیام پاهایش متورم می شد او عبادت را وظیفه

بنده می دانست با شوق و علاقه به نماز قیام می کرد گاهی بی خبران از حلاوت و طعم

عبادت از روی دلسوزی می گفتند شما که بار گناه بر دوش ندارید دیگر چرا این همه به

خودتان رنج می دهید؟ می فرمود:«آیا یک بنده ی وظیفه شناس و سپاسگذار نباشم؟!«

وقتی مشغول نیایش می شد «کانَ یَرفَعُ یَدَیهِ اِذا اِبتَهَلَ و دَعا کَما یَستَطعَمَ

ص: ۴۹۳

۱- ثواب الاعمال، ص ۵۸

۲- مومنون/ ۱ و۲

۳- کافی،ج ۳،ص ۳۰۰

المِسکینَ»(۱) دست هایش را بلند می نمود و چون فقیری که غذا طلب کند تضرع و زاری

می کرد

وقتی وارد مسجد می شد تا نماز را برپا کند می گفت:«اللّهُمَ افتَح لِی اَبوابَ

رَحمَتِکَ» خدایا درهای رحمتت را به روی من بگشای و چون می خواست از مسجد

خارج گردد می گفت:«اللّهُمَّ افتَح لِی ابوابَ رِزقِکَ»(۲)

خدایا درهای روزیت را به روی من بگشای

اقامه نماز امیر المومنین علی علیه السلام اینگونه بود که أبودرداء شمه ای از آن را در یک

شب دید. گفت: یک شب وارد نخلستانی شدم ناگهان صدای حزین و جانکاهی را شنیدم

که با خدای خویش مناجات می کرد و می گفت:

«پروردگارا چقدر از لغزش های مرا تحمل فرمودی و در مقام انتقام و مقابله بر

نیامدی و چقدر از جرائم و خطاهایم با کرم و لطف خود صرف نظر کردی خدایا اگر

چه عمر من در معصیت و نافرمانی تو طولانی شده و پرونده ام لبریز از گناه است من غیر

بخشش و عفو تو را امید ندارم

آنچنان مناجات او مرا به خود مشغول کرد که سخت تحت تاثیر آن قرار گرفتم و در

جستجو جهت شناسایی صاحب صدا برآمدم که ناگاه دیدم صاحب صدا امیر المومنین

علی علیه السلام است. نگذاشتم او مرا ببیند پشت درخت ها پنهان شدم و عبادت او را مشاهده

کردم مشغول رکوع و سجود بود و دعا می خواند و اشک می ریخت. آن قدر ناله و انابه

کرد که از صدا افتاد پیش خود گفتم حتما خسته شده می خواهد استراحت کند وقتی

نزدیک رفتم دیدم مثل یک چوبه خشک به کناری افتاده و از خوف و خشیت خداوند

تبارک و تعالی جان داده هر چه او را حرکت دادم حرکتی نکرد

گفتم :«اِنّا للهِ و اِنّا اِلَیه راجُعونَ» به خدا قسم علی بن ابی طالب از دنیا رفت. به

سرعت خود را به خانه آن حضرت رساندم وضع علی علیه السلام را برای فاطمه علیهاالسلام

ص: ۴۹۴

۱- بحار، ج ۹۳، ص ۳۰۶

۲- سنن النّبی، ص ۳۲۱

شرح دادم. فاطمه علیهاالسلام فرمود: أبودرداء این کار هر شب علی است او از خوف و خشیت الهی غش کرده و بی تاب شده گفت مقداری آب تهیه کردم به نخلستان رفتم به صورت مولا ریختم چشمان مبارک را باز کرد و به من نگاهی نمود در حالی که اشک می ریختم فرمود: أبودرداء چرا گریه می کنی؟عرض کردم به خاطر این حالی که امشب از شما مشاهده کردم فرمود: ای أبادرداء چه خالی خواهی داشت هنگامی که علی را در صحنه قیامت در کنار میزان و محل حسابرسی اعمال ببینی همانجا که مجرمین گرفتار عذاب خواهند شد و ملائکه غلاظ و شداد و زبانه های آتش دوزخ مرا به وحشت انداخته و در پیشگاه پروردگار ایستاده ام سپس ابودرداء می گوید:

«فَوَ اللهِ ما رَأیتُ ذلکَ لِأَحَدٍ مِن اَصحابِ رَسولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم » قسم به خدا هیچ یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را همانند علی علیه السلام ندیدم.(۱)

امام صادق علیه السلام می فرمود:«انَّ عَلیّاً فی آخَرِ عُمرِهِ یُصَلّی فی کُلِّ یَومٍ و لَیلَهٍ اَلفُ رَکعَهٍ»بحار، ج ۴۱، ص ۲۳۲(۲)

یا سلمان! دختر من فاطمه علیهاالسلام ایمان به خدا در اعماق دل و باطن روحش چنان نفوذ کرده که برای عبادت خودش را از همه چیز فارغ می سازد.

امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمود:«رَأیتُ اُمِّی فاطمهَ علیهاالسلام قامَت فی مِحرابِها لَیلَه جُمعَتها فَلَم تَزَل راکِعَهً ساجِدَهً حتّی إتَّضَحَ عَمودُ الصُّبحِ»(۳)

مادرم زهرا علیها السلام را در شب جمعه دیدم که تا صبح مشغول عبادت پروردگار جهان بود دائماً در حال رکوع و سجود بود تا سفیده صبح نمایان گشت.

۱- بحار،ج ۴۱، ص ۱۱ و امالی صدوق،ج ۱،ص ۱۷۳

۲- امیر المومنین علی علیه السلام در پایان عمر خویش شبانه روز هزار رکعت نماز بجا می آورد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم درباره برپایی و اقامه نماز دخترش حضرت زهرا علیهاالسلام می فرمود:« یا سَلمانُ اِنَّ اِبنَتی فاطمهَ مَلَأَ اللهُ قَلبَها و جَوارِحَها اِیماناً اِلی مَشاشِها تَفَرَّغَت لَطاعَهِ اللهِ»بحار،ج ۴۲،ص ۲۶

۳- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۳

باز رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم درباره ی حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: وقتی دخترم در محراب

عبادت می ایستاد خداوند به فرشتگان خطاب می کرد:«یا مَلائِکَتی اُنظُروا اِلی أمَتی

فاطِمَه سَیِّدَهِ اِمائی قائِمَهً بَینَ یَدَی تَرتَعِدُ فَرائِضُها مِن خیفَتی و قَد أقبَلَت بِقَلبِها

عَلی عِبادِتی اُشهِدُکُم أنّی قَد آمَنتُ شِیعَتها مِنَ النّار»(۱)

ای فرشتگان من بنده ی مرا ببینید چطور در مقابل من به نماز ایستاده و اعضای بدنش از

خوف من می لرزد و غرق در عبادت است و ببینید چگونه دلش را به عبادت ما سپرده

ای ملائکه گواه باشید که شیعیانش را از عذاب دوزخ در امان خواهم داد

و درباره ی امام حسن علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: که امام حسن علیه السلام

عابدترین مردمان زمان خویش بود:«و کانَ اِذا قامَ فی صَلاتِهِ تَرتَعِدُ فَرائِضَهُ بَینَ یَدَی

رَبِّهِ عزَّوجلَّ»(۲)

و همین که به نماز می ایستاد بندهای بدنش می لرزید به جهت آنکه خود را در مقابل

پروردگار خویش می دید

هرگاه وضو می گرفت به خود می لرزید و رنگ مبارکش تغییر می کرد سبب این حال

را از آن حضرت پرسیدند فرمود:«حَقٌّ عَلی کُلِّ مَن وَقَفَ بَینَ یَدَی رَبِّ العَرشِ اَن

یَصفِرَ لَونَه و تَرتَعِدَ مَفاصِلَهُ»

سزاوار است بر کسی که می خواهد نزد رب العرش به بندگی بایستد رنگش زرد گردد

و بندنش بلرزد

و در زیارت وارث خطاب به حضرت سید الشهداء علیه السلام عرض می کنیم:

«اَشهَدُ اَنَّکَ قَد اَقَمتَ الصَّلوهَ و آتَیتَ الزَّکاهَ و اَمَرتَ بِالمَعروفِ و نَهیتَ عَنِ

المُنکَرِ»(۳)

شهادت می دهیم که تو نماز را برپاداشتی و زکات را پرداخت نمودی و امر به

معروف و نهی از منکر کردی

ص: ۴۹۶

۱- بحار، ج ۴۳،ص۱۷۲

۲- بحار، ج ۴۳، ص ۳۳۱

۳- مفاتیح الجنان محدث قمی

ابو ثمامه ی صائدی ظهر عاشورا به امام حسین علیه السلام عرض کرد جانم فدای تو باد وقت

ظهر نزدیک است من دوست دارم قبل از شهادت آخرین نماز را با شما بخوانم

امام حسین علیه السلام فرمود: نماز را به یاد آوردی خدای تو را از نمازگزاران محسوب

گرداند آری اینک اول وقت نماز است آنگاه فرمود از این مردم بخواهید دست از ما

بردارند تا نماز گذاریم! حصین بن تمیم از لشکر عمر سعد گفت نماز شما قبول نمی شود

حبیب بن مظاهر گفت ای حمار گمان بری که نماز آل رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم مقبول نیست و نماز

تو مقبول است

امام حسین علیه السلام به زهیر بن قین و سعید بن عبدالله حنفی دستور داد مقابلش بایستد تا

آن حضرت بتواند با بقیه اصحاب نماز را به جای آورد

در هنگامه نماز تیری به سمت امام حسین علیه السلام پرتاب شد سعید بن عبدالله خود را سپر

حضرت نمود و آن را به جان خرید و به همین صورت تیرهایی را که از سوی دشمن

پرتاب می شدند می گرفت تا آن که رمقی برایش نماند و بر زمین افتاد و می گفت:

بارخدایا! این قوم را لعنت کن همان گونه که قوم عاد و ثمود را لعنت نمودی!

بارالها سلام مرا به پیامبرت برسان و به آن حضرت بگو که در راه یاری جگر

گوشه اش حسین علیه السلام چه زخم هایی بر من وارد شد زیرا من در راه یاری خاندان

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم هدفی جز تحصیل رضا و خشنودی تو نداشتم

سعید بن عبدالله پس از گفتن این کلام در حالی که سیزده پیکان تیر و زخم های

فراوان نیزه و شمشیر در بدنش دیده می شد به شهادت رسید.(۱)

آری امام حسین علیه السلام در برابر باران تیر و نیزه نماز را برپا داشت تا به ما بفهماند که

نماز در صدر همه عبادت ها و مجاهدت هاست

امام چهارم حضرت علی بن الحسین علیه السلام آنقدر در برپایی نماز و اهمیت دادن به آن

کوشا بود که لقب سید الساجدین زین العابدین گرفت

ص: ۴۹۷

۱- لهوف، ص ۱۵۳ و نفس المهموم، ص ۱۴۱

روزی حضرت باقر علیه السلام فرمود: خدمت پدرم رسیدم مشاهده کردم امام سجاد علیه السلام به

جایی از عبادت رسیده که هیچ کس نخواهد رسید صورتش از شب زنده داری و

چشم ها از شدت گریه مانند آتشی سرخ گردیده پیشانی از سجده پینه بسته قدم های

مبارکش با ساق پا به واسطه سرپا ایستادن در نماز ورم کرده فرمود من دیگر نتوانستم

خودداری کنم از دیدن آن حال دلم سوخت و شروع به گریه نمودم در آن موقع پدرم

به فکر فرو رفته بود بعد از مختصر زمانی متوجه من شد و فرمود: پسر جان یکی از

جزوه های عبادت علی بن ابی طالب علیه السلام را بیاور. جزوه ای را تقدیم کردم اندکی از آن

خواند با خاطری افسرده جزوه را به زمین گذاشت و فرمود:

«مَن یُقَوِّی عَلی عِبادَهِ عَلیِّ بن ابیطالِبٍ علیه السلام»(۱)

چه کسی قدرت دارد مانند علی علیه السلام عبادت کند

سایر ائمه طاهرین چون پدر و اجداد پاکیزه خود به نماز اهمیت ویژه می دادند و

دوستانشان را در عمل و گفتار می آموختند که نماز را بر هر کاری باید مقدم داشت

ص: ۴۹۸

۱- بحار،ج ۴۶،ص ۷۵

۸۰. نور واحدید:

«و اَنَّ اَرواحَکُم و نورَکُم و طیَتَکُم واحِدَهٌ »:

و به تحقیق که ارواح و نور و سرشت شما یکی است

چیزهایی که ائمه علیهم السلام در آن مشترکند عبارت است از ۱. امامت ۲. عصمت ۳. علم

به گذشته و حال و آینده و به طور کلی علم حضوری در هر حال ۴. ائمه علیهم السلام نور

واحدند

در مسئله امامت هیچ کدام امتیازی بر دیگری ندارند و هر کدام در هر عصری که

زندگی می کردند بر حسب تکلیف وظیفه ای که خداوند بر ایشان مقرر فرموده بود عمل

کردند به عنوان مثال بنابر نقل مرحوم مجلسی از امام علی علیه السلام:«اِبنایَ هذانِ امامان قاما

اَو قَعَداً »(۱)

این دو پسر من امامند چه قیام کنند و چه بنشینند و صلح کنند

در تفسیر نورًّ به امامت تفسیر شده امام کاظم علیه السلام می فرمود:« اَلاِمامَهُ هِیَ النُّورُ و

ذلکَ قَولُهُ عزَّوجلَّ «آمِنوا بِاللهِ و رَسولِهِ و النُّورِ الَّذی اَنزَلنا» قال: النُّورُ هُوَ

الاِمامُ»(۲)

امامت نور و روشنایی است همان که خدای عزوجل فرمود:«به خدا و پیامبر او و

نوری که فرو فرستادیم ایمان آورید» فرمود: نور همان امام است

و در بیانی دیگر امام باقر علیه السلام در ذیل آیه شریفه«اَوَ مَن کانَ مَیّتاً فَاحیَیناهُ و جَعَلنا

لَهُ نوراً »- مَیتٌ- لا یَعرِفُ شَیئاً و نوراً ...» اماماً یُؤتَمُّ بِهِ»(۳)

چنین تفسیر شده «آیا کسی که مرده بود و او را زنده گردانیدیم و برای او نوری قرار

دادیم...» فرمود-مرده- کسی است که چیزی نمی داند و نور امام و پیشوایی است که به

او اقتدا می شود

پس همه امامان معصوم نور واحدی هستند همچنان که در مقام امامت یکسانند و

۱- بحار، ج ۴۳، ص۲۷۳

۲- تفسیر نور الثقلین،ج ۳۴۱

۳- بحار، ج ۲۳، ص ۸۳

دارای طینت پاکیزه اند چنانکه امام باقر علیه السلام نیز در توضیح نشانه امام معصوم علیه السلام فرمود:

«طَهارَهُ الوِلادَهِ و حُسنُ المَنشأ و لا یَلهُو و لا یَلعَبُ»(۱)

ولادت پاکیزه و طیب ولادت دارد تربیت و پرورش نیکو دارد و به لهو و لعب

نمی پردازد

در زیارت معروف وارث خطاب به حضرت سید الشهداء علیه السلام عرض می کنیم:«اَشهَدُ

اَنَّکَ کُنتَ نوراً فِ الاَصلابِ الشّامِخَهِ و الاَرحامِ المُطَهَّرَهِ لَم تُنَجِّسکَ الجاهِلِیَّهَ

بِاَنجاسِها»(۲)

شهادت می دهم که ای حسین بن علی تو نور بودی در صلبهای بلند مرتبه و رحم های

پاکیزه که در دوران جاهلیت پلیدی ها تو را آلوده نکرد

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«لَم یَزَل یَنقَلَنِی اللهُ مِن اَصلابِ الطّاهرین اِلی اَرحامِ

المُطَهَّراتِ»(۳)

هیچ گاه اتفاق نیفتاد مگر آنکه خداوند وجود من پیامبر را از صلبهای پاکیزه به

رحم های پاکیزه منتقل فرمود

از طریق اهل سنت روایات متعددی در ذیل آیه تطهیر آمده که این آیه در شأن محمد

و آل محمد علیهم السلام است

ابن مردویه از ابن عباس و خطیب از ابی سعید خدری روایت کرده که گفت: روزی که

نوبت ام سلمه بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در خانه او قرار داشت جبرئیل بر آن حضرت نازل شد

و آیه «اِنَّما یُریدُ الله لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرِّجسَ اَهلَ البَیتِ و یُطَهِّرَکُم تَطهیراً» را نازل

کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حسن و حسین و علی و فاطمه را خواست بعد از آنکه نزدش

حاضر شدند ایشان را به خود چسبانید و جامه ای رویشان افکند و این در حالی بود که

ام سلمه در پشت پرده قرار داشت آنگاه گفت:«اللّهُمَّ هؤلاءِ اَهلَ بِتی اللّهُمَّ أَذهِب

عَنهُمَ الرِجسَ و طَهِّرهُم تَطهیراً قالت اُمُّ سَلمَهِ فَاِنّا مَعَهُم یا نَبیَّ اللهِ؟ قالَ اَنتَ عَلی

ص: ۵۰۰

۱- کافی،ج ۱،ص ۲۸۵

۲- مفاتیح الجنان محدث قمی

۳- بحار، ج ۷۷،ص ۳۰۱

مَکانِکِ و اَنَّکَ عَلی خَیرٍ»(۱)

بارالها ایشان اهل بیت منند پروردگارا پلیدی را از ایشان ببر و آن طور که خودت

می دانی پاکشان کن ام سلمه گفت ای پیغمبر خدا آیا من نیز با ایشان هستم؟ فرمود: تو

جای خود داری و عاقبتت بخیر است

در اینکه این خانواده از هر رجس و پلیدی پاک و منزهند هیچ گروهی از گروه های

اسلامی اختلاف ندارند چون صاحبان مذاهب گوناگون چه در گذشته و چه امروزه

خوب می دانند که رهبران خودشان سابقه بت پرستی و شرک داشتند و بعضی از آن ها

لاابالی و فاسق بودند و بعد به ظاهر مسلمان شده اند اما در پرونده چهارده معصوم

هیچ کدام از مخالفین یک نقطه ضعف اعتقادی و اخلاقی پیدا نکرده اند که اگر می بود

در بوق و کرنا می کردند و آشکار می نمودند

چهارده معصوم علیهم السلام ارواح و انوار و سرشتشان یکی است و بدون برتری یکی بر

دیگری صاحب این سه امتیازند و این چیزی است که خداوند تبارک و تعالی برایشان

خواسته و اراده کرده است

امام حسن علیه السلام فرمود از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که آن حضرت فرمود:«خَلَقتُ

مِن نورِ اللهِ عزَّوجلَّ و خَلَقَ اَهلَ بیتی مِن نوری و خَلَقَ مُحِبِّیهِم مِن نورِهِم »(۲)

من از نور خداوند تبارک وتعالی آفریده شده ام و اهل بیتم از نور من آفریده شده اند

و دوستان ایشان از نور آن ها آفریده شده اند

امام باقر علیه السلام بنابر نقل جابر بن یزید جعفی درباره وحدت نور ائمه طاهرین و وحدت

ارواح و طینت پاکیزه ی ایشان در حدیثی طولانی فرمود:

ای جابر خداوند تبارک و تعالی بود و هیچ چیز غیر او از معلوم و مجهول نبود

پس اولین چیزی که ابتدا در خلقت نمود خلقت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خلقت

اهل بیت او با نور خودش و عظمتش بود

ص: ۵۰۱

۱- درّ المنثور سیوطی، ج ۵،ص ۱۹۸

۲- امالی طوسی، ص ۶۵۵

ما در سایه قدرت او بودیم در حالی که نه اسمانی و نه زمینی و نه مکانی و نه شبی و

نه روزی و نه خورشید و نه قمری وجود داشت

نور ما از نور خدا جدا شد مثل شعاع خورشید که از خورشید جدا می شود

ما دائم در حال تقدیس و حمد و بندگی خداوند متعال بودیم

آنگاه خداوند مکان را خلق کرد و بر مکان نوشت:«لا اله الّا اللهِ مُحمَّدٌ رَسولُ

اللهِ علیٌّ امیر المومنینَ و وَصیُّهُ» نیست خدایی جز الله تبارک و تعالی محمد رسول

هداست علی امیر المومنین و جانشین و وصی پیامبر است

امام باقر علیه السلام در ادامه بعد از اشار سایر خلقت های الهی می فرماید:

آنگاه خداوند آدم علیه السلام را خلق کرد و از روح خود در او دمید و فرزندانش را از

صلب او قرار داد و از آن ها اعتراف گرفت به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و به ولایت

علی علیه السلام

سپس امام باقر علیه السلام فرمود:«پس ما اولین مخلوق خداییم و سبب خلقت سایر

مخلوقات هستیم و به وجود ماست که خداوند شناخته می شود و وحدانیت او ثابت

می گردد و او بندگی می شود و جمیع مخلوقات بخاطر ما مورد اکرام پروردگار قرار

می گیرند و به وجود ماست که ثواب و عقاب برای بندگان مطرح می شود

خداوند نور ما را صلب آدم علیه السلام به امانت گذاشت و این نور از صلبی به رحمی

منتقل می شد تا در صلب عبدالمطلب قرار گرفت.(۱)

مفضل از امام صادق علیه السلام سوال کرد:«ما کُنتُم قَبل اَن یَخلُقَ السَّماواتِ و الاَرَضینَ؟

قالَ علیه السلام: کُنّا اَنواراً حَول العَرشِ نُسَبِّحُ اللهُ و تُقَدِّسُه حَتّی خَلَقَ اللهُ سُبحانَهُ المَلائِکَهَ

فَقالَ لَهُم: سَبِّحوا فَقالوا: یا رَبَّنا لا عِلمَ لَنا فَقالَ لَنا: سَبِّحوا فَسَبَّحنا فَسَبَّحَتِ

المَلائِکَهُ بتَسبیحِنا ألا اِنّا خَلَقنا مِن نُورِ اللهِ و خَلَقَ شیعَتُنا مِن دونِ ذلکَ النُّورِ»(۲)

شما ائمه قبل از آنکه خداوند آسمان ها و زمین ها را خلق کند کجا بودید؟

ص: ۵۰۲

۱- بحار، ج ۲۵، ص ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۱

۲- بحار، ج ۲۵، ص ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۱

امام صادق علیه السلام فرمود: ما نورهایی بودیم در اطراف عرش پروردگار و خدا را تسبیح و تقدیس می کردیم تا اینکه خداوند فرشتگان را آفرید. به فرشتگان فرمود: تسبیح کنید گفتند ما نمی دانیم چگونه تسبیح کنیم خداوند به ما فرمود: او را تسبیح کنیم و ما خدا را تسبیح کردیم و فرشتگان به شکل ما خدا را تسبیح کردند.

آگاه باش که ما از نور خدا خلق شده ایم و شیعیان ما از باقیمانده نور ما خلق شده اند

امیر المومنین علی علیه السلام درباره وحدت طینت و امامت و انوار ائمه طاهرین علیهم السلام چنین می فرماید:

«اِنَّ اللَّه خَلَقَ نور مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم قبل المَخلوقاتِ بِأربَعَهِ عَشَرَ ألفَ سَنَهٍ و خَلَقَ مَعَه اِثنی عشَرَ حجابا و المراد بالحُجُبِ الأئِمَّهِ علیهم السلام »(۱)

خداوند نور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را قبل از همه مخلوقاتش آفرید به مدت چهارده هزار سال و با نور محمد صلی الله علیه و آله و سلم دوازده حجاب آفرید که منظور از حجاب ها امامان دوازده گانه هستند.

محمد بن زیاد اَزدی می گوید:«سَمِعتُ اَبا الحسن موسی علیه السلام یَقولُ - لَمّا وُلِدَ الرِّضا علیه السلام اِنَّ اِبنی هذا وَلَدٌ مَختوناً طاهراً مُطَهِّراً و لَیسَ مِنَ الأئِمَّهِ اَحدٌ یولَدُ اِلّا مَختوناً طاهراً مُطَهَّراً »(۲)

از امام کاظم موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که وقتی امام رضا علیه السلام متولد شد فرمود: به تحقیق این پسرم فرزندی است که ختنه شده و پاك و پاکیزه به دنیا آمده و همه امامان علیهم السلام اینگونه متولد می شوند که ختنه شده و پاک و پاکیزه هستند.

۱- بحار، ج ۲۵، ص ۲۱ و ۴۴

۲- بحار، ج ۲۵، ص ۲۱ و ۴۴

حرف – واو:

۸۱. ولایت شما و نقش کاربردی آن:

«و ما خَصَّنا بِهِ مِن وِلایَتِکُم طِیباً لِخَلقِنا و طَهارَهً لِأنفَسِنا و تَزکیَهً لَنا و کَفّارَهً

لِذُنوبِنا»

و آنچه را که خداوند از نعمت ولایت شما خاندان به ما اختصاص داد نیکویی

فطرت و خلقت و پاکی جان هایمان و پاکیزگی روحمان و کفاره گناهانمان بوده است

نقش کاربردی ولایت در همه جای زندگی مادی و معنوی ما کاملاً محسوس است و

برای چشیدن این حقیقت لازم است مقداری به کشورهای اطراف خود بنگریم و خیلی

صریح و روشن ببینیم که با نداشتن ولایت چه ضرر بزرگی حتی در دنیای مادی خود

دیده اند و چگونه مقهور قدرت های زورگوی دنیا شده و با دادن کشته های فراوان به

هیچ جا نرسیده اند

برای درک بیشتر این واقعیت باید نقش کلیدی ولایت محمد و آل علیهم السلام را در تمام

ابعاد زندگی به اندازه بضاعت خود اشاره کنیم

اولین نکته ای که در برکات اعتقاد به ولایت اهل بیت علیهم السلام در این فراز جامعه کبیره

مطرح شد طیب ولادت و پاکیزگی خلقت بود

امام صادق علیه السلام می فرمود:«طوبی لِمَن کانَت اُمُّهُ عَفیفَهٌ»(۱)

ص: ۵۰۵

۱- بحار، ج ۳،ص ۷۹

خوشا به حال کسی که مادرش صاحب عفت و طهارت است

چون مادر وقتی عفیفه و پاکدامن باشد از ابتدای انعقاد نطفه و دوران حمل و بعد شیر

دادن رعایت تمام نکات ایمنی از لغزش و گناه را می کند و لازمه قبول ولایت و عترت

عفاف و پاکیزگی مادر است

به همین دلیل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:«و لا یُحِبُّنا اِلّا مَن طابَ مَولِدُهُ»(۱) و جز

حلال زاده و کسی که طیب ولادت داشته باشد ما را دوست ندارد

اباذر غفاری می گوید: یک روز دیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر کتف علی بن ابی طالب علیه السلام زد

و فرمود:

«فَشیعَتُنا اهلُ البُیوتاتِ و المَعادِنِ و الشَّرَفِ و مَن کانَ مَولِدُهُ صَحیحاً»(۲)

شیعیان ما اصیل زاده و از خاندان شرف اند و کسانی هستند که ولادتی صحیح و

درست دارند

حکیم ابوالقاسم فردوسی گوید:

منم بنده ی اهل بیت نبی*** ستاینده خاک پای وصیّ

هر آن کس که در دلش بغض علی است*** از او زارتر در جهان زار کیست

باز پیامبر درباره ی پاکیزگی ولادت فرمود:

« مَن اَحَبَّنا اَهلَ البَیتِ فَلیَحمِدُ اللهَ عَلی اَوَّلِ النِّعَمِ قیلَ و ما اَوَّلُ النِّعَمِ قالَ طِیبُ

الوِلادَهِ و لا یُحِبُّنا اِلّا مَن طابَت وِلادَتُهُ»(۳)

هر کس ما اهل بیت را دوست دارد خداوند تبارک و تعالی را به اولین نعمتی که به او

تفضل فرموده سپاسگزاری کند عرض کردند اولین نعمت چیست؟ فرمود: پاکیزگی

ولادت و کسی ما را دوست ندارد مگر آنکه ولادتی پاکیزه داشته باشد

و نیز فرموده:«یا عَلیُّ مَن اَحَبَّنی و اَحَبَّکَ و اَحَبَّ الآئِمَّهَ مِن وُلدِکَ فَلیَحمِدُ اللَّه

ص: ۵۰۶

۱- فضائل الشیعه صدوق، ص ۸

۲- فضائل الشیعه صدوق، ص ۸

۳- امالی صدوق، ص ۳۸۴

عَلی طِیبِ مَولِدِهِ»(۱)

علی جان هر کس مرا دوست بدارد و نیز تو و امامان از نسل تو را دوست بدارد خدا

را به خاطر طیب ولادتش سپاسگزار باشد

سپاسگزاری ما به این نحو است که عرض می کنیم:«اَلحَمَدُ لِلهِ الّذی جَعَلَنا مِنَ

المُتَمَسِّکینَ بِوِلایَهِ امیر المومنینَ و اَولادِهِ المَعصومینَ علیهم السلام»

خدا را سپاس می گذاریم که ما را جزو تمسک جویندگان به ولایت امیر المومنین

علی علیه السلام و فرزندان معصومش علیهم السلام قرار داد.

و بر پدران و مادران پاک خویش درود می فرستیم که با رعایت عفاف و پاکدامنی

باعث شدند تا مهر و عشق اهل بیت علیهم السلام در کانون قلبمان جای گیرد و ما نیز دعا می کنیم و

عاجزانه از درگاه احدیت می خواهیم که این مهر و عشق در نسل ما تا قیامت استمرار یابد

و در بین فرزندانمان دشمن اهل بیت وجود نداشته باشد به فضل و کرم پروردگار متعال!

باز ابوالقاسم فردوسی به شاه محمود غزنوی خطاب می کند:

ایا شاه محمود کشورگشای*** ز کس گر نترسی بترس از خدای

نترسم که دارم ز روشندلی*** بدل مهر آل نبی و ولی

برین زادم و هم برین بگذرم***ثناگوی پیغمبر و حیدرم

بنام نبی و علی گفته ام*** گهرهای معنی بسی سفته ام

شفیعم محمد امامم علی است*** بهر دو جهان وفی و ولی است

بعد از نقش ولایت در طیب ولادت نوبت به وظیفه پدران و مادران می رسد که

همچنان که عفاف و پاکی را در انعقاد نطفه فرزند رعایت کردند تا فرزندان منافق و

دشمن اهل بیت علیهم السلام نگردند باید در ادامه مواظبت لازم را در تعلیم و تربیت و تشویق

آنان به موضوع ولایت محمد و آل علیهم السلام داشته باشند

امام صادق علیه السلام به والدین توصیه می کند که حتما فرزندان خود را با معارف

ص: ۵۰۷

۱- بحار، ج ۲۷، ص ۱۴۶

اهل بیت علیهم السلام آشنا کنید قبل از آنکه دشمنان و منحرفین آنان را به انحراف بکشانند

«بادِروا اَحداثَکُم بِالحَدیثِ قَبلَ اَن یَسبِقَکُم اِلَیهِمُ المُرجِعَهُ»(۱)

احدیث اهل بیت علیهم السلام را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام آن وظیفه تربیتی

تسریع نمایید بیش از آنکه مخالفین گمراه بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش

را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند

خذیفه می گوید یک روز مادرم پرسید: چندی است رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم را ندیده ای؟

گفتم خیلی وقت است خدمتش نرفته ام مادرم مرا از این جهت مذمت نمود و ملامت

گرد! گفتم: مادر ملامت نکن امروز می روم و نماز مغرب و عشا را با پیغمبر می خوانم و

تا او برای من طلب آمرزش نکند دست از او برنمی دارم

می گوید: آمدم خدمت پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم و نماز مغرب و عشا را با حضرتش بجا آوردم

وقتی که از نماز فارغ شد به دنبالش رفتم در بین راه به نظرم آمد که شخصی با او مواجه

شد و او خصوصی با وی به گفتگو پرداخت. سپس گذشت من باز دنبالش کردم صدای

پای مرا شنید و فرمود: کیست؟ گفتم حذیفه فرمود: چه می گویی؟ ماجرای دلتنگی و

اعتراف مادرم را گفتم فرمود: خداوند تو و مادرت را بیامرزد سپس گفت: آن شخصی

را که با من صحبت کرد شناختی؟

گفتم دیدم فرمود: او فرشته ای از فرشتگان است که قبل از این شب اصلا پا به زمین

نگذاشته است از خدایم اجازه خواسته که به من سلام بدهد و این مژده را به من برساند

که حسن و حسین سروران جوانان اهل بهشتند و فاطمه(مادر آن ها) سرور زنان تمامی

جهانیان است.(۲)

از روایت فوق نتیجه می گیریم که پدران و مادران در ترغیب و تشویق فرزندان به

جذب ولایت محمد و آل او اولین کسانی هستند که تاثیر گذارند و بار این رسالت بزرگ

را بر دوش می کشند

۱- فروع کافی، ج ۲،ص ۴۷

۲- نور الابصار، ص ۴۵

در عبارت جامعه کبیره آمده بود که ولایت شما خاندان«تَزکیَهً لَنا و کَفّارَهً

لِذُنوبِنا» باعث تزکیه ما و عامل کفاره گناهان ما می شود

محمد بن سهل می گوید به اتفاق کمیت شاعر به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم

کمیت عرض کرد شعری گفته ام اجازه می فرمایید بخوانم؟ حضرت فرمود: این ایام بسیار

با عظمت و بزرگ است(شعر خواندن مناسبتی ندارد) کُمیت عرض کرد درباره شما

خانواده است. فرمود: بخوان

اشعار خود را خواند امام علیه السلام گریه زیادی کرد تا کمیت اشعارش به پایان رسید

حضرت صادق علیه السلام دست های خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:«اللّهُمَّ اغفِر

لِکُمیتِ ما تَقَدَّمَ و اَخَّرَ ما اَسِراً و اَعلَنً و اَعطِهِ حتّی یَرضی»

خدایا کمیت را بیامرز و گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکار وی را ببخش و

آن قدر مورد لطف و عنایتش قرار ده تا راضی شود

آنگاه هزار دینار با لباسی نو به او دادند

کمیت گفت به خدا سوگند شما را برای دنیا دوست ندارم اگر نظر دنیا بود پیش

اشخاص می رفتم که دنیا در دست آن هاست ولی ارادت من به شما برای یافتن آخرت

است اگر منت بگذارید و از لباس های مستعمل که تماس با بدن شریفتان پیدا کرده لطف

کنید به جهت تبرک قبول می کنم اما درهم و دینار نمی پذیرم »(۱)

کاری کنیم که امام زمان (عج) مثل امام صادق علیه السلام در حقمان دعا کند که خداوند

گناهان ما را بیامرزد و آمین را نیز خود بگوید که آمین آن گرامی رد نخواهد شد

رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم می فرمود:

«فَتَعَرَضوا عِبادَ اللهِ لِدُعاءِ علیٍّ لَکُم و لا تَتَعَرَّضوا لِدُعاءِ علیٍّ عَلیکُم فَاِنَّ مَن

دَعا عَلیهِ اَهلَکَهُ اللهُ و لَو کانَت حَسَناتُهُ عَدَدِ ما خَلَقَ اللهُ کَما اَنَّ مَن دَعا لَهُ اَسعَدَهُ

اللهُ و لَو کانَت سَیِّئاتُهُ بِعَدَدِ ما خَلَقَ اللهُ»(۲)

ص: ۵۰۹

۱- نور ولایت ، ص ۲۰ و ۲۱

۲- بحار، ج ۲، ص ۳۹

بندگان خدا خویشتن را در معرض دعای امیر المومنین علی علیه السلام قرار دهید مبادا مورد

نفرین او واقع شوید که اگر چه کارهای نیکش برابری با شماره تمام مخلوقات کند

خداوند او را هلاك خواهد کرد همان طور که برای هر کس دعا کند سعادتمند می شود

اگر چه گناهانش به اندازه تمام مخلوقات باشد

ص: ۵۱۰

حرف – ه_:

۸۲. هلاکت برای دشمنانتان حتمی است :

«هَلَکَ مَن عاداکُم و خابَ مَن جَحَدَکُم »:

هر که با شما دشمنی کند هلاك خواهد شد و هر که شما را انکار کند گرفتار خسران و زیان خواهد شد

در فصل های گذشته به عنوان فوق تا حدی پرداخته ایم اما به علت اهمیت موضوع در این فصل نیز هشدار می دهیم همان طور که در عبارت جامعه آمده بود هر که با خاندان عصمت و طهارت به هر نحوی دشمنی ورزد و بغض ایشان را در دل داشته باشد نابود دنیا و آخرت است و گرفتار ضرر و زیانی شده که هیچ چیزی آن را جبران نمی کند

از امام باقر علیه السلام روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم فرمود:

«مَن اَحَبَّ اَن یُحیی حَیاةً تَشبَهُ حَیاةَ الانبیاءِ و یَموتُ میتَةً تَشبَهُ میتَةَ الشُّهَداءِ و یُسکَنُ الجَنانُ الَّتی غَرَسَها الرَّحمنُ فَلیَتَوَلِّ عَلیّاً و لیُوالِ ولیَّهُ ولیَقتَدِ بِالأئِمَّهِ مِن بَعدِهِ فَاِنَّهُم عِترَتی خُلِقوا مِن طینَتی اللّهُمَّ ارزُقنی فَهمی و عِلمی و وَیلٌ لِلمُخالفینَ لَهُم مِن اُمَّتی اللّهُمَّ لا تَنِلهُم شَفاعَتی»(۱)

هر کس دوست دارد زندگی و حیاتش به زندگی انبیا شبیه باشد و مرگش همانند مرگ شهدا و جایگاهش در آخرت در بهشت آنچنان باشد که خداوند آن را غرس

۱- کافی، ج ۱،ص ۲۰۸

نموده باید علاقه مند به علی علیه السلام و دوستان او باشد و به امامان بعد او اقتدا کند زیرا که آن ها عترت من هستند آن ها از طینت و سرشت من خلق شده اند خداوندا فهم و علم مرا به آن امامان عنایت فرما پس وای بر مخالفین ایشان از امت من پروردگارا شفاعت مرا شامل حالشان مفرما

و نیز همان بزرگوار فرمود:«و اِنَّ الرُّوحَ وَالرّاحَهَ و الفَلاحَ و العَونَ و الجِناحَ و البَرَکَهَ و الکَرامهَ و المَغفرَهَ و المُعافاهَ و السَّیرَ و البُشری و الرِّضوانَ و القُربَ و النَّصرَ و التَّمَکُّنَ و الرَّجاءَ و المَحبَّهَ مِنَ اللهِ عزَّوجلَّ لِمَن تَوَلّی عَلیاً و أتَمَّ بِهِ و بَریءٌ مِن عَدوِّهِ و سَلَّمَ لِفَضلِهِ و لِلأوصیاءِ مِن بعدِهِ حَقّاً عَلَیَّ اَن أدخُلَهُم فی شَفاعَتی و حَقّاً عَلی رَبّی تَبارکَ و تَعالی اَن یَستَجیبَ لی فیهِم »(۱)

روح و راحتی، رستگاری، اعانت، پیروزی، برکت، کرامت، مغفرت، عافیت، آسانی، بشارت، رضوان، تقرّب، یاری، تمکن، امید و محبت از خداوند بزرگ همه و همه در سایه ی تولای علی بن ابی طالب علیه السلام و اقتدا به آن حضرت و تبرّی و نفرت از دشمنان اوست

و نیز پذیرفتن فضائل او و جانشینان بعد از او جانشینان بعد از او بر من رسول الله سزاوار است که از این افراد شفاعت کنم و سزاوار است که خداوند شفاعت مرا درباره دوستان علی و اولادش قبول نماید

شک نیست که یکی از علائم روشن نفاق و منافق بغض علی و اولاد معصوم آن حضرت علیهم السلام است و خداوند هم وعده داده که :

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا »(۲)

منافقین در پست ترین نقطه جهنم هستند و برای آنان یاوری نخواهی یافت

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ذیل آیه شریفه«أَلَا إِنَّهُمْ یَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِیَسْتَخْفُوا مِنْهُ»(۳)

بدانید که آن ها دل له ملایمت و عطوفت می دهند تا حال خویش از خدا مخفی کنند

۱- کافی، ج ۱،ص ۲۰۸

۲- نساء/ ۱۴۵

۳- هود/ ۵

می فرماید:«اِنَّ آیَهَ المُنافِقِ بُغضُ عَلیٍّ و کانَ قَومٌ یَظهَرونَ المَوَدَّهَ لِعَلیٍّ عِندَ

النَّبیِّ صلی الله علیه و اله و سلم و یُسِرّونَ بُغضَهُ»(۱)

نشانه ی منافق بغض علی علیه السلام است عده ای هستند که در نزد پیامبر اظهار دوستی نسبت

به علی علیه السلام می کنند ولی در باطن و در دل بغض او را دارند

و امام صادق علیه السلام در ذیل آیه:«إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ »(۲)

آن ها که کافر شده و ستم کدره اند خدا در معرض آن نیست که بیامرزدشان یا به

راهی هدایتشان کند

فرمود:«اِنَّ الَّذینَ کَفَروا و ظَلَموا آلَ محمدٍ حَقَّهُم لَم یَکُنِ اللهُ لِیَغفِرَ لَهُم»(۳)

آن ها کافر شده و در حق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ستم کرده اند خداوند آن ها را نخواهد

آمرزید

و نیز آن حضرت در ذیل آیه:

«یُرِیدُونَ أَنْ یُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَیَأْبَی اللَّهُ إِلَّا أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ »(۴)

می خواهند نور خدا را به دهان های خویش خاموش کنند و خدا نمی خواهد جز

آنکه نور خویش آشکار کند و گرچه کافران کراهت داشته باشند

فرمود:«و قَد ذَکَرَ شَقَّ فِرعونِ بُطونَ الحَوامِلِ فی طَلَبِ موسی کَذالکَ بَنو اَمَیَّهَ

و بَنو العَبّاسِ لَمّا اَن وَقَفوا عَلی اَنَّ زَوالَ مُلکِ الاُمَراءِ و الجَبابِرَهِ مِنهُم عَلی یَدِ

القائِمِ ناصَبونا العَداوَهَ وَضَعوا سُیوفَهُم فی قَتلِ اَهلِ بیتِ رسولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم و اِبادَهِ

نَسلِهِ طَمَعاً منهُم فی الوُصولِ اِلی قَتلِ القائِمِ علیه السلام عَأبی اللهُ اَن یَکشِفَ أمرَهُ لِواحِدٍ

مِنَ الظَلَمَهِ اِلّا اَن یُتِمَّ نورَهُ و لَوکَرِهَ المُشرِکونَ»(۵)

۱- تفسیر صافی، ص ۲۴۵

۲- نساء/ ۱۶۸

۳- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵

۴- توبه/ ۳۲

۵- تفسیر صافی، ص ۲۳۰

همان طور که فرعون برای دست یافتن به موسی شکم زنان باردار را درید تا موسی را

از بین ببرد بنی امیه و بنی عباس در پی از بین بردن حضرت قائم آل محمد علیهم السلام بودند زیرا

این را می دانستند که نابودی ستمگران و زورمندان به دست ایشان است بنی امیه و

بنی عباس همه دشمنی و عداوتشان نسبت به ما کشیدن شمشیر بروی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

و کشتن آن ها به این منظور بود که در میان اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قائم و مهدی

موعود علیه السلام را بکشند تا آنچه درباره ی آن حضرت شنیده بودند واقع نگردد اما خداوند

امر او را به احدی از ستمگران فاش نفرمود. جز آنکه نورش را کامل کند اگرچه

مشرکان کراهت داشت باشند

و از امام کاظم علیه السلام در ذیل آیه:

«هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ

الْمُشْرِکُونَ »(۱)

خداست که پیغمبر خویش را با هدایت و دین حق فرستاده تا وی را بر همه دین ها

غالب کند و گرچه مشرکان کراهت داشته باشند.

فرمود:« هُوّ الَّذی اَمَرَ رَسولَهُ صلی الله علیه و آله و سلم بِالوِلایَهِ لِوَلایَّهِ لِوَصِیِّهِ و الوِلایَهُ هِیَ دینُ

الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلی جَمیعِ الادیانِ عِندَ قیامِ القائِمِ علیه السلام و اللهُ مُتِمِّ وِلایَهُ القائِمِ و لَوکَرِهَ

الکافِرونَ بِوِلایَهِ عَلیٍّ علیه السلام»(۲)

خداوند امر کرد رسولش را به ولایت علی بن ابی طالب وصیش و البته ولایت همان

دین حق است تا در هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام بر جمیع ادیان غالب آید و خداست

کامل کننده ی ولایت قائم اگر چه کافران از ولایت علی علیه السلام کراهت داشته باشند

۱- توبه/ ۳۳

۲- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۲۱

حرف – ی:

۸۳. یاد شما هماره در زبان ذاکرانتان است:

«ذِکرُکُم فی الذّاکرینَ»:

یاد و ذکر شما در زبان ذاکرانتان است

هر محفلی که یاد اهل بیت علیهم السلام شود نورانی و مورد توجه پروردگار متعال و فرشتگان است

به این عبارات پایانی حدیث شریف و گرانقدر کساء توجه کنید:

«فَقالَ النَّبِیُّ وَالَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ نَبِیّاً وَاصْطَفانی بِالرِّسالَهِ نَجِیّاً ما ذُکِرَ خَبَرُنا هذا فی مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اَهْلِ الاَرْضِ وَفیهِ جَمْعٌ مِنْ شَیعَتِنا وَمُحِبّینا اِلاّ وَنَزَلَتْ عَلَیْهِمُ الرَّحْمَهُ وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلاَّئِکَهُ وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ اِلی اَنْ یَتَفَرَّقُوا فَقالَ عَلِیٌّ اِذاً وَ اللَّهِ فُزْنا وَ فازَ شیعَتُنا وَ رَبِّ الْکَعْبَهِ فَقالَ النَّبِیُّ ثانِیاً یا عَلِیُّ وَالَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ نَبِیّاً وَاصْطَفانی بِالرِّسالَهِ نَجِیّاً ما ذُکِرَ خَبَرُنا هذا فی مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اَهْلِ الاَرْضِ وَ فیهِ جَمْعٌ مِنْ شیعَتِنا وَمُحِبّینا وَفیهِمْ مَهْمُومٌ اِلاّ وَ فَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ وَ لا مَغْمُومٌ اِلاّ وَ کَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ وَلا طالِبُ حاجَهٍ اِلاّ وَ قَضَی اللَّهُ حاجَتَهُ فَقالَ عَلِیٌّ اِذاً وَاللَّهِ فُزْنا وَ سُعِدْنا وَکَذلِکَ شیعَتُنا فازُوا وَسُعِدُوا فِی الدُّنْیا وَالاْخِرَهِ وَرَبِّ الْکَعْبَه»(۱)

ص: ۵۱۵

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سوگند به آن خدایی که مرا به جهت پیامبری فرستاده و مرا برگزیده برای رسالت تا

خلق را نجات بخشم

ذکر نمی شود این خبرها در مجلسی از مجالس اهل زمین که در آن جمعی از دوستان

ما و پیروان ما باشند مگر آنکه نازل می شود برایشان رحمت الهی و فرشتگان اطرافشان

جمع می گردند و برایشان طلب آمرزش می نمایند تا آن مجلس ذکر را ترک کنند

آنگاه علی علیه السلام عرض کرد در این هنگام سوگند به پروردگار ما رستگار شدیم و

رستگار شدند پیروان ما قسم به خدای کعبه

سپس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برای بار دوم فرمود: ای علی قسم به آن کسی که مرا به حق به

پیغمبری فرستاده و برای نجات مردم رسالت را به من داده ذکر نمی شود این خبرها در

مجلسی از مجالس اهل زمین که در او جمعی از دوستان و پیروان ما باشند و در بین

آن ها باشند کسانی که همّ و غمی مگر آنکه خداوند در برطرف فرماید همّ او را و هر

غم زده ای مگر آنکه از بین ببرد غم او را و هر صاحب حاجتی مگر آنکه برآورده سازد

حاجت او را

در این هنگام علی علیه السلام عرض کرد قسم به پروردگار رستگار شدیم و سعادت یافتیم و

نیز شیعیان ما رستگار شدند و سعادت یافتند در دنیا و آخرت قسم به پروردگار کعبه

گاهی دیده شده بعضی از سخنرانان در حوزه دین و اخلاق متاسفانه از همه کس و

همه چیز سخن می رانند ولی در لابلای گفتارشان یک قال الباقر و قال الصادق علیهما السلام

شنیده نمی شود این نهایت کم لطفی و بی توفیقی است برای افراد است گرچه کوه علم

باشند زیرا سخنی که متأثر از کلام وحی و عترت نباشد بی پایه و سست است بدین علت

که جان کلام و حقیقت فضایل دینی و اخلاقی را باید از قرآن شریف و کلام معصوم فراگرفت.

حقیر معتقدم منبر و سخنرانی که جای خود دارد حتی دوستان هم کیش و هم عقیده

ص: ۵۱۶

وقتی دور هم می نشیند تلاش کنند در بین سخنانشان یک حدیث هم از معصوم علیه السلام روایت کنند تا جمعشان نورانی شود

یکی از آثار خوب و ارزشمند انس با اهل بیت علیهم السلام حالا تحت هر عنوانی باشد مثل ذکر مصائب ایشان و توسلات سنتی که بحمدالله در میان شیعه و به ویژه ایرانی ها متداول است و انشاءالله که رو به ضعف و نقصان نرود دستگیری آن بزرگواران از کسانی است که در دنیا به یاد این عزیزان بوده اند

امام رضا علیه السلام می فرمود:

«مَن تَذَکَّرَ مُصابَنا و بَکی لِما ارتَکَبَ مِنّا کانَ مَعَنا فی دَرَجَتِنا یَومَ القیامَهِ و مَن ذَکَّرَ بِمُصابِنا فَبَکی و اَبکی لَم تَبکِ عَینهِ یَومَ تَبکی العُیون و مَن جَلَسَ مَجلِساً یُحیی فیهِ اَمرُنا لَم یَمُت قَلبهُ یَومَ یَموتُ القُلوبِ»(۱)

هر کس ذکر مصائب ما را بنماید و برآنچه به ما وارد شده اشک بریزد روز قیامت در رتبه ما خواهد بود و هر کس مصائب ما را متذکر شود و بگرید و بگریاند در روزی که همه چشم ها گریان است دیدگانش گریان نخواهد بود و هر کس در مجلسی از مجالسی که امر ما اهل بیت و امامان اِحیاء می شود بنشیند دلش زنده و جاوید خواهد بود روزی که همه قلب ها مرده است و باز ثمره یاد و ذکر اهل بیت این است که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

شخص مومن وقتی از دنیا می رود در هنگامی که او را از منزلش خارج می کنند ملائکه از خداوند برای او طلب رحمت کرده و تا نزد قبرش او را تشییع می کنند زمین به او می گوید: مرحبا و اهلاً و سهلاً قسم به خدا که تو بهترین هستی که در من قرار می گیری زمین برای او فراخ می شود و دو فرشته منکر و نکیر به حضورش می رسند در

این هنگام روحش به او ملحق می شود و برخاسته و می نشیند تا به سوالات مورد نظر

پاسخ دهد نکیر و منکر از او سوال می کنند که پروردگار تو کیست؟ می گوید: الله

می پرسند پیامبر تو کیست؟ می گوید: محمد صلی الله علیه و آله و سلم می گویند: دین تو چیست؟ می گوید:

۱- امالی صدوق، مجلس ۱۷

اسلام می پرسند امام تو کیست؟ پاسخ می دهد علی علیه السلام و در این موقع ندا دهنده ای از آسمان ندا می دهد که بنده من راست می گوید قبرش را به بهشت متصل و لباس بهشتی بر تنش کنید و دربی از بهشت به قبرش باز نمایید تا بسوی ما آید و به آنچه خیر در نزد ما است نایل آید سپس به او گفته می شود بیارام آرامیدنی که هیچ مشقت و سختی در آن نیست و این همان کلام خداست که فرمود:«يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَيَاهِ الدُّنْيا»(۱)

خدا کسانی را که ایمان آورده اند به گفتاری استوار در زندگی دنیا و در دنیای دیگر استواری دهد حضرت صادق فرمود: یعنی در هنگام مرگ«و فِی الآخِرَهِ» فرمود: در قبرش.(۲)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سفارش می فرمود:

«زَيِّنوا مَجالِسَكُم بِذِكرِ عليٍّ بنِ ابيطالِبٍ»(۳)

مجالس و محافل خود را با یاد و نام فضائل امیر المومنین علی علیه السلام زینت بخشید

امام صادق علیه السلام فرمود:

شما دوستان ما – در مجالس و محافل ما می نشینید و گفتگوی فضائل و مصائب ما را می نمایید؟ روای می گوید: آری فدایت شوم

فرمود: این مجالس مورد علاقه من است تا آن را اهمیت بدهید و امر ما را در آن محافل زنده کنید و اگر کسی در چنین مکان هایی یاد ما کند و یا دیگری یاد کند و او مستمع باشد و از دیدگانش به اندازه ی بال مگسی اشک جاری شود خداوند تبارک و تعالی گناهانش را می آمرزد.(۴)

ابن هارون مکفوف می گوید : امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای اباهارون مرثیه ای

درباره حسین علیه السلام برایم بخوان

من هم شعری درباره ی حضرت حسین علیه السلام و مصائبش خواندم؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

همان گونه بخوان که در محافل خود می خوانید یعنی با رقّت و سوز باشد ابی هارون

ص: ۵۱۸

۱- ابراهیم /۲۷

۲- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۱۵

۳- بحار،ج ۳۸، ص ۱۹۹

۴- ثواب الاعمال، ص ۱۰۹

می گویدشعر می خواندم امام علیه السلام گریه کرد سپس فرمود: بیشتر بخوان من هم قصیده ای خواندم آن گرامی می گریست زن های پشت پرده گریستند. آنگاه فرمود: ای اباهارون هر کس درباره حضرت حسن علیه السلام شعری بسراید و اشک بریزد و ده نفر را بگریاند برای همه آن ها بهشت مقرر می گردد و هر که درباره حسین علیه السلام شعری بسراید و بگرید و پنج نفر را بگریاند بهشت برایشان نوشته می شود و هر که درباره ی حضرت حسین علیه السلام شعری بگوید و خود بگرید و یک نفر را نیز بگریاند هر دو اهل بهشتند و هر کس به تنهایی ذکر مصائب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را بنماید و چشمانش به اندازه ی بال مگسی تر شود ثوابش با خداست و البته خداوند کم تر از بهشت را راضی نخواهد شد.(۱)

اینکه مومن توفیق پیدا کند نام و یاد اهل بیت علیهم السلام را به هر بهانه ای زنده نگهدارد هماره در حال عبادت است حالا با شرکت در مجالسی باشد که مناقب و فضائل آن گرامیان مطرح می شود و یا از مصائب و اندوهی بر آن ها دشمنان روا داشتند گفتگو شود و یا موفق به زیارت قبور مطهرشان گردد همگی مورد پسند خدا و رسول و خاندان پیامبر است و حفظ این ارتباط سبب ارتقاء معنوی و نورانیت دل می گردد. و همان طور که در گفتار امام صادق علیه السلام ملاحظه نمودید پاداشی جز بهشت را همراه ندارد در پایان این مجموعه یک دعا می کنم و امید وارم که آمین آن را ولی نعمتمان امام عصر روحی له الفدا بگوید چرا که اگر آن نازنین آمین بگوید صددرصد مستجاب است و آن دعا این است

«خدایا ارتباط ولایتی ما و نسل ما را تا قیامت با محمد و آل محمد علیهم السلام قطع مفرما و آنچه را که نوشتیم مقبول درگاهت قرار ده»

«این کتاب صبح روز شهادت مولایمان امیر المومنین علی علیه السلام سال ۱۴۳۴قمری برابر با

سال ۱۳۹۲ به پایان رسید و سخن نخست آن در سالروز شهادت رئیس مذهب حقّه

امام جعفر صادق علیه السلام نگاشته شده

ص: ۵۱۹

۱- ثواب الاعمال، ص ۱۱۳

اسناد زیارت جامعه کبیره

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج ۲، ص ۲۷۲

۲. مَن لا یحضره الفقیه، ج ۲،ص ۴۵۳

۳. تهذیب الأحکام، ج ۶،ص ۹۵

۴. المزار الکبیر، ص ۷۵۳

۵. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۷

۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۴۱۶

مرحوم علامه مجلسی در بحار، ج ۹۹، ص ۱۴۴ می گوید: زیارت جامعه کبیره از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت بهترین زیارت است

پدر بزرگوارش علامه محمد تقی مجلسی فرموده که این زیارت احسن و اکمل زیارات در باره معصومین علیهم السلام است نقل از کتاب روضه المتقین، ج ۵،ص ۴۲۴ و ۴۵۱

طبق نقل رئیس المحدّثین ابی جعفر الصدوق علیه الرحمه : روی محمد بن اسماعیل البرمکی قال: حَدَّثَنا موسی بن عبدالله النخعی قالَ: قُلْتُ لعلیّ بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

عَلِّمَنی یَابنَ رَسولُ اللهِ قولاً اَقولُهُ بَلیغاً اِذا زُرتُ واحداً منکُم فَقال:

محمد بن اسماعیل برمکی روایت کرد که موسی بن عبدالله نخعی برای ما حدیث نمود که به خدمت امام علی النقی فرزند امام جواد فرزند امام رضا فرزند موسی بن جعفر

فرزند امام صادق فرزند امام باقر فرزند امام سجاد فرزند امام حسین فرزند امیر المومنین

علی علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم ای پسر رسول خدا مرا تعلیم فرما زیارتی با بلاغت

که کامل باشد که هرگاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم بخوانم:

آنگاه امام هادی علیه السلام زیارت جامعه کبیره را به او تعلیم دادند

ص:۵۲۲

فهرست منابع تحقیق

۱. قران کریم

۲. نهج البلاغه سید شریف رضی

۳. فاطمه الزهراء مِنَ المهد الی اللحد

۴. صحیفه کامله سجادیه

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام

۶. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام

۷. تفسیر مجمع البیان مرحوم طبرسی

۸. تفسیر المیزان علامه طباطبایی

۹. تفسیر برهان سید هاشم بحرانی

۱۰. تفسیر فرات کوفی

۱۱. تفسیر صافی مرحوم فیض کاشانی

۱۲. تفسیر قمی

۱۳. تفسیر نور الثقلین

۱۴. تفسیر عیاشی

۱۵. تفسیر درّ المنثور سیوطی

۱۶. بحار الانوار علامه مجلسی

۱۷. القطره، مرحوم مستنبط

۱۸. کمال الدین مرحوم صدوق

۱۹. امالی صدوق

۲۰. توحید صدوق

۲۱. معانی الاخبار صدوق

۲۲. علل الشرایع صدوق

۲۳. ثواب الاعمال صدوق

۲۴. خصال صدوق

۲۵. وسایل الشیعه، شیخ حرّ عاملی

۲۶. اصول و فروع و روضه کافی مرحوم کلینی

۲۷. قصص الانبیاء

۲۸. امالی شیخ مفید

۲۹. ارشاد شیخ مفید

۳۰. اختصاص شیخ مفید

۳۱. امالی شیخ طوسی

۳۲. مصباح المتهّجد شیخ طوسی

۳۳. نفس المهموم محدث قمی

۳۴. سفینه البحار محدث قمی

۳۵. مفاتیح الجنان محدث قمی

۳۶. منتهی الآمال محدث قمی

۳۷. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

۳۸. تاریخ شیعه

۳۹. تاریخ بغداد

۴۰. تاریخ دمشق

ص: ۵۲۴

۴۱. نهج الشهاده شهید شیرازی

۴۲. کفایه الاثر

۴۳. مناقب ابن شهرآشوب

۴۴. احتجاج مرحوم طبرسی

۴۵. احقاق الحق شهید ثالث

۴۶. اربعین شیخ بهایی

۴۷. کلمه طیبه

۴۸. غرر الحکم

۴۹. تحف العقول

۵۰. مشارق الانوار

۵۱. کشف الغمّه

۵۲. اقبال الاعمال

۵۳. ینابیع الموده قندوزی

۵۴. صراط مستقیم سید مرتضی

۵۵. الثاقب فی المناقب

۵۶. سرّ الصلوه

۵۷. جامع السادات

۵۸. کنز العمال

۵۹. مصباح الشریعه

۶۰. فضائل الخمسه

۶۱. بشاره المصطفی

۶۲. محاسن برقی

۶۳. لطائف الطوائف

ص: ۵۲۵

۶۴. انوار نعمانیه

۶۵. روضات الجنان

۶۶. بصائر الدّرجات

۶۷. مناقب خوارزمی

۶۸. غایه المرام

۶۹. فلاح السائل

۷۰. تنبیه الخواطر

۷۱. ارشاد دیلمی

۷۲. صحیح مسلم

۷۳. مستدرک الوسائل

۷۴. مفردات راغب

۷۵. قرب الاسناد

۷۶. الغدیر، علامه امینی

۷۷. جامع الاخبار

۷۸. مسند ابن حنبل

۷۹. مکارم الاخلاق طبرسی

۸۰. سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم علامه طباطبایی

۸۱. لهوف سید بن طاووس

ص: ۵۲۶

برگی از متن کتاب

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی فردای قیامت که می شود من و تو و جبرئیل بر کنار

پل صراط می نشینیم هیچ کس حق عبور از صراط را ندارد مگر آنکه همراهش برات

ولایت تو (که برگه ی عبور است) داشته باشد(۱)

ابن عباس می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم عرض کردم آیا بر گذر از جهنّم برگه عبور لازم

است فرمود: آری عرض کردم آن چیست؟

فرمود: لا اله الّا الله محمدٌ رسولُ الله علیٌّ ولیُّ الله(۲)

و نیز فرمود: معرفت به مقام والای آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم برات آزادی از آتش جهنّم است

و دوستی آن بزرگواران جواز عبور از پل صراط و ولایت آن سروران امان از عذاب

الهی است .(۳)

ص:۵۲۷

۱- بحار، ج ۸، ص ۷۰

۲- تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۶۱

۳- ینابیع الموده، ص ۲۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹